



برگزیده مقالات کتاب های



شماره ۱-۷

جلد دوم



مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش

عنوان کتاب: برگزیده مقالات کتاب‌های فروغ مسجد شماره ۱-۷، جلد دوم

کتاب سال مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

طراح جلد: محمدجواد زهادت

صفحه آرای: سیدمهدی حسینی

نوبت چاپ: اول، مرداد ماه ۹۳

ناشر: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

نشانی: قم، ۴۵ متری آیت‌الله صدوقی رحمته الله علیه، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

کد پستی: ۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن: ۳۶ - ۳۲۹۲۳۸۳۵ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۲۹۲۳۸۳۷ - ۰۲۵

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اسراء

نشانی اینترنتی: www.masjed.ir

مراکز پخش:

۱. قم، ۴۵ متری آیت‌الله صدوقی رحمته الله علیه، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

۲. تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان سعدی شمالی، کوچه صفامنش

مجتمع محراب، مرکز رسیدگی به امور مساجد/ تلفن: ۴-۴۱۶۶۳۴۶۹-۰۲۱

فهرست

مقدمه ۷

مسجد و خانواده - شماره ۱

■ بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در حوزه خانواده

عباسعلی شاملی، ش. یوسفی ۱۰

■ نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی مسجد در جذب خانواده‌ها

حسین اسلام‌پورکریمی ۳۵

■ مسجد و خانواده

سید تقی واردی ۶۰

■ شاخصه‌های خانواده اهل مسجد

محمدحسین مردانی نوکنده ۸۳

■ کودک و مسجد

سید حسن خاکپور ۱۰۳

■ بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد

علی اکبر گندمکار ۱۵۰

■ حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت براساس آموزه‌های دینی

عسکری اسلام‌پورکریمی ۱۷۱

■ بررسی احکام فقهی حضور زنان در مسجد

عسکری اسلام‌پورکریمی ۲۱۸

■ گستره وظایف زن در خانواده

عزت السادات میرخانی ۲۴۰

مسجد نوجوانان و جوانان - شماره ۲

■ نقش مسجد در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان

۲۶۰..... علی اکبر عبادی نیک

■ نقش مساجد در تربیت دینی جوانان

۲۷۷..... رامین نوظهوری و سمیه رسولی

■ عوامل و موانع جذب مردم، به ویژه نوجوان و جوانان به مساجد

۲۸۹..... فاطمه تویسرکانی راوری

■ مسجد و مشارکت جوانان در آن

۳۱۳..... محسن محمدی

مدیریت مسجد - شماره ۳

■ مدیریت مسجد؛ مبانی، مبادی و ضرورت‌ها

۳۴۳..... سید عبدالله حسینی

■ تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد

۴۱۱..... رسول عباسی

■ مسجد، محلی برای برنامه‌ریزی شهری در چشم‌انداز ۱۴۰۴

۴۶۰..... محمد کرمی و رهام جباری

■ مسجد مجازی، بایسته چشم‌انداز بیست ساله ایران اسلامی

۴۷۳..... یحیی جهانگیری سهروردی

■ ویژگی‌های مدیریت فرهنگی در مساجد

۴۹۴..... سید علی هاشمی

■ نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای

۵۱۷..... سعید اسدی

■ علل کارآمدی و موفقیت مدیریت مساجد در کشور سنگاپور (از دیدگاه خرد و کلان)

۵۳۳..... محمد علی موظف رستمی

مقدمه

هو العليم

نگاه تمدنی مقام معظم رهبری در طول دو دهه گذشته نشان از اهمیت این موضوع در منظومه فکری ایشان دارد. چنانچه معظم له در نظر و عمل تأکید فراوانی بر جهت گیری تمام فعالیت های دولت و ملت، به سمت دستیابی به تمدن نوین اسلامی داشته و دارند. چنانچه می فرمایند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد.» (۹۲/۶/۱۴)

پیشرفت های علمی که در طول چند دهه اخیر در فضای علمی و صنعتی کشور به دست آمده و تبدیل شدن ایران به قطب اول اقتصادی منطقه خاور میانه به طور واضح گویای این مطلب است که به فرموده معظم له بعد سخت افزاری تمدن حاصل شده است. (۹۱/۷/۲۳) و نشان دهنده جهت گیری دقیق و درست مسئولان کشور به سمت این بعد از تمدن می باشد. چنانچه با مشاهده تاریخ نیز می بینیم که بعد سخت افزاری یعنی پیشرفت های علمی در تمدن اسلامی و کل جهان بسیار چشم گیر بوده و یکی از پایه های اساسی آن تمدن درخشان در فرهنگ اسلامی بوده است.

لیکن این همه، آن آرمان بلند نیست، چنانچه رهبری عظیم الشان می فرمایند: «اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است...» (۹۱/۷/۲۳)

توجه به بعد فرهنگی تمدن یا بعد نرم افزاری آن طبق فرموده ایشان مهم تر از بخش سخت افزار است و در صورت دستیابی به آن، تمدن حقیقی تشکیل می شود. اما مع الأسف این مهم هنوز محقق نشده است. به طور واضح تر پیشرفت های علمی اصلاً قابل قیاس با پیشرفت های فرهنگی نیست که نشان از ضعف و عدم توجه مسئولان و نهادهای متولی به مقوله فرهنگ و سبک زندگی است.

در سبک زندگی اسلامی (به عنوان پایه و اساس و نرم افزار تمدن اسلامی) مسجد، محور و هسته فعالیت های فردی و اجتماعی است و به شهادت تاریخ، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام تمام شووَن مدیریت جامعه از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و ... را در مسجد سامان می دادند. امروز نیز در مسیر نیل به قله رفیع تمدن نوین اسلامی، مهم ترین تکیه گاه و نقطه عزیمت، مسجد است

و آن هم نه هر مسجدی. بلکه این مسجد طراز اسلامی است که می‌تواند از عهده این رسالت خطیر برآید و پرچمدار ترویج و تبیین سبک زندگی اسلامی و چراغ راه حرکت به سمت تمدن والا و بی‌بدیل مورد نظر رهبری عظیم الشان باشد.

«خانه خدا و خانه مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دو گانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد.

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند، مسجد مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام است ... تا این وظیفه به تمام و کمال گزارد نشده، هیچ یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.» (پیام مقام معظم رهبری علیه‌السلام به اجلاس سراسری نماز، مهر ۱۳۸۹)

مرکز رسیدگی به امور مساجد، تبیین ملاک‌ها و شاخصه‌ها و همچنین تحقق مساجد طراز اسلامی را به عنوان یکی از راهبردهای ویژه خود در دستور کار قرار داده و بر آن است تا بسترها و زمینه‌های مناسب برای رقم خوردن این اتفاق مبارک را فراهم نماید.

مجموعه مقالات حاضر که در قالب کتاب سال مرکز و با عنوان فروغ مسجد تدوین گردیده‌اند، گزیده‌ای است از بهترین مقالات گردآوری شده در کتاب‌های فروغ مسجد (از شماره ۱ تا ۷) و تلاشی است در جهت تبیین نقش و جایگاه مسجد در بعد نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی. امید است در نظر فرهیختگان ارجمند به ویژه ائمه محترم جمعه و جماعات مقبول افتد.

لازم است از زحمات خالصانه نویسندگان گرانقدر و همکاران عزیز در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشیم.

مشتاقانه در انتظار راهنمایی‌ها و پیشنهادات سازنده شما سروران گرامی هستیم.

جعلنا الله من عامری مساجد الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی



مسجد
و خانوادہ

شماره ۱۵

بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در حوزه خانواده

عباسعلی شاملی، ش. یوسفی

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در حوزه خانواده است. نویسنده تلاش کرده تا ابتدا کارکردهای مسجد از منظر قرآن و سیره نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را بازشناسی کند و سپس نقش سازنده و جهت‌دهنده آن را در تحکیم نظام خانواده مورد بررسی قرار دهد. نگارنده بر این باور است که آموزه‌های دینی، پیوند جدی و عمیق خانه و مسجد را از جمله پیش‌نیازهای تعالی و ارتقای دین‌باوری و التزام عملی شهروندان هر جامعه اسلامی و پرورش بهینه مسلمانان می‌داند. در فرهنگ اسلام، مسجد همانند خانه دوّم و پناهگاهی است که هر مسلمان بخش عمده‌ای از زندگی خود را در آن می‌گذراند. از جنبه‌های دیگری که در این نوشتار به آن پرداخته شد، نقش‌هایی است که مسجد در تحکیم خانواده ایفا می‌کند و اقدام‌هایی که خانواده‌ها، در راستای کشاندن اعضای خود به خانه دوّم، باید انجام دهند.

واژگان کلیدی:

مسجد، خانه، خانواده، الگوی تربیت و آموزش در مسجد، کارکردهای مسجد و خانواده نمونه، تعامل مسجد و خانواده.

اگر در مقام روان‌شناسی مسلمان و کارشناس تعلیم و تربیت اسلامی به مسئله نقش مسجد در تحکیم خانواده بپردازیم، در آن صورت برای باز کردن دریچه پژوهش در این باره و هموار کردن راه پژوهش‌های برتر و کامل‌تر در باب نقش مسجدها در ارتقای زندگی خانوادگی مسلمانان ایران و دیگر کشورهای اسلامی، گامی کوچک برداشته‌ایم. این امید باعث شد تا من و همسرم، سرکار خانم یوسفی، مقاله‌ای در این باره بنویسیم. در نتیجه، کار را با جست‌وجوی منابع‌ها و داده‌های مفید شروع کردیم. نخست، سراغ منابع‌های اینترنتی رفتیم و به مقاله جالبی برخوردیم که درست عنوان مقاله ما را دنبال می‌کرد، مقاله‌ای از کشور سنگاپور با عنوان «راهنمایی برای دستیابی به مسجدی که بتواند دوست مهربانی برای خانواده باشد».^۱

مفهوم‌شناسی مسجد

واژه مسجد از باب «سجد، یسجد»، مصدر میمی یا اسم زمان و مکان است و بر وزن مشرق و مغرب و به معنای سجده‌گاه است.^۲ در قرآن کریم و تمدن اسلامی، مسجد به مکانی گفته می‌شود که عبادتگاه مؤمنان است. از آن روی، به عبادتگاه مسلمانان مسجد می‌گویند که سر به سجده نهادن، نمود اوج فروتنی و کرنش در برابر خداوند است. در روایات اسلامی، همه زمین، مسجد و سجده‌گاه انسان است. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا»^۳، زمین برای من سجده‌گاه، پاک و پاک‌کننده قرار داده شد. قاضی عیاض گفته است: «مسجد بودن کلّ زمین از خصایص امت مسلمان است».^۴ در برخی دیگر از روایت‌ها، مسجد خانه دوم مسلمانان و تثبیت‌کننده فرهنگ جمع‌گرایی و پرهیز از خودمحوری بیان شده است.^۵ واژه‌ها، ضمیرها و فعل‌های به کار رفته در سوره حمد نیز که در نمازهای روزانه تکرار می‌شود، به‌طور ضمنی، پنهان و غیرمستقیم، مسلمانان را به جمع‌گرایی و پرستش جمعی فرا می‌خواند.

نخستین مسجد در اسلام

مسجد قبا، نخستین مسجد جهان اسلام است که بیرون شهر مدینه قرار دارد. نخستین سنگ‌های این مسجد را حضرت محمد ﷺ پس از مهاجرت از مکه به مدینه بنا گذاشتند. قبا، نام قریه‌ای در نزدیکی مدینه

۱. "Guide on becoming a family-friendly mosque", Ms Dayang Istiaisyah, Executive, Mosque Programmes Strategic Unit.

۲. لسان العرب، واژه مسجد، برگرفته از لوح فشرده جامع الاحادیث، نور ۲، قم، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۱.

۴. اعلام المساجد با احکام المساجد، ص ۲۷.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴.

بود. پیامبر گرامی ﷺ این مسجد را در سال اول هجری و به پیشنهاد عمار یاسر یا به تقاضای ساکنان محل، در قبا بنا کردند.^۱ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَسَجِدُ أُتَسَّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا لِلَّهِ يُحِبُّ الْمُتَّطِّهِينَ؛ همانا، مسجدی که از اولین روز بر اساس تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن نماز بگزارای. در آن، کسانی هستند که دوست دارند پاکیزگی جویند. خداوند کسانی را که خواهان پاکیزگی هستند، دوست میدارد».^۲

مسجد در قرآن

کلمه مسجد، حدود ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده است؛ ۲۲ بار به صورت مفرد (مسجد)، و ۶ بار به صورت جمع (مساجد).^۳ برای ما مسلمانان، مهم‌ترین معیار در ارزش‌گذاری مسجدها، توصیف‌ها و شاخص‌گذاری‌های قرآن کریم است. شاید از خود بپرسیم که چگونه مسجد به مسجدی قرآنی و مورد قبول خدای متعال تبدیل می‌شود؟ یکی از پاسخ‌ها این است که بنیان‌گذاران، اداره‌کنندگان، خدمتگزاران و نمازگزاران مسجد - در یک کلام «اهل مسجد» - نقش مهمی در شایستگی و صلاح مسجد دارند. اگر به تاریخ بنای نخستین مسجد نگاهی داشته باشیم، می‌فهمیم که بنای این مسجد در مقطعی از زمان رسالت پیامبر خدا ﷺ شکل گرفت که ایشان با مشرکان مبارزه می‌کردند و در راستای تداوم این مبارزه تاریخی و در بدو ورود به مدینه، جهت استمرار بخشی به مبارزه با مشرکان، این مکان مقدس را بنا نهادند. بنابراین، ساختار و شالوده مسجد در دوران مبارزاتی پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفت و به مرکزی برای جهاد علیه کفار تبدیل شد.

قرآن کریم در چند آیه، ما را به این مطلب رهنمون می‌کند. خداوند متعال به شدت مشرکان و غیر مؤمنان را از دخالت در امور مسجد بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ»^۴، مشرکانی که (با گفتار و کردار) به کفر خویش گواهی می‌دهند، حق دخالت در امور مسجدها را ندارند. خداوند متعال، عمارت و اداره مسجد را فقط در اختیار مؤمنانی قرار می‌دهد که شرایطی ویژه داشته باشند و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ؛ مسجدهای خدا را فقط کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده باشند و نماز بخوانند و زکات بدهند و جز از خدا نترسند».^۵

۱. مسجد قبادرویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

۲. توبه، آیه ۱۰۸.

۳. سایت کتابخانه طهور، مقاله «مسجد»، مریم میرنژاد. (گفتنی است که این محقق در مقاله خود از ابوالقاسم رزاقی، «مسجد پایگاه توحید و تقوی»، ص ۱۲ و ۱۳ و نیز بهاء الدین خرمشاهی، «دانش نامه قرآن و قرآن» کمک گرفته است.)

۴. توبه، آیه ۱۷.

۵. توبه، آیه ۱۸.

فرهنگ اسلامی و آداب حضور در مسجد

تأکید قرآن بر وجود شرطهایی خاص برای آبادکنندگان مسجد، دو جنبه فردی و اجتماعی دارد. اهمیت شرطها از نظر فردی این است که آبادکردن مسجد بدون ویژگی‌هایی که بیان شد، عملی بی‌روح و پیکری بی‌جان است که در بارگاه ربوبی بی‌ارزش و بی‌ثمر است. اهمیت شرطها از نظر اجتماعی نیز این است که مسجد نقش‌های مهم اجتماعی دارد و آبادکنندگان آن باید انسان‌های صالح و برگزیده‌ای باشند تا مسجد نقش حیاتی خویش را درست ایفا کند. به دیگر سخن، باید بیشتر به افرادی اهمیت بدهیم که اهل مسجد و پاسداران و حافظان آن هستند، نه به ساخت مسجد. قرآن کریم در آیه ۱۱۴ سوره بقره، کسانی را استمکار می‌داند که از نزدیک شدن و وارد شدن مردم به مسجدهای خدا و از استفاده آنها از این مکان مقدس جلوگیری می‌کنند. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و کیست استمکارتر از آنکه مردم را از ذکر نام خدا در مسجدها منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش ورزد، چنین گروهی را شاید که در مسجدهای مسلمانان در آیند، جز آنکه ترسناک و بیمناک باشند، نصیب این گروه در دنیا ذلت و خواری است و در آخرت عذابی بسیار سخت»^۱.

قرآن کریم برای رفتن به مسجد نیز آدابی بیان کرده است؛ از جمله در آیه ۳۱ سوره اعراف: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ای فرزندان آدم زیورهای خود را در مقام عبادت به خود برگزید و از نعمت‌های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد». بی‌شک مراد از زینت، فقط آراستگی ظاهری نیست، بلکه آراسته شدن به فضائل معنوی است؛ مانند اخلاص، یاد خدا و حقیقت‌بندگی. قلب انسان باید مسجدی، آراسته به طهارت و پاکی و به دور از شرک، ریا و اعتقادهای نادرست باشد.

مسجد، پایگاهی برای عبادت و پرستش است و به دلیل اهمیت و فضیلتش، خداوند مسجد را از آن خویش می‌داند. خداوند در آیه ۱۸ سوره جن می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ و مسجدها مخصوص خدا است؛ پس نباید احدی را همراه با خدا پرستش کنید».

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در وصایای خود به ابوذر غفاری فرموده است: «يَا أَبَا ذَرٍّ! الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَكُلُّ خُطْوَةٍ تَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ. يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَأَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسْجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ. فَقُلْتُ: يَا أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يُعْمَرُ مَسْجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا يَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ وَ

لَا يَخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا وَلَا يُبَاعُ فَأَثَرِكِ اللَّغْوَمَا دُمْتَ فِيهَا؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَلَا تُلْمَسَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ؛» ای ابوذر! سخن نیکو، نوعی صدقه است و هر قدمی که برای رفتن به نماز برمی داری، صدقه است. ای ابوذر! کسی که دعوت الهی را بپذیرد و مسجدهای خدا را نیکو و آباد نگه دارد، ثواب و پاداشش بهشت است. ابوذر پرسید: ای رسول خدا! چگونه مسجدها آباد می شود؟ رسول خدا ﷺ فرمودند: آباد کردن مسجد به این است که در آنجا صداها بلند نشود، گفت و گوهای باطل و بیهوده نشود، از خرید و فروش خودداری شود و از سخنان بیهوده پرهیز شود و اگر این امر را رعایت نکردی، در روز قیامت کسی جز خودت را ملامت و سرزنش نکن.^۱

حضرت علی علیه السلام این باره فرموده اند: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذِكْرُهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا يُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ اللَّهُ فِيهِمْ حَاجَةً؛ در آخر زمان مردمی می آیند که در مسجدها حضور پیدا می کنند و جلسه تشکیل می دهند؛ اما از دنیا و دوستی آن سخن می گویند، شما با چنین افرادی هم نشینی نکنید؛ زیرا خداوند کاری به آنها ندارد.»^۲

مسجد تقوی و مسجد ضرار

از نظر قرآن هر مسجدی ارزش و قداست ندارد؛ برای مثال خداوند در آیه ۱۰۷ سوره توبه به مسجد ضرار اشاره می کند. دوازده منافق حسود به سرکردگی ابوعامر مسجدی مقابل مسجد قبا بنا می کنند؛ با انگیزه ضرر رساندن. آنها به بهانه اینکه بیماران و پیرمردان توانایی حضور در مسجد قبا را ندارند، مسجدی در مدینه می سازند که به مسجد ضرار معروف شد. قرآن درباره مسجد قبا سخن گفته است؛ اما با اشاره و نه با تصریح. خداوند در آیه ۱۰۸ سوره توبه می فرماید: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ تو ای رسول ما! هرگز در مسجد آنها (مسجد ضرار) قدم مگذار؛ همانا، سزاوارتر است در مسجد (قبا) اقامه نماز کنی که بنیانش بر پایه تقوای محکم بنا گردیده است؛ در این مسجد، مردان پاکی هستند که مشتاق تهذیب نفوس خودند و خدا مردان پاک مهذب را دوست می دارد».

بیشتر مفسران عقیده دارند که مراد از مسجد، در این آیه، مسجد قبا است و خداوند در ادامه آیه به خصوصیت های مسجد قبا اشاره می کند که در واقع بیانگر علت قداست آن است. قرآن کریم در آیه ۱۰۹ سوره توبه به زیبایی و رسایی، تفاوت مسجد قبا و ضرار را بیان می کند: «أَقْسَنَ أُسُسَ بُنْيَانِهِ عَلَى تَقْوَى مِنْ

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۹.

اللَّهُ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده، بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی ریزی کرده است، و با آن در آتش دوزخ فرومی افتد؛ خدا، گروه بیدادگران را هدایت نمی کند». بنابراین، مسجد باید بر اساس تقوا و رضایت الهی بنا شود. بر اساس قرآن کریم، آنچه قابلیت عروج به درگاه الهی را دارد، تقوا و صاحبان آن است؛ یعنی انسان های تقواییشه، نه ظاهر عملشان.^۱

کارکردهای مسجد در طول تاریخ^۲

مسجد، قدمتی به اندازه خلقت آدم (ع) و تاریخچه ای به درازای تاریخ انسان های نخستین دارد؛ زیرا عبادت و مسجد همواره با انسان بوده است. در مکتب قرآنی، نخستین خانه پرستش به دست آدم (ع) ساخته شد. کعبه، نزد همه مذاهب های الهی، حتی مشرکان و بت پرستان، محترم و عظیم بوده است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه ای که برای (پرستش) مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است و پر برکت و مایه هدایت جهانیان است»^۳.

الف) کارکردهای تربیتی مسجد

مسجد و تربیت عبادی

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان است و مکمل یا حتی مقوم شخصیت او، گرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادت گاه بهتر و کامل تر تأمین می شود. بر این اساس، انسان بنا به فطرت خویش معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می ورزد؛ تاریخ نیز به درستی این سخن گواهی می دهد. پژوهش های تاریخی نشان می دهد که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است. از همین رو، معصومان (ع) مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می گیرد و به آرامش می رسد.

در فرهنگ اسلام، نام مسجد یادآور بندگی در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد، یعنی جایگاه سجده و سجده، اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست؛ همان طور که امام سجاد (ع) فرموده اند: «السُّجُودُ

۱. جایگاه مسجد در قرآن و روایات، سایت مؤسسه فرهنگی جام طهور.

۲. در بخش توصیف و تبیین کارکردهای مسجد از مقاله «مسجد نمونه» جناب آقای رحیم نوبهار بهره برده ایم.

۳. آل عمران، آیه ۹۶.

مُنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنَى آدَمَ». در حقیقت، با اینکه در آیین پاک مُحَمَّدی ﷺ، همه خاک زمین مسجد است^۱، ولی برترین و اصیل ترین محفل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال، مسجد است. از این رو، در قرآن کریم بر جنبه های عبادی مسجد بیش از هر بُعد دیگر آن تأکید شده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^۲

بر پایه حدیثی قدسی از پیامبر گرامی ﷺ، خداوند مسجد را زیارتگاه خویش بر شمرده است. ایشان می فرمایند: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي؛ خوشا به حال بنده ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه ام زیارت کند».^۳ این زیارت، انس و قرب در سایه عبادت خالصانه مؤمنان در مسجد فراهم می آید. انوار تابناک این پرسش پاک و بی آلایش برای عرش نشینان، پرتوافکنی می کند؛ آن سان که ستارگان آسمان برای ما خاک نشینان نور افشانی می کنند: «إِنَّ يُّوْقِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ».^۴ حضور در مسجد و عبادت در خانه خدا، افزون بر توفیقی بزرگ و کمالی ارزشمند، توفیق هایی روحی دیگری نیز در پی دارد؛ از جمله: رحمت خاص خداوند، آمرزش الهی، بهشت برین و همنشینی و همدمی با فرشتگان الهی.

مسجد و تربیت اخلاقی

مسجد، مکانی است برای تمرین خلق و خوی پسندیده انسانی؛ محلی مناسب برای عملی کردن ارزش های والای اخلاقی و رفتاری در بعدهای گوناگون زندگی و همچنین پس از خودسازی فردی و اجتماعی، سکویی پروازی است به ملکوت؛ زیرا خداوند می فرماید: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا».^۵ در مسجدی که بر اساس تقوا و پارسایی تأسیس شده باشد، مردم دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند نیز پاکیزگان را دوست دارد. با اینکه گناه های دینی و اخلاقی در همه جا نکوهیده و زشت است، اما در مسجد زشتی دوچندان می یابد؛ پس مؤمن، باید تلاش بیشتری کند تا در مسجد به گناه آلوده نشود، سخنان ظالمانه بر زبان نیاورد، به آبروی دیگران تجاوز نکند، غیبت نکند، سخنان لغو و بی فایده را کنار نهد و از گفت و گوهایی که بوی دنیاپرستی می دهد، پرهیز کند.

۱. الدَّعَوَات (سلوه الحزین)، ص ۳۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳. جن، آیه ۱۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۱؛ المحاسن، ج ۱، ص ۴۷.

۵. برگرفته از مقاله رحیم نوبهار، «مسجد نمونه»، ص ۱۰.

۶. توبه، آیه ۱۰۸.

در حقیقت، تلاش برای انجام ندادن این کارها خود تمرینی برای انجام دادن کارهای خیر و دوری از بدی هاست. همان گونه که حاجی با احرام بستن، دوری از دنیا و گناه را تمرین می کند، نماز گزار با گفتن تکبیر، در آزمون بریدن از خلق و پیوستن به خالق شرکت می کند. اثرهای سازنده و تربیتی حضور در مسجد، به تدریج به دیگر اعمال مؤمن سرایت می کند؛ زیرا حضور در مسجد، حضور در خانه خداست و به طور طبیعی کسی که با خانه خدا انس دارد، تلاش می کند در خارج از مسجد نیز عملکردی متناسب و همگون با حضور در مسجد داشته باشد. نقش تربیتی حضور در مسجد، زمانی مؤثرتر خواهد بود که مؤمن به یاد آورد در مسجد باید علاوه بر زینت های مادی، آراستگی های معنوی نیز داشته باشد؛ همچون صدق، صفا و خلوص. او باید فرمان «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ را با عمل پاسخ گوید؛ در غیر این صورت، پروردگار او را به خانه خود راه نمی دهد و اولیای بزرگ خدا نیز دست رد به سینه اش خواهند زد.

مسجد و تربیت اجتماعی

از جنبه های دیگر تربیتی مسجد، نقش مؤثر آن در پیوند دلدادگان خود با انسان های صالح و برگزیده است. از دید آگاهان مسائل تربیتی، نقش دوست خوب در سعادت انسان بسیار ممتاز است. مسجد میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه، پیوند ایجاد می کند و با این کار بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی آنها فراهم می کند. کسی که با خوبان در ارتباط باشد، دست کم از سر حیا از برادران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی گیرد؛ حتی اگر به درجه ای از تکامل نرسیده باشد که به سبب ترس از خداوند به گناه دست نزنند. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع روح جمع گرایی، انعطاف و نظم پذیری را در آنان تقویت می کند و درون گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می زداید. اگر خانواده های مسلمان در مسجد به هم پیوند بخورند، بستر مناسبی برای همیاری های جمعی آنان فراهم می شود.

مسجد و کارکردهای روان شناختی

مسجد می تواند گرد ملال و اندوه را از چهره و جان مسلمان بزدايد و «افسردگی» وی را برطرف کند. مسجد، نشاط را به فرد مسلمان هدیه می کند که نشانه سلامت و تکامل روحی است. خانواده های مسجدی، در تعامل های خود، مشکلات و سختی های زندگی را در جمع دیگر خانواده ها بیان می کنند و تخلیه عاطفی می شوند و همچنین حس پذیرفتگی در جمع، آنها را از احساس تنهایی، زمین گیر شدن و واماندگی نجات

می‌دهد. حتی اگر خانواده‌ها نتوانند برای یکدیگر گره‌ای بکشایند، احساس همدردی و صفایی که در جمع یکدیگر پیدا می‌کنند، انگیزه تلاش دوباره و مبارزه با مشکلات را در آنها تقویت می‌کند.

مسجد به‌طور معمول جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است. به‌طور طبیعی، حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی را در فرد می‌دمد. پرورش این خوی پسندیده، در اشخاص نوعی مبارزه با روح بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی است؛ روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه - به‌ویژه نسل جوان - پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد. یکی از زمینه‌هایی که فرهنگ مسئولیت و همیاری را در مسلمانان رواج می‌دهد، حضور خانوادگی در مسجد است. در مسجد نیازها، کاستی‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها بر جسته و توصیف می‌شود و خانواده‌ها می‌توانند برای یکدیگر پشتیبان باشند.

ب) کارکردهای آموزشی مسجد

از همان آغاز گسترش اسلام، خط و کتابت در مسجد آموزش داده می‌شد و این امر موجب بروز اشکال در فعالیت‌های عبادی نمی‌شد. شاید بتوان گفت که کارکردهای آموزشی و فرهنگی مسجد، پس از کارکردهای تربیتی و به‌ویژه تربیت عبادی، سرآمد دیگر کارکردهای مسجد است. آموزش‌های اسلامی، با دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نخستین مربی و معلم مسلمانان، از مسجد آغاز شد که در واقع پایگاه تعلیماتی مسلمانان بود. مسجد که در عصر نبوت و دوره خلفای راشدین بنای بسیار ساده‌ای داشت، مجمع نومسلمانی شد که برای آشنایی با آموزه‌های اسلامی و حلّ و فصل مسائل جدید، در آن رفت و آمد می‌کردند. اقامه نماز، استماع سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در باب آیه‌های قرآن کریم، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، اعلان جنگ و جهاد و صلح، آموزش مهارت‌های زندگی، تقسیم غنائم جنگی، ارسال نامه‌ها، تشییع جنازه و مسائلی از این قبیل، در مسجد انجام می‌شد که بیشتر آنها با هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آغاز شد. در واقع، «مسجد» کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و اساسی‌ترین پایگاه تعلیم در تاریخ اسلام است.

مسجد نخستین مرکز آموزشی و مدرسه دینی

به گواهی مورّخان، محققان و حتی خاورشناسان، بنای مسجد قبا و مسجد النبی در واقع پی‌ریزی مدرسه اسلامی بزرگی بوده است. مسلمانان و شهروندان کشورهای اسلامی، از آغاز اسلام تا چند قرن پس از آن، با پدیده‌ای به نام مدرسه آشنا نبودند. از این رو، محققان و مورّخان پذیرفته‌اند که پیش از پیدایش مدرسه، مسجد نخستین و یگانه مرکز مهمّ آموزشی، فرهنگی در کشورهای اسلامی بوده است. هر چند

برخی محققان از جایگاه‌های آموزشی دیگری نیز نام برده‌اند؛ مانند مکتب‌های خانگی، دارالقرآنها و دارالحکمه‌ها.

شاید خوانندگان عزیز از این موضوع تعجب کنند که روزگاری میان فقیهان بحث بوده است که آیا با وجود مسجد تأسیس مدرسه جایز است یا نه! گرچه طرح این مسئله، در فضای کنونی، برای ما شگفت‌انگیز است؛ ولی در دورانی که مسجد، یگانه پایگاه آموزشی بوده است و ناگاه سخن از مدرسه به میان آمده است. البته فقیهان شیعه و سنی، هیچ‌گاه احداث مدرسه را منع نکرده‌اند؛ آنان همواره گسترش مدرسه‌ها را تأیید می‌کردند و برخی از آنان نیز مدرسه‌های مهمی بنا کردند. غرض فقط تأکید بر این واقعیت بود که روزگاری مسجد یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است.

محتوا و سبک آموزش در نخستین مسجدها

پیامبر گرامی ﷺ در مسجد خویش آیه‌های قرآنی، احکام و معارف دینی و حتی مسائل تاریخی را آموزش می‌داد. مطلب‌هایی که در این جلسه‌ها ارائه می‌شد، با توان فکری شنوندگان متناسب بود. فاصله زمانی این جلسه‌ها باعث خستگی و ملال شنوندگان نمی‌شد. عبدالله بن مسعود که از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر ﷺ به شمار می‌آید، می‌گوید: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَتَخَوَّلُنَا بِالْمَوْعِظَةِ فِي الْأَيَّامِ كِرَاهَةِ السَّامَةِ عَلَيْنَا؛ رسول خدا ﷺ از آن رو که مبادا ما (شنوندگان) خسته و ملول شویم، فقط در برخی از روزها ما را موعظه می‌فرمودند.^۱

شواهد نشان می‌دهد که این جلسه‌ها پس از برخی نمازها بیشتر برگزار می‌شد؛ مانند نماز صبح و شام که شمار بیشتری از مردم در مسجد حضور می‌یافتند و شور و نشاط فراوانی در حفظ و ثبت سخنان رسول خدا ﷺ میان شنوندگان وجود داشت. افرادی که به دلیلی توفیق حضور در این جلسه‌ها را نمی‌یافتند، به دیگران سفارش می‌کردند تا گفته‌های ایشان را کلمه به کلمه ثبت و حفظ کنند و در فرصت مناسب برای آنان بازگو کنند.

علاوه بر جلسه‌های رسمی سخنرانی، جلسه‌های آموزشی و پرسش و پاسخ نیز در مسجد پیامبر تشکیل می‌شد. در این جلسه‌ها فقط یک نفر سخن نمی‌گفت، بلکه همه با هم گفت‌وگو می‌کردند. حضرت ﷺ بیشتر وقت‌ها، پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب، در مسجد می‌ماند. بخشی از این وقت صرف پاسخگویی به پرسش‌های دینی و حتی تعبیر خواب مسلمانان می‌شد. پیامبر خدا ﷺ برای تازه مسلمانان نیز - که به طبع

۱. رواه البخاری فی کتاب العلم، باب: ما کان النبی ﷺ یتخولهم بالموعظه والعلم.

به آموزش‌هایی ویژه نیاز داشتند - جلسه‌هایی جداگانه تشکیل می‌دادند. گاه در حضور آن حضرت مسابقه شعر و سخنرانی برپا می‌شد و پیامبر خدا ﷺ جایزه برگزیدگان را به آنان اهدا می‌کردند. در غیاب آن حضرت و هنگامی که در جبهه‌های جنگ حضور می‌یافتند، فعالیت‌های آموزشی تعطیل نمی‌شد؛ بلکه کسانی چون عبدالله بن ام‌مکتوم و عبدالله بن رواحه، اداره امور مسجد را بر عهده می‌گرفتند. جلسه‌های آموزشی نیز در نبود آن حضرت ادامه می‌یافت؛ زیرا استاد و مدرّس کلاس‌های آموزشی مسجد النبی فقط پیامبر اسلام ﷺ نبود. بلکه افراد دیگر نیز که صلاحیت علمی داشتند، جلسه‌ها را اداره می‌کردند.

عبدالله بن رواحه که چهره‌ای علمی بود، جلسه‌های توحید، معاد و مسائل اعتقادی را اداره می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ گاه مانند شنونده و تماشاگر، گفت و شنودهای علمی را نظاره و هدایت می‌کرد. آن حضرت درباره چنین مجالس می‌فرمود: «کم نشستن در چنین مجالسی را بر نشستن در جلسه‌های دعا و نیایش - که در گوشه دیگر مسجد برپا بود - ترجیح می‌دهم؛ زیرا من برای آموزش و تعلیم مردم به پیامبری مبعوث شده‌ام»^۱.

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) نیز در حالی که یک پله پایین‌تر از جایگاه پیامبر اکرم ﷺ می‌نشست، گاه برای مردم سخن می‌گفت. پیامبر اکرم ﷺ کوشش می‌کرد تا دامنه این تلاش‌ها به دیگر مسجدها نیز کشیده شود. بر پایه شواهد تاریخی، مسجد قبا نیز نشاط علمی و فعالیت‌های فرهنگی داشته است. به دلیل موقعیت خاص سیاسی، حضور علمی امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) در مسجد النبی، بیشتر از دیگر امامان بود. شاگردان آن دو امام بزرگوار نیز جلسه‌های علمی داشتند؛ همچون ابان بن تغلب، معاذ بن مسلم، حمران بن اعین و زرارۀ بن اعین. همه اینها به ما می‌فهماند که مسجد برای همیشه جایگاه آموزش و فراگیری معارف اسلامی است. گفتنی است که میان همه بحث‌ها و علوم دینی، پرداختن به علوم قرآنی در مسجد اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا قرآن و مسجد، پیوندی خاص با یکدیگر دارند. پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرموده است: «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ مسجدها را برای (خواندن و فهمیدن) قرآن بنا کرده‌اند»^۲. «مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ، فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ؛ کسی که قرآن را دوست می‌دارد، مساجد را نیز باید دوست بدارد»^۳.

۱. التراتیب الاداریه، عبدالحی الکثانی، ج ۲، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

پیوند مسجد و کتابخانه

مطالعه تاریخ مسجد، نشان می‌دهد که مسجد و کتابخانه همواره همراه بوده‌اند. از همان آغاز که قرآن به صورت مکتوب در آمد، مسلمانان قرآن‌های دست‌نویس را به مسجد اهدا یا وقف می‌کردند. با افزایش شمار کتاب‌ها، کتابخانه‌های مساجد نیز رشدی فزاینده یافت. بعدها کتابخانه‌ها از مسجدها جدا شدند و نهادهای اسلامی مستقلی به وجود آوردند. کتابخانه‌ها نقش بزرگی در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند.

ج) کارکردهای سیاسی و اجتماعی مسجد

مسجد، بستری برای تجربه مردم‌سالاری دینی

یکی از ویژگی‌های مسجد این است که برخلاف دیگر معبدها و مراکزهای دینی، با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه ارتباط دارد و نهادی مؤثر است. مسجد، قانون‌ریزی و مشورت است؛ مشورت و مراجعه به آرای عمومی در مسائل اجتماعی نیز نقش به‌سزایی در تکامل جامعه دارد. تبادل آرا در مسائل اجتماعی، رشد و شکوفایی به ارمغان می‌آورد. مسجد در جایگاه اصیل خویش، محلّ رایزنی‌های سیاسی-اجتماعی است. خداوند متعال به پیامبر خویش فرمان داده بود تا در کارهای مهمّ با مردم مشورت کند و مسجد پایگاهی برای عمل به این دستور بود. از این رو، نویسندگانی که مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند.

رسم مسلمانان در زمان پیامبر اسلام ﷺ این بود که هرگاه حادثه‌ای مهمّ رخ می‌داد، جارچی ندای می‌کرد: «الصلاة جامعة»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. شواهد گویایی نشان می‌دهد که مسلمانان، حتی برای مشورت درباره مسائل نظامی، در مسجد جمع می‌شدند؛ در نتیجه می‌توان گفت: مسجدی که نمازگزاران آن با مسائل مهمّ اجتماعی-سیاسی رابطه فعال دارند و در آنجا پیرامون مسائل مهمّ جامعه رایزنی و تبادل آرا می‌کنند، به مسجد نمونه نزدیک‌تر است. گفت‌وگو پیرامون مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها، هنگامی به نتیجه می‌رسد که اقدام‌های عملی نیز در پی داشته باشد. مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محلّ حضور قشرها و خانواده‌های گوناگون است. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در راستای رفع نارسایی‌های اجتماعی و خانوادگی است.

امام رضا (علیه السلام) در گفتاری نورانی، یکی از فایده‌های سازنده نماز جماعت را - که به‌طور معمول در مسجد برپا می‌شود - همیاری مسلمانان بر «برّ و تقوا» برشمرده است.^۱ این سخن، باب علمی است که صدها باب

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲، باب ۱ از ابواب صلاة الجماعة، روایت ۹.

علم دیگر را برای انسان می‌گشاید. کارهایی مانند جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدام‌هایی برای تسهیل ازدواج جوانان، کارگاه‌های مهارت خانواده، برنامه‌ریزی برای عیادت بیماران و اموری از این دست همگی از مصداق‌های تعاون بر «برّ و تقوا» است. در سایه برنامه‌ریزی صحیح، به‌ویژه در مسائل خانواده، می‌توان کارهای خیر را به‌خوبی در مسجد انجام داد. البته پرداختن بدین امور باید به‌گونه‌ای باشد که به شأن، آبرو، کرامت، عزّت و حدود الهی جداسازی زنان و مردان آسیبی وارد نکند.

د) کارکرد ارزشی مسجد

مسجد در جایگاه اصیل خود، بستری برای ارزش‌آفرینی و ارزش‌گزاری است و توجّه مسلمانان را به ارزش‌های فراموش‌شده جلب می‌کند. در مسجد، تفاوت نیازمند و ثروتمند، رئیس و زیردست، فرمانده و سرباز، امتیازهای مادی و ظاهری کنار گذاشته می‌شود و همه دوش‌به‌دوش هم در یک صف نماز می‌خوانند. در مسجد، فقط ارزش‌های حقیقی برجسته می‌شود و محترم است؛ همچون تقوا و جهاد. بر پایه فقه اسلامی، شایسته است کسانی در صف اوّل نماز جماعت بایستند، که فضیلت‌هایی چون علم، تقوا، ایثار و جهاد داشته باشند. این امر خود نوعی ارزش‌گزاری و ترویج ارزش‌های اصیل است. خانواده‌ها، به‌ویژه دختران و پسران، با دیدن این صحنه‌ها و تجربه برخورد‌های ارزشی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با آموزه‌های ارزشی اسلام آشنا می‌شوند و به آن خو می‌گیرند.

در مسجد پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، گاه شخصی یافت می‌شد که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بود، بلکه از راه‌های گوناگون، نفاق و دودستگی را در جامعه ترویج می‌داد و با پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رودرو می‌شد؛ با این حال باز انتظار جایگاهی والا در مسجد داشت. مسلمانان این افراد را از مسجد طرد می‌کردند؛ زیرا با الهام از رهنمودهای پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آموخته بودند که مکان‌های حسّاس مسجد از آن مسلمانان مؤمن، متعهد و ایثارگر است. آری؛ مسجد، خانه دفاع از ارزش‌ها و مسجدیان نگاهبانان ارزش‌های اسلامی هستند. مختصر اینکه یکی از شاخص‌های مسجد نمونه، میزان نقشی است که در احیا و تثبیت ارزش‌های اسلامی و پاسداری از آنها ایفا می‌کند.

مسجد و خانواده

چنانچه در بندهای قبلی گفتیم، در آیه‌ها و روایت‌ها برای مسجد کارکردهای گوناگونی بیان شده است. به فراخور اهمیت و جایگاهی که جنبه‌های گوناگون زندگی آدمی در فرهنگ اسلام دارد، مسجد

سرمایه‌گذاری آموزشی و تربیتی متناسبی فراهم می‌آورد. خانواده، قداست و منزلت خاصی در دین اسلام دارد؛ تا آنجا که بنا و نهادی را قابل مقایسه با آن نمی‌داند. تعبیرهایی که در قرآن و روایت‌ها درباره خانواده به کار رفته است، به خوبی این ادعا را ثابت می‌کند. خدای سبحان در آیه ۲۱ سوره نساء، ازدواج را «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم می‌نامد که موجب تشکیل خانواده می‌شود. در آیه ۷۲ سوره نحل، خانواده را «نعمت الهی» می‌نامد. همچنین رسول گرامی اسلام ﷺ، خانواده را محبوب‌ترین و عزیزترین بنا نزد خدای سبحان توصیف می‌کند و می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَهَ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ»^۱.

بنا به باور مسجدشناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت خانواده، مسجد جایگاه مناسبی برای ارائه آموزش‌های بهینه‌سازی خانواده است؛ زیرا گوهر اصلی خانواده اسلامی از عشق زن و شوهر به یکدیگر می‌گیرد و خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ از جمله نشانه‌های خداوند این است که از جنس خود شما همسرانی برایتان آفرید که در کنارشان بیارامید و میانتان مهر و رحمت قرار داد.^۲ بی‌تردید، این عشق زمینی از عشق به پروردگار جدا نیست. پیوند آسمان و زمین، در چارچوب خانواده، جلوه‌های معیشتی دیگری هم دارد. برای مثال، تلاش نان‌آور خانواده برای اداره خانواده و تدارک نیازهای اعضای آن در فرهنگ اسلامی، جهاد در راه خدا است: «الكَادُ لِعَالِيهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ تلاش‌گر و نان‌آور خانواده همانند جهادگر در جبهه نبرد است.^۳ از این رو، هرگاه فردی برای خانه و خانواده‌اش تلاش کند و بخواهد رفاه و خوشی را برای آنها به ارمغان آورد، به فرموده پیامبر اسلام ﷺ در راستای عبادت و بندگی خدا گام برداشته است. به نظر نگانده، برای فهم نقش مسجد در تحکیم نظام خانواده، بهتر است نخست دریابیم که خانواده چه کارکردهایی دارد و پس از آن کاوش کنیم که مسجد تا چه اندازه می‌تواند در تسهیل و هموارسازی این کارکردها مؤثر باشد.

کارشناسان امور خانواده بر این باورند که خانواده به‌طور معمول سه کارکرد اساسی دارد:

۱. ارضای نیازهای جنسی، عاطفی و روان‌شناختی زن و شوهر؛
 ۲. تداوم نسل انسانی در قالب زاد و ولدها؛
 ۳. پرورش روح هم‌گرایی و هموارسازی مهارت جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن فرزندان.
- آموزه‌های اجتماعی اسلام که به‌طور معمول در فضای مسجد و به مسجدیان داده می‌شود، مسلمانان را

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.

۲. روم، آیه ۲۱.

۳. شرح اصول الکافی (صدرا)، ج ۱، ص ۴۰۰۴۳۳.

برای ایفای نقش بهتر در سه کار کردی که گفته شد، به ویژه مهارت جامعه‌پذیری و اجتماعی‌سازی، آماده می‌کند. زن و شوهر در حریم خانواده به بهترین شکل نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر را برآورده می‌کنند و این نهاد عامل مهمی در حفظ سلامت اخلاقی افراد و جوامع است. حمایت روانی زن و مرد از یکدیگر که ناشی از برقراری پیوندهای عاشقانه است، بیش از هر رابطه انسانی دیگر مهم بوده است. در اسلام، ازدواج قراردادی است که به صورت طبیعی و با کمترین هزینه، نسل انسان را تداوم می‌بخشد. خدای متعال در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً...؛ خداوند از جنس شما همسرانی برایتان قرار داد و از این همسران برایتان فرزندان و نوادگانی قرار داد...». پیام ضمنی دیگر این آیه شریفه، پیدایش و تداوم نسل آدمی در پرتوی ازدواج است. پرورش اجتماعی فرزندان نیز که با عواطف مثبت والدین و در چارچوب خانواده به بهترین شکل صورت می‌گیرد، از مهم‌ترین کارکردهای خانواده است. البته روابط عاشقانه و مناسب (اخلاقی و قانونی) میان اعضای خانواده، شرط اساسی ایفای این سه کارکرد است. بی‌تردید، اگر این روابط کاهش یابد یا خشنودکننده نباشد، کارکردهای خانواده تضعیف خواهد شد.^۱

در فرهنگ اجتماعی اسلام، حضور زنان و مردان مسلمان در صحنه‌هایی تشویق شده است که برای خیر جامعه اسلامی باشد؛ برای مثال و به ویژه در مسجد. فلسفه چنین ترغیبی این است که برای هر دو قشر، برکت‌های گوناگونی به بار می‌آورد. به علاوه، در اسلام وظیفه و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی با عنصر جنسیت مرزبندی نمی‌شود. دین اسلام، از آن جهت که بشر را با دید جمعی می‌نگرد، زن و مرد جامعه را موظف می‌داند؛ چنان که قرآن کریم مؤمنان راستین را چنین معرفی می‌کند: «اَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الذِّیْنَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاِذَا كَانُوْا مَعَهُ عَلٰی اَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ یَذْهَبُوْا حَتّٰی یَسْتَاْذِنُوْهُ...؛ مؤمنان راستین کسانی هستند که هم از نظر عقیده به خدا و پیامبرش معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی جامعه را خوب می‌شناسند و همواره در مسائل جمعی حضور دارند و منزوی نیستند».^۲ امر جامع، همان مسائل جمعی نظام است؛ برای مثال نماز جمعه، تظاهرات علیه طاغوت و استکبار، حضور در انتخابات، تأیید رهبری و مسئولان اسلامی، امر به معروف عمومی و نهی از منکر جمعی و صدها نمونه دیگر از این دست است. این نموداری از وظیفه جمعی افراد جامعه است که قرآن ترسیم می‌کند و در این بخش میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.^۳ همان گونه که گفتیم، مسجد از زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از بسترهای مهم برای کارهای

۱. راه‌های تحکیم خانواده در فرآیند جهانی شدن، فصلنامه حواء، شماره ۱۹.

۲. نور، آیه ۶۲.

۳. مسجد، زنان و آداب حضور، ماهنامه پیام زن، شماره ۷۷، مرداد ۷۷، برگرفته از شبکه اطلاع‌رسانی امام صادق علیه السلام.

اجتماعی و رشد و ارتقای فردی بوده است و آیات قرآن، ایفای این نقش را هم بر دوش زنان و هم بر عهده مردان می گذارد.

برکت های برآمده از حضور زنان در مسجد

بر پایه مفاد برخی از روایت ها، هنگامی که زن وارد مسجد می شود، درست مانند مرد آرامش می یابد و در این مورد تفاوتی میان زن و مرد نیست. همه ما می دانیم که از نظر فرهنگی، مسجد بهترین مرکز برای فراگیری مسائل و آموزه های دینی است. مسجد، روح نماز را زنده می کند، میان مؤمنان الفت و محبت پدید می آورد و آنها را به هم نزدیک می کند. مسجد، بهترین جایی است که همه افراد جامعه - از هر جنس، با هر سن و سطح سواد - می توانند مسائل مذهبی را فراگیرند. بی تردید، همه زنان به مدرسه نمی روند و از طرفی تجربه ثابت کرده است که زنان به سخنرانی های رادیو و تلویزیون چندان اهمیت نمی دهند یا کم اهمیت می دهند؛ پس باید در جایی با وظیفه های دینی خود آشنا شوند. حضور در مسجد، زن را آماده می کند تا به روایت ها گوش دهد و آداب و سنن دینی را بیاموزد.

از نظر اجتماعی و سیاسی نیز امروز حضور زنان در اجتماع و امور فرهنگی، مشتی به دهان یاوه گویان و منحرفان از اسلام است؛ منحرفانی که شعار آزادی و تساوی حقوق زن و مرد سر می دهند و اسلام را متهمم می کنند به تحقیر زن. تشویق زنان به حضور در اجتماع ها، مسجدها و نمازهای جمعه، نشان می دهد که اسلام با آزادی آنها مخالف نیست؛ بلکه مهم این است که حریم ها حفظ شود. البته این بدان معنا نیست که اسلام زن را شبیه مرد می داند. اگرچه زنان و مردان در طبیعت و جنسیت با هم فرق دارند؛ اما در انسانیت مساوی اند و ارزش زن از مرد کمتر نیست.

نه تنها امروز حضور زن در صحنه سیاسی مؤثر است، بلکه در صدر اسلام نیز چنین بوده است. داستان سوده، دختر عمار بن اسد همدانی، و زن های دیگری که در کتاب ها نقل شده است، بر درستی این سخن گواهی می دهد. قرآن کریم، همچنین یادآوری می کند که سه زن، حضرت موسی را از کشته شدن نجات دادند و او را پرورش دادند: مادر موسی، خواهر موسی و زن فرعون. این سه زن با وضعیت سیاسی زمان خود مبارزه کردند تا حضرت موسی پرورش یافت. زنان نیز مانند مردان در تلاش و کوشش هستند. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا فَلَا قِيَّةَ». این خطاب به انسانیت است. سرانجام انسان به لقاء الله می رسد؛ حال یا لقای جلال یا لقای جمال؛ بی تردید زن و مرد در این راه همتای یکدیگرند.^۱

۱. انشقاق، آیه ۶.

۲. حضور زن در مسجد، پایگاه اینترنتی حوزه. Hawzah.net.

جدایی جنسیتی در مسجدها

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ، چنین نقل شده است: کنیزان خدا را از مسجدها باز ندارید؛ در حالی که خانه‌هایشان برایشان بهتر است.^۱ ایشان به زنان اجازه رفتن به مسجد می‌دادند و زنان آن حضرت نیز برای نمازها به مسجد می‌رفتند؛ با این حال ایشان دستور دادند محلّ زنان از مردان جدا باشد و ورودی زنان نیز از در مردان مجزاً باشد.^۲ همچنین، پیامبر اسلام ﷺ دستور دادند تا پس از نماز، نخست زن‌ها و بعد مردها بیرون بروند.^۳ و زنان در صف‌های عقب نماز جماعت بنشینند.^۴ عمر، زنان را از حضور در مسجدها منع کرد؛^۵ اما در دوره خلافت عثمان و امام علی (علیه السلام) زنان دوباره اجازه حضور در مسجدها را پیدا کردند. با گسترش قلمرو خلافت اسلامی، از ورود زنان به مسجدها جلوگیری شد. امام غزالی در احیاء العلوم نوشته است: درست آن است که فقط زالان را به مسجد راه بدهند.^۶ در دوره‌های جدید، زنان اجازه حضور در مسجد را دارند؛ هر چند بخش مردان و زنان با پرده‌ای از هم جدا می‌شود یا بخش زنان در قسمت بالایی قرار دارد. با این حال، در برخی از مسجدهای کشورهای اسلامی، از جمله مالزی و عربستان، هنوز زنان حق ورود ندارند.^۷ بر پایه برخی از روایت‌ها و احکام فقهی، نقش چشمگیری به حضور زنان داده‌اند و در برخی روایت‌ها نیز از حضور آنان نهی شده است و مسجد زنان را خانه آنان دانسته‌اند. باید توجه داشته باشیم که این روایت‌ها نمی‌خواهد رفت و آمد زنان را منع کند؛ بلکه همان گونه که بسیاری از فقیهان فرموده‌اند، مقصود این روایت‌ها تأکید بر لزوم مرزبندی میان زنان و مردان در روابط اجتماعی و رعایت حجاب و پاکدامنی آنان است. بی‌تردید، زنان بخش عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند؛ حضور آنان در مسجد، فرصت مناسبی است برای بهره‌گیری معنوی از این جایگاه مقدّس، آشنایی با معارف اسلامی و ارتقای دینی و معنوی شخصیت‌شان. برخی از زنان فقط با حضور در مسجد می‌توانند راه کمال را بیاموزند و به ارتقاء معنوی برسند.

مسجد و آغاز شکل‌گیری خانواده (عقد نکاح)

از جمله کارکردهای مهمّ مسجد، در راستای تحکیم خانواده، تشویق مسلمانان به همسرگزینی، ازدواج، پیشنهاد همسر مناسب، فرخوانی برای مراسم ازدواج، خواندن خطبه و صیغه عقد است. داستان خطبه خوانی و

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳-۲۳.

۲. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹، حدیث ۲۱۲۳۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۵۸، حدیث ۱۸۴۲.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۶-۷۳.

۵. موطأ، ابن مالک، ص ۳۴۹.

۶. احیاء العلوم، ج ۲، ص ۱۶۲.

۷. جدایی جنسیتی در مساجد، ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

اجرای عقد نکاح حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و نیز فراخوانی مراسم ازدواج ایشان، شنیدنی است.^۱ علی (علیه السلام) می‌فرماید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: ای علی! برای اهل خود طعام بافضیلتی تدارک ببین؛ گوشت و نان از سوی ما و خرما و روغن از سوی تو تهیه شود؛ سپس فرمود: ای علی! برو و هر که را خواستی دعوت کن. من به مسجد آمدم و آنجا مملو از صحابه بود؛ اما شرم کردم گروهی را دعوت کنم و جمعی را واگذارم. از این رو، ندا دادم: مردم! به ولیمه فاطمه (علیها السلام) بشتابید و مردم پذیرفتند. من از کثرت مردم و کمبود طعام شرم کردم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) متوجه ماجرا شد و فرمود: علی جان! من برای برکت یافتن ولیمه تو دعا می‌کنم.^۲

مسجد و تداوم خانواده (تنظیم رابطه‌ها، برطرف کردن اختلاف‌ها)

در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مسجد حامی خانواده‌های مسلمان بود؛ به ویژه خانواده‌های رزمندگان و ایثارگران. ایشان گاه با اصحاب خود، بعد از خارج شدن از مسجد، نزد خانواده‌های شهیدان، جانبازان و بیماران می‌رفت. اگر مهاجر یا انصاری به مسجد نمی‌آمد، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) سراغش را می‌گرفت و اگر نیامدنش به مسجد طول می‌کشید، با اصحاب به دیدن او و خانواده‌اش می‌رفتند. از جمله منش‌های آموزنده پیامبر سلام (صلی الله علیه و آله) این بود که میان اصحاب خود از آنان دلجویی می‌کرد و آنان را در حل مشکلات همراهی می‌کرد.^۳ اصحاب -هم مهاجران و هم انصار- گاهی از قوت و ضعف همسران و فرزندان خود در مسجد نکته‌هایی در میان می‌گذاشتند و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) به تناسب آنها، در آموزش و تربیت اصحاب می‌کوشیدند؛ برای نمونه، مردی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: «یا رسول الله! من همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبال می‌آید و چون می‌خواهم از منزل بیرون روم، مرا بدرقه می‌کند. هرگاه مرا اندوهگین ببیند، می‌گوید: چه چیز تو را اندوهگین کرده؟ اگر برای مخارج زندگی ناراحتی، مطمئن باش که دیگری (خداوند) عهده‌دار آن است و اگر برای آخرت [و گرفتاری‌های قبر و قیامت] غصه می‌خوری، خداوند اندوهت را زیاد کند (و باید چنین باشی). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند روی زمین کارگزاری دارد و این زن یکی از آنهاست. او نصف پاداش شهید را دارد».^۴

تربیت خانوادگی و میل به حضور جوانان و نوجوانان در مسجد

برخی از راهکارهای تقویت ارتباط جوانان با مسجدها:^۵ هر جا سخن از مسائل تربیتی است، اولین و

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۹۴.

۳. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۱۶.

۴. تحکیم بنیان خانواده از منظر اهل بیت، رونامه اطلاعات، بانک مقالات فارسی.

۵. روزنامه کیهان (www.kayhannews.ir)، ۲۳ آذر ۱۳۸۸.

مهم‌ترین پایگاهی که باید بدان توجه کرد، خانواده است؛ زیرا منش، شخصیت و بسیاری از رفتارهای ما در خانواده شکل می‌گیرد. نقش خانواده در تربیت کودک آن‌چنان چشمگیر و مهم است که گروهی از روانشناسان معتقدند، شخصیت کودکان در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد و همه مشکلات رفتاری و شخصیتی آنان نیز به این دوره برمی‌گردد.

یکی از جنبه‌های مهم یادگیری، یادگیری مشاهده‌ای است. بنا به این نظریه، ما انسان‌ها با دیدن رفتار دیگران یاد می‌گیریم که چگونه عمل کنیم. فرزندانمان نیز با دیدن رفتارهای ما یاد می‌گیرند کارهای خاصی انجام دهند. بنابراین، به گفته «ژان پیاژه»، تقلید رفتار والدین در دوران پیش عملیاتی (۷-۲ سالگی) در محیط خانه، به وضوح دیده می‌شود. برای مثال، دختر با انداختن چادر بر سر، نماز خواندن مادر را تقلید می‌کند. بنابراین، والدین با تشویق مناسب می‌توانند نوعی نگرش مثبت به مسجد و نماز در ذهن کودک ایجاد کنند؛ برای مثال لبخند مادر و گفتن جمله‌های شیرین به کودک، به نوعی تأیید این حرکت است. بنا به نظریه برخی روانشناسان رفتارگرا، تشویق و تقویت در تثبیت و شکل‌گیری رفتار، بسیار مؤثر است. مسئله مهم دیگر در تربیت انسان، الگوپذیری است و ما انسان‌ها به الگو نیازمندیم. در خانواده، پدر و مادر می‌توانند بهترین الگوی فرزندان باشند و اگر چنین شود، در شکل‌گیری رفتار آنها بسیار مؤثر خواهد بود. کودکانی که شاهد حرکت سپندگونه والدین هنگام نماز هستند، به‌طور قطع به این نکته توجه بیشتری خواهند داشت. البته هر چه رابطه عاطفی بهتری با فرزندان داشته باشیم، آنها بیشتر تأثیر می‌گیرند. هر چند پند و نصیحت هم اثرهایی دارد؛ اما رفتار الگویی، مؤثرتر است. شاید بر همین اساس گفته‌اند که صدای عمل، بلندتر است.

از کارهای مثبتی که والدین می‌توانند انجام دهند، بردن فرزندان به نماز جماعت و سایر مراسم‌های مذهبی است. چنین کاری، مزیت‌های بسیاری دارد؛ از جمله گرایش مثبت به مسجد و مناسک دینی، تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس و همچنین ارتقای ارتباط‌های اجتماعی. البته شایسته است که حضور فرزندان در مسجدها و مراسم‌های مذهبی با بار عاطفی مثبت همراه باشد و خاطره‌های خوشایندی در ذهن آنان ثبت کند.

در این بین، توجه به فضای مسجد نیز در ترغیب جوانان به نماز بسیار مؤثر است و جا دارد به نکته‌هایی مهم در این باره توجه کنیم:

۱. از آنجا که گرایش به زیبایی و پاکیزگی در ذات انسان است، با تمیز نگه داشتن و آراستن فضای درونی

و برونی مسجد، می‌توان کودکان و جوانان را به مسجد جلب کرد.

۲. امام جماعت مسجد، نقشی مهم در ترغیب جوانان به سوی مسجد و مراسم‌های معنوی دارد. روحانی مسجد، ضمن توجه به آراستگی و پاکیزگی ظاهر خویش، باید با روان‌شناسی نوجوان و جوان آشنا باشد تا بتواند ارتباط بهتر و مؤثرتری با آنان برقرار کند. روحانی‌ای که نیاز جوان و نوجوان را به خوبی بشناسد، بهتر می‌تواند او را در دوره‌های بحرانی و پرتلاطم راهنمایی کند؛ بنابراین، او برای مشورت بهتر به روحانی اعتماد می‌کند.

۳. برنامه‌های مسجد در مناسبت‌های مختلف باید برانگیزاننده باشد؛ زیرا فضای نورانی مسجد، نقش مهمی در جذب جوانان دارد. بنابراین، استفاده از افراد هنرمند، خوش سلیقه و جوان‌پسند برای آذین محراب مسجد بسیار مهم است. همچنین، بهتر است در مراسم معنوی، از فکر و سلیقه جوانان و حتی از خود آنان برای آراستن فضای درونی و برونی مسجد استفاده شود.

جوان دنبال حقیقت است و اگر موقعیت را به خوبی فراهم کنیم، دل آماده آنها پذیرا خواهد بود. در غیر این صورت، هم در برابر از دست رفتن این سرمایه‌های عظیم پاسخگو هستیم و هم دشمن با برنامه‌های هدفمند و حساب‌شده در تباه کردن و جذب آنان از ما پیشی می‌گیرد. چنانچه می‌دانیم، ایجاد هر رفتاری نیاز به زمینه دارد؛ ارتباط جوانان با مسجد نیز از این قاعده مستثنا نیست. همچون بسیاری رفتارهای دیگر، زیرساخت‌های چنین رفتاری باید در خانواده پی‌ریزی شود و والدین با الگو بودن و تقویت گرایش به سمت مسجد و نماز، این رفتار را در فرزندان نهادینه کنند. به فضای ظاهری و روانی مسجد نیز باید توجه کرد تا جوانان گرایش بیشتری به مسجد و نماز جماعت پیدا کنند.

از نگاه نگانده، در جامعه اسلامی، خانواده‌های محله، زیرمجموعه مسجد همان محله هستند. منش مسلمانان و دین‌مداران، در طول تاریخ، این بوده است که بانیان حکومتی و مردمی در همه شهرها و روستاها و به فراخور تراکم جمعیت، مسجد می‌ساختند. این مسجدها نه تنها محل عبادت، اعتکاف، نمازهای جمعه و جماعت بود، بلکه مرکزی برای یادگیری، مشورت، مشاوره‌گیری و دادگاه خانواده بود. از زمان‌های گذشته، افراد ضعیف و کسانی که مشکل‌های شخصی و اجتماعی داشتند، به مسجد مراجعه می‌کردند. در سیره حضرت رسول اکرم ﷺ می‌بینیم که مؤمنان برای رفع نیازشان به حضرت روی می‌آوردند و آن حضرت نیز با بذل مساعدت‌های لازم، نیاز آنان را تا حد امکان برطرف می‌کردند. به این ترتیب، مسجد محل ارتباط مستقیم رهبر و مردم بود.^۱

۱. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۴۲.

خانواده مسجد

از نگاه نگارنده، خانواده مسجد، همان خانواده‌هایی هستند که در مسجد رفت و آمد دارند و با هم در ارتباط معنوی و عاطفی قرار می‌گیرند. این خانواده‌ها، همانند خانواده‌های فامیل، یار، همراه و همدرد هم هستند و یکدیگر را در سختی‌های زندگی همراهی می‌کنند. مسجد، در جایگاه پایگاه معنوی و دینی می‌تواند خانواده‌ها را در چارچوب دین و ایمان به هم نزدیک کند و ثبات و امنیت را برایشان به ارمغان آورد. خانواده مسجد، همچنین شامل خانواده‌هایی می‌شود که از سوی مسجدیان محل، مورد تفقد و سرکشی قرار می‌گیرند و به برکت مؤمنان مسجد، گردانده و پریشانی از چهره‌شان برداشته می‌شود. داستان اصحاب صفه، الگوی جالبی است برای کمک و همراهی آبرومندان نیازمندان محل. اصحاب صفه، کسانی بودند که در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، در محل خاصی از مسجد النبی و در پناه مسلمانان، زندگی می‌کردند. در مسجد النبی، صفه یا ایوانچه‌ای ساخته شده بود که مهاجران بی‌سرپناه در آنجا زندگی می‌کردند و به «اصحاب صفه» معروف شدند. پیش از آنکه مکان قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر کند، محراب رسول خدا صلی الله علیه و آله در شمال مسجد بود. پس از دستور، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای تغییر قبله، آن قسمت را مسقف کردند و مکانی شد برای استراحت و سکونت مسلمانان مهاجر و بی‌پناه که در توسعه مسجد در سال هفتم هجری داخل مسجد قرار گرفت. آنچه امروز به صفه معروف است، روزگاری «دکه الاغوات»^۱ و جایگاه خواجه‌های حرم بوده است که وظیفه حراست و خدمت‌گزاری حرم را داشتند.^۲

خانواده مسجد، همچنین می‌تواند الگوی تازه‌ای از همگرایی و پیوند چند مسجد در شهر یا استان باشد. مسجدهایی که با برنامه‌ریزی میان مسجدی و با همیاری یکدیگر، طرح‌های امدادسانی و هدایت کلان انجام می‌دهند. این الگو چند مسجد را در طرح و برنامه‌ای مبارک به هم پیوند می‌زند. از نگاه نویسنده، مهندسی فرهنگی و دینی در سطح کشور یا در سطح استان‌ها، نیازمند راه‌اندازی طرح خانواده‌های مسجد است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با امعان نظر در مطالب یادشده، نتیجه میگیریم که، برای بهینه‌سازی رابطه مسجد و خانواده، بهتر

۱. اغوات، اغوات و اغوات جمع کلمه آغا و آغا است که به خادم خواجه حرمین می‌گفته‌اند. کلمه آغا از ریشه مغولی به معنای بانو، خانم و شاهزاده خانم. در زبان فارسی، آغا به معنای خاتون، بی‌بی، و بانوی حرم و کلمه‌ای احترام‌آمیز برای خادمان خواجه بوده است. واژه آغا در اواخر دوران ممالیک چرکسی (حک: ۹۲۲-۷۸۴ ق.) و نیز پس از قدرت گرفتن ترکان عثمانی، برای اشاره به شخص خواجه به کار می‌رفت. اما در حجاز خادمان خواجه حرمین شریفین را «اغوات» گفتند که پیشتر به طواشیه به معنای اخته مشهور بودند. (ر.ک: المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۷۰؛ تاج العروس، ج ۱۷، ص ۲۴۸، «خصوص»). در سده یازدهم، اغوات برای خادمان خواجه حرم به کار رفت و آغا بر شیخ حرم نبوی اطلاق گشت. ۲. آشنایی با مسجد النبی مدینه، پایگاه اینترنتی همشهری.

است نخست کارکردهای مسجد و خانواده بهنجار و نمونه در فرهنگ اسلامی بازشناسی، برجسته، تبیین و فرهنگ‌سازی شود. سپس، راهکارهای تعامل بهینه این دو خانه خصوصی و عمومی ردیابی و کشف شود. از این رهگذر می‌توانیم از نعمت بزرگ حضور مسلمانان در مسجد برای تحکیم خانواده و بهینه‌سازی رابطه میان اعضای آن به نفع ارتقای معنوی و اجتماعی سبک زندگی اسلامی بهره بگیریم. به گمان ما، نقش مسجد و برکت‌های الهی آن، در تحکیم نظام خانواده، نعمت ناشناخته و گم‌شده‌ای است و شناخت آن می‌تواند جامعه‌های اسلامی را در بستر رشد و تکاپوی معنوی و الهی قرار دهد.

دست‌آورد روشن ما از این پژوهش این است که تحکیم خانواده، از راه مسجد، در گرو شناسایی و جدّی گرفتن دو طرح مهمّ و جالب: «مسجد خانواده» و «خانواده مسجد» است. طرح مسجد خانواده، به این معنا است که اگر هر خانواده اسلامی در پی یک مسجد، خانواده باشد و همانند پزشک خانواده خود را زیر چتر حمایت مسجد قرار دهد، خانواده‌ها از ثبات، صفا و رفاه بیشتری بهره‌مند خواهند شد. خانواده مسجد هم به معنای پیوند زدن خانواده‌های مسجدی - پشتیبانی‌کننده و پشتیبانی‌شونده - و مسجد‌های محلّ است؛ همان‌طور که در این نوشتار توضیح دادیم. تعامل مسجد نمونه و خانواده بهنجار اسلامی پیش‌نیازها و ابزارهای ویژه‌ای دارد که برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

- اطمینان از داشتن امام جماعتی که دانش، تقوا، تعهّد، دلسوزی، روزآمدبودن، سلامت و آراستگی بدنی و ظاهری داشته باشد.
- حضور شورای علمی و هیئت امنای مسجد که ترکیبی از مسجدیان کارآزموده، باتجربه، جوان و کارآمد است.
- حضور اتاق فکر خانواده در مسجد‌ها که درباره موضوع‌ها و محورهای زندگی خانواده و چالش‌های پیش رو گفت‌وگو می‌کنند.
- حضور کمیته‌های علمی و تخصصی درون هر مسجد، به ویژه کمیته مشاوره و مهارت زندگی.
- راه‌اندازی صندوق مهر خانواده برای کمک‌رسانی‌های مالی و اعطای قرض‌الحسنه برای کمک به زندگی، ازدواج، بیماری، ایجاد شغل، تحصیل و مانند آن.
- کمیته آموزش و پرورش مسجد برای برنامه‌ریزی موضوع‌های گوناگون، به ویژه تربیت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جنسی.
- تأسیس شورای حکمیت و دادگاه خانواده مسجد برای رویارویی با چالش‌ها و اختلاف‌های

خانوادگی، متشکل از ریش سفیدان و معتمدان محل.

■ راه اندازی درمانگاه‌ها، کلینیک‌های تخصصی و بیمارستان‌های عمومی و تخصصی وابسته به مسجد.

■ تشکیل و راه اندازی کتابخانه‌های عمومی و تخصصی مسجد، نمایشگاه‌های کتاب و نرم‌افزارها.

■ تأسیس سالن و زمین ورزش مسجد و تشکیل تیم‌های ورزشی، به‌ویژه برای جوانان و نوجوانان.

■ تأسیس استخر شنای مسجد برای برادران و خواهران.

■ تأسیس کمیته اردوهای تفریحی، زیارتی، علمی و بین‌المللی مسجد.

■ تشکیل کمیته هنر؛ مانند سینما، تئاتر، موسیقی، آواز، خطاطی، طراحی، نقاشی و ترویج هنرهای اصیل اسلامی.

■ ترویج و تشویق رابطه خوشه‌ای و شبکه‌ای مسجدها برای تبادل اطلاعات و تجربه‌ها (طرح خانواده مسجد).

■ طراحی و برنامه‌ریزی برای نشست‌های سالانه امامان جمعه و جماعت؛ با هدف آسیب‌شناسی خانواده‌های مسجدی و برنامه‌ریزی برای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مهارت‌زندی خانواده‌ها.

■ برنامه‌ریزی برای جمعه‌بازارهای هدایت‌شده که بتواند کالاها و وسایل مورد نیاز خانواده‌های مسجدی و زیرمجموعه وابسته به مسجد را با کیفیت خوب و قیمت مناسب عرضه کند.

این راهکارها، برخی از روش‌های روشن، تجربه‌شده و مؤثری است که می‌تواند نقش مسجدها را در تحکیم نظام خانواده‌ها و نقش خانواده‌ها را در رونق بخشیدن به مسجدها ارتقا بخشد. دستیابی به این راهکارها، در گرو مهندسی فرهنگی رابطه مسجد و خانواده است. دفتر نظارت بر مسجدها با برنامه‌ریزی و طراحی‌های خرد و کلان خود می‌تواند امامان جماعت، کارگزاران و هیئت‌های امنا را در راستای رسیدن به مسجد نمونه یاری دهد. این مهم در گرو داشتن طرح توسعه و ارتقای سالیانه و چند سالانه است و همچنین نیازمند برگزاری نشست‌ها و راه‌اندازی دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی برای مدیران و کارگزاران مسجد است.

منايع وماخذ

١. سجستاني، ابي داوود سليمان بن اشعث، سنن ابي داوود، بيروت، دارالجيل، بيتا.
٢. شيخ حرّاملي، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٣. زركشي، محمد بن عبد الله، اعلام المساجد باحكام المساجد، قاهره، ١٤١٠ هـ.ق.
٤. شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرّسين، ١٤١٣ هـ.ق.
٥. غزالي، ابو حامد محمد، احياء علوم الدين، عمان، دار الفكر، چاپ دوم، ١٤١٢ هـ.ق.
٦. رواندي، قطب الدين، الدعوات، قم، نشر مدرسه امام مهدي ﷺ، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ.ق.
٧. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق و تعليق: علي ابر غفاري، بيروت، دار الاضواء، ١٤٠٥ هـ.ق.
٨. ابن منظور، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ١٤١٤ هـ.ق.
٩. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ هـ.ق.
١٠. نوري، حاج ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤٩٠ هـ.ق.
١١. مكارم شيرازي، ناصر، قرآن مجيد با ترجمه فارسي، قم، دار القرآن الكريم (دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي)، ١٣٧٦ هـ.ش.
١٢. مالک بن انس، موطأ، دار الكتاب العربي، بيروت، بيتا.
١٣. قشيري النيشابوري، ابي الحسن مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت، دارالجيل، ١٤٢٦ هـ.ق.
١٤. اشترى، ورام بن ابي فراس بن ابوالحسين، نزهة النواظر و تنبيه الخواطر (مجموعه ورام)، تهران، چاپخانه حيدري.
١٥. كتاني، عبد الحى سيد محمد (متوفى ١٣٨٢ هـ.ق)، نظام الحكومة النبوية المسمى التراتيب الادارية، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، ١٣٤٦. ١٣٤٩ هـ.ق.

منايع انگليسي

١٦. "Guide on becoming a family –friendly mosque". This article could be ordered by writing to Ms Dayang Istiaisyah, Executive, Mosque Programmes Strategic Unit, dayang@muis.gov.sg.

نشریات و سایت‌ها

۱۷. فصل نامه حوراء، شماره ۱۹، سالاری فر، محمد رضا، «راه‌های تحکیم خانواده در فرآیند جهانی شدن.»
۱۸. ماهنامه پیام زن، شماره ۷۷، تقدسی نیا، خسرو، «مسجد، زنان و آداب حضور»، مرداد ۱۳۷۷ ه. ش، برگرفته از شبکه اطلاع‌رسانی امام صادق (علیه السلام).
۱۹. فرید، یدالله، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۶۸ ه. ش، ص ۲۶۹-۲۷۰.
۲۰. روزنامه اطلاعات، تحکیم بنیان خانواده از منظر اهل بیت، بانک مقالات فارسی.
۲۱. روزنامه کیهان، موسوی، سید کاظم، (www.kayhannews.ir)، ۲۳ آذر ۱۳۸۸ ه. ش.
۲۲. پایگاه اینترنتی حوزه نت. Hawzah.net: صادق پور، قاسم، «حضور زن در مسجد».
۲۳. مجتبی زاده، محمد، «مراحل تحوّل روانی از دید پیاژه»، سایت باشگاه اندیشه، ۱۴ خرداد ۱۳۸۷، به نقل از <http://www.motarjem-mm.blogfa.com>
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، کتاب الکترونیکی تفسیر نمونه، ج ۱، برگرفته از سایت لهوف، محبان حضرت مهدی (علیه السلام).
۲۵. سایت مؤسسه فرهنگی جام طهور، میرزاد، مریم، «جایگاه مسجد در قرآن و روایات».
۲۶. سایت اندیشه قم، نوبهار، رحیم، «ویژگی‌های مسجد نمونه».
۲۷. پایگاه اینترنتی باقرالعلوم (علیه السلام): www.pajoohe.com: آشنایی با مسجد النبی (صلی الله علیه و آله).
۲۸. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، جدایی جنسیتی در مساجد.
۲۹. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، مسجد قبا.
۳۰. سایت تبیان، مسجد در قرآن.

نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی مسجد در جذب خانواده‌ها

حسین اسلامپور کریمی

چکیده

خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی در مهندسی فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارد. با برنامه‌های فرهنگی و دینی خانواده گرایانه و بهره‌گیری از مساجد می‌توان ضمن اشاعه آموزه‌های اسلامی، جامعه‌ای با تربیت دینی و سبک زندگی اسلامی ایجاد نمود. این نوشتار، «نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد در جذب خانواده‌ها»، (اعمّ از کودکان، نوجوانان، جوانان، کهنسالان و بانوان) را بیان می‌نماید. این پژوهش با رویکردی سیستمی و روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع فارسی، لاتین و عربی (شیعی و سنی) و با فیش‌برداری، تلخیص و دسته‌بندی مطالب تنظیم گردیده. مطالب در سه بخش کلی: نقش امام جماعت، نقش متولیان فرهنگی و نقش تلفیقی امام جماعت و متولیان فرهنگی در جذب خانواده‌ها و با توجه به گروه‌های سنی اعضای خانواده ساختاردهی شده است و راهکارهای عملیاتی را ارائه نموده. نتایج نشان می‌دهد که امام مساجد و متولیان فرهنگی مساجد باید با برنامه‌های چند بُعدی برای همه گروه‌های سنی اعضای خانواده و با تدوین یک برنامه جامع راهبردی، به مهندسی و مدیریت فرهنگی بپردازند. بر اساس نتایج، اگر امام جماعت مساجد و متولیان فرهنگی با نگرش سیستمی، اقتضایی و با در نظر گرفتن نیازهای چندوجهی خانواده‌ها شامل نیازهای عبادی، تربیتی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی را در مساجد اجرا کنند، خانواده‌ها به حضور در مساجد بیشتر جذب خواهند شد.

واژگان کلیدی:

مسجد، خانواده، امام جماعت (امام مساجد)، متولیان فرهنگی، تربیت دینی، دین‌درمانی، خانواده‌درمانی.

۱) کلیات بحث

۱-۱) مقدمه

خانواده، نظامی اجتماعی و اساس شکل‌گیری جامعه بزرگ‌تر است. در خانواده زیربنای تربیتی و شخصیتی فرد شکل می‌گیرد. خانواده دارای اعضای است که با وظایف و مسئولیت‌شان مشخص می‌شوند. می‌دانیم که یکی از ارکان اساسی ادیان توحیدی، به ویژه اسلام، عبادت و بندگی است. جوهر و جان این عبادت و نیایش، حضور قلب و توجه به خداوند است.^۱ برای فراهم شدن عبادتی این چنین، به شرایط و عوامل متعددی، از جمله مکان عبادت نیاز است. اسلام با در نظر گرفتن مکانی به نام مسجد، در حقیقت جایگاه مناسبی را برای ارتباط با خداوند پیش‌بینی کرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ مساجد از آن خداست، پس باید کسی جز او را نخوانید. بنابراین، برای تربیت دینی جامعه باید خانواده‌ها را به مسجد ترغیب نمود».^۲

۲-۱) بیان مسئله

با پویاتر شدن جوامع و پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن، آسیب‌های رفتاری جدیدی گریبان‌گیر افراد و خانواده‌ها شده است و دشمنان اسلامی که در پی شیخون فرهنگی هستند بیشتر خانواده و بنیان خانواده را برای دستیابی به اهداف شوم خود برگزیده‌اند. در چنین شرایطی نیاز به دین و معنویت و تأکید بر سبک زندگی مذهبی بیش از پیش احساس می‌شود. از طرف دیگر تجربه ثابت کرده است که مسجد بهترین مرکز اشاعه آموزه‌های دینی هستند. بر این اساس اکنون این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان خانواده‌ها را به مسجد جذب نمود؟

۳-۱) ضرورت بحث

تحقیقات ثابت کرده است که بسیاری از ناملایمات رفتاری و اخلاقی با دین‌درمانی، درمان می‌شود یا بهبود می‌یابند. افسردگی، استرس، اضطراب، تمایل به رفتارهای پرخطر جنسی، احساس پوچی، و سواس فکری، ناامیدی، میل به خودکشی، بیماری‌های روانی، اختلالات رفتاری، فشار خون، برخی از اختلالات متابولیکی، ناکارآمدی اجتماعی و ... نمونه‌هایی از مشکلات رفتاری هستند که با کمک ذکر، دعا، زیارت و

۱. چهل حدیث، ج ۲۷.

۲. جن، آیه ۸.

سایر برنامه‌های فرهنگی مسجدی بهبود یا درمان می‌شوند.^۱ بنابراین، مطالعه موضوعات مربوط به جذب خانواده‌ها به مسجد برای پیشگیری و درمان برخی آسیب‌ها و ناملازمات رفتاری و اخلاقی ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۱) سؤالات تحقیق

- بر اساس مطالب بیان شده، این تحقیق در پی پاسخ به سؤالات زیر است:
- نقش امام جماعت مسجد (امام مسجد) برای جذب خانواده‌ها چیست؟ (اصلی)
- نقش متولیان فرهنگی مسجد برای جذب خانواده‌ها چیست؟ (اصلی)
- نقش امام جماعت و متولیان فرهنگی در جذب اعضای مختلف خانواده شامل بانوان، کودکان، نوجوانان و جوانان به مساجد چیست؟ (فرعی)

۵-۱) جنبه نوآوری بحث

در خصوص جذب افراد و خانواده‌ها به مساجد تحقیقات متعددی انجام گرفته است. هر کدام از پژوهش‌ها به یک گروه سنی خاص مثلاً نوجوانان یا جوانان پرداخته است. در این تحقیق برای پاسخ به سؤالات پژوهشی مطرح شده فوق، با یک نوآوری جدید از نگرش سیستمی و کل نگر استفاده گردید که در ادامه بحث تشریح می‌شود. نگارنده با در نظر گرفتن همه اعضای خانواده به عنوان یک کلیت واحد، نقش‌های امام جماعت و متولیان فرهنگی در جذب همه اعضای خانواده را بیان نموده است.

۲) مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۲-۱) نگرش سیستمی در جذب خانواده

روشن است که مجموعه‌ای به نام خانواده غالباً دارای اعضای مانند: پدر، مادر و فرزندان است. این سه عضو مشخص، در یکی از گروه‌های سنی کودک و نوجوان و جوان و میانسال یا کهنسال و بر اساس تفکیک جنسیتی قابل دسته‌بندی هستند. بنابراین، هر خانواده و حتی شبه خانواده^۲ شامل عناصری است که در یک یا چند گروه سنی مذکور قرار دارند. هر گونه فعالیت تربیتی و فرهنگی باید با این رویکرد جامع و

۱. خداحیمی، سیامک، جعفری، سید غلامرضا، نقش مذهب بر بهداشت روانی، روان درمانی و روان شناسی بالینی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ش ۴، صص ۱۸۵-۱۹۵؛ پناهی علی احمد، نقش نماز در آرامش روان، فصلنامه علمی تخصصی روان شناسی در تعامل دین، ش ۱، صص ۲۱-۳۵.

۲. حیدریان، حمیرا، آشنایی با وظایف دفتر شبه خانواده، همه چیز برای نزدیکی بیشتر به خانواده، پیام زن، ش ۱۷۴، ص ۲۷.

نگرش سیستمی^۱ انجام گیرد. «بر اساس این رویکرد، همه اعضای خانواده به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک سیستم یکپارچه در نظر گرفته می شود و همه عوامل محیطی اعم از فرهنگی و اجتماعی و مذهبی و... در رابطه با آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد تا اهداف برنامه های فرهنگی با محوریت مسجد، محقق شود»^۲. در واقع همه اعضای تشکیل دهنده خانواده همانند اجزای یک سیستم به هم پیوسته هستند و بر هم تأثیر متقابل و هم افزایی^۳ داشته، به نحوی که تغییر رفتاری و تربیتی یک عضو بر دیگران اثر دارد. بر همین اساس، امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد باید یک دیدگاه کل گرا و سیستمی داشته باشند. در واقع آنها باید برای تک تک عضو یک خانواده طرح و برنامه های فرهنگی و تربیتی داشته باشند. متولیان فرهنگی باید با تصمیمات چند بُعدی، همه گروه های سنی خانواده را تحت الشعاع فعالیت های فرهنگی خود قرار دهند تا نهاد خانواده، نهادی مسجدی تربیت شود.

۲-۲) خانواده چیست؟

خانواده، یک واحد زیستی (بیولوژیکی) است که تشکیل آن مبتنی بر پیوند زناشویی است و بر اساس آن افراد دارای رابطه سببی یا نسبی بوده و با یکدیگر خویشاوند هستند. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است. افراد در خانواده به دنیا می آیند و در خانواده نیز می میرند. خانواده شالوده حیات اجتماعی محسوب گردیده و گذشته از وظیفه تکثیر نسل و کودک پروری، برای بقای نوع بشر وظایف متعدّد دیگری، از قبیل تولید اقتصادی و فرهنگ پذیر کردن افراد را نیز بر عهده دارد. بنابراین، خانواده یک عامل واسطه ای است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروه ها، سازمان ها و جامعه، نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی به فرد ایفا می نماید.

۲-۳) چستی تربیت و اهمیت تربیت دینی در خانواده

تربیت، در لغت به معنای رشد و پاکیزه کردن است. تربیت از ماده «ربو» یا «رب» در لغت، به معنای افروندن، رشد و نمو کردن، نشو و نما کردن است. واژه تربیت، بیشتر در خصوص کودکان به کار می رود که به معنی پرورش و هدایت است و اخلاق و رفتار فرزندان را تا به مرحله بلوغ و شکوفایی استعدادها در

^۱ Systematic attitude

^۲ دنیل جرج جی (Danie, J. Gouger)، روبرت دبلیو ناپ (Robert W. Knap)، تکنیک تحلیل سیستمی، ص ۳۹.

^۳ Synergy.

^۴ Family.

برمی‌گیرد.^۱ در زبان فارسی، واژه «تربیت» به معنای پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است. اصطلاح «تعلیم و تربیت» نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است.^۲ تربیت در اصطلاح، عبارت است از هرگونه فعالیت که معلمان، والدین یا هر شخص به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش معین انجام می‌دهند. در مفهوم اصطلاحی برخی معتقدند که تربیت عبارت است از تبدیل کردن قوه‌ها به فعلیت و استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان که سبب شکوفایی و پرورده ساختن است.^۳ تربیت، عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی موجود را به بالفعل درآوردن. این پرورش دادن فقط در مورد موجودات زنده صادق است.^۴

«تربیت دینی»، عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها، متعهد گردند. خانواده یک نهاد چند وجهی یا چندبُعدی^۵ است و روابط در آن از پیچیدگی‌های ویژه‌ای برخوردار است که در مطالعات خانواده باید مدنظر قرار گیرد. این بدان معنا است که افراد خانواده تأثیر متقابلی بر رفتار یکدیگر دارند و جدا کردن یا عدم توجه به این تأثیرات، باعث کاهش اعتبار^۶ یا بی اعتباری نتایج مطالعات می‌شود. شخصیت فرزندان از همان دوره کودکی و خردسالی، در خانواده تکوین می‌یابد. ابزارها و شیوه‌های گوناگونی در جهت تربیت فرزند یا هر فرد در دوران کودکی از نظر شخصیت پدر و مادر و اطرافیان، شیر مادر، حلال یا حرام بودن لقمه و... در علوم تربیتی و متون دینی وجود دارد. از آنجایی که موضوع دین، رفتارهای اختیاری و ارادی افراد بشر است؛ «هدف از تربیت دینی، ایجاد، تقویت و پرورش روح تقوا و هدایت‌پذیری است».^۸ بنابراین، خانواده بهترین جا برای ایجاد تربیت دینی افراد است.

۴-۲) متولی مسجد و شرایط

«متولی» در کتب لغت به معنی دوست دارنده، کارپذیرنده، کسی که کاری به خود گیرد و به کار کسی

۱. حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، صص ۳۴-۳۶.

۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۹۵.

۳. رشیدی پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۸ تا ۱۲.

۴. مطهری (ره)، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۵۶-۵۷.

۵ Multidimensional.

۶ Behavior.

۷ Validity.

۸. پورعلی فرد، محمد مهدی، نکته‌ای درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، ج ۱، ص ۱۹.

اقدام نماید و امری را به عهده گیرد، است. در برخی موارد به معنی، ارشد، اکبر، اعلم، اتقی و اورع اولاد یا اعلم علمای محل و یا پیش نماز مسجد جامع و نظایر آن نیز استفاده می شود. در فقه اسلامی متولی کسی است که بر حسب صفات و مشخصاتی که واقف در وقف نامه ذکر کرده است و در هر عصر و زمانی به اداره امور وقف موافق نظر واقف می پردازد.^۱ با این وجود، امروز متولیان مساجد از برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان همه فعالیت های فرهنگی مساجد هم محسوب می شوند و انجام امور تولیت مسجد، بخش کوچکی از وظایف آنها محسوب می شود.

خصوصیات متولیان مساجد در آیات متعدّد قرآن کریم بیان شده است که ذکر همه آیات در این مقال نمی گنجد؛ اما مهم ترین آنها ایمان به خدا و قیامت، اقامه کنندگان نماز و... است.^۲ در راستای همین کارکرد تربیتی، امروز متولیان فرهنگی کشور به مقوله خانواده و مسجد تأکید می نمایند.^۳

۲-۵) امام جماعت کیست؟

امام در لغت به معنای پیشواست. امام آن کسی است که از او پیروی می کنند و به وی اقتدا می شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن. حق باشد یا باطل.^۴ جماعت به معنای گروهی است که گرد هم آمده اند. امام جماعت در اصطلاح فردی است که در بین گروهی که می خواهند نماز اقامه کنند، جلوتر از همه بایستد و دیگران به او اقتدا کنند. شرایطی که باید در امام جماعت وجود داشته باشد در منابع فقهی مطرح شده است که بحث در مورد جزئیات آنها در این مقال نمی گنجد.^۵

۲-۶) امام جماعت یا امام مساجد؟

عنوان «امام جماعت مسجد» در میان جامعه مسلمانان از گذشته های دور تاکنون بسیار مورد استفاده قرار گرفته و به کارگیری این واژه در ادبیات ما مرسوم و معمول است. اگر چه استفاده از این واژه از نظر حقوقی و عرفی عاری از اشکال اساسی و مبنایی است؛ ولی با توجه به مفهوم محدودی که از این ترکیب به

۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۲۸، ص ۱۵۷۹، ذیل واژه متولی.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، صص ۳۱۳ تا ۳۱۹؛ طبرسی الفضل ابن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، صص ۳۸ و ۴۱.

۳. آقایی، حمید، گفتگوی خبری با خبرنگار شبستان، قابل دسترس در: <http://www.shabestan.ir>.

۴. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ذیل واژه «امام».

۵. طباطبائی، حکیم سید محسن، مستمسک عروة الوثقی، ج ۷، صص ۳۱۶-۳۲۸.

۶. این بخش با کمی تلخیص و تغییر از منبع زیر گرفته شده است: موظف رستمی، محمد علی، امام مسجد یا امام جماعت مسجد، قابل دسترس در آدرس: <http://www.ido.ir>.

ذهن متبادر می‌شود، وظایف و مسئولیت اندکی برای آن متصور می‌شود. امام از نظر لغوی به معنای پیشوا، پیش نماز، خلیفه، فرمانده سپاه، راهنمای مسافران است. مفهوم «امام مسجد»، بالاتر از امام جماعت است، وقتی می‌گوییم امام، هم نماز جماعت را شامل می‌شود و هم امام جمعه را؛ چون در مسجد هم نماز جماعت خوانده می‌شود و هم نماز جمعه.

در پیشنهاد واژه امام مسجد در این بحث منظور از امام، امام معصوم نیست؛ بلکه شخصی با تحصیلات عالی دینی است که آشنایی کافی و وافی در حوزه‌های فقهی و احکام و مسائل شریعت اسلامی دارد. وی شرایط و الزامات ذکر شده در منابع دینی را برای امامت مسجد (در عصر غیبت امام زمان علیه السلام) و در حاکمیت ولی امر حاضر مسلمین) داراست. نگارنده با در نظر گرفتن وظایف گسترده امام جماعت و فعالیت‌های متنوع مساجد امروزی و گسترده شدن فعالیت‌های فرهنگی مساجد بر این باور است که به جای واژه «امام جماعت»، بهتر است از «امام مسجد» استفاده شود.

۲-۷) روان‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی^۲

«روان‌شناسی دین» یا روان‌شناسی مذهب از شاخه‌های تحقیقات علمی است که به بررسی دین می‌پردازد. کار اصلی روان‌شناسی دین، تعریف و توضیح جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه از پدیده‌های دینی است.^۳ در دهه‌های اخیر اواخر قرن ۲۰، نگاه‌های جدی‌تری به دین شده و پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است؛ یعنی نگاه‌ها بیشتر در صدد بررسی بی‌طرفانه‌ای نسبت به مسائل دین بوده است.^۴ در روان‌شناسی دین، روان‌شناسی به منزله مبنایی برای ارائه تفسیر از پدیده‌های دینی در نظر گرفته می‌شود. مثلاً یک پدیده دینی مثل عزاداری، هم تبیین روان‌شناختی دارد و هم تبیین جامعه‌شناختی و تبیین‌های دیگر؛ اما در این گستره، این پدیده را فقط از دید روان‌شناختی تبیین می‌کنیم. در مقابل، در «روان‌شناسی دینی» که شاخه‌ای از علم دینی است، باورهای مذهبی به منزله اصل و منبع قرار می‌گیرند و روان‌شناسی در چارچوب آن باورها جستجو می‌شود.^۵ امام مساجد باید با شناخت اصول روان‌شناسی دین، همه ابعاد دین اسلام را با کمک علوم جدید بشناسد و سیاق‌های نوین دین درمانی را ایجاد نماید.

۱. psychology of religion.

۲. religious psychology.

۳. برگرفته از سایت ویکی پدیا به آدرس: <http://fa.wikipedia.org>.

۴. آذربایجانی، مسعود، نشریه معارف، ش ۶۶، ص ۶.

۵. قربانی، نیما، روان‌شناسی دین، قیسات، ش ۸، ص ۲۴.

۲-۸) دین درمانی چیست؟

دین درمانی یا مذهب درمانی، به شیوه‌هایی از روان‌شناسی گفته می‌شود که با ابزار دین و مذهب به درمان و بهبود آسیب‌های رفتاری در فرد یا گروه یا جامعه می‌پردازد. دین درمانی با دقت نظر به روان‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی انجام می‌شود و مشکلات و آسیب‌های رفتاری یا نگرشی افراد را درمان می‌کند. یا از بروز آسیب‌های کرداری و اخلاقی و اختلالات رفتاری پیشگیری می‌کند. دین درمانی ماهیت بین رشته‌ای دارد و علاوه بر تخصص در روانشناسی، ورود به این گستره منوط به کسب دانش در الهیات، متافیزیک، اخلاق و اسطوره‌شناسی و... است.^۲

۳) نقش‌های اختصاصی امام مسجد در جذب خانواده‌ها به مساجد

یکی از ارکان اصلی هر مسجد که از متولیان فرهنگی اثرگذار مساجد محسوب می‌شود، امام جماعت است که در آموزه‌های اسلامی دارای منزلتی ارزشمند می‌باشد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بغيرِ حِسَابٍ وَيَشْفَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي ثَمَانِينَ أَلْفًا الْمُؤَدِّنُ وَالْإِمَامُ وَرَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيَصِلُ إِلَى الْجَمَاعَةِ؛ خداوند وعده داده است که سه نفر را بدون حساب وارد بهشت نماید و هر یک از آنها شفاعت هشتاد هزار را بنماید؛ مؤذن، امام جماعت و کسی که وضو بگیرد و وارد مسجد شود و در جماعت نماز بخواند».^۳ یکی از عواملی که در مبحث جذب خانواده‌ها به مساجد باید مدنظر قرار گیرد ویژگی‌های فردی و توانمندی‌های امام مسجد است. در خصوص امام مسجد موفق تحقیقات زیادی صورت گرفته است.^۴ همه ویژگی‌ها و خصوصیات فردی امام مسجد در جذب گروه‌های مختلف سنی اعضای خانواده اثرگذار است. بنابراین، متولیان باید در انتخاب امام مسجد به این ویژگی‌های فردی امام جماعت توجه ویژه نمایند؛ چرا که مسجدی در جذب خانواده‌ها موفق است که امام جماعتی توانمند و با ویژگی‌های کارآمد و مهارت‌های به روز داشته باشد. در ادامه برخی از نقش‌های امام جماعت در جذب خانواده‌ها به مساجد اشاره می‌شود.

۳-۲) ارتباط منظم و مستمر امام جماعت مسجد با نمازگزاران

روحانی مسجد یا امام مسجد باید از احوال نمازگزاران مطلع باشد (از بیمار شدن یا صاحب فرزند شدن و

۱Religiontherapy..

۲. قربانی، نیما، همان مشخصات، ص ۲۵.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۹.

۴. فرجی، محمد مهدی، ویژگی‌های امام جماعت موفق، مبلغان، ش ۱۱۸، صص ۳۲-۴۳.

ازواج کردن نمازگزاران و ...). تعامل اجتماعی امام مسجد با نمازگزاران باید به طور مستمر و منظم برقرار باشد و این زنجیره ارتباط اجتماعی و عاطفی سست یا قطع نشود. امام مسجد باید در متن جامعه و در وقایع شاد یا غم‌انگیز زندگی فردی و اجتماعی نمازگزاران حضور پر رنگ داشته باشد. این برنامه همان برخوردی است که در صدر اسلام از طرف رسول گرامی اسلام ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) صورت می‌گرفت. وقتی یکی از نمازگزاران یک یا دو جلسه نماز را غیبت می‌کرد، بلافاصله آن بزرگواران احوال او را جویا می‌شدند. اگر شخص مورد نظر در بستر بیماری افتاده بود، به عیادت وی می‌رفتند. در صورتی که دچار گرفتاری بود، سعی می‌کردند با مشارکت سایر مؤمنان و نمازگزاران، به رفع گرفتاری او اقدام نمایند و در صورت بیماری، برای بهبودی او دعا کنند.^۱

۳-۳) سرکشی امام مسجد از خانواده‌های شهدا و جانبازان

همه فعالیت‌های امام مسجد باید با محوریت خانواده صورت گیرد تا جذب خانواده‌ها به مساجد تسهیل شود. سرکشی امام مسجد از خانواده‌های شهدا و جانبازان یکی از فعالیت‌هایی است که امام مسجد می‌تواند انجام دهد. در برخی مساجد این برنامه با اعلام قبلی و با حضور نمازگزاران مسجد انجام می‌پذیرد که آثار مثبت بسیاری را به همراه داشته است. چنین برنامه مستمر و هفتگی می‌تواند به گونه‌ای تنظیم شود که این سرکشی هر شش ماه یا سالی یکبار تکرار شود. توجه به خانواده‌های شهدا و جانبازان را می‌توان در سیره رسول خدا ﷺ مشاهده نمود؛ روزی آن حضرت همراه با گروهی از اصحاب بعد از نماز، از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده «سعد بن ربیع» که از شهدای جنگ احد بود، رفتند و اعضای خانواده را مورد محبت و رحمت خویش قرار دادند.^۲

پیامبر ﷺ پس از شهادت جعفر بن ابی طالب در جنگ موه، به خانه او رفت و با حضور خویش موجب تسلی دل خاندان او گردید.^۳ امام جمعه و جماعت باید از پیامبر اسلام ﷺ تأسی بجویند. نمازگزارانی که به دلایل مختلف، خود یا خانواده آنها مورد محبت امام مسجد و نمازگزاران قرار می‌گیرند، این تفقد را از برکت معنوی و اجتماعی مسجد تلقی می‌کنند. این عمل آثار مثبت بسیاری را به همراه خواهد داشت که مهم‌ترین آن ترغیب نمودن خانواده به حضور در مساجد است.

۱. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ص ۲۷۴.

۲. رفیع‌الدین اسحاق ابن محمد همدانی، سیرت رسول الله، صص ۳۲۱-۳۴۵.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳-۴) ارائه مشاوره روان‌شناسی بانگرس مذهبی

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان‌ها، در چند دهه قبل به صورتی فزاینده توجّه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی و اخلاقی را به خود جلب نموده است. فلسفه امانیستی و علم پوزیتیویستی غرب در قرون اخیر مانند دلبه یک قیچی و باروش‌های گوناگون سعی نمودند تا گفتمان الهی و معنوی را از صفحه روزگار و از زندگی بشریت حذف نمایند. در حالی که در قرن ۲۱ ضمن اظهار عجز از این خواسته، به دین و معنویت عروج کردند. بر اساس تحقیقات انجام شده امروز از عامل معنویت و مذهب و دین در ارائه مشاوره‌های رفتاری توسط اندیشمندان رشته روان‌شناسی مشاوره استفاده می‌شود.^۱

دین کامل اسلام برای همه ابعاد و شئون زندگی بشر دستورات مؤثری ارائه کرده است. برخی از این دستورات باید توسط متخصصان دینی از منابع مربوط استخراج و تشریح شوند. از طرفی عصر کنونی، با توسعه همه جانبه تکنولوژی‌های ارتباط جمعی، عصر انفجار اطلاعات نامگذاری شده است و مفاهیمی چون دهکده جهانی و جهانی شدن مطرح است. این موضوع آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نوپدید و مشکلات رفتاری و اعتقادی جدیدی را به وجود آورده است.^۲ تحقیقات انجام شده حتی در کشورهایی که دین رسمی آنها اسلام نیست، نشان داد که گرایش نوجوانان و جوانان و نونهالان به مذهب و انجام فعالیت‌های مرتبط با دین یا انجام تشریفات مذهبی به صورت کلی در کاهش سلامت رفتاری آنها مؤثر است. بر اساس این تحقیقات رفتار با ریسک بالا (مانند رفتار پُر خطر جنسی و مصرف مواد مخدر و...) در جوانانی که به کلیسا و معابد و خصوصاً مساجد گرایش دارند، بسیار کمتر است.^۳ روان‌شناسی دینی یا همان روان‌شناسی مذهب و روان‌شناسی دینی از مباحث جدیدی است که باید در راستای فعالیت‌های فرهنگی مساجد به آن توجّه شود و اساس مشاوره‌های مذهبی قرار گیرد.

۴) نقش‌های اختصاصی متولیان فرهنگی مساجد در جذب خانواده‌ها به مساجد

۴-۱) توجّه به حضور زنان در مساجد، به عنوان عامل جذب خانواده‌ها

بر خلاف شبهه عدم نیاز به حضور زنان در مساجد که در گذشته وجود داشت، امروز حضور زنان در مساجد

۱. تایفانی نیکلس (Tiffany Nickles)، نقش مذهب و معنویت در مشاوره، ۲۰۱۱، ص ۳.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای آسیب‌های اجتماعی نوپدید، دفتر تحقیقات نیروی انتظامی مازندران، ص ۳-۵۵۴.

۳. رک به: والس (Wallace) و فورمن (Forman)، نقش مذهب و دین در افزایش سلامتی و کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان آمریکایی، ۱۹۹۸، صص ۷۲۱-۷۴۱.

به عنوان عاملی برای جذب خانواده ها به مساجد از دیدگاه متولیان و برنامه ریزان فرهنگی مساجد بیشتر گذشته است. در گذشته به خاطر فرهنگ ناروا و کج فهمی های به وجود آمده، همیشه زنان از حقوقی کمتر از مردان برخوردار بودند.^۱ این طرز تفکر در دوران پیش از اسلام با شرمساری یا خشم پدران از تولد فرزند دختر نمود پیدا می کرد.^۲ قرآن در این مورد می فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ»؛^۳ هر چند احادیثی مانند خَيْرُ مَسَاجِدٍ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ؛^۴ و «صَلَاةُ الْمَرْثَةِ فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَصَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ»؛^۵ به منع حضور زن در مساجد اشاره دارد؛ ولی این احادیث مربوط به دوره ای است که برای بانوان ناامنی یا موانعی وجود داشته باشد یا ناظر به زمانی است که شوهران به زنان خود اجازه حضور در مسجد را ندهند. البته در خصوص بررسی سندیت و تفسیر جنبه های این روایات مباحث مطوّلنی لازم است که در این مقال نمی گنجد.^۶

آموزه های اسلامی، به زنان اجازه داده تا با حفظ حریم و عفت و پاکدامنی در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.^۷ حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت مساجد است، ولی شرط حضور در مسجد رعایت عفت، حجاب و شئون اسلامیست. در مستندات متعدّد قرآنی و روایی تأکیدات متعددی در مورد لزوم و اهمیت حضور زنان در مساجد و در سخنرانی یا مجالس وعظ پیامبر ﷺ یا در جلسات اختصاصی برای زنان شده است.^۸

بر اساس مطالب بیان شده، زنان در آفرینش و سرشت با مرد یکسانند و در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه های بلند تقوا و فضیلت و کسب ارزش های والای الهی و انسانی نیز دارای استعداد های سرشاری هستند. زنان به دلیل اینکه دارای نقش های متعدد مادری، همسر داری، مربی گری، تربیت و پرورش فرزندان و نیز نقش عاطفی در خانواده می باشند، حضورشان در مساجد می تواند باعث جذب خانواده ها شود. از این رو، متولیان فرهنگی باید همه موانع حضور بانوان در مساجد را به نحو مقتضی برطرف سازند. در ادامه بحث به برخی از نقش های متولیان فرهنگی در مساجد اشاره می شود.

۱. بسیاری از کشور ها هنوز این حقوق اجتماعی را برای زنان قائل نیستند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: سایت <http://fa.wikipedia.org>
همچنین، عظیم زاده فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، قابل دسترس در آدرس: <http://www.women.gov.ir>.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷۲.

۳. نحل، آیه ۵۸.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۸.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷.

۶. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص رک به: حضور سبز زنان در خانه های خدا، مبلغان، ش ۴۰، صص ۱۴۶-۱۵۶.

۷. برای مطالعه بیشتر در مورد آداب حضور زنان در اجتماع رک: نور، آیه ۳۱۳؛ احزاب، آیات ۵۹ و ۵۳.

۸. صحیح بخاری، ج ۱، کتاب الصلاة، باب ۷۵، شماره ۹۶، ص ۲۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۶؛ رک به: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی محمد باقر، ج ۱۶، صص ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۷.

۴-۲) رعایت عدالت در مدیریت فضای فیزیکی مساجد

یکی از راه‌هایی که در جذب خانواده‌ها به مساجد مؤثر است، مدیریت بهینه فضای مساجد برای حضور بیشتر بانوان است. متولیان و مؤسسان برخی از مساجد، فضا و امکانات بیشتری را به آقایان اختصاص می‌دهند و در این خصوص عدالت را رعایت نمی‌کنند. این امر باعث می‌شود که مسجد جنبه مردانه داشته باشد و این نکته که مسجد متعلق به همه اعضای خانواده است، از اذهان دور بماند. متولیان مساجد باید با توجه به روند افزایش جمعیت محل مورد نظر و با در نظر گرفتن یک چشم‌انداز بلندمدت، فضای فیزیکی مساجد را تقسیم و تسهیم کنند.

جهت حضور بانوان در مساجد، ایجاد محیطی امن و بدون استرس، چه در مسیر مسجد و چه در داخل مسجد مهم است. مسیرهای تردد و مکان‌های مربوط به زنان نباید در انتظار عمومی و در معرض دید مردان باشد. اگر فضای مربوط به خانم‌ها کوچک‌تر از مکانی است که برای آقایان مهیا شده است؛ با استفاده از ابزار و پارتیشن‌هایی که قابلیت باز و بسته شدن دارند می‌توان در مواقع لزوم این فضا را تغییر داد و مدیریت نمود. هم‌چنین، بانیان و وقف‌کنندگان مساجد باید توجه داشته باشند که در فضای مسجد مکانی را برای بانوان دارای عذر شرعی احداث نمایند تا ضمن حضور در کنار مسجد بتوانند از سخنرانی‌ها و دیگر برنامه‌های مسجد بهره‌مند شوند.

پیامبر ﷺ، به زنان اجازه شرکت در مساجد را می‌دادند و زنان حضرت نیز در نمازها به مسجد می‌رفتند؛ آن بزرگوار دستور دادند که محل زنان از محل مردان جدا باشد و ورودی زنان از ورودی مردان مجزا باشد. هم‌چنین، حضرت دستور دادند که پس از نماز، نخست زن‌ها و بعد مردها بیرون بروند.^۱ بر این اساس بهتر است همه بخش‌های مردان و زنان عموماً با پرده‌ای از هم جدا شود، یا بخش زنان در قسمت بالایی یا زیرزمین ساختمان مساجد قرار گیرد.

۴-۳) حضور هیئت امنای زن در تشکیلات اجرایی مسجد

امروز با گسترده‌تر شدن دامنه فعالیت فرهنگی و تربیتی مساجد مسئولیت‌های این تشکل مذهبی مضاعف شده است. در برخی از مساجد همه اعضای تشکیل دهنده هیئت امانا و متولیان را آقایان تشکیل می‌دهند و فاقد عضو خانم در تشکیلات خود هستند. بسیار روشن است بر حسب اقتضائات خاص جسمی

۱. رک: محمد بن عبدالله زركشي، اعلام المساجد باحكام المساجد، ج ۲، ص ۹۳؛ سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۱۲۳۴؛ ونیز همین منبع، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۱۸۴۲.

یا فکری و نگرشی زنان، نیازها و خواسته‌های آنها از برنامه‌های فرهنگی مساجد نسبت به مردان متفاوت است. بر این اساس، باید یک یا چند نفر از بانوان در تشکیلات مسجد و هیئت امنای مجموعه متولیان حضور داشته باشند تا با شرکت آنها در جلسات برنامه‌ریزی فرهنگی، متولیان جوانب امور مربوط به زنان را مدنظر داشته باشند. اگر زنان توانمند و دارای مهارت‌های مدیریتی و اجرایی مناسب در تشکیلات هیئت امنای مساجد حضور داشته باشند خواسته‌ها و موارد مربوط به زنان بهتر و دقیق‌تر رعایت می‌شود و شرکت بانوان در مساجد به عنوان مهم‌ترین اعضای خانواده بیشتر خواهد شد.

۵) نقش‌های تلفیقی امام مسجد و متولیان فرهنگی در جذب خانواده‌ها

۵-۱. داشتن تفکر چند بعدی در مخاطب‌شناسی فرهنگی

متولیان فرهنگی و امام مسجد باید در تنظیم برنامه‌های فرهنگی به گستردگی و تنوع سنی و شخصیتی مخاطبان یا مستمعین^۱ توجه داشته باشند. تهیه و تنظیم و اجرای یک برنامه خاص برای افراد موجب جلب همان گروه خاص به مسجد می‌شود. اگر متولیان فرهنگی در تدارک برنامه‌های فرهنگی دارای نگرش تک بعدی باشند، نمی‌توان شاهد حضور گسترده خانواده‌ها به مساجد بود. متولیان باید در انتخاب سخنرانان دقت نمایند. سخنرانان باید در هر خطابه موضوعات و مباحث خود را از زوایای مختلف تحقیق و بررسی کنند و آن را برای همه گروه‌های سنی و همه اعضای خانواده ارائه نمایند. در واقع نباید مخاطب‌شناسی کنند، بلکه باید مخاطبان‌شناسی نمایند و به همه گروه‌های مخاطبان توجه کنند. سخنرانی‌هایی که فقط تک منظوره هستند و مثلاً فقط در مورد جوانان است یا فقط به مقوله زنان مرتبط می‌باشد، بالطبع فقط همان گروه مستمعین را جذب خواهد نمود. از این رو، در انجام برنامه‌های فرهنگی توجه به موضوعات و برنامه‌ها یا فعالیت‌های چند بعدی و چند گروهی بسیار مؤثرتر است و در جذب خانواده‌ها به مساجد تأثیر زیادی دارد.

۵-۲. توجه به حضور نوجوانان و جوانان به مسجد

یکی از اعضای تشکیل دهنده خانواده، جوانان و نوجوانان هستند. آنها به عنوان یکی از عناصر پرتوان و پراثری نهاد خانواده باید در برنامه‌ریزی‌های جذب خانواده به مسجد لحاظ شوند. امروز بیرون آوردن جوانان از محیط بسته خانه و جذب آنها به بطن جریانات اجتماعی و دینی برای فعالین فرهنگی از مهم‌ترین کارها به شمار می‌رود تا شاهد جوانان خواب‌آلود و چشم‌دوخته به صفحه مانیتور رایانه و تلویزیون نباشیم. جوانان و نوجوانان به عنوان آینده‌سازان جامعه اسلامی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های این کشور به شمار

^۱Audiences.

می‌روند و تلاش در جهت توسعه آگاهی‌های دینی آنان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اگر میزان معرفت جوانان به آموزه‌های دینی و انوار زلال معارف دین از رشد و نمو مطلوبی برخوردار باشد، شخصیت دینی آنان به گونه‌ای شایسته شکل خواهد گرفت و هنگام ورود به جامعه اسلامی تأثیر به‌سزایی در آن پدید خواهند آورد. «نوجوانی دوره شکل‌گیری هویت و جوانی زمان تثبیت آن است. در دوره نوجوانی و کودکی خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت به عهده دارد. در دوره جوانی محیط زندگی اجتماعی و خود جوان نقش اساسی را در تثبیت هویت ایفا می‌کنند»^۱.

امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: «مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی و چه گرفتاری‌هایی را حل می‌کند، این طور بی‌حال نبودیم که مساجد مان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیر مرد.» به نظر می‌آید دستگاه‌های متولی فرهنگ باید رویکردی جدی به مسجد داشته باشند و جایگاه مسجد در برنامه‌های ما مشخص شود.^۲

یکی از اشکالات عملکرد تعداد اندکی از امامان جماعت و متولیان فرهنگی، احترام وافر به کهنسالان و پیرمردان نمازگزار و توجه کمتر به نوجوانان و جوانان است. آنها در این احترام کردن چه بسا از نوجوانان و جوانان نمازگزار غافل می‌شوند. هر فردی با بررسی صفوف نمازهای جماعت برخی مساجد متوجه می‌شود که غالباً صف اول را پیرمردهایی تشکیل می‌دهند که زودتر از نوجوانان و جوانان در مسجد حضور یافته‌اند. به نظر می‌رسد که یکی از مصادیق توجه و احترام به نوجوان و جوانان برای استمرار حضور آنها در مساجد، آگاه کردن آنان از ثواب حضور در صف اول نماز جماعت است. این کار در تشویق و ترغیب آنها به حضور فعال در مساجد و افزایش اعتماد به نفس آنها بسیار مؤثر است.

۵-۳. توجه به حضور کهنسالان و سالمندان در مساجد

سالخوردگان در فرهنگ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند و حفظ حرمت و احترام آنها لازم و واجب است. وجود یک باب تحت عنوان «احترام به سالخوردگان» در اصول کافی، بیانگر منزلت آنان است. جامعه دینی ما حضور کهنسالان در مجامع و جلسات و خانه‌ها را مغتنم و موجب برکت می‌داند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْفَرْ كَيْبِرُنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرُنَا؛ کسانی که حرمت سالخوردگان را رعایت نمی‌کنند و به کوچک‌ترها نگاه ترحم و محبت نمی‌اندازند، از ما نیستند»^۳.

۱. ر.ک: لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد ۲، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۲۵.

۳. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۰؛ روایت ۲؛ حسینی سید حمید، منتخب میزان الحکمه، ص ۳۱۰.

کهنسالان و سالمندان هم مانند دیگران باید قادر باشند آزادانه و بدون خطر در مساجد تردد کنند و از کلیه حقوق اجتماعی خود برخوردار شوند^۱ مهندسی و طراحی ساختمان مساجد باید با در نظر گرفتن همه مخاطبان انجام شود. تهیه فضایی مناسب برای سالمندان مثل کوتاه کردن پله‌ها، سرویس‌های بهداشتی مناسب، تهیه وسایل و تجهیزات مورد نیاز جهت تسهیل در انجام عبادات مثل صندلی‌های اقامه نماز در کنار حفظ کرامت و منزلت آنان می‌تواند برای حضور سالمندان در مساجد مؤثر باشد. مهندسانی که در طراحی و احداث مساجد نقش دارند باید از حیث فنی به قوانین مناسب‌سازی^۲ دقت نظر داشته باشند. حضور کهنسالان و سالمندان در برنامه‌های مذهبی مساجد به عنوان الگویی عملی برای نوجوان و جوانان حائز اهمیت است و موجب ترغیب سایرین به حضور در مساجد می‌شود.

۵-۴. توجه به حضور خردسالان و تأثیر آن در حضور مادران و خانواده‌ها در مساجد

یکی از مهم‌ترین عواملی که مانع حضور مادران در مساجد است، به همراه داشتن کودکان و خردسالانی است که وابستگی زیادی به مادران خود دارند. به عبارت دیگر، منع حضور خردسالان در مساجد به هر دلیلی که باشد، عدم حضور مادران را به همراه دارد. در تعالیم اسلامی به اهمیت حضور کودکان و فرزندان در فضای معنوی مساجد اشاره شده تا آن‌جا که برخی از روایات مربوط به سیره رسول خدا ﷺ و سیره عملی ائمه علیهم‌السلام به حضور کودکان در مسجد حین اقامه نماز و در صفوف نماز جماعت مربوط می‌شود.^۳ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّبِيِّ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيَخَفُّ الصَّلَاةُ أَنْ تَعْبَرَأُمَهُ؛ رسول خدا ﷺ هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود».^۴

چه بسا مادری که به خاطر مشکلات ناشی از به همراه داشتن کودکان، در مساجد حضور نمی‌یابد. متولیان مساجد باید در خصوص رفع این عامل، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند. یکی از این راه‌حل‌ها، تأسیس «مسجد مهد» در کنار مساجد است. مسجد مهد، مهد کودکی است که هدف از راه‌اندازی آن در کنار مساجد، نگهداری و آموزش مذهبی و قرآنی خردسالان و فراهم کردن فضایی معنوی، برای کودکان است.

۱. برجیان، منصور، جغتایی بهزاد، مناسب‌سازی در اماکن عمومی و تجاری، صص ۱۴ تا ۲۰۰.

۲. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، قابل اجرا برای تمامی دستگاه‌های دولتی و خصوصی؛ قابل دسترس در سایت جامعه معلولین ایران به آدرس: <http://iransdp.com>.

۳. برای مطالعه تفصیلی در مورد حضور کودکان در مسجد رک به: رستگار مرتضی (محقق)، ۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد، صص ۲۰۸-۲۰۹؛ برای مطالعه احادیثی مربوط به حضور کودکان در مسجد رک: طباطبایی بروجردی حسین، جامع الحدیث شیعه، ج ۶، ص ۴۵۹؛ شریف قرشی باقر، زندگانی حسن بن علی (ع)، ج ۱، ص ۶۸.

۴. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰؛ رک: هیشمی نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴.

مسجد مهد در کنار مساجد و با تأکید بر مسئله احیای مساجد و با در نظر گرفتن مساجد به عنوان مهد تربیت و آموزش مسائل اعتقادی و اجتماعی تأسیس می‌شوند.^۱

پیامبر ﷺ در مسجد النبی محلی برای حضور بچه‌ها به نام «روضة الطفال»، یعنی باغ بچه‌ها قرار دادند. بهتر است امروز نیز ما به تبعیت از آن حضرت با تأسیس مسجد مهد برای کودکان اقدام نماییم. این کار در افزایش نماز گزاران در سطوح سنی بالاتر نیز مؤثر خواهد بود؛ یعنی کودکی که راغب به مسجد می‌شود به طور طبیعی پدر، مادر، برادر و خواهرش را با شیوه‌های کودکانه خود وادار می‌کند که در وقت نماز و سایر برنامه‌های فرهنگی در مسجد حضور داشته باشند.^۲

۵-۵. تأسیس کانون‌های فرهنگی چند منظوره

تشکیل کانون‌های فرهنگی با بخش‌های زیرشاخه‌ای برای همه گروه‌های سنی و اعضای خانواده یکی از موارد مؤثر در جذب خانواده‌ها به مسجد است. مقام معظم رهبری (عجله) در این خصوص در سفر اخیر خود به استان خراسان شمالی فرمودند: «من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد را فراموش نکنید... فکر کنید، مطالعه کنید و سخنی که متناسب با نیاز آن جوانی است که آنجا حضور پیدا می‌کند، فراهم کنید... خودتان را مجهز کنید، به سلاح معرفت و استدلال مسلح کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی-هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید...».^۳

بیشتر کانون‌های مساجد، فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی منسجمی برای همه گروه‌های اعضای خانواده ندارند. بنابراین، متولیان مساجد باید برای جذب خانواده‌ها کانون‌هایی در مساجد تشکیل دهند که با تفکیک و شاخه‌بندی آنها بتوان برای همه اعضای خانواده‌ها طرح و برنامه‌های فرهنگی انتخاب و اجرا نمود. در واقع باید در مورد تأسیس کانون فرهنگی دختران جوان، پسران جوان، زنان و مردان میان سالان و حتی کودکان تصمیمات جدی گرفته شود یا کانون‌های قبلی را با مدیریت فرهنگی صحیح گسترش داد.

۵-۶. توجه جامع به کارکردهای آموزشی مساجد

یکی از انتقادات وارد بر عملکرد برخی از امامان مساجد و متولیان این است که آنها بعد آموزشی مساجد را کمتر مدنظر قرار می‌دهند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْوَالٍ ثَلَاثَةٌ؛ قِرَاءَةُ مُصَلٍّ،

۱. پایگاه خبری تحلیلی پارسینه، خبر ۲۰۱۰۶، قابل دسترس در سایت: www.parsine.com.

۲. خبرنامه مشرق نیوز، خبر ۶۹۴۲۷، قابل دسترس در آدرس: www.mashregnews.ir.

۳. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در خراسان شمالی، مهر ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.leader.ir.

أَوْ ذِكْرَ اللَّهِ، أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ؛ هر نشستنی در مسجد بیهوده است، مگر این که برای سه کار باشد؛ خواندن قرآن، ذکر خدا، اندوختن دانش^۱. در سال های آغاز بعثت، پیامبر ﷺ، یاران خویش را در مسجد الحرام گرد می آوردند و واجبات و محرمات الهی را به آنان آموزش می دادند.^۲ پس از هجرت در بیشتر اوقات بعد از نماز صبح و عشا به سخنرانی و گفت و گوهای علمی می پرداختند.^۳ این جلسات با حضور مردان و زنان مسلمان برپا می شد.^۴ تفسیر قرآن و سخن گفتن پیرامون معانی آیات آن، بخش در خور توجهی از سخنرانی های پیامبر ﷺ را تشکیل می داد. علاوه بر جلسه های سخنرانی پیامبر ﷺ، کلاس های آموزشی گوناگونی نیز در مسجد تشکیل می شد.^۵ با این توضیحات، اهمیت جنبه های آموزشی مسجد معلوم می شود.

از منظر روایات اسلامی، تشکیل جلسه های علمی در مسجد، نسبت به برگزاری جلسه های دعا، جایگاه والاتری دارد و پاداش آن، ثواب عمره کامل یا حج کامل^۶ و جهاد در راه خدا است^۷ که رحمت خدا آنان را فرامی گیرد.^۸ در این میان، طرح مباحث دینی در مسجد، فضیلت بیشتری دارد. پس از پیامبر ﷺ، ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز برای حفظ جنبه های آموزشی مسجد، تلاش های ارزنده ای انجام دادند. مسجد، ابزارها و موقعیت هایی را در اختیار دارد که به کمک آن می توان به آموزش و افزایش شناخت دینی نمازگزاران پرداخت. مسجد مکانی است که مسلمانان برای برپایی فرائض الهی و مجالس مذهبی در آن حاضر می شوند و این فرصت مناسبی است تا معارف و احکام دین منتشر شود. البته نقش امام مسجد در این میان بسیار اهمیت دارد.

پیش از پیدایش مدرسه، مساجد یگانه مرکز مهم آموزشی - فرهنگی در جهان اسلام بوده است. پس از آن نیز، مدرسه در دامن مسجد بنا می شد. از همین رو، در بیشتر کتاب هایی که درباره مسجد به نگارش در می آمد، از مدرسه بسیار سخن گفته می شد که سبب آن ارتباط نزدیک مسجد و مدرسه است.^۹ بنابراین، امامان مساجد و همه متولیان فرهنگی و هیئت امنای مساجد باید به کارکرد آموزشی مسجد در همه ابعادش توجه نمایند تا از پتانسیل موجود در مساجد و تجمعاتی که برای برنامه های مذهبی مقطعی

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

۲. احتجاج، صص ۲۸-۳۹.

۳. عبدالحی کتانی، سید محمد، التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، کتاب الصلاه، باب ۷۵، شماره ۹۶.

۵. التراتیب الاداریه، ص ۲۲۲.

۶. منیه المرید، ص ۱۰۶.

۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد با احکام المساجد، ص ۳۲۸.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، روایت ۲۰.

۹. برای مطالعه بیشتر، ک: تاریخ احمد شبلی، ص ۸۹ به بعد.

یا دائمی ایجاد می شود به بهترین صورت استفاده کنند. این امر خود زمینه ای برای گسترده تر شدن حضور همه افراد و خانواده ها در مساجد می گردد.

۵-۶-۱. جلسات آموزش احکام و مسایل شرعی برای بانوان

زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، همانند مردان مطرح هستند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید. در راستای آموزش بانوان در مسجد باید تصمیمات جدی اتخاذ گردد. بانوان به خاطر نقش های مؤثر و متنوع در خانواده مانند نقش همسری و شوهرداری، نقش مادری، نقش تربیت فرزند، نقش عاطفی و... الزاماً با بسیاری از فعالیت های گسترده زندگی روزمره ارتباط تنگاتنگ دارند. وظایف خاص و نقش های با اهمیت، نیاز توسعه یافته بانوان به احکام و دستورات فقهی را روشن می سازد. هم چنان که بخش اعظم توضیح المسایل ها و رساله های عملیه را احکام خاص مربوط به بانوان تشکیل داده است و مسایل شرعی پیچیده ای در این مباحث وجود دارد. بعضی فقها و مراجع در این خصوص گفته اند: اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است بانوان به مسجد بروند.^۱ در روایات مربوط به سیره نبوی در خصوص اختصاص زمانی برای زنان نقل شده است که گاهی زنان به آن حضرت می گفتند: «لَقَدْ غَلَبْنَا عَلَيْكَ الرَّجَالُ فَاجْعَلْ لَنَا يَوْمًا وَقَدْ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ذَلِكَ؛ (ای رسول خدا) شما را مردان احاطه کرده اند. روزی را هم برای ما اختصاص بدهید و رسول خدا چنین کرد».^۲ بنابراین، مسئولیت بانوان در خانواده و بیرون خانواده و نیز نقش ها و وظایف اقتضایی آنها ایجاب می کند که راه و رسم زندگی طبق شئون اسلامی را در قالب برنامه های منسجم و مستمر فرهنگی مساجد آموزش ببینند و فرا گیرند. متولیان فرهنگی مساجد با عنایت به موضوع فوق بهتر می توانند در جذب حداکثری بانوان در مساجد تصمیم گیری نمایند.

۵-۶-۲. برگزاری جلسات و کارگاه های آموزش خانواده

امروز، دشمنان دین اسلام دریافته اند که آنچه آنها را در اجرای اهداف شوم تهاجم فرهنگی و شبیه خون فرهنگی موفق خواهد کرد، تخریب بنیان خانواده هاست. در چنین شرایطی امامان مساجد و مبلغان و متولیان فرهنگی مساجد باید به آموزش خانواده بر حسب موازین اسلامی و ایجاد و توسعه خانواده اسلامی

۱. مکارم شیرازی آیت ا...، ناصر، رساله توضیح المسائل، صص ۱۵۹-۱۶۰، ۸۱۷.

۲. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۹۵.

با تأکید بر سبک زندگی اسلامی اهتمام ورزند. کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای جوانان در شرف تشکیل خانواده و ازدواج یا تشریح اصول اخلاق در خانه برای همه اعضای خانواده و استفاده از آموزه‌های اسلامی در تحکیم بنیان خانواده‌ها، یکی از فعالیت‌های مهم فرهنگی تربیتی است که در جذب خانواده به مساجد و کاهش آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است.^۱ بسیاری از تحقیقات علمی و میدانی بیانگر این مطلب هستند که برخی از آسیب‌های رفتاری را می‌توان با تکنیک «خانواده درمانی»^۲ درمان نمود یا اثرات آن را کاهش داد. روانشناسانی که به خانواده درمانی و «ازدواج درمانی»^۳ اعتقاد دارند از عامل مهمی چون معنویت، مذهب، دین و برنامه‌های فرهنگی و مسجدی برای اهداف درمانی و بالینی خود استفاده می‌کنند.^۴

۵-۲. ایجاد صندوق قرض الحسنه مساجد و توجه به اقتصاد خانواده

مهم‌ترین علت ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه، انگیزه مذهبی و دینی است. قرض الحسنه به عنوان یک سنت حسنه در گذشته به صورت عقد بین فرد قرض دهنده و قرض گیرنده انجام می‌شد و این امر با ارزش، سال‌های متمادی بین مسلمانان جهان به عنوان نوعی عبادت تلقی و به قصد پاداش اخروی انجام می‌شد. جلوه‌های زیبای قرض الحسنه در قرآن کریم بسیار است. آنجا که می‌فرماید:

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ؛ کیست آن کس که به خدا وامی نیکو بدهد تا نتیجه‌اش را برای وی دوچندانگرداند و او را پاداشی خوش باشد؟»^۵

در سال ۱۳۴۸ اولین صندوق قرض الحسنه در یکی از مساجد جنوب تهران به نام «صندوق ذخیره جاوید» تشکیل شد. این صندوق با هدف کمک به محرومان و نیازمندان و مبارزه با معاملات ربوی و رباخواری، ابتدا کمک‌های بلاعوض پرداخت می‌کرد و بعد از مدتی به پرداخت قرض الحسنه مبادرت ورزید. بعد از آن، صندوق‌های متعددی در مساجد دیگر یا خارج مساجد در تهران و سایر شهرها تأسیس شدند و گسترش یافتند.

در فرهنگ اسلامی، قرض دادن و برطرف کردن نیازهای مؤمنان، کار پسندیده‌ای به شمار می‌آید.

۱. البته تعداد اندکی از مساجد به این مقوله توجه دارند. رک: سلیمان پورابراهیم، گفتگو با خبرنگار مهر، ۱۳۹۲، قابل دسترس در آدرس: <http://www.mehrnews.com>.

۲ family therapy.

۳ marriage therapy.

۴. رک: آیوی (Ivey)، کورینک (Korinek)، میلر (Miller)، معنویت در ازدواج درمانی و خانواده درمانی و توسعه مقیاس اندازه‌گیری آن، صص ۷۱-۸۲ و همچنین ببینید: هیوج (Haug)، ابعاد معنویت در خانواده درمانی، ۱۹۹۸، صص ۱۸۱-۱۹۴.

۵. حدید، آیه ۱۱؛ رک: حدید، آیه ۱۸؛ بقره، آیه ۲۴۵؛ مائده، قسمتی از آیه ۱۲؛ تغابن، فرازی از آیه ۱۷؛ مزمل، بخشی از آیه ۲۰.

متولیان فرهنگی مسجد می‌توانند با تشکیل صندوق قرض الحسنه، کارآیی اقتصادی مساجد را حفظ نمایند. در واقع دست‌گیری افراد نیازمند در بحران‌های اقتصادی با ارجحیت بُعد خانوادگی آن بحران‌ها، مهم‌ترین تأثیر این صندوق‌هاست. با پند و اندرز مبلغان دینی در مسجد و امام مسجد در مورد این موضوع، خیزش ملی و جریان‌های فقرزدایی در سطح جامعه افزایش می‌یابد. این موضوع بسیاری از خانواده‌ها را به حضور فعال در مساجد ترغیب می‌کند.

۶) نتیجه‌گیری

با تحلیل کلی مطالب مطرح شده، می‌توان گفت همه متولیان فرهنگی مساجد اعم از امام مسجد، متولیان فرهنگی و مسئولین اجرایی و تصمیم‌گیرندگان مساجد باید با برنامه‌های چند بعدی برای همه گروه‌های سنی اعضای خانواده جاذبه معنوی لازم را فراهم نمایند. آنها باید با برنامه‌ریزی تک بعدی یا جزئی و تلفیق برنامه‌ها و تولید و مدیریت یک برنامه جامع راهبردی، به مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی بپردازند. چشم‌اندازی که امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد را در این هدف گرانقدر یاری می‌رساند، دارا بودن نگرش سیستمی - اقتضایی در رابطه با همه اعضای خانواده شامل: پدران، مادران، نوجوانان، جوانان و کودکان در هر جنسیت است. در واقع امام مسجد و متولیان فرهنگی باید به نیازهای چند وجهی خانواده‌ها که شامل نیازهای عبادی، تربیتی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی است، توجه نمایند و در تمام برنامه‌های فرهنگی آنها را لحاظ نمایند. بدین ترتیب خانواده‌ها، حضور در مساجد و فعالیت‌های مسجدی را بخشی از زندگی خانوادگی خود دانسته و به صورت گروهی و تلفیقی و بیش از پیش در مساجد حضور می‌یابند.

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند محمد مهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲. موسوی خمینی رحمته الله علیه، سیدروح الله، چهل حدیث (اربعین حدیث)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۳. _____، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام رحمته الله علیه، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۴. آذربایجانی، مسعود، معارف، روان شناسی دین. ش ۶۶، خرداد ۱۳۸۸ هـ.ش.
۵. (قسمت اول)، قابل دسترس در پایگاه اطلاع رسانی حوزه به آدرس: www.hawzah.net.
۶. برجیان، منصور، جغتایی، بهزاد، مناسب سازی دراماکن عمومی و تجاری، انتشارات فنون معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۷. شیخ صدوق، ابن بابویه قمی ابوجعفر محمد بن علی (مشهور به شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه و شرح:
۸. غفاری، محمد جواد، غفاری، علی اکبر، بلاغی، صدرالدین، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۹. پناهی، علی احمد، نقش نماز در آرامش روان، فصل نامه روان شناسی در تعامل دین، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۰. پورعلی فرد، محمد مهدی، نکته ای درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، شاکر، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۱۱. مکارم شیرازی جمعی از فضلاء و نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۱۲. حسینی، سید حمید، منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی، با همکاری سید محمد کاظم طباطبائی، مرکز تحقیقات دارالحدیث، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۳. حیدریان، حمیرا، آشنایی با وظایف دفتر شبیه خانواده همه چیز برای نزدیکی بیشتر به خانواده، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۷۴، شهریور ۱۳۸۵ هـ.ش، قابل دسترس در: <http://www.hawzah.net>.
۱۴. خداحیمی، سیامک، جعفری، سید غلامرضا، نقش مذهب بر بهداشت روانی، روان درمانی و روان شناسی بالینی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ش ۴، سال اول، زمستان ۱۳۷۸ هـ.ش.

۱۵. دفتر تحقیقات کاربردی معاونت اجتماعی نیروی انتظامی مازندران، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای آسیب‌های نوپدید، چاپ اول، خرداد ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، با همکاری گروهی از نویسندگان، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۷. رستگار، مرتضی، ۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد، دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد، انتشارات مؤسسه فرهنگی ثقلین، مرداد ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۸. رشیدی پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، آذر ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۹. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، مؤسسه فرهنگی ثقلین قم، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۰. شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه: ساکت، محمدحسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش، پیوست ۲ (نقدی بر کتاب تاریخ آموزش در اسلام) از مصطفی جواد.
۲۱. طباطبایی بروجردی، حسین (متوفی ۱۳۴۰)، جامع الحادیت شیعه، قم، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان (۲۳ جلدی)، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ه.ش.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، محمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۴. طبرسی، فضل ابن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه، تحقیق و تصحیح: جمعی از مترجمان و نویسندگان، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۵۱ ه.ش.
۲۵. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، دانشگاه امام صادق (ع)، مرکز امور زنان و خانواده، معاونت آموزش و پژوهش، ۱۳۸۶ ه.ش، قابل دسترس در آدرس: <http://www.women.gov.ir>
۲۶. فرجی، محمد مهدی، ویژگی‌های امام جماعت موفق، مبلغان، شماره ۱۱۸، مرداد ۱۳۸۸ ه.ش.
۲۸. قربانی، نیما، روان‌شناسی دین: یک روی آورد علمی چند تباری، قبسات، ش ۸، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲۹. قرشی، باقر شریف، زندگانی حسن بن علی (ع)، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران، انتشارات بعثت، چاپ ۲،

۳۰. ۱۳۵۳ هـ. ش.

۳۱. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد ۲، سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ. ش.

۳۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا (با کسب اجازه از شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید)، چاپ بیست و سوم، بهار ۱۳۷۳ هـ. ش.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علی ابن ابیطالب (علیه السلام)، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۹ هـ. ش.

۳۴. مؤسسه مسجد، حضور سبز زنان در خانه های خدا، نشریه مبلغان، شماره ۴۰، فروردین ۱۳۸۲ هـ. ش.

۳۵. همدانی رفیع الدین، اسحاق بن محمد (قاضی ابرقوه، ۵۸۳-۶۲۳)، سیرت رسول الله (به روایت عبدالملک ابن هشام)، ترجمه فارسی و ویرایش متن: مدرس صادقی، جعفر، نشر مرکز، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳ هـ. ش.

ب) عربی

۳۶. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (متوفی ۴۶۰)، تهذیب الاحکام، مصصح: موسوی خراسانی، سید حسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ. ق.

۳۷. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن (متوفی ۱۱۰۴ هـ. ق)، وسایل الشیعه، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ هـ. ش.

۳۸. سجستانی الازدی، ابی داود سلیمان بن الاشعث (۲۰۲-۲۷۵ هـ. ق)، سنن ابی داود، دارالحديث، قاهره، ۱۹۹۹ م برابر با ۱۳۷۸ هـ. ش.

۳۹. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد، فتح الباری فی شرح البخاری، بیروت، المكتبة العصریه، صیدا، ۱۳۸۹ هـ. ش.

۴۰. بخاری، محمد اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: قایم الشّماعی الرّفاعی، دارالقلم، بیروت، (نه جلد در چهار مجلد)، کتاب الصلاة، باب ۷۵، ۱۴۰۷ هـ. ق.

۴۱. زرکشی، محمّد بن عبد الله بن بهادر (۷۴۵-۷۹۴ هـ. ق)، اعلام المساجد با حکام المساجد، وزارة الاوقاف، قاهره، تحقیق ابوالوفاء مصطفی المراغی، ۱۴۲۰ هـ. ق.

۴۲. طباطبائی حکیم، سیّد محسن، مستمسک عروة الوثقی، قم، دارالتفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.

۴۳. طبرسی، احمد بن علی بن ابوطالب، الاحتجاج، مشهد، نشرمرتضی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴۴. شهید ثانی عاملی شامی، زین العابدین بن علی بن احمد (۹۱۱-۹۶۵ هـ.ق)، منیه المرید فی ادب المفید والمستفید، به تحقیق مختاری، رضا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق برابر با ۱۳۶۸ هـ.ش.
۴۵. کثانی، عبدالحی سید محمد (متوفی ۱۳۸۲ هـ.ق)، نظام الحکومة النبویة المسمی التراتیب الاداریة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۴۶. ۱۳۴۹ هـ.ق.
۴۶. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۴۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات ولیعصر، سال ۱۳۷۵ هـ.ش.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات اسلامیه، سال ۱۳۶۲ هـ.ش.
۴۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۵۰. نوری، حاج میرزا حسین (محدث نوری ۱۳۲۰ هـ.ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۱. هیشمی، نورالدین، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۲. (ج) وب سایت ها و منابع الکترونیکی
۵۳. آقایی، حمید، نشست خبری با خبرنگار شبستان، ۱۳۹۲، قابل دسترس در: www.shabestan.ir.
۵۴. پایگاه خبری تحلیلی پارسینه، خبر ۲۰۱۰۶، اردیبهشت ۱۳۸۹ هـ.ش، قابل دسترس در سایت: www.parsine.com.
۵۵. پوراابراهیم، سلیمان، متن گفتگوی انجام شده با خبرنگار مهر، رشت، ۱۳۹۲ هـ.ش، قابل دسترس در آدرس: <http://www.mehrnews.com>.
۵۶. جامعه معلولین ایران، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و آیین نامه های اجرایی مصوب؛ قابل دسترس در آدرس: <http://iransdp.com>.
۵۷. حسینی خامنه ای، سید علی، متن بیانات معظم له در دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی در ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ هـ.ش، www.leader.ir.
۵۸. خبرنگار مشرق نیوز، خبر ۶۹۴۲۷، مهر ۱۳۹۰ هـ.ش، قابل دسترس در آدرس: www.mashregnews.ir.
۵۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ناشر چاپی: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، نشر

دیجیتال: مرکز

۶۰. تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ج ۲۸، ص ۱۵۷۹، ۱۳۴۱-۱۳۴۲، نسخه pdf، به آدرس:

www.ghaemiyeh.com

۶۱. سازمان بهزیستی کل کشور به آدرس: <http://behzisti.ir/services>

۶۲. موظف رستمی، محمدعلی، امام مسجد یا امام جماعت مسجد، خرداد ۱۳۹۲ ه.ش، سازمان

تبلیغات اسلامی، قابل دسترس در آدرس: <http://www.ido.ir>

۶۳. ویکی پدیا به آدرس: <http://fa.wikipedia.org>

د) منابع انگلیسی

۶۴. Gouger, j. Daniel and Robert W. Knap (۱۹۷۴)، system analysis technique, New York, John Wiley and sons, p:۳۹.

۶۵. Haug, I.E. (۱۹۹۸). Including a spiritual dimension in family therapy: Ethical considerations. Contemporary Family Therapy, ۱۹۴-۱۸۱, ۲۰.

۶۶. John M. Wallace Jr, Tyrone A. Forman, (۱۹۹۸), Religion's Role in Promoting Health and Reducing Risk Among American Youth, Health Education & Behavior Vol. ۶ (۲۵), pp: ۷۲۱-۷۴۱, (December).

۶۷. Marianne McInnes Miller, Alan Korinek, David C. Ivey, (۲۰۰۴), Spirituality in MFT Training: Development of the Spiritual Issues in Super Vision Scale. Contemporary Family Therapy ۱)۲۶), March, Human Sciences Press, Inc. pp: ۸۲-۷۱.

۶۸. Tiffany Nickles, (۲۰۱۱), the Role Of Religion and Spirituality in counseling, A Senior Project for the Bachelor of Science Degree in Psychology, (Faculty Advisor: Basil Fiorito) California Polytechnic State University, San Luis Obispo Spring Quarter, p ۳.

مسجد و خانواده

سید تقی واردی

چکیده

نگارنده، از منظر جامعه‌شناسی و با استفاده از آیات و روایات، به بررسی رابطه خانواده با مسجد پرداخته. انواع تعامل مسجد و خانواده و رابطه کمی و کیفی را مورد توجه قرار داده است؛ سپس از آثار و فواید حضور خانواده در مسجد، لزوماً استفاده مفید و مشروع از مسجد و ممنوعیت استفاده‌های ابزاری از مسجد را مطرح و وظایف خانواده در برابر مسجد را بر شمرده و در ذیل هر عنوان، نکات مفید و سازنده‌ای را نیز مطرح ساخته است.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، خانواده، تعامل مسجد و خانواده، رابطه کمی، رابطه کیفی، حضور در مسجد.

از زمانی که مشیت و اراده خداوند متعال بر این قرار گرفت که انسان به زمین هبوط و با تشکیل خانواده در این کره خاکی زیست نماید، نیاز بشر به جایی که محل عبادت و راز و نیاز با خدا باشد، محسوس بود و بدین جهت انسان‌های موجود آن عصر با پدیده عبادگاه، آشنایی و رابطه ویژه‌ای داشتند و به مرور زمان، عبادت و پرستش خداوند سبحان در جایی به نام عبادتگاه یا مسجد، در زندگی انسان‌ها نهادینه شده است. در تمام ادیان و مذاهب الهی، عبادتگاه‌ها جایگاه ویژه‌ای در نزد پیروان داشتند و از اعتبار و قداست خاصی برخوردار بودند.

هم‌اینک نیز پیروان ادیان و مذاهب موجود در دنیا، هر یک دارای عبادتگاه ویژه‌ای هستند و با مراجعه به آن، اعمال عبادی خویش را انجام می‌دهند.

زرتشتیان در آتشکده‌ها، یهودیان در کنش‌ها، بوداییان و هندوها در معبد‌ها، مسیحیان در کلیساها، و راهبان در دیرها و مسلمانان در مسجدها عبادت‌های خویش را بجا می‌آورند و برای چنین مکان‌هایی اعتبار و قداست ویژه‌ای قائل‌اند.

در میان پیروان ادیان الهی، مسلمانان اهمیتی خاص برای عبادتگاه خود قائل‌اند؛ به طوری که در هر شبانه روز، پنج و یا حداقل سه بار به آن مراجعه می‌کنند و نمازها و عباداتشان را در آنجا انجام می‌دهند و در حقیقت، بخشی از عمر خود را در مساجد سپری می‌کنند و آن را خانه دوم خود می‌دانند.

در میان مسلمانان، خانواده به عنوان رکن رکن و زیرساخت اصلی و اساسی جامعه، در برقراری ارتباط معنوی و الهی مسلمانان با مسجد، نقشی مهم و منحصر به فرد بر عهده دارد. این نقش خانواده، در هر عصر و نسلی مانع دوری و افتراق با مساجد گردیده است. در این نوشتار، موضوع «مسجد و خانواده» را از منظر جامعه‌شناسی و با استفاده از آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام) مورد بررسی قرار می‌دهیم، و آن را در بخش‌های ذیل پی می‌گیریم:

۱. رابطه خانواده با مسجد؛
۲. تعامل مسجد و خانواده؛
۳. آثار و فواید حضور خانواده در مسجد؛
۴. وظایف خانواده در برابر مسجد؛
۵. استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد؛
۶. استفاده‌های ابزار و ممنوع از مسجد.

امید است که این گونه نوشته‌ها و تلاش‌ها در اقبال، و رویکرد خانواده‌ها، به‌ویژه جوانان و نوجوانان میهن عزیز ما و سراسر جوامع اسلامی به مسجد، تأثیر به‌سزایی داشته باشد و آنان را از راه‌های انحرافی و فسادانگیز رهایی بخشد و رضایت خداوند سبحان و خرسندی صاحب الامر، حضرت حجت بن الحسن (ع) را در پی داشته باشد.

رابطه خانواده با مسجد

رابطه خانواده با مسجد، از چند جهت شایان بحث و بررسی است. اما در اینجا تنها به بررسی رابطه کمی و کیفی می‌پردازیم.

۱- رابطه کمی

۱- ۱) **رابطه موقت و محدود:** بدین گونه که انسان به وقت نیاز و یا در ایام خاص، مانند ماه مبارک رمضان به مسجد روی می‌آورد و پس از رفع نیاز و یا پایان ایام خاص، رابطه خود را با مسجد کم و یا حتی ترک می‌کند.

این رابطه، خالی از فایده و ارزش نیست، ولی مورد توصیه و سفارش الهی نیست و حتی مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته است؛ زیرا به این معناست که انسان هرگاه به مصیبت و گرفتاری مبتلا شود، به خدا رو آورد و هنگامی که گرفتاری اش برطرف گردد، بار دیگر خدا را فراموش می‌کند. از این رفتار و کردار نکوهیده در چند جای قرآن کریم، از جمله در این آیه شریفه انتقاد شده است:

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ؛ هرگاه سوار کشتی شوند، خدا را از روی اخلاص و پاکی می‌خوانند و همین که به خشکی رسند [و از کشتی پیاده گردند]، شرک می‌ورزند!»^۱

بی‌تردید، هر کس به چنین روش و شیوه‌ای در استفاده و بهره‌مندی از مسجد روی آورد، مورد نکوهش و سرزنش الهی قرار می‌گیرد و بدین جهت باید در حد امکان از آن پرهیز کرد.

۲- ۱) **رابطه دایم و غیرمحدود:** رابطه نیک و پسندیده خانواده‌ها با مساجد، آن است که حد و حصارى نداشته و دایم و همیشگی باشد و در حقیقت، مسجد خانه‌ای دیگر برای آنان باشد.

در قرآن کریم آمده است:

«وَأَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ توجّه شما در هر مسجدی به او باشد و او را بخوانید؛ در حالی که دین (خود) را برای او خالص می‌گردانید»^۲

۱. عنکبوت، آیه ۶۵.

۲. اعراف، آیه ۲۹.

این توصیه الهی، بیانگر این معناست که انسان همیشه باید به خدا توجه داشته باشد و از روی اخلاص و نیت پاک، او را بخواند و برای این امر در عبادت گاه و به ویژه در مسجد، تأکید بیشتری شده است و این امر نشان دهنده لزوم حضور شایسته و بایسته مسلمانان در مساجد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در روایتی فرمود: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ دَرَبَتَهُ، وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ، بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَدَرَجَةً دُونَ الدَّرَجَةِ الْوَسْطَى؛ هر کس که قرآن همدم او و مسجد خانه وی باشد، خداوند متعال خانه‌ای در بهشت برای او بنا و درجه‌ای پایین‌تر از درجه وسطی به وی عطا می‌کند»^۱.

۲- رابطه کیفی

۱- ۲) رابطه فیزیکی و ظاهری: گاهی اوقات، انسان به مسجد می‌رود و حضور فیزیکی و جسمی در آن پیدا می‌کند، ولی روحش در قید و بند چیزهای دیگر است و فکر و خیال او در عرصه‌های دیگر و خارج از حوزه معنویت و عبادت قرار گرفته است. چنین انسانی، رابطه بی‌حاصل و بی‌ارزش با مسجد برقرار کرده و از کسب ثواب و ارزش‌های معنوی و روحی محروم مانده است. محروم‌تر از او کسی است که در مسجد به کارهای غیرعبادی و حتی گناه آلود بپردازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحْدِثْ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُحْدِثُ؟ قَالَ (ص):

الِاخْتِيَابُ

نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است مادامی که حدثی از او سر نزنند.

پرسیده شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! به چه چیزی مُحْدَث می‌شود؟ فرمود:

«به غیبت کردن»^۲.

آری؛ غیبت از دیگران و سخن گفتن از کسی که در جمع آنان نیست و پرداختن به شایعات و پر و بال دادن به آنها و یا فرو رفتن در امور دنیوی و فارغ شدن از عبادت و پرستش الهی، منافات با روح عبادت و طاعت الهی دارد و انسان را به مقصود و مقصد نمی‌رساند.

در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آمده است:

«يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا

تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ؛ در روزگار آخر الزمان، مردمی وارد مسجد می‌شوند و حلقه‌ای برای خویش

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

تشکیل می‌دهند و درباره دنیا و دوستی (مظاهر) دنیا به گفت‌وگو می‌پردازند (و از عبادت و نیایش غافل می‌مانند)؛ با چنین کسانی هم‌نشینی نکنید؛ زیرا خدا را (رغبت) و حاجتی به آنان نیست»^۱.

۲-۲) **رابطه معنوی و باطنی:** رابطه خانواده با مسجد، باید مفید و ثمربخش باشد و این رابطه، در صورتی برقرار می‌گردد که انسان با همه وجود خود در مسجد حضور پیدا کند و روح و روان خویش را با عطر معنویت و عبادت مسجد، معطر گرداند و علاوه بر حضور فیزیکی و جسمی، حضور معنوی و باطنی داشته باشد و اندیشه و توجهات او تنها به خدا و خداشناسی و خداستایی مشغول باشد و خود را از هر فکر و خیال دنیوی برهاند.

امام زین العابدین (علیه السلام) درباره حضور معنوی در مسجد فرمود:
«وَالْمَسَاجِدُ بِيُوتِ اللَّهِ، فَمَنْ سَعَى إِلَيْهَا، فَقَدْ سَعَى إِلَى اللَّهِ وَقَصْدَ إِلَيْهِ وَالْمَصْلَى مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ فَهُوَ وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ مساجد، خانه‌های خداست. پس هر کسی که به سوی آنها بشتابد، به سوی خدا شتافته و او را قصد کرده است و شخص نماز گزار، مادامی که در حال نماز است، در نزد پروردگار متعال قرار گرفته است»^۲.

از این حدیث شریف، چنین استفاده میشود: انسانی که در مسجد، در حال نماز است و همه توجهات او تنها به سوی خداست و او را از روی اخلاص و ایمان، عبادت و پرستش می‌کند، چنین کسی توفیق لقای الهی یافته و به مقام والا و بزرگی نایل شده است.

تعامل مسجد و خانواده

خانواده، نهادی است اجتماعی و مسجد، مکانی است مقدّس برای عباد مسلمانان، این دو پدیده، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و از یکدیگر متأثر و بهره‌مندند. معمولاً هرگاه در ارتباط مسجد و خانواده کاوش می‌شود، رابطه یک سو به خانواده با مسجد بررسی می‌شود، در حالی که می‌توان ارتباط بین این دو نهاد مهم را دو جانبه در نظر گرفت و تعامل آن دو و یا تأثیر هر یک در دیگری را مورد بحث و بررسی قرار داد. در اینجا به نمونه‌هایی از تعامل مسجد و خانواده اشاره می‌کنیم:

۱. **وقف زمین برای مسجد:** از موارد مفید و مهم تعامل خانواده با مسجد، اقدام این نهاد اجتماعی در وقف کردن زمین ملکی برای احداث مسجد است.

مسلمانان به پیروی از پیشوایان و امامان معصوم (علیهم السلام) از صدر اسلام تاکنون در این زمینه پیشتانزد. از آثار و

۱. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۵۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۹.

برکات این سنت حسنه آنان در وقف زمین‌های خود برای مسجد است، که شاهد شکوفایی این همه مسجد در سراسر جهان هستیم. بدین لحاظ، خانواده‌هایی که توانایی مالی ساختن مسجد و یا فرصت و قدرت اداره کردن آن را ندارند، ولی زمینی دارند که برای ساخت مسجد کفایت می‌کند، می‌توانند آن را برای احداث مسجد وقف کنند، تا زمینه‌ای برای دیگر مسلمانان فراهم گردد و آنان برای ساختن آن اقدام کنند.

وقف که معنی و مفهوم آن عبارت است از متوقف ساختن مالکیت خصوصی و شخصی و اقدام به عمومی کردن منافع آن در راه خدا برای استفاده دائمی مردم و دارای احکام فقهی و شرعی ویژه‌ای است که در کتابهای فقهی علما و رساله‌های عملیه مراجع تقلید بیان شده است و درباره آن، سفارش و توصیه‌های فراوانی شده است. از جمله این که در خبر صحیح از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَةً أَجْرَهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ صَدَقَةً مَوْفُوفَةً لَا تُورَثُ أَوْ سُنَّةً هُدًى سَنَّهَا فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَعَمِلَ مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَعْفِزُ بِهِ؛ پس از مرگ، چیزی جز سه خصلت به عنوان پاداش به دنبال شخص نیست:

۱. کار خیری که در حیاتش آن را بنیان نهاده باشد و پس از وفات او به همان حال باقی بماند؛
 ۲. سنت و شیوه هدایت‌گری که در حیاتش نهاده باشد و پس از وفات وی نیز به آن عمل گردد؛
 ۳. فرزند صالح و شایسته‌ای از خود به جا گذاشته باشد که پس از وفات برای او دعا و طلب مغفرت نماید»^۱.
- بی‌تردید، آگاهی خانواده‌ها از این گونه احادیث، موجب رغبت بیشتر آنان به وقف کردن زمین‌های ملکی برای احداث مسجد می‌گردد. به ویژه اگر بدانند که در نزد خداوند متعال از چه جایگاه و منزلتی برخوردار می‌گردند.

امام جعفر صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود:

«مَنْ مَسَّجِدِي إِلَّا عَلَى قَبْرِي أَوْ وَصِيِّي قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَهُ مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا فَأَدْفِنُهَا؛ هیچ مسجدی بنا نمی‌گردد، مگر این که بر روی قبر پیامبر یا وصی پیامبری که به شهادت رسیده باشد، قرار گیرد. پس به این مکان، قطره‌ای از خون وی اصابت کرده است و خداوند سبحان دوست دارد که در این مکان، ذکر و نیایش وی انجام گیرد»^۲. بنابراین، می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که پدیده وقف، چه جایگاه مهمی در احداث مساجد دارد و خانواده‌های متدین و مؤمن چه نقش آفرینی‌هایی می‌توانند در این راه داشته باشند.

۲. **ساخت و ساز مسجد:** خانواده‌های مسلمان و متدین در ساخت و مرمت مسجد، نقشی مهم بر عهده

۱. الکافی، ج ۷، ص ۵۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۰؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۶۳.

دارند. آنها با اختصاص بخش‌هایی از مایحتاج زندگی خویش برای ساخت و یا مرمت مسجد، در این امر خدایسندانه سهیم می‌گردند و از این راه، ایمان و هدایت خویش را به منصف ظهور می‌رسانند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ؛ مُشْرِكَانِ رَالِیَاقَتِ أَنْ نَبَاشِدَ كَه مَسَاجِدِ خدَا رَا أَبَاد كَنَد، هَمَانِ هَایِی كَه بَه كَفَر خُود گَوَهِی دَهَنَد»^۱.

این آیه شریفه، نشان می‌دهد که مرمت مساجد و یا ساخت و ساز آن، توفیقی است از جانب خدا که نصیب کافران و مشرکان و بی‌دینان نمی‌شود، بلکه این توفیق الهی تنها سزاوار مؤمنان و خانواده‌های متدین و خداجو است که به جز خدا، به چیزی دیگر نمی‌اندیشند.

خداوند سبحان در این آیه می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ هَمَانَا، آنانی که ایمان به خدا و آخرت دارند و نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به غیر از خدا از کسی نمی‌ترسند، مساجد خدا را آباد می‌کنند. پس امید است این گروه از مؤمنان، جزو هدایت شدگان قرار گیرند»^۲.

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد ﷺ نیز درباره فضیلت ساخت مسجد فرمود:

«مَنْ بَنَىٰ مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ مَسِيرَةً أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَفِصَّةٍ وَدُرٍّ يَاقُوتٍ وَزَمْزَرْدٍ وَزَبَرْجَدٍ وَلَوْلُؤُ...؛ هر کسی در دنیا مسجدی بنا نماید، خداوند متعال به مقدار هر و جب آن [و به نقلی فرمود: به مقدار هر ذراع آن] به اندازه پیمودن چهل هزار سال، شهری به وی عطا می‌کند که همه آن از طلا، نقره، مروارید، یاقوت، زمرد، زبرجد و لؤلؤ باشد»^۳. آن حضرت در روایت دیگر فرمود: «مَنْ ابْتَنَىٰ لِلَّهِ مَسْجِدًا أَوْ لَوْ مِثْلَ مَفْخَصِ قَطَاةٍ، بَنَىٰ اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ کسی که برای خداوند مسجدی بسازد، اگر چه به مانند آشیانه پرنده‌ای باشد، خداوند متعال خانه‌ای برای او در بهشت بنا خواهد نمود»^۴.

درباره ساخت مسجد و یا مرمت و بازسازی آن، آیات و روایات فراوانی وجود دارد، که همه آنها مسلمانان متعهد و خانواده‌های دینمدار را تشویق و توصیه به این امر خدایسندانه می‌نمایند و با ایجاد اراده و عزم جدی در وجدان مسلمانان، آنان را در همه شهرها و روستاها و ادار به ساخت چنین پایگاه و مکانی مقدس می‌نمایند و از این راه جلوه‌ای زیبا و بی‌بدیل از یکتاپرستی و خداگرایی در جوامع بشری به وجود می‌آورند.

۱. توبه، آیه ۱۷.

۲. توبه، آیه ۱۸.

۳. وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۰۵؛ ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۰.

امّا در این زمینه، توجّه به این نکته برای سازندگان مساجد ضروری است که، مسجد را باید طوری ساخت که از لحاظ مهندسی از استحکام و مقاومت در برابر بلایای طبیعی برخوردار و از نظر فضا، از هوا و نور کافی بهره‌مند و دارای امکانات فرهنگی و تسهیلات روز باشد و در محدوده طرح‌های شهرداری و زیباسازی شهری قرار نگیرد و از جنبه معماری نیز معیارهای اسلامی و ذوق و هنر دینی در آن محسوس و رو به قبله باشد.

۳. **اداره مسجد و تصدّی امور آن:** علاوه بر ساخت و ساز مسجد جدید و مرمت مسجدهای قدیمی و فرسوده، نقش خانواده‌ها در اداره مسجد و تصدّی امور آن نیز می‌تواند بسیار برجسته و چشمگیر باشد؛ زیرا مسجد به خودی خود نمی‌تواند در اصلاح اخلاق و بازسازی روحی و روانی انسان تأثیرگذار باشد؛ بلکه این متولّیان و متصدّیان امور آن هستند که از طریق مسجد و با بهره‌مندی از فضای مقدّس و ملکوتی آن، نقش مسجد را در جامعه برجسته می‌نمایند.

متصدّیان مساجد برای شادابی و طراوت این مکان مقدّس و جذّابیت آن برای اقشار گوناگون مردم، به ویژه جوانان، وظایف ذیل را برعهده دارند:

۱- ۳. **نظافت و پاکیزگی مسجد:** مسجد نیز مانند سایر بناها و ساختمان‌ها، نیاز به مراقبت و نظافت دارد. چون رفت و آمد مردم در آن همیشگی و نامحدود است، باید نظافت و پاکیزگی آن نیز همیشگی و دائمی باشد. براین اساس، متصدّیان آن، از ادای چنین وظیفه مهمّی احساس خستگی نکنند و خود را کنار نکشند؛ به ویژه در اوقاتی که حضور مردم در آن بیشتر و چشمگیرتر است؛ مانند روزهای جمعه و هنگام برپایی نماز جمعه و یا عیدها و هنگام برگزاری جشن‌های دینی و مذهبی و یا مراسم عزاداری و سوگواری و یا برای جلسات وعظ و خطابه.

در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«مَنْ كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْحَمِيسِ وَلَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يُدْرِي الْعَيْنُ، غَفَرُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ؛ کسی که در روز پنج‌شنبه و شب جمعه، مسجد را نظیف و خاک و خاکروبه‌ای را که به چشم می‌آید، بیرون بریزد، خداوند سبحان گناهانش را می‌آمرزد»^۱.

خانواده‌های متدین و محترم باید توجّه داشته باشند که فضای بیرونی، حیاط و دیوارهای مسجد، فضای درونی، درها و پنجره‌ها، پرده‌ها، فرش‌ها، سجّاده‌ها و هر چیزی که در مسجد استفاده می‌شود، باید از آنها مراقبت به عمل آید و در صورتی که نیاز به نظافت دارند، اقدام به نظافت و پاکیزه کردن آن نمایند.

۲-۳. روشن نگه داشتن مسجد: مسجد باید همیشه برای عبادت کنندگان مهیا و درهای آن باز و چراغهایش روشن باشد. پیامبر خدا ﷺ در این باره فرمودند:

«مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السَّرَاجِ؛ کسی که در مسجدی از مسجدهای خدا چراغی بیفزوزاند، مادامی که مسجد از نور آن روشن است، فرشتگان و حاملان عرش پیوسته برای او طلب مغفرت می کنند.»^۱ بی تردید مقصود رسول خدا ﷺ در روشن کردن مسجد، برپا داشتن آن برای عبادت است، که در آن عصر نمونه برجسته آن روشن نگه داشتن مسجد بود. ولی امروز، نیازهای دیگری نیز به آن افزوده می شود؛ مانند وسایل سرمازا و گرمازا، تلفن، آب، کتابخانه، و حتی رایانه و خطوط اینترنتی؛ متصدیان مساجد باید به این گونه قضایا نیز توجه کافی داشته باشند.

۳-۳. جلوگیری از حضور برخی اقشار: مسجد خانه دَوم همه مسلمانان و مؤمنان است و ورود همگان در آن آزاد و بلا مانع است، ولی در ورود برخی از اقشار، از جمله مجانین و دیوانگان و همچنین کودکان خردسال و غیر ممیز که نمی توانند نظافت و حرمت مسجد را نگهدارند، باید تأمل گردد.

در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «جَنِّبُوا مَسَاجِدَكُمْ صِبْيَانَكُمْ وَجَنِّبِنَكُمْ؛ مساجد خود را از کودکان خردسال و دیوانه هایتان دور نگه دارید.»^۲ همچنین مردان و زنانی که نیاز به غسل جنابت دارند و یا زنانی که در ایام عادت ماهانه به سر می برند، حضورشان در مسجد جایز نیست؛ مگر این که از دری وارد و بی درنگ از در دیگر خارج شوند.^۳

آثار و فواید حضور در مسجد

در تعامل مسجد و خانواده، مواردی را که بازگو کننده نقش خانواده در ایجاد و اداره مسجد و طراوت و شادابی آن بود، برشمردیم؛ اکنون نقش متقابل مسجد در ایجاد تغییر و تحوّل در اخلاقیات و روحیات انسان را مورد بررسی قرار می دهیم:

اصولاً برای حضور خانواده ها و افراد مؤمن در مساجد، آثار و فواید فراوانی وجود دارد که تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. تهذیب نفس: انسان ها در رهایی از بند شیطان و رسیدن به کمال و درجات عالی انسانی، نیاز مبرم

۱. التهذیب، ج ۳، ص ۲۶۱؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۱.

۲. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳. ر. ک: به رساله عملیه مراجع تقلید، بخش احکام جنابت.

به زدودن گناه و آلودگی‌های روحی و روانی از جسم و جان خود دارند. مسجد می‌تواند بهترین جایگاه تفکر و بازگشت به خویشتن باشد و انسان‌ها را به مقصودشان برساند. نقش مسجد در این امر مهم، بسیار کارساز و برجسته است و در حقیقت، خانواده‌ها مدیون مساجدند؛ زیرا دین و مذهب خود را در مساجد می‌شناسند و در این اماکن مقدّس با پروردگار خویش راز و نیاز و روح و روان خویش را از آلودگی‌ها تصفیه و تزکیه می‌نمایند و با استغفار و توبه، راه تقرّب الی الله را می‌پیمایند.

۲. ایمنی از بلاها و گرفتاری‌ها: با توجّه به این که معمولاً بانیان مسجد، در ساخت و ساز آن، نهایت دقت را به عمل می‌آورند و استحکام آن را مدّ نظر قرار می‌دهند و بنایی محکم‌تر و مستحکم‌تر از بناهای دیگر خویش می‌سازند، معمولاً ساختمان‌های مساجد پناهگاه و مأمن مؤمنان و مسلمانان در ایام سختی‌ها و گرفتاری‌ها است. همچنین از لحاظ اجتماعی، هرگاه مسلمانان با فشارهای حکومت یا با مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب روبه‌رو می‌شوند، مساجد را بهترین پناهگاه و محل آسایش خویش می‌یابند.

رسول گرامی ﷺ در حدیثی فرمودند:

«إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْأَفَاتُ، عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ؛ هُنْكَ أَمْنٌ لَكُمْ مِنْ أَعْيُنِ الْخُلُوفِ» (یعنی در اواخر سال ۱۳۸۳) در «سونامی» جنوب شرق آسیا، به ویژه در کشور مسلمان نشین اندونزی ملاحظه کردیم. از طریق رسانه‌های جمعی دیدیم و شنیدیم که بر اثر زلزله شدید و طوفان سهمگین دریا، بسیاری از شهرها و روستاها با خاک یکسان شد و بیش از دویست هزار نفر کشته و بیش از آن زخمی شدند و میلیون‌ها نفر خسارت دیدند و بلارزه شدند، اما با شگفتی تمام، همگان دیدند که تنها ساختمان‌هایی که باقی ماندند و در این حادثه عظیم صدمه ندیدند و همچنان سرپا بودند و پناهگاه سیل زدگان و آوارگان قرار گرفتند، همین مساجد بودند.

۳. کسب رضایت پروردگار: حضور خانواده‌ها در مسجد، موجب رضایت پروردگار سبحان از آنان می‌گردد و بر درجه قرب ایشان می‌افزاید.

امیر مؤمنان، امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود:

«الْجَلْسَةُ فِي الْجَامِعِ خَيْرٌ مِنَ الْجَلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ، لِأَنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رَضِيَ نَفْسِي وَالْجَامِعُ فِيهِ رَضِيَ رَبِّي؛ نَشِئْتُ فِي مَسْجِدٍ لِيَكُنْ لِي مِنْ خَيْرِ مَنْ نَشِئْتُ فِي الْجَنَّةِ» (یعنی من در مسجد نشستن را بهتر از نشستن در بهشت می‌دانم، زیرا که من در بهشت مایه خشنودی نفس انسان است، ولی نشستن در مسجد، موجب خرسندی خدای سبحان است).^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. فلاح المسائل، ص ۹۰.

۴. **گشایش امور:** با حضور انسان در مسجد و راز و نیاز با پروردگار متعال و دل سپردن به وی از روی اخلاص و نیت پاک، بسیاری از معضلات و مشکلات وی، راه حل پیدا می کند و اندکی بعد، خود به خود همه مشکلات و گرفتاری ها رفع می گردد و گشایش و راحتی در امور پدید می آید.

امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رِطْبٍ وَلَا يَأْسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى السَّابِعَةِ؛ هر کس به سوی مسجدی حرکت کند، بر هیچ تر و خشکی گام نمی نهد، مگر این که از این زمین تا زمین هفتم، راه ها بر روی او گشوده گردد»^۱.

۵. **افزایش حسنات و کاهش سیئات:** رفتن به مسجد و بهره مندی از فضای عبادی و عرفانی آن، موجب افزایش حسنات و پاداش اخروی و کاهش سیئات و یا محو کلی آن می گردد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُحْيَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ هر کس به جانب مسجدی از مسجدهای خدا برود، برای هر گامی که برمی دارد تا آن هنگامی که به خانه اش برگردد، ده حسنه برای او ثبت، و ده سیئه و گناه از او محو، و ده درجه بر جایگاه وی نزد خداوند افزوده می شود»^۲.

۶. **رسیدن به فواید هشت گانه:** اصبع بن نباته، که از یاران و اصحاب نزدیک امام علی (علیه السلام) بود، از آن حضرت روایت کرد:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى، أَوْ يَتْرَكَ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً؛ هر که در مسجدی رفت و آمد داشته باشد، به یکی از این فواید هشت گانه نایل خواهد شد:

۱. برادر دینی که او را در راه کسب رضای خداوند یاری کند؛

۲. دانشی که راه گشا باشد؛

۳. نشانه و آیه ای که استوار باشد؛

۴. شنیدن سخنی که او را به راه راست هدایت گر باشد؛

۵. شنیدن کلامی که او را از تباهی و فساد بازدارد؛

۱. التهذيب، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲. ثواب الاعمال، ص ۳۴۳.

۶. دستیابی به سنت و شیوه‌ای که پیروی شده باشد؛

۷. رسیدن به رحمتی که منتظر آن بوده است؛

۸. گناهی را از روی خوف و خشیت الهی و یا از روی شرم و حیا ترک کند.^۱

۷. آگاهی از احوال یکدیگر: از جمله مشکلات مهم جامعه اسلامی، بی‌خبری و ناآگاهی مسلمانان از وضعیت و گرفتاری‌های دیگران است که از این راه، صدمات و خسارات‌های فراوانی به آنان وارد می‌گردد. آنانی که از قدرت و یا ثروت سهمی دارند و به اصطلاح گلیم خویش را از آب بیرون می‌کشند، تنها به خود و خانواده خویش می‌پردازند و همه راحتی و آسایش را برای خود طلب می‌نمایند. بدون اینکه دیگر مؤمنان و مسلمانان را در نظر داشته و در فکر و اندیشه برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های آنان باشند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ این مسئله را آن قدر مهم و خطرناک دانست و به مسلمانان در خصوص آن هشدار داد که گویا مسلمانی را به آن منوط و مشروط نمود.

آن حضرت در حدیثی فرمودند:

«مَنْ أَصْبَحَ، لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ، وَمَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي «يَا لِّلْمُسْلِمِينَ!» فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ کسی که صبح کند در حالی که اهمت‌امی به امر مسلمانان نداشته باشد، از اسلام بهره‌ای نبرده و کسی که آگاه شود بر مردی که ندای دادخواهی از مسلمانان سر می‌دهد، پس او فریادرسی نکند، از مسلمانان نخواهد بود».^۲

بدست آوردن دنیا هنر نیست

کسی را گر توانی دل بدست آر

به هر حال، حضور خانواده‌ها در مساجد و ملاقات با یکدیگر، در این مکان مقدس، می‌تواند این نقیصه را برطرف کند و آنان را از وضعیت یکدیگر آگاه و زمینه اقدام عملی افراد صاحب ثروت و یا صاحب قدرت، برای رفع گرفتاری‌های بیچارگان و مستمندان را فراهم کند.

وظایف خانواده در برابر مسجد

برای برخورداری از مساجدی با طراوت و نمازگزاران بسیار و مفید برای جامعه که موجب سرافرازی و سربلندی مسلمانان و مکانی مقدس برای تصفیه روح و روان آدمی و اصلاح و ارتقای اخلاق و کمالات انسانی، مواردی در مبحث «تعامل مسجد و خانواده» بیان شد؛ اینک مواردی به عنوان وظایف خانواده در

۱. فلاح السائل، ص ۹۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

برابر مسجد ذکر می‌گردد:

۱- **ادای حق مسجد:** مسجد، به عنوان پدیده‌ای مقدّس و برخاسته از درون اسلام، بر عهده همه مسلمانان، به‌ویژه خانواده‌های متدین و مذهبی، حق بزرگی دارد و ادای حق آن بر همگان لازم و واجب است. حق مسجد آن است که برای آن اهمّیت قائل شویم و توجّه خاصی به آن کنیم و در آن همیشه رفت و آمد داشته باشیم و با حضور در آن، نمازهای خود را بجا آوریم و خدای سبحان را تسبیح و تقدیس نماییم. امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالَمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَمُضْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ أَحَدًا؛ سه چیز در نزد پروردگار متعال [در روز قیامت] شکایت می‌کند:

۱. مسجدی که خراب شده باشد و مردم در آن نماز نخوانند؛

۲. عالم و دانشمندی که در میان جاهلان و نادانان قرار گرفته باشد؛

۳. قرآنی که معطل مانده و گرد و غبار بر آن نشسته باشد و کسی آن را تلاوت نکند».^۱

در این حدیث شریف، از استقبال نکردن مسلمانان به حضور در مسجد و نخواندن نماز و به‌جای آوردن سایر عبادات در آن و در حقیقت به ادا نکردن حق آن، اعتراض شده است. ولی باید توجّه داشت که در میان مسلمانان گاهی مساجدی مجلّل و باشکوه ساخته می‌شود، اما استفاده بهینه عبادی از آن به عمل نمی‌آید. این گونه مساجد که در مناطق ثروتمندنشین بیشتر به چشم می‌خورد، از نظر آبادی و عمران، خراب نیستند و حتّی حضور مردم در آن چشم‌گیر است، ولی از لحاظ معنوی، بی پایه و خراب‌اند. امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند:

«أَتَى عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَنْبَغِي فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رُسْمُهُ، وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، مَسَاجِدُهُمْ يَوْمِئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبَنَاءِ، خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ، سُكَّانُهَا وَعَمَّاؤُهَا شُرَاطِلُ الْأَرْضِ؛ روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار از نظر ساختمان آباد، اما از نظر هدایت ویران است. مسجدنشینان و سازندگان آن بناهای شکوهمند، بدترین مردم زمین‌اند».^۲

با این بیان روشن می‌شود که ادای حق مسجد، به این است که مسلمانان با صفای قلب و مهربانی با یکدیگر و با اجتناب از هر گونه حقد و کینه‌توزی و دشمنی علیه سایر مؤمنان و مسلمانان، تنها برای رضای خداوند متعال و عبادت و پرستش وی در مساجد حضور چشم‌گیر داشته باشند و با نفس‌های گرم و معنوی

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹.

خویش به آن شادابی بخشند.

۲- **پرهیز از امور غیر عبادی:** مسجد، برای عبادت و بندگی خداوند سبحان است. اگر سخنرانی‌های مذهبی، مراسم دعا و مرثیه‌خوانی، قضاوت و داوری و چیزهایی از این قبیل در آن انجام گرفته و یا می‌گیرد، باید همه آنها در راستای عبادت و دعوت به معنویت باشد. اما پرداختن به امور دنیوی و کارهایی که با روح عبادت و معنویت منافات داشته باشد، در درون مسجد ممنوع و غیرمجاز است. در منابع روایی آمده است: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا، ذِكْرُهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا، لَا تَجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ؛ در دوره آخر الزمان، مردمی پیدا می‌شوند که در مساجد حضور پیدا می‌کنند و حلقه‌ای در آن تشکیل می‌دهند که گفت‌وگوی آنان دنیوی و دوستی دنیاست. [شما] با آنان هم‌نشینی نکنید، زیرا خدا را (به آنان رغبت و) به آنان حاجت نیست»^۱.

همچنین مسجد را نباید به محلی برای خرید و فروش کالا و یا محلی برای انعقاد پیمان‌های تجاری و بازرگانی و یا نوشتن قولنامه‌ها و چیزهایی از این قبیل، تبدیل کرد. امام جعفر صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند: «جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ الْبَيْعَ وَالشِّرَاءَ؛ مساجد خود را از خرید و فروش (کالا و اجناس) دور نگه دارید»^۲.

۳- **آراستگی ظاهر و جسمی:** علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از لحاظ ظاهری و جسمی نیز باید هنگام رفتن به مسجد، مرتب و پاکیزه و آراسته بود. امام جعفر صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند: «إِنَّ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا اسْتَقْبَلَهُ مُؤَلَّى لَهُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ وَمُطَرَفٌ خَزَّ وَعَمَامَةٌ خَزٌّ وَهُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ؛ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى آيْنٍ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْطُبُ الْحُورَ الْعَيْنِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ یکی از غلامان امام زین العابدین (علیه السلام) در شبی سرد، آن بزرگوار دید که: لباس خَز، روپوش «پالتو» خَز و عمامه خَز «گرانبهائی» پوشیده و خود را به عطرهای خوش بو، معطر کرده و از هر جهت خود را آماده و مهیا نموده است.

از حضرت پرسید: فدایت شوم، در این وقت شب با این هیأت و شکوه، به کجا تشریف می‌برید؟ امام سجاد (علیه السلام) چنین پاسخ داد: به مسجد جَدَم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌روم تا از خدای عز و جل، حورالعین را خواستگاری کنم»^۳. بنابراین، پوشیدن لباس نظیف و تمیز، خوشبو کردن لباس و بدن و اصلاح سر و صورت، از جمله وظایف خانواده‌ها هنگام رفتن به مسجد است. همچنین باید از چیزهایی که کراهت و نفرت دیگران را در پی دارد، مانند خوردنی‌هایی که بوی بد تولید می‌کنند و یا استعمال دخانیات، مانند سیگار و یا پوشیدن

۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۶۹.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۴.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۷.

لباس‌های زنده و امثال آن، پرهیز کرد. محمد بن مسلم گفت: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم که خوردن سیر چه حکمی دارد؟ فرمود:

«همانا، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به لحاظ بوی آن، از خوردن این خوراکی ناخوشایند نهی می نمود. پس (بعد از خوردن آن) به مساجد ما نزدیک نشوید. اما اگر کسی آن را تناول کند و وارد مسجد نشود، اشکالی ندارد».^۱

۴- برطرف کردن آلودگی‌ها: خانواده‌ها باید توجه داشته باشند که در و دیوار و فرش‌ها و فضای درونی و بیرونی مسجد به هیچ وجهی به ناپاکی و نجاست آلوده نگردد و اگر چنین اتفاقی به وقوع پیوندد و جایی از مسجد و یا چیزی از آن آلوده گردد، بی‌درنگ باید رفع آلودگی شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیثی فرمودند:

«جَنِبُوا مَسَاجِدَكُمْ التَّجَاسَةَ؛ ناپاکی‌ها و نجاست‌ها را از مسجدهای خود دور کنید».^۲

ابو بن کعب روایت کرد: پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دیوار مسجد، آب دهانی دید که بر آن چسبیده بود، آن حضرت با پارچه‌ای آن را پاک و تمیز کرد و آن پارچه را به بیرون انداخت و جای آن قسمت را با عطر (و یا زعفران و یا ورس [بوته‌ای شبیه زعفران] خوش بو نمود.^۳ بنابراین، هر چیزی که مسجد را به نجاست آلوده می‌کند و یا آن را نجس نمی‌کند، ولی طبع آدمی از آنها اکراه داشته و برای مردم ناخوشایند باشد، باید از آن مکان مقدس دور گردد.

۵- آرامش صوتی: مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خداوند است. ازاینرو باید از آرامش خاصی بهره‌مند باشد. براین اساس، بر مؤمنانی که وارد مسجد می‌شوند، لازم است در خواندن نماز، قرآن و دعا و مناجات، صدای خویش را بلند نکنند و اعمال خود را در حدی که مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، به طور آهسته انجام دهند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در وصایای خود به ابوذر غفاری فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَأَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ.

فَقُلْتُ: كَيْفَ يُعْمَرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ (صلی الله علیه و آله): لَا تُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ، وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ، وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا، وَلَا يُبَاعُ، وَاتْرِكِ اللَّغْوَ مَا دُمْتَ فِيهَا؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای ابادر! کسی که ندای خداوند را پاسخ دهد و به آبادی و اصلاح مساجد همت گمارد، خداوند پاداش او را بهشت قرار می‌دهد.

ابوذر گوید، عرض کردم: چگونه شخصی می‌تواند به عمران و اصلاح مساجد بپردازد؟ حضرت فرمودند:

۱. همان: ص ۳۷۴.

۲. تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۹۱.

۳. تاریخ المدينة، ج ۱، ص ۲۴.

اصلاح و عمران مساجد این است که صدا را در آن بلند نکنی و به امور باطل و لهو و لعب نپردازی و خرید و فروش را در مساجد کنار بگذاری؛ تا مادامی که در مسجد به سر می‌بری، از کار لغو و بیهوده پرهیزی و اگر چنین نکردی، در روز قیامت، جز خودت، کسی را ملامت نکن.^۱

البته باید توجه داشت که منظور از آلودگی صوتی در مساجد، گفت و گوهای بی‌حاصل و یا بحث‌ها و مجادله‌های باطل است که با روح عبادت، تفکر و اندیشیدن درباره خدا و قیامت، منافات دارد و مزاحمتی برای عبادت‌کنندگان به وجود می‌آورد. اما مباحثه‌های علمی و مذهبی، سخنرانی‌ها و خطابه‌های اخلاقی و برگزاری مراسم عمومی که موجب مزاحمت سایر عبادت‌کنندگان و همسایگان مسجد نباشد، حتی با صدای بلند، منعی در انجام دادن آنها نیست؛ زیرا این گونه اعمال در راستای تبلیغ دین و معنویت است و اجر و پاداش اخروی نیز دارد.

پیامبر خدا ﷺ، امامان معصومین و اسلاف صالح ما شیعیان از این شیوه تبلیغ بسیار استفاده و مردم را ارشاد و به صراط مستقیم هدایت می‌کردند.

استفاده‌های مفید و مشروع از مسجد

خانواده‌ها می‌توانند بیشترین فواید و فیوضات معنوی را از مساجد کسب کنند و در این مکان مقدّس، روح و روان خود را از سرچشمه زلال و پاک عبودیت و عرفان، سیراب نمایند. در اینجا مناسب است، به برخی از فیوضات و بهره‌وری‌های معنوی خانواده‌ها از مسجد اشاره کنیم:

۱- **برپایی نماز:** مسجد، مکانی مقدّس برای عبادت و کسب معنویت است. بهتر است مسلمانان همه نمازها، اعم از واجب و مستحب را در این مکان بجا آورند و به این مسئله توجه داشته باشند که پاداش فراوانی برای خواندن نماز در مسجد وجود دارد که در سایر اماکن بدان مقدار نیست. حتی در مساجد مخالفان و طایفه‌های اسلامی غیر شیعی نیز می‌توان حضور یافت و در آنها نماز خواند؛ زیرا در این باره نیز پیشوایان معصومین و سفارش کرده‌اند.^۲

۲- **نماز جماعت:** خواندن نماز جماعت، فضیلت و پاداش بی‌شماری دارد و سفارش‌های بسیاری در دین مقدّس اسلام در برپایی نماز جماعت و حضور مؤمنان در آن شده است. مسلماً برپایی نماز جماعت، در مسجد و حضور در آن، ثواب و پاداش بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین خانواده‌های متدین تلاش کنند

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۵.

نمازهای یومیّه خود را در مساجد به جماعت برگزار کنند و از نماز خواندن به صورت فرادا خودداری نمایند.

۳- **طلب حاجت:** امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم امام باقر (علیه السلام) هر گاه می خواست حاجتی را از خداوند متعال درخواست نماید، به هنگام ظهر، مقداری صدقه می داد و سپس خود را خوش بو می نمود و عازم مسجد می گردید و در آنجا هر چه می خواست از خداوند متعال درخواست می کرد.^۱

۴- **ذکر خدا:** تسبیح و ذکر خداوند سبحان، از جمله اعمالی است که در خصوص انجام دادن آن در مساجد سفارش شده است. چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ خَيْرَ أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَا تَمْتَنُ تَسْتَكْبِرُ» قَالَ لَا تَسْتَكْبِرُ وَمَا عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ»^۲؛ مردی به محضر رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: چه کسی از اهل مسجد، بهتر از دیگران است؟ پیامبر ﷺ فرمود: هر که زبانی گویا به ذکر خدا به او داده شده است، خیر دنیا و آخرت به او داده شده، و درباره گفتار خدای تعالی: «وَمَنْ تَمَنَّاهُ فَزَوْنِي جُؤْنِي» فرمود: یعنی، آنچه کار خیر برای خدا کردی، آن را بیش بشمار.^۳

۵- **وعظ و خطابه:** برگزاری مراسم سخنرانی مذهبی و دینی در راستای ارشاد مسلمانان و آشنایی با احکام دین اسلام و مکتب حیات بخش اهل بیت (علیهم السلام) از فیوضات گران سنگ مساجد برای خانواده ها به شمار می آید و لازم است در اجرای آنها دقت کافی و به نحو مطلوب استفاده شود. در این راستا مبلغان دینی و روحانیون معظم می توانند بیشترین بهره برداری معنوی را از این فرصت ها بکنند.

۶- **تلاوت قرآن کریم:** تلاوت قرآن کریم، در هر جایی ممکن و مفید است، ولی بهترین و مقدس ترین جای آن، مسجد است که خانواده های متدین از این فضای منور و روحانی، استفاده کامل و قرآن را به صورت فردی و یا به صورت جمعی تلاوت و در معانی آن تدبیر کنند. استادان قرائت قرآن نیز تلاش کنند، در آموزش روخوانی و قرائت آن، خانواده ها به ویژه نوجوانان و جوانان را یاری دهند و قلوب پاکشان را با کلام خدا آشنا کنند. همچنین روحانیون معظم و مفسران قرآن کریم برای توضیح و تفسیر آیات، از مساجد و فضای روحانی و عرفانی آن استفاده کنند.

۷- **اعتکاف در مساجد:** یکی از سنت های رسول خدا ﷺ در میان مسلمانان، اعتکاف آن حضرت در مسجد است. اعتکاف، از جمله اعمال عبادی است که با حضور در مسجد و باقی ماندن در آن به مدت سه شبانه روز و گرفتن روزه در هر سه روز و خارج نشدن از مسجد، مگر در مواقع ضروری محقق می شود.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۷.

۲. مدثر، آیه ۶.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۸.

معتکف در این مدت فرصتی به دست می‌آورد تا با تفکر و تدبّر در رفتار و کردار خویش، در صدد ترمیم نارسایی‌های اخلاقی و کرداری خویش برآید و با عبادت و راز و نیاز، روح و روان خود را صفا بخشد. پیامبر خدا ﷺ در ماه مبارک رمضان، به ویژه در دهه سوم آن، در مسجد معتکف می‌شد.^۱ این سنت، در میان امامان معصوم و مسلمانان نیز تداوم یافت و هم‌اکنون نیز در ایران اسلامی و برخی از مناطق شیعه‌نشین جهان، در روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم رجب هر سال، متدینان و عبادت‌پیشه‌گان به مساجد می‌روند و به مدت سه شبانه روز معتکف می‌شوند. شایان توجه است که حضور جوانان، به ویژه دختران و پسران دانشجو در این مراسم عبادی چشم‌گیر است.

استفاده‌های نامشروع و غیرمجاز از مسجد

در استفاده از مساجد باید توجه داشت که هر کار ممکن را نمی‌توان در مسجد انجام داد، و در واقع انجام دادن برخی از کارها در مسجد ممنوع است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- **استفاده ابزاری از مسجد:** نظر به استقبال عمومی مسلمانان از مسجد و توجه ویژه آنان به این مکان مقدّس، ممکن است عده‌ای بخواهند از آن و از فضای معنوی آن در راستای اهداف شخصی، حزبی و جناحی خود بهره‌برداری کنند و خانواده‌های متدین را به ضلالت و انحراف بکشانند، یا این که وارد مساجد شوند و پس از دیدن آداب و رسوم مسلمانان، آنان را به سخریه و استهزا بگیرند. متولیان امور مساجد و عموم مسلمانان و نمازگزاران باید جلو چنین استفاده‌های نامشروع را بگیرند و محلی برای اظهار وجود بدخواهان و مخالفان باقی نگذارند و مسجد مقدّس را تبدیل به مسجدی همچون مسجد ضار نمایند. نمونه‌های فراوانی داریم که رسول خدا ﷺ و یا ائمه اطهار علیهم‌السلام با این گونه افراد که قصد سوء استفاده‌های مذهبی و سیاسی داشتند، برخورد می‌کردند و عکسالعمل‌های لازم را نشان می‌دادند.^۲

۲- **انجام دادن کارهای صنفی و صنعتی در مساجد:** در مساجد نباید کارهای صنفی و صنعتی و امثال آن انجام داد، زیرا از این گونه اعمال در مسجد نهی شده است. در روایات آمده است که پیامبر ﷺ از آماده کردن شمشیر و تیز کردن آن در مسجد جلوگیری می‌نمود و می‌فرمود: «أَمَّا بَنِي لَيْعٍ ذَٰلِكَ؛ مسجد برای کارهای دیگری بنا شده است».^۳

۳- **وجود تصاویر و نقش و نگار در مسجد:** کارهای هنری و زیباسازی مساجد، منافاتی با روح معنوی

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۲. سیره النبی صلی الله علیه وآله، ابن هشام، ج ۲، ص ۳۷۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۹۳.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

و عرفانی آن ندارد؛ اما از حک کردن نقش و نگار جانداران بر در و دیوار مسجدها و کشیدن عکس انسان و حیوان، همچنین قرار دادن تصاویر، در مقابل نماز گزاران، باید پرهیز کرد. در حقیقت نباید مساجد را به موزه‌ای از تصاویر و عکس‌های گوناگون تبدیل کرد؛ زیرا امکان دارد نظر نماز گزاران و عبادت کنندگان به آنها جلب شود و از توجّه آنان به اعمال عبادی کاسته شود. عمرو بن جمیع گفت: از امام جعفر صادق (علیه السلام) درباره مساجدی که دارای تصاویر هستند، پرسیدم، آن حضرت فرمود:

«أَكْرَهُ ذَلِكَ، وَلَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ؛ وَلَوْ قَدْ قَامَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ؛ چنين چیزی کراهت دارد، ولی امروزه ضرری به شما نمی‌رساند. اگر امام عادل قیام کند، هر آینه می‌بینید که باین تصاویر چه خواهد کرد»^۱.

۴- انداختن سنگ و زباله در مسجد: بی‌احترامی به مساجد با انداختن و یاریختن سنگ و کلوخ و یا گذاشتن زباله و آشغال در آنها، همچنین گذاشتن وسایل شخصی و خانوادگی، مانند آلات و ابزار کشاورزی، دامداری و ماشین‌های سواری و امثال ذلک، در شأن و خانواده‌های محترم و معتقد نیست. متأسفانه مشاهده می‌شود که در برخی از مساجد چنین بی‌احترامی‌هایی انجام می‌شود. به ویژه در مسجدهایی که نماز گزاران کمی دارد و همچنین مساجدی که تنها در ماه مبارک رمضان گشوده می‌شوند و از آنها تنها در این ماه استفاده می‌شود و در بقیه ایام، خالی و بدون نماز گزار است. هم‌چنین در سطح برخی از روستاها و قریه‌های دور افتاده چنین رفتار و کردار نکوهیده مشاهده می‌گردد که این امر گناهی است که عقوبت آن دامن گیر عاملان خواهد شد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: که آن حضرت، مردی را دید که سنگریزه به داخل مسجد پرتاب می‌کند. حضرت به وی فرمود:

«مَا زِلْتَ تَلْعَنُ حَتَّى وَقَعْتَ؛ از زمانی که سنگریزه را انداختی تا مادامی که در آنجا باقی است، آن سنگریزه تو را لعنت می‌کند»^۲.

۵- راه قرار دادن مساجد: برخی از افراد، مسجد را برای عبور و مرور خود انتخاب می‌کنند و بدون اینکه نمازی در آن بخوانند، تنها برای نزدیک کردن راه خود، از دری وارد و از در دیگر خارج می‌شوند؛ این کاری ناپسند است و خانواده‌های محترم باید به آن توجّه داشته باشند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی فرمودند:

«لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رُكْعَتَيْنِ؛ مساجد را راه عبور خود قرار ندهید، مگر این که دو

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹.

۲. التهذیب، ج ۳، ص ۲۶۲.

رکعت نماز در آن بخوانید»^۱.

در پایان این نوشتار، از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که همه اقشار جامعه، از جمله خانواده‌های متدین و مؤمن، خصوصاً جوانان، با مسجد و فواید و فضایل معنوی آن هر چه بیشتر آشنا شوند و بر تقوا و ایمان آنان افزوده شود، تا با آمادگی همه مسلمانان عالم، زمینه ظهور سرور و مولا یمان حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام فراهم گردد.

نتیجه‌سخن

نهاد خانواده از جمله عمومی‌ترین نهادهای اجتماعی است که به طور معمول در تمام جامعه‌ها وجود دارد و مهم‌ترین تکیه‌گاه و محور زندگی اجتماعی است.

صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی، یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می‌دانند؛ زیرا محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی، عقلانی و عاطفی آنان است.

خانواده و مسجد، مکانی است مقدّس برای عبادت مسلمانان. این دو پدیده، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و از یکدیگر متأثر و بهره‌مند می‌باشند.

موضوع «مسجد و خانواده» از موضوعات مهم در زمان حاضر است. رابطه نیک و پسندیده خانواده‌ها با مساجد، آن است که حدّ و حصارى نداشته و دایم و همیشگی باشد و در حقیقت، مسجد خانه دومی برای آنان باشد.

کاوش در ارتباط مسجد و خانواده، را دو جنبه باید در نظر گرفت و تعامل آن دو و یا تأثیر هر یک در دیگری را در معرض بحث و بررسی گذاشت.

نمونه‌هایی از تعامل مسجد و خانواده به شرح ذیل است: وقف زمین برای مسجد؛ ساخت و ساز مسجد؛ اداره مسجد و تصدّی امور آن.

حضور خانواده‌ها و افراد مؤمن در مساجد، آثار و فواید فراوانی وجود دارد؛ یکی از فوائد حضور در مسجد، تهذیب نفس است. انسان‌ها در راهی از بند شیطان و رسیدن به کمال و درجات عالی انسانی نیاز مبرم به زدودن گناه و آلودگی‌های روحی و روانی از جسم و جان خود دارند و در این راه مسجد می‌تواند بهترین جایگاه تفکر و بازگشت به خویشتن باشد و انسان‌ها را به مقصودشان برساند. نقش مسجد در این امر مهم

بسیار کارساز و برجسته است و در حقیقت، خانواده‌ها مدیون مساجدند.

ایمنی از بلاها و گرفتاری‌ها، از دیگر فواید حضور در مسجد است. معمولاً ساختمان‌های مساجد پناهگاه و مأمن مؤمنان و مسلمانان در ایام سختی‌ها و گرفتاری‌ها است. افزون بر آن از لحاظ اجتماعی هرگاه مسلمانان با فشارهای حکومت یا با مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب روبه‌رو می‌شوند، مساجد را بهترین پناهگاه و آسایشگاه خویش می‌یابند.

حضور خانواده‌ها در مسجد، موجب رضایت پروردگار سبحان از آنان می‌گردد و بر درجه قرب ایشان می‌افزاید.

حضور انسان در مسجد و راز و نیاز با پروردگار متعال و دل سپردن به وی از روی اخلاص و نیت پاک، بسیاری از معضلات و مشکلات وی، راه حل پیدا می‌کند و اندکی بعد، خود به خود همه مشکلات و گرفتاری‌ها رفع می‌گردد و گشایش و راحتی در امور پدید می‌آید.

رفتن به مسجد و بهره‌مندی از فضای عبادی و عرفانی آن، موجب افزایش حسنات و پاداش اخروی و کاهش سیئات و یا محو کلی آن می‌گردد.

براساس روایات اسلامی، کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و بالارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او میشود]، یا مواظلی که او را از فساد و گناه باز دارد، [می‌شنود]، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود، گناهی را ترک می‌کند.

همچنین حضور خانواده‌ها در مساجد و ملاقات با یکدیگر، در این مکان مقدس، می‌تواند آنان را از وضعیت یکدیگر آگاه و زمینه اقدام عملی افراد صاحب ثروت و یا صاحب قدرت، برای رفع گرفتاری‌های بیچارگان و مستمندان را فراهم کند.

خانواده در برابر مسجد وظایف مهمی دارد. مسجد، به عنوان پدیده‌ای مقدس و برخاسته از درون اسلام، بر عهده همه مسلمانان، به‌ویژه خانواده‌های متدین و مذهبی، حق بزرگی دارد و ادای حق آن بر همگان لازم و واجب است. حق مسجد آن است که برای آن اهمیّت قائل شویم و توجه خاصی به آن کنیم و در آن همیشه رفت و آمد داشته باشیم و با حضور در آن، نمازهای خود را بجا آوریم و خدای سبحان را تسبیح و تقدیس نماییم.

پرهیز از امور غیر عبادی، در مسجد از جمله وظایف خانواده اهل مسجد است. پرداختن به امور دنیوی و کارهایی که با روح عبادت و معنویت منافات داشته باشد، در مسجد ممنوع است.

علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از لحاظ ظاهری و جسمی نیز باید هنگام رفتن به مسجد، مرتب و پاکیزه و آراسته بود.

خانواده‌ها باید توجه داشته باشند که در و دیوار و فرش‌ها و فضای درونی و بیرونی مسجد به هیچ وجهی به ناپاکی و نجاست آلوده نگردد و اگر چنین اتفاقی به وقوع پیوندد و جایی از مسجد و یا چیزی از آن آلوده گردد، بی‌درنگ باید رفع آلودگی شود.

مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خداوند است. از این رو باید از آرامش خاصی بهره‌مند باشد. بر مؤمنانی که وارد مسجد می‌شوند، لازم است در خواندن نماز، قرآن و دعا و مناجات، صدای خویش را بلند نکنند و اعمال خود را در حدّی که مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد، انجام دهند.

به هر حال، خانواده‌ها می‌توانند بیشترین فواید و فیوضات معنوی را از مساجد کسب کنند و در این مکان مقدّس، روح و روان خود را از سرچشمه زلال و پاک عبودیت و عرفان، سیراب نمایند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۳. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۴. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۵. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۶. —، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۷. طوسی (شیخ الطایفه)، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۸. حلی، علامه حسن بن یوسف، التذکرۃ الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، (جدید).
۹. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۱۰. سید ابن طاوس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۱. ابن عساکر، ابوالقاسم بن عبدالله شافعی، تاریخ مدینه و دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۲. ابن هشام معارفی، ابومحمد عبدالملک بن هشام بن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].
۱۳. وزّامین ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزّه النواظر المعروف بمجموعه وزّام، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۴ هـ.ش.

شاخصه‌های خانواده اهل مسجد

محمد حسین مردانی نوکنده

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین نقش و تأثیر مثبت مسجد در زندگی فردی و اجتماعی است. در این راستا با استناد به آیات و روایات و کتاب‌های معتبر، شاخصه‌های خانواده اهل مسجد را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و در آن با توجه به شاخصه‌ها و نمونه‌های کاربردی به دنبال پاسخ این سؤال است که چگونه می‌توانیم خانواده‌ای ایده‌آل، متعادل و اهل مسجد داشته باشیم. نویسنده در پایان این مقاله خانواده امام علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) را به عنوان الگویی کامل برای همه جهانیان، به خصوص خانواده‌های اهل مسجد، معرفی کرده است.

کلیدواژه‌ها:

خانواده، مسجد، اهل مسجد، شاخصه‌های خانواده مسجدی، الگو، زندگی حضرت امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام).

اشاره

نهاد خانواده به مطالعه، تعمیق و عبرت‌آموزی دائمی نیاز دارد؛ زیرا چند بعدی است و راز و رمزهای فراوانی دارد. اینکه بر بقای خانواده تأکید فراوان می‌شود و بسیاری از سعادت‌ها و شقاوت‌ها از درون خانواده ریشه می‌گیرد، همه دلیل بر ظرافت، اهمیت و پیچیدگی این نهاد مهم انسان‌ساز است. برنامه‌ریزان، به ویژه آنانی که در نهادهای فرهنگی، تربیتی فعالیت می‌کنند، نباید به این مهم بی‌اعتنا باشند و از بررسی مسائل خانواده و ارائه راه‌حل برای مشکلات و معضلات آن غافل بمانند. خداوند، در قرآن کریم، خانواده را با نام «آیه» معرفی می‌کند و آرامش قلب آدمی را در گرو داشتن خانواده سالم و بالیامان می‌داند؛ همین معرفی الهی بهترین نشانه بر اهمیت فراوان این نهاد است. آیه الهی بودن نکات حکیمانه زیادی در خود مستتر دارد. هر چه نشانه خدا شود، به منزله این است که صفات الهی در او بروز و ظهور پیدا کرده است و آن قدر قابلیت دارد که هم می‌توان راه خدا و مسیر بندگی را در آن آموخت و هم با آن بسیاری از حقایق را باور کرد. اگر خانواده‌های اهل ایمان و مسجد به این نکته توجه کنند که رابطه مرد و زن در خانواده جلوه‌ای از جلوه‌های الهی است و قاعده‌مندی‌های درونی آن باید با الهام از صفات الهی استتباط شود، زمینه‌های سعادت‌مندی در آن خانواده شکل می‌گیرد.

خانواده اهل مسجد و نماز باید تلاش کند نشانه‌هایی از عدل الهی، علم الهی، قدرت الهی، قداست الهی و سایر صفات را در خود پرورش دهد و مودت را به مثابه اکسیر عظیم خانواده سالم و متعادل رعایت کند؛ همچنین با پیوند عاطفه و عقلانیت، در پرتوی عنایات الهی، سعادت واقعی را رقم بزند. عشق و علاقه به زندگی مستقل، ارضای غرایز از جمله غریزه عاطفه و آرام زیستن در کنار همسر انگیزه تشکیل خانواده است. قرآن کریم نیز به این مسئله اشاره کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و نشانه‌های خداوندی این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام بگیرید»^۱. در هر خانواده، فرزندان متولد می‌شوند که باید تربیت شوند؛ البته در فرایندی الهی و معنوی؛ زیرا فرزند باید محصول چنین روندی باشد تا براساس فطرتش به سوی مقصد سیر نماید. تربیت در عالم انسانیت، مانند عشق به زیبایی در عالم هنر است. تربیت کودک را نمی‌آفریند، بلکه او را در راه انسان شدن شکوفا می‌کند. انسان شدن نتیجه منطقی تربیت درست است. در واقع، تربیت پاسخی معقول و رضایت‌بخش به معنای هستی کودک است. در خانواده اهل مسجد، تربیت راز و رمزهایی دارد که دانایی، توانایی و به کار بردن اصولی را می‌طلبد. تربیت، شور و عشق می‌طلبد و والدینی در این امر موفق‌اند که عملاً درست زندگی کنند

و الگوی مناسب داشته باشند.

اما چگونه می توانیم خانواده ای ایده آل، متعادل و اهل مسجد داشته باشیم؟ این سؤالی است که می کوئیم، در این مقاله، با شاخصه ها و نمونه های کاربردی به آن پاسخ دهیم و با تمسک به این شاخصه ها و معیارها قدمی در تعادل بهتر خانواده خویش برداریم.

اهمیت و نقش مسجد

پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَإِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخَّ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ ملازم مسجد، حد اقل با یکی از این سه به خانه اش برمی گردد: دعایی که به درگاه خدا می کند و خداوند او را با آن دعا به بهشت می برد. یا دعایی می کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی گرداند؛ یا برادری که در راه خدای عز و جل از وجودش بهره مند می شود»^۱.

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست. بنابراین، در قرآن کریم بر جنبه های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری، تکیه شده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۲، و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا مخوانید. مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛ به دادگری فرمان داده است و (اینکه) در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید»^۳.

مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى؛ منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده ایم - سیر داد»^۴.

یکی از نقش های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت جمعی و خالصانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس گیرند. ابعاد تربیتی

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۵.

۲. سوره یجن، آیه ی ۱۸.

۳. سوره یاعراف، آیه ی ۲۹.

۴. سوره یاسرا، آیه ی ۱.

مسجد با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت پرورش دهنده روح و روان آدمی است و پاسخ به آن، پاسخ به نیازی طبیعی است. کسی که به نیازهای جسمی و روانی خود به طور منطقی پاسخ می‌گوید، شخصیتی متعادل پیدا می‌کند. عبادت و راز و نیاز با خداوند نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل (بلکه مقوم) شخصیت اوست. البته، عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. بر این اساس، باید گفت انسان به طور فطری، معبد و مسجد را دوست دارد و به آن عشق می‌ورزد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان، نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای آموزش، تربیت، پرورش و کمال آنها فراهم می‌کند. در مکتب تربیت اسلامی و بسیاری مکاتب دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی»، بیماری روحی شناخته می‌شود. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع و روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند.

افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به طور طبیعی با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود.

مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی به شمار می‌رود. مسجد، در جایگاه اصیل خود، الگوی ارزش‌گذاری است و ارزش‌های فراموش شده در آن مطرح می‌شود.

مسجد، صفا بخش روح و جان

همه روزه، با پخش صوت قرآن و اذان، فضای شهر آکنده از یاد خدا می‌شود. هنگامی که صدای ملکوتی قرآن و اذان سراسر شهر را فرا می‌گیرد، رایحه معطر «کلام الهی»، چشمان خفته را از خواب غفلت بیدار می‌کند؛ فکر و روح را به ملکوت می‌برد و همه وجود انسان خدایی می‌شود. با بانگ اذان در سحرگاه، بوی عطر دل‌انگیز یار در همه جا می‌پیچد و رنگ خدا در تاریکی سحر تجلی بیشتری پیدا می‌کند و آنگاه انسان حس می‌کند تنها نیست و کسی با اوست که برایش محبت و عشق را فارغ از همه افت و خیزهای دنیا زمزمه می‌کند. برخی مردم، در طی روز با شنیدن اذان به مسجد می‌روند و ضمن ادای فریضه نماز و حضور در این مکان مقدس، غم‌ها و شادی‌های خود را با یکدیگر تقسیم می‌کنند و با تجدید بیعت روزانه، مشکلات خود را به فراموشی می‌سپارند.

مسجد، از دیرباز نقشی مهم در زندگانی همه ایرانیان ایفا کرده است؛ زیرا حفظ، تعلیم و تفسیر قرآن

کریم، که سرآغاز آموزش و پرورش اسلامی است، در مساجد صورت می گرفته است. نقش مسجد فقط به ادای نماز یا عبادت، محدود نبوده است؛ بلکه از آن به مثابه مرکز آموزش و پرورش نیز استفاده می شده است و این کار اکنون نیز در بسیاری از مساجد انجام می شود. از زمان ظهور اسلام، مسجد «نماد اسلام» بوده است و پیامبر ﷺ، با سوق دادن عمده مراکز عمومی و حکومتی به مساجد، در واقع مسجد را کانون نظام سیاسی جهان اسلام قرار داد. حکومت اسلامی در زمان پیامبر ﷺ، برای اداره جامعه اسلامی، همواره سعی خود را برای رتق و فتق امور به مساجد معطوف می کرد و مسجد در آن زمان تنها یک مکان برای ادای فرائض دینی نبود، بلکه به گونه ای، عمارت حکومتی نیز بود. بسیاری از تصمیم گیری های مهم سیاسی و اجتماعی در مسجد صورت می گرفت و حتی طرح بسیاری از عملیات های نظامی در مساجد پیاده می شد. به تدریج، نزد غیرمسلمانان جهان، مسجد به یکی از مهم ترین مراکز و نمادهای اسلام تبدیل شد؛ به گونه ای که موجودیت حکومت اسلامی نیز با آن شناخته می شد. به همین علت، در سراسر سرزمین های فتح شده، به محض استقرار حکومت اسلامی، خلفای اسلامی مسجدی می ساختند و آن را پایگاه اجتماع مسلمانان قرار می دادند.

مسجد، پایگاه وحدت امت اسلامی و محل تقرب به درگاه الهی است و جایگاهی ویژه نزد مسلمانان دارد. مسجد، مهم ترین پایگاه برای شکل گیری انقلاب اسلامی در ایران بوده است و نقشی اساسی در پیروزی و شکل گیری انقلاب اسلامی داشته است. مسجد می تواند بهترین پایگاه برای وحدت و هماهنگی مسلمانان، مبارزه با هوای نفس و مبارزه با استکبار و استبداد باشد. این فضای فرهنگی، پایگاه عبادت است و می تواند بهترین نقش را در از بین بردن مسائل ضد فرهنگی ایفا کند.

مسجد، مکانی است که مسلمانان را متحد می کند و می توان موضوعات مختلف، به ویژه مشکلات مردم را در آن مطرح و حل کرد.

مسجد، محلی است که انسان را از گناه و معصیت باز می دارد و او را به خداوند نزدیک تر می کند.

شاخصه های خانواده اهل مسجد

۱. محبت و صمیمیت

خانواده اهل مسجد، خانواده ای سرشار از محبت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی اسوه و الگویی برای سایر خانواده ها است. کودک می خواهد پدر و مادر بیش از حد او را دوست بدارند و به او اظهار علاقه کنند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده اش در کاخ زندگی می کند یا در کوخ،

یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه؛ اما به این موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش دارند یا نه. این احساس درونی را چیزی جز محبت و نوازش خانواده ارضا نمی‌کند.

اخلاق و شخصیت آینده فرزندان در همین اظهار محبت‌ها شکل می‌گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش‌های مخلصانه پدر اهل مسجد است که روح بشر دوستی و علاقه به ممنوع را در فرزند می‌دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌کند؛ همچنین او را از گوشه‌گیری و انزوا نجات می‌دهد. به واسطه محبت خانواده اهل مسجد است که فرزند احساس شخصیت می‌کند و خود را لایق دوستی می‌داند.

همین استعداد عاطفی در انسان، همراه با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می‌شود. این فضایل که در مسجد پایه‌ریزی و نهادینه می‌شود، همه کمالات را شامل می‌شود؛ از قبیل محبت، دوستی، فداکاری، گذشت، بخشش، همکاری، دلسوزی و به طور کلی تقدّم غیر بر خود. در همه این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواه بودنش از دایره تنگ «خود» قدم فراتر می‌گذارد و گامی به سوی غیر برمی‌دارد. انسان با مقدّم داشتن دیگری بر خود و در دل گرفتن مهر و علاقه او، از فردیت خویش خارج می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «أَلَا وَإِنَّ وَدَّ الْمُؤْمِنِ، مِنْ أَعْظَمِ سَبَبِ الْإِيمَانِ؛ آگاه باشید که مودّت و دوستی مؤمن از بزرگ‌ترین عوامل ایمان است».^۱ همچنین در جایی دیگر فرموده‌اند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا؛ سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید، مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید، مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید».^۲

۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس

روانشناسان می‌گویند تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند؛ همچنین او را بزرگوار و با شخصیت بار بیاورد. خانواده‌هایی که به فرزندان احترام نمی‌گذارند، آنها را کوچک می‌کنند و شخصیت‌شان را خرد می‌کنند، به طور طبیعی آنها را فرزندان ترسو و بی‌شخصیت بار می‌آورند که خود را زبون و بی‌ارزش می‌پندارند. هنگامی که این فرزندان بزرگ شوند، خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند. چنین افرادی در اجتماع، منشأ هیچ اثری واقع نخواهند شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهند رفت. اما اگر فردی در خانواده اهل مسجد رشد کند، خودش را بزرگ و باشخصیت می‌بیند؛ بنابراین به کارهای پست تن نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی‌رود. برای پرورش

۱. بحار الانوار، ۷۴/ ۲۸۱.

۲. کنز العمال ۳/ ۴۶۷؛ آداب تعلیم و تعلیم در اسلام، شهید ثانی، صفحه ۴۵۸.

شخصیت انسانی کودک باید صفات خوب او را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران توصیف و از او تعریف کرد و بزرگی نفس را به او تلقین کرد که بهترین شیوه آن در خانواده‌های مسجدی و اهل نماز دیده می‌شود.

همچنین، خانواده اهل مسجد کودک خود را دوست دارد؛ زیرا محبت داشتن اساس عزت است. از سویی، اعتماد به نفس، انسان را در شناخت و انتخاب هدف عالی رهنمون می‌کند. برای توفیق در کارها هیچ چیز به اندازه اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر نیست. اگر از اجرای کاری بترسید و فکر کنید که قادر نیستید آن را انجام دهید، امکان ندارد آن کار را به نحو مطلوب انجام دهید. ترس، نیروی محرکه ماشین را، که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد، از کار می‌اندازد و نقش ترمز را ایفا می‌کند. در مقابل، اعتماد و ایمان به توانستن و خواستن، شتاب چنین ماشینی را افزایش می‌دهد و بر کارایی آن می‌افزاید.

۳. تربیت دینی

در خانواده اهل مسجد، اساس تربیت مَّتکی بر «تربیت دینی» است. خانواده خداپرست از آنجا که جهان مادی را با همه نعمت‌ها و موهبت‌هایش همواره در حدّ «وسیله» می‌نگرد و سعادت و نیک‌بختی خویش را هرگز در گرو عوامل مادی نمی‌داند، نه تنها نامالایمات و ناکامی‌ها روحیه‌اش را تضعیف نمی‌کند، بلکه همین مشکلات و نامالایمات در حکم وسیله‌ای هستند که مانع آرامش روحی آنان می‌شود و جلوی هرگونه سستی حاصل از خو گرفتن به زندگی بی‌دغدغه را می‌گیرد.

جهان سرد ماشینی و بی‌روحي که در بینش مادی وجود دارد، برای خانواده با ایمان به جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا تبدیل می‌شود که به زندگی روح، معنی و هدف می‌بخشد. در سایه تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعه جهان و به خصوص زندگی انسان، که از علم و حکمت مطلق خداوند سرچشمه گرفته است، تقدّس می‌یابد و ارزشمند می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هر جا ایمان واقعی تجلّی پیدا کند، عالی‌ترین جلوه‌های انسانی را با خود به همراه می‌آورد. «ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می‌بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی» و «تنهایی و غربت» رها می‌کند، بلکه به زندگی روح و صفا می‌بخشد و شوق و حرکت می‌آفریند.

۴. خلاقیت

خلاقیت و ابتکار عمل، ثمره شایسته خانواده‌های اهل مسجد و عبادت است؛ زیرا در چنین خانواده‌ای بستر رشد همه استعدادها فراهم است. لازمه خلاقیت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نو است. به

طور کلی، ویژگی‌های تفکر خلاق را، که در خانواده اهل مسجد بروز می‌کند، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. جرئت و شهادت اظهار نظر؛ ۲. حقیقت‌جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛ ۳. اجتناب از سطحی‌نگری؛ ۴. نگاهی غیر مرسوم به اشیا و پدیده‌ها؛ ۵. داشتن انگیزه و دانش وسیع؛ ۶. داشتن طرز تکفر انتقادی؛ ۷. داشتن پشتکار و انضباط؛ ۸. افق‌های دید وسیع؛ ۹. تلاش اجتهادی.

۵. نظم، انضباط و وقت‌شناسی

از جمله شاخص‌های مهم اعضای خانواده اهل مسجد و نماز، رعایت نظم، انضباط و وقت‌شناسی است. همچنان که انضباط و وقت‌شناسی از ارکان زندگانی نمازگزار است. هر یک از افراد خانواده مسجدی باید برای رعایت حال دیگر اعضا، کارهای خود را منظم کنند و در وقت مخصوص انجام دهند. در خانواده‌ای که نظم حاکم است، آرامش و صفا و صمیمیت برقرار است و همه افراد بدون نگرانی، ناراحتی و ایجاد مزاحمت برای دیگران کارهای خود را انجام می‌دهند.

حضرت علی (علیه السلام) به دو فرزند عزیزش، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) می‌فرمایند: «أَوْصِيكُمَا بِجَمْعٍ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي يَتَّقُوا اللَّهَ وَنُظْمَ أَمْرِكُمْ؛ شما و همه فرزندانم و خاندانم و هر کس را که نامه‌ام به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم».^۱

از جمله نکات مهم و برجسته در زندگی مردان بزرگ، نظم و وقت‌شناسی آنان است. درباره امام خمینی (ره) نوشته‌اند: امام در عین پرکاری و تلاش مداوم، بسیار منظم بودند. در واقع، یکی از اساسی‌ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم ایشان بود. اطرافیان امام زندگی ایشان را به صورت ساعت خودکار درک کرده بودند و از این‌رو دستور کار خود را از روی کار امام منظم می‌کردند.

۶. پاکی و طهارت جسم و جان

خانواده‌های مؤمن، نمازگزار و مسجدی، سلامت جسمانی و روانی دارند؛ زیرا آلودگی هر یک از این دو، انسان را از تعادل خارج می‌کند و او را در مسیری ناشایست قرار می‌دهد. در اسلام، نظافت و طهارت به اندازه‌ای اهمیت دارد که یکی از هدف‌های دین و جزئی از ایمان شمرده شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که پاکیزگی جزو ایمان است.^۲ امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «كَانَ الْبُيُوتِ يَنْفِي الْفَقْرَ؛ جارو کردن اتاق‌ها فقر را از بین می‌برد».^۳

۱. نهج البلاغه، ص ۴۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۶۲، کتاب طب النبی (صلی الله علیه و آله)، باب ۸۹، ص ۲۹۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۱، ح ۲.

همچنین، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: هُوْمِنَ السُّنَّةِ، وَمَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصَرِ، وَيَرْضَى الرَّحْمَنُ، يُمَيِّضُ السَّنَانَ، يَذْهَبُ بِالْحَفَرِ، وَيَشُدُّ اللَّيْثَةَ، وَيُسَهِّي الطَّعَامَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْعِ، وَيَزِيدُ فِي الْحِفْظِ، وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَتَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ؛ در مسواک زدن دوازده فایده وجود دارد: ۱. از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ ۲. دهان را پاکیزه می کند؛ ۳. نور چشم را زیاد می کند؛ ۴. باعث خشنودی خداوند است؛ ۵. دندان ها را سفید می کند؛ ۶. پوسیدگی آنها را از بین می برد؛ ۷. لثه را محکم می سازد؛ ۸. اشتها آور است؛ ۹. بلغم را می برد؛ ۱۰. حافظه را زیاد می کند؛ ۱۱. حسنات دو چندان می شوند؛ ۱۲. فرشتگان شاد می گردند»^۱.

خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) که الگویی برای همه خانواده های اهل مسجد است، با همه سادگی همیشه پاکیزه بود. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می فرمودند: محوطه جلوی خانه خود را جارو بزنید و تمیز کنید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَا تَبْتَئُوا الْقِمَامَةَ فِي بَيْتِكُمْ فَاتَّهَا مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ؛ نگذارید خاکروبه و آشغال، شب در خانه شما بماند، زیرا آنجا جایگاه شیطان است»^۲.

همچنین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «إِكْنِسُوا أَفْنِيتَكُمْ وَلَا تَسْجُوهَا بِالْهَيْدُ؛ فضای مقابل خانه خود را، جارو بزنید و تمیز کنید و مانند یهودیان کثیف نباشید»^۳.

آن بزرگوار مردم را از نشسته رها کردن ظرف های غذا و همچنین بدون سرپوش گذاشتن ظرف آب و غذا نهی می کردند. رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) دستور داده بودند آب ها را مطلقاً آلوده نکنند و موقع شست و شوی بدن، داخل نهرها نشوند. پس، اگر بخواهیم الگویی برای خانواده اهل مسجد و نماز ارائه دهیم، از جمله آنها پیروی از کلام خداوند و دستورهای پیشوایان دین است درباره پاکیزگی جسم و جان. به دیگر سخن، سلامت جسم و جان، آغاز تکامل اعضای خانواده اهل مسجد است.

۴. عدالت

خانواده اهل مسجد، عدالت را در همه مراحل زندگی و امور رعایت می کند؛ زیرا خانواده فاقد عدالت، از حالت تعادل خارج می شود و نمی تواند پرورش دهنده انسان های بزرگ در آینده باشد. سعادت مندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛ زیرا در فرزندان تمایلات و استعداد های

۱. خصال صدوق، ص ۴۸۱.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۹۰.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۴۵.

گوناگون و حتی متناقضی وجود دارد و اگر پدر و مادر عدالت و مساوات را رعایت نکنند و فرزندی یا عضوی را بر دیگری ترجیح دهند، قطعاً دشواری‌هایی ایجاد می‌شود و چه بسا آرامش خانواده در خطر می‌افتد. گاهی سرچشمه کینه‌توزی‌ها و بدبینی‌ها را باید در همین جا پیدا کرد. بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها سه خطر را متوجه خانواده‌ها می‌کند:

۱. فرزند به خواهران و برادران محبوب‌تر از خود بدبین می‌شود و کینه به دل می‌گیرد؛
۲. در برابر والدین احساس خشم و کینه می‌کند؛
۳. بی‌اعتنایی و تبعیض شخصیت، طفل را ضعیف می‌کند و موجب می‌شود تا وی در همه مراحل زندگی احساس حقارت کند.

در خانواده نماز گزار و اهل مسجد، والدین در توزیع توجه، محبت و نگاه به فرزندان براساس آموزه‌های پیشوایان دین و با نهایت عدالت و انصاف رفتار می‌کنند. آنان به فرزندان خود مستقل از جنسیت، سن، زیبایی و هوش محبت می‌کنند و از مقایسه فرزندان خود که موجب ناراحتی و آزرده‌گی آنان می‌شود، پرهیز می‌کنند.

۸. مشورت

از جمله شاخصه‌های اعضای خانواده مسجدی، توجه به اصل مشورت و همفکری در اداره زندگی خانوادگی است. پدر و مادر و فرزند باید در سامان بخشیدن به امور زندگی و تنظیم برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از این امر مهم استفاده کنند. تحکم و زورگویی، امر و نهی‌های یک‌طرفه و رفتارهای تحقیرآمیز، صفا، صمیمیت، رفاقت و دوستی را از محیط خانه دور می‌کند.

پدران و مادرانی که در کمال صداقت، یکرنگی و احترام به شخصیت فرزندان‌شان با آنان در امور خانه مشورت می‌کنند، اسرار زندگی خود را با آنان در میان می‌گذارند، از راهنمایی‌های آنان استفاده می‌کنند و آمرانه با آنان سخن نمی‌گویند، باعث می‌شوند فرزندان نیز به آنان احترام بگذارند و با آنان مشورت کنند. در چنین خانواده‌های متعادل و مسجدی نوجوانان و جوانان احساس می‌کنند عضوی از خانواده هستند و به نظرات آنان توجه می‌شود. بنابراین، از بسیاری انحرافات ناشی از کمبودهای عاطفی و شخصیتی در امان‌اند. کمبودهایی، همچون احساس حقارت، کینه‌جویی، خسونت و گریز از خانه. مشورت‌های خانوادگی، رابطه اعضای خانواده را دوستانه می‌کند.

۹. دانشجویی و حقیقت‌طلبی

دانشجویی و طلب علم از شاخصه‌های مهم خانواده مسجدی است؛ زیرا دین اسلام علم را چراغ عقل،

زینت اغنیا، جمال فقرا و بهترین هدایت می‌داند و هیچ گنجی را نافع‌تر از علم نمی‌داند. پیامبر ﷺ فرمود: «الْعِلْمُ رَأْسُ الْحَيْرِ كَلْبِهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كَلْبُهُ؛ دانایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌هاست».^۱

والدین اهل مسجد، باید فرزندان خود را به علم و دانش تشویق کنند و فضایل، ارزش‌ها و مزایای علم و علما را به آنان تذکر دهند. آنان باید یادآور گردند که علما و دانشمندان، وارثان پیامبران‌اند و جایگاهی والا و درخشان دارند؛ جایگاهی که انبیا، شهدا و جانبازان راه خدا به آن غبطه می‌خورند.

خانواده‌ای که در مسجد رشد و تعالی یابد، می‌داند علم و آگاهی نخستین شرط موفقیت انسان و حتی پایه و اساس سعادت اوست. او می‌داند خوشی‌های دنیا و آخرت با علم به دست می‌آید؛ بنابراین همه تلاش خویش را در فراگیری دانش و حقیقت به کار می‌بندد. علم سبب رشد عقلانی انسان است و استعدادهای نهفته وجودی را به فضیلت می‌رساند. امام صادق (علیه السلام) در سخنی فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ؛ درس خواندن و مطالعه مستمر زیاد عقل را شکوفایی کند».^۲

حضرت علی (علیه السلام) نیز به کمیل فرمودند: «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَانْتِ حُتَّاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت، جز اینکه درباره آن شناخت لازم را داشته باشی».^۳

۱۰. آزادی اندیشه

در خانواده اهل نیایش و مسجد، امکان اندیشیدن برای همگان فراهم است؛ روحیه تحقیق و تتبع نتیجه آزادی اندیشه است. در چنین خانواده‌ای، حس کنجکاوی فرزندان تحریک می‌شود و در نتیجه میل به فکر کردن، مطالعه و تحقیق افزایش پیدا می‌کند و این خود مؤثرترین فعل تربیتی است؛ زیرا فرزندان به توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود واقف می‌شوند و به هر چیزی که در اطراف آنان می‌گذرد، با دقت و کنجکاوی می‌نگرند.

در چنین خانواده اهل مسجدی، قدرت اندیشیدن و مواجهه با اندیشه‌های دیگران بسیار تقویت می‌شود. تربیت، یعنی حرکت به سمت بهتر شدن، یعنی راضی و قانع نبودن به وضع موجود و اینکه انسان هنوز وظایف خود را به‌خوبی انجام نداده است. بنابراین، انسان با امید و اعتماد به آینده قدم‌هایی برای ادای مطلوب وظایف برمی‌دارد و لازمه این امر داشتن آزادی اندیشیدن است که زمینه و بستر آن در خانواده اهل مسجد وجود دارد. در ضمن، میان آزادی در اندیشیدن و امید به آینده رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵، ح ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. همان، ج ۷۴، ص ۲۶۷.

دارد. به هر میزان انسان‌ها قدرت اندیشیدن بیشتری داشته باشند، به آینده امیدوارتر می‌شوند و برعکس، ناامیدی در میان کسانی پرورش می‌یابد که فقط به یک قرائت و نوع اندیشیدن پایبند باشند و آنچه را خود می‌اندیشیده‌اند، مطلق بدانند.

۱۱. مقاومت در برابر سختی‌ها

خانواده اهل مسجد، به خوبی در برابر سختی‌ها مقاومت می‌کند؛ زیرا می‌داند مواجهه با سختی‌ها مربّی، مکمل، صیقل‌دهنده، جلابخش و کیمیاست. دانشمندان معتقدند بزرگ‌ترین دشمنی‌ای که می‌توان در حقّ کودکان کرد، این است که پدران و مادران ناآگاه از اصول تربیتی برای مهربانی کردن به فرزندان‌شان از این روش‌ها استفاده کنند: نوازش‌های بی‌حساب، مانع شدن از مواجهه با سختی، نازپرورده بار آوردن آنان و امثال اینها.

استاد شهید مطهری در کتاب «بیست گفتار» به نقل از ژان ژاک روسو در کتاب «امیل یا تربیت» می‌گوید: «اگر جسم در آسایش بیش از اندازه باشد، روح فاسد می‌شود. کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذّت شفقت را می‌شناسد و نه طراوت ترخّم را. چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب شایسته معاشرت نیست؛ زیرا مانند دیوی خواهد بود در میان آدمیان».^۱

۱۲. اعتدال

اساس خانواده متعادل و مسجدی، بر اعتدال بنا شده است؛ بنابراین، به افراط و تفریط کشیده نمی‌شود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند. امت میانه، یعنی امتی که همه برنامه‌هایش در حدّ اعتدال باشد و باید توجه داشت که راه و رسم اعتدال، کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْقَصْدِ فَإِنَّهُ أَعْوَنُ شَيْءٍ عَلَى حُسْنِ الْعَيْشِ؛ بر تو باد میانه‌روی؛ زیرا یاری‌کننده‌ترین چیز برای خوب زندگی کردن است».^۲ در حقیقت، سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است. روان‌شناسی تربیتی ثابت کرده است هرگاه انسان از مسیر اعتدال خارج شود، نقطه آغاز انحراف و گمراهی وی خواهد بود. پس خانواده اهل مسجد، آن خانواده شایسته‌ای است که اعتدال را در همه زمینه‌ها رعایت و اجرا کند. اعتدال، یکی از ارکان خانواده اهل مسجد است؛ برای مثال در خانواده اهل

۱. شهید مطهری، بیست گفتار، شاداندگرفتاری‌ها، ص ۱۸۳-۱۷۴.

۲. غررالحکم و دررالکلم، ش ۶۱۴۵.

مسجد، اسراف در مسائل اقتصادی، وجود ندارد و سختگیری بی حساب هم نیست.

۱۳. اقتصاد مناسب

اقتصاد مناسب و شایسته، ویژگی دیگر خانواده اهل مسجد است. پیشوایان معصوم (علیهم السلام) تدبیر اقتصادی را بخشی از دین و از نشانه‌های مؤمن بر شمرده‌اند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ ... مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ؛ از نشانه‌های مؤمن... تدبیر نیکو در معیشت (اقتصاد) است». ^۱ غفلت از مال یا سوء تدبیر در خصوص آن زاینده فقر، و فقر نیز زمینه‌ساز کفر است. تأمین آبرومندان و کریمانه معیشت خانواده، از ویژگی‌های مطلوب خانواده مسجدی و مؤمن است.

همچنین، لازمه داشتن اقتصاد مناسب، کار، تلاش و فعالیت است. کار و تلاش از عوامل خوش بختی و سعادت انسان، مایه نجات او از افسردگی، موجب شادی و نشاط روان و سبب رشد و سلامت اعضاست. بخشی از درگیری‌های برخی از خانواده‌ها، سستی‌ها و سردی‌ها در روابط و بی‌اعتنایی به حقوق و مقام همسر است. خانواده مسجدی به این مسائل وقوف کامل دارد و اقتصادی مناسب و شایسته دارد.

۱۴. ساده‌زیستی

با بررسی‌ای عاقلانه درباره زندگی‌های تجملاتی و تشریفاتی، به این نتیجه می‌رسیم: چنانچه زندگی‌مان با نظم و حساب و قناعتی صحیح همراه باشد، با پرهیز از چشم و هم‌چشمی و بی‌اعتنایی به حرف‌های بی‌ارزش افراد نادان، ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها از بین می‌روند و به آرامش واقعی می‌رسیم؛ زیرا آسایش واقعی در ساده‌زیستی نهفته است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَيَرْقُعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكُبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ؛ همانا پیامبر خدا - که درود خدا بر او باد - بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، و چون برده، ساده می‌نشست، و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد، و جامه خود را با دست خود می‌دوخت، و بر الاغ برهنه می‌نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می‌کرد».^۲

خانواده اهل عبادت و مسجد نیز با الگوبرداری از زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان دین، که کامل‌ترین نوع زندگانی را داشتند، ساده زیست هستند؛ زیرا تجربه ثابت کرده است اگر خانواده‌ها از مسیر ساده‌زیستی خارج شوند و به عرصه رقابت و چشم و هم‌چشمی وارد شوند، همه نیرو و توان آنان در این زمینه هدر می‌رود

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۶.

۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۳۰۱ و ۳۰۳ انتشارات پارسیان / چاپ ششم / تهران ۱۳۸۳.

و از تکامل حقیقی فاصله خواهند گرفت.

۱۵. تربیت عقلانی

تربیت عقلانی، یکی از شاخصه‌های ممتاز خانواده مسجدی است؛ زیرا در وجود انسان هیچ موهبتی به اندازه عقل و نیروی تفکر ارزش حیاتی و انسانی ندارد. اصولاً قوای خدادادی و موهبت‌ها هنگامی برای انسان سودمند هستند که تحت رهبری و اختیار کامل عقل باشند. همچنین، مواهب اکتسابی فقط از طریق به کارگیری قوای عقلانی و نیروی تفکر به دست می‌آیند. داشتن موهبت ایمان، معرفت، دانش و حتی موهبت‌های زودگذر مادی، در سایه تعقل و تفکر امکان پیدا می‌کند. همچنین، هر نوع تکامل و ترقی معنوی و مادی انسان مرهون به کارگیری این موهبت بزرگ و مقدس است. از پیامبر ﷺ نقل شده است: «خداوند به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است؛ زیرا خوابیدن عاقل از شب‌بیداری جاهل و نادان بهتر است و در منزل بودن عاقل از مسافرت جاهل (به سوی حج و جهاد) نیکوتر است و خداوند پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد، مگر زمانی که عقل او کامل شد و بر عقول همه امتش برتری یافت».^۱

۱۶. تصمیم‌گیری و قاطعیت

در خانواده‌ای که اعضای آن حضوری فعال در مسجد دارند، افرادی ظاهر می‌شوند که انسان‌هایی با اراده و جدی هستند و همیشه هنگام انجام دادن کارها اراده را حاکم می‌کنند، نه عادت را. اراده استوار و تصمیم قاطع است که می‌تواند در لحظات حساس زندگی، دودلی و سستی را از بین ببرد و انسان را از پیچ و خم مشکلات عبور دهد و در مخاطرات یاری کند.

با مطالعه تاریخ درخشان زندگانی کاشفان، مخترعان، سیاست‌مداران و متفکران بزرگ، به این حقیقت می‌رسیم که همه پییشرفت‌ها و موفقیت‌های آنان، مرهون اراده قوی، عزم راسخ و پشتکار فوق‌العاده بوده است. آنان، و وقتی برای رسیدن به هدفی تصمیم می‌گرفتند، هیچ مانعی نمی‌توانست آنان را از تصمیم‌شان منصرف کند و تردید و تزلزل را جانشین آن سازد. حضرت علی (علیه السلام) نمونه کامل قاطعیت و استواری در تصمیم‌گیری و تسلیم‌ناپذیری است. ایشان در سخن پر ارجی، که نشان‌دهنده همت بلندشان است، فرموده‌اند: «وَاللَّهِ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا؛ سوگند به خدا اگر تمام عرب به جنگ با من برخیزند، هرگز در صحنه نبرد پشت به آنان نخواهم کرد».^۲ همچنین، هنگامی که پرچم را در جنگ جمل به دست فرزندش، محمد حنفیه، داد با این جملات به وی درس قاطعیت آموخت: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُولُ؛

۱. اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۴.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۱۸.

اگر کوه‌ها متزلزل شدند، تو تکان نخور».^۱

۱۷. اجتماعی بودن

خانواده‌ای که حضوری فعال در مساجد دارد، خانواده‌ای جدای از اجتماع و مردم نیست. نوع زندگی انسان و نیازهای او، همانند تهیه آب، غذا، مسکن، لباس، ابزارهای زندگی و ضرورت‌های آن در ابعاد گوناگون فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و امثال آن، انسان‌ها را به گردهمایی، تقسیم کار و تنظیم امور وادار می‌کند. انسان به لحاظ میل باطنی خویش با دیگران رابطه، معاشرت و همزیستی دارد. حتی اگر ترس از حیوانات، نیازهای متنوع یا عوامل دیگر وجود نداشت، باز هم انسان به زندگی اجتماعی تمایل داشت. براساس همین نکته است که انسان را مدنی بالطبع خوانده‌اند. در سخنان پیشوایان دین نیز به اجتماعی بودن انسان به صراحت اشاره شده است.

اسلام، خیر و سعادت خانواده متعادل را تأمین و تضمین می‌کند و دینی است که بسیاری از دستورهای آن در اجتماع تحقق‌پیدامی‌کند. حتی می‌توان گفت که مجموع برنامه‌های فردی آن نیز با اجتماع پیوند دارد و براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم شده است. نماز جمعه، نماز جماعت، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر و ده‌ها نمونه دیگر، براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم و مقرر گردیده‌اند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرموده است: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قِيدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ؛ هر کس به اندازه وجبی از اجتماع دوری‌گزیند، بند اسلام را از گردن خود درآورده است».^۲ بنابراین، خانواده پرورش‌یافته در مکتب مسجد، در هیچ موقعیتی خود را از جامعه جدا نمی‌داند؛ بلکه در جامعه فعالیت می‌کند و همه تلاش خود را برای ارشاد و بازسازی جامعه به کار می‌گیرد.

۱۸. هدفمند بودن

از دیگر شاخصه‌های ممتاز خانواده اهل مسجد، هدفمند بودن است. خانواده‌های هدف‌دار که شیوه رسیدن به هدفشان را در مکتب مسجد آموخته‌اند، نه تنها در زندگی شکست نمی‌خورند، بلکه احساس می‌کنند قدرت، اراده و اختیار فزون‌تری کسب کرده‌اند و سعی بیشتری در راه رسیدن به تکامل می‌کنند. روانشناسان معتقدند انسان در لحظه‌هایی رشد می‌کند که تصمیم می‌گیرد هدفی را دنبال کند و چنین افرادی در امور زندگی همواره موفق‌اند. البته باید بدانیم که در هر حرکتی چه می‌خواهیم، به کجا باید برویم

۱. همان، ص ۵۵.

۲. محمد یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۵.

لسلنا العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

و از چه ابزارهایی برای رسیدن به مقصد بهره ببریم تا بتوانیم بهترین راه را برگزینیم؛ زیرا تا مقصد بر ایمان مشخص نباشد، انتخاب راه و رسیدن به آن مقدور نخواهد بود.

افرادی که از محیط‌های کوچک، با امکانات کم و زمینه‌های نامساعد به موفقیت‌های شگفت‌انگیز دست یافته‌اند، این حقیقت را به خوبی ثابت کرده‌اند که انتخاب هدف و ایمان به آن می‌تواند ایشان را به اوج کمال برساند. بسیاری از جوانان می‌پندارند که توفیق و خوشبختی، هدف و کیمیایی است که خارج از وجود آنان است و اگر ستاره اقبال و شانس در آسمان زندگی کسی بدرخشد، او را به موفقیت و خوشبختی خواهد رساند. این گونه افراد باور ندارند که موفقیت، زاییده اندیشه و عمل خود انسان است. انسان با ایمان، توکل به خدا و تلاش و کوشش خویش می‌تواند آینده خود را بسازد. از این رو، موفق‌ترین افراد کسانی هستند که با تأسی به تعلیمات مکتب مسجد به عمق وجود خود پی می‌برند و عملاً عالی‌ترین بهره‌ها را از ذخایر وجودی خویش می‌برند. اصول ساده موفقیت و رسیدن به هدف عبارت است از:

شکست را فراموش کنید؛ ۲. خود را بشناسید؛ ۳. فکر کنید و بر تفکر خود مسلط باشید؛ ۴. تصمیم درست و منطقی اتخاذ کنید؛ ۵. به خودتان اعتماد کنید؛ ۶. به پیروزی ایمان بیاورید و بدانید خواستن توانستن است.

۱۹. تقسیم کار

در هر خانه، کارهای گوناگونی وجود دارد، مانند کسب درآمد، خرید نیازهای زندگی، پخت و پز، نظافت و بسیاری از مسائل دیگر. طبیعی است که انجام این امور به دست یک نفر بسیار طاقت‌فرسا است و شاید غیرممکن باشد؛ پس باید با تقسیم کار همه نیازهای خانواده را تأمین کرد. از این رو، هر یک از اعضای خانواده مسجدی باید متناسب با شأن و منزلت، ذوق و سلیقه و هنر و توان خود، باری از زندگی را بر دوش گیرند.

حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) پس از ازدواج، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند کارهای زندگی را بین آنان قسمت کند؛ آن چنان که هر یک وظیفه خود را بدانند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «کارهای داخل خانه با فاطمه زهرا (علیها السلام) و کارهای بیرون خانه با علی (علیه السلام) باشد. فاطمه زهرا (علیها السلام) بعدها فرمود: خدا می‌داند که این تقسیم مرا بسیار خرسند ساخت؛ زیرا از رنج وارد شدن در اجتماع مردان معاف شدم».^۱

۲۰. فداکاری

خانواده اهل مسجد، در صدد است با ایجاد روح جمعی و تبدیل «من» انسانی به ما شور، عشق، احساس

مسئولیت، دلسوزی، فداکاری، ایثار و صمیمیت را در کالبد اجتماع بشری و یکایک افراد آن بدمد و آنان را از انحصار طلبی، انزوا طلبی و گوشه گیری باز دارد؛ زیرا این امور مانع رشد و شکوفایی استعداد های انسانی می شود. تربیت شده مکتب مسجد، در هر مقام و موقعیتی که باشد، همواره مصالح جمعی را بر خواسته های شخصی خود مقدم می دارد؛ فداکار است؛ درد اجتماع را درد خود می داند؛ در غم و شادی دیگران شریک است؛ خود را در برابر سختی ها و مشکلات اجتماعی مسئول می داند و بی اعتنا نیست.

زندگی علی و فاطمه علیهما السلام، الگویی برای همگان

خانواده علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام الگوی خانواده ای اهل مسجد است. زندگانی این دوا سوه طبیعی، عادی، نشاط انگیز و روح پرور بود. این روح پروری به لحاظ صفا و سادگی زندگی آنان بود. آنها در خانه ای کوچک، گلی، ساده و بی پیرایه زندگی می کردند که فقط سایبانی برای جلوگیری از تابش خورشید داشت و سقفی برای جلوگیری از باران. در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی وارد منزل زهرا ی اطهر علیها السلام شد و دید دخترش روی زمین نشسته است، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته است و شیر می دهد و با دست دیگر با آسیاب دستی گندم آرد می کند. اشک در چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زد و فرمود: «دخترم تلخی ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز». در این حال، زهرا ی عزیز و بردبار، بدون آنکه سخنی از تلخی های زندگی بر زبان آرد، با نگاهی آسمانی به سختی های زمینی نگریسته می گوید: «ای رسول خدا! خدا را سپاس می گویم بر نعمت های او و می ستایم به خاطر الطاف بی کران او!». حضرت علی علیه السلام به جنگ می رفت و جهاد می کرد و حضرت فاطمه علیهما السلام شمشیر خونین ایشان را می شست. حضرت فاطمه علیهما السلام کانون خانواده را گرم می کرد و می دانست پیروزی حضرت علی علیه السلام در عرصه های گوناگون، تا حدود زیادی به اعتماد او به کانون خانواده مربوط است. حضرت علی علیه السلام از جبهه بر می گشت و حضرت فاطمه علیهما السلام با مهربانی همیشگی خود او را دلگرم و تقویت می کرد، زخم هایش را می بست و کوفتگی بدنش را می زدود. البته حضرت علی علیه السلام مردی قدر شناس بود؛ وقتی به خانه می آمد، حال حضرت فاطمه علیهما السلام را جویا می شد، از تن خسته اش سؤال می کرد و او را دل داری می داد؛ زیرا این دو، دلدار هم بودند. امام خمینی رحمه الله در مورد شخصیت حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «زهرا ی اطهر علیها السلام از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است». در بخش دیگر می گوید: «مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران به ویژه زنان بزرگوار» «روز مبارک زن» روز شرافت عنصر تابناک که زیر بنای فضیلت های انسانی و ارزش های

والای خلیفه الله در جهان است».^۱

باید توجه داشت که محیط خانواده پرورش یافته در مکتب مسجد، ضامن خوش بختی زن، ارج نهادن به ارزش‌های معنوی شوهر و اصالت دادن به آنها است. همه ما بارها دیده و شنیده‌ایم که اکثر اختلاف‌ها، تلخی‌ها، سردی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها، جدایی‌ها و دیگر مشکلات، به دلیل نبود ارزش‌های معنوی و فضایل انسانی در خانواده بوده است؛ و برعکس همه شادی‌ها، گرمی‌ها، گذشت‌ها، پیوندها و سایر عوامل سعادت خانواده، معلول وجود آن ارزش‌ها بوده است.

آنان که در ازدواج، اصالت و ارزش را به مادیات و امتیازات ظاهری و غیر معنوی داده‌اند، هرگز در سایه ثروت، رفاه و نعمت‌های بسیار، روی سعادت را ندیده‌اند و لذت زندگی بی‌دغدغه و آرام را نچشیده‌اند. برعکس، روشن ضمیران و بلندهمتانی که به دنبال مظاهر معنوی و ارزش‌های مکتبی، اخلاقی و انسانی بوده‌اند، با وجود فقر و مشکلات، زندگی عالی، لذت بخش و ارزشمندی پیدا کرده‌اند. این درسی است که حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) ما داده‌اند. در ادامه به نمونه‌هایی از رفتارها و سبک زندگی این دو بزرگوار اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمود: «به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه (علیها السلام)، تا هنگام مرگ او، هرگز کاری نکردم که فاطمه (علیها السلام) غضبناک شود و فاطمه (علیها السلام) هم هیچ‌گاه مرا خشمگین نکرد و از دستورهایم سرپیچی نکرد.»^۲ این نخستین درس به زوج‌ها در همه تاریخ خواهد بود.

۲. حضرت فاطمه (علیها السلام) در تولید کوشا بود و در مصرف حسابگر، زیاده‌روی نمی‌کرد و هرگز از حد متوسط جامعه قدمی فراتر نمی‌گذاشت و زندگی‌اش معمولاً پایین‌تر از حد متوسط افراد جامعه بود.

۳. حضرت زهرا (علیها السلام) مانند زنان دوران جاهلیت، آرایش و خودنمایی نمی‌کرد. ایشان خود را فقط برای شوهر خود می‌آراست.

۴. حضرت زهرا (علیها السلام) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمود: «یا ابا الحسن! إني لأستحي من إلهي أن أكلف نفسك ما لا تقدر عليه؛ ای ابا الحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم چیزی از تو درخواست کنم که در توان نیست».^۳ متأسفانه، بعضی‌ها فراموش کرده‌اند که توقع‌های زیاد، بی‌مورد و غیرمنطقی، نشاط روحی و روانی خانواده را از بین می‌برد.

۵. هنگامی که همه سنگینی زندگی بر دوش حضرت فاطمه (علیها السلام) بود، چون کوه در برابر همه سختی‌ها

۱. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۱۹۲، تاریخ ۱۳۶۱/۰۱/۲۵ پیام به مردم.

۲. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۳۶۳.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۹.

- می ایستاد؛ پس بر ماست که همچون او، راه ایستادگی در مقابل سختی‌ها را بر خود هموار سازیم.
۶. مهریه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در حد بسیار معمول و مختصر بود و زندگی سعادت‌مندی داشت.
۷. حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) در شب عروسی، هر دو به عبادت خدا مشغول بودند تا شکر گزار نعمت عظمای ازدواج باشند.
۸. فاطمه زهرا (علیها السلام) اصالت را به کارها و مسئولیت‌های خانه و خانواده می‌داد و معتقد بود آن لحظه‌ای که زن در خانه خود می‌ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد، به خدا نزدیک‌تر است.
۹. فاطمه زهرا (علیها السلام) وقتی با کودکان خود بازی می‌کرد، به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می‌پرداخت و مفاهیم ارزشمند انسانیت، شرف، احسان، نیکی و طرفداری از حق را در قالب اشعار ادیبانه به آنان می‌آموخت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این زمانه که انسان‌ها به بی‌هویتی، سردرگمی، اضطراب و پریشانی دچار شده‌اند، گرایش جوانان، نوجوانان و خانواده‌ها به مسجد می‌تواند راهنما و هادی نسل حاضر و آینده و روشن‌کننده باشد. خانواده، اولین مرکزی است که کودکان همه چیز را در آن یاد می‌گیرند، از همه سکنت و آداب والدین تأثیر می‌پذیرند و خودآگاه و ناخودآگاه، رفتار و خلق و خوی آنان را تقلید می‌کنند. مادر و پدر بدون اینکه تعهدی داشته باشند، سرمشق و الگوی کودکان می‌شوند. اگر مادر و پدر سعی کنند سرمشق نباشند، کودکان به سرمشق‌های دیگری روی خواهند آورد؛ زیرا این نیاز فطری است.

تحقیقاتی که درباره جامعه غرب، به خصوص آمریکا، به همّت محققانی چون پروفیسور کوهن انجام شده است، نشان می‌دهد که توسعه روزافزون جرم و بزهکاری نوجوانان در آمریکا، نتیجه تحوّل است که در خانواده‌هایشان پدید آمده است. موقعیت نیک و بد خانواده، نخستین و مهم‌ترین مدرّس و موفق‌ترین کارگاه انسان‌سازی است. بیشترین دانسته‌ها، تجارب، فرهنگ‌ها، اخلاق و اندیشه از راه خانواده به کودک سرایت می‌کند. خلاصه کلام اینکه گرایش خانواده‌ها به مسجد، راه حل بسیاری از معضلات و مشکلات فرا روی بشر است. خانواده اهل مسجد، خانواده‌ای متعادل و سالم در همه ابعاد و پرورش‌دهنده انسان‌هایی بزرگ است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آملدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم ودرر الکلم، ترجمه: محمد علی انصاری، ناشر مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ه. ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.
۳. ایریلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، دارالاضواء بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ه. ق.
۴. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات پارسیان، چاپ ششم، ۱۳۸۳ ه. ش.
۵. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ه. ق.
۶. شیخ صدوق، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۷. کلینی، حمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ه. ش.
۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه. ق.
۹. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، شذائذ گرفتاریها، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ ه. ش.
۱۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ ه. ش.

کودک و مسجد

سید حسن خاکپور

چکیده

مقاله حاضر به تبیین اهمیت حضور کودک در مسجد و نقش مسجد در تربیت وی می‌پردازد. نویسنده با استناد به آیات و روایات و کتاب‌های معتبر فقهی و روان‌شناسی به ضرورت حضور کودکان در مسجد و اثبات اعتباری نبودن عبادات کودکان که نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت آنان دارد، پرداخته است. این مقاله در سه فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول، با استناد به آیات و روایات و فقه اسلام و نظرات فقه‌های اسلامی، به ضرورت حضور کودکان در مسجد پرداخته شد. در فصل دوم، مبحث تربیت کودک در آموزه‌های اسلام مورد بررسی قرار گرفت. فصل سوم، به کودک و مسجد از دیدگاه روان‌شناسی پرداخته است. نویسنده در این فصل ضمن تشریح ویژگی‌های دوره کودکی، به جایگاه و اهمیت مساجد، به‌ویژه از نگاه کودکان و نوجوانان، نقش مساجد در پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان پردازش قرار داده و در ادامه به موانع جذب کودکان به مساجد اشاره کرده و جاذبه‌های مساجد از نگاه کودکان را بیان کرده است.

واژگان کلیدی:

کودک، مسجد، فقه اسلام، فقه‌های اسلامی، خانواده، مفهوم تربیت، مراحل تربیت، ویژگی‌های روان‌شناسی کودک، امنیت کودک، نقش الگو.

مقدمه

کودکی، دوره سرشار از عطوفت و نشاط و لبریز از شادی هاست، در این دوره ما شاهد احساسات پاک و بی‌آلایش کودکان هستیم. کودکان، امانت‌های الهی در نزد ما بزرگسالان به حساب می‌آیند و غنچه‌های باطراوت بوستان زندگی‌اند.

ظرافت، شکنندگی و انعطاف‌پذیری شخصیت کودک، پیچیدگی و حساسیت تربیت آنان را آشکار می‌کند. در تربیت کودکان، اول باید روان‌شناسی خاص آنان را شناخت و سپس، با احتیاط و ظرافت هر چه تمام‌تر در جهت رشد و شکوفایی شخصیت آنان قدم برداشت. یکی از ابعاد بسیار مهم تربیت کودکان، تربیت مذهبی آنان است. در این دوره، کودک در مرحله احساسات و تفکر عینی قرار دارد و به همین جهت در تربیت مذهبی وی نیز باید از راه برانگیختن احساسات دینی عمل نمود و شناخت‌ها و تفکرات دینی را به مراحل بالاتر احاله داد.

از طرفی باید به خاطر داشت که مساجد و اماکن مذهبی به عنوان پایگاه‌های اجتماعی دین، نقش بسیار مؤثری را می‌توانند در تربیت دینی، در شکوفایی احساسات دینی و نیز در جلب هر چه بیشتر کودکان به دین ایفا نمایند. این موضوع، بیشتر به خاطر آن است که در مساجد، کودک در کنار بزرگسالان و سایر همسالان خود در جوی صمیمی می‌توانند در بستر مراسم و مناسک مذهبی، رشدی معقول و متعادل داشته باشند و از همین مکان‌ها شاهد شیرین مذهب را بچشند.

در این مقاله به استفاده از آیات و روایات شریف و احکام حیات‌بخش شریعت اسلام ثابت می‌کنیم که حضور کودکان در اماکن مذهبی، مانند مسجد امری ضروری است؛ زیرا در پرتو این حضور است که به نگرش‌های دینی والاتری دست خواهند یافت. بر این اساس، عبادات کودکان نه تنها بی‌اعتبار نیست، بلکه نقش مهمی در تشکیل یافتن شخصیت آنها دارد و دین مقدس اسلام دستور بر ایجاد بستر مناسب برای رساندن کودکان به آن مرحله رشد را می‌دهد. در ادامه به لزوم تربیت کودک در اسلام و نقش مساجد در پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان، موانع جذب کودکان به مساجد، و جاذبه‌های مساجد از نگاه کودکان می‌پردازیم.

فصل اول: کودک و مسجد در آموزه‌های دینی

۱-۱- آیات

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ای فرزندان

آدم! هنگام نماز و در هر مسجدی، آرایش و زینت مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان همراه خود بگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد»^۱.
 «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزندان، آرایش و زیور زندگی دنیا هستند؛ ولی اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ امید داشتن به آنها نیکوتر است»^۲.

با تأمل در این آیات به نکته قابل توجهی پی می‌بریم و آن اینکه در آیه اول خداوند تبارک و تعالی به همراه داشتن زینت در موقع رفتن به مسجد دستور می‌دهد و در آیه دیگر این زینت‌ها را معرفی کرده و می‌فرماید که مال و اولاد زینت دنیوی شماست؛ پس کسانی که به مسجد می‌روند مال و اولاد خودشان را به همراه ببرند و این نتیجه مهم این دو آیه است.

۲-۱- روایات

قال رسول الله ﷺ: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم؛ از مساجدتان دیوانگان و کودکان خود را دور نگه دارید...»^۳.

در مقابل این حدیث، در منابع و مآخذ دینی شاهد هستیم که پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب کودکان خود را به مسجد می‌آوردند. نه تنها کودکان سه ساله، بلکه زنان اصحاب، با بچه‌های شیرخواره خود در نمازهای جماعت حاضر می‌شده‌اند.

با مطالعه در منابع اصیل روایی و سیره نورانی پیامبر رحمت ﷺ به روشنی درمی‌یابیم که آن حضرت حتی در یک مورد بر آنان یا بر والدین آنها نهیب نزد و یا نسبت به آوردن کودکانشان به مسجد اعتراض نفرمودند، بلکه برعکس، عکس‌العمل‌هایی که حاکی از تشویق و رضایت است از جانب آن حضرت مشاهده می‌شود. به روایات زیر توجه فرمایید:

ابن عمر درباره پیامبر ﷺ چنین می‌گوید: «رایت رسول الله ﷺ علی المنبر یخطب الناس، فخرج الحسن فعثر، فسقط علی وجهه، فنزل علی المنبر یرید اخذه، فاخذہ الناس فاتوا به، قال قاتل الله الشیطان، إن الولد فتنه والله ما علمت انی نزلت من المنبر حتی اتیت به؛ از ابن عمر روایت شده که می‌گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که در منبر برای مردم سخنرانی می‌فرمود. ناگهان حسن (علیه السلام) در خروج از مسجد پایش لغزید و به

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. کهف، آیه ۴۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۰.

زمین افتاد؛ حضرت سراسیمه از منبر پایین آمد؛ مردم او را گرفته به حضرت دادند. فرمود: خدا شیطان را بکشد؛ در واقع فرزند موجب آزمایش است. به خدا قسم هیچ متوجه پایین آمدن از منبر نشدم تا این که او را به من رساندند»^۱.

چه بسا که پیامبر ﷺ در حال سجده بود و حسن (علیه السلام) می آمد و بر پشتش می نشست و پیامبر به همان حال می ماند و سجده را طول می داد.^۲

شبی پیامبر نماز عشاء می گزارد و سجده ای بسیار طولانی به جا آورد. پس از پایان نماز علت را از حضرتش پرسیدند؛ فرمود: پسر من حسن، بر پشتم سوار بود و ناراحت بودم که پیاده اش کنم.^۳ حتی ابی قتاده انصاری روایتی نقل کرده که بیانگر نهایت توجه پیامبر ﷺ به کودکان در اثنای نماز است؛ گرچه شاید برای ما غیر منتظره بنماید و در صورت صحت روایت آن را مغایر با اصل حضور قلب در نماز تلقی کنیم. او چنین می گوید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي وَهُوَ حَامِلٌ امْرَأَةً مِنْ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ...، فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا؛ هَمَانَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْحَالِ أَنْ يَكُونَ نَازِلًا مِنْهَا أَوْ يَكُونَ نَازِلًا مِنْهَا...»^۴

همچنین، دو روایت دیگر که بر حضور شیر خوار و خردسال در مسجد دلالت می کند، جالب توجه است. صاحب «مستدرک الوسائل» از کتاب «عدة الداعي» چنین نقل می کند: «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالنَّاسِ يَوْمًا فَخَفَّفَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْآخِرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! رَأَيْنَاكَ خَفَّفْتَ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ أَمْرًا؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالُوا: خَفَّفْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْآخِرَتَيْنِ. فَقَالَ: أَوْ مَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ... خَشِيتُ أَنْ يَسْتَغْلَ بِهٖ خَاطِرُ أَبِيهِ؛ رَوَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَنَّ مَرَدَمَ نَمَازٍ مِی گَزَارَدَ کِه دُور رُکْعَتِ آخِر را سَبِک تر کرد. پس از اتمام نماز مردم گفتند: یا رسول الله، متوجه سبک کردن نماز شدید؛ آیا اتفاقی در نماز روی داد؟ فرمود: چطور مگر؟ گفتند: دور رکعت آخر را سبک برگزار کردید. فرمود: آیا صدای گریه بچه را نشنیدید؟... در حدیث دیگری است که فرمود: ترسیدم فکر پدرش به آن مشغول گردد»^۵.

رسول خدا ﷺ در حدیثی دیگر می فرماید: «إِنِّي لَأَقُومُ فِي الصَّلَاةِ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَطُولَ فِيهَا فَأَسْمَعُ بُكَاءَ

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۹.

۲. زندگانی حسن بن علی (علیه السلام)، ج ۱، ص ۶۸.

۳. همان.

۴. اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۵۳؛ به نقل از عدة الداعي، ص ۸۹.

الصَّبِيَّ فَاتَّجَوَّزْ فِي صَلَاتِي كَرَاهِيَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمِّهِ؛ مَنْ بِهِ نَمَازٌ مِیْ اِیْسْتَمِ وَ مِیْ خَوَاهِمِ تَا آن رَا طَوَلَانِی سَازَم.

پس بانگ گریه کودکی را می شنوم و چون خوش نمی دارم که بر مادر او سخت گیری کنم، نماز را سبک بر گزار می کنم.^۱

همچنین، حدیث دیگری است که ضمن دلالت بر حضور کودکان در مساجد، چگونگی شرکت آنان را در صفوف جماعت را نیز ترسیم می‌کند.

«سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَّانِ إِذَا صَفَّوْا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ؛ قَالَ: لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ؛ جَابِرٌ نَقَلَ

می‌کند که از امام باقر علیه السلام درباره کودکانی که در نماز واجب حضور می‌یابند، پرسیدم؛ حضرت فرمود: آنان را در آخر صف‌های نماز جماعت باهم نگذارید، بلکه در بین بزرگسالان پراکنده سازید».^۲

۳-۱- جمع بندی احادیث متعارض

با توجه به احادیث و روایاتی که یادآور شدیم؛ اگر جمع‌بندی صحیحی به عمل نیاید، شاید این شبهه را ایجاد نماید که احادیث مشمول نوعی تناقض گویی شده‌اند؛ در حالی که به هیچ وجه چنین نیست، بلکه صدور احادیثی از قبیل «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم...»^۲ درباره کودکانی است که در نشست و برخاست خود و در شیطنت و شلوغ کاری بسان دیوانگان عمل می‌نمایند و در صورت حضور در مسجد، موجب آلودگی و ناپاکی و یا ایجاد بی‌نظمی غیر متعارف در مسجد می‌شوند. البته این احتمال نیز وجود دارد که در جامعه آن روز، با توجه به شرایط و عدم امکاناتی از قبیل پوشاک مناسب کودک، حضور کودکان چه بسا موجب آلودگی مسجد و حاضران در مسجد می‌گردید که تطهیر آن هم با مشکلاتی همراه بود.

۴-۱- حضور کودک در مسجد از منظر فقه‌های اسلامی

با توجّه به احکام الهی می‌بینیم که خداوند برای اعمالی که کودکان انجام می‌دهند، احترام قائل شده و عبادات آنها را باطل و بی‌ارزش نمی‌داند به جز در مورد احکام بیع که بیع کودکان را بی اعتبار دانسته و صحّتی بر آن نمی‌داند، ولی در جاهای دیگر چنین نیست و این دلیل بر ارزش عبادی بودن عبادت‌های کودکان و حتّی فراتر از آن دستور به همراهی با آنها را می‌دهد، از آن جمله عبارت‌اند از:

۱. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۱۷؛ مختصر صحيح البخارى، ص ۱۰۸؛ پیامبر رحمت، ص ۲۳.

۲. اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۳، ح ۳، ص ۴۰۹.

٣. مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٢٣٠.

کودکان و عمره و حج

کودکان دو دسته‌اند: کودکان ممیز، کودکان غیر ممیز. در ادامه به توضیح هر کدام اشاره می‌شود:

الف) «مميز»

ممیز کودکی است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد و خودش می‌تواند اعمال را به طور صحیح انجام دهد. کودک ممیز خودش محرم می‌شود و اعمال را به‌جا می‌آورد و در مواردی که خودش نتواند انجام دهد، سرپرست وی (مثل پدر) او را در انجام اعمال یاری می‌دهد.

ب) «غیر ممیز»

غیر ممیز کودکی است که به آن حدّ نرسیده است؛ یعنی خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد و خودش نمی‌تواند اعمال را به طور صحیح به‌جا آورد.

کیفیت اعمال کودک غیر ممیز

احرام: سرپرست وی لباس احرام بر او می‌پوشاند و از طرف او نیت احرام می‌کند.
تلبیه: اگر می‌تواند لَبَّیک‌ها را به طور صحیح پاسخ دهد، برایش می‌گوید تا او هم بگوید، و گرنه، خودش از طرف او «لَبَّیک‌ها» را می‌گوید.
طواف: باید او را طواف دهد، اگر کودک بتواند، باید خودش راه برود، و گرنه او را حمل کرده و طواف می‌دهند و

کودکان و اعتکاف

«اعتکاف از ماده «عکف» در لغت به معنای اقبال و روی آوردن به چیزی و ملازمت آن بر سبیل تعظیم است. اعتکاف در شرع، التزام به توقف و درنگ در مسجد به قصد غربت است»^۱.
در یک تعریف جامع اعتکاف عبارت است از: «اقامت کردن برای حداقل سه روز در مسجد به قصد عبادت و یا مراعات شرایط لازم»^۲.

مرحوم آیت الله سیّد محمد کاظم یزدی در تعریف اعتکاف می‌فرماید: «هو اللبث فی المسجد بقصد العبادة، بل لا یبعد کفایة قصد التّعبّد بنفس اللبث وإن لم یضمّ إلیه قصد عبادة اخرى؛ اعتکاف، درنگ کردن در مسجد به منظور عبادت است؛ بلکه بعید نیست که درنگ به قصد تعبّد و بندگی بدون قصد عبادتی

۱. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، ماده عکف.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۳۵۵.

دیگر نیز کافی است»^۱.

در عروه سید چنین آمده است: اعتکاف صبی ممیز صحیح است و بلوغ، شرط نیست. در مورد مسئله «حضور کودک در مسجد» بعضی از علما بدون این که به فکر جمع بین روایات باشند، فتواء بر حرمت داده‌اند. چنان که برخی از علما و اهل سنت از حدیث: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم»^۲ حکم عدم جواز ورود کودک را به مسجد استنباط کرده و بدان فتوی داده‌اند. قابُسی از مالک نقل می‌کند: اگر کودک در سنین بازی و شیطنت است، من ورود او را به مسجد جایز نمی‌دانم.^۳ البته، بعضی از علما شیعه سعی در رفع مشکل نموده‌اند.

طبق نظر فقیه بزرگوار شهید ثانی رحمته الله: «مراد کودکانی است که به طهارت آنان اعتمادی نیست یا این که خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند؛ اما کودک ممیزی که طهارت او مورد وثوق است و خودش نیز بر نمازها مواظبت می‌نماید، کراهتی بر آن متوجه نیست، بلکه سزاوار است او را به آمدن مسجد تمرین داد؛ همچنان که لازم است برای نماز تمرین و عادت داده شود»^۴.

صاحب جواهر در توجیه و روایت ذکر شده، علاوه بر مطالب ذکر شده، چنین اضافه می‌کند: حضور کودکان در مسجد همراه با بازی‌های خاص آن دوران بوده و این با عظمت و کرامت مسجد منافات دارد و یا موجب اذیت نمازگزاران می‌شوند. از این رو، حکم به کراهت اولی است.

امام کاظم علیه السلام از پدران خویش، از رسول اعظم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: «جنبوا مساجدکم مجانینکم و صبیانکم و رفع أصواتکم إلا بذكر الله تعالى و بیعکم و شرائکم و جمروها فی کل سبعة أيام و ضَعُوا المطاهر علی أبوابها؛ مساجدتان را از دیوانگان، کودکان، دادزدن مگر، به یاد خدای متعال و خرید و فروش و اسلحه، دور نگه دارید و آن را هر هفته یک بار خوشبو سازید و تواله و دستشویی را در بیرون مساجد قرار دهید»^۵.

نکته شایان توجه اینکه اکنون با امکاناتی از قبیل پوشاک مناسب و حتی مهد کودک‌هایی که در بعضی مساجد به وجود آمده، این مشکلات را حل کرده و همچنین با کم شدن تعداد فرزندان، با درک شعور بالایی که بچه‌های امروزی دارند، اثری از آن مشکلات گذشته نیست؛ بنابراین، چرا باید با نبودن هیچ مشکلی فرزندانمان را از چنین بهره معنوی و مدرسه خداشناسی و جایگاه بذرافشانی، بذر محبت و انس با خدا در

۱. عروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲۳.

۴. الروضة البهیة، ج ۱، ص ۹۶.

۵. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۴۹، ج ۲.

دل‌های آنان، بی‌بهره سازیم.

حضور کودکان در اماکن مذهبی، مانند مسجد، به‌ویژه در نماز جماعت، به خصوص اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. آیت الله شهید مطهری، در یکی از گفتارهای خود در توضیح آیه شریف «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ ای پیامبر، خاندان خود را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش»^۱ می‌گوید: این اختصاص به پیامبر ندارد، همه ما به این امر موظف هستیم. بچه‌ها را از کودکی باید به نماز تمرین داد.... بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ زیرا حضور در جمع، مشوق انسان است؛ آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند؛ بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است.... باید با بچه‌های خودمان، برنامه مسجدرفتن داشته باشیم تا آنها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم؛ در این اوضاع و احوال امروز، چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت‌ساله شده‌اند به دبستان و بعد به دبیرستان و بعد به دانشگاه رفته‌اند، ولی به هیچ‌وجه پایشان به مساجد نرسیده است، بروند؟ خوب اینها به ناچار از مساجد فراری می‌شوند. حالا ممکن است بگویید، وضع مساجد خراب است، کثیف است یا به عنوان مثال یک روضه‌خوان می‌آید و حرف چنان و چنین می‌زند. آنها را هم وظیفه داریم که درست بکنیم، وظیفه که در یکجا تمام نمی‌شود؛ وضع مساجد خودمان را هم باید اصلاح بکنیم.^۲

یکی از نویسندگان بر این باور است که هر چه میزان شرکت کودک و فعالیت‌های او در [این] محیط‌ها بیشتر باشد، به نگرش‌های دینی و التری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه‌مندی کودک به این محیط‌های مقدس نیز با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط‌ها رابطه مستقیمی دارد.^۳

البته، برای موفقیت در این کار لازم است برای کودکان، در کنار عبادت و نماز برنامه‌های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند اهدای جوایز، کارت تشویق، پخش شیرینی و شکلات در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت فراهم می‌کند. از امام حسن (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول خدا ﷺ خواندم؛ همین که حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جایتان بمانید و آنگاه برای تقسیم ظرف حلوائی در میان نمازگزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری

۱. طه، آیه ۱۳۲.

۲. گفتارهای معنوی، ص ۹۴.

۳. آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۱۲۲.

حلوای خوراندند تا اینکه به من رسیدند؛ من کودک بودم، آن حضرت قدری حلوای به من خوراندند؛ سپس فرمودند: باز هم بدهم؟ عرض کردم آری، آن حضرت به خاطر خردسال بودنم باز هم مقداری به من خورانیدند و بدین حال بودند تا آنکه به همگان حلوای خوراندند.^۱

دکتر شرفی نقل می‌کند: در وقف‌نامه یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می‌زیسته، آمده است که فرمود آنچه از من به جا مانده آن را گردو بخرید و در مسجد نگه‌داری نمایید تا آنگاه که کودکانی همراه با والدینشان به مسجد می‌آیند، به آنها هدیه دهید، تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منبر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند.^۲

گاهی متأسفانه رفتار و برخوردهای دور از انتظار مؤمنان نسبت به کودکانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب سرخوردگی و شاید انحراف کودک از مسیر دین و خواندن نماز شود. شخصی می‌گوید: در کودکی همیشه سعی می‌کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز، متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت: نمازت درست نیست و سپس، با سخنان نیش‌دار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هرگاه می‌خواستم از او بپرسم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی‌داد و پیوسته می‌گفت: نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام بود.^۳

این در حالی است که سیره معصومان (علیهم‌السلام) به‌طور کامل با این شیوه برخورد مخالف است. جابر بن عبدالله می‌گوید: از امام باقر (علیه‌السلام) در مورد حضور بچه‌ها در نماز جماعت پرسیدم. امام (علیه‌السلام) فرمودند: «بچه‌ها را در صف آخر در کنار هم قرار ندهید، بلکه آنان را در بین صف‌ها جدا جدا بنشانید (و با ایستادن بزرگ‌ترها در میانشان جدایی بیفکنید)».^۴

شاید یکی از علل‌های آن این باشد که کودکان احساس بی‌توجهی و بی‌احترامی نکنند و با این شیوه، هم احترام کودکان را حفظ کرده‌ایم و به آنان شخصیت داده‌ایم و هم انگیزه حضور آنان در مسجد و نماز جماعت بیشتر شده و در عین حال، به نماز جماعت نیز نظم خاصی بخشیده‌ایم. البته، مختصر بر گزار کردن نماز جماعت نیز از جمله سفارش‌های معصومان (علیهم‌السلام) است که در جذب و تشویق کودکان به نماز جماعت

۱. شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۵۹، نقل از: العیال، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲. مراحل رشد و تحول انسان، ص ۲۱۶.

۳. شیوه ترغیب و جذب به نماز، ص ۸۱.

۴. اصول کافی، ج ۳، ح ۳، ص ۴۰۹.

نقش اساسی دارد. بنابراین، چگونگی برخورد با کودکان و حتی نوجوانان و جوانان نیز باید توأم با محبت، احترام و تشویق باشد.

فصل دوم: تربیت کودک در اسلام

۱-۲- مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت، از نظر صرفی مصدر باب «تفعیل»، از فعل «رَبَّی» از فعل ثلاثی مجرد «ربا، یربو» است. لغوین در معانی این واژه‌ها چنین گفته‌اند: «اربی الشیء، جعله یربو» یعنی، شی را در شرایطی قرار داد که رشد و نمو کرد. «رَبَّی، تربیه و تربی الولد: غذا و جعله یربو»؛ یعنی به کودک غذا داد و او را رشد و نمو داد. این در مورد هر چیزی که رشد می‌کند، مانند کودک و زراعت و امثال آن صادق است.^۱ بنابراین، واژه «تربیت» در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن، یعنی به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه است.

تربیت، عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل، برای به فعلیت رساندن و شکوفانمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب. تربیت، در واقع هنر تغییر رفتار انسان است. تربیت، برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با تلاش و کوشش متربی نیز توأم باشد تا انسان به منتهای کمال نسبی خویش به میزان طاقت و توانایی نائل شود.

در قرآن کریم، مشتقات «تربیت» چند بار به کار رفته است از جمله:

الف) «وَوَرَّی الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ؛ زمین را خشک و بی حاصل می‌بینی؛ پس هنگامی که باران فرو می‌فرستیم، تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می‌شود».^۲
 ب) «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا؛ بگو خدایا! والدینم را مورد رحمت خود قرار ده، همان طور که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند».^۳ بعضی از محققین گویند: ربّ در جمله «ربیانی صغیرا» از ماده «ربو» است، نه از ماده «رب»؛ چون معنای تربیت، در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادی و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در اغلب موارد ملاحظه نشده است. البته تربیت یک مفهوم عامی دارد که جمیع مراتب حصول نشو و نما و زیادت را به هر کیفیتی که باشد، اعم از مادی و معنوی شامل می‌شود.^۴

۱. لسان العرب، باب راء، ماده «ربو».

۲. حجّ، آیه ۵.

۳. اسراء، آیه ۲۴.

۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۳۶.

علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان، پس از آن که برای واژه «رب» معانی مختلفی، چون مالک، صاحب، سیّد، مطاع، مصلح و تربیت کننده را برمی شمرد به توضیح این واژه می پردازد. بر اساس بیان علامه طبرسی می توان گفت که واژه رب از مصدر تربیت اشتقاق یافته است و چه به صورت مجرّد به کار برود و یا مضاعف، معنای یکسان دارد و به مفهوم سوق دادن چیزی به سمت کمال اشاره دارد. وقتی گفته می شود فلانی کار و ساخته خود را تربیت کرد، یعنی آن را رشد داد.^۱

بنابراین، واژه «تربیت»، با توجّه به ریشه آن به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. افزون بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای از بین بردن صفات ناپسند اخلاقی است. گویا در این استعمال نظر به آن بوده است که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می توان تهذیب را تربیت دانست.

به هر حال، «تربیت، پرورش دادن است؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروراندن. بنابراین، تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است».^۲ به تعبیر روشن تر، تربیت «برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با کوشش و سعی متربی نیز توأم باشد تا به منتهای کمال نسبی خود - به میزان توانایی - نایل شود».^۳

۲-۲- اهداف تربیت

تربیت، همانند هر فعالیت ارادی انسان، هدفی را دنبال می کند. هدفداری تعلیم و تربیت از هدفداری نظام آفرینش و نوع جهان بینی و انسان شناسی و مبانی پذیرفته شده یک مکتب تربیتی جدا نیست. همچنان که عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز در نوع هدفداری تربیت تأثیر فراوان دارد. به طور کلی، انسان را دو گونه و با دو هدف می توان ساخت: یکی بر اساس آنچه آفریدگارش خواسته و با استعدادهای ویژه و هدف مشخص، یعنی خیر و مصلحت و سعادت واقعی او تجهیز کرده که تربیت دینی بیانگر آن است. دیگری بر اساس آنچه، اندیشه های بشری و راهنمایان فکری و سیاست گذاران اجتماعی اراده کرده اند؛ مانند جوامع صنعتی و مادی که انسان را در جهت منافع خود همانند ابزاری به خدمت می گیرند.

بدون شک، نظام تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان نظامی جامع و کامل، تمام ابعاد وجودی انسان را مورد توجّه قرار داده است. در فرآیند تعلیم و تربیت اسلامی جسم و روان، باید به یک میزان پرورش

۱- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۷۷.

۳- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۱۰.

یابند و هیچ یک نباید به بهای دیگری نادیده گرفته شود. بنابراین، نظام تعلیم و تربیت اسلامی با توجّه به این حقیقت، جسم و جان و حیاتِ مادّی و معنوی را هم‌زمان مورد توجّه قرار می‌دهد و به ما می‌آموزد که در پرورش جسم و جان با هدف الهی بکوشیم. از این رو، در نظام تربیت اسلامی هدف نهایی از تربیت، رسیدن فرزندان به مقام اطاعت و عبودیت الهی است، هدف نهایی، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم در آستان او باشد. امام علی (علیه السلام) در کلماتی گهربار پیش از تولّد فرزند، هدف نهایی از تربیت را به طور غیرمستقیم بیان نموده و به راستی آن حضرت در سفره تربیتی خویش بدین هدف تحقق بخشیده و فرزندان خود را با توجّه به آن، تربیت نموده‌اند. مرحوم ابن شهر آشوب به سند خود از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: «من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگار خواسته‌ام فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم، مایه چشم‌روشنی من باشند». بنابراین، هدف از تربیت، همان پاک تربیت کردن فرزند است؛ یعنی فرزند را به گونه‌ای تربیت کنیم تا بتواند فقط مطیع خدا باشد و به راه صحیح قدم گذاشته و باعث روشنی چشم پدر و مادرش در دنیا و آخرت گردد. اگر فرزند را صحیح تربیت کنیم، برای پدر و مادر نوعی باقیات الصالحات است و چراغ این باقیات هرگز خاموش نمی‌شود.

۳-۲- جایگاه فرزند در کانون خانواده

پی بردن به ارزش و اهمیت هر چیزی مستلزم شناخت حقیقت آن است؛ زیرا اگر انسان به ارزش واقعی چیزی پی نبرد برای حفظ و نگهداری آن اهتمام نمی‌ورزد. بدون تردید، بسیاری از پدران و مادران آن گونه که باید فرزندان خود را نشناخته، به امر پرورش و تربیت آنها همت نمی‌گمارند. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «الناس اعداء ما جهلوا؛ مردم دشمن ندانسته‌های خود هستند».^۱ پدران و مادرانی که اهمیت و جایگاه فرزندان خویش را نمی‌شناسند، نه تنها در تربیتشان سهل‌انگاری می‌کنند، بلکه آنان را دشمن خود تصوّر می‌کنند. بنابراین، ضروری می‌نماید که جایگاه و منزلت فرزندانمان را بشناسیم تا نسبت به وظایف خود، درباره آنان بی‌اعتنا نباشیم؛ بلکه گوهرشناس باشیم و به فرزندان، این گوهرهای نفیس زندگی، عشق بورزیم.^۲ قرآن کریم در برخی آیات از فرزندان با عنوان‌هایی همچون «نور چشم»^۳، «زینت بخش زندگی»^۴ و

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸.

۲. همان، ج ۷۸، ص ۱۴.

۳. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۱.

۴. فرقان، آیه ۷۴.

۵. کهف، آیه ۴۶.

«وسیله آزمایش بشر» یاد کرده است.

پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز هر کدام تعبیر بسیار زیبایی درباره فرزند بیان کرده‌اند. این تعبیر گویای این هستند که فرزند از منزلت و جایگاه بالایی برخوردار است که اگر والدین این حقیقت را دریابند، با آگاهی بیشتر در تربیت و آموزش فرزندان، این میوه‌های زندگی، اهتمام می‌ورزند. پیامبر ﷺ فرزند را گلی از گل‌های بهشت، «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ»^۱، جگر گوشه مؤمن و موجب شفاعت و آمرزش آنها می‌داند؛ «الْوَلَدُ كَبِدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ وَصَارَ شَفِيعًا لَهُ وَإِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَفْرِلُهُ فَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ»^۲.

آن حضرت در جای دیگر مهر ورزیدن به فرزندان را موجب دستیابی به درجات بهشت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ، فَإِنَّ لَكُمْ، بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَمَا يَنْ كُلِّ دَرَجَةٍ خَمْسَ مِائَةِ عَامٍ؛ فرزندان خود را ببوسید؛ زیرا برای هر بوسه‌ای که به فرزندان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است»^۳.

ابن عمر از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند: «مَنْ سَقَى وَلَدَهُ شَرْبَةَ مَاءٍ فِي صَعْرِهِ سَقَاهُ اللَّهُ سَبْعِينَ شَرْبَةً مِنْ مَاءِ الْكُوْثِرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس به فرزند خردسال خود جرعه‌ای آب بنوشاند، خداوند به پاداش آن در روز قیامت هفتاد جرعه از آب کوثر به او می‌نوشاند»^۴. در جایی دیگر، پیامبر ﷺ فرمود: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَلَدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ؛ نگاه کردن پدر و مادر به فرزند از روی مهر و محبت، عبادت است»^۵.

از مجموع آیات و روایات که به برخی از آنها اشاره شد، استفاده می‌شود که فرزند عطیه و موهبتی الهی و نعمتی است که خود منشأ نعمت‌های بی‌شمار دیگر است. وجود فرزند در خانه، فضای آن را از خیر و برکت و مهر و محبت لبریز می‌کند، رابطه معنوی و الهی والدین و فرزندان هر دو را از رحمت‌های واسعه ربوبی بهره‌مند می‌گرداند.^۶ با چنین نگرشی به فرزندان چگونه می‌توان نسبت به شخصیت و نیازهای آنها و تربیت و شکوفایی استعدادهایشان غفلت ورزید؟

۱- انفال، آیه ۲۸؛ تغابن، آیه ۱۵.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸۸؛ مستدرک الوسائل، ص ۱۱۳؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱۶، ص ۲۷۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۴. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۵. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱۶، ص ۴۴۳.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۷. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۳۴.

۴-۲- نقش خانواده در تربیت کودک

کلاس اول تربیت و آموزش انسان در خانواده است و کودک دروس اولیه زندگی را از پدر و مادر و اطرافیان فرا می‌گیرد. از این رو، اگر زبان والدین عربی باشد، کودک به زبان عربی آشنا می‌شود و اگر فارسی باشد، به زبان فارسی و اگر ترک باشد به زبان ترکی و... اگر خانواده اهل ساز و دهل و ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به طور نهادی آنها را می‌آموزد و اگر اهل نماز و دعا و عبادت باشند، از روی قانون تبعیت کوچک‌تر از بزرگ‌تر مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها خم و راست می‌شود و می‌بوسد؛ اگر والدین اهل فحاشی و دشنام باشند او نیز دشنام و فحاشی می‌آموزد و اگر اهل بی‌بندوباری و هرزگی در سخن و رفتار باشند، او نیز به همان شیوه بار خواهد آمد. خلاصه چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات پدر و مادر و روابط آنها را می‌نگرند و گوش‌های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز مواظب حرکات و سکنت آنهاست.

به هر حال، آدمی در محیطی به نام خانه خانواده پا به عرصه وجود می‌گذارد و در آن محیط در کنار سایر افراد پرورش یافته و بزرگ می‌شود. از طرفی دیگر، ثابت شده است که هر فردی دارای ظرفیت و استعداد ذاتی است که از پدر و مادر به ارث می‌برد و تحت تأثیر و نفوذ عوامل مختلف محیطی قرار گرفته و تربیت می‌شود. به عبارت دیگر، مجموعه استعدادها و توانایی‌های ارثی و تأثیراتی تربیتی گرفته شده از محیط، شخصیت فرد را می‌سازد. در تشکیل شخصیت و تربیت انسان‌ها، خانواده بزرگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند، بر این اساس در امر تربیت به نقش خانواده توجه بیشتری شده است.

۴-۲- اسلام و حقوق فرزند

آیات و روایاتی که ذکر شدند پدران و مادران را برآن می‌دارد که در باب پرورش و آموزش فرزند احساس وظیفه کنند؛ وظیفه‌ای سنگین و مسئولیتی بزرگ که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت و نسبت به آن کوتاهی نمود؛ زیرا تعلیم و تربیت، از جمله حقوق فرزند بر والدین است که این امر علاوه بر رشد، نیاز به شهامت دارد. درباره اهمیت تربیت و آموزش فرزندان و اقامه حقوق آنها مسئله در حدی است که اگر فرزندان به وظیفه خود در برابر والدین عمل نکنند، عاق والدین خواهند بود، به همان تعبیر، اگر والدین هم به وظایف مقرر از شرع عمل نکنند، قطع رحم کرده‌اند و از طرف فرزندان خود عاق خواهند شد؛ زیرا پس از والدین هر فرد، نزدیک‌ترین ارحام به انسان، فرزندان او هستند. بر این اساس، در برخی روایات، حق فرزندان به عهده والدین، همانند حقی شمرده شده است که پدر و مادر بر عهده فرزندان دارند.

در روایتی آمده است: مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: یا رسول الله! به چه کسی نیکی کنیم؟ حضرت فرمود: «بِرَّوَالِدَيْكَ. قَالَ: لَيْسَ لِي وَالِدَانِ. قَالَ: بَرِّوَالِدَيْكَ كَمَا أَنَّ لَوَالِدَيْكَ عَلَيْكَ حَقًّا كَذَلِكَ لَوَلَدَكَ حَقًّا؛ به پدر و مادر ت نیکی کن. گفت: پدر و مادر ندارم (از دنیا رفته اند). فرمود: به فرزندان ت نیکی کن؛ همان گونه که پدر و مادر بر تو حق دارند، همان طور فرزندان نیز دارای حقوقی هستند»^۱.

به هر حال، در آموزه های دینی «عاق والدین» و «عاق فرزندان» هر دو مطرح است که بر اساس آن چنانچه ترک فرزندان در اثر ترک حقوق والدین به آثار وخیمه عقوق والدین مبتلا می شوند، همچنین والدین هم در صورت ترک حقوق فرزندان به آثار وخیمه آن مبتلا می شوند. چنان که پیامبر اکرم ﷺ در ضمن سفارش هایی به امام علی (علیه السلام) فرمود: «يَا عَلِيُّ! لَعَنَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلَاوَلَدَهُمَا عَلَى عُقُوقِهِمَا، يَا عَلِيُّ! يَلْزِمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوَلَدِهِمَا مَا يَلْزِمُ الْوَلَدَ لَهْمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا؛ ای علی، خدا لعنت کند پدر و مادری را که فرزندان خویش را بد تربیت کنند و موجبات عاق خود را فراهم نمایند. ای علی، همان گونه که فرزندان عاق والدین می شود، والدین نیز عاق فرزند خواهند شد»^۲.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيُنَصْرَانِهِ وَيُمَجْسَانِهِ؛ هر فرزندی بر فطرت توحید و خداپرستی متولد می شود و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا مسیحی و یا زردشتی سوق می دهند (و او را از راه فطرت دور می سازند)»^۳.

افزون بر این، در اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیستم نوامبر ۱۹۵۹) چنین آمده است: «کودک جهت پرورش کامل و متعالی شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید تا حد امکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پر محبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کودک خردسال را - به جز در موارد استثنایی - نباید از مادر جدا کرد»^۴. بنابراین، هم قوانین پذیرفته شده بین المللی و هم آموزه های دینی با تأکید بیشتر، والدین را مسئول می دانند. از این رو، خانواده هایی که به سعادت فرزندان خود می اندیشند و نسبت به آینده آنها احساس مسئولیت می کنند، باید برای طفل، پیش از تولدش، بلکه پیش از انعقاد نطفه برنامه ریزی کنند^۵ و همه نیازهای کودکان را برای رشد و تعالی تأمین نمایند.

۱. شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، ج ۱، ص ۹۷.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۳. صحیح بخاری، جزء ۲، باب الجنائز، ص ۱۱۸.

۴. اسلام و حقوق کودک، ص ۱۹.

۵. همان، ص ۱۲.

۶-۲- نقش پدر در تربیت فرزند

اسلام به مسئله تربیت و آموزش فرزندان تا آن حد اهمیت داده که آن را حق مسلم فرزند بر پدر دانسته است. امام سجّاد (علیه السلام) نیز در «رساله حقوق»، بدین وظیفه خطیر چنین اشاره می‌فرماید: «فأعمل في امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه، معاقب على الاسائة اليه؛ [به وظیفه خود] درباره فرزند خویش عمل کن چون عمل کسی که می‌داند اگر به فرزند خود احسان کند پاداش داده می‌شود و اگر بدرفتاری کرد مؤاخذه و عقاب می‌گردد»^۱.

در جای دیگر، امام با تفصیل بیشتری می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمُعَوَّنَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَفِي نَفْسِهِ فُتَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا يَنْبَغُكَ وَيَبَيِّنُهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ؛ وَا حَقُّ فرزند تو این است که بدانی او پاره‌ای از وجود توست و در نیکی و بدی خود در این دنیا به تو وابستگی دارد و تو در تربیت و ادب‌آموزی و خدانشناسی او مسئولیت داری و باید او را در اطاعت فرمان خدا، در آنچه مربوط به تو و اوست، کمک‌رسانی. در احسان به او پاداش می‌گیری و در بدی به او کیفر می‌بینی. عمل تو درباره او، مانند کسی است که یقین دارد به کارهای نیکوی او در دنیا آرایش می‌یابد و به واسطه حسن قیام به وظایف و مسئولیت‌ها در پیشگاه خداوند معذور است»^۲.

پیشوای عالی‌قدر شیعیان امام سجّاد (علیه السلام) در این حدیث شریف به مسئولیت پدران در تربیت فرزندان تصریح فرموده است. امام (علیه السلام) پرورش‌های اخلاقی و ایمانی فرزند را از وظایف مسلم مذهبی آنان (پدران) دانسته و خاطر نشان نموده است که تربیت‌های پسندیده پدران، مانند ادای یک فریضه مذهبی موجب اجر و پاداش در پیشگاه خداوند است و پرورش‌های ناپسند مانند ترک واجب یا ارتکاب گناه، پدران را مستحق عقاب و کیفر الهی خواهد کرد. بنابراین، با توجه منابع روایی، به ویژه سخنان گهربار امام سجّاد (علیه السلام) در تربیت مذهبی، فرزند نقش به‌سزایی دارد.

پرورش مذهبی، عامل مهمی برای سعادت افراد و بازدارنده آنان از عوامل خلاف و بزهکاری است. پدر باید شوق به کمال را در نهاد فرزند قرار داده و موجبات تثبیت آن را فراهم کند. پدر از راه عرضه عقاید و افکار اسلام فرزند خود را با آداب دینی آگاه نماید و با عملکرد خود، فرزند را متدین بار آورد. پدر در رابطه با نقش مذهبی، وظایفی دارد که عبارت‌اند از:

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۲۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۲. تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه احمد جنتی ذیل سخنان امام سجّاد (علیه السلام) رسالة الحقوق، ص ۲۶۳، ج ۲۳.

۱. ارتباط و معرفی خدا؛

۲. واداشتن فرزند به عمل.

در کانون خانواده، پدر در این زمینه مسئولیت سنگین تری را بر عهده دارد. غفلت و سهل انگاری او در مورد رفتار کودک در آینده مشکل ساز خواهد بود. اگر پدری پای بند به اصول مذهبی باشد، فرزندش نیز مقید به اصول مذهبی می شود و اگر پدری لایالی باشد و انتظار داشته باشد که فرزندانش پای بند به اصول ارزشی و اخلاقی باشد، تحقق این انتظار امکان پذیر نیست؛ زیرا فرزندان از پدر و مادر الگوبرداری می کند. به طور کلی، اگر خانواده اهل ساز و دهل و ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به طور نهادی آنها را می آموزد و اگر اهل نماز و دعا و عبادت باشند، از روی قانون تبعیت کوچک تر از بزرگ تر مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها خم و راست می شود و می بوسد؛ اگر والدین اهل فحاشی و دشنام باشند او نیز دشنام و فحاشی می آموزد و اگر اهل بی بندوباری و هرزگی در سخن و رفتار باشند، او نیز به همان شیوه بار خواهد آمد. خلاصه چشمان کودکان شب و روز حرکات پدر و مادر و روابط آنها را می نگرند و گوش های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز مواظب حرکات و سکنت آنهاست. بنابراین، وقتی الگوهای نامناسب باشند، به طور مسلم راهش صراط مستقیم نخواهد بود؛ البته در همه موارد این چنین نیست. اگر فرزند این اراده را داشته باشد که در صراط مستقیم قدم بردارد، می توان با توکل به خدا و استقامت و اراده محکم در این راه قدم بگذارد و اهل سعادت گردد.

۷-۲- اقسام تربیت

به عقیده علما تربیت، تربیت دو نوع است:

۱- **تربیت عمدی**: در این نوع تربیت فرد یا افرادی شیوه خاصی از تربیت را درباره فردی اعمال می کنند؛ به عنوان مثال، وقتی مادر دست کودک خود را گرفته و به آرامی به او راه رفتن یاد می دهد، می گویند که مادر او را در امر راه رفتن تربیت کرد.

۲- **تربیت غیر عمدی**: به تربیتی گفته می شود که بدون طرح و نقشه قبلی انجام می گیرد. به عنوان مثال، وقتی کودک مسجد رفتن و نماز خواندن پدر و مادر را می بیند رفتار او را یاد می گیرد.

برخی از روان شناسان برای تربیت، تقسیم دیگری بیان کرده اند، این گروه تربیت را به دو دسته تربیت جنسی و تربیت مذهبی تقسیم کرده اند:

الف) **تربیت جنسی**: چنین به نظر می رسد که غریزه جنسی مربوط به دوران بلوغ است، اما در واقع این

موضوع از خردسالی همراه با کودک بوده و کودک همواره نیازمند تربیت و هدایت است. گواه این موضوع وجود نوجوانان نابالغی است که به انحرافات جنسی گرایش پیدا کرده‌اند. رغبت به خودنمایی، لذت بردن از نوازش، لمس اعضای بدن و... همه از نشانه‌های جنسی در فرد است.

البته اوج این حالت در سن بلوغ مشهود است؛ ولی آغاز آن در سن ۵-۶ سالگی است. در سن ۵-۶ سالگی کودک سؤالاتی را نسبت به اعضای بدن خود از پدر و مادر می‌پرسد و آنها نیز باید جواب قانع کننده‌ای به او بدهند و او را با مسائلی که برایش اتفاق می‌افتد، آشنا سازند. اسلام، غریزه جنسی را پلید نمی‌داند، بلکه آن را عاملی برای استحکام زندگی زناشویی، نعمت و موهبت الهی و بقای نسل آدمی می‌داند. علاوه بر این، محیط نیز در هدایت غریزه جنسی مؤثر و دارای اهمیت خاصی است.

قرآن کریم در سوره عنکبوت آیه ۴۵ می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». در این آیه قرآن نماز را عامل دوری از فحشا و اعمال زشت معرفی می‌کند. کسی که تربیت جنسی صحیحی داشته باشد، در آینده مشکل ساز نخواهد بود. در این میان محیط‌های سالم، اماکن مذهبی، به ویژه مساجد راه درست زیستن را به آنها می‌آموزد.

ب) تربیت مذهبی: کودکان عناصر پاکی و پذیرش و صمیمیت هستند؛ خوب و بد را از پدر و مادر یاد می‌گیرند و به هر راهی پدر و مادر دعوتشان کنند، به همان راه پا می‌گذارند. اگر آنان را با روحیه خداترسی پرورش دهیم، طبیعی است در آینده افرادی خیرخواه، مسالمت‌جو و مطیع خواهند شد و اگر آنان را رها کنیم، خام و هرزه بار می‌آیند.

در هر برنامه تربیتی، تنها فاعلیت کافی نیست، بلکه روح پذیرش و قابلیت نیز شرط است. انسان، به طور فطری خداجوست و به دنبال قدرتی بی‌نهایت است که همه امور در دست اوست و خالق جهانی زیبا و باعظمت است. یادگیری راه خداجویی و شناخت خدا به کودک از درون خانواده شکل می‌گیرد. نیاز به پرستش و نیایش، یکی از نیازهای اساسی و عمیق در عمق روان بشر است.

در بررسی تاریخی، این موضوع ثابت شده که پرستش، جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. گاهی که میل و روح پرستش از سوی انبیا در مسیر صحیحی قرار گرفته، به خداپرستی ختم شده است و گاهی بر اثر جهل، انحراف و لجاجت موجودات و اشیا گوناگون پرستش شداند.

طبق نص صریح دین اسلام، برای ما مسلم است که میل به پرستش، نیایش، کمال طلبی، حقیقت‌جویی و... در کودک، امری فطری و درونی است. این موضوع را شواهد تاریخی - پرستش بت، خورشید و گاو و ساختن بهترین مکان‌ها برای معابد- و آیات و روایات تأیید می‌کند.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس روی خود را با گرایش تمام به حقّ به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. در آفرینش خدا تغییری نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.^۱

اگر ملاحظه می‌شود که گروهی از کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل دینی رغبت و تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، مربوط به عوامل محیطی است که فطرت کودک را از مسیر خودش تحریف کرده است. متأسفانه، بعضی از والدین به دلیل حساسیت نداشتن و اهمیت ندادن به مسائل دینی و بعضی به دلیل سخت‌گیری‌ها، آموزش‌های غلط و ناآشنایی با سیره و روش معصومان (علیهم‌السلام) و روش‌های تربیتی به گونه‌ای با کودک رفتار می‌کنند که آنان نسبت به مسائل دینی بی‌تفاوت، کم‌رغبت و حتی متنفر می‌شوند.

با کمال تأسف، باید گفت که بعضی از والدین حساسیت و دقتی را که درباره امور دنیوی-تغذیه، لباس، مسائل درسی، کلاس کنکور، معلّم خصوصی و غیره-فرزندانشان از خود نشان می‌دهند، نسبت به مسائل دینی و معنوی اظهار نمی‌کنند. به راستی، این گروه از والدین مصداق کلام نورانی رسول خدا ﷺ هستند که فرمودند: «أَنَّهُ نَظَرُ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ، فَقَالَ: وَيْلٌ لِّأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادُهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَّا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ؛ وَإِذَا بَرَّ فَرْزُ نَدَانِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ دَسْتِ پِدْرَانِشَانِ. گفته شد: ای رسول خدا ﷺ منظور شما پدران مشرک است؟ فرمودند: خیر، بلکه پدران مؤمنی که واجبات دینی را به فرزندانشان خود آموزش نمی‌دهند و اگر آنان بخواهند احکام دین را فراگیرند، از ایشان جلوگیری می‌کنند، (و حال آنکه) اگر کالایی به دست بیاورند، از آنان راضی و خوشحال خواهند شد. من از ایشان بیزارم و ایشان نیز از من بیزارند».^۲

۸-۲- مراحل تربیت

روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت، دوران عمر را به اقتضای نیازهای جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی و... به دوره‌های مختلف تقسیم کرده‌اند. به عبارت دیگر، انسان در طول زندگی، مراحل را از رشد می‌پیماید و به تناسب هر مرحله و ویژگی‌های آن، تربیت خاصی را می‌طلبد. روان‌شناسان، کارشناسان تعلیم و تربیت، دانشمندان علوم اجتماعی، فیزیولوژیست‌ها با نگرش‌های متفاوت به تقسیم دوران رشد و تکامل انسان از

۱. روم، آیه ۳۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

کودکی تا کهولت پرداخته‌اند. برخی کارشناسان تعلیم و تربیت این مراحل را بدین گونه ذکر کرده‌اند:

- ۱- مرحله شیرخوارگی از تولّد تا ۲ سالگی؛
- ۲- مرحله دایگی یا پرستاری بین ۲ تا ۵ سالگی؛
- ۳- مرحله کودکستانی بین ۵ تا ۷ سالگی؛
- ۴- مرحله دبستانی بین ۷ تا ۱۲ سالگی (پایان کودکی)؛
- ۵- مرحله دبیرستانی (دوره اوّل) از ۱۲ تا ۱۵ سالگی (آغاز نوجوانی)؛
- ۶- مرحله دبیرستانی (دوره دوّم) از ۱۵ تا ۱۸ سالگی؛
- ۷- مرحله دانشگاهی از ۱۸ تا ۲۲ سالگی (جوانی)؛
- ۸- مرحله بعد از تحصیل، دوران تشکیل خانواده.^۱

در متون آموزه‌های اسلامی نیز مراحل رشد و تربیت انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی و مادی و معنوی مورد توجّه قرار گرفته است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه آغازین خلقت او، یعنی هنگامی که خاک به صورت گیاه درآید و به موادّ غذایی و سپس خون و نطفه مبدّل گردد تا هنگامی که در عالم جنین به صورت علقه و مضغه و... درآید و آماده افاضه روح شود، متذکّر می‌گردد که طی این مراحل، تربیت تکوینی الهی او را همراهی می‌کند و پس از ولادت به بیان سه مرحله رشد، یعنی: «کودکی، جوانی و بزرگسالی» می‌پردازد که در اینجا پای مسئولیت تربیت انسان به میان می‌آید؛ آنجا که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَکُونُوا شُيُوخًا...» اوست خداوندی که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه و آنگاه از علقه تا آنکه به صورت کودکی درآورد تا به مرحله رشد برسید و رهسپار دوران پیری شوید.^۲ در مناسبتی دیگر به بیان گرایش‌های طبیعی و غریزی انسان در مراحل مختلف رشد پرداخته و می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» بدانید که زندگی دنیا، بازی، سرگرمی، آرایش، مفاخره و افزون طلبی در ثروت و فرزندان است.^۳ این موارد خصلت‌های طبیعی و غریزی انسان است که در نظام تربیت اسلامی تعدیل و هدایت می‌شوند و بدیهی است که در کنار اینها استعدادهای متعالی و گرایش‌های معنوی است که شخصیت حقیقی انسان را تشکیل می‌دهد و به شیوه متعال و هماهنگ در تربیت اسلامی مورد توجّه است.

۱. مناقب خوارزمی، ص ۲۷۲.

۲. غافر، آیه ۶۷.

۳. حدید، آیه ۲۰.

در مراحل یاد شده و برای شکل گیری شخصیت تکامل یافته انسان، اسلام رهنمودهای گسترده‌ای دارد که برخی از آنها عبارتند از: ازدواج مشروع و آداب آن، توصیه‌های دوران بارداری، شیرخوارگی، حضانت تا رعایت موازین دیگر پرورشی. در هریک از مراحل که هر کدام فصلی را از تربیت اسلامی تشکیل می‌دهد و در خصوص مراحل تربیت و ویژگی‌های هریک روایات بسیاری نیز وجود دارد. از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای انسان تا بیست و یک سالگی سه دوره هفت ساله قائل شده‌اند: دوره «آقای» که کودک، فرمانروایی می‌کند؛ دوره «فرمان برداری» که نوجوان باید مطیع مربیان باشد و دوره «وزارت» که جوان، مورد مشورت قرار می‌گیرد؛ آن حضرت در این مورد می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَبْعُ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعُ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعُ سِنِينَ؛ فرزند، هفت سال «آقا»، هفت سال «فرمان بردار» و هفت سال «وزیر» (مشاور و همراه) است.^۱ همچنین، در روایتی دیگر می‌فرماید: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَالَّ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزندان، هفت سال بازی می‌کنند؛ هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزند و هفت سال سؤم را به آموختن آموزه‌های دینی درباره حلال و حرام می‌گذرانند.^۲ با دقت در ویژگی‌های این سه مرحله، ظرافت و جذابیت این سخن، مشخص می‌گردد؛ در ادامه به توضیح این سه مرحله پرداخته می‌شود:

۱. مرحله سیادت

این مرحله، از آغاز ولادت شروع می‌شود. البته نباید چنین تصوّر کرد که آغاز تربیت از همان تولد است، بلکه هفت سال نخستین، مرحله «خودمداری» است. دورانی که کودک می‌بایست آزاد باشد رشد نماید و مسئولیتی متوجه او نگردد. از این رو، در روایات آمده است که هفت سال، کودک را برای بازی رها سازید و.... فرایند طبیعی رشد، هنگامی به خوبی و به دور از آسیب پیش می‌رود که فرزندان در نخستین هفت سال زندگی، از آزادی کافی برای بازی، خودشناسی و اعمال خواسته‌ها برخوردار باشند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يُرْخِي الصَّبِيُّ سَبْعًا...؛ تا هفت سالگی بر کودک، سخت‌گیری نمی‌شود».^۳ این روایات بر این نکته تأکید دارند که مرحله قبل از ۸ سالگی، مرحله بازی است و بر پدران و مادران است که بی‌هیچ فشار و اجباری، کودک را در بازی کردن آزاد بگذارند؛ جز بازی‌های خطرناکی که والدین باید کودکان را از آنها اجتناب دهند. آقای و بزرگی در این سال‌ها، به معنای داشتن آزادی کافی برای با خود بودن و تجربه آزادانه تلخی و شیرینی‌ها است. والدین باید به فرزندان فرصت و اجازه دهند تا آن گونه که دوست دارند و خودشان تشخیص می‌دهند، رفتار کنند. در این مقطع سنی، شاخص‌ترین ویژگی کودکان، روح کنجکاو است. این روح و

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، احکام اولاد، ص ۱۹۴.

۳. همان.

نداشتن درک روشنی از خوبی‌ها و بدی‌ها، کودکان را وادار می‌کند تا خودشان، توانایی‌ها و محیط اطرافشان را بشناسند و از این راه به شکوفایی، خودیابی و خودباوری برسند.

۲. مرحله اطاعت

در مرحله اطاعت (هفت سال دوم تا چهارده سالگی) کودکان به علت درک ناتوانایی‌های جسمی و روانی خویش در مقابل بزرگ‌ترها، به‌ویژه والدین خود روحیه تسلیم‌گونه و اطاعت‌پذیری دارند. علاوه بر این، دوست دارند از آنها تقلید کنند و از ابراز پیروی از دیگران احساس لذت می‌کنند. بر این اساس است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ این مرحله از عمر را دوره اطاعت نامیده‌اند.

از ابتدای این دوره، آموزش رسمی به طور جدی نیز شروع می‌شود. در این دوران، برخلاف مرحله سیادت و کودکی، دیگر نباید او را به‌طور کامل آزاد گذاشت، بلکه باید تمام اوقات، وی تحت مراقبت منظم، برنامه‌ریزی شده و دقیق قرار گیرد تا مسئله آموزش و تربیت او به خوبی پیش رود.

اگر کودک در هفت سال اول در شرایط مساعدی رشد کرده باشد، برای هفت سال دوم که دوره اطاعت و فرمان‌برداری و کسب تجربیات مفید است، آمادگی کافی خواهد داشت. از این‌رو، در این مرحله که دوره آموزش‌های عمومی نیز است، باید او را از جهت آداب و سنن اجتماعی، زندگی فردی، نظم و انضباط، عادت‌های پسندیده، صفات و سجایای اخلاقی و فراگرفتن فنون و مهارت‌های مختلف مورد تربیت و آموزش قرار داد؛ زیرا رشد ذهنی، بالا رفتن قدرت حافظه، ظهور استعدادها، گرایش به زندگی اجتماعی، علاقه شدید به درک مجهولات و بسیاری اوصاف دیگر که به تدریج در این مرحله بروز می‌کند، فرصت بسیار مناسبی برای ساختن شخصیت اخلاقی و انسانی کودکان است و والدین باید با فراهم کردن مقدمات و امکانات لازم نسبت به سازندگی فرزندان خود در این مرحله از هیچ کوششی دریغ نورزند. چنانچه کودکان در مرحله اطاعت تحت تربیت صحیح اسلامی قرار گیرند، به صفات اخلاقی زیر آراسته خواهند شد.

۱. انس به خدا و عادت به ذکر نام خدا در شروع کارها؛

۲. انجام عبادت‌هایی از قبیل نماز، روزه و...؛

۳. فراگیری قرآن و تلاوت آن؛

۴. آشنایی با احکام اسلامی از قبیل احکام طهارت، تطهیر و نظافت و انجام آنها به طرز صحیح؛

۵. رعایت ادب و احترام به بزرگ‌ترها و ابراز محبت به کوچکترها؛

۶. امانتداری و رازداری؛

۷. راستگویی و پرهیز از دروغ؛

۸. پرهیز از حسادت و خیانت و....

۳. مرحله وزارت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفت سال سَوم زندگی را مرحله (وزارت) نامیده است. بیشتر روان‌شناسان بر این باورند که دوران نوجوانی از یازده یا دوازده سالگی آغاز و در سال‌های هفده یا هیجده سالگی پایان می‌یابد، می‌توان گفت که قسمت اعظم مرحله وزارت، سنین نوجوانی را دربر گرفته و سرانجام به سنین جوانی (دوره زندگی استقلالی) منتهی می‌گردد.

مربّی شایسته کسی است که دوران جوانی را شناخته و از وضع عقل و عواطف و احساسات جوانان و پایه‌های تربیتی آنان آگاه باشد تا بتواند برنامه‌های خویش را به موقع به اجرا بگذارد. در این دوره، رشد جسمانی، عقلانی و عاطفی تکامل می‌یابد. ناموزونی بین احساسات و عقل، بزرگ‌ترین مشکل را برای جوانان در پی دارد. در این دوره که دوره تشخّص طلبی جوان است و به شدّت میل به استقلال دارد و تمایلات در این دوره بیشتر است. وظیفه مربّی است که به این تمایلات اعتدال ببخشد و غرایز آتشی را که زبانه می‌کشند و هر لحظه ممکن است دوره جوانی را طعمه حریق نماید، مهار کند و جوان را از پرتگاه ارضای نادرست غرایز نجات دهد و او را وزیر و مشاور خویش قرار دهد؛ به دلیل اینکه این مرحله، هنگام شکوفایی فکری و «خودمدبری» است. در این مرحله عواملی چون مشورت کردن و تبادل افکار می‌تواند در رشد عقلی جوان نقش مؤثر ایفا کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مرحله را مرحله «وزارت» نامیده است و ما با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم که حتّی در این دوره، جوانان، پست‌های حسّاس و مهمّی نیز داشته‌اند، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسؤولیت‌های ارشادی، آموزشی و اجرایی را به جوانان می‌داد و از نیروهای مؤمن و پر تلاش در جهت ترویج و توسعه اسلام و اداره جامعه اسلامی یاری می‌جست. «مصعب بن عمیر» را که جوانی شایسته بود جهت ترویج اسلام به مدینه فرستاد تا قرآن و تعلیم دین را به مردم بیاموزد و او از عهده این مسؤولیت به خوبی برآمد. «معاذ بن جبل» را برای تعلیم و تربیت مردم مکه مأمور ساخت. «اسامة بن زید» را که نوزده سال داشت به فرماندهی سپاه عظیم اسلام در جنگ با رومیان گماشت و همگان را به اطاعت وی مأمور ساخت.

همچنین این مسئله، در انقلاب اسلامی ایران نیز به خوبی نمایان بوده و هست و همین جوانان بودند که

در تمام عرصه‌های نبرد حاضر بوده و حماسه‌ها و رشادت‌ها از خود به یادگار گذاشته‌اند.

فصل سوم: کودک و مسجد از دیدگاه روان‌شناسی

در این فصل به تعریف دوره کودکی اشاره می‌شود. آنگاه ضمن اشاره به جایگاه و اهمیت مساجد، به‌ویژه از نگاه کودکان و نوجوانان، به نقش مساجد در پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان می‌پردازیم. در ادامه به موانع جذب کودکان به مساجد اشاره کرده و جاذبه‌های مساجد از نگاه کودک را بیان خواهیم کرد. آنگاه به عنوان نتیجه‌گیری، تحلیلی تربیتی از نقش مساجد و اماکن مذهبی در تربیت دینی کودکان را ارائه خواهیم داد.

کودکی و ویژگی‌های آن

ویژگی اصلی دوران کودکی، رشد است. در این دوره بیش از سایر دوران مانند بزرگسالی و حتی جوانی تغییرات و تحولات اساسی در شخصیت کودک به وقوع می‌پیوندد. به همین خاطر، برای شناخت دوره کودکی و ویژگی‌های آن چاره‌ای جز شناخت رشد و تحول کودک نداریم. آگاهی در زمینه رشد کودک، از این لحاظ اهمیت دارد که کمک می‌کند تا تدابیر تربیتی شکل بگیرند؛ یعنی راه‌هایی به والدین نشان می‌دهد که اگر کودکان مشکلاتی داشته باشند، نیاز برای درمان و مشاوره تربیتی را معلوم می‌کند.

در این دوره دگرگونی‌هایی در زمینه مهارت‌های ذهنی، رفتار اجتماعی، رفتار کلامی و احساسات و رفتارهای دینی در کودک به وقوع می‌پیوندد که همگی برای مربیان و کسانی که با کودکان سر و کار دارند بسیار مهم است و باید مورد توجه خاصی قرار گیرد.

همچنین، در این دوره، تغییرات در ساختار بدنی، عصبی، رفتار و نشانه‌های ویژه شخصی برای ترتیب در کودکان ظاهر می‌شوند. در این بین برخی از ویژگی‌های عمومی در تمام کودکان به صورت یکسان مشاهده می‌شود؛ مثل کودکان سراسر جهان در دو سه ماه اول زندگی به چهره آدم‌ها لبخند می‌زنند؛ اولین کلمه را حدود ۱۲ ماهگی بر زبان می‌آورند و در ۱۳ ماهگی بدون کمک دیگران راه می‌روند.^۱

در ادامه بحث به مهم‌ترین جنبه‌ها یا ویژگی‌های رشد کودکان، به ترتیب به رشد شناختی، رشد کلامی، رشد اجتماعی و رشد اخلاقی و معنوی در کودکان اشاره می‌شود.

رشد شناختی در کودکان

یکی از ابعاد مهم رشد کودکان عبارت است از رشد فکری و شناختی آن. بیشترین سهم تحقیقات

در زمینه روان‌شناسی کودک را تحقیق در زمینه تحوّل فکری و شناختی تشکیل می‌دهد و ژان پیاژه (jean piaget) از معروف‌ترین روان‌شناسانی است که زمینه رشد شناختی کودکان و نوجوانان را کشف کرد. دوره اول دور حسی-حرکتی، دوره دوم دوره عملیات منطق عینی که خود به دو نیم دوره پیش عملیاتی و عملیات عینی تقسیم می‌شود و دوره سوم، که دوره عملیات صوری (انتزاعی) به حساب می‌آید. هر یک از این دوره‌ها به مراحل تقسیم می‌شوند که ویژگی‌های خاص خود را دارد و بر پایه شناخت آن ویژگی‌ها است که باید با کودکان برآوردهای تربیتی داشت.^۱

رشد شناختی پایه و اساس رشد در سایر جنبه‌ها از قبیل رشد کلامی، اخلاقی، اجتماعی، مذهبی و معنوی را تشکیل می‌دهد. تحقیقات نیز نشان داده است که رشد شناختی از راه فراهم آوردن ساخت‌ها و زمینه‌های لازم به سایر جنبه‌های رشد کمک شایانی می‌کند.

موریس دبس، روان‌شناس فرانسوی در مورد رشد شناختی (عقلی) در دوران کودکی می‌گوید: «در این دوره، دو نوع هوش وجود دارد؛ یکی هوش عملی (performance intelligence) یا هوش حسی-حرکتی که از طریق یافتن راه‌حل‌های خاص که خود اختراعات کوچکی است، سازش مستقیم رفتار کودک را با اوضاع جدید ممکن می‌سازد. دیگری هوش کلامی (verbal intelligence) است که شامل نشانه‌ها، یعنی واژه‌هاست».^۲

به طور کلی، می‌توان دوره کلامی را به سه دوره تقسیم کرد. کودکی اول، کودکی دوم و کودکی سوم. کودکی اول به سال‌های اولیه رشد اطلاق می‌شود و قسمت اعظم آن را کودک در محیط خانه و خانواده است و هنوز وارد آموزشگاه نشده است. در دوره دوم کودکی، هم‌زمان زندگی آموزشی کودک آغاز می‌شود. دوره سوم مقدمه دوره نوجوانی است؛ یعنی شامل سنین پیش از نوجوانی است. از نظر رشد شناختی، به‌ویژه با در نظر گرفتن ملاک‌های شناختی پیاژه، دوره اول بیشتر حسی-حرکتی، دوره دوم عملیات عینی و دوره سوم کودکی شروع عملیات انتزاعی است.

رشد زبان و مهارت کلامی

رشد کلامی از مهم‌ترین جنبه‌های رشد کودکان به حساب می‌آید. تعداد واژگان مورد استفاده، طرز بیان جملات و نحوه ادای گفتار، سلامت و روانی بیان همگی از جنبه‌هایی از رشد کلامی هستند که در ضمن شاخص رشد شناختی نیز محسوب می‌گردند. بین رشد شناختی و کلامی وابستگی زیادی وجود دارد. این

۱. رک: روان‌شناسی شناختی رشد، ۱۳۸۱.

۲. مراحل تربیت، ص ۷۵.

موضوع، بیشتر به خاطر آن است که رشد شناختی، رشد کلامی را باعث می‌شود و برعکس، رشد کلامی بر روی رشد شناختی اثر می‌گذارد. اغلب کودکان باهوش، کلام رشد یافته و سلیس و روانی دارند.

یکی از عوامل بسیار مؤثر در رشد کلامی کودکان، فراهم آوردن انگیزه‌های لازم برای رشد کلامی در کودکان است. اگر این انگیزه‌ها ایجاد نشوند، رشد کلامی تلف شده یا در مراحل پایین‌تر رشد باقی خواهد ماند. زبان در فراگیری بعضی از مفاهیم و مهارت‌های شناختی مؤثر است. زبان آموزی کودکان ممکن است به آنان در درک مفاهیمی که به خصوصیات فیزیکی اشیاء مربوط نیست، کمک کند. زبانی که در تعامل اجتماعی با دیگران به کار می‌رود، نمایانگر موقعیت اجتماعی آنان است. کودکان از طریق مشاهده نشانه‌هایی که در حرف زدن دیگران به کار می‌رود، درباره مفاهیم اجتماعی دانشی کسب می‌کنند؛ از جمله: سلام کردن (صبح بخیر)، مخاطب قرار دادن (اسم کوچک، آقا، دکتر)، نحوه صحبت کردن، محتوای مکالمه و عبارات امری یا سؤالی. تنوعات در این جنبه‌های زبان، کودک را با تمایزهای اجتماعی و مقوله‌های اجتماعی آشنا می‌کند.^۱

زبان به طور عمومی باعث افزایش کنش‌های شناختی، مانند تفکر، استدلال، حل مسأله و رمزگردانی می‌شود. البته فرایندهای فکری-شناختی به طور کامل وابسته به زبان نیستند؛ زیرا بسیاری از کودکان ناشنوا، هرچند در مهارت‌های زبانی دچار اشکال هستند، به خوبی از حل مسائل شناختی بر می‌آیند. میانجی‌های کلامی، مثل نام‌ها در حل بسیاری از تکالیف شناختی مفید است.

رشد اجتماعی

رشد اجتماعی در کودکان به طور کلی اشاره به شناخت‌های اجتماعی دارد؛ شناخت اجتماعی به ادراک، تفکر و استدلال درباره انسان‌ها و روابط انسانی اطلاق می‌شود. رفتارهای اجتماعی به مجموعه اعمال و حرکاتی از قبیل مهارت‌های اجتماعی توانایی سازگاری و به سر بردن با دیگران و نیز توانایی همدلی کردن با سایر انسان‌ها و به طور کلی، مجموعه رفتارهایی است که پاداش اجتماعی در پی دارد.

بسیاری از تحقیقات درباره شناخت اجتماعی کودکان از تحقیقات پیازه الهام گرفته است. بر اساس یافته‌های پیازه در زمینه رشد شناختی، محققان معتقدند که مراحل رشد شناخت‌های اجتماعی نیز مانند شناخت اجتماعی طی سطوح و مراحل مختلفی به وقوع می‌پیوندد.

به طور کلی می‌توان گفت که تفکر اجتماعی کودکان از جهات مختلفی که وابسته به هم است، رشد می‌کند که در موارد زیر خلاصه می‌شود:

(الف) از سطح به عمق: یعنی از توجه به ظواهر تا در نظر گرفتن خصوصیات پایدارتر (مانند: در نظر گرفتن جذابیت دوستان تا قضاوت درباره انگیزش های شخصی)؛

(ب) از ساده اندیشی تا تفکر پیچیده: یعنی از تمرکز بر یک جنبه موضوع یا مسئله تا در نظر گرفتن جنبه های مختلف به طور همزمان؛

(ج) از خشک اندیشی تا انعطاف پذیری: از توجه به خود و وضعیت فعلی تا توجه به رفاه دیگران و آینده؛

(د) از تفکر عینی به تفکر انتزاعی؛

(هـ) از افکار پراکنده و گاهی بی ثبات تا افکار منسجم و با نظام و سازمان یافته.^۱

همدلی (emphaty) یکی از توانایی های اساسی کودکان در زمینه رشد شناختی است. همدلی نوع خاصی از توجه داشتن به دیدگاه دیگری است به این معنا که «کودک از طریق ادراک واکنش های عاطفی دیگران، واکنش هایی عاطفی از خود نشان می دهد که به آن همدلی گویند؛ به طور مثال، وقتی کودکی ملاحظه می کند که یکی از کودکان به خاطر اینکه گربه اش زیر ماشین رفته گریه می کند، احساس اندوه کرده، پیش خود مجسم می کند که کودکی که گربه اش را از دست داده، چه احساسی دارد.

همدلی دارای دو جزء شناختی و عاطفی است. جزء شناختی، توانایی در شناسایی و نام گذاری حالات دیگران و توانایی در حدس دیدگاه شخص دیگر است. جزء عاطفی، عبارت است از توانایی در نشان دادن پاسخ عاطفی مناسب است.^۲

بنابراین، همدلی یعنی در موقعیت های مختلف و در برخورد با اطرافیانمان بتوانیم دیدگاه ها، طرز فکر، عقاید، و حالات عاطفی آنها از جمله خشم، ترس، غم، شادی و غیره را تشخیص دهیم و به طرز مناسب و شایسته ای به آنها جواب دهیم.

گروه همسالان، دسته ها و جمعیت ها (انجمن های علمی، ادبی و دینی) و نیز شخصیت های محبوب اجتماع بیشترین نقش و اهمیت را در اجتماعی کردن کودکان و تقویت مهارت های اجتماعی آنان دارند. در این بین شاید بتوان گفت تأثیر گروه همسالان از همه بیشتر است؛ البته این نوع تأثیر در دوره کودکی سؤم که مقارن با ظهور دوره نوجوانی است، از همه مواقع بیشتر است.

همسالان در این دوره جای خانواده را می گیرند و ارزش ها و معیارهای آنان را جایگزین معیارهای خانواده می کنند و به شدت تمایل پیدا می کنند که رفتارهایشان مورد تأیید دوستان و همسالان قرار گیرد. دسته ها، گروه ها و جمعیت ها با ارزش ها و معیارها و الگوهای رفتاری خاصی که دارند، می توانند تأثیر

۱. دیمون و هارت ۱۹۸۲، فلاول ۱۹۷۷.

۲. فاش باخ، ۱۹۷۸.

به‌سزایی در رفتار کودکان و نوجوانان داشته باشند. در جوامع دینی، انجمن‌ها و دستجات دینی و مذهبی می‌توانند نقش بسیار مهمی در جهت‌دهی نگرش‌های دینی کودکان ایفا نمایند. بسیاری از جوانان و بزرگسالان که استقبال زیادی از مسائل مذهبی می‌نمایند، اغلب افرادی هستند که در دوره کودکی در این دستجات حضور داشته و این رفتار در آنها به نوعی نهادینه شده است.

عامل مهم دیگر در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودکان، توجه به شخصیت محبوب و الگوی اجتماعی و دینی است. کودکان به شدت تلقین‌پذیر هستند و تقلید از راه مشاهده رفتار دیگران بخش اعظم رفتارهای اجتماعی آنان را شکل می‌دهد. شخصیت‌های هنری، دینی و ورزشی به‌طور عمده، توسط کودکان مورد همانندسازی قرار می‌گیرند. کودکان در همانندسازی خود رفتارها و نگرش‌های والدین، همسالان و شخصیت‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داده و سعی می‌کنند همانند آنان رفتار کنند.

رشد اخلاقی و معنوی

رشد اخلاقی و معنوی کودکان یکی از جنبه‌های اساسی و بسیار تعیین‌کننده از رشد است. رشد اخلاقی به تشخیص و تمایز خیر و شر توسط کودک اشاره دارد و جریانی پیوسته است که در آن استانداردها و معیارهای اخلاقی «خوب» و «بد» و «درست» و «نادرست» در کودک شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین نظریات مربوط به تبیین رشد تحول اخلاقی در نزد کودکان می‌توان به نظریه شش مرحله‌ای کلبرگ (Kohlberg) اشاره کرد که با جزئیات بیشتری در همین قسمت بحث خواهد آمد.

رشد معنوی (مذهبی) بیشتر اشاره دارد به پدیده‌ای معنوی در کودکان که به‌طور معمول جوانه‌های آن در کودکی و به خصوص از هنگامی که کودکان درباره ریشه و اساس به وجود آمدن اشیاء امور سؤال می‌کنند، دیده می‌شود؛ اما تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که بیشتر در حدود سن ۱۲ سالگی سؤالات مذهبی و دینی به صورت اصیل در ذهن کودکان ایجاد می‌شود. در این سن کودک و نوجوان درباره فلسفه آفرینش، چگونگی هستی‌خداوند و چگونگی آفرینش انسان سؤالاتی اساسی می‌پرسد و بیشتر به دنبال ارضای عطش معنوی خود است.

اریکسون (Ericson) یکی از نظریه‌پردازان معروف رشد، اساس مذهب را بر پدیده‌ای فردی (ontogenetic) قرار می‌دهد و با بهره‌گیری از مراحل هشت‌گانه تحول روانی-اجتماعی، به تبیین رشد مذهبی می‌پردازد. اریکسون، پیدایش هویت مذهبی را یکی از عناصر اساسی پدیده هویت در نوجوانان می‌داند.^۱

البته، باید گفت که بین تحول اخلاقی و تحول مذهبی، نکات اشتراک زیادی وجود دارد. اخلاق و دین

دو مقوله نزدیک به هم هستند و به لحاظ سنجشیتی که با یکدیگر دارند، هر دو ضامن و پشتوانه هم هستند. در مورد هم‌زمانی بروز احساسات اخلاقی و مذهبی در بین کودکان یافته‌ها نشان می‌دهند که عواطف و احساسات اخلاقی، مقارن دو سالگی در کودکان نمایان می‌شود و همچنین، روان‌شناسان کودک اظهار می‌دارند که کودکان از ۱/۵ سالگی شروع به بازنمایی‌های ذهنی در مورد اخلاقیات و استانداردها در حوزه نظافت، کنترل پر خاش‌گری و اطاعت از والدین می‌کنند. از سویی، مقارن سه سالگی، کودکان در مورد مبدأ و منتهای امور سؤال می‌کنند که حاکی از جوانه زدن احساس مذهبی است.

بر خلاف مشابهت‌های موجود بین اخلاق و مذهب باید گفت که آن دو به‌طور کامل مثل هم نیستند و با یکدیگر در عین هم‌پوشی تفاوت‌هایی دارند.

کولبرگ از سه سطح تحول اخلاقی، یعنی «اخلاق پیش عرفی» (preconventional)، «اخلاق عرفی» (conventional) و «اخلاق پس عرفی» (postconventional morality) نام می‌برد که هر یک از این سطوح به دو مرحله تقسیم می‌شود و به‌طور مجموع، تئوری شش مرحله‌ای تحول اخلاقی را پایه‌گذاری می‌کند که در آن رشد اخلاق در کودکان ابتدا خودمحورانه و بر اساس ترس از تنبیه است. آنگاه کودک به هماهنگی با اکثریت و مورد تأیید آنان قرار گرفتن در رفتارهای اخلاقی توجه می‌کند و در نهایت به اخلاق انتزاعی می‌رسد.

پیاژه (Piaget) قبل از کولبرگ از «ناپیروی» (Anomy)، «دگریروی» (Heteronomy) و «خودپیروی» (Autonomy)، در تبیین رشد و تحول اخلاق نام برده بود؛ اما مفهوم تحول مذهبی و معنوی وسیع‌تر از تحول اخلاقی است و می‌توان گفت تحول اخلاقی یکی از جنبه‌های تحول مذهبی به شمار می‌رود.

نیازهای اساسی کودکان

کودکان دارای نیازهای گوناگون هستند که هر یک به نوبه خود بسیار مهم و اساسی است و بدون شک، اگر هر یک از آن نیازها برطرف نگردند، خللی در رشد شناختی، جسمانی، عاطفی و مذهبی آنان مشاهده خواهد شد.

بدیهی است که برای تربیت کودکان قبل از هر چیز باید اقدام به شناخت ویژگی‌ها و نیازهای زیستی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و معنوی کودکان نمود و بر اساس شناخت تقدّم و تأخّر آنها به تربیت پرداخت.

در این قسمت از مقاله به عنوان مدخلی برای ورود به تربیت دینی کودکان از منظر پایگاه مساجد، این مقدّس‌ترین نقطه عالم و از دیگاه خداوند متعال، به بررسی و طرح نیازهای کودکان می‌پردازیم، آنگاه نقش

ویژه مساجد را در پاسخ‌گویی به این نیازها بررسی می‌کنیم. شاید یکی از اساسی‌ترین دسته‌بندی از نیازهای انسان‌ها به ویژه کودکان از آن آبراهام مازلو^۱ باشد. این روان‌شناس انسان‌گرا، سلسله مراتب نیازها را به صورت یک هرم به شکل صفحه بعد مطرح می‌کند:



سلسله مراتب نیازها

از نظر این روان‌شناس، این نیازها مانند پله‌های یک نردبان به هم متصل است و اگر نیازهای سطوح پایین برطرف نشود، فرد به فکر نیازهای سطح بالاتر نخواهد بود و برای پرورش یک انسان متعادل که بتواند نردبان ترقی را تا مرحله خود شکوفایی طی کند باید به تمام نیازها در سطوح مختلف پاسخ گفت. از میان نیازهای برشمرده شده ما، به ویژه نیازهای مربوط به امنیت، محبت و تعلق به عنوان نیازهای (اساسی) و اولیه در کودکان بیشترین اشاره را خواهیم داشت و در خلال آن، به نیازهای شناختی و زیبایی‌شناختی نیز اشاره کرده، آنگاه نقش ویژه مساجد را در پاسخ‌گویی به این نیازها مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

نیاز به امنیت در کودکان و نقش مساجد در پاسخ‌گویی به آن

امنیت و آسایش، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است در احادیث و روایات شریف نیز داریم که دو

نعمت بزرگ الهی یکی امنیّت و دیگری سلامتی است. مازلو خود می گوید اگر نیازهای فیزیولوژیک در کودک خوب ارضاء شوند، آنگاه مجموعه جدیدی از نیازها پدید می آیند که می توانیم آنها را به طور کلی، جزء نیازهای ایمنی طبقه بندی کنیم (امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، از نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، نظم، قانون، محدودیت، داشتن حامی مقتدر و غیره). مشاهده اطفال و کودکان که نیازهای ایمنی در آنان بسیار ساده تر و مشهودتر است می تواند ابزار خوبی برای پی بردن به این گونه نیازها در بزرگسالان باشد. دیگر جنبه های وسیع تر تلاش برای یافتن نیاز ایمنی و ثبات در محیط زندگی را می توان در تمایل بسیار رایج به چیزهای آشنا و ناآشنا، یا به شناخته شده ها و ناشناخته ها مشاهده کرد. گرایش به داشتن دین یا فلسفه ای جهانی که جهان و مردم را به شکل کلیتی معنی دار و منسجم و رضایت بخش سازمان دهد، نیز تا حدودی به انگیزه امنیّت طلبی مربوط می شود و در غیر این صورت نیاز به ایمنی به عنوان محرک اصلی و فعال ارگانیزم، تنها در موارد خیلی اضطراری، مانند جنگ، شیوع بیماری، فجایع طبیعی، رواج جنایات، از هم پاشیدگی نظام اجتماعی، روان نژندی، آسیب مغزی، از هم پاشیدگی مراجع قدرت و اوضاع به شدت نامساعد دیده می شود.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود که مازلو نیاز به ایمنی را یکی از نیازهای اساسی کودکان، بلکه بشر می داند که باید به صورت طبیعی و معنی دار توسط اجتماعات انسانی برای اعضاء جامعه فراهم آید و مذهب و ایدئولوژی را یکی از اساسی ترین پدیده ها قلمداد می کند که می تواند در سایه کلیتی که به فرد می بخشد، این نیاز را ارضاء کند. بدیهی است اگر این نیاز به صورت طبیعی ارضاء نشود (در کودکان) آثار زیان بار خود را در شخصیت بزرگسالی به صورت اضطراب، نگرانی و بی ثباتی شخصیت نشان خواهد داد.

مساجد به عنوان پایگاه های اجتماعی دین، در اعطای امنیّت و ایمنی به کودکان نقش مؤثری دارند. محیط مساجد و برنامه های مذهبی داخل آنها باید به گونه ای باشند که کودک بیشترین احساس امنیّت را در آنجا داشته باشد و به هیچ وجه نباید موجب برانگیختن احساس ترس و اضطراب در آنان بشود.

ویژگی امنیّت بخشی محیط مسجد برای کودکان از راه آرامشی است که برای آنان فراهم می آورد و از این طریق علقه و انس خاص کودک را می توان تقویت کرد. در مساجد باید مکان های خاصی برای کودکان پیش بینی کرد که در آنجا کودکان با یکدیگر به سر برند و در ضمن از فضای معنوی مسجد نیز بهره گیرند. اهمیّت این نکته از آن جهت است که دامنه توجّه و سایر توانایی های فکری کودکان در مقایسه با بزرگسالانی که به مسجد رفت و آمد می کنند، پایین است و به همین خاطر در صورتی که توجّه ویژه ای به آنان نشود، ممکن است در جمع بزرگسالان احساس اضطراب و ناایمنی نمایند.

محتوای برنامه‌های مسجد، از قبیل مراسم سخنرانی، نماز جماعت، روضه‌خوانی‌ها، دعا‌های دسته‌جمعی، سینه‌زنی‌ها و عزاداری‌های مختلف و نیز شرکت کودکان در فعالیت‌های فرهنگی مساجد، به تدریج باعث انس و الفت کودکان با محیط مساجد می‌گردند و زمینه‌های تخلّق کودکان به اخلاق خاصّ مسجد را فراهم می‌آورند و به نوبه خود، در احساس ایمنی، ثبات، آرامش و تعادل روحی کودک بسیار مؤثر است.

نیاز به محبّت در کودکان و نقش مساجد در پاسخ‌گویی به آن

مازلو معتقد است اگر دو نیاز فیزیولوژیک و ایمنی، خوب ارضاء شوند، نیازهای عشق و محبّت پدیدار می‌شود. کودک، تشنه روابط عاطفی با مردم است و جانش، تشنه شهد شیرین محبّت است. افراد بزرگسال از هیچ راهی قادر به نفوذ در عالم کودکان نیستند؛ مگر از راه عشق و محبّت کردن به آنها. محبّت و دوست داشتن کودکان ضمن اینکه در آنان احساس امنیت و آرامش ایجاد می‌کند، زمینه‌ای می‌گردد برای شکوفایی و به ثمر نشستن سایر توانایی‌های بالقوه کودکان. نکته جالب توجّه آن است که یکی از اساسی‌ترین راه پرورش دینی کودکان نیز محبّت‌ورزی است. حتّی دین را به تعبیری محبّت به خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) و خوش‌رفتاری با دیگران دانسته‌اند.

محبّت به کودکان و خوش‌رفتاری با آنان توسط الگوهای بزرگسال، به‌ویژه با هیئتی مذهبی و در هنگامه تعظیم و تکریم ارزش‌های الهی و ادای وظایف دینی، مؤثرترین و پایدارترین روش در ارضای نیازهای فطری و ایجاد نشاط روانی و احساس خوشایند و دوست‌داشتنی در آنها نسبت به ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی است.

باید به خاطر داشت که کودکان را باید از راه تشویق و ترغیب و محبّت‌ورزی به دین دعوت کرد. در پرورش مذهبی کودکان، منطق و استدلال و نصیحت کردن چندان اثری ندارد؛ زیرا کودکان در مرحله احساس، هیجان و تقلید قرار دارند. به‌ویژه، در هفت سال اوّل زندگی که سال‌های بازی و تفریح است و در روایات اسلامی به عنوان سال‌های سیادت کودکان نام‌گذاری شده است، کودک با احساسات خود زندگی می‌کند و هرگونه دعوت به دین و دین‌داری باید از دریچه احساس، یعنی به صورت بازی و تفریح باشد.

نکته دیگر این است که مهمّ‌ترین کار در تربیت دینی کودکان ایجاد احساس و نگرش مثبت آنان نسبت به دین است. در همین راستا، مساجد و متولیان برنامه‌های آن باید بیشترین توجّه را به امر محبّت و محبّت‌ورزی به کودکان داشته باشند و با گشاده‌رویی و چهره‌ای خندان با نونهالان و کودکان برخورد کنند تا زمینه ایجاد نگرش‌های مثبت در رابطه با مذهب را در آنان ایجاد کنند. بدیهی است که اگر چنین اتفاقی نیفتد،

کودکان نسبت به دین و دین‌داری نگرشی منفی پیدا می‌کنند و زمینه‌های مسجد‌گریزی در بزرگسالی آنان به وجود خواهد آمد.

مساجد و اماکن مذهبی ما باید طوری باشند که نیاز به محبت کودکان در آنجا بیشتر از سایر مکان‌ها ارضاء شود؛ به نحوی که کودک محیط مسجد، امام جماعت، خادم مسجد و... را دوست داشته باشد و بداند که آنها نیز او را دوست دارند و به او احترام می‌گذارند.

کودکان در شرایط ذهنی و عاطفی خاصی قرار دارند؛ به نحوی که در شرایط و موقعیت‌های مختلف و با توجه به چگونگی دریافت اولین تجارب شناختی، احساسی خوشایند و یا ناخوشایند نسبت به آنها پیدا می‌کند. در قلمرو مذهب نیز کودکان نوجوانان در اولین برخوردهای خود اگر احساس خوشایندی پیدا کنند و به ویژه اگر جلوه‌های دین، مانند مساجد و محراب‌ها را به عنوان تجلی‌گاه‌های عشق و محبت ببینند و متوجه شوند که سرور انگیزترین و با نشاط‌ترین اوقات خود را در مساجد دارند، نگرشی مثبت نسبت به آموزه‌های دینی پیدا می‌کنند؛ ولی چنانچه در مسجد، رفتارهای ناسنجیده با کودکان صورت بگیرد، به نحوی که نیازها و ویژگی‌های خاص آنان را در نظر نگیرند و الگوهای رفتار مذهبی بزرگسالان بر آنان تحمیل گردد، زمینه‌های ایجاد نگرش‌های منفی و بیزاری از مذهب در آنان به وجود خواهد آمد.

نگرش مثبت و نگرش منفی که در دوران کودکی نسبت به مذهب ایجاد می‌گردد، محدود به این دوره نمی‌گردد؛ بلکه پایه‌های جهان‌بینی و اعتقادات کودک را در دوره بزرگسالی شکل می‌دهد و نقش مهمی در آینده کودک دارد.

به طور خلاصه، با ایجاد احساسات خوشایند در کودکان و نوجوانان، به ویژه از طریق برنامه‌های مذهبی و فرهنگی مساجد، این پایگاه‌های اصیل دین و با تعظیم و تکریم آداب و سنن مذهبی در چشم و دل کودکان، زمینه‌های یادگیری رفتارهای مطلوب مذهبی و همانندسازی با الگوهای رفتار دینی را در آنان می‌توان به وجود آورد.

نیاز به تعلق در کودکان و نقش مساجد در پاسخ‌گویی به این نیاز

نیاز به تعلق و وابستگی، یکی دیگر از نیازهای اساسی کودکان از نظر مازلو است؛ یعنی کودک می‌خواهد که مطمئن باشد که جایگاه خاصی در بین گروه، خانواده و اجتماع دارد. او هرچه بیشتر تلاش خواهد کرد تا به این هدف دست یابد. درد تنهایی، انزوا، مطرود بودن، نداشتن دوست و نداشتن ریشه در جامعه از نظر مازلو اموری هستند که احساس تعلق را در کودکان به شدت برمی‌انگیزاند.

انگیزه و نیاز به تعلّق و وابستگی، ابتدا در خانواده به بهترین وجه پاسخ داده می‌شود. کودک کم‌کم احساس می‌کند که والدین او را بی‌قید و شرط و بی‌کم و کاست دوست دارند و وی را عضوی از خانواده می‌دانند. همین حالت باعث می‌شود که کودک احساس کند به یک گروه طبیعی به نام خانواده، تعلّق دارد. دوام چنین حالتی، به‌ویژه در زندگی بزرگسالان بستگی به این دارد که تجربه‌های مشابه در سایر گروه‌ها و در اجتماع برای فرد فراهم بیاید. در یک جامعه دینی مساجد و انجمن‌های دینی، بهترین محل برای ارضای نیاز به تعلّق است. در مسجد و محراب، کودک و نوجوان باید هویتی دینی پیدا کند و این احساس را داشته باشد که متعلّق به گروه، دسته و مذهب خاصی است.

ارضای این نیاز در دوره کودکی، نقش بسیار مهمی در هویت‌یابی دوره نوجوانی و جوانی دارد. کودکی که در این زمینه ارضا شده باشد به صورت طبیعی خود را متعلّق به مذهب و گروه دینی می‌داند و خود را رها شده و پریشان نمی‌یابد.

باید به تدریج و با در نظر گرفتن نیازهای ایمنی که پیش‌تر توضیح داده شد، به ارضای نیاز تعلّق و وابستگی کودک اقدام کرد. مذهب و برنامه‌های مذهبی مساجد، بهترین بسترهای ایجاد چنین نیازی در کودکان هستند.

نیازهای شناختی در کودکان و نقش مسجد در پاسخ‌گویی به آن

یکی دیگر از نیازهای اساسی در کودکان که بیشتر از حس کنجکاوی آنان سرچشمه می‌گیرد، نیاز به دانستن و فهمیدن است که به‌طور کلی، تحت عنوان نیازهای شناختی بیان می‌شوند. یکی از دلایل سوالات متعدّد و گوناگونی که کودکان از اطرافیان می‌کنند، ناشی از این نیاز طبیعی است که آنها دوست دارند تا ذهن تشنه اطلاعات و دانستی‌های خود را سیراب سازند.

وجود نیازهای شناختی، زمینه‌های استعداد یادگیری را در کودک به وجود می‌آورد و بدیهی است که خانواده، اولین پایگاهی است که در دادن این گونه اطلاعات و آگاهی‌ها مؤثر است.

کودکان، تشنه یادگیری هستند و نیاز به دانستن و پی بردن به راز هستی، یک نیاز خطیر در آنان است. آنان در خانه، مدرسه، مسجد و تمام اجتماع همواره در حال آموختن و ارضای نیاز به دانستن هستند؛ چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، چه آگاهانه و چه ناخودآگاه، چه به صورت رسمی و چه غیررسمی.

والدین، اولیا تربیتی و دینی وظیفه دارند که همواره آماده پاسخ‌گویی به نیازهای شناختی کودکان باشند

و با صبر و حوصله زیادی به پاسخ دادن به سؤالات کودکان بر آیند و باید همواره به خاطر داشته باشند که به تدریج و در اثر افزایش سن کودکان آنان، علاوه بر احساس مذهبی نیاز به شناخت‌های مذهبی، برای معنی دار کردن احساسات دینی خود دارند.

در مساجد و حسینیه‌ها باید شرایطی را به وجود آوریم که علاوه بر اینکه کودک احساس کند بهترین و خوشایندترین اوقات خود را در آن می‌گذراند، باید محیط‌های آنجا سرشار از اطلاعات و آگاهی‌های صحیح و دینی باشند و جوابی مناسب برای ذهن کاوشگر کودک فراهم نمایند.

نیاز به زیبایی شناختی در کودکان و نقش مسجد در پاسخ‌گویی به آن

زیبایی شناختی (Aesthetic)، به توانایی شخص در احساس و ادراک زیبایی و شگفتی اواز جهان خارج اطلاق می‌شود. بعد از نیازهای شناختی برای کودکان نیازهای زیبایی شناختی مطرح می‌گردند؛ یعنی ستایش زیبایی و مبهوت گشتن از مشاهده زیبایی‌ها.

زیبایی‌ها به دو حوزه اصلی تقسیم می‌شوند:

■ زیبایی‌های مادی، مانند اندام زیبا، چهره زیبا، منظره زیباو...؛

■ زیبایی‌های معنوی، مانند اخلاق و ادب زیبا.

در فرآیند تعلیم و تربیت ما، متأسفانه کمتر به این موضوع اهمیت داده می‌شود و اغلب به ابعاد شناختی تأکید می‌شود. زیبایی شناختی با ابعاد عاطفی و احساسی روح کودک سرو کار دارد و اگر توجه لازم به آن شود کودک را عاشق موضوع درسی یا موضوع مورد یادگیری بار می‌آورد.

این مهم در تربیت مذهبی باید بیشتر از هر جایی مورد توجه باشد؛ چون خود کودک و تمام کائنات جلوه بسیار زیبایی از خلقت خداوندی به حساب می‌آیند، پس، چه بهتر از راه شناسایی این زیبایی‌ها و افسون‌گری‌های طبیعت، کودک را با خالق متعال آشنا کرد.

معماری زیبای مساجد، درخشندگی و نورافکنی گل‌دسته‌ها، زیبایی مکانی که مساجد در آنها احداث می‌شوند، تزیین هنری و زیبایی داخل مساجد، خوشبو کردن این محیط‌ها، همگی در انگیزش حس زیبایی شناسی در کودکان و در نتیجه، مذهبی بار آوردن آنان مؤثر است.

در روایت شریفی آمده است که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (ان الله جمیل و یحب الجمال). پس، برای موجودی که از هر نظر زیباست و تمام جهان هم مظاهر مختلف این موجود زیباست، باید با راه‌های زیبایی شناسانه، یعنی با شناخت زیبایی‌ها قدم برداشت و چهره‌ای زیبا و عاشقانه از خداوند و خلقت

او در نزد کودکان ایجاد کرد.

بعد از اشاره به ویژگی‌ها و نیازهای مختلف کودکان و نقشی که مساجد می‌توانند در ارضای این نیازها و پاسخ‌گویی به این ویژگی داشته باشند، حال نوبت آن است که به تحلیل نقش مساجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان پرداخته و طرح‌های عملی در این زمینه را بازگو نماییم.

تحلیل نقش مساجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان

طبیعی است که برای به وجود آوردن فرهنگ مسجدرویی و در واقع فرهنگ‌سازی در این زمینه، کارهای زیادی باید صورت گیرد؛ ولی یکی از مهم‌ترین این کارها سرمایه‌گذاری بر روی کودکان است که سرمایه اصلی فردای جامعه هستند. ما اگر بتوانیم مسجدرویی و استقبال از برنامه‌های مختلف مساجد را از دوران کودکی در افراد نهادینه سازیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که در این زمینه به فرهنگ‌سازی روی آورده‌ایم و اگر در برنامه‌های خود، جایی برای کودکان باز نکنیم، با اطمینان شکست خواهیم خورد.

کودکان، به دلیل فطرت پاک و نالوده و نیز حس کنجکاوی طبیعی و حس پرستش طبیعی، آماده جهت‌گیری شخصیتی هستند. این والدین و بزرگسالان هستند که می‌توانند با فراهم کردن آبشخورهای ذهنی و عاطفی، شخصیت فرزندان خود را جهت بدهند و آنان را در رسیدن به کمال و تعادل یاری رسانند. در این بخش از مقاله تحت عنوان تحلیلی از نقش مساجد در تربیت دینی کودکان، چهار مسئله محوری را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به عنوان ارائه الگویی برای جذب کودکان به مساجد نیز می‌تواند تلقی شود.

۱. پل ارتباطی بین مسجد و کودک (والدین)؛

۲. تأکید بر جاذبه‌های زیبایی‌شناختی مساجد؛

۳. نقش تکمیل‌کنندگی مساجد در مقایسه با سایر نهادهای تربیتی؛

۴. نقش الگوها و سرمشق‌های دینی در مساجد.

والدین پل ارتباطی بین کودک و مسجد

خانواده، به‌ویژه والدین، تأثیرات پایداری بر روی شخصیت کودک دارند و این، به‌ویژه از دو جهت مهم است؛ یکی اینکه، اولین کسانی که کودک با آنها روبه‌رو می‌شود، والدین هستند و دیگر اینکه، والدین به نحوی تا آخر عمر با فرزندان هستند و هر دو تأثیر و تأثر متقابل بر روی هم دارند.

اولین الگوهای رفتاری برای کودکان، والدین هستند و رفتار آنها مورد تقلید و همانندسازی کودکان قرار

می‌گیرد و دختر از رفتار مادر و پسر از رفتار پدر بیشتر متأثر می‌شود.

به همین جهت، رفتار مسجدروی و استقبال از شعائر دینی والدین، نقش بسیار والایی در جذب کودکان آنان به مساجد دارد. پرواضح است که پدر و مادری که خود در امر مسجدروی مشکل دارند و یا اینکه مسجد در چشم و دل آنان پررنگ و پربها نیست، همین نگرش به فرزندان آنان نیز منتقل می‌شود. پس، از چنین فرزندانی نباید انتظار استقبال از مسجد را داشت.

اهمیت حضور والدین به همراه فرزندان در مساجد و محراب‌ها، از این لحاظ است که این رفتار والدین باعث می‌شود که فرزندان با چنین محیط‌هایی انس و الفت بگیرند و صبغه دینی بر روح و روانشان بخورد و به تدریج به عنوان یک امر نهادینه درآید که خود در فرهنگ مسجدروی جامعه در آینده بسیار مؤثر است. این یک واقعیت است که کودکان را باید به مساجد و مراکز دینی و جلسات موعظه و قرائت قرآن برد و به او نحوه عبادت و قرآن را آموزش داد.

ائمه بزرگوار در آموزش قرآن و واجبات دینی به ویژگی‌های سنّی و شرایط کودکان توجه داشته‌اند و از امام باقر (علیه السلام) در این باره روایتی جالب نقل گردیده است که فرمودند: ما کودکانمان را از سن پنج‌سالگی به خواندن نماز وادار می‌کنیم؛ ولی شما از سنّ هفت‌سالگی آنها را به اقامه نماز امر کنید.^۱

معاویه بن وهب از امام صادق (علیه السلام) پرسید: در چه سنّی کودک به نماز وادار می‌شود؟ حضرت فرمود: بین شش و هفت‌سالگی.^۲

همسر امام خمینی (ره) نقل می‌کند که امام از هفت‌سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می‌گفتند: «بچه‌ها از هفت‌سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را وادار به نماز کن تا وقتی نه‌ساله شدند، عادت کرده باشند.^۳ چه بهتر که در همین سنّ، کودک را با خود به مساجد برد و به وی یاد داد که در نماز جماعت شرکت کند و جلوه‌های اجتماعی انجام امر واجبی مثل نماز را نظاره‌گر باشد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از والدینی که نسبت به تربیت دینی فرزندان خود، بی‌اعتنا هستند، دوری جسته و آنان را از خود طرد می‌نماید. این امر، اهمیت و نقش خانواده را در تربیت مذهبی نشان می‌دهد.

نکته مهم دیگر عبارت است از هماهنگی رفتاری بین پدر و مادر در تشویق کودک به انجام شعائر دینی و به‌ویژه رفتار جذب کودکان به مساجد. به عنوان مثال، اگر پدری اهل مسجد باشد و مادر نباشد یا برعکس، فرزند در معرض نوعی تعارض تربیتی قرار می‌گیرد.

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳.

۳. امام در سبک‌نماز، ص ۱۰۴.

ارتباط تنگاتنگ والدین با امام جماعت و مسئولان مساجد و برنامه‌ریزان آن بسیار مهم است. این امر، باعث آگاهی طرفین از برنامه‌های تربیت دینی کودکان می‌شود و از ایجاد تعارضات تربیتی جلوگیری می‌نماید. این نوع ارتباط، پیوند کودک و مسجد را محکم‌تر کرده و زمینه‌های استقبال از مساجد را در کودکان ایجاد می‌کند. در این حال کودک بین دو نهاد مسجد و خانواده دوری و بیگانگی احساس نمی‌کند؛ بلکه مسجد را خانه خود تلقی می‌کند.

البته برادران و خواهران بزرگ‌تر کودک نیز در ترغیب و تشویق وی به مساجد، نقش مهمی بر عهده دارند. رفتار مسجدروی آنان توسط کودک الگوبرداری و تکرار می‌گردد.

به‌طور کلی، باید یادآوری شد که در تربیت مذهبی کودکان موفق نخواهیم شد، مگر اینکه خانواده‌ها در این زمینه فعال گردند. در جلسات مختلف آموزشی خانواده‌ها، باید یکی از بحث‌های محوری، شیوه‌های جذب جوانان به مساجد توسط والدین باشد. هرگونه سرمایه‌گذاری بروی خانواده‌ها در این زمینه، در فرزندان آنان ثمر خواهد داد و غفلت در این زمینه، خسارات جبران‌ناپذیری بر روی کودکان آنان خواهد داشت.

تأکید بر جاذبه‌های زیبایی‌شناختی مساجد

برای کودکان قدرت جذب‌کنندگی و ارضاکنندگی یک مکان و موقعیت، نقش بسیار مهمی دارد. قدرت جذب‌کنندگی یک مکان، بستگی به عوامل متعددی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها در رابطه با ارضا نیازهاست. به عبارتی، مکانی بیشترین جذابیت را دارد که قدرت ارضای بیشتر نیازهای فرد را دارا باشد. باتوجه به مطالب بالا و نیز با در نظر گرفتن اهمیت ابعاد زیبایی‌شناختی و هنری دین، مساجد بهتر است و بلکه باید به نکات زیر توجه داشته باشند.

۱. روش‌های زیبا در شیوه‌های جذب و تبلیغ به دین را در پیش بگیرند.
۲. معماری مساجد و فیزیک مناسب مساجد را از نظر دور ندارند.
۳. در مساجد، از روش‌های تبلیغی بدیع و تازه استفاده شود؛ روش‌هایی که در مسجد و سایر جاها کمتر به کار می‌رود.

۴. از جاذبه‌های هنری در فعالیت‌های مختلف مساجد استفاده شود؛ یعنی هنر با تمام جلوه‌هایش باید در فعالیت‌های فوق حضور داشته باشد.

از زبان زیبا و شیوایی برای تبلیغ دین باید استفاده کرد؛ به نحوی که با زبان کودکانانه سنخیت داشته باشد

و کودکان را جذب نماید.

به علاوه، باید در نظر داشت که بهره‌گیری از تظاهرات حسّ زیبایی‌شناسی در تربیت دینی کودکان، یک بعد اساسی در پرورش دینی آنان است. به طور کلی، غرض از حسّ زیبایی‌شناختی هم زیبایی‌های مادّی است و هم معنوی. ارزش‌های معنوی دینی از قبیل شهادت، ایثار، عفو، شجاعت، انفاق و غیره همه زیبایی‌های معنوی دین را نشان می‌دهد که توسط مساجد باید به جوانان آموزش داده شود.

نقش تکمیل‌کنندگی مساجد در مقایسه با فعالیت‌های سایر نهادها

در نگاهی گذرا به نقش‌های مختلف مساجد در طول تاریخ اسلام، به روشنی مشاهده می‌شود که مساجد به ویژه در صدر اسلام و در زمان حیات پربرکت حضرت رسول ﷺ نقش‌های مختلفی به عهده داشته‌اند. رسول گرامی اسلام ﷺ بعد از مهاجرت از مکه به مدینه اولین حرکت خود را بنای مسجد النبی قرار داد و این به خاطر حسّاسیت و اهمیت مسجد بود. به عبارتی دیگر، از دیدگاه حضرت، دین بدون مسجد معنایی ندارد و در واقع، مسجد است که به دین جلوه اجتماعی می‌دهد و دین را در ارکان زندگی جاری و ساری می‌سازد. در مسجد النبی به تمام امور مسلمانان رسیدگی می‌شد. در آنجا عبادت خدای متعال صورت می‌گرفت و به امور سیاسی و اجتماعی اُمت رسیدگی می‌شد، در مقابله با دشمن و جنگ، مسجد آمادگی پیدا می‌کرد و حتی مجروحان جنگ و سایر بیماران در مسجد معالجه می‌شدند.

در طول زمان و در اثر تقسیم کار تخصصی و با ظهور نهادهای تازه تأسیس، مانند مدارس و دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی-تربیتی و بهداشتی، دیگر به تدریج مساجد از سایر فعالیت‌ها چشم پوشیده و فقط به وظیفه عبادی نیایشی خود پرداخته است.

امروز ما با نوعی دوآلیسم (Dualism) در ارتباط با فعالیت‌های مساجد روبه‌رو هستیم و آن این است که یک نظر می‌گوید که مسجد فقط باید به وظیفه عبادی خود بپردازد و سایر فعالیت‌ها به عهده نهادهای دیگر مانند مدارس، دانشگاه‌ها و... باشد و نظر مقابل، معتقد است که نباید مساجد را منحصر به وظایف عبادی کرد، بلکه مساجد می‌توانند در تمام اموری که در صدر اسلام به آنها می‌پرداختند، فعال گردند و نقش داشته باشند.

طرح دوآلیسم کارکردی مساجد و راه‌حل‌های آن در حوصله این مقاله نمی‌گنجد؛ اما آن چه که تحت عنوان نقش مکمل یا تکمیل‌کنندگی مساجد باید ذکر کرد، این است که در یک جامعه اسلامی، مطلوب آن است که فعالیت مسجد مکمل فعالیت سایر نهادها، مانند مدارس، دانشگاه‌ها، صدا و سیما و مطبوعات

باشد؛ یعنی در طول فعالیت‌های فوق‌قرار گیرد، نه در عرض آن و این نقش تکمیل‌کنندگی کارکرد مساجد، به‌ویژه در مورد کودکان بسیار اهمیت دارد و می‌تواند یکی از جاذبه‌های حضور کودکان در مساجد باشد.

به‌عنوان مثال، کودکان در مدارس در معرض برنامه‌های مختلف تربیتی قرار می‌گیرند و در خارج از مدرسه نیز تحت تأثیر خانواده و رادیو تلویزیون و همچنین، مطبوعات اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف کسب می‌نمایند. در این میان، مساجد در عرض فعالیت‌های آنها نمی‌تواند کار کند، بلکه در طول آنها و در جهت تبیین و توضیح جهان‌بینی دینی نقش تکمیل‌کنندگی آن اطلاعات و دانش‌ها و مهارت‌ها را پیدا می‌کند؛ به صورتی که به تدریج یک معرفت منسجم و پویایی برای کودکان و نوجوانان فراهم نماید.

در این خصوص، روال کار باید به صورتی باشد که کودک و نوجوان، پاسخ بسیاری از سوال‌های دینی و غیردینی خود را که در مدارس و... نگرفته است، از مساجد دریافت کند و به تعارض شناختی خود فایق آید. البته، نقش تکمیل‌کنندگی برنامه‌های مساجد، در صورتی عملی می‌شود که مساجد ما از حالت سنتی فعلی که منحصر به بعد عبادی است، خارج گردیده و علاوه بر ابعاد عبادی به ابعاد سیاسی فرهنگی و اجتماعی خود نیز بپردازند. البته اگر عبادت در معنای حقیقی و وسیع کلمه آن چنان که در آیه مقدسه عنوان شده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انس را نیافریدیم، مگر برای عبادت خدا»، در نظر آوریم و عبادت واقعی مدنظر ما باشد، تمام شئون زندگی در آن وجود دارد؛ ولی اگر عبادت را فقط انجام یک سری امور قالبی بدانیم، متأسفانه به مقصود نمی‌رسیم.

نقش تکمیل‌کنندگی مساجد به‌ویژه برای کودکان در صورتی میسر می‌شود که از مربیان ویژه کودکان در مساجد استفاده شود و خطبه‌ها و سخنرانی‌های خاصی با حفظ جنبه دینی آن برای کودکان پیش‌بینی شود تا این عزیزان را با زبان خاص خودشان به دین و رعایت موازین دینی دعوت کرد.

این امر از خستگی و یکنواختی برنامه‌های مساجد در چشم کودکان می‌کاهد و فرصتی فراهم می‌آورد تا کودکان متناسب با رشد قوای فکری خود از برنامه‌های دینی بهره‌مند گردند و در نهایت، جاذبه‌های مسجد را مشاهده نمایند و از سرخوردگی در دین در امان باشند.

نقش الگوها و سرمشق‌های دینی در مساجد

روش آموزش از راه سرمشق‌دهی و الگوگیری، یکی از مهم‌ترین راه‌های یادگیری کودکان و نوجوانان است که مورد توجه خاص در روان‌شناسی یادگیری و تربیتی است؛ از طرفی ارائه الگوی اسوه برای انجام

رفتارهای دینی، به‌ویژه در دوره کودکی و نوجوانی یکی از راهبرهای اساسی پرورش دینی است. یکی از نظریه‌های معروف که به نقش مشاهده، تقلید و الگوگیری از رفتار بزرگسالان در نزد کودکان، توجّه زیادی دارد، «نظریه یادگیری اجتماعی» آلبرت بندورا (Albert Bandura) است. به نظر این روان‌شناس، یادگیری اجتماعی از راه مشاهده و تقلید، مهم‌ترین نوع یادگیری در کودکان است.

نکته مهمّ مربوط به این نوع یادگیری که باید در مساجد مورد تأکید باشد، ویژگی‌های مربوط به فرد سرمشق‌دهنده است. سرمشق‌دهنده باید ظاهری آراسته داشته باشد، از مشوّق‌های مختلف استفاده کند و به‌طور کلیّ شخصیتّ مورد قبولی در نزد کودکان داشته باشد. ائمه جماعات و سایر دست‌اندرکاران امور مساجد، اگر می‌خواهند که الگوی مناسب رفتاری برای کودکان فراهم نمایند، باید دارای ویژگی‌های مثبت بالا باشند و گرنه تأثیرات مثبت کمتری بر روی مخاطبان کودک و نوجوان خود خواهند داشت.

از طرفی، روش الگوسازی یا اسوه‌سازی یکی از روش‌های تربیت دینی محسوب می‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ پیامبر خدا الگو و سرمشق نیکو و پسندیده‌ای برای شما است»^۱.

بدین ترتیب، دیده می‌شود که روش اسوه‌سازی به عنوان یک روش اساسی تربیتی در قرآن مجید به کار رفته است.

یکی از راه‌های تربیت درست کودک، روش‌های الگویی است که مربوط به پدر، مادر و مربیان می‌شود و کودک از رفتار و گفتار آنان درس می‌گیرد و اگر دارای رفتار مطلوب باشند، سرمشق و الگوی خوبی‌ها قرار می‌گیرند و گفتنی است که تأثیر شخصیتّ الگوها در رفتار کودکان و نوجوانان و تثبیت شخصیتّ کودکان در آینده، پرواضح است.

«غریزه تقلید، یکی از نیرومندترین، ریشه‌دارترین و سودمندترین غرایز بشری است که در طبیعت انسان‌ها نهاده شده است و نیازی به آموزش ندارد. کودک از آغاز، یک مقلّد است و تا آخر عمر، همچنان مقلّد باقی خواهد ماند. گرچه با رشد عقلی از تقلید او کاسته خواهد شد. تقلید از رفتار الگوها، در زندگی کودکان خردسال، به خوبی مشاهده می‌شود.

غریزه پربرکت تقلید، به کودک اجازه می‌دهد که خود را با موقعیت‌های گوناگون زندگی تطبیق داده و با دیگر انسان‌ها، همسان و هماهنگ سازد و به نیروی این غریزه است که طرز غذا خوردن، لباس پوشیدن، حرف زدن، اظهار عواطف، عکس‌العمل در برابر ناملازمات، ترس و فرار از خطرها، آداب و رسوم زندگی،

تعاون و همکاری، اخلاق خوب یا بد را از دوستان خود یاد گرفته و تقلید می‌نماید. بنابراین، تقلید غریزه سودمند طبیعی است و نمی‌توان جلو آن را گرفت و بلکه باید در راه تربیت افراد از آن استفاده کرد. اولیاء و مربیان کودک باید از این غریزه ارزشمند استفاده کرده و الگوهای خوب و مطلوب را در اختیارش قرار دهند تا از اخلاق و رفتار آنها درس عملی بگیرد و خود را بسازد.^۱

کودکان به خاطر ضعف درک و تشخیص از مسائل پیرامون، نیاز به سرمشق و الگو دارد و رفتار آدم‌های مطرح و مشهور را سرمشق خود قرار می‌دهد. بنابراین، مربیان باید با معرفی الگوها و سرمشق‌های مناسب به کودکان، بکوشند تا آنها دچار دنباله‌روی از افراد نااهل نشوند. یکی از صاحب‌نظران امور تربیتی در این مورد چنین گفته است: «از طریق سرمشق است که روح کودک پرورش می‌یابد و تنها از این راه است که رفتار با ارزشی به طفل می‌توان یاد داد».^۲

با توجه به این روش و تأثیر آن بر روی کودکان و نوجوانان، لازم است دست‌اندرکاران امور فرهنگی و تربیتی مساجد به الگوها و اسوه‌ها و اهمیت آنان در شکل‌گیری شخصیت کودکان توجه داشته و سعی نمایند الگوهای مثبت و مناسبی برای کودکان ایجاد نمایند.

الگوهای دینی که در مساجد فعالیت می‌کنند، عبارتند از: شخص امام جماعت که اهمیت زیادی در اسلام دارد و باید دوباره در نظام جمهوری اسلامی تبیین گردد و اهمیت آن دوباره گوشزد و دوباره احیاء شود. از طرفی، امام جماعت مسجد نیز باید اسوه کاملی از رفتارهای مطلوب دینی باشد و از تمام جنبه‌های رفتاری، مراقب خود باشد تا قابلیت یک الگوی خوب را پیدا کند. بعد از شخص امام جماعت، سایر دست‌اندرکاران و گردانندگان مساجد و حتی خادمان مساجد نیز در معرض الگوگیری کودکان قرار می‌گیرند و باید مواظب جوانب مختلف رفتارهای خود باشند.

بعد از والدین و معلمان، علمای دینی و کارگزاران مساجد مورد تقلید و الگوگیری کودکان قرار می‌گیرند. این به عهده سرمشق‌دهندگان است که حساسیت سرمشق‌گیرندگان را در نظر گرفته و جنبه‌های مختلف رفتارهای خود را زیر نظر داشته باشند تا در نهایت الگوهای مطلوب رفتاری برای کودکان فراهم نمایند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی

کودکی، از مهم‌ترین و پربارترین دوره‌های زندگی به حساب می‌آید. کودکان دارای فطرتی دست‌ناخورده هستند و همچون امانات پاک الهی در اختیار ما مربیان و بزرگسالان قرار دارند.

۱. اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۹۳.

۲. مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، ص ۱۴۵.

وظیفه ماست که این سرمایه‌ها و گنج‌های پنهان را دریابیم و توانایی‌های بالقوه آنان را باروش‌های مناسب به صورت بالفعل در آوریم و این غنچه‌های زندگی را در شکوفایی شان یاری کنیم.

مساجد، به عنوان پایگاه‌های اصلی دین، بهترین محمل برای بروز و ظهور احساسات و اعمال دینی است و کودکان پاک‌ترین و سالم‌ترین مخاطبان مساجد به شمار می‌روند که باید زمینه‌های لازم انس و الفت آنان را با مساجد از همان سال‌های اولیه زندگی فراهم کرد.

نقطه شروع فرهنگ‌سازی (فرهنگ مسجدروی) در کشور ما باید با سرمایه‌گذاری فرهنگی و فکری برای کودکان صورت گیرد تا این فرهنگ، نهادینه شده و در بزرگسالی نیز نمایان گردد.

والدین، مربیان تربیتی، ائمه جماعات و کارگزاران امور مساجد سرمشق‌های اساسی برای کودکان هستند. رفتار و اعمال و احساسات مثبت آنان در خصوص آموزه‌های دینی، نقش بسیار مؤثری در جلب کودکان به مساجد دارند؛ به همان صورت جنبه‌های منفی رفتار این الگو سبب مسجدگریزی کودکان می‌گردد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی جاذبه‌های مسجد داشت. مساجدی که جاذبه بیشتری داشته باشند، مکان‌هایی خواهند بود که به نیازهای کودکان پاسخ‌گو هستند در این صورت کودک و نوجوان گمشده خود را در مسجد و محراب می‌یابند و در نتیجه به آن روی می‌آورند.

در پرورش دینی به‌طور کلی و در جذب کودکان به مساجد به صورت ویژه‌تر، باید به پرورش بعد زیبایی‌شناختی دین پرداخت. بدون شک، در دین ما جنبه‌های زیبایی‌شناختی بسیاری نهفته است که لازم است در پرورش‌های دینی به نحو مقتضی از آن استفاده شود.

کودکان به اعمال ما توجه بسیاری دارند نه به گفتارمان؛ پس سعی کنیم به عنوان الگوهای تربیتی -والدین، مربیان، امام جماعت و...- الگوی مناسبی برای کودکان باشیم و مواظبت نماییم که بین افکار، احساسات، گفتار و اعمالمان وحدت لازمه را حفظ نموده و از تشّت رفتاری پرهیزیم تا الگوهای روشنی برای کودکان فراهم نماییم.

به هر حال، کودک از بدو تولّد تحت تربیت پدر و مادر خویش قرار می‌گیرد. بسیاری از روحيّات فرهنگی- اجتماعی او با نظارت پیگیر و مداوم آنها حاصل می‌شود. این خانواده است که او را صالح یا فاسد بار می‌آورد و عامل شکل‌گیری نوع جهان‌بینی کودک، شخصیت و مسائل روحی و روانی او و محدوده تأثیرگذاری آنها می‌شود. او دین، شرافت، اعتماد به نفس، صدق و صفا، نوع دوستی، همدلی با دیگران، احترام به قانون، احساس مسئولیت و تعاون را از پدر و مادر می‌آموزد.

به خاطر داشته باشیم، کودک همان گونه که از نظر جسم، آسیب‌پذیر است و در برابر کمترین و کوچک‌ترین

حادثه‌ای واکنش، نشان داده و بیمار می‌شود، از نظر اخلاقی و روانی هم به همان اندازه یا بیشتر، آسیب‌پذیر است. او بسیاری از حالات و رفتارهای فردی و اجتماعی خود را از بزرگ‌ترها تقلید می‌کند و در نظم، احترام به قانون، پای‌بندی به مذهب، ادب، خشونت، بی‌بندوباری، ناسازگاری و... از اطرافیان خود شکل می‌گیرد. اگر والدین و مربیان ما همان قدر که به شکستگی دست و پا یا ناراحتی چشم و گوش فرزند خود یا به‌طور کلی، کودکان اهمیت داده و سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای تربیت روحی و اخلاقی او هم سرمایه‌گذاری می‌کردند و از دروغ‌گویی، بی‌ادبی و بی‌علاقگی او به مذهب و دیگر بیماری‌های روانی - که حاصل عملکردها و روابط ناسالم خود آنهاست - رنج می‌بردند و برای درمان آنها، به اهلش مراجعه می‌کردند، جوانان مادر سطح بالایی از اخلاق و تربیت و اهل نماز و مسجد قرار داشتند؛ زیرا تأثیرپذیری کودک از اقدامات و ارشادهای والدین و مربیان بسیار سریع است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲. فاضل هندی، متقی، کنز العمال، چاپ مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۳۹۹ هـ. ق.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۴ ق.
۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۵. حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۷. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۸. داغ، محمد و دیگران، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام قرن (۶-۱۰ هـ. ق)، ترجمه علی اصغر کوشافر، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۹. زبیدی، احمد بن عبد اللطیف، مختصر صحیح البخاری، بیروت، دارالفنائس.
۱۰. شریف قرشی، باقر، زندگانی امام حسن بن علی (علیه السلام)، ترجمه: فخرالدین حجازی، چاپ دوم.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۱۲. فقیهی، علی نقی، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهر تابان، چاپ اول، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۱۳. شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحوّل انسان، تهران، ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۱۴. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۱۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، قم، اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳ هـ. ش.
- شهادتانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵ هـ. ش.
۱۷. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، چاپ مصر، ۱۳۷۲ هـ. ق.
۱۸. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی عدة الداعی، مترجم: احمد موحدی، بیروت، دارالکتب الاسلامی.

۱۹. عبدالباقی، محمدفؤاد، اللؤلؤ والمرجان، بیروت، دارالفکر.
۲۰. خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب خوارزمی، مترجم: ابوالحسن حقیقی، تهران، انتشارات برهان، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۲۱. حزانی ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۲۲. بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. بخاری، محمد اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: قائم الشّماعی الزّفاعی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۵. طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۲۶. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ویرایش دوم، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۲۷. شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵ هـ. ش.
۲۸. منصور و دادستان، روان شناسی ژنتیک ۲، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۱ هـ. ش.
۲۹. دبس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۳۰. رابرت. ال. سولسو، روان شناسی شناختی، ترجمه: فرهاد ماهر، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۱ هـ. ش.
۳۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۳۲. فضل طبّرسی، مکارم الخلاق، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۳۳. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، لاحیاء التراث، ۱۴۹۰ هـ. ق.
۳۴. پارسا، محمد، روان شناسی رشد کودک، ۱۳۵۶ هـ. ش.
۳۵. افروز، غلامعلی، مبانی روان شناختی و رویکردهای تربیت دینی کودکان و نوجوانان، تهران، ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت، ۱۳۷۴ هـ. ش.

۳۶. موسوی الخمينی قَدْ سَلَّمَ، سَيِّد روح الله، امام درسنگر نماز، تبیان آموزشی، دفتر هفتم، ستاد اقامه نماز با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قَدْ سَلَّمَ.

۳۷. سادات، محمد علی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، اولیا و مربیان، چاپ نهم، ۱۳۸۰ هـ. ش.

بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد

علی اکبر گندمکار

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین «بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد» است. نویسنده با بررسی روایات فریقین که خانه و منزل زن را مسجد وی می‌دانند و روایاتی که مسجد را متعلق به زن و مرد دانسته و تحقیق در شواهد تاریخی فراوانی که بیانگر حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای نماز و غیر آن مانند اعتکاف، و نظافت مسجد، پرستاری از مجروحان جنگ و... است، به تشریح حضور زن در مسجد و سایر فعالیت‌های اجتماعی پرداخته است. مقاله در پنج مبحث تنظیم گردیده است: مبحث اول: بررسی روایات فریقین؛ مبحث دوم: شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای غیر از نماز؛ مبحث سوم: بررسی فقهی حضور زن در مسجد؛ مبحث چهارم: شرایط حضور زنان در مسجد؛ مبحث پنجم: آثار حضور زنان در مسجد.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، حضور زن در مسجد، نماز جماعت، اعتکاف، خادم مسجد، شواهد تاریخی، شرایط حضور، آثار حضور.

در معیارهای ارزشی قرآن و روایات، بین زن و مرد نوعی برابری حاکم است؛ به طوری که در مقام‌های معنوی تفاوتی بینشان نیست و در انسانیت و ارزش‌ها موقعیتی یکسان دارند. تنها ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر تقوا است. تقوا در معنای حقیقی‌اش^۱ امری اکتسابی است و به جنسیت ربطی ندارد، چنان که به نژاد، جغرافیا، سن، ثروت و زیبایی نیز ربطی ندارد.

اسماء بنت عمیس، یکی از نخستین زنان مهاجر در اسلام، وقتی از «حبشه» بازگشت، به دیدار همسران پیامبر ﷺ آمد و نخستین چیزی که پرسید، این بود: «آیا آیه‌ای درباره زنان نازل شده است؟» آنان پاسخ دادند: «خیر». اسماء، خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است؟» رسول خدا ﷺ فرمودند: «چرا؟» گفت: «چون در قرآن کریم فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در همان هنگام آیه ۳۵ سوره مبارکه احزاب نازل شد که ده ارزش معنوی یکسان برای زن و مرد را مطرح کرده است.^۲ در سوره‌های دیگر نیز از ارزش‌های برابری بین زنان و مردان سخن به میان آمده است.^۳

بنابراین، زن در رسیدن به کمالات و درک مدارج عالی اخلاقی و حتی علمی هیچ تفاوتی با مرد ندارد. اسلام زن را مانند مرد دارای روح کامل انسانی و اراده و اختیار می‌داند؛ بنابراین، هر دو را در یک صف واحد قرار داده است و در یک مسیر هدایت می‌کند. قرآن کریم گاه با خطاب‌های: «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» (بدون در نظر داشتن جنسیت)، هر دو را مخاطب قرار داده است و برنامه‌های تربیتی و اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه زنان را به صراحت در کنار مردان قرار داده است: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی وَهُوَ مُؤْمِنٌ قَالُوا لَكَ الْجَنَّةُ تِزْوَنُ فِیْهَا بِغَیْرِ حِسَابٍ» و هر که کار شایسته کند - چه مرد باشد یا زن - در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب روزی می‌یابند.^۴

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیْنَهُ حَیَآةً طَیِّبَةً وَلَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هر کس (از مرد یا زن) کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم

۱. حجرات، آیه ۱۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۳. تحریم، آیه ۵؛ نساء، آیه ۳۵.

۴. غافر، آیه ۴۰ و با همین مضمون در سوره نساء، آیه ۱۲۴ و آل عمران، آیه ۱۹۵ و نحل، آیه ۹۷.

داد.^۱

بدون تردید بانوان در تربیت و رشد انسانی جامعه نقش تعیین کننده و بی بدیلی دارند و زیربنای فضیلت های انسانی اند. چنان که در سخن کوتاه، اما پر بار و آسمانی امام صادق (علیه السلام) آمده است: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛ بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است».^۲ جلوه ای از این کلام آسمانی در سخنان امام خمینی (ره) این گونه آمده است: «زن، مربی جامعه است... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد».^۳ «عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت های انسانی و ارزش های والای خلیفه الله در جهان است».^۴

اکنون، اگر بپذیریم بیش از نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می دهند، این سؤال مطرح می شود که آیا از نظر اسلام فضایل و آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده است، فقط مختص به مردان است یا زنان نیز می توانند از آثار و برکات خانه خداوند بهره مند شوند؟ به دیگر سخن، آیا در زمان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و صدر اسلام، زنان در مساجد حضور می یافتند یا خیر؟ اگر در مسجد حضور داشته اند، شیوه برخورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با این رفتار و حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟

در پاسخ اجمالی به این سؤال باید گفت: اسلام زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می داند؛ مانند شرکت در مراسم حج واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق جلوگیری از همسر خود را ندارد.^۵ از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته و تفاوتی قائل نشده است، تحصیل است. از این رو، تحصیل برای زن به اندازه مرد واجب است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ؛ طلب علم و دانش افزایی، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است».^۶

در جهاد ابتدایی، شرکت زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان لازم نیست؛ ولی در جهاد دفاعی اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ کس ساقط نمی شود و بر زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان نیز واجب می شود.^۷ رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، با قید قرعه، زنان را با خود به سفرهای جهادی می بردند؛

۱. نحل، آیه ۹۷.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴.

۳. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵ و ۱۲۵.

۴. همان.

۵. الخلاف، ج ۲، ص ۴۳۱ و کتاب الحج، آداب الاحرام.

۶. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۴۰ و ج ۲، ص ۳۲.

۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۸۵.

بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند.^۱ شرکت بانوان در نماز جمعه واجب نیست.^۲ همچنین زنان از تشییع جنازه منع نشده اند. در اخبار آمده است که وقتی زینب، دختر بزرگ رسول اکرم ﷺ، وفات کرد، خواهرش حضرت زهرا (س) مرصیه و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند.^۳

شیخ حرّ عاملی، در کتاب «وسائل الشیعه»، روایات گوناگونی در این زمینه جمع آوری کرده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی بیان می کند. وی از مجموع این روایات به این نتیجه می رسد: «برای زنان رواست که در مجالس عزاء، ادای حقوق مردم یا تشییع جنازه بیرون بروند و در این کارها شرکت کنند؛ همچنان که حضرت فاطمه (س) و زنان ائمه اطهار در آنها شرکت می کرده اند».^۴

بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد در عصر پیامبر اکرم ﷺ

مطالعه روایات موجود در کتاب های حدیثی شیعه و سنی و نیز دقت در شواهد تاریخی، گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای برگزاری نماز جماعت، در عصر رسول خدا ﷺ، از مسلمات تاریخ است؛ زیرا اسلام نه مردان و زنان را خانه نشین کرده است و نه همه قید و بندها را از پایشان گسسته است. در مقاله حاضر، برای روشن شدن ابعاد مختلف این بحث به تفصیل در این باره سخن می گوئیم.

مبحث اول: بررسی روایات فریقین

الف) خانه زن مسجد اوست

دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی اش دانسته اند. چنان که رسول خدا ﷺ فرموده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَخُدْهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَامِعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً؛ نماز فرادای زن در خانه اش همچون نماز جماعت ۲۵ درجه فضیلت دارد».^۵ همچنین آن حضرت ﷺ فرموده اند: «أَنَّ خَيْرَ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ، الْبُيُوتُ وَصَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا وَصَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَصَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا وَتُكْرَهُ لِلْمَرْأَةِ الصَّلَاةُ فِي سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ؛ بهترین مسجد زنان خانه است و نماز در خانه، برتر از نماز او در ایوان است. نماز او در ایوان، برتر از نمازش در پشت بام خانه است».^۶ همانند این روایات، در منابع اهل سنت نیز از پیامبر ﷺ

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۵، ۱۶۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۷، باب ۱۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۸۱۷، ۸۱۸، ج ۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۷۶، ج ۹، باب ۱۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷، ج ۶۴۳۶؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳، باب نوادر نکاح، فصل ۱۰.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ۱۰۸۸.

نقل شده است.^۱ در روایات امامان شیعه نیز چنین مضمونی وجود دارد؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ؛ بهترین مساجد برای زنان خانه است».^۲ ایشان همچنین فرموده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مَحْدَةِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَأَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ»؛^۳ نماز خواندن زن در اتاقش، بلکه در اتاق عقب و اندرونی، بهتر از خانه (به معنای اعم) است. ام سلمه از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می گوید: «خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بَيْوتِهِنَّ»؛^۴ بهترین مساجد برای زنان اتاق های عقب خانه است. بنابر روایتی، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) فرمودند: «يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ؛ ای علی! برای زنان الزامی جهت شرکت در نماز جمعه، جماعت و گفتن اذان و اقامه نیست».^۵

از مجموعه این روایات، با قطع نظر از روایاتی که بعداً به آنها می پردازیم، می توان این گونه استفاده کرد که برای زنان خواندن نماز در خانه بهتر از مسجد است. اما، با تأمل و تحلیل در این گونه روایات چند نکته به دست می آید:

۱. در روایات فوق معمولاً تلاش شده است تا به نحوی به مسئله عفاف بانوان اهمیت داده شود و در واقع در پی بیان این مطلب است که زن نباید در تیررس دید نامحرم نماز بخواند. پس اگر در مسجد، پرده و حائل او را از دید نامحرم حفظ کند، ملاک حکم رعایت شده است؛ بنابر این، نماز زن با حفظ حریم و حدود الهی در مسجد افضل است، چنانکه نماز مرد هم چنین است.

۲. راوی اولین حدیث از امام صادق (علیه السلام) «یونس بن ظبیان» است که نجاشی و شیخ طوسی، صاحب کتب رجالی، او را ضعیف شمرده اند.^۶

۳. دسته دوم و سوم روایات که بیان خواهد شد، شواهد تاریخی، سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و حتی فتاوی بسیاری از فقه های اسلام بیانگر جواز حضور زن در مسجد است.

ب) روایات عام

در روایات زیادی در باب مسجد واژه هایی وجود دارد که نشان می دهد مسجد متعلق به همه مردم است و به گروهی خاص اختصاص ندارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «الْمَسْجِدُ بَيْتٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ؛ مسجد، خانه هر

۱. السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۱۳۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۷۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۰۸۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۶۹۴.

۳. همان، ص ۳۶۱، ح ۱۱۷۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۶، ح ۶۴۳۱.

۴. المستدرک للنیسابوری، ج ۱، ص ۲۰۹؛ نهج الفصاحه، ص ۴۷۴.

۵. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶، ح ۳.

۶. رجال نجاشی، ص ۴۴۸؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۲۰۹.

مؤمنی است»^۱. آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متّقیان و پرهیزکاران دانسته‌اند: «الْمَسْجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ»^۲. حضرت علی (علیه السلام) در مورد همسایه مسجد فرموده‌اند: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عَذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ؛ فَقِيلَ لَهُ: وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: مَنْ سَمِعَ التِّدَاءَ؛ نَمَازُ هِمْسَايَةِ مَسْجِدٍ فِي خَانِهِ، نَمَازٌ كَامِلٌ وَتَمَامٌ نَيْسِتْ، جِزَ اَيْنَكِهِ عَذْرَى دَاشْتَه بَاشَد. از امام (علیه السلام) سؤال شد: همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمودند: کسی که صدای اذان را بشنود»^۳.

روایات متعدّدی نیز وجود دارد که در آنها واژه «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَجَ» آمده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَحُجِّي عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ رَجَاتٍ»^۴، کسی که به سوی مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی‌دارد تا به منزل برگردد ده حسنه برایش نوشته می‌شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می‌یابد. در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رِطْبٍ وَلَا يَأْسِسَ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ؛ کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد، بر هیچ تر و خشکی قدم نمی‌گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه‌اش برای او تسبیح می‌گویند»^۵. در حدیثی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «أَلَا بَشِيرُ الْمُتَشَائِنِينَ فِي الظُّلُمَاتِ (فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ) إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ (التَّامِ) السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بشارت باد کسانی را که در تاریکی شب به مساجد می‌روند؛ همانا در روز قیامت از نوری فروزان و درخشنده در پیشاپیش خود برخوردارند»^۶. روایات دیگری نیز هستند که به‌طور عام زن و مرد را به رفت و آمد به مسجد، حضور مستمر در آن و روشنایی بخشیدن به آن تشویق کرده‌اند.^۷

ج) روایات دال بر جواز حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

از مسلمات تاریخ حضور بانوان در مسجد، برای شرکت در نماز جماعت است؛ به خصوص نماز جماعت صبح و مغربین، به امامت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).

کعبه اولین خانه‌ای است که برای عبادت مردم (زن و مرد) بنا شد و عبادت‌کنندگان را به سوی خود

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰، ح ۲۰۷۳۶.

۲. همان، ص ۶۵۹، ح ۲۰۷۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۸۱ و ۳۷۹.

۴. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸؛ ثواب الاعمال، ص ۲۹۱.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۰.

۶. همان، ص ۲۳۹، ح ۷۲۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶؛ الامالی، ص ۱۳۹.

متوجه و جذب کرد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛^۱ در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همان کعبه که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است. مکه معظمه و مسجد الحرام، کامل‌ترین مصداق مسجد است؛ تا آنجا که نماز فرادا در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است: «الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ».^۲ در همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر اکرم ﷺ و با حضور جوان مردی چون علی بن ابی طالب (علیه السلام) و بانویی چون حضرت خدیجه (علیها السلام) برگزار شد.^۳

ذیل آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب که خداوند دستور می‌دهد: «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان باایمان بگو: جلباب‌های (روسی‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند؛ این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، بهتر است». از امام (علیه السلام) نقل شده است: «سبب نزول آیه چنین بود که چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجد می‌رفتند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و آنان را آزار می‌دادند و متعرض ایشان می‌شدند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می‌شدند».^۴ آیه و شأن نزول آن بیانگر این نکته ظریف و حکیمانه است که اسلام در برابر حضور زنان در مجامع فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از طرف آنان، حتی زمانی که مورد چشم‌چرانی و مزاحمت جوانان قرار می‌گیرند، با حکم خانه‌نشینی و ایجاد محدودیت برخورد نمی‌کند؛ بلکه با ارائه طرح‌های مصونیت‌آفرین، راه را برای حضور هر چه بیشتر آنان می‌گستراند. علاوه بر سخن فوق، شواهد تاریخی بیانگر حضور زنان در نماز جماعت رسول اعظم ﷺ است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «كَانَ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ صَ فَكُنَّ يُؤْمَرْنَ أَنْ لَا يَزْفَعْنَ رُؤُسَهُنَّ قَبْلَ الرِّجَالِ لِضِيقِ الْأَرْزِ»^۵، زنان پشت سر مردان نماز جماعت را با پیامبر اکرم ﷺ بجا می‌آوردند و چون لباس مردان کوتاه بود، به زنان دستور داده شده بود که پیش از مردان سر از سجده برندارند.

در برخی از روایات، در منابع شیعه و سنی، آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّيِّ وَهُوَ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمُّهُ؛ پیامبر اکرم ﷺ، در حال نماز، چون صدای گریه طفل را در صف زنان شنیدند، نماز را کوتاه خواندند تا مادرش سراغ فرزند رود تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود».^۶

۱. آل عمران، آیه ۹۶.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۶، ح ۶.

۳. حج، ص ۸۰، ۷۹.

۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۷۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۶. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰، ح ۷؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۷۴.

همچنین نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ نماز صبح را در تاریکی می‌خواندند و زنان مؤمن پس از نماز در همان تاریکی برمی‌گشتند و به دلیل تاریکی نه دیگران آنها را می‌شناختند و نه حتی خودشان یکدیگر را می‌شناختند.^۱ در روایتی دیگر می‌خوانیم:

■ زن قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجدالنبی حاضر می‌شد، عمر از او خواستگاری کرد، او به این شرط که او را از نماز جماعت منع نکند، ازدواج با عمر را پذیرفت. عمر هم با نارضایتی این شرط را قبول کرد؛ بعد از مرگ عمر وقتی زبیر از او خواستگاری کرد، باز این شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت و او به نماز جماعت می‌رفت.^۲

در زمان عمر، زنان به امامت «سلیمان بن ابی خثیمه انصاری» در رحبه مسجد نماز جماعت می‌خواندند؛ همان گونه که مردان به امامت «ابی بن کعب» نماز جماعت برگزار می‌کردند. پس از آن، عثمان مردان و زنان را در یک جا جمع کرد؛ ولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان و مردان را از هم جدا کرد و شخصی به نام عرفجه با زنان نماز می‌خواند.^۳ در برخی روایات، از شیعه و سنی آمده است که وقتی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: هرگاه زنان شما اجازه رفتن به مساجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید.^۴ همچنین آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ؛ کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید».^۵ همچنین فرموده‌اند: «إِذَا اسْتَأْذَنْتُ أَحَدَكُمْ أَمْرًا إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا؛ هرگاه همسر یکی از شما اجازه رفتن به مسجد خواست، نباید مانع وی شوید».^۶

عده‌ای چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز اجازه رفتن به مسجد دارند و برای نمازهای مغرب و عشاء، که با تاریکی شب همراه است، نباید به مسجد بروند؛ بنابراین جهت مبارزه با این پنداشت غلط، در بعضی روایات آمده است که هرگاه بانوان اذن حضور شب هنگام در مسجد را خواستند، اجازه بدهید.

پیامبر اکرم ﷺ در دو بیان جداگانه می‌فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ»^۷ و «إِذَا اسْتَأْذَنَ نِسَاءُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذْنُوهُنَّ»^۸، زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. اسدالغابة، ج ۵، ص ۱۸۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰.

۳. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۶، ۲۷.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲، ۳۳؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱ و المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۹.

۵. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۶ و ۵۶۵؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۹۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۲.

۷. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۸. همان.

و اگر اذن خواستند اجازه دهید. وقتی در شب که خطر بیشتری برای زنان وجود دارد، می فرماید اجازه بدهید، در روز به طریق اولی باید اجازه داده شود. مفاد این روایات آن است که زنان از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم نشوند و اگر زنان بتوانند عفاف و حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان را رعایت کنند، فضیلت نماز خواندن در مسجد برای زنان همچون مردان است.

مبحث دوم: شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای غیر از نماز

۱. حضور حضرت فاطمه (علیها السلام) در مسجد

پس از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، هنگامی که ابوبکر غاصبانه بر تخت حکومت نشست، حضرت زهرا (علیها السلام) به مسجد رفتند و خطبه فدکیه را بیان فرمودند.^۱

۲. خطبه حضرت زینب (علیها السلام) در مسجد اموی شام

سخنرانی حضرت زینب (علیها السلام) در مسجد اموی شام بوده است و امام زین العابدین (علیه السلام) و مردم اعتراضی برای حضور ایشان و سایر زنان در مسجد نداشتند.

۳. حضور زن در مسجد برای اعتکاف

ابی عبدالله (علیه السلام) فرموده اند: «وَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ وَلَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَالْمَرْأَةُ مِثْلُ ذَلِكَ، اعتكاف یا در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا مسجد جامع هر شهری منعقد می شود و سزاوار نیست معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون اینکه بنشیند برگردد».^۲

ایشان در ادامه حدیث می فرماید: و زنان مثل مردان هستند. پس معلوم می شود زنان هم می توانند به مسجد بیایند و معتکف شوند. در روایتی آمده است: زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاه با آن حضرت در مسجد معتکف می شدند.^۳ قرآن کریم هم می فرماید: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ؛ با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید».^۴ بنا بر این روایت، اگر زنان بیرون از مسجد باشند، این سخن خداوند در قرآن

۱. ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ج ۲ و ص ۱۷۷، ج ۱.

۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۲۳، ج ۲۴۷۶.

۴. بقره، آیه ۱۸۷.

معنا نمی‌دهد؛ بنابراین یا معتکفان با زنانشان معتکف بودند یا زنان در مسجد به دیدار مردان می‌آمدند. در روایتی آمده است:

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ وَ أَيْ امْرَأَةٍ كَانَتْ مُعْتَكِفَةً ثُمَّ حَرَمَتْ عَلَيْهَا الصَّلَاةَ فَخَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ فَطَهَّرَتْ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لِزَوْجِهَا أَنْ يُجَامِعَهَا حَتَّى تَعُودَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ تَقْضِيَ اعْتِكَافَهَا؛ امام صادق (ع) فرمود: اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند»^۱.

۴. محبته خادم مسجد

تاریخ از وجود زن مسلمان سیاه‌پوستی به نام محبته (ام‌محبن) در عصر رسول خدا (ص) خبر می‌دهد که خادم و نظافت‌کننده مسجد پیامبر (ص) بوده است. ابوسعید می‌گوید: زنی سیاه‌چرده، که مسجد را جارو می‌کرد، شبی وفات کرد. هنگامی که صبح شد، رسول خدا (ص) را از مرگش با خبر کردند. ایشان فرمودند: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن‌گاه پیامبر اکرم (ص) با اصحابش بر قبر او حاضر شدند، آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند، بر او نماز گزارند و برای او دعا کردند.^۲ طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می‌بینم.^۳

۵. حضور زن در مسجد برای رفع آلودگی مسجد

حضرت رسول (ص) وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد با شوهرش با خبر شد و آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمودند: شوهر را به علت همسرش بخشیدم.^۴ به نظر می‌آید این زن در مسجد بوده است که مطلع شده است یا بعد از اطلاع، به مسجد آمده است و در محراب حاضر شده است و پیامبر اکرم (ص) به این حضور اعتراض نکرده‌اند.

۶. زن و حائض شدن در مسجد

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ نَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ فَاخْتَلَمَ فَأَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَلْيَتَيَمَّمْ وَ

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۱۶، ج ۲، ص ۹۲.

۳. اسد الغابه، ج ۵، ص ۶۱۷.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۶، ح ۳۸۲۱.

لَا يَمْرُقُ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا مُتَيَّمًا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ ثُمَّ يَغْتَسِلُ وَكَذَلِكَ الْحَائِضُ إِذَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ تَفْعَلُ كَذَلِكَ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَمْرُقَ فِي سَائِرِ الْمَسَاجِدِ وَلَا يَجْلِسَانِ فِيهَا؛ امام باقر (ع) فرموده‌اند: اگر مردی در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر اکرم (ص) به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد گذر کند و خارج گردد؛ سپس غسل نماید. همین طور زن، اگر در این دو مسجد حیض شود، این گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد بدون تیمم هم می‌تواند خارج گردد»^۱.

۷. حضور فاطمه بنت اسد در مسجد

اگر زن نباید به مسجد برود، پس فاطمه بنت اسد با مسجد الحرام و خانه خدا چه کار داشت و از آن مهم‌تر چرا دیوار خانه خدا هم شکافته شد؟

۸. نوله بنت اسلیم در نماز جماعت مسجد بنی حارثه

یکی از زنان مسجدی عصر پیامبر اکرم (ص) «نوله بنت اسلیم» است که در روز تغییر قبله، در نماز جماعت مسجد بنی حارثه شرکت داشت و ماجرای آن روز را چنین تعریف می‌کند: دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله بیت المقدس خوانده بودیم، که شخصی خبر آورد: رسول الله (ص) به طرف بیت الله الحرام روی کرده است؛ بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل دادند و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت الله الحرام گزاردیم.^۲

۹. سفارش پیامبر اکرم (ص) به خروج زنان از مسجد قبل از مردان

روایت است که روزی رسول خدا (ص) بیرون مسجد بودند و دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند، ایشان رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.^۳

۱۰. باب النساء

یکی از درهای مسجد النبی به نام «باب النساء» است. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، باب النساء مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر اکرم (ص) به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.^۴

۱. الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۸۰.

۲. اسد الغابة، ج ۵، ص ۵۵۷.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۴. همان.

۱۱. تعلیم و تعلّم زنان مسلمان در مساجد

شواهد نشان می‌دهد که تعلّم در مساجد، خاصّ مردان نبوده است. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر اکرم ﷺ گوش دهند و گاهی از آن حضرت سؤال کنند. اگر احساس می‌شد زنان، به هر دلیل، سخنان پیامبر اکرم ﷺ را نشنیده‌اند، پیامبر اکرم ﷺ آنان را دوباره موعظه و نصیحت می‌کرد.^۱

۱۲. پرستاری زن از مجروحان در مسجد

در تاریخ نقل شده است که در مسجد پیامبر اکرم ﷺ جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر اکرم ﷺ و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می‌کردند. واقدی می‌نویسد:

«در ماجرای جنگ اُحُد مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر اکرم ﷺ ایشان را در خیمه «کعبیه»، دختر سعد بن عتبّه در مسجد پیامبر، جای داد. این زن زخمی‌ها را معالجه می‌کرده و از اشیاء گمشده و پراکنده نگهداری می‌کرد».^۲

۱۳. همراهی پیامبر اکرم ﷺ و فاطمه ﷺ در رفتن به مسجد

نقل شده است: روزی امام علی ﷺ وارد منزل می‌شود و همسرش، فاطمه ﷺ را نمی‌یابد؛ از منزل خارج می‌شود و به سوی مسجد روانه می‌گردد، در مسجد نماز می‌خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع می‌کند و به آن تکیه می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ و فاطمه ﷺ در حالی که حسنین ﷺ را در آغوش داشتند و دست ام‌کلثوم را در دست گرفته بودند به مسجد می‌آیند. در مسجد می‌بینند که امام علی ﷺ همان‌گونه که بر شن‌ها تکیه داده بود خوابش برده است. در این هنگام پیامبر اکرم ﷺ پای مبارکش را روی پای مبارک امام علی ﷺ می‌گذارد و مقداری فشار می‌دهد و می‌گوید: «قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ» (بلند شوای ابوتراب). در این حدیث مشاهده می‌شود که حضرت فاطمه زهرا ﷺ به مسجد تشریف برده‌اند، در حالی که ضرورتی هم نبوده است.^۳

مبحث سوم: بررسی فقهی حضور زن در مسجد

فقه‌های اسلام، به خصوص شیعه، باتوجّه به سه دسته از روایاتی که بیان شد، و نیز آیاتی از قرآن کریم، در مورد حضور بانوان در مسجد اختلاف نظر و فتوا دارند.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

۲. تاریخ کتابخانه اهل مساجد، ص ۴۷.

۳. الآداب الطیبة فی الاسلام، ص ۶۹؛ المغازی، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۱۸۰.

■ عده‌ای همچون علامه حلی، آمدن زنان به مساجد را مکروه می‌دانند و می‌فرمایند: «یکره للّساء الاتیان الی المساجد لما فیہ من التبرج المنہی عنه.»^۱ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خیر مساجد نساءکم البیوت».^۲ در کتاب نه‌ایة الاحکام می‌گوید: «و هذا الحکم (رفتن به مسجد) مختص بالرجال دون النساء لأنهن امرن بالإستتار...».^۳

■ عده کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت حضور زن در مسجد نداده‌اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زنان برتر شمرده‌اند.^۴ شهید اول می‌فرماید: «ویستحب للنساء الاختلاف الیها کالرجال وإن کان البیت افضل و خصوصاً لذوات الهیئات».^۵ همچنین صاحب غنائم الایام می‌گوید: «و اما المرأة فصلاتها فی البیت افضل...».^۶

این دو گروه از فقها، دلیل خود را توجّه کردن به آیات قرآن و احادیث معصومان^۷ ذکر کرده‌اند که مبین ممنوعیت تبرج (آشکار شدن در برابر دیدگان مردم) زنان و دستور شرع مقدس بر اهمیت حفظ عفاف و رعایت حجاب و عدم اختلاط زنان و مردان و نیز جلوگیری از وقوع فتنه و مفساد اجتماعی و اخلاقی است.^۸

■ برخی دیگر از فقهای شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور و نماز خواندن زن در مسجد دانسته‌اند. مرحوم محقق اردبیلی می‌گوید: «گرچه بنا بر برخی روایات، فضیلت حضور در مسجد مختص مردان است؛ ولی با توجّه به دیگر روایات و ضعفی که در سند روایت یونس بن ظبیان وجود دارد، می‌توان گفت: «و مع ذلک لایبعد الاستحباب اذا کنّ لا یراهنّ احد و لا یرونه مع عدم مفسدة اخرى».^۹

امام خمینی (رحمه الله) نیز فرموده‌اند: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اتاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند».^{۱۰} حتی برخی از فقهای معاصر می‌فرمایند: «برای زن‌ها در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ج ۱۲۴۰: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۳. نه‌ایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۳.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰، ۱۴۹: الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵؛ الشیخ لطف الله الصافی، هداية العباد، ج ۱، ص ۱۲۰، مسئله ۷۱۲ و السید الگایانی قدس سره، هداية العباد، ج ۱، ص ۱۳۹، مسئله ۷۱۲.

۵. الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵.

۶. غنائم الایام، ج ۲، ص ۲۱۲-۲۱۰.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۶۹۴ و احزاب، ۳۹ و ۵۹ و نور، آیه ۳۱.

۸. تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰، نه‌ایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۰، ۱۴۹؛ غنائم الایام، ج ۲، ص ۲۱۲-۲۱۰.

۹. مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۹؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۵۵.

۱۰. امام خمینی (رحمه الله)، توضیح المسائل، م ۸۹۴.

نماز را در مسجد بخوانند. اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند.^۱ همچنین طبق کتاب‌های فقهی، یکی از مسائل شرعی بانوان این است که در حال عادت ماهیانه نمی‌توانند مسجد بروند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم فرموده‌اند: «انَّ الْمَسْجِدَ لَا يَحِلُّ لِمَنْحَبٍ وَلَا حَائِضٍ».^۲ اگر بنا بود زنان اصلاً مسجد نروند، چرا فرمودند: در ایام عادت نروند؟ بنابراین، مفهوم حدیث و مفهوم فتوای مراجع عظام تقلید این است که وقتی عذر شرعی ندارند، می‌توانند به مسجد بروند.^۳

در باب احکام محرّمات جنب و حائض آمده است: برای این دو رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حرام است؛ اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند. توقّف در مساجد دیگر نیز حرام است؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شوند یا برای برداشتن چیزی بروند، مانعی ندارد.^۴

دلایل قائلان به جواز و استحباب حضور بانوان در مسجد، همان شواهد تاریخی است بر حضور این قشر از جامعه در نمازهای جماعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز عمومات و اطلاعات روایاتی که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد و بهره‌مندی از فضایل مسجد برای انسان، قطع نظر از جنسیت آن، است.^۵ علاوه بر اینکه فقه‌های متقدّم، متأخّر و نیز معاصر حضور زنان را همچون مردان در مسجد الحرام و مراسم عبادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی نماز جمعه^۶ و اعتکاف و حج جایز شمرده‌اند.^۷

مبحث چهارم: شرایط حضور زنان در مساجد

فقه‌های اسلام اتفاق نظر دارند که حضور زنان در مساجد جایز است (جواز بالمعنی الأعم). اینک باید دید این حضور شرایطی هم دارد یا خیر. در پاسخ باید گفت: شرع مقدّس، آداب و دستورهای بیان کرده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. استفاده نکردن از بوی خوش

یکی از آداب مسجد، زینت کردن هنگام رفتن به مسجد است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد زینت خود را بپوشید.^۸ آنچه از کتاب‌های

۱. مکام شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، م ۸۱۷.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

۳. امام خمینی رحمته الله علیه، توضیح المسائل، م ۴۵۰.

۴. همان، م ۳۵۵.

۵. مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۹؛ کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۱۴.

۶. جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۶۸؛ کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۷۹.

۷. مستند الشیعة، ج ۱۰، ص ۵۴۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۸ و ۲۱۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۲۶.

۸. اعراف، آیه ۳۱.

روایی و تفسیری در تفسیر کلمه «زینت» استفاده می‌شود این است که «زینت» هم شامل آراستگی ظاهری می‌شود و هم شامل آراستگی باطنی و درونی. چنان که ذکر مصادیق در روایات، از قبیل پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن و استعمال عطر و بوی خوش در حال نماز و در مسجد، جنبه تعیینی ندارد و اینها از مصادیق زینت هستند.^۱ در کتاب‌های فقهی هم آمده است: «يُسْتَحَبُّ التَّطَيُّبُ وَلُبْسُ الثِّيَابِ الْفَاخِرَةِ عِنْدَ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَسْجِدِ؛ مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس‌های نیکو استفاده شود». ^۲ اما همین امر مستحب که بر آن این قدر تأکید شده است، نباید در مورد بانوان به گونه‌ای باشد که تحریک کننده و با شئون و عفاف آنان مخالف باشد.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: هنگامی که یکی از شما زنان قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده کند.^۳ ایشان همچنین فرموده‌اند: هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به سوی مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف کند.^۴

۲. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

حضور زنان در مسجد آثار و ثواب بسیار دارد؛ ولی نباید زمینه‌ای برای اختلاط فراهم آید. در روایت آمده است که روزی رسول خدا ﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند. حضرت به زنان فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.^۵ همچنین، روزی حضرت به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این درب را به بانوان اختصاص دهیم.^۶ بدین ترتیب در آمدن و خروج زنان به مسجد را از مردان جدا کردند.

۳. پرهیز از سخنان بلند و بیهوده

یکی از نکاتی که افراد، چه زن و چه مرد، شایسته است در مسجد و حتی خارج از آن رعایت کنند، پرهیز از سخنان بیهوده و سخن گفتن با صدای بلند است. خداوند در قرآن کریم خطاب به زنان رسول الله ﷺ می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای همسران پیامبر! به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند

۱. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۷۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴، ۱۳؛ اصول کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۷ و ص ۵۱۰، ح ۷.

۲. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۳۳.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۵. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

و سخن شایسته بگویید».^۱ در واقع، خداوند در این آیه شریفه به زنان دستور می‌دهد در سخن گفتن، وقار و عفاف داشته باشند. رسول خدا ﷺ بلند کردن صدا در مسجد را از نشانه‌های نزول بلا بر امت می‌شمارد و می‌فرماید: هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود، بلا بر آنان نازل خواهد شد، از جمله آنها این است که «وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ؛ صداها را در مسجد بلند کنند».^۲ بنابراین، بر همه، به ویژه زنان، واجب است که از صحبت کردن درباره امور دنیوی و بلند کردن صدا پرهیز کنند.

۴. اجازه شوهر

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و اجازه دهید».^۳ به طور کلی، خروج زن از منزل، گرچه برای رفتن به مسجد باشد، نباید منافاتی با حقوق شوهرش داشته باشد؛ در غیر این صورت، نباید به مسجد یا خارج از خانه برود.^۴

۵. عدم توقف بیجا در مسیر مسجد

زنان مسلمان باید بدانند که توقف بیجا در کوچه، خیابان و مسیر مسجد شایسته نیست؛ حتی توقف بیهوده در خود مسجد نیز مذموم شمرده شده است. رسول اعظم ﷺ خطاب به ابوذر می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ! كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ، إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ، أَوْ ذَاكِرُ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ؛ ای ابوذر! هر نشستن در مسجد لغو و بیهوده است، مگر توقف و نشستن سه گروه: آنان که پس از بجا آوردن نماز مشغول قرائت قرآن یا سرگرم یاد خدا یا در حال تحصیل علم و دانش و مباحثه علمی باشند».^۵

مبحث پنجم: آثار حضور زنان در مسجد

در متون روایی شیعه و سنی، برای رفت و آمد به مسجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی بیان شده است. از این رو، بانوان نیز با رعایت شرایطی که در مباحث قبل ذکر شد، می‌توانند از همه این نتایج و آثار برخوردار باشند. افزون بر آنکه حضور بانوان در مسجد، آثار اجتماعی فراوانی نیز دارد؛ از جمله: ظاهر جامعه

۱. احزاب، آیه ۳۲.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۰۱ و ۵۰۲.

۳. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۴. توضیح المسائل، امام خمینی رَحْمَهُ، م ۲۴۱۲.

۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶، ح ۸.

دینی تر و مساجد پر رونق تر می شود و همچنین آنها می توانند به کمک آموزه هایی که در مسجد کسب می کنند، نسل پس از خود را نسلی ایمانی بار بیاورند و کودکانی آگاه و مقید بپروند که در واقع مسلمانان حقیقی نسل بعد هستند. با توجه به مجموعه روایات و آیات وارده درباره مسجد، می توان گفت که اگر بانوان بار عایت شرایط، در این مکان های الهی وارد شوند، می توانند از آثار عبادی، آموزشی، تربیتی، معنوی، علمی، سیاسی و اجتماعی و به ویژه اثرات اخلاقی، روانی و تعالی بخش مسجد بهره مند گردند.

نتیجه سخن

بر اساس آموزه های اصیل اسلامی، بین زن و مرد نوعی برابری حاکم است. در مقام های معنوی تفاوتی بین آنان نیست و در انسانیت و ارزش ها، موقعیتی یکسان دارند. تنها ملاک برتری انسان ها بر یکدیگر، تقوا است.

اسلام با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی وی را مادری و تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده تا با رعایت شئون اسلامی، برای انجام عبادات و استفاده از برنامه های فرهنگی مسجد و سایر اجتماعی که برای آنان مفید ندارد، حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.

با مطالعه در تاریخ صدر اسلام، درمی یابیم که زنان با حضور در مسجد و دیگر عرصه های اجتماعی، نقش به سزایی در رشد و ترقی خود و جامعه اسلامی داشته اند و تاریخ پر بار اسلام سرشار از صحنه هایی است که زنان آفریدگار آن بودند.

به هر حال، اسلام زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی کند؛ بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می داند؛ مانند شرکت در مراسم حج واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق جلوگیری از همسر خود را ندارد.

مطالعه روایات موجود در کتاب های حدیثی شیعه و سنی و نیز دقت در شواهد تاریخی، گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای برگزاری نماز جماعت و دیگر مراسم عبادی و آموزشی و...، در عصر رسول خدا ﷺ، از مسلمات تاریخ است؛ زیرا اسلام نه مردان و زنان را خانه نشین کرده است و نه همه قید و بندها را از پایشان گسسته است.

با استناد به مجموع روایات وارده در این باب، می توان این گونه استفاده کرد که بانوان مجاز هستند در مسجد برای عبادت و سایر برنامه های فرهنگی حضور یابند؛ البته مشروط به این که عفاف و حجاب و

شئون زن مسلمان را رعایت کنند. در این صورت، فضیلت نماز خواندن آنان در مسجد همچون مردان است. در متون روایی شیعه و سنی، برای رفت و آمد به مسجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی بیان شده است. از این رو، بانوان نیز با رعایت شرایط لازم، می توانند از همه این نتایج و آثار برخوردار شوند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. جعفر مرتضی عاملی، الآداب الطيبة فی الاسلام، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۲. ابن اثیر، عزالدین، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۵. —، اختبار معرفة الرجال، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۶. —، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۷. —، الخلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۹. سیبائی مکی، محمد، تاریخ کتابخانه های مساجد، محمد مکی السباعی، محمد عباسپور و محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۱۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیلة، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۱۱. —، رساله توضیح المسائل.
۱۲. —، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۱۳. حلی، علامه حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، تهران، انتشارات علمیّه، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۵. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دارالکتاب، چ ۳، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از دانشمندان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهل و یکم، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۷. عروسی الحویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۱۸. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۱۹. —، خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسين.
۲۰. —، علل الشرايع، نجف، مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۶ هـ. ق.

٢١. _____، من لايحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٣ هـ.ق.
٢٢. شعيري، شيخ تاج الدين محمد بن حيدر، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضى، ١٣٦٣ هـ.ق.
٢٣. نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٤١٢ هـ.ق.
٢٤. قرائتى، محسن، حج، نشر مشعر، ١٣٧٣ هـ.ش.
٢٥. شهيد الأول، دروس الشرعية، قم، مؤسسه نشر الاسلامى، ١٤١٢ هـ.ق.
٢٦. تميمى مغربى، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ١٣٨٥ هـ.ق.
٢٧. قطب الدين راوندى، الدّعوات، قم، مدرسة الامام المهدي ﷺ، چاپ أول، ١٤٠٧ هـ.ق.
٢٨. نجاشى، شيخ ابى العباس احمد بن على، رجال النجاشى، قم، مؤسسة النشر اسلامى التابعة لجماعة المدرسين، چاپ پنجم، ١٤١٦ هـ.ق.
٢٩. آيت الله العظمى مكارم شيرازى، ناصر، رساله توضيح المسائل، مدرسة الامام على بن ابيطالب (عليه السلام)، چاپ دوازدهم، ١٣٨٣ هـ.ق.
٣٠. ابن ماجه، محمد بن الحسين بن على البيهقى، سنن ابن ماجه، بيروت، دارالفكر.
٣١. السجستاني، سليمان بن الأشعث، سنن ابى داود، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٠ هـ.ق.
٣٢. بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، بيروت، دارالفكر.
٣٣. نوبهار، رحيم، سيماى مسجد، قم، انتشارات اعتماد، ١٣٧٣ هـ.ق.
٣٤. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، بيروت، دارالفكر.
٣٥. قشيري نيشابورى، محمد بن مسلم، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر.
٣٦. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، دارصادر.
٣٧. طباطبايى يزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، بيروت، مؤسسة الأعلمى، ١٤٠٩ هـ.ق.
٣٨. الميرزا ابوالقاسم قمى، غنائم الايام فى مسائل الحلال والحرام، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٧ هـ.ق.
٣٩. كاشف الغطاء، شيخ جعفر، كشف الغطاء، اصفهان، انتشارات مهدي، چاپ سنگى.
٤٠. فاضل هندى، محمد بن حسن، كشف اللثام، قم، مكتبة السيد المرعشى، ١٤٠٥ هـ.ق.
٤١. المتقى الهندى، كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ هـ.ق.
٤٢. هيثمى، نورالدين، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٨ هـ.ق.
٤٣. محقق اردبيلى، مجمع الفائدة والبرهان فى شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٩ هـ.ق.

۴۴. وزام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة وزام، قم، مكتبة الفقيه.
۴۵. حاکم النیشابوری، محمد بن محمد، مستدرک الحاکم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۴۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۴۷. نمازی الشاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين به قم المشرفة، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۴۸. محقق نراقی، محمد مهدی، مستند الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۴۹. الأمام احمد حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر.
۵۰. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ هـ.ش.
۵۱. طبرسی، ابی نصر حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۵۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر اسلامی.
۵۳. عزیزی، عباس، نماز بانوان، صلاة، چاپ دوم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۵۴. علامة حلی، نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۵۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، ترجمه نشر جاویدان.
۵۶. گلپایگانی، سید محمد رضا، هداية العباد، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۵۷. صافی الغلپایگانی، شیخ لطف الله، هداية العباد، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۵۸. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ هـ.ق.

حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت بر اساس آموزه‌های دینی

عسکری اسلامپور کریمی

چکیده

یکی از مسائلی که از دیرباز در میان مسلمانان مطرح بوده و گاه چالشی فکری و اجتماعی محسوب می‌شده، مسئله حضور زنان در مسجد و عرصه‌های اجتماعی است. مقاله حاضر در صدد تبیین حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی است. نویسنده با استناد به شواهد تاریخی و آیات و روایاتی که جواز یا عدم جواز حضور زنان در مسجد را بیان می‌کند، به تبیین این موضوع پرداخته است.

در گفتار اول: روایات و حضور بانوان در مسجد مورد بحث قرار گرفت. به طور کلی، روایات وارده درباره حضور زنان در مسجد، بر دو دسته‌اند: الف) دسته‌ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته‌اند؛ ب) دسته‌ای از روایات بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است. نویسنده با نقد و بررسی این روایات، به تبیین دیدگاه‌ها پرداخته است. در گفتار دوم: تبیین شواهد تاریخی؛ علاوه بر روایات، شواهد تاریخی نیز حاکی از حضور زنان در مسجد برای نماز جماعت بوده است. در گفتار سوم و چهارم: شرایط حضور بانوان در مسجد و عرصه‌های اجتماعی و آثار و برکات این حضور، مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، بانوان، جواز حضور، عدم جواز حضور، عرصه‌های اجتماعی، شرایط حضور، آثار و برکات حضور.

مقدمه

با نگرش به مجموعه تعالیم حیات بخش شریعت اسلام، درمی یابیم که زن از سرشتی انسانی، همچون مرد آفریده شده است و همان گونه که در آفرینش با مرد یکسان می باشد و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه های بلند تقوا و فضیلت و کسب ارزش های والای الهی و انسانی نیز دارای استعداد های سرشار است که حق تعالی در او به ودیعت نهاده است.

بانوان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، همانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه مناسب دارند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید.

اسلام، با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی وی را مادری و تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده تا با حفظ حریم و عفت و پاکدامنی و در پوششی محفوظ از تیر زهر آگین نگاه های هوس آلوده آلوده دلان، در اجتماع حضور یابد و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.

تاریخ اسلام سرشار از صحنه هایی است که زنان آفریدگار آن بودند. در این نوشتار بر آنیم تا با مطالعه و بررسی آموزه های دینی و تاریخ اسلام (شواهد تاریخی)، به جواز حضور زنان در مشارکت عمومی و عرصه های مختلف اجتماع مانند، حضور در مساجد و دیگر اماکن عبادی بپردازیم؛ باشد که ابهامات موجود در این باره در پرتو آموزه های اصیل اسلامی و شواهد تاریخی از صدر اسلام، به خوبی بر همگان آشکار گردد.

گفتار اول: روایات و حضور بانوان در مسجد

با امعان نظر در منابع اصیل روایی اسلام، درمی یابیم که روایات وارده در خصوص حضور بانوان در مسجد، بر دو قسم قابل تقسیم است:

الف) دسته ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته است؛

ب) دسته ای از روایات، بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است.

اندیشمندان شیعه با توجّه به این دو دسته از روایات و نیز دسته دیگری از روایات که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد برای انسان - اعم از زن و مرد - است^۱، نسبت به حضور زنان در مسجد، اختلاف نظر دارند.

۱- رک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷؛ کترالعمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۸، ص ۶۵۰.

عده‌ای همچون، علامه حلی رحمته‌الله حضور بانوان را در مساجد مکروه دانسته‌اند.^۱ عده کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت نداده‌اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زن افضل شمرده‌اند؛ دلیل این دو دسته، برخی آیات و روایات است که در ذیل به آن می‌پردازیم. برخی از فقهای عظام شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور زنان در مساجد دانسته‌اند.

الف) بررسی و پاسخ به دلایل قائلان به افضلیت نماز برای بانوان در خانه

دین مبین اسلام به مسئله حجاب و عفاف زنان جهت حفظ شخصیت و ارزش آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است.

خداوند در قرآن کریم به زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستورهای خاصی داده است تا ارزش و احترام آنان محفوظ بماند. از جمله می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» ای زنان پیامبر! اگر تقوایپیشه کنید، مانند هیچ یک از زنان نیستید؛ پس در گفتار، نرمی نکنید تا آن که بیمار دل است، طمع کند و سخن پسندیده بگوید».^۲

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ...».^۳ واژه «قرن» از وقر- یقر به معنای استقرار است، مستقر شدن و بر جای ماندن، «سید قطب» با توجه به این معنا، نوشته است: «قرن، تعبیر لطیفی است؛ یعنی: خانه، پایگاه زن است؛ از این رو، زن به قدر نیاز و حاجت می‌تواند از منزل خارج شود».^۴

در تفسیر «فرقان» نیز آمده است: قرن از قر یقر، امر آن: «اقررن» است. آیه شریفه، زنان را به قرار گرفتن در خانه امر می‌کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند.^۵

درباره معنای واژه «تبرج» در قدیمی‌ترین متن لغوی، یعنی کتاب «العین» آمده است: آن‌گاه که زن زیبایی‌های گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می‌شود: تبرج کرده است.^۶

فیومی نیز جلوه‌گری و عرضه زیبایی‌ها را مفهوم تبرج دانسته و نوشته است: «تَبَرَّجَتِ الْمَرْءَةُ؛ یعنی زن، زیبایی‌ها و زینت‌هایش را در مقابل نامحرم آشکار سازد».^۷

۱- تذکره الفقها، ج ۱، ص ۹۰.

۲- احزاب، آیه ۳۲.

۳- احزاب، آیه ۳۳.

۴- فی ضلال القرآن، ج ۵، ص ۲۸۵۹.

۵- الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۱۰۵.

۶- کتاب العین، ج ۶، ص ۱۱۵.

۷- مصباح المنیر، ج ۱، ص ۴۲.

ناگفته نماند که طرف خطاب خداوند در آیه مزبور، همسران پیامبرند؛ ولی در مورد هریک از زنان مسلمان نیز می‌تواند صادق باشد. در آیه قبل، زنان پیامبر از سخن گفتن هوس‌انگیز و مهیج، نهی شده‌اند تا از طمع و آزار بیگانگان ایمن باشند. در این آیه می‌فرماید: در خانه‌هایتان بمانید و همچون زنان جاهلیت در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و زیبایی و زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید.

این آیه شریفه، بیانگر اهمیت حجاب اسلامی و نهی از خودنمایی است که به زنان مسلمان دستور می‌دهد همانند زنان عصر جاهلیت نخستین، برای حضور در اجتماع، از خودنمایی و خودآرایی بپرهیزند. روشن است که مراد، محصور و محبوس نمودن زن در خانه و بریدن او با اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه، یعنی زنان پیامبر ﷺ به شهادت تاریخ همراه آن حضرت به مسافرت رفته، در جنگ‌ها شرکت جسته و پیامبر ﷺ نیز منعی نفرموده است.

قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان و مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند»^۱.

این آیه شریفه، فلسفه پوشش زنان را با تعبیر «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» بیان کرده است: یعنی پوشش، نزدیک‌ترین راه است که زنان به ستر و عفاف شناخته شوند و نااهلان و فاسدان در مقام تعقیب آنان برنیایند و به آنها آذیت و بی‌احترامی نکنند و نگاه هوس‌آلود و پرتما به آنان نداشته باشند.^۲

زینت زن اگر برای خود و محرمش حفظ شود، پاداشی ارزنده نزد خدا برای وی در نظر گرفته شده و زنان باید بکوشند تا با خویشتنداری به آن پاداش دست یابند و خدا خواسته تا ارجمند باشند و جایگاه آنان بر جا باشد. به هر صورت، این دستورات فقط برای همسران و اهلیت پیامبر ﷺ نیست. وقتی زنان پیامبر ﷺ باید در خانه بمانند تا حرمت آنان خدشه‌دار نشود، دیگر زنان هم چنین هستند این سفارش به خودداری از بیرون آمدن از خانه، به دلیل حفظ شئون اسلامی است.

درباره شأن نزول این آیه شریفه آمده است: «گروهی از منافقان، اوائل شب که هوا تاریک می‌شد در کوچه‌ها و معابر مزاحم زنانی که جهت اقامه نماز به مسجد می‌رفتند می‌شدند. خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود و به پیامبر ﷺ دستور داد که به همسران و دختران خویش و زنان مؤمنین بگوید که بدون جلباب و روسری از خانه خارج نشوند. از این رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در

۱- احزاب، آیه ۵۹.

۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۷۷؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۲۳۰.

نماز جماعت حاضر می‌شدند؛ بنابراین، وجود عدم امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن از هرگونه تجاوز، اسلام دستور به حفظ حجاب و پوشش داده است.

همچنین قائلین به افضلیت نماز برای بانوان در خانه، به برخی از احادیث وارده از معصومان (علیهم‌السلام) که بر افضلیت نماز زنان در خانه دلالت دارد، تمسک جسته‌اند.

دسته‌ای از روایات نیز زنان را از رفتن به مسجد باز داشته‌اند. همچنین از کتاب‌های روایی و فتاوی بعضی از فقهای شیعه و سنی استفاده می‌شود که برای زنان خواندن نماز در خانه از نماز خواندن در مسجد فضیلت بیشتر دارد. جهت اختصار به نمونه‌هایی از این روایات و فتاوا که مضمون همه آنها یکسان است، اشاره می‌کنیم:

رسول خدا ﷺ فرمودند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحْدَهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ حَسَاءً وَعَشْرِينَ دَرَجَةً؛ به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است در حالی که بیست و پنج درجه فضیلت دارد».^۲ همچنین فرمودند: «إِنْ مَسَاجِدَ النِّسَاءِ الْبُيُوتُ، وَصَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا وَصُفَّتْهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا؛ بهترین مسجد زنان، خانه است؛ و نماز در خانه برتر از نماز او در ایوان است؛ و نماز او در ایوان برتر از نمازش در حیاط خانه‌اش است؛ و نماز او در حیاط خانه، برتر از نمازش بر پشت بام خانه است».^۳

و نیز در «نهج الفصاحه» از آن حضرت چنین نقل شده است: «بهترین مسجد زنان، کنج خانه آنها است».^۴

«نمازی که زن، در تاریک‌ترین گوشه خانه خود به جا می‌آورد، از همه نمازهای او نزد خدا محبوبتر است».^۵

امام صادق (علیه‌السلام) در این باره فرمودند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ؛ بهترین مساجد برای زنان شما خانه‌ها است».^۶

همچنین فرمودند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مَخْدِ عَمَّا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا وَ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ؛ نماز زن در اطاق عقبی (پستو)، برتر از نماز او در اطاق جلویی است و نماز او در اطاق نشیمن،

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۰؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸.

۴- نهج الفصاحه، ص ۴۷۴، ح ۱۵۳۲.

۵- همان، ص ۶۹۰، ح ۲۵۸۸.

۶- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

برتر از نمازش در خانه‌اش است».^۱ یکی از همسران پیامبر ﷺ از آن حضرت نقل می‌کند که فرمودند: «خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ، قَعْرُ بُيُوتِهِنَّ؛ بهترین مساجد برای زنان، اطاق‌های عقب خانه‌های آنان است».^۲ همانند این روایات، در منابع اهل سنت نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است.^۳

رسول خدا ﷺ به امام علی (ع) فرمود: «يَا عَلِيُّ! لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ؛ رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! بر زنان نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه واجب نیست».^۴

از نظر فقهی، در فقه شیعه و سنی در این مسئله تقریباً نظریه واحدی وجود دارد و آن این که ادله و جوب نماز جمعه به چند دسته تریخص داده است؛ یک دسته از آنها زنان هستند. نماز جمعه یک تکلیف واجب است که در زمان حضور معصوم (ع) واجب تعیینی بود. چند گروه از این حضور معاف بودند؛ بنابرین، بیان و لسان ادله، رفع کلفت و الزام است، نه ایجاد ممانعت؛ به عبارت دیگر، وجوب نماز جمعه منوط به مذکر بودن است، نه جواز آن. بر همین اساس، فتوای اکثر قریب به اتفاق فقهای عظام این است که در صورت حضور، نماز جمعه زنان صحیح و کفایت از نماز ظهر آنان می‌کند. حتی برخی از این هم فراتر رفته و فرموده‌اند: زنان در صورت عدم حضور، تکلیفی نسبت به نماز جمعه ندارند؛ ولی اگر در جماعت حضور پیدا کردند، بر آنها واجب می‌شود. مانند صاحب سرائر که می‌نویسد: در صورت عدم حضور، نماز جمعه جایز و گر نه واجب است.^۵

شهید اول (رحمته) در «دروس الشرعیه» می‌گوید: «و مع الحضور، تجب».^۶

برخی از علما، فتوای فوق را درباره باقی معذورین غیر از زنان؛ مانند بیماران، صحیح می‌دانند، ولی در زنان صحیح نمی‌دانند. چنان که محقق اردبیلی (رحمته) با این نظر مخالفت نمودند. وی گرچه نماز جمعه زنان را فقط مجزی دانسته، نه واجب؛ ولی برای فرق میان زنان و سایر معذورین؛ چه از نظر اجزاء و عدم اجزاء و چه از حیث وجوب و عدم وجوب، ادله وارده را تمام نمی‌داند، بلکه می‌فرماید:

«لعلَّ الرَّجُلَ أَنْ سَقُوطَهَا لِلْمَشَقَّةِ فَهُوَ رَخْصَةٌ^۷ مَنْوُطَةٌ بِالْعَلَّةِ فَعَلَى تَقْدِيرِ عَدَمِهَا لَا يَسْقُطُ... لِأَنَّ السَّاقِطَ هُوَ السَّعْيُ وَالشَّهَادَةُ... وَ سَقُوطُ الشَّهَادَةِ لَا يَسْتَلْزِمُ سَقُوطَ الصَّلَاةِ مُطْلَقاً...» بعد می‌فرماید تمام ادله در مورد زنان هم جاری هستند؛ «فالفرق بینهما و بین غیرها محل تأمل».^۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲- اعلام الساجد بأحكام المساجد، ص ۳۰۹.

۳- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ج ۵۷.

۴- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۱۵.

۵- سلسلة التناييع الفقهية، ج ۴، ص ۷۱۸.

۶- همان، ج ۲۸، ص ۶۴۷.

۷- البته خود ایشان در ادامه بحث احتمال هم می‌دهند که رفع وجوب، رخصتی نباشد، بلکه عزیمتی باشد، مثل نماز مسافر.

۸- مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۲، ص ۳۴۵.

امام خمینی رحمته الله نیز نماز جمعه برای زنان را جایز و مجزی از نماز ظهرشان می‌داند.^۱ به هر حال، حکم فقهی مسئله در کلمات فقهای عظام موجود است و غرض از این توضیح، ارائه گزارشی از جواز حضور زنان در نماز جمعه، سنت بودن آن در کتاب‌های روایی و فقهی بود. مبنی بر اینکه فتوای مشهور فقهای عظام، جواز و اجزای نماز جمعه زنان است.

همچنین در کتاب‌های اهل سنت نیز روایاتی که رجحان نماز در خانه را بر نماز جماعت زنان ثابت می‌کنند، وجود دارد؛ از جمله، روایت ذیل که ابوداود و حاکم نقل کرده‌اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الْمَسْجِدِ؛ نماز زن در خانه‌اش، از نماز در مسجد برتر است؛ البته در کتاب «تحریر المرأة فی عصر الرسالة» در صحت این روایت خدشه شده است».^۲

در کتاب‌های فقهی معاصر فقهای اهل سنت، مسئله خروج زنان برای اقامه جماعت، منوط به ایمنی از وقوع در فتنه، عدم ازدحام مردان در خیابان‌ها و بازارهای منتهی به مساجد ذکر شده است. برخی نیز برای جمع میان هر دو فضیلت؛ یعنی جماعت زنان و عدم حضور در میان مردان، نماز جماعت زنان در خانه را پیشنهاد داده‌اند.^۳

به نظر می‌رسد با وجود روایات فراوانی که در کتاب‌های روایی اهل سنت وجود دارد که هم ترغیب پیامبر صلی الله علیه و آله به شرکت زنان در جماعت را می‌رساند و هم سیره متشرعین عصر رسالت را بیان می‌کند، منع تنزیهی علمای اهل سنت از شرکت زنان در جماعت کمی عجیب می‌باشد. بسیاری از فقهای عظام نیز با توجه به اهمیت حفظ حجاب، از روایات «منع خروج زنان از خانه» همین معنا (افضلیت نماز در خانه) را استنباط کرده‌اند.

در کتاب «روضة المتقين» در شرح روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ»^۴ آمده است: «لَا يُهْمُ أَقْرَبُ إِلَى عِصْمَتِهِنَّ وَ سِتْرِهِنَّ؛ نماز خواندن زنان در خانه به عصمت و عفاف آنان نزدیک‌تر است».^۵

صاحب مفتاح الکرامه در جمع‌آوری اقوال در این باره آورده است: «هل شرعية إتيان المساجد للرجال خاصة أو لهم وللنساء؟ في نهاية الأحكام و كشف الالتباس، هذا الحكم يعني: إتيان المساجد مختص

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فیمن تجب علیه صلاة الجمعة، ص ۲۳۷.

۲- تحریر المرأة فی عصر الرسالة، ج ۱۳، ص ۲۲۰.

۳- العک الشیخ - خالد - موسوعة فقه المرأة المسلمة من الکتاب والسنة.

۴- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۶۴۳۲ و ۶۴۳۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱، ح ۳۲.

۵- روضة المتقين فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۷.

بالرجال دون النساء لأنهنَّ أمره بالإستتار وفي (حاشيه الميسى): إنما تستحب الفريضة في المسجد في حق الرجال أما النساء فبيوتهن مطلقاً. وفي مجمع البرهان خير يونس بن ضبيان يدل على اختصاص فضيلة المسجد بالرجال كما هو المذكور في الكتب والمشهور بينهم وفي التذكرة يكره للنساء الإتيان الى المساجد و في (الدروس) للنساء الاختلاف اليها كالرجال وإن كان البيت افضل و خصوصاً لذوات الهيئات و في (النفلية) صلوة المرأة في دارها في (الذكرى) الاقرب شرعية اتيان المساجد للنساء و في موضع آخر من كشف الالتباس ان صلوة المرأة في بيتها افضل من صلاتها في المسجد و في (اللمعة والروضه) الافضل المسجد لغير المرأة أو مطلقاً بناءً على اطلاق المسجد على بيتها وقالوا ايضاً: و مسجد المرأة بيتها بمعنى ان صلاتها فيه افضل من خروجها الى المسجد أو بمعنى كون صلاتها فيه كالمسجد في الفضيلة فلا تفتقر الى طلبها بالخروج و هل هو كمسجد مطلق أو هو كما تريد الخروج اليه، فتخلف بحسبه الظاهر الثاني قلت: و من تتبّع مباحث الجماعة و الأوقات و مباحث الحيض و الاستحاضة و غيرها، ظهر له ان الاصحاب قائلون بشرعية اتيان المساجد للنساء فينبغي التأمل في محل النزاع؛ آیا رفتن به مسجد فقط برای مردان مشروع است یا برای زنان نیز جایز است؟ در «نهاية الأحكام» و «كشف الالتباس» این امر مختص مردان شمرده شده است، نه زنان؛ زیرا به زنان دستور پوشش و پنهان شدن داده شده است.

در حاشیه «میسى» آمده است: خواندن نماز در مسجد برای مردان مستحب است، اما استحباب نماز در خانه برای زنان به طور مطلق ثابت است.

و در «مجمع البرهان» در خبر یونس بن ضبیان آمده: فضیلت رفتن به مسجد برای مردان ثابت است، نه برای زنان.

همان طور که مشهور بین فقها هم همین است.

و علامه حلی در «تذکره» می نویسد: رفتن زنان به مسجد مکروه است.

و در «نفلیه» آمده است: نماز زن باید در خانه اش برپا شود.

و علامه در «ذکرى» می گوید: نماز زن در خانه اش افضل از مسجد است.

و شهید اول و دوم در «لمعه» و «روضة» می گویند: بهتر این است که بگوییم مسجد برای غیر زنان است یا این حکم به طور مطلق جاری است. بنابراین که خانه برای زنان در حکم مسجد است.

و شهید اول و ثانی نیز در معنای «مسجد المرأة بیتها» گفته اند: یعنی نماز خواندن زنان در خانه افضل از رفتن آنها به مسجد است یا به این معنا است که فضیلت نماز زنان در خانه مثل مسجد است و نیازی به رفتن به مسجد نیست.

البته صاحب «مفتاح الکرامه» بعد از نقل اقوال می گوید: «کسی که مباحث احکام جماعت، اوقات، مباحث حیض، استحاضه و غیر آنها را تتبع کند، برایش روشن می شود که اصحاب، قائل به شرعیت رفتن زنان به مسجد هستند. بنابراین، سزاوار است در خصوص این موضوع دقت شود».^۱

شهید ثانی در «شرح لمعه» می گوید: «والأفضل المسجد لغير المرأة أو مطلقاً بناءً على إطلاق المسجد على بيتها بالنسبة إليها... ومسجد المرأة بيتها، بمعنى أنَّ صلاتها فيه أفضل من خروجها إلى المسجد أو بمعنى كون صلاتها فيه كالمسجد في الفضيلة فلا تفتقر إلى طلبها بالخروج؛ بهتر آن است که بگوییم رفتن به مسجد برای غیر زنان است یا این که بگوییم: خانه به طور مطلق «مسجد» زن است. ناگفته نماند معنای این که مسجد زن، خانه اوست، این است که نماز زن در خانه اش از رفتن او به مسجد برتر است یا به این معنا که اقامه نماز در خانه در فضیلت، مثل مسجد است و نیازی به رفتن او به مسجد نیست».^۲

در کتاب «عروة الوثقی» آمده است: «صلاة المرأة في بيتها أفضل من صلاتها في المسجد؛ نماز زن در خانه بهتر از نماز او در مسجد است».^۳

امام خمینی رحمه الله در تحریر الوسیله آورده است: «والأفضل للنساء الصلاة في بيوتهنَّ، والأفضل بيت المخدوع؛ برای زن ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است».^۴

از مجموع روایات گذشته می توان این گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه نسبت به مسجد برای زنان بهتر است. اما با تأملی در این گونه روایات درمی یابیم که معمولاً تلاش شده تا به نحوی به مسئله حجاب اسلامی اهمیت بدهند و به همین دلیل هم به نماز در خانه فضیلت داده اند.

بدون هیچ تردیدی، اندام زن به ویژه اگر با آرایه ها و پیرایه هایی، آراسته گردد، هیجان انگیز و هوس آفرین است. از سوی دیگر زن، نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می تواند نقش آفرینی داشته باشد.

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور وی در عرصه های مختلف اجتماعی را رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راه گشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سواين نیروی عظیم راز تباه شدن و در گوشه ای بی هدف و بی اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلو فسادگری و ناهنجاری های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. بنابراین، وجود عدم امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن

۱- مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۲- شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، ص ۶۳.

۳- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۲.

از هر گونه تجاوز، شریعت اسلام دستور به حفظ حجاب و پوشش داده است.

اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بیوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد. همان طور که در زمان رسول خدا ﷺ زنان با حفظ حجاب و پوشش اسلامی به نماز جماعت در مسجد حضور پیدا می کردند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند»^۱.

و همچنین حضرت آیت ا... مکارم شیرازی می فرماید: «برای زن ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند»^۲.

و نیز از صاحب «دروس» نقل شده که فرمود: «یستحب للنساء الاختلاف إليها كالرجال وإن كان البيت أفضل؛ رفتن به مسجد برای زن مستحب است مانند مردان، گر چه خانه بهتر است»^۳.

با توجه به مطالب یادشده، اگر کسی بگوید چون برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند و روایات و آیات و نیز دیدگاه های دانشمندان بزرگ اسلامی هم گواه بر این است، دلیل استواری نخواهد بود؛ از این رو که، این برتری در روایات نمی تواند مانعی باشد برای ارزش نمازی که زن می تواند در مسجد به دست آورد. اگر نماز در خانه برای زن سزاوارتر باشد، به همین اندازه نیز خواندن نماز در مسجد یا شرکت در دعاها سفارش شده و اهمیت هر کدام در جای خود محفوظ است.

و نیز به همین مقدار که کراهت رفتن زنان به مساجد در روایات اشاره شده، در برابر، روایات بسیاری هم وجود دارد که حضور بانوان در مسجد را جائز می داند.

در برخی از روایات آمده، وقتی زنان درخواست اجازه برای رفتن به مسجد کردند، منعشان نکنید. در سنن ابوداود باب «ما جاء فی خروج النساء الى المسجد» تعدادی از این روایات ذکر شده است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا تَنْعَوُا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ وَلْيُخْرِجَنَّ وَهْنُ تَفَالَتِ (ای غیر متطبیات)؛ همسران را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید. البته باید موقع بیرون رفتن بوی خوش (عطر) استعمال نکنند»^۴.

و در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «أَذْنُوا لِلنِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ؛ هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید»^۵.

۱- امام خمینی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.

۲- آیت ا... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

۳- مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۴- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷.

۵- همان، ح ۵۶۸.

در کتاب کنز العمال نیز در باب حکم اذن زنان، از رسول خدا ﷺ آمده است: «إِذَا اسْتَأْذَنْكُمْ نِسَاؤُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذِّنُوا لَهُنَّ؛ شَبَّ هُنَّ كَمَا أَنَّ زَنَاتِنَ لِلْمَسْجِدِ»^۱. همچنین آن حضرت می فرماید: «إِذَا اسْتَأْذَنْكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلَا تَمْنَعُوهُنَّ؛ وَفَتْنٌ لَكُمْ مِنْهُنَّ»^۲. در صحیح بخاری و صحیح مسلم، نیز روایاتی از پیامبر ﷺ به همین تعبیر آمده است: «إِذَا اسْتَأْذَنْتُمْ أَحَدَكُمْ إِمْرَأَتَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا؛ هَرَّكَاهُ»^۳. همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد اذن خواست، مانع نشوید.^۴

همچنین آن حضرت می فرماید: «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حُطُوظَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنْتُكُمْ؛ بَارِئٌ لَكُمْ مِنْهُنَّ»^۵. را از فیض مسجد، آن هنگام که از شما اجازه می خواهند.^۶

برخی از روایات مزبور علاوه بر تصریح در جواز خروج زنان برای اقامه جماعت در مسجد، حاکی از این است که بحث حضور زنان برای اقامه جماعت عشاء یا صبح که مستلزم خروج در تاریکی بوده، برای مردان مشکل به نظر می رسیده و حضرت با کلام فوق می خواهد که مردان رفع ممانعت نمایند. بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و پاکدامنی خود را حفظ کنند، افضل بودن نماز در مسجد برای زنان همچون مردان است و جای هیچ گونه تردیدی نیست و طبق این روایات نباید آنان را از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم کرد.

به هر حال سخن ما به بعضی از افرادی که دیدگاه مخالفی نسبت به حضور اجتماعی زنان دارند و آموزه های دینی و قرآن کریم را به عنوان پشتیبانی برای حبس کردن زن به چهار چوب خانه می دانند، این است: آیا به راستی آموزه های اصیل دینی و قرآنی با حضور اجتماعی زنان مخالف است و یا این مقوله نیز همچون بسیاری از موارد دیگر، نظر متحجرانه ای است که با نان دین در جوامع اسلامی و حتی جوامع غربی شیوع پیدا کرده است؟

قرآن کریم درباره حضور زنان در اجتماع، مؤمنان راستین را چنین معرفی می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لَنْ شَيْءٍ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۷. مؤمنان راستین کسانی اند که هم از نظر عقیده، به خدا و پیامبر ﷺ معتقدند و هم از نظر درک

۱- کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲.

۲- همان، ح ۲۰۸۷۳.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰۶، باب ۵۵۵۸ و ۵۵۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱؛ السنن النسائی، ج ۲، ص ۴۲.

۴- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

مسائل اجتماعی و هوش جمعی، جامعه را خوب می‌شناسند و در مسائل جمعی حضور دارند. آنها منزوی نیستند در فعالیت‌های اجتماعی حضور دارند»^۱.

«أمرِ جَامِعٍ»، در این آیه شریفه همان مسائل جمعی یک نظام است. این حضور می‌تواند اشکال مختلفی پیدا کند، مثل حضور در مسجد برای نماز جماعت و فراگیری احکام و دستورات دینی، انتخابات، نماز جمعه، و سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که در سرنوشت افراد جامعه تأثیر گذار است که این شمول هم شامل مردان می‌شود و هم شامل زنان.

ملاحظه می‌کنیم اطلاق آیه شریفه به گونه‌ای است که این حکم برای زن و مرد (هر دو) قابل اجرا است. روایات یادشده نیز گذشته از خلل در اسناد آنها، از جهت دلالت نیز مورد تأمل اند.

خود پیامبر ﷺ، زمینه‌ساز حضور فعال اجتماعی زنان در تمام عرصه‌ها بودند؛ چنان که آن حضرت، زنان خویش را به جهاد می‌برد و نیز در مواردی که امر دفاع از پیامبر ﷺ حضور آنان را می‌طلبید؛ از آن دریغ نمی‌کرده‌اند.^۲

در سیره رفتاری پیامبر ﷺ با خانواده‌اش آمده است: هنگامی که می‌خواستند به مسافرت بروند، در میان همسران خود قرعه می‌زدند، هر کدام که قرعه بنام وی درمی‌آمد، در سفر همراه خویش می‌برد.^۳ بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند.^۴

زنان پیامبر ﷺ همه از مهاجرین بودند.^۵ در هجرت به حبشه ۱۸ زن حضور داشتند^۶ که اسماء بنت عمیس، ام سلمه و رقیه دختر رسول خدا از جمله آنان بودند.^۷

در میان زنان مهاجر به مدینه، فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز بود. طبق فرمایش امام صادق (علیه السلام) وی اولین زنی بود که به سوی پیامبر ﷺ پیاده از مکه به مدینه هجرت نمود.^۸ در این هجرت، زینب دختر پیامبر ﷺ و حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام) همسر امیر مؤمنان (علیه السلام)، دختر دیگر آن حضرت نیز از جمله مهاجران فی سبیل الله به حساب می‌آیند.

۱- نور، آیه ۶۲.

۲- ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۸۰.

۳- معجم ابی یعلی، ج ۱، ص ۹۳.

۴- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۳.

۵- احزاب، آیه ۵۰.

۶- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۷.

۷- الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۳۷.

۸- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۹- بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۸۰.

همچنین می‌توان به حضور فعال زنان در بیعت، که یک امر کاملاً سیاسی و اجتماعی بود را نام برد و نکته جالب اینکه اولین بیعت پیامبر ﷺ با مسلمانان به دلیل حضور فعال بانوان به «بیعت النساء» معروف شد. در زمان حکومت نبوی ﷺ، زنان اجازه داشتند نمایندگان خود را به محضر رسول خدا ﷺ بفرستند و بدون دخالت مردان، مطالبات خود را مطرح کنند. آنها سؤالات خود را با پیامبر ﷺ در میان می‌گذاشتند و پاسخ‌ها را دریافت می‌کردند.

به عنوان مثال، ام سنان می‌گوید: ما زنان همراه رسول خدا ﷺ در نمازهای جمعه و جماعت و اعیاد مختلف شرکت می‌کردیم.

به هر حال، رفتن زنان به مساجد برای ادای نماز و سایر عبادات، در عصر رسالت رسول خدا ﷺ امری عادی و معمول بود و این رفت و آمد فرصت مناسبی بود تا در مجالس علمی که از سوی رسول خدا ﷺ و بزرگان صحابه در مساجد برپا می‌شد، حضور یابند. داستان آن زن که پیشنهاد عمر را درباره پایین آوردن میزان مهریه هار د کرد و عمر پس از شنیدن دلیل وی، رجوع به حق کرد، مشهور است و این خود دلیلی است بر اینکه آزادی اندیشه برای مردها و زنها یکسان بوده است.^۱

تقریر و سکوت معصومان (علیهم‌السلام) در عصر بعد از پیامبر ﷺ در این خصوص نیز از وجوه حجیت چنین حضورهاست؛ چنان که در زمان امام علی (علیه‌السلام) خانواده آن حضرت، یعنی دختر پیامبر ﷺ و نوادگان دختری وی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور جدی داشتند. حضرت زهرا (علیها‌السلام) پیش‌تازترین مخالف سیاسی علیه نظام خلافت سقیفه بود و بارها با خلیفه اول محاجه کرد و او را محکوم نمود. خطبه ایشان در مسجد ایراد شد و زنان و مردان آن را گوش دادند. هرگز امیر مؤمنان (علیه‌السلام) نسبت حضور ایشان در مسجد دیگر عرصه‌های اجتماعی اعتراض نداشت و یا همچون سکوت آن حضرت در مقابل تلاش سیاسی ام سلمه در دفاع از ولایت و نیز ام الفضل که در غزوات جمل و صفین کار اطلاعاتی برای حضرت انجام می‌دادند.

صاحب «وسائل الشیعه»، روایات گوناگونی را درباره حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماع گردآورده و شرایط و چگونگی شرکت آنان را در مسائل اجتماعی بیان کرده و از مجموع روایات به این نتیجه می‌رسد که: «برای زنان رواست که در مجالس عزاء، ادای حقوق مردم، و یا تشییع جنازه از منزل بیرون روند و در این کارها شرکت کنند، همچنان که حضرت فاطمه (علیها‌السلام) و زنان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در آنها شرکت می‌کرده‌اند».^۲

۱- تاریخ دانشگاه‌های اسلامی، ص ۳۶۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۶.

بنابراین، اگر احکامی محدودکننده در اسلام نسبت به زنان وجود دارد، هرگز به معنای حبس زن در خانه و نادیده گرفتن توانایی‌های این بخش از اجتماع در اداره جامعه و نقش‌آفرینی اجتماعی آنان نیست. اینها نشان می‌دهد که باید از روایات حبس در خانه - که قبلاً ذکر شد - تفسیری دیگر کرد و معنای ظاهر، منظور نیست.

گذشته از دلایلی که تا کنون بدان استناد شد، روایات زیادی (روایات عام) از طریق ائمه معصومان (علیهم‌السلام) به ما رسیده است، مبنی بر این که مسجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است و اختصاص به گروهی ندارد.^۱

افزون بر اینها، حضور زنان و مردان در مسجد، زنده نگه داشتن شعائر الهی است؛ چنان که ائمه اطهار (علیهم‌السلام) تأکید و تشویق فوق العاده‌ای نسبت به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن کرده‌اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرمی داشتن آیین دینی، نشانه دینداری و پایبندی به مقدسات آن است. این مطلبی است که شامل بسیاری از باورهای دینی می‌شود که از آن دسته است: مسجد و روزه‌داری و روزهای ویژه‌ای مانند عیدها و جز آن، که امام خمینی (ره) آنها را «یوم الله» می‌خواندند: امام خمینی (ره) کرامت و برتری این اماکن را این گونه بیان می‌نمودند: «در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله، بعد مسجد بازار است».^۲

مسجد که به فرموده پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خانه خدا^۳، انوار الهی^۴، جایگاه پیامبران^۵ و نیز بوستان بهشتی شمرده شده است، بهترین مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر به فرموده قرآن کریم، نشان دهنده پرهیزکاری است: «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.^۶ بر همین اساس در قرآن کریم از مانع شدن از یاد خدا در مسجد، تعبیر به ظلم شده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا...»؛ چه کسی ظالمتر و ستمکارتر از آنکه از بردن نام خدا در مسجد جلوگیری کند و در خراب کردن آن سعی و کوشش کند».^۷

۱. کترالعمال، ج ۷، ص ۶۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴.

۲. امام خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۵. همان، ص ۳۱۳ و ۳۵۹.

۶. حج، آیه ۳۲.

۷. بقره، آیه ۱۱۴.

«در قرون اخیر، تخریب مسجد و ساختمان‌های توحیدی بنا شده بر قبور ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در «بقیع» توسط وهابیان و تخریب مسجد «بابری» در هند، نمونه‌هایی از ظلم به مسجد بوده‌اند. ظلم به مسجد، هم شامل ظلم به خود مسجد و هم مؤمنان نماز گزار در آن است که جلوگیری از ورود به مسجد برای برپایی شعائر اسلامی و گفتن ذکر و یاد خدا، از مصادیق بارز ظلم به مسجد و مؤمنان است»^۱. علاوه بر اینکه احترام به مسجد نشان از تقواست و بازداشتن از ذکر خدا ستمگری شمرده شده، اگر کسی به مسجد احترام هم نکند، یعنی عملی که حاکی از سبک شمردن مسجد باشد، از او صادر شود، ملعون است. امام صادق (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ؛ مورد نفرین خداست کسی که به مسجد احترام نگذارد»^۲. به همین دلیل، فقهای عظام در فقه، قاعده‌ای تحت عنوان «حرمة اهانة المحرمات فی الدین» مطرح کرده‌اند. بر اساس این قاعده، که مفاد آن مورد اتفاق همگان است، هتک، اهانت و تحقیر آنچه در دین اسلام دارای حرمت است، جائز نیست و مسجد مسلمانان از مواردی است که رعایت احترام آن لازم شمرده شده است. همچنین برخی از علما اهانت به مسجد و هتک احترام آن را از گناهان کبیره دانسته‌اند؛ زیرا مکانی که شعائر الهی و از محرّمات دینی محسوب می‌شود، احترام و حرمت آن واجب است.

در کتاب «گناهان کبیره» تحت عنوان «هتک مساجد» آمده است: هر مکانی که به وسیله مسلمانان و بعنوان مسجد بنا شود، شیعه باشد یا از سایر فرق اسلامی، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن، مانند خراب کردن و یا آلوده ساختن آن به نجاست، گناه کبیره است. مسجد به حضرت آفریدگار نسبت دارد. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۳ و اهانت به آن اهانت به خداست. علاوه بر این، بزرگی هتک مسجد نزد هر دینداری بدیهی و ارتکازی است^۴ بر این اساس، حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت مساجد است و محروم کردن آنان از این فیض بزرگ، یکی از اقسام هتک و بی‌احترامی است که خود ستمی بس بزرگ است.

ب) قائلان به جواز واستحباب حضور بانوان در مسجد

عده‌ای از فقهای عظام شیعه معتقدند که نه تنها حضور بانوان در مسجد مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی (البته با رعایت شئون اسلامی) جائز است، بلکه امری نیکو و مستحبّ می‌باشد.^۵ حتی بعضی از فقهای

۱. فرهنگ مسجد، ص ۱۸۳، ۱۸۴.

۲. ۵۹۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲.

۳. جن، آیه ۱۸.

۴. ۶۰۴- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۸۵.

۵. ۶۱۵- مجمع الفائده، ج ۲، ص ۱۵۹؛ دروس الشرعیه، ج ۱، ص ۱۵۵.

معاصر می‌فرمایند: برای زنان در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند.^۱

ادله قائلین به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد، عمومات و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مساجد و بهره‌مندی از فضائل مسجد بر انسان، قطع نظر از جنسیت است. این عده که اکثریت علما را تشکیل می‌دهند بر این مدّعی خود به برخی از شواهد تاریخی نیز تمسک نمودند. در منابع روایی اسلام، روایات زیادی وجود دارد که همگی مشعر بر این است که مساجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است. با اندکی دقت در روایات ذیل، به روشنی درمی‌یابیم که میان مرد و زن هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا واژه‌هایی مانند، انسان‌های با تقوا، مؤمن، متّقین، اهل مسجد، منع نکردن و جز آن، اختصاص به گروهی ندارد و برای عموم مسلمانان است.

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ؛ هنگامی که دیدید شخصی بر رفت و آمد به مسجد مداومت دارد، او را مؤمن بدانید؛ زیرا مسجد خانه انسان‌های با تقوا و صالح است».^۲

و نیز در روایتی دیگر فرمودند: «الْمَسْجِدُ بَيْتُ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ مسجد خانه هر مؤمنی است».^۳ آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متّقین و پرهیزکاران دانسته‌اند: «إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ».^۴ و نیز فرمود: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ فَقَدْ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّحْمَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ هر کس خانه‌اش مسجد باشد، خداوند کارش را با رحمت و شادی قرار داده، و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد».^۵

امام حسن (علیه السلام) فرمود: «أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورُوا حَقَّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحَقُّقُ لِيَزَائِرَهُ؛ اهل مسجد، زائر خدا هستند و بر صاحب خانه است که بر زائرش هدیه‌ای بدهد».^۶

همچنین روایات متعدّدی که در آنها واژه «مَنْ مَشَى» و «مَنْ أَسْرَجَ» آمده است. پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَحُجِّي عَنْهُ عَشْرُ

۲۱- آیت ۱... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

۲۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲۳- کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴.

۲۴- همان، ص ۶۵۹، ج ۲۰۷۸۵؛ نهج الفصاحه، ص ۵۹۶، ج ۳۰۸۲.

۲۵- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۶۵۹.

۲۶- کلمة الامام الحسن، ص ۴۱؛ الجکیم الزاهره، ص ۱۵۰.

سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی دارد تا به منزل برگردد، ده حسنه برایش نوشته می شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می یابد.^۱

و همچنین در روایتی دیگر فرمود: رسول خدا ﷺ: «أَلَا إِنَّ يَبُوتَى فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضَىءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَىءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسْجِدُ بَيْتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَصَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشِيرَ الْمَشَائِنِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خدای متعال فرمود: آگاه باش که خانه های من در زمین مساجد هستند و برای اهل آسمان ها همچون ستارگان برای اهل زمین می درخشند؛ آگاه باش، خوشا بحال کسی که مساجد خانه های اوست [بیشتر وقت ها در مساجد، نمازهایش را می خواند]؛ آگاه باش، خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه ام زیارت کند؛ آگاه باش، بر زیارت شده واجب است که زائرش را تکریم کند؛ آگاه باش، به کسانی که در تاریکی ها به مساجد می روند بشارت بده به نور ساطع در روز قیامت».^۲

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَيْهِ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا يُسَبِّحَ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ؛ هر کس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه اش برای او تسبیح می گویند».^۳

امام علی (ع) در مورد همسایه مسجد فرموده است: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عَذْرًا أَوْ بِهِ عِلَّةٌ، فَقِيلَ: وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ (ع): مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ؛ نماز همسایه مسجد - در خانه - نماز کامل نیست؛ جز اینکه عذری داشته باشد. از آن حضرت سؤال شد که همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود».^۴

همچنین آن حضرت (ع) فرمودند: «لَيْسَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ صَلَاةٌ إِذَا لَمْ يَشْهَدْ الْمَكْتُوبَةَ فِي الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ فَارِعًا صَحِيحًا؛ همسایه مسجد اگر مانعی برایش نبوده و سالم باشد و در این حال برای نماز واجب در مسجد حاضر نشود، نمازش مقبول در گاه الهی نخواهد بود».^۵

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱؛ ثواب الاعمال، ص ۲۹۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱.

۳. ۷۰۳ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۳.

۴. ۷۱۴ - بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸.

۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۵. حتی رسول خدا (ص) در مقام تأکید بر این امر می فرماید: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ»؛ یعنی همسایه مسجد نمازش مقبول نیست، مگر در مسجد. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱). این احادیث و دهها روایت دیگر همه دلالت بر این دارد که نماز خواندن همسایه مسجد بدون عذر در غیر از مسجد کراهت دارد، و سیره و فتاوی فقهای ما نیز رد طول تاریخ برگرفته از همین تأکدها می باشد.

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «...لِيَحْضُرَنَّ مَعَنَا صَلَاتِنَا جَمَاعَةً أَوْ لَتَحْوِلَنَّ عَنَّا وَلَا يُجَاوِزُنَا وَلَا يُجَاوِرُهُمْ؛ امام علی (علیه السلام) در جواب عده‌ای که به حضرت گفتند: عده‌ای از همسایگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند، فرمود: باید در نماز جماعت ما حضور یابند، یا اینکه از ما دوری گزینند و همسایه ما نشوند و ما هم همسایه آنها نشویم»^۱.

از این رو، روایاتی که با کلمات: «مَنْ»، «مَنْ مَشَى»، «مَنْ أَسْرَجَ»، «مُتَّقِينَ»، «مُؤْمِن» و «اهل المسجد، جار المسجد» و امثال این واژه‌ها شروع شده، دلالت بر عموم می‌کند. همچنین دیگر روایاتی که به طور عام (اعم از زن و مرد)، مورد تأکید و تشویق بسیاری به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن و روشنایی بخشیدن به مساجد شده است.^۲

گفتار دوم: تبیین شواهد تاریخی

علاوه بر روایات، شواهد تاریخی بیانگر حضور زنان در مسجد برای نماز جماعت، به خصوص نماز صبح و عشائین در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، از مسلمات تاریخ اسلام است. کعبه اولین خانه‌ای است برای عبادت انسان‌ها، اعم از زن و مرد بنا شد و عبادت کنندگان را به سوی خود جذب کرد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ»^۳.

مکه و مسجد الحرام، کامل‌ترین مصداق مسجد است تا آنجا که نماز افراد در آن از نماز جماعت در خانه بهتر است. همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با حضور بزرگ مردی چون حضرت علی (علیه السلام) و بانویی مکرم چون حضرت خدیجه (رضی الله عنها) در آن برگزار شد.

آنچه روشن است و از سیره معاصرین عصر رسالت نیز می‌توان دریافت، حضور زنان در مسجد، نماز جماعت مسلمانان است. این نکته از شواهدی چند به دست می‌آید، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. نخستین نماز جماعت به امامت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برگزار شد که در آن جماعت‌ها، حضرت خدیجه (رضی الله عنها) همسر گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضور داشته و مردم این جماعت‌ها را مشاهده می‌کردند.^۴

روایاتی در دست است که تصریح دارد به حضور زنان در نمازهای جماعت؛ مانند روایت ذیل که به الفاظ مختلف نقل شده است:

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۷۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶؛ امالی شیخ طوسی، ص ۱۳۹.

۳. آل عمران، آیه ۹۶.

۴. فروغ ابديت، ج ۱، ص ۲۰۳؛ حج، ص ۷۹-۸۰.

در صحیح بخاری از عایشه نقل شده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّي الصُّبْحَ يَغْلَسُ فَيَنْصَرِفُ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْرِفَنَّ مِنَ الْغُلَسِ أَوْ لَا يَعْرِفُ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا؛ پیامبر اکرم ﷺ نماز صبح را سپیده دم می خواندند و زنان مؤمنین برمی گشتند و معلوم نمی شد که چه کسی در نماز صبح شرکت کرده و یا بعضی از آنها بعض دیگر را نمی شناختند»^۱.

همچنین در حدیث دیگر از عایشه آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي الصُّبْحَ فَتَنْصَرِفُ نِسَاءً مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ مُتَلَفِعَاتٍ بِمُرُوطِهِنَّ وَلَا يَعْرِفَنَّ مِنَ الْغُلَسِ؛ زنان مؤمن، نماز صبح را با پیامبر ﷺ به جای می آوردند در حالی که لباسی که تمام بدن آنها را می پوشاند، به تن داشتند و این زنان در تاریکی باز شناخته نمی شدند»^۲.

همچنین در کتاب «لؤلؤ و مرجان» به نقل از عایشه آمده است: «كُنَّ نِسَاءً مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ يَشْهَدْنَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الْفَجْرِ مُتَلَفِعَاتٍ بِمُرُوطِهِنَّ، ثُمَّ يَنْقَلِبْنَ إِلَى بَيْتِهِنَّ حِينَ يَقْضِينَ الصَّلَاةَ لَا يَعْرِفُهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْغُلَسِ؛ زنان مسلمانان در حالی که خودشان را با پارچه پوشانیده بودند، در نماز صبح با رسول خدا ﷺ شرکت می کردند، سپس به خانه های خود برمی گشتند و به علت تاریکی صبح، هیچ کس آنها نمی شناخت»^۳.

طبیعی است که احادیث نبوی، در شرح ثواب های زیاد نماز جماعت در مسجد، به گوش زنان رسیده باشد و آنها راغب شده باشند که از این ثواب ها بی بهره نمانند. علاقه زنان به حضور در مساجد، برای اقامه نماز جماعت و ممانعتی که از آنها به عمل می آمد، باعث گردید روایاتی از پیامبر ﷺ در این باره صادر شود؛ چنان که در منابع شیعه و سنی آمده است که هنگامی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر ﷺ فرمودند: «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حَتَّى يَخْرُجْنَ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنُوكُمْ؛ هرگاه زنان شما اجازه رفتن به مساجد می خواهند، آنها را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید»^۴.
همچنین آمده است که حضرت فرمود: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ؛ کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید»^۵.

شایان ذکر است که به دنبال تأکید پیامبر ﷺ مبنی بر عدم منع زنان از حضور در نماز جماعت مسجد

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰۸ و ۸۲۳.

۲. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰۷ و ۸۱۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۵ و ۵۶۶، مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۵؛ احکام النساء، ص ۱۹۲.

۳. اللؤلؤ والمرجان، ج ۱، باب ۴۰، ص ۱۳۷.

۴. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۵ و ۵۶۶؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۰۹؛ بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳۵۴؛ احکام النساء، ص ۱۹۵.

و لزوم اجازه به آنان، بعضی چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز مجاز به رفتن به مساجدند و در نمازهای مغرب و عشاء که با تاریکی (شب) همراه است، زنان نباید برای نماز به مسجد روند؛ از این رو، جهت مبارزه با این پنداشت غلط، در برخی روایات آمده است که هرگاه زنان اذن حضور در مسجد را در شب هنگام خواستند، اجازه دهید.

و در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «أَذْنُوا لِلنِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ؛ هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید».^۱

پیامبر ﷺ در دو بیان جداگانه می‌فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ»؛^۲ نیز فرمود: «إِذَا شَأْتُمْ نِسَاءَكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذْنُوا لَهُنَّ؛ شب هنگام که زنانتان برای رفتن به مسجد اجازه می‌خواهند، رخصت دهید».^۳ در شب که خوف بیشتر برای زنان است می‌فرماید: اجازه دهید، پس در روز اولی است که به مسجد بروند.

روایت دیگری که خود دلیل گویایی بر جواز حضور زنان در مسجد است، سیره خود پیامبر اعظم ﷺ می‌باشد؛ چنان که ابن عباس درباره پیامبر ﷺ و عملکرد ایشان چنین می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَبَاتَهُ وَ نِسَاءَهُ أَنْ يَخْرُجْنَ فِي الْعِيدَيْنِ؛ رسول خدا ﷺ دختران و زنان خود را برای اقامه جماعت در نمازهای عیدین به خارج خانه می‌بردند».^۴

امام علی (علیه السلام) درباره حضور زنان در نماز جماعت مسجد، در روزهای آغازین رسالت نبوی ﷺ چنین می‌فرماید: «كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فَكُنَّ يُؤْمَرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُؤُسَهُنَّ قَبْلَ الرَّجَالِ، لِضَيْقِ الْأَرْزِ؛ زنان در عصر پیامبر ﷺ نماز را با پیامبر ﷺ به جای می‌آوردند. به زنان دستور داده شده بود که چون لباس مردان کوتاه بود، قبل از مردان سر از سجده بر ندارند».^۵

در بعضی از روایات حضور آنان به روشنی ذکر شده است. امام صادق (علیه السلام) از پدر گرامی‌اش نقل می‌کند که فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّيِّ وَهُوَ يَبْكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمُّهُ؛ رسول خدا ﷺ هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد

۱. همان، ح ۵۶۸.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۳. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۴. احکام النساء، ص ۲۰۱؛ البته در منابع شیعه و اهل سنت، روایاتی هم وجود دارد که مفادش ترجیح خروج زنان برای نماز عید است در صورتی که زن مسن باشد.

۵. همان، ج ۵، ص ۴۱۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴.

آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبدا نگرانی در مادرش پیدا شود.^۱
در روایت دیگری آمده است: روزی رسول خدا ﷺ نماز صبح را با کوتاه‌ترین سوره خواند. اصحاب پرسیدند، ای رسول خدا ﷺ! چه اتفاقی افتاده که نماز را سریع تمام کردید. حضرت در پاسخ فرمود: «إِنِّي سَمِعْتُ صَوْتَ صَبِيٍّ فِي صَفِّ النِّسَاءِ؛ مِنْ صَدَايِ طِفْلِي رَا دِرْ صَفِّ زَنَانِ شَنِيدِم».^۲
در منابع اهل سنت نقل شده است: رسول خدا ﷺ نماز صبح را در تاریکی می‌خواندند و زنان مؤمن پس از نماز، در همان تاریکی به منزل برمی‌گشتند. به علت تاریکی، دیگران آنها را، و حتی خودشان یکدیگر را نمی‌شناختند.^۳

ام‌فضل می‌گوید: شنیدم که پسر سوره مرسلات را تلاوت می‌کند. به او گفتم: مرا به یاد پیامبر ﷺ انداختی. این سوره آخرین سوره‌ای بود که از زبان مبارک پیامبر ﷺ شنیدیم و آن را در نماز مغرب در مسجد می‌خواند.^۴
در روایتی آمده است: «زنی قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجد النبی حاضر می‌شد، عمر بن خطاب از او خواستگاری کرد؛ وی به این شرط که او را از نماز جماعت در مسجد منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند؛ عمر نیز با نارضایتی پذیرفت؛ بعد از مرگ عمر، وقتی زبیر از او خواستگاری کرد باز همین شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت، و او به نماز جماعت مسجد می‌رفت...».^۵

همچنین در منابع اصیل اهل سنت آمده است: فاطمه بنت قیس می‌گوید:
«... فَلَمَّا انْقَضَتْ عِدَّتِي سَمِعْتُ نِدَاءَ الْمُتَادِي مُتَادِي يُتَادِي الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَأَنْطَلَقْتُ فِيمَنْ انْطَلَقَ مِنَ النَّاسِ قَالَتْ فَكُنْتُ فِي الصَّفِّ الْمَقْدَّمِ مِنَ النِّسَاءِ وَهُوَ يَلِي الْمُؤَخَّرَ مِنَ الرِّجَالِ؛ چُونِ زَمَانِ عِدَّةَامِ سِپَرِی شُد، صدای منادی نماز جمعه را شنیدم، و به همراه دیگر مردمان که می‌رفتند، روانه شدم و در صف اول صفوف زنان که به دنبال صفوف مردان بود، ایستادم».^۶

در زمان خلیفه دوم (عمر)، زنان به امامت شخصی به نام «سلیمان بن ابی خثیمه» انصاری در رجب مسجد، نماز جماعت می‌خواندند چنان که مردان به امامت ابی‌بن کعب نماز جماعت برگزار می‌کردند.
همچنین در تاریخ آمده است که: خلیفه سوم (عثمان) مردان و زنان را در نماز جماعت مسجد در یک جا جمع کرد، ولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان را از مردان جدا کرد و شخصی به نام

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۰؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۷۴.

۲. المسند الجامع، ج ۶، ص ۲۲۷.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. تحریر المرأة فی عصر الرسالة، ج ۱۳، ص ۱۸۱.

۵. اسد الغابة، ج ۵، ص ۱۸۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰.

۶. رک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۹ و ج ۳، ص ۱۱۹.

«عرفجه» با زنان نماز می‌خواند.^۱

پس، حتی در برخی از منابع اهل سنت نیز روایات و شواهدی وجود دارد که بیانگر حضور زنان در مسجد و جماعات است.

با توجه به مطالب یادشده، به خوبی درمی‌یابیم که حضور زنان در مسجد و جماعات، از نظر تاریخی امر ثابت و مسلم است.

علاوه بر روایت و شواهد تاریخی که بر جواز حضور زنان در مسجد و جماعات دلالت دارند، فقهای عظام، حضور بانوان را همچون مردان، در مسجدالحرام و مراسم عبادی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی همچون نماز جمعه^۲ و اعتکاف و حج^۳ جایز شمرده‌اند. بنابراین، دین اسلام نه تنها حضور بانوان را در مسجد و جماعات و به طور کلی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عهده‌داری سمت‌های مدیریتی و حتی نظامی جایز شمرده، بلکه در برخی زمینه‌های یادشده، به ویژه در وضع ویژه زمان ما، شایسته و حتی بایسته دانسته است؛ البته حضور در صحنه‌های اجتماعی، از آنجا که همراه با برخوردها و تماس‌های چند سویه است، برای هر یک از زن و مرد تکلیفی را ایجاد می‌کند که مراعات و توجه به آن در تأمین سلامت اخلاقی جامعه و ثمربخش بودن حضور و بر کنار ماندن آن از آسیب‌ها و آفات، نقش بنیادی دارد؛ همچون رعایت حجاب و شئون اسلامی، چگونگی برخورد با نامحرم و نگاه به او، کیفیت سخن گفتن و تأکید بر وجود شاخصه‌هایی چون حیا و عفت، همه و همه ابزارهایی برای این حضور اجتماعی هستند. بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و عفاف و پاکدامنی را رعایت کنند، می‌توانند با حضور در مساجد از فضائل و آثار معنوی این مکان مقدس بهره‌مند و فضیلت نماز خواندن در مسجد برای آنان، همچون مردان است.

گفتار سوم: شروط حضور بانوان در مسجد

به طور کلی در شریعت اسلام برای حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماع، مانند شرکت در مساجد و جماعات، دستوراتی ارائه شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. رعایت عفت، حجاب و شئون اسلامی

از روایات بسیاری که درباره وظایف و چگونگی روابط اجتماعی زنان از حضرات معصومان (علیهم‌السلام) صادر شده

۱. ر.ک: الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۷-۲۶.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۲۶۸-۲۷۰؛ کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۸۰-۲۷۹.

۳. مستند الشیعه، ج ۱، ص ۵۴۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، صص ۱۸۴ و ۲۱۲ و ۲۲۰.

است، به خوبی استفاده می شود که یکی از مسایل مهمی که زنان در هنگام حضور در صحنه های اجتماعی باید رعایت کنند، حفظ حجاب و عفت و به طور کلی حفظ جامعه از ایجاد فساد و فحشا و منکرات است.

و جوب رعایت حجاب (پوشش) در زنان، حکم ضروری دین و از امور بدیهی قرآن کریم است. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...؛ به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خویش را - جز آن مقدار که قهراً نمایان می شود - بر بیگانه آشکار نسازند، جز برای شوهران، و گوشه های روسری خویش را بر سینه افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...»^۱.

این آیه شریفه بیانگر این است که مسلمانان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نگاه های هوس آلود دوری کند و شخصی پاکدامن و منزّه باشد. این آیه شریفه نه تنها زنان را به نحوه رفتارشان آشنا می کند، بلکه مردان را نیز به وظایفی که در برخورد با بانوان دارند، تنبّه می دهد.

قرآن کریم، از اهل ایمان می خواهد که برای حفظ عفت و پاکدامنی خود و جامعه، نگاه شان را مهار سازند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مؤمنین بگو: دیدگان خویش را از نگاه به زنان اجنبی بازگیرند و فرج های خویش را نگهدارند؛ این برای ایشان پاکیزه تر است که خدا از کارهایی که می کنید آگاه است»^۲.

در روایات اسلامی، جملاتی مشاهده می شود که بیانگر عقوبت و آثار مخرب نگاه حرام^۳ در دنیا و آخرت است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْتَّظَرَةُ بَعْدَ التَّظَرَةِ، تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً؛ نگاه پیاپی، بذر شهوت را در دل می افشاند و همین امر برای هلاکت بیننده اش کافی است»^۴.

نگاه حرام، قدرت تصمیم گیری صحیح و استفاده از عقل را از انسان سلب می کند، و بیشتر انحرافات جنسی و خلاف اخلاق اسلامی، از یک نگاه آغاز شده است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده ببند، دل کند یاد

۱. نور، آیه ۳۱.

۲. نور، آیه ۳۰.

۳. درباره آثار و پیامدهای نگاه حرام رک: مجله پیام زن، نگاه آلوده و پیامدهای ناگوار آن، ش ۱۴۲، ص ۶۸؛ مجله پاسدار اسلام، نقش عفاف و پاکدامنی در زندگی انسان، ش ۲۷۹ و ۲۸۰ اسفند و فروردین ۱۳۸۳ و ش ۲۸۱، سال ۱۳۸۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۰۴، ح ۷.

شایان ذکر است آنچه گذشت، ویژه نگاه مرد به زن نیست؛ بلکه نگاه معنادار (حرام) زن به مرد نیز همین آثار را در پی دارد. از اینکه می‌بینیم در آموزه‌های دینی در خصوص زنان درباره رعایت حجاب و پوشش اهتمام بیشتری شده، به این دلیل است که در زنان زمینه بیشتری برای خودنمایی وجود دارد. پس زنان باید پوشش مناسبی داشته باشند و آرایش و زیور خود را آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند. بنابراین، پوشش اسلامی برای زنان در همه حال امری واجب است و باید به دستور قرآن کریم و حضرات معصومان (علیهم‌السلام) رفتار کنند. اصولاً زیبایی انسان‌ها به ویژه زنان، برای خود آنان یا شوهرانشان است و اگر در رفت و آمدها به نمایش درآید، موجب خشم خدا می‌شود و کارهایی هم که سبب جلب توجه نامحرم می‌گردد پسندیده نیست. اگر نحوه راه رفتن و یا سخن گفتن، توجه دیگران را جلب نماید، سبب می‌شود که از فضیلت‌هایی که برای رفتن به مسجد ذکر شده است، به گناه تبدیل شود و گاه ممکن است با بی‌توجهی، به جای خشنودی خداوند، خشم غضب خداوند برای او ثبت شود.

۲. عدم تعطرو تزین

در منابع اسلامی، برای حفظ حرمت مسجد، آدابی ذکر شده است که رعایت آنها مستحب و ترک آنها با جایگاه مساجد منافات دارد. یکی از آن آداب زینت کردن به هنگام رفتن به مسجد است. خداوند متعال به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می‌شود، دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا آدَمُ خُذْ وَازِيَّتَكَ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید»^۱.

زینت این در آیه شریفه هم شامل «زینت‌های جسمانی» است که عبارت از پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود، و هم شامل «زینت‌های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص^۲. طبق احادیث و کتاب‌های تفسیری، مقصود از زینت در آیه شریفه، پوشیدن لباس پاکیزه و فاخر، شانه زدن موی، در دست کردن انگشتر فاخر، عطر زدن و... است.^۳

در روایات رسیده، استفاده از بوی خوش از اخلاق پیامبران و سیره آنان شمرده شده و تأکید گردیده است که: مردان نباید از استعمال بوی خوش غافل باشند. صاحب کتاب «عروة الوثقی» می‌گوید: «يُسْتَحَبُّ

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۲۶.

التَّطَيُّبُ وَلِبَسُ الثِّيَابِ الْفَاخِرِ عِنْدَ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَسْجِدِ؛ مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس های تازه استفاده کند»^۱.

در سیره پیامبر ﷺ آمده است: «پیامبر ﷺ در زندگی خویش، برای خرید عطر بیشتر از خوراک هزینه می کرد»^۲؛ آن حضرت ﷺ به پیروان خویش توصیه می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيْبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ، فَيَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدَعَ؛ از شایستگی مرد آن است که در هر روز به خویش عطر بزند و اگر ممکن نیست، هر دو روز یکبار و اگر این هم ممکن نیست، پس در هر جمعه آن را ترک نکند»^۳.

در سیره امام حسن (علیه السلام) آمده است: «إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَيْسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ فَأَحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي؛ خيثة بن ابی خثیمة گفت: امام حسن (علیه السلام) هنگامی که به نماز بر می خاست، بهترین لباس هایش را می پوشید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا، چرا بهترین لباس هایت را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من نیز خود را برای پروردگارم می آرایم، چنان که خدای تعالی می فرماید: زینت خود را به هنگام عبادت در مسجد بگریید. بنابراین، دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم»^۴.

بنابر مطالب یاد شده در می یابیم که استفاده از لباس های تازه و بوی خوش و زینت دادن سر و صورت به هنگام رفتن به مسجد، یکی از مصادیق «زینت» در آیه شریفه است که امری مطلوب و نیکو شمرده شده است. اما همین امر مستحب که این قدر تأکید شده است در مورد زنان روا نیست؛ زیرا تَرْتِین (آرایش) زنان باید برای شوهرانشان باشد و بیرون از خانه سبب تحریک دیگران می گردد که از نظر شرع مقدس ممنوع است. بر این اساس، در منابع روایی اسلام تأکید شده است که حضور زنان در مسجد باید بدون استفاده از عطر و بوی خوش باشد؛ چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَاكُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسَّ طَيِّبًا؛ زنان هنگام حضور در مسجد، از بوی خوش استفاده نکنند»^۵.

و در روایت دیگر نبوی ﷺ آمده است: «أَيَُّا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ، ثُمَّ خَرَجَتْ إِلَى الْمَسْجِدِ، لَمْ تُقْبَلْ هَا صَلَاةً حَتَّى تَغْتَسِلَ؛ هر گاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به مسجد برود، نمازش قبول نمی شود، تا آنکه آن بوی

۱. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۳. همان؛ الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۴.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۲۶؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۲.

۵. المجموع، ج ۴، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

خوش را از خود برطرف کند»^۱.

و همچنین آن حضرت در روایتی دیگر چنین می‌فرماید: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ، وَلَا يَخْرُجَنَّ إِلَّا وَهْنٌ تَفَلَّاتٌ؛ وَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا خَرَجْنَ مُتَزَيِّنَاتٍ أَوْ مُتَطَيِّبَاتٍ، فَهِنَّ عَاصِيَاتٌ لِلَّهِ تَعَالَى، خَارِجَاتٌ بِخِلَافِ مَا أُمِرْنَ، فَلَا يَحِلُّ إِزْسَامُهُنَّ حِينَئِذٍ أَصْلًا؛ رَسُولُ خُدا ﷺ می‌فرماید: زنان را از مسجد منع نکنید و آنها نیز نباید با خوشبویی از خانه خارج شوند و به مسجد روند؛ همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: وقتی زنان با بوی خوش و زینت کرده بیرون روند، خداوند را نافرمانی (معصیت) می‌کنند؛ زیرا بر خلاف دستورات او عمل کرده‌اند، در این صورت جایز نیست که اجازه داده شود»^۲.

از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمود: «أَيُّ امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ فَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا، فَهِيَ زَانِيَةٌ؛ اگر زنی خود را معطر کند و بر گروهی (مردانی) بگذرد که بوی او را دریابند، زناکار است»^۳. در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجَعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛ هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر نماید، سپس از خانه‌اش بیرون رود، تا زمانی که به منزلش برمی‌گردد، مورد لعنت خداوند است»^۴. بر این اساس، آن حضرت ﷺ درباره شرط خروج بانوان از منزل و حضور در مسجد می‌فرماید: «إِذَا شَهِدَتْ إِحْدَاكُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسْ طَيِّبًا؛ هنگامی که یکی از شما (زنان) قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده نماید»^۵.

همان گونه که عطر زدن و استعمال بوی خوش در مقابل نامحرم مفسده دارد. تزئین و آرایش نیز به لحاظ فسادانگیز بودن، به شدت منع شده است.

پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرمود: «مَثَلُ الرَّافِلَةِ فِي الزَّيْتِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا، كَمَثَلِ ظُلْمَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا نُورَ لَهَا؛ حکایت زنی که دامن کشان و آمیخته به زینت در بیرون خانه راه می‌رود، چون ظلمتی است در روز قیامت که از خود نور ندارد»^۶.

فلسفه این امر نیز روشن است و آن این که شریعت اسلام برای عفت و پاک‌زیستی اهمیت فوق‌العاده قائل است، به هیچ وجه از بی‌عفتی و بدحجابی که مقدمه آلوده شدن و ارتکاب حرام و فرورفتن در محرمات

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

۲. المحلی، ج ۴، ص ۱۹۸.

۳. نهج الفصاحه، ص ۳۴، ح ۱۷۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

۵. المجموع، ج ۴، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۶. نهج الفصاحه، ص ۵۶۲، ح ۲۷۲.

جنسی است، چشم‌پوشی نمی‌کند. بنابراین، درباره حضور زنان برای عبادت در مسجد چون در انتظار مردان نامحرم قرار می‌گیرند و معطر بودن آنان، موجب التهاب مردان و تحریک غریزه جنسی آنان می‌شود، عبادتی که باید سازنده باشد و آثار مفیدی برای پاکی و پرهیزگاری داشته باشد، منشأ گناه و ارتکاب حرام می‌گردد. برای اینکه از چنین پیامدهای ناسالم جلوگیری شود، اسلام دستور می‌دهد که زنان بدون زینت و خوشبوئی به مسجد بروند.

افزون براین، ممکن است در صورت تعطر و تزئین زنان برای رفتن به مسجد، در مسیر راه مورد آزار و اذیت افراد هرزه و بی‌بندوبار قرار گیرند. ازاین‌رو، ضرورت ایجاب می‌کند که زنان خداجو حضورشان برای عبادات در بهترین مکان‌ها بدون زینت و خوشبوئی باشد؛ زیرا این کار به تقوا و پاک‌زیستی نزدیک‌تر و ارزنده‌تر است. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «إِسْتَعِينُوا عَلَى التَّسَاءُ بِالْعَزِّ، فَإِنَّ إِحْدَاهُنَّ إِذَا كَثُرَتْ ثِيَابُهَا وَأَحْسَنْتْ زِينَتَهَا أَعْجَبَهَا الْحَرُوجُ؛ زنان را با ساده‌پوشی عادت و یاری دهید؛ زیرا اگر یکی از آنان با لباس تجملی و زیورهای نیکو بیرون رود، در نظر بینندگان خوش آید (باعث هیجان شهوت و فتنه می‌شود)»^۱. نکته در خور توجه این که گفته شد شایسته نیست زنان از بوی خوش استفاده کنند یا خود را بیارایند، بدین منظور است که اسباب و وسوسه نامحرمات و مورد ملعبه بیمار دلان قرار نگیرند؛ و گر نه اگر در مکانی تنها زنان باشند و یا مسجدی فقط برای زنان باشد و راه رفت و آمدشان ویژه زنان در نظر گرفته شده باشد، روشن است که کسی آن را ناروا نخواهد دانست و یا اگر زن در خانه تنها برای خرسندی شوهرش خود را بیاراید، نه تنها منعی ندارد، بلکه مستحب است. چنان که فقها گفته‌اند: «...استعمال بوی خوش، پوشیدن لباس‌های زیبا و اظهار زیور (برای شوهر) ظاهراً از مستحبات مؤکد است»^۲.

۳. اجازه شوهر

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال، در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها، خروج زن از منزل برای حضور عرصه‌های اجتماعی و معاشرت وی بدون آنکه مفسده‌ای داشته باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به خصوص تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. در اینجا - با توجه به تناسب مطلب - به اختصار به تشریح آن می‌پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۲؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۶۹.

۲. حقائق الناضره، ج ۲۳، ص ۱۱۹.

بدان فتوا داده‌اند. به جهت اختصار، به ذکر چند روایت (به عنوان نمونه) بسنده می‌کنیم:

۱- علی بن جعفر فی کتابه عن أخیه قال: «سألته عن المرأة ألها أن تخرج بغير إذن زوجها؟ قال لا... علی بن جعفر می‌گوید: از برادرم، موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم، آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت فرمود: خیر...»^۱

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ؛ هِرْزَنِي كَهْدُونَ إِجَازَهُ شَوْهَرِشَ مِنْ مَنَازِلِ خَارِجٍ، نَفَقَهُ أَوْ بِرِ شَوْهَرٍ وَاجِبٌ نِيسَتٌ تَا أَنْكَه بَازْگَرْدَد»^۲

۳- «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا؛ بِمَامِرٍ عليه السلام مِنْ بِيْرُونِ رَفْتَنِ زَنِ بَدُونِ إِجَازَهُ شَوْهَرِ مَنَعُ كَرْد؛ اِگَر چَنِین كَنَد تَمَامِ فَرَشْتِگَانِ آسْمَانِ وَ هِرْ جَنِّ وَ اَنَسِی كَه بَرِ اَوْ كَذَر كَنَد اَوْ رَا نَفَرِین كَنَد تَا بَه خَانَه بَر گَرْدَد»^۳

۴- در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «زنی نزد پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر چیست؟ حضرت فرمودند: بیش از آن است که تصوّر شود. گفت: برخی از آن را بیان فرما. حضرت ﷺ فرمود: زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد و نمی‌تواند بدون اذن از خانه خارج شود...»^۴

۵- در روایتی معتبر از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: زنی نزد پیامبر ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت و نفرین می‌کنند، تا زمانی که برگردد.^۵

در فقه پویای امامیه، نظریه مشهور فقهای عظام بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، لازم است رضایت شوهر را جلب نماید. فقهای عظام شوهر را محق می‌دانند که از بیرون رفتن زن منع کنند. جهت تبیین مطلب به کلام برخی از فقیهان اشاره می‌کنیم:

شیخ طوسی رحمته الله فرمود: «مرد حق دارد زن را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا، شوهر در تمام شبانه روز

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۴، ب ۱۱۷، ح ۵.

۴. همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۱۱۲.

مستحق استمتاع و بهره‌وری از زن است؛ و چون این حق را دارد، می‌تواند از همراهی جنازه پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند و...؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم مباح است یا استحباب دارد، و امر واجب (امر شوهر) بر آنها مقدّم است.^۱ همچنین شهید ثانی رحمته الله در «مسالك الافهام» می‌نویسد: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ حتّی اگر برای دیدن بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد».^۲

مرحوم محمد باقر سبزواری^۳ و مرحوم صاحب جواهر^۴ نیز چنین عقیده‌ای داشته‌اند. همچنین امام خمینی رحمته الله در «تحریر الوسیله» فرموده است: «هر یک از زن و شوهر حقّی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گرچه حقّ شوهر عظیم‌تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی ننماید، از خانه‌اش بدون اجازه او خارج نشود، اگرچه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتّی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند».^۵

آیت ا... خوئی رحمته الله نیز در این باره فرمود: «زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر از خانه بیرون رود؛ در صورتی که بیرون رفتن وی با حقّ استمتاع شوهر منافات داشته باشد؛ البتّه احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اذن نرود، خروج بدون اذن، سبب نشوز است. انجام سایر کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست؛ مگر اینکه با حقّ استمتاع شوهر منافات داشته باشد».^۶

بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».^۷

به هر حال، مبانی این باور می‌تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد.^۸ و از سوی دیگر می‌توان اساس نظریه ذکر شده را بر این ادّعا قرار داد که حقّ کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی‌سازد. از این رو، زن باید برای خروج از منزل که زمینه بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد.^۹ البته در اثبات این نظریه برخی به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کرده‌اند که: «وَقَرْنَ

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، ص ۳۳۱.

۲. مسالك الافهام الی تنقیح الشرائع الاسلام، ج ۸، ص ۳۰۸.

۳. کفایة الاحکام، ص ۱۸۶.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

۶. منهاج الصالحین (المعاملات)، ج ۲، ص ۲۸۹.

۷. شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴؛ بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، ص ۳۱۶.

۸. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۹. همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى^۱.

با ملاحظه مطالب ذکر شده درمی یابیم که نظریه «منع خروج زن از منزل» بدون اذن شوهر هم از جهت ادله و هم از جهت قائل از وجاهت به ظاهر مناسبی برخوردار است؛ اما با این وجود، جمعی از فقها و اندیشمندان به مخالفت با این نظریه و ردّ مبانی آن اهتمام ورزیده اند و حقّ منع شوهر برای خروج زن را به حقّ کامجویی وی که حقّ مسلم و اصلی شوهر در زندگی خانوادگی است، مربوط دانسته اند.^۲

آیت ا... خوئی رحمته الله نیز به رغم آنکه در نهایت از باب احتیاط، مطابق نظر مشهور فتوا داده است، خروج زن از منزل را از توابع حقّ استمتاع شوهر دانسته اند.^۳

به نظر نگارنده، با توجه به در نظر گرفتن اصل اولی و اباحه اعمال و ملاحظه نظام حقوق و تکالیف متقابل ناشی از زندگی خانوادگی زناشویی و با بررسی و امعان نظر در ادله قول مشهور، پذیرش و تأیید دیدگاه اخیر از ارجحیت ویژه ای برخوردار است.

امّا درباره استناد به آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب، باید گفت: که این آیه شریفه در خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و اصولاً در مقام توصیه و سفارش به حفظ عفت و حجاب نازل شده است، که به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر زنان مؤمنه دستور می دهد که در خانه های خود بمانند و همچون جاهلیت نخستین ظاهر نشوند و خودنمایی نکنند؛ چون واژه «تبرّج» که در آیه شریفه آمده، به معنای خودنمایی و خودآرائی و نمودن زیبایی ها در مقابل دیگران است.^۴ پس روشن است که این آیه شریفه، به ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، هیچ ارتباطی ندارد.

نکته شایان توجه درباره روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه اش سر باز زده و بایی اعتنائی به حقّ مسلم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایت ذکر شده هیچ گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه به گونه ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد؛ مؤید این تحلیل، هماهنگی میان عمل ناپسند ترک شوهر و بیرون رفتن زن از خانه، با کیفری که در روایات آمده (نفرین فرشتگان و لعن جن و انس) است که بدون تردید باید گفت: این کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری چون، حضور در مسجد برای انجام عبادت و یادگیری احکام اسلامی و صله رحم از خانه خارج می شوند، پنداشتی است که با انبوه آموزه های دینی و اخلاقی و نظر

۱. الزّواج فی اسلام، ص ۲۲۶.

۲. مسائل حرجة فی فقه المرأة: حقوق الزّوجة؛ تأملات اسلامية حول المرأة، ص ۱۱۲.

۳. منهاج الصّالحین، ص ۲۸۹.

۴. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

علمای اسلام ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده هیچ‌گاه در مقام ممنوعیت بی قید و شرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه حق شوهر در کامجویی از همسرش، خروج زن از منزل شوهر محدود می‌شود.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر، خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است؛ این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت‌های زن بسیار تعیین کننده می‌باشد، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است.

بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده و اعضای آن که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت‌ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش قرار داده و حتی در صورت اقتضای اوضاع و احوال محیطی و... محدودیت‌هایی را برای وی در نظر بگیرد؛ چنان که متفکر شهید استاد مطهری رحمته الله با درک همین واقعیت، گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد، نه بیشتر»^۱.

بنابراین، شوهر به عنوان رئیس خانواده می‌تواند با تشخیص مصلحت و صلاحدید، رفت و آمد و معاشرت‌های همسرش، حتی رفتن او به مسجد را با محدودیت مواجه سازد؛ مثلاً در مواقعی که خوف تعرض یا اختلاط‌های ناشایست و معاشرت‌های بی بندوبار می‌رود و یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می‌بیند، حق دارد از خروج او ممانعت نماید؛ البته در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به عنوان مثال هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش مانند، شرکت در انتخابات، اقامه دعوا در دادگاه و... یا انجام فرائض دینی (انجام حج، ادای خمس و ...) و یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می‌شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی‌تواند مانع شود.

با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد اجازه خواست و شوهر مفسده‌ای در این حضور وی نمی‌بیند، شایسته است که منع نکند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه

رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید»^۱.

۴. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

بدون شک، یکی از عوامل شیوع فساد که دامن گیر جهان امروز، به ویژه کشورهای غربی شده است، برداشتن حائل و حریم میان زن و مرد در ادارات، کارخانه‌ها و دیگر اماکن و محافل عمومی است. در این برخورد‌ها معمولاً بذر فساد و گناه افشانده می‌شود و روز به روز ریشه می‌دواند.

قرآن کریم نیز بر این مطلب، تأکید کرده است؛ به این آیات الهی به دقت بنگریم: «...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»؛ هرگاه از ایشان (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت پرده و حائل طلب نمائید؛ این برای دل‌های شما و آنها، به طهارت نزدیک‌تر است...»^۲.

صراحت آیه شریفه در عدم اختلاط زنان و مردان، قابل انکار نیست. گرچه شأن نزول این آیه شریفه، ویژه زنان پیامبر ﷺ است، اما روشن است که مورد نمی‌تواند شمول مفهومی آیه را محدود و به اصلاح علمی «مورد نمی‌تواند مخصّص باشد». بنابراین، این آیه شریفه در منع اختلاط زن و مرد و حفظ زنان از محرکات شهوانی، وارد شده است.

علامه شهید مطهری رحمه الله در تفسیر آیه شریفه مزبور می‌نویسد: «... طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می‌خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار (حائل) صدا بزند...». جمله: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»؛ این برای دل‌های شما و آنها، به طهارت نزدیک‌تر است^۳؛ مانند جمله: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ...» که در آیه ۶۰ سوره نور آمده است، دلالت می‌کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهایی که مستلزم نظر است را رعایت نمایند، این عمل به تقوا و پاکی نزدیک‌تر است. چنان که گفتیم: رخصت‌های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت داده شده است، نباید رجحان اخلاقی ستر و پوشش و ترک نظر را از یاد ببرد»^۴.

همچنین این متفکر اسلامی درباره زبان‌های اختلاط در این عصر ارتباطات و دهکده جهانی می‌نویسد: «جامعه امروزی، زبان‌های اختلاط زن و مرد را به چشم خود می‌بیند؛ چه لزومی دارد که زنان، فعالیت‌های اجتماعی خویش را به اصطلاح دوشادوش مردان انجام دهند؟! آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند،

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

۲. احزاب، آیه ۵۳.

۳. احزاب، آیه ۵۳.

۴. مسئله حجاب زن، ص ۱۵۴.

نقصی در فعالیت کاری آنان رخ می‌دهد؟ از جمله اثر بارز این دوشادوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار و فعالیت مثبت باز می‌دارد و هر یک را به جای توجّه و دقّت به کار خود، متوجّه «همدوش» می‌کند، تا آنجا که غالباً این همدوشی‌ها به هم آغوشی‌ها منتهی می‌گردد»^۱.

شریعت حیات‌بخش اسلام در عین این که به زنان، اجازه می‌دهد که در امور عبادی مسجد و سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند، از اختلاط نهی فرموده است تا مبادا روزی بستر آلودگی‌های اخلاقی فراهم آید.

رسول خدا ﷺ فرمود: «بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمُعَايِنَةُ وَاللِّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ؛ مِثْلُ بَيْنِ مُرْدَانٍ وَزَنَانٍ مُحْرَمٍ فَاصِلُهُ أَنْدَازِيدْ؛ زِيرَا، بِرِاثَرِ مَلَاقَاتٍ وَاخْتِلَاطٍ، كَرَفَاتَرِ دَرْدٍ وَبِلَايِي مِی‌شَوِيدِ که دوا ندارد. بر شما باد که از اختلاط با زنان اجتناب نمایید»^۲. بر همین اساس آن حضرت ﷺ در زمان رسالتش برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد در مسجد، دستور داد که برای زنان، در جداگانه‌ای به مسجد النبی بسازند.^۳ که هنوز هم به نام «بَابُ النِّسَاءِ» وجود دارد.

مولوی گوید:

هیچکس را با زنان محرم مدار

که مثال این دو پنبه است و شرار^۴

در روایت آمده است روزی رسول خدا ﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان باهم از مسجد بیرون می‌آیند؛ حضرت خطاب به زنان فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما»^۵.

همچنین درباره خروج زنان و مردان از مسجد و رفت و آمد در کوچه‌ها فرمود: «شب هنگام پس از اتمام نماز، ابتداء زنها و سپس مردها از مساجد خارج شوند و در مسیر کوچه و خیابان، مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند»^۶.

امام علی (علیه السلام) در بیانی به مردم عراق که به این امر (لزوم عدم اختلاط) توجّه نمی‌کردند، با اعتراض می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! تُبَيِّنُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ، قَالَ (عليه السلام): أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَغَارُونَ؟ نِسَاءُكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاهِمْنَ الْعُلُوجَ؛ اَيُّ أَهْلِ عِرَاقٍ! بِأَخْبَرِ

۱. همان، ص ۲۳۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ مرآت النساء، ص ۱۴۰.

۳. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹.

۴. مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۸۷۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۳۳.

۶. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۸.

شده‌ام که زنان شما در راه (کوچه و خیابان) با مردان برخورد می‌کنند (به هم تنه می‌زنند). آیا حیا و شرم نمی‌کنید؟ و در حدیث دیگر فرمود: آیا حیا نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید که زنانتان به بازار می‌روند و با افراد بی‌ایمان مواجه می‌شوند؟^۱

به هر حال اهمیت مسئله تا بدانجاست که پیامبر اسلام ﷺ در هنگام بیعت با زنان، به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده است.^۲

گفتار چهارم: آثار و برکات حضور بانوان در مسجد

مساجد، خانه خدا در زمین، مرکز وحی، منبع فیوضات معنوی و برکات گوناگون برای نمازگزاران و جامعه اسلامی است. مکانی که چنین جایگاهی نزد خداوند دارد، حضور در آن، آثار فراوانی را خواهد داشت و بی‌تردید شامل حال مکلفان و حاضران در مسجد، اعم از زن و مرد خواهد بود. آثار حضور در مسجد چنان متنوع است که به دشواری می‌توان درباره تمام آثار و برکات حضور در آن سخن گفت؛ چنان که در روایتی از امام علی (علیه السلام) برای حضور در مسجد هشت اثر نقل شده است:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَزُدُّهُ عَنْ رَدَى، أَوْ يَتَرَكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً؛ كَسَى بِهِ مَسْجِدَ رَفْتٍ وَآمَدَ مِی كُنْدَ، يَكِي از منافع هشت گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و بارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، یا مواعظی که او را از فساد و گناه بازدارد، [می‌شنود]، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند».^۳

روشن است که در عصر کنونی، حضور زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع در مسجد و مراسم آن با حجاب و شئون اسلامی، آثار و برکات فراوانی دارد. در اینجا به مهم‌ترین ثمرات این حضور روحانی اشاره می‌کنیم:

۱- آثار عبادی

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی، به ویژه شریعت حیات بخش اسلام، عبادت است. عبادت؛ یعنی راز و نیاز با خداوند و نجوا گفتن با او. جوهر و جان این نیایش، حضور قلب و توجه به خداست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

۲. همان: «پیامبر (ص) از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند، در خلوت با مردان بنشینند.»

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

برای فراهم شدن عبادتی این چنین، به شرایط و عوامل فراوانی نیاز است که مکان عبادت، یکی از آنها است. برای نمونه، نماز در کوچه و خیابان، حتی در صورت درست بودن، نمی تواند با حضور قلب همراه باشد. اسلام با در نظر گرفتن مکانی به نام "مسجد" و قرار دادن مقرراتی ویژه برای آن، در حقیقت مکان مناسبی را برای نماز و ارتباط بندگان با خداوند پیش بینی کرده است. نام مسجد، گواه درستی این سخن است. مسجد؛ یعنی جای سجده، کرنش در پیشگاه خداوند و به دیگر سخن؛ یعنی جایگاه نماز و تقرّب جستن به خداوند بزرگ؛ زیرا سجده، برترین نمونه و شکل عبادت و بندگی است.

از مساجد به عنوان خانه های خدا در زمین^۱ و نیز خانه های متّقیان^۲ و مؤمنان^۳ یاد شده است. این عنوان به خوبی ماهیت عبادی مسجد را نشان می دهد؛ اینکه مسجدها، اولاً و اساساً برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می شوند. بر این اساس، نیز اصلی ترین اثر حضور در آن در بعد عبادی خواهد بود: «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا دِينَ أَبِي بَكْرٍ الَّذِي هُوَ مَسْجِدُ اللَّهِ الَّذِي بَنَى عَلَى نَبِيِّكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا لَمْ يَكُنْ لَكَ قَبْلُ مِنْهُ مَسْجِدٌ لَّيْسَ بِمَسْجِدٍ لِلدِّينِ» [هنگام عبادت] در هر مسجدی بسوی او توجّه کنید و او را بخوانید و دین [خود] را برای او خالص کنید. همچنان که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز بازمی گردید»^۴.

با توجّه به این آیات و روایات، یکی از آثار حضور و شرکت بانوان در مساجد، استفاده و بهره‌وری از اعمال عبادی در این مکان مقدّس است. اگر بانوان با رعایت شرایط ذکر شده برای حضور در مسجد (حضور سالم)، در این مکان الهی وارد شوند، می توانند از اجر و پاداش عبادت کنندگان واقعی در مساجد برخوردار شوند. ولی حضور ناسالم زنان در مساجد و صحنه های دیگر اجتماعی، نه تنها ستایش نشده، بلکه مورد مذمت قرار گرفته است و آثار عبادی و روحانی ندارد. بنابراین، آیا سزاوار نیست که بانوان با رعایت شرایط ویژه، با داشتن انگیزه های الهی و اخلاص در عمل، در این جایگاه مقدّس وارد شوند؟

۲- آثار علمی

تحصیل علم و دانش، یکی از جنبه های حضور زن در جامعه است و این امر به گونه ای دارای اهمیت و ارزش است که اسلام همان طور که کسب علم و دانش را بر مردان واجب می داند، زنان را نیز به همان نسبت به تحصیل علم فرمان داده و از گهواره تا گور، یعنی از آغاز تا سرانجام به این امر مهم ترغیب نموده است.

۱. مسند رک الواسیل، ج ۳، ص ۳۱۳.

۲. همان، ص ۳۵۹.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰.

۴. اعراف، آیه ۲۹.

پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرمودند: «طَلِبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»^۱. در اینجا نمی توان گفت، چون واژه «مُسلم» مذکر است، تعبیر «كُلُّ مُسْلِمٍ» شامل زنان نمی شود؛ زیرا اولاً: در بعضی نقل هایی که در کتاب های شیعه وارد شده، واژه «مسلمه» نیز قید شده است: «طَلِبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ تحصیل علم برای تمام مردان و زنان مسلمان واجب است»^۲. ثانیاً: این تعبیرات اطلاق دارد و مقید به رجولیت (مرد بودن)، نیست و اختصاص از آن فهمیده نمی شود. «مُسلم» یعنی: مسلمان، چه مرد باشد چه زن. در این نقل ها «مُسلم»، اسم جنس است و شامل مرد و زن می شود.

کارکرد علمی مسجد در عصر رسول خدا ﷺ و توصیه های ائمه (علیهم السلام) در این باره، ما را با یکی دیگر از آثار حضور در مسجد آشنا می سازد. پیامبر ﷺ می فرماید: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوٍّ إِلَّا ثَلَاثَةً: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرُ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ؛ هر نشستن در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، اندوختن دانش»^۳.

هنگامی که بانوان در مسجد گردهم می آیند، بهترین زمانی است که می توانند از مسائل دینی و قرآن بهره مند گردند؛ زیرا یکی از اهداف بنای مسجد، برگزاری جلسات علمی و بیان احکام و مسائل اسلامی است، همان گونه که در عصر رسالت مرسوم بوده است. حضرات معصومان (علیهم السلام) در سخنان متعددی مساجد را پایگاه علم و دانش معرفی کرده اند. امام علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خود «...بهره برداری از علم و دانش را یکی از نتایج و آثار رفتن به مسجد ذکر می فرماید»^۴.

بعضی فقهای عظام، رفتن بانوان به مسجد برای فراگیری مسائل اسلامی را امری واجب دانسته اند و گفته اند: «اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی، جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است (بانوان) به مسجد بروند»^۵.

امروزه به برکت نظام جمهوری اسلامی و توجهات مقام معظم رهبری، مسجدها بر روی همگان گشوده است و به مناسبت های گوناگون در آنها وعظ و خطابه برپاست و علوم اسلامی تبلیغ می شود و از رویدادهای متفاوت علمی و تاریخ پرده برداشته می شود و کانون های گرمی تشکیل می گردد. بانوان می توانند با حضور

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. همان.

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

۴. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۵. آیت... مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

خود در این مکان مقدّس بهره‌های فراوانی ببرند که هم پاداش تحصیل علم بر آن مترتّب شود و هم ثواب حضور در مسجد.

۳- آثار اجتماعی و فرهنگی

مسجد به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمانان دارد. از این رو به طور طبیعی مسجد می‌تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال یکدیگر و سایر مسلمانان، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکان‌ها مؤمنان فرصت می‌یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان هم‌رنگ و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین، آنان می‌توانند از بین اهل مسجد، دوستانی نیکوکار، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز می‌کند. زیرا در این پایگاه دینی و فرهنگی است که نمازگزاران مؤمن و نیکوکار در آن رفت و آمد می‌کنند^۱ و دوستی با آنان، در بینش انسان مؤثر است.

با ایجاد پیوند و آشنایی میان مؤمنان، نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی انسان فراهم می‌آید.

کسی که با خوبان ارتباط دارد، حتّی اگر به آن درجه از تکامل نرسد که به سبب خداترسی، مرتکب گناه نشود، به سبب حیا و شرم از برادران و خواهران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی‌گیرد. بر همین اساس، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقَلِّ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: ... وَإِمَّا أَحْيَىٰ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ؛ اهل مسجد، کمتر از یکی از سه چیز از مسجد بر نمی‌گردد، که یکی از آنها [دوستی] است که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند»^۲. بنابراین، زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند.

طبق روایتی که از امام علی (علیه السلام) نقل شد، تأثیرات رفتاری که حضور در مسجد بر جای می‌گذارد، می‌تواند جوامع دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمانان را به سمت یک جامعه سالم هدایت کنند: «... أَوْ كَلِمَةً تَرْدُهُ عَنْ رِدَى أَوْ يَتَرَكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حِيَاءً؛ یا کلماتی می‌شنود که او را از فساد و گناه بازمی‌دارد، و یا به خاطر ترس [از خدا] یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‌کند»^۳.

۱. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۵۸.

۲. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۷۰. (براین اساس، حضور در مسجد می‌تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرایم و گناهان نیز داشته باشد).

مسجد، پایگاهی دینی است که از فرهنگ دینی حمایت می‌کند و بر بالندگی آن می‌افزاید؛ این پایگاه الهی که مردم، اعم از زن و مرد را در شبانه روز، پنج نوبت یا حداقل سه نوبت به سوی خداوند فرامی‌خواند و فرهنگی را ارائه می‌دهد که به دور از امتیازهای ظاهری و قومی، و ویژگی‌های مشترک تأکید ورزیده، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک انسان‌ها را در قالب فطری و الهی حیات می‌بخشد. این سازمان‌دهی از روزهای آغازین عصر رسالت، در خطابه‌ها و گفتگوهای علمی و فرهنگی پیامبر ﷺ با مردم و سران قبایل گوناگون آغاز شد و معیارهای جدیدی برای بشریت به ارمغان آورد که مهم‌ترین آنها ارزش‌گذاری بر مبنای تقوا و پرهیزگاری است؛ به طوری که جنسیت و قومیت و ... در آن، ارزش و جایی نداشت.

رونق گرفتن مسجدها که نیمی از آن به دست بانوان صورت می‌گیرد، چیزی نیست که بتوان به آسانی در مورد آن سخن گفت؛ زیرا بازتابی که این امر در میان مجامع جهان و برون مرزی دارد، بسیار فراتر و درخور توجه است. از این رو، اسلام همان گونه که به زنان دستور عفاف و حجاب می‌دهد، به آنان دستور شرکت در مجامع عمومی را نیز صادر کرده است.

حضور زنان در مساجد، بیانگر حضور فعال آنان در اجتماعات اسلامی و مجامع دینی و مذهبی است. آنان با حضور خود در مساجد، وحدت و همبستگی در سطح اجتماع را به ارمغان می‌آورند و از این کانون الهی جهت کسب دانش اجتماعی و فهم فرهنگ ناب محمدی ﷺ بهره‌های زیادی می‌برند.

۴- آثار سیاسی

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی و فرهنگی، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر ﷺ و چه در زمان خلفاء و ائمه اهل بیت (ع) و دیگر اعصار، قابل پیگیری است و نمونه‌های فراوانی درباره آن می‌توان ذکر کرد. در این دوران، نه تنها آثار سیاسی حضور مردان در مسجد، بلکه آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است. چنان که حضرت فاطمه (ع) در مسجد و دفاع وی از حق ولایت امام علی (ع) یکی از آنها است. همچنین سخنرانی حضرت زینب (ع) در مسجد کوفه که از مسلمات تاریخی است. این اثر را در انقلاب اسلامی نیز می‌توان به خوبی مشاهده کرد.

تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‌شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی، هوشیاری لازم را داشته باشند. از این رو حضور زنان در کنار مردان در مسجد ضروری است؛ زیرا اگر زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع تربیت دینی نسل‌ها به طور ناقص انجام خواهد شد. بانوان به دلیل تأثیر عمیق‌تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود،

در صورت برخورداری از تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را در نسل‌های بعدی به طور شگفت‌انگیزی افزایش خواهند داد. بنابراین، از صدر اسلام تاکنون، مسجد به عنوان کانون طرح مسائل سیاسی، نقش اساسی در تربیت سیاسی مردم، اعم از زن و مرد داشته است؛ براین اساس، اگر زنان در این جاها (مساجد) حضور نیابند، از آگاهی از مسائل سیاسی کشور و جهان اسلام بی بهره می‌شوند و فرزندان که مردان و زنان آینده یک اجتماع‌اند از تربیت سیاسی کافی برخوردار نخواهند شد و این چنین جامعه‌ای شکست‌پذیر است.

۵- آثار روحی و اخلاقی

کانون مسجد، نورانی و الهی است. چنان که پیامبر ﷺ نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ [و] يَتَذَكَّرُونَ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ غَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ؛ قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن نشینند؛ مگر آنکه آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود، و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند»^۱.

آن حضرت ﷺ در حدیث دیگری می‌فرماید: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ، ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَ الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ؛ هر کسی که مسجدها خانه‌اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می‌کند. از این رو، مؤمن در مسجد، به مانند ماهی در دریا می‌ماند»^۲.

اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی انجام صحیح وظایف و تکالیف شرعی دیگر را نیز در پی خواهد داشت. در این باره یادآوری این نکته نیز ضروری است که به دلیل لطافت‌های روحی و تأثیرپذیری عاطفی شدید در بانوان، نیاز به حضور برای کسب آرامش الهی و قلبی، درباره آنان بیشتر احساس می‌شود.

از نظر اخلاقی نیز وضع به همین ترتیب است؛ زیرا زنان به دلیل این که بیشتر عمر و وقت خود را در خانه‌ها صرف خانه‌داری و تربیت فرزندان می‌کنند و بارها در مشکلات مختلف در تنگنا قرار می‌گیرند، بیشتر از مردان نیازمند آرامش و یافتن محلی برای کسب راحتی روانی هستند؛ البته در فضایی به نام مسجد که اساس آن بر نورانیت، عبودیت و ارتباط خالق و مخلوق است، امکان فراهم شدن آن بیشتر است. به دلیل اینکه ویژگی‌هایی که در جماعت است، در غیر آن نیست.

شیخ حرّ عاملی در کتاب ارزشمند «وسائل الشیعه» بابی تحت عنوان «باب استحباب الاجتماع فی الدعاء

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۵۴.

«من أربعة إلى أربعين» آورده و روایاتی را در این باره مطرح نموده است. از جمله، از قول امام صادق (علیه السلام) آورده است که آن حضرت در این باره فرمود: «مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ رَهْطٍ قَسَطَ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ فِدَعْوَالَهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إِجَابِهِ؛ هیچ گاه چهار نفر با هم اجتماع نکرده اند که برای مطلبی به درگاه خدا دعا کنند، جز اینکه با اجابت آن دعا از هم جدا شده اند»^۱.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی دیگری فرمود: «كَانَ أَبِي إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ مَعَ النِّسَاءِ وَالصِّبْيَانِ ثُمَّ دَعَا وَأَمَّنَا؛ هرگاه پیش آمدی پدرم را غمناک می کرد، زنان و کودکان را جمع می کرد، سپس دعا می نمود و آنها آمین می گفتند»^۲.

ماجرای «مباهله» که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در برابر اهل نجران که آن حضرت را تکذیب کردند، نمونه ای از همین نوع و پندی است برای مسلمانان؛ گرچه حضرت خود به تنهایی می توانست نصاری نجرانی را نفرین کند و خداوند نیز به خواسته آن حضرت پاسخ مثبت دهد؛ ولی همه فرزندان و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) را گردآورد و تا هم اهمیت قضیه و جدی بودن رسالت خود را وانمود کند و هم این که برای دیگران درسی باشد. بنابراین، حضور زنان به همراه مردان در دعاهای پرفیض در خانه مشمول عنایت خاص و ویژه الهی قرار می گیرند و از آثار دعا بهره مند می شوند.

۶- آثار معنوی و اخروی

در منابع روایی از ثوابها و اجرهای متعددی برای حاضران در مساجد، فراوان یاده شده است از جمله: الف) «إِنَّ فِي السَّوَارَةِ مَكْتُوبًا: إِنَّ بَيُوتَ فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي وَحَقُّ عَلَى الْمُتَزَوِّرِ أَنْ يُكْرِمَ الزَّائِرَ؛ در تورات نوشته شده است که خداوند می فرماید: مسجدها، خانه های من در زمین هستند، خوشا به حال کسی که خود را در خانه اش تمیز کند و در خانه من به زیارت من بیاید و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد»^۳.

ب) پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قَرَأَهَا الْمَغْفِرَةُ وَتُحْفَتُهَا الْجَنَّةُ؛ مساجد بازاری از بازارهای آخرتند. [و بخشش] از وسایل پذیرایی آنها و هدیه آنها بهشت است»^۴.
یعنی همان گونه که بازار محل خرید و فروش و مبادله کالا و متاع های دنیوی است، مسجد نیز محل

۱. وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴۳، ح ۸۸۵۸، باب ۳۸ از ابواب دعا.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۱۴۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۸۲.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۴؛ الامالی، ص ۱۳۹.

کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر است. از سوی دیگر از آنجا که بیشترین اهتمام انسان مؤمن متوجه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت بدان نیاز دارد شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه او به بازارهای دنیاست و در جانب مقابل، آنان که دنیا و حرص و آزر بر متاع آن را وجه همّت خویش قرار داده‌اند، معمولاً با سودجویی و سودگرایی انس بیشتری دارند. از این رو می‌بینیم که مؤمنین در هنگام رفتن به مساجد سعی کنند بر دیگران پیشی گیرند و به هنگام خروج دیرتر از همه مسجد را ترک گویند، و بالعکس اهل دنیا پیش از همه به بازار رفته و پس از همه خارج می‌شوند.

ج) همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: ... رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ؛ هفت گروه در قیامت مورد توجه خدا قرار می‌گیرند... [که از جمله آنهاست،] شخصی که وقتی از مسجد خارج می‌شود تا زمان برگشت، توجه‌اش به مسجد باشد».^۱

د) امام صادق (ع) فرمودند: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ فَيَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُ بِهِ بَلَاءَ الدُّنْيَا...؛ اهل مسجد به کمتر از یکی از سه ویژگی باز نمی‌گردد: یا دعایی می‌کند که خداوند به برکت آن، او را بهشت می‌برد، یا دعایی می‌کند که به سبب آن بلای دنیا را از او دور می‌کند و یا...».^۲

این همه آثار بیانگر، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنیوی، از جنبه اخروی و کمالات معنوی نیز - به عنوان عاملی تأثیر گذار - مورد توجه است. نقل است که شیخ الرئيس ابوعلی سینا برای ابوسعید ابوالخیر نوشت: چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند، با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است. هر جا که باشی اگر رابطات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت؛ وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش گردد، چراغ‌های دیگر روشن است. ولی اگر همان چراغ، هر کدام در اطاق در بسته‌ای باشد، اگر یکی از آنها خاموش شود، آن اطاق تاریک می‌گردد. انسان‌ها نیز این گونه‌اند. بعضی گنه‌کارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به فیوضات و برکات نور الهی نشوند، ولی اگر در اجتماع باشند، شاید خداوند به برکت وجود بعضی دیگر افراد اجتماع، آنان را نیز مشمول فیوضات برکاتش قرار دهد.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۸۱.

نتیجه سخن

حضور زنان در جامعه و تلاش و مجاهدت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی از موضوعات و مسائل مهمی است که همواره از مباحث بنیادین بوده است.

از دیدگاه تعالیم مقدس اسلام، زنان از کلیه حقوق اجتماعی بهره‌مند می‌باشند و هیچ مانع و حصارى نمی‌تواند راه‌های حضور فعال آنان در جامعه را سد نماید و این انسان خلاق را که نیمی از پیکر جامعه انسانی است، از بهره‌رسانی به اجتماع محروم گرداند.

آنچه مهم است، اینکه اسلام در عین این که از حضور زن در عرصه‌های اجتماع، مانند حضور در مسجد و... جلوگیری نکرده، چارچوب را نیز در نظر گرفته تا هم برای به بار نشستن اهداف اسلام بکوشند و هم حیثیت انسانی آنان دستخوش طمع دشمنان قرار نگیرد و پاکدامنی‌شان نیز حفظ شود؛ از این رو، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می‌کند؛ مانند حج که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق ممانعت از همسر خود ندارد. گفتار قائلین به افضلیت نماز زن در خانه نیز ناظر به اهمیت به حجاب و پوشش زن است. اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد.

همان‌طور که در زمان رسول خدا ﷺ و دیگر حضرات معصومان (علیهم‌السلام) زنها با حفظ حجاب و پوشش اسلامی، در نماز جماعت مسجد حضور پیدا می‌کردند. امام خمینی (ره) در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند»^۱.

همچنین حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرماید: «برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند، و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی، جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند»^۲.

حضور زن در مسجد بسیار حائز اهمیت است؛ چون او مربی و پرورش دهنده نسل هاست. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند، مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است... زن با تربیت صحیح خود، انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خود کشور

۱. امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۹۳.

۲. آیت‌الله مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، مسئله ۸۱۷.

را آباد می‌کند».^۱

آری؛ بانوان محجّبه با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، برای انجام عبادات، کسب دانش‌های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و... و خلاصه متخلّق شدن به اخلاق الهی می‌توانند در برابر هجمه‌های فرهنگی دشمنان مبارزه نمایند و در پرتو کسب این آگاهی‌ها از کانون مساجد و اماکن مذهبی، در ایفای نقش خانوادگی و پرورشی و تربیتی، بسیار موفق و نسلی متفکر و سیاستمدار و مؤمن و متعبد و تلاشگر به جامعه انسانی تقدیم نمایند.

افزون بر فوایدی که در این نوشتار درباره حضور بانوان در مسجد بر شمردیم، در این برهه از زمان حفظ نظام جمهوری اسلامی و تحکیم پایه‌های اقتدار آن از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است که اصولاً جنسیت بردار نیست؛ یعنی مهم‌ترین وظایفی است که هر کس به دلیل مسلمانی بر عهده دارد؛ وظیفه‌ای که بر اساس قانون تراحم مصالح، بر تمام احکام فردی و اجتماعی اولویت دارد. بنابراین، در این راستا چه زنان و چه مردان، می‌بایست حضوری فعال داشته و نشاط سیاسی جامعه اسلامی را همواره با تقویت روح دینداری و عابدانه خود حفظ کنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشّیعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرّسین، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳. متقی الّهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تحقیق الشّیخ بکری حیاتی، الشّیخ صفوة الصّفا، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
۴. حلّی، علامه حسن بن یوسف، تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۵. سید قطب، فی ضلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۸ هـ.ق.
۶. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۷. فراهیدی، عبد الرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، طبع الثانیة، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۸. طبرسی، فضل حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۹. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، تحقیق عبد الرحمن محمد، مصر، قاهره، ۱۳۵۷ هـ.ق.
۱۰. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوّم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۱. عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثّقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم ﷺ با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش
۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان.
۱۵. ———، توضیح المسائل.
۱۶. عبد الحلیم ابوشقه، تحریر المرأة فی عصر الرساله، کویت، دارالعلم، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۷. العک، الشّیخ، خالد، موسوعة فقه المرأة المسلمه من الكتاب والسّنه.
۱۸. مجلسی، محمد تقی، روضة المتّقین فی شرح من لایحضره الفقیه.

١٩. حسيني عاملی، سيد محمد جواد، مفتاح الكرامه، بيروت، مؤسسة الأعلمي، ١٤١٦ هـ.ق.
٢٠. شهيد ثاني (الجبعي العاملی)، زين الدين بن علي، الروضة البهيه في شرح المعه الدمشقيه، قم، انتشارات داورى، چاپ اول، ١٤١٠ هـ.ق.
٢١. آيت الله العظمى، مكارم شيرازى، ناصر، رساله توضيح المسائل.
٢٢. محلاتى، ذبيح الله، رياحين الشريعة، تهران، دارالكتب الإسلاميه، ١٣٦٤ هـ.ش.
٢٣. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالصادر.
٢٤. عسقلانى، ابن حجر، الاصابه فى تمييز الصحابه، بيروت، دارالجيل.
٢٥. عبد الرحيم عنيمة، تاريخ دانشگاه هاى اسلامى، ترجمه دكتور نورالله كسائى.
٢٦. نورى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤٠٨ هـ.ق.
٢٧. شهيد اول، دروس الشريعة، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٢ هـ.ق.
٢٨. سيد حسن شيرازى، كلمه الامام الحسن، بيروت، دارالصادق، ١٣٨٨ هـ.ق.
٢٩. صابريزدي، عليرضا، الحکم الزاهره، ترجمه محمدرضا انصارى، تهران، انتشارات سازمان تبليغات اسلامى، ١٣٧٢ هـ.ش.
٣٠. شيخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشر رضى، چاپ دوم، ١٣٦٣ هـ.ش.
٣١. نعمان بن محمد تميمى مغربى، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعاف، ١٣٨٥ هـ.ق.
٣٢. قرائتى، محسن، حج، نشر مشعر، ١٣٧٣ هـ.ش.
٣٣. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، قم، مكتبة آية الله المرعشى، بى تا.
٣٤. نمازى شاهرودى، شيخ على، مستدرک سفينة البحار، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٩ هـ.ق.
٣٥. هيثمى، نور الدين، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بيروت، دارلكتب العلميه، ١٤٠٨ هـ.ق.
٣٦. ابن اثير، اسد الغابه، تهران، انتشارات اسماعيليان.
٣٧. الامام احمد حنبل، مسند احمد، بيروت، دارالفكر.
٣٨. نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
٣٩. فاضل هندى، كشف اللثام، قم، مكتبة آية الله مرعشى التجففى، ١٤٠٥ هـ.ق.
٤٠. محقق نراقى، محمد مهدى، مستند الشيعة فى احكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ١٤١٥ هـ.ق.
٤١. النووى، محى الدين بن شرف، المجموع، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ هـ.ق.

٤٢. بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق التاخره، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
٤٣. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامية، تهران، مكتبة مرتضوية، ١٣٨٨ هـ.ق.
٤٤. شهيد ثانی، مسالك الافهام الى تنقيح الشراخ الاسلام، مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١٦ هـ.ق.
٤٥. سبزواری، محمدباقر، كفاية الاحكام، اصفهان، مدرسه مهدي، بی تا.
٤٦. موسوی خوئی، سيد ابوالقاسم، منهاج الصالحين (المعاملات)، قم، نشر مدينة العلم، چاپ بیست وهشتم، ١٤١٠ هـ.ق.
٤٧. حائري (شاهباغ)، سيد علي، شرح قانون مدني ايران، تهران، كتابخانه گنج دانش، ١٣٧٩ هـ.ش.
٤٨. محقق داماد، سيد مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح وانحلال آن، تهران، نشر علوم اسلامی، ١٣٧٢ هـ.ش.
٤٩. مشکيني، علي، الزواج فی اسلام، قم، نشر مؤلف، بی تا.
٥٠. شمس الدين، محمد مهدي، مسائل حرجة فی فقه المرأة- حقوق الزوجة، بيروت، مؤسسة الدولته للدراسات والنشر، ١٩٩٦ م.
٥١. فضل الله، علامه سيد محمد حسين، تأملات اسلامية حول المرأة، بيروت، دارالملاک، ١٤٢١ هـ.ق.
٥٢. زبيدي، محمد بن مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، المكتبة الحية.
٥٣. فيومي، احمد بن محمد، «المصباح المنير»، قم، دارالهجرة، ١٤٠٩ هـ.ق.
٥٤. ابن ابی جمهور احسائي، ابو جعفر بن علي بن ابراهيم، عوالي اللئالي العريضة فی الأحاديث الدينية، قم، انتشارات سيد الشهدا (عليه السلام)، ١٤٠٥ هـ.ق.
٥٥. طوسی، محمد بن حسن، الأمالي، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ هـ.ق.
٥٦. حرّانی، ابن شعبه، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٧ هـ.ق.
٥٧. مطهری، مرتضى، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ١٣٦٧ هـ.ش.
٥٨. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، تهران، انتشارات اميرکبير، چاپ دوم، ١٣٦٣ هـ.ش.
٥٩. ادهمی مصري، شيخ محمد کمال الدين، مرآت النساء.
٦٠. بشّار عوّاد معروف و همکاران، المسند الجامع، بيروت، دارالجيل، چاپ اول، ١٤١٣ هـ.ق/ ١٩٩٣ م.
٦١. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علي، احکام النساء، تحقيق عبدالمجيد طعمه الحلبي، بيروت،

دارالمعرفه، ۱۴۱۷هـ.ق.

۶۲. القزوينی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۶۳. سبجانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ نهم، ۱۳۷۳هـ.ش.
۶۴. جریر، محمد بن جریر، تاریخ الزسل و الملوك یا تاریخ الامم والملوك (تاریخ طبری)، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۵۴هـ.ش.
۶۵. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جامعه مدرسين قم بی تا.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق وتعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵هـ.ق.
۶۷. ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، بیروت، داراحیاء النبویه.
۶۸. مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات پژوهش.
۶۹. موصلی (ابو یعلی)، احمد بن علی، معجم ابی یعلی، فیصل آباد، اداره العلوم الاثریه، ۱۴۰۷هـ.ق.
۷۰. مروارید، علی اصغر، سلسله الینایع الفقہیہ، بیروت، مؤسسه فقہ الشیعہ، ۱۴۱۳هـ.ق.
۷۱. قشیری النیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

بررسی احکام فقهی حضور زنان در مسجد

عسکری اسلام پور کریمی

چکیده

نوشتار حاضر در صدد بررسی احکام فقهی حضور زنان در مسجد است. نگارنده، با بررسی روایات فریقین که خانه و منزل زن را، مسجد وی می‌دانند و روایاتی که مسجد را متعلق به زن و مرد دانسته است و تحقیق در شواهد تاریخی فراوانی که بیانگر حضور زنان در مسجد، در صدر اسلام برای و نماز، اعتکاف، نظافت مسجد، پرستاری از مجروحان جنگ و... است، به تشریح حضور زن در مسجد و سایر فعالیت‌های اجتماعی پرداخته است. این نوشتار، در پنج مبحث به شرح زیر تنظیم گردیده است: بررسی روایات فریقین، شواهد تاریخی حضور زنان در مسجد در صدر اسلام برای اموری غیر از نماز، بررسی فقهی حضور زن در مسجد، شرایط حضور زنان در مساجد، آثار حضور زنان در مسجد.

واژگان کلیدی:

مسجد، حضور زن در مسجد، نماز جماعت، اعتکاف، خادم مسجد، شواهد تاریخی، شرایط حضور، آثار حضور.

با مطالعه در آموزه های اصیل اسلامی درمی یابیم که زن، از سرشتی انسانی، مانند مرد، آفریده شده است. همان گونه که زن در آفرینش، با مرد یکسان است و سرشتی جداگانه ندارد، در رشد و کمال معنوی و رسیدن به قلّه های بلند تقوا و فضیلت نیز استعدادهای سرشاری دارد. بانوان، نیمی از پیکر جامعه انسانی را تشکیل می دهند و مانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و نمی توان از نقش سازنده آنان چشم پوشی کرد.

اسلام، با حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی مخالف نیست و این کار را منع نکرده است. با وجود اینکه دین مبین اسلام، وظیفه و نقش اصلی زنان را «مادری» و تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته می داند، در کنار آن نیز به آنان اجازه داده است تا با حفظ حریم عفت، پاکدامنی و در پوششی محفوظ، در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند.

با دقت نظر در تاریخ صدر اسلام، به ویژه عصر پیامبر اکرم ﷺ درمی یابیم که زنان مؤمن، همانند مردان در مجامع عمومی مانند نماز جمعه و جماعت شرکت می کردند. پیامبر اکرم ﷺ، پس از مدتی که درب ورودی و خروجی مسجد النبی برای مردان و زنان یکی بود، دستور فرمودند تا برای زنان، درب دیگری قرار دهند که «باب النساء» نامیده شد و هنوز هم به این نام معروف است. بنابراین، سیره نبوی ﷺ و دلایل و شواهد تاریخی، از جمله دلایل متقنی موجود است که بر جواز حضور زنان در مجامع عمومی، مانند حضور در مسجد برای برگزاری عبادت و استفاده برنامه های فرهنگی و... تأکید دارد. سخنی که در این نوشتار، متعرض آن خواهیم شد، از این قرار است:

۱. حال که با استناد به روایات و دلایل و شواهد تاریخی، حضور زن در مسجد جایز شمرده می شود،^۱ پرسش اصلی این است که آیا برای زن، جایز است در مسجد، متصدی امامت جماعت گردد.
۲. فقه پویای اسلام درباره احکام حضور زنان در مسجد چه می گوید (احکام فقهی حضور زن در مسجد)؟

فصل اول: زن و قبول مسئولیت در مسجد

الف) زن و امامت جماعت در مسجد

۱. دیدگاه فقهای شیعه

برای روشن شدن بحث، بهتر است اختلاف یا اتفاق نظر در سه مورد زیر بررسی شود:

۱. برای مطالعه بیشتر و دست یابی به مبانی حضور بانوان در مسجد، ر.ک به: اسلام پور کریمی، عسکری، حضور بانوان در مسجد و نماز جماعت براساس آموزه های دینی؛ گندمکار، علی اکبر، بررسی تفصیلی حضور زنان در مسجد.

الف) مرد می‌تواند امام جماعت برای مردان به تنهایی، زنان به تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ب) زن نمی‌تواند امامت جماعت برای مردان به تنهایی و مردان و زنان با هم باشد؛

ج) زن می‌تواند امام جماعت برای زنان به تنهایی باشد.

مورد اول و دوم محلّ اتفاق آرا و نظر عالمان و فقیهان است؛ ولی مورد سوم، محلّ اختلاف نظر است. مرحوم صاحب جواهر، به هیچ وجه در مورد مسئله اول صحبت نکرده است؛ زیرا در نظر همه فقها و مطابق با سیره همه مسلمانان، امری جایز و درست است و محلّ اختلاف نیست. در مسئله دوم نیز ادعای نقل و تحصیل عدم خلاف کرده است و سپس از مرحوم شیخ طوسی و علامه حلی، نقل اجماعی بر آن می‌کند و می‌گوید که سایر فقها نیز در این مسئله رأی مخالفی ابراز نداشته‌اند. عمده اختلاف نظرها درباره امامت جماعت زن، در مورد سوم است؛ یعنی جایی که همه مأمومان، زن هستند. مشهور فقهای عظام شیعه، امامت جماعت زن برای زنان را جایز می‌دانند و برخی از آنان نیز ادعای اجماع کرده‌اند.^۱ البته، ناگفته نماند که تحصیل اجماع مشکل است؛ زیرا وجود علمای بزرگ مخالف، محرز است؛ برای مثال قدما، سیدمرتضی^۲ و ابن جنید اسکافی و صاحب «مستند الشیعه»،^۳ مخالف امامت جماعت زن برای زنان هستند.

چنان که گذشت، بسیاری از فقهای قدیم و متأخر، به جواز امامت زن برای زنان قائل هستند؛ از جمله به موارد ذیل اشاره می‌کنیم:

مرحوم صدوق، اگر چه در «المقنع»، متعرض مسئله نشده‌اند؛ ولی از بیان ایشان در «جمل العلم و العمل» که جواز امامت زنان برای مردان را نفی نمودند، استظهار می‌شود که امامت آنها (زنان)، برای زنان بلامانع است.^۴

مرحوم کلینی نیز در «الکافی»، پس از منع امامت زنان برای مردان و برخی طوایف دیگر می‌فرماید: «يجوز أن يؤمَّ كلَّ منهم بأهل طبقته».^۵

مرحوم قاضی ابن براج هم در «مهذب البارع» آورده‌اند: «لا يؤمُّ المرأة الرجال و يجوز أن تؤمَّ النساء».^۶

۱. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

۲. این شهرت با ملاحظه کتاب‌های فقهی به دست می‌آید. صاحب جواهر، جواز را به مشهور اصحاب نقلی و تحصیلی نسبت داده‌اند؛

جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۶؛ علامه در مختلف، ص ۱۵۴؛ شهید در بیان، ص ۲۳۱.

۳. مستند الشیعه، ج ۵، ص ۳۵. صاحب جواهر هم از ریاض المسائل چنین نقل می‌کند: «إن علیه عامة من تأخّر».

۴. سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۲۷، ص ۶۴۷.

۵. محقق نراقی، مستند الشیعه، ج ۵، ص ۳۷.

۶. سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۳، ص ۱۸۳.

۷. همان، ص ۲۷۴.

۸. همان، ص ۴۰۹.

مرحوم شیخ طوسی نیز در «النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى» آورده است: «لابأس أن تؤم المرأة بالنساء»^۱ و در «المبسوط»، فتوی به استحباب داده‌اند.^۲

صاحب شرایع^۳ در «شرايع الاسلام»، علامه حلی در «تبصرة»^۴ و «تلخیص المرام»^۵ و شهید اول در «دروس»،^۶ شهید ثانی در «مسالك»،^۷ محقق اردبیلی در «مجمع الفائدة والبرهان»،^۸ صاحب حدائق^۹ و صاحب جواهر،^{۱۰} همگی فتوا به جواز امامت جماعت زنان برای زن در فرائض داده‌اند.

از میان علمای معاصر نیز تعداد قابل توجهی، قائل به جواز امامت زنان برای زنان در نمازهای واجب هستند؛ مانند مرحوم سید کاظم یزدی در «عروة الوثقی»،^{۱۱} مرحوم حکیم در «مستمسک العروة الوثقی»،^{۱۲} مرحوم خویی در «منهاج الصالحین».^{۱۳}

آیت الله گلپایگانی، امامت زن برای زنان در نماز میّت را جایز نمی‌دانند؛ ولی در بقیه موارد، امامت زن برای زنان را جایز می‌شمارند.^{۱۴} امام خمینی رحمه الله در این مسئله تأمل و اشکال دارند؛ ولی سایر بزرگان محشین عروة، حاشیه‌ای بر این مطلب ندارند. از فقهای حاضر، آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی به جواز امامت زنان فتوی داده‌اند؛ هر چند برخی، آن را مکروه می‌دانند.^{۱۵}

ادله مسئله

دلایل زیادی بر این مسئله اقامه شده است که بیشتر روایی هستند. البته، صاحب جواهر، از قول «خلاف»، «تذکره»، «غنیة»، «ارشاد جعفریة»، «معتبر» و «منتهی» ادعای اجماع بر جواز را نقل کرده

۱. همان، ج ۳۰، ص ۳۲۴.

۲. همان، ج ۲۷، ص ۲۳۳.

۳. همان، ج ۴، ص ۸۲۱.

۴. همان، ج ۲۸، ص ۵۲۲.

۵. همان، ص ۵۶۷.

۶. سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۳، ص ۶۴۷.

۷. مسالك الافهام، ج ۱، ص ۲۶۴.

۸. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۹. الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۴۱ و ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۱۰. جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۱۱. عروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۸-۷۹۷.

۱۲. مستمسک عروة الوثقی، ج ۷، ص ۲۲-۳۲۱.

۱۳. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۱۸.

۱۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۱۹.

۱۵. ر.ک به: توضیح المسائل مراجع، ص ۸۱۸ و ۸۱۷ و ۸۳۹ و همچنین رساله عملیه آیت الله تبریزی.

است و در بیان مستندات آن، غیر از روایات، به اصل اشتراک احکام نیز تمسک جسته‌اند. تمسک به این اصل در کنار روایات، از این نظر مفید است که در صورت مواجهه با روایاتی که ظهور در عدم جواز امامت زنان دارند، می‌توانیم به اصل مزبور مراجعه کنیم و روایاتی را ترجیح دهیم که جواز امامت زنان را ثابت می‌کنند. در هر حال، دو دسته روایت در این مورد وجود دارد:

الف) روایاتی که امامت زنان برای زنان را تجویز می‌کنند:

اول، روایت نبوی معروف و مشهور در کتب روایی شیعه و اهل سنت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به «ام‌ورقه» امر فرمودند که برای اهل خانه خود، نماز جماعت برگزار کند.^۱

دوم، روایت از امام صادق علیه السلام است که از آن حضرت پرسیدند: «ففی صلاة المكتوبة أیوم بعضهن بعضاً؟» حضرت پاسخ دادند: «نعم».^۲

سوم، روایت موثق سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام است: «عن المرأة تؤم النساء؟ فقال: لا بأس به؛ سماعة می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره امام جماعت شدن زن برای زنان سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد».^۳

چهار، روایت عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام است که حضرت در پاسخ به پرسش در این مورد می‌فرماید: «نعم؛ تقوم وسطاً بیتهن ولا یتقدمهن؛ جایز است، در وسط زنان می‌ایستد، نه جلوتر از آنان».^۴ این روایت، مرسل است؛ ولی علاوه بر آنکه ابن بکیر از اصحاب اجماع^۵ است، روایت مزبور نیز به ادله صحیح و موثق دیگری تأیید شده است.

پنجم، روایت علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام: «عن المرأة تؤم النساء ما حد رفعت صوتها بالقراءة والتکبیر؟ فقال الصادق علیه السلام قدر ما تسمع؛ علی بن جعفر از برادرش، امام کاظم علیه السلام درباره اندازه بلند کردن صدای زن به هنگام امامت جماعت زنان پرسید؛ حضرت در پاسخ فرمودند: به اندازه‌ای که صدای او شنیده شود».^۶

۱. کنز العمال، ج ۴، ص ۲۵۷، قم ۵۳۶؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۶۸۰؛ اعلام النساء، ج ۵، ص ۲۸۴، درباره ام‌ورقه بنت عبدالله بن حارث انصاریه آمده است: «من فواضل نساء عصرها کان رسول الله یزورها ویسمیها الشهیده... وکانت جمعت القرآن، فأمرها النبی صلی الله علیه و آله أن تؤم أهل دارها فكانت تؤم أهل دارها».

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۲.

۳. همان، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۱۱.

۴. همان، ح ۱۰.

۵. در علم رجال، در مورد برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام بین علماء اتفاق نظر وجود دارد، مبنی بر اینکه هر روایتی که از آنان به طریق صحیح نقل شده و راویان از اوّل سند تا یکی از آنان مورد اعتماد باشند، آن روایت، صحیح است و عمل به آن را لازم می‌شمارند. از این رو، باید حدیث اصحاب اجماع را قبول تلقی کرد؛ حتی اگر از مجهول یا ضعیف باشد. به همین اعتبار، مرسل‌های آنان به منزله مسندها معتبر است.

۶. وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۰، ح ۷.

ب) روایاتی که بر منع امامت جماعت زنان یا ممنوعیت حضور آنان در جماعت دلالت دارد:

از جمله، روایت نبوی که در کتاب‌های شیعه و اهل سنت تکرار شده است. این روایت بخشی از وصیت و سفارش پیامبر ﷺ به حضرت علی (علیه السلام) است: «وَلَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ»^۱.

صرف نظر از بحث سندی این روایت، تذکر این نکته ضروری است که آنچه در این روایت نفی شده است، سیاق واحدی ندارد و به طور اساسی، برخی از آنها برای مردان هم واجب نیست؛ از این رو، نفی آن از زنان نیز نفی استحباب است؛ مانند هروله، عیادت مریض، استلام حجرالأسود و مانند آن؛ در مواردی نیز چیزی نفی شده که انجام آن بر زنان حرام است؛ مانند: خروج زن از منزل بدون اذن همسر. بنابراین، گاهی حکم مزبور تریخی است و گاهی عزیمتی و الزامی.^۲

به هر حال، علت اینکه شرکت زن در نمازهای جمعه و جماعت ضرورتی ندارد، یکی به دلیل حفظ عفت و پاکدامنی است؛ دیگر اینکه زن، وظایفی در خانه دارد و با توجه به مأموریت تربیت فرزند و سامان بخشی به امور منزل، برخی از اعمال دینی از دوش او برداشته شده است. البته، برداشته شدن این احکام از زنان، از باب رخصت است، نه از باب عزیمت. به طور کلی، پس از بررسی، در ادامه خواهیم دید که ادله جواز، ترجیح دارند.^۳

ارزیابی ادله جواز امامت جماعت زن

مرحوم شیخ حرّ عاملی پس از نقل هر دو دسته دلیل، می‌فرماید: روایاتی که امامت جماعت زنان را جایز می‌شمارند، صریح تر بوده است و دلالت گویاتری دارند. بنابراین، روایات طرف مقابل را بر این معنا بار می‌کنیم که حداکثر کراهت امامت جماعت زن را برای زنان ثابت می‌کنند.^۴ وی می‌افزاید: علامه در «منتهی» می‌گوید: «اعتقاد بر این است روایاتی که امامت زنان را جایز نمی‌دانند، منصرف به زنی هستند که احکام نماز و نماز جماعت را نمی‌شناسد» و البته تعداد آنها در آن عصر، کم نبوده است. فرمایش علامه را می‌توان با این نکته تأیید نمود که پیامبر ﷺ، از میان زنان، به «امّ ورقة» امر کرده است که برای اهل

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۶.

۲. رخصت، یعنی اینکه لزومی ندارد زنان در این گونه امور شرکت کنند؛ اما اگر شرکت کردند، اشکالی ندارد؛ ولی اگر عزیمت بود، شرکت کردن آنها جایز نبود.

۳. اگرچه کسانی که اعتضاد روایات به شهرت رانمی‌پذیرند، این وجه ترجیح را قبول ندارند؛ مانند صاحب مستند الشیعه ر.ک به: مستند الشیعه، ج ۵، ص ۳۹-۳۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، انتهای باب ۲۰، از ابواب صلاة الجماعة.

خانه‌اش نماز برپا کند و مؤذنی هم برای وی قرار داد. امّ ورقه زنی دارای کمالات علمی و عملی بوده است. شهید اول در «ذکری» فرموده‌اند؛ جمع میان روایات این است که بگوییم روایات دسته دوم، استحباب مؤکد رانفی می‌کنند، نه مطلق استحباب را.^۱ صاحب حدائق از فاضل خراسانی نیز نقل می‌کند که جمع میان ادله به این است که قائل شویم امامت زنان در نمازهای واجب جایز، ولی بهتر این است که ترک شود.^۲ سپس، ایشان در رفع تعارض و تنافی این دو دسته دلیل می‌فرمایند: لازم است ما این چنین جمع کنیم که بگوییم مراد از واژه «مکتوبه» که در ادله عدم جواز امامت زنان آمده است، نماز جماعت واجب است (مثل جمعه و عیدین) و مراد از نافله در ادله جواز امامت زنان، نماز جماعت مستحب است (مثل نمازهای یومیّه که اقامه به جماعت در آن مستحب است)؛ یعنی مکتوبه و نافله وصف جماعت باشد، نه نماز. بنابراین، روشن خواهد بود که ادله مانعه، ناظر به امامت جماعت زنان در جمعه و عیدین هستند که «لا يجوز امامة المرأة فيه اتفاقاً، نصّاً و فتوی».^۳

این توجیه، متین به نظر می‌رسد؛ ولی ظاهر ادله آن را ثابت نمی‌کند. مکتوبه و نافله بودن ظهور در این دارند که وصف نماز باشند؛ به خصوص که در بعضی ادله، وصف به جای موصوف نشسته است: «ففي المکتوبه»؛ همان گونه که در «مستند الشیعه»، مرحوم نراقی نیز جمع فوق را خلاف ظاهر متبادر ادله دانسته‌اند.^۴

مطلب دیگری در حلّ مشکل و ترجیح ادله جواز امامت زنان این است که بگوییم: ادله عدم جواز، چون موافق قول عامّه‌اند (اهل سنت)، قابل اعتنا نیستند. این سخن، هم در «حدائق»^۵ و هم در «صلاة الجماعة»، از شیخ محمدحسین اصفهانی ذکر شده است. صاحب حدائق می‌فرماید: با توجه به آنکه عامّه ادله، عدم جواز را ترجیح می‌دهند، پس ادله عدم جواز در مجامع روایی شیعه از باب تقیّه صادر شده‌اند. علامه نیز در «منتهی»، این وجه را پذیرفته‌اند.^۶

در هر حال، ادله جواز امامت زنان، به دلیل هم اشتهاشان و هم صحت بسیاری از آنها، قابل طرد کلی

۱. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۸۸.

۲. همان.

۳. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۴. مستند الشیعه، ج ۵، صلاة الجماعة، ص ۳۲.

۵. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۱.

۶. اصفهانی شیخ محمدحسین، صلاة الجماعة، ص ۳۲.

۷. منتهی المطلب، ج ۱، ص ۲۶۸؛ البته مرحوم صاحب مستند نمی‌پذیرند که قول منع موافق عامّه است؛ زیرا از ائمه چهارگانه فقه اهل سنت، قول به جواز را نقل می‌کنند؛ ولی روشن است که جواز با کراهت در کلمات صاحب حدائق... آمده و ذکر شد که فقهای اهل سنت، یا منع تحریمی دارند یا تنزیهی. بنابراین، شاید ردّ صاحب مستند، به کلام محقق و علامه بحرانی وارد نباشد.

نیستند و لازم است به گونه‌ای نظر هر دو دسته را جمع نمود. از این رو، غالب کسانی که قائل به منع امامت زنان هستند، در مسئله فتوای صریح نداده‌اند، بلکه احتیاط و به اشکال در مسئله اکتفا کرده‌اند.

۲. دیدگاه علمای عامه

درباره امامت جماعت زن در فقه اهل سنت، فتواهای مختلفی وجود دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود: در «الأمم»، جواز با کراهت از ائمه چهارگانه اهل سنت نقل شده است.^۱ شافعی، خود قائل به جواز و از احمد بن حنبل نیز قول به جواز را نقل کرده است. شعبی، نخعی و قتاده قائل به منع امامت جماعت زنان در فرائض هستند.^۲ صاحب حدائق از کسانی مانند عایشه، عطاء، ثوری، اوزاعی، اسحاق، ابی ثور و احمد (در روایت دیگر) و مالک قول به کراهت را نقل کرده است.^۳

از مطالبی که درباره «جواز امامت زن برای زنان» یاد شد، درمی‌یابیم که زن می‌تواند در مسجد و یا هر مکان دیگر، امام جماعت زنان باشد و مانعی از این نظر نیست. چنان که فتوای مشهور فقهاء نیز مؤید آن است.

ب) زن و تبلیغ در مسجد

زندگی هجده ساله حضرت زهرا (ع) پر از افتخارات منحصر به فردی است که در زندگی بانوان دیگر یافت نمی‌شود. او شخصیت ممتازی است که در تمام میدان‌های علمی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان و بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است. ایشان در سن پنج سالگی با فریاد کشیدن علیه مشرکان و کفار مکه به حمایت از پیامبر اکرم (ص) شتافت. پیوسته، او از پدر حمایت و دفاع کرد؛ به ویژه در همان سال‌هایی که حضرت ختمی مرتبت، پیامبر اکرم (ص) با کفار قریش به جنگ برخاسته بود.

پس از درگذشت پیامبر (ص)، او نخستین پشتیبان و مدافع ولایت و رهبری امیر مؤمنان (ع) بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر، زنده بود، هرگز آرام ننشست و به شیوه‌های گوناگون، پیام مظلومیت امام علی (ع) را به آیندگان منتقل کرد و در این راستا، آسیب‌های فراوانی نیز متحمل شد که در تاریخ ثبت و ضبط است. حضرت زهرا (ع) برای دفاع از حق خویش (فدک) و دفاع از حقانیت ولایت امام علی (ع) به مسجد آمدند^۴ (البته با حفظ کامل حجاب) و سخنرانی مشهور خود (خطبه فدکیه) را در محاجه با ابوبکر عنوان

۱. امام شافعی، الامم، ص ۱۶۴.

۲. المغنی، ج ۲، ص ۳۶.

۳. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۹۲؛ البته در برخی کتب، از عایشه روایاتی نقل شده مبنی بر اینکه ام سلمه، امامت جماعت زنان را برعهده داشتند. رک به: الجامع فی فقه النساء از شیخ عویضه، کامل محمد محمد.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱؛ کشف الغمّة، الطبعة الثانية، ص ۱۰۲؛ «روی عن الأصمغ بن نباتة قال: سمعت أمير المؤمنين (ع) يقول: والله لأتكلمن بكلام لا يتكلمن به غیري إلا أكذب. ورثت نبی الرحمة وزوجتی خیر نساء الأمة وأنا خیر الوصیین و حیث یقتضی ذکرها (ع) ذکر شیء من كلامها فلا بد من ذکر فدک إذ كانت خطبتها التي تحیر البلغاء و تعجز الفصحاء بسبب منعها من التصرف فیها و كف یدها (ع) عنها.

کردند؛^۱ به طوری که ابوبکر مجبور شد، قباله فدک را به او برگرداند (هر چند توسط عمر پس گرفته شد). ایشان آنجا که حضور در جمع مسلمانان را به مصلحت جامعه می دید، به خطبه و خطابه می پرداخت و گاه در مسجد النبی، زمانی در کوچه و بازار و موقعی در جمع زنان مهاجر و انصار، به نکوهش مهاجمان، غاصبان و بیعت شکنان می پرداخت.^۲ آنجا که صراحت و شفافیت در سخن را ضروری می شمرد، او دست به افشای خط نفاق و شرک می زد و در گفتار و رفتار خویش، شیوه هایی شایسته را برای پیکار با منحرفان از خط ولایت و امامت ترسیم می نمود تا امروز و فردای جامعه خود را هوشیار و بیدار سازد.

در تاریخ خونبار تشیع، در مورد حضرت زینب (ع) آمده است: «خطبه کوبنده سفیر کربلا در مسجد اُموی، چنان اوضاع مجلس آراسته یزید و او را آشفته کرد که یزید، دچار سردرگمی شد و ترسید با افشگری های دختر علی بن ابی طالب (ع) پایه های حکومتش دچار تزلزل شود. ترس، زمانی بیشتر شد که حضرت زینب (ع) در مسجد شام، آنگاه که امام سجاد (ع) مشغول ایراد خطبه افشاگرانه خود بود، با فریادهای رسا آن امام را یاری کرد...».^۳ شگفت آنکه همین بانوی بزرگوار، برای اینکه نامحرمی ایشان را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدش، رسول الله (ص) می رفت؛ در عین حال، وقتی که اسلام در خطر می افتد، همراه برادر به میدان کربلا آمد و در بازار کوفه، مسجد اُموی شام و مجلس یزید، آن گونه آتشین سخنرانی کرد.^۴

بر این اساس، زنان مسلمان می توانند با رعایت شئون اسلامی در مساجد یا حتی در دیگر اجتماعات، با تأسی از الگوهای رفتار دینی، در تبلیغات و ارشاد هم نوعان نقش داشته باشند؛ به ویژه در این برهه از زمان که بحران های فرهنگی تحمیل شده از سوی دشمنان، در صدد تهی کردن انسان ها، به خصوص بانوان، از معنویت و ارزش های اسلامی است. بانوان تحصیل کرده و آموزش دیده می توانند در میان افراد جامعه به خصوص زنان (با توجه به ویژگی های مخاطب شناسی و پیام رسانی و نیاز سنجی)، پیام دین را تبلیغ کنند و مبانی اعتقادی دختران جوان و دانشجویان را مستحکم نمایند.

امام خمینی (ره) گستره فعالیت های تبلیغی زنان را نه تنها در همه کشور، بلکه خارج کشور هم می دانستند: «امروز، اینها (بانوان) می توانند با حفظ همه جهات اسلام، در همه جای کشور، بلکه در خارج از کشور هم

۱. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۳۳۷؛ احتجاج طبرسی، ص ۱۰۶.

۳. منصوری لاریجانی، زینب کبری (ع) فریادی به اعصار، ص ۱۸۵.

۴. ابومخنف الازدی، مقتل الحسین (ع)، ص ۲۵ و ۲۲۶؛ شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی ج ۱، ص ۴۷۱؛ سیدبن طاووس حسنی، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۸۶.

تبلیغات بکنند.^۱ حضور فعال زنان در عرصه امر به معروف و نهی از منکر، نمونه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی زنان است که فرصتی مناسب برای احیای شخصیت زنان و حراست از کرامت آنان به شمار می‌رود. وظیفه‌ای که قرآن، به صراحت به ایشان داده است.^۲

ج) زن و نظافت مسجد

با توجه به جایگاه رفیع مسجد در فرهنگ اسلامی و نقش محوری آن در میان مسلمانان و اینکه در قرآن و حدیث، مسجد خانه خدا خوانده شده است، رعایت حرمت آن بر همه واجب است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُؤَقِّرِ الْمَسْجِدَ؛ از رحمت خدا دور است کسی که حرمت مسجد را پاس ندارد».^۳ از این رو، مساجد، احکام مخصوصی دارند که مهم‌ترین آنها وجوب تطهیر فوری و رعایت نظافت مسجد است. در فقه شیعی، جارو کردن و جمع کردن خاکروبه از مسجد، عملی مستحب است که پاداش فراوانی دارد.^۴ در منابع روایی شیعه و سنی، پاداش‌هایی برای این عمل ذکر شده است؛ مانند: ثواب آزاد کردن بنده،^۵ برخورداری از رحمت مضاعف خداوند.^۶

در این عمل بافضیلت، بانوان هم می‌توانند با حفظ شئون اسلامی شرکت کنند. چنان که در تاریخ آمده است: زن مسلمان سیاه‌پوستی به نام «مَحَبَّة» (م‌محجن)، در صدر اسلام، خادم و نظافت‌چی مسجد پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بوده است. ابوسعید می‌گوید: شبی، زنی سیاه‌چرده که مسجد را جارو می‌کرد، از دنیا رفت. روز بعد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از مرگش باخبر ساختند؛ آن حضرت فرمود: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آنگاه آن حضرت با اصحابش بر قبر او حاضر شدند. حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر فرمود و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارد و برای او دعا کرد.^۷ طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می‌بینم.^۸ از این روایت، افزون بر اینکه به اهمیت نظافت مسجد و فضیلت آن پی می‌بریم، درمی‌یابیم که زنان نیز می‌توانند در امر نظافت و بهداشت مسجد سهیم باشند و متصدی امور نظافت خانه خدا (مسجد) گردند.

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۹.

۲. توبه، آیه ۷۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۴؛ جامع الاحادیث، ج ۴، ص ۴۵۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۰.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۸۷؛ روض الجنان، ص ۲۳۵؛ مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۷.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹، ج ۴۳۸.

۶. همان.

۷. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸؛ همچنین همین منبع، ج ۲، ص ۹۲؛ عون المعبود، ج ۲، ص ۹۱.

۸. اسد الغابة، ج ۵، ص ۶۱۷.

فصل دوم: احکام فقهی حضور زنان در مساجد

الف) توقف و عبور زنان حائض، نفساء، مستحاضه و جُنُب در مساجد

حيض و نفاس و استحاضه، حالت‌های ویژه‌ای است که خدای متعال از نظر تکوین و آفرینش، برای زنان قرار داده است. این حالت‌ها برای طهارت و بهداشت بیشتر آنان و آمادگی برای عهده‌داری وظیفه سنگین مادری و عوارض موقت پس از آن برمی‌گردد. به طور کلی، زنان و دخترانی را که بیشتر در هر ماه و در وقتی مخصوص، از آنان خون خارج می‌شود، «حائض» گویند و هر خونی را که در آغاز زایمان تازه روز از زن خارج می‌شود، «نفاس» و زن را در این حالت، «نفساء» می‌گویند.^۱ به دلیل آنکه حالت حیض و نفاس بودن، نوعی آلودگی محسوب می‌شود و مسجد جایگاه عبادت و متعلق به ذات خدای متعال است، توقف زن حائض و نفساء در آن مکان شریف حرام است؛ ولی اگر مسجد، دارای دو در باشد و این افراد از یک در داخل و از در دیگری خارج شوند، اشکال ندارد؛ مگر «مسجد الحرام» و «مسجد النبی» که حتی انجام همین امر هم حرام است. دلیل این حکم را صاحب جواهر اجماع فقه‌های عظام می‌داند.^۲

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: رفتن به مسجد برای جنب و حائض حرام است.^۳

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «اگر مردی در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد خارج گردد و سپس غسل کند. همین‌طور اگر زنی در این دو مسجد حیض شود، این‌گونه عمل کند؛ اما در غیر از این دو مسجد، بدون تیمم هم می‌تواند خارج گردد».^۴

همچنین، بنابر مذاهب چهارگانه اهل سنت، ماندن زن حائض در مسجد، بدون ضرورت حرام است. عبور زن حائض از مسجد نزد حنفی‌ها و مالکی‌ها حرام است؛ اما نزد شافعی‌ها و حنبلی‌ها عبورش جایز است؛ در صورتی که مطمئن باشد سبب آلودگی مسجد نمی‌شود. حنفی‌ها و مالکی‌ها، در موارد ضروری توقف زن حائض را در مسجد جایز دانسته‌اند؛ مثل زمانی که مکان امن دیگری برای خود نیابد یا بیرون از مسجد جنگ باشد و ترس از کشته شدن یا زخمی شدن، جود داشته باشد.

«استحاضه»، یکی از خون‌هایی است که از زن خارج می‌شود و بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید؛ اگر چه گاهی ممکن است این علائم را نداشته باشد.^۵ زن را در موقع دیدن

۱. رک: عروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵ به بعد؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴ به بعد و توضیح المسائل امام خمینی (ره)، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

۲. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۲۰.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۸.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۲۸۰.

۵. امام خمینی (ره)، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶، مسئله ۴۳۴ به بعد.

این خون، «مستحاضه» می‌گویند. در هنگام دیدن این خون، زنان احکام متفاوتی دارند که تفصیل آن در رساله‌های عملیه و کتب فقهی آمده است؛ ولی درباره حضور زنان مستحاضه در مسجد، طبق فتاوی علمای فقهی، باید گفت: اقوی آن است که توقّف زن مستحاضه در همه مساجد و همچنین داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی جایز است؛ اما اگر بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه نماز خودداری کند.^۱

شخص جنب- زن یا مرد- نباید به مسجد وارد شود. در مساجدی غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی، اگر مسجد دو در داشته باشد، شخص جنب می‌تواند از یک در داخل گردد و از در دیگری خارج شود. در این دو مسجد شریف، اگر انسان بخوابد و جنب شود باید بی‌درنگ، بدل از غسل جنابت تیمم کند و از مسجد خارج شود.^۲ مستند این حکم، از سوی فقهی، این آیه شریف است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا این که بدانید چه می‌گویید و در حال جنابت نیز [به نماز نزدیک نشوید] تا آنگاه که غسل نکرده‌اید، به نماز نزدیک نشوید، مگر این که بدون نشستن عبور کنید.^۳ همچنین، استناد فقهی در خصوص صدور حکم اخیر به روایاتی است که در زیر آیه ذکر شده، وارد شده‌اند.^۴ به علاوه، فقهی عظام، به چندین روایت دیگر نیز استناد کرده‌اند.^۵

به طور کلی، از موارد حرمت دخول مسجد برای افراد جنب، دو مورد استثنا شده است:

الف) اگر فرد جنب متوجّه شود که مسجد به نجاست آلوده شده است، در صورتی که بتواند بدون توقّف در مسجد و در حال عبور، نجاست را برطرف کند، باید بدون درنگ، به تطهیر مسجد اقدام نماید؛ ولی اگر تطهیر مسجد [بدین صورت] ممکن نباشد، جز اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود، [نه تنها] جایز، بلکه واجب است با همان حال جنابت به تطهیر مسجد اقدام کند.^۶

ب) اگر کسی جنب باشد؛ اما آبی که می‌خواهد با آن غسل کند، در مسجد باشد و آب دیگری هم در دسترس نباشد و به دست آوردن آب، جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد، باید تیمم کند و برای برداشتن آب یا غسل، داخل مسجد شود. این تیمم تا پس از خروج از مسجد باقی است.^۷

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۰، مسئله ۸ از فصل فی الاستحاضه.

۲. مستند الشیعه، ج ۲، ص ۲۹۱؛ جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸.

۳. سوره نساء، آیه ۴۰.

۴. تفسیر مجمع البیان ج ۳، ص ۸۱؛ جواهر الکلام، ج ۳، ص ۴۹.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۵۰، ح ۴۹ و همین منبع، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵.

۶. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸، مسئله ۱۴.

۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹، مسئله ۲.

ب) اعتکاف زن در مسجد

اعتکاف، به معنای گردهمایی مؤمنان در مسجد است. مؤمنان، چند روز از عیش و معیشت روزانه جدا می‌شوند و برای تقرّب به خدا می‌کوشند. امام خمینی رحمته الله در تعریف اعتکاف می‌گویند: «وَهُوَ اللَّبَثُ فِي الْمَسْجِدِ بِقَصْدِ التَّعَبُّدِ بِهِ وَلَا يَعْتَبَرُ فِيهِ صَمٌّ قَصْدِ عِبَادَةٍ أُخْرَى خَارِجَةً عَنْهُ وَإِنْ كَانَ هُوَ الْأَحْوِطُ؛ اعتکاف، ماندن در مسجد به نیت عبادت است و قصد عبادت دیگر، در آن معتبر نیست؛ اگر چه احتیاط مستحب نیت عبادتی دیگر در کنار اصل ماندن است»^۱.

اعتکاف، عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز نیز می‌شود و آنها هم می‌توانند از این چشمه جوشان فیض الهی و از این فرصت استثنایی بهره ببرند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که وقتی حضرت مریم علیها السلام با فرشته الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت (بیت المقدّس) به سر می‌برد.^۲ علامه طباطبایی در «المیزان»، این دوری حضرت را به اعتکاف و عبادت تفسیر می‌کند.^۳

روایات اسلامی نیز مؤید بر حضور زنان معتکف در مسجد است: در سنن ابی داود چنین آمده است: زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گاهی همراه با آن حضرت در مسجد معتکف می‌شدند.^۴

در سنن بیهقی چنین آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بعضی از زنان آن حضرت به اعتکاف در مسجد اهتمام داشتند.^۵

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اعتکاف در مسجد الحرام یا مسجد النبی یا مسجد جامع هر شهری منعقد می‌شود و سزاوار نیست که معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد، [که باید] پس از پایان کارش، بدون اینکه در جایی بنشیند، به مسجد برگردد... و اعتکاف زن، مانند مرد است».^۶ همچنین، در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه

۱. همان، ص ۳۰۴، خاتمة فی اعتکاف.

۲. ممیز، کسی که قدرت تمییز دارد؛ یعنی قدرت تشخیص خیر و شر و نفع و ضرر را دارد. چنین کسی را در صورتی که به سن کبر (بزرگسالی) نرسیده باشد، ممیز می‌نامند؛ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۸۸، ش ۵۵۱۲.

۳. «وَ اذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا * فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»؛ مریم، آیه ۱۶ و ۱۷.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۵.

۵. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۳۴، کتاب الصوم، باب الاعتکاف، ش ۲۴۷۸.

۶. سنن بیهقی، ج ۴، ص ۳۱۵.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ج ۲ و ص ۱۷۷، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۸، باب ۷ از کتاب اعتکاف، ح ۲.

حیض] از نماز بازماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست که همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند»^۱.

با توجه به مطالب یاد شده، اگر کسی بگوید که برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می‌دانند،^۲ پس، اعتکاف او نیز باید در خانه باشد، در جواب می‌گوییم: اول اینکه، ارتباط اعتکاف و مسجد، رابطه‌ای تفکیک‌ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف، محدودیت‌هایی وجود دارد و نظریه معروف آن است که این عمل مستحبی باید در یکی از مساجد چهارگانه^۳ انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه جایز دانسته‌اند؛ پس، اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد. دوم آنکه، این برداشت که اعتکاف زن باید در خانه باشد، مبتنی بر قیاس است که در فقه پویای شیعه جایگاهی ندارد؛ از این رو، هیچ‌یک از فقهای شیعه، اعتکاف زن را در خانه جایز نمی‌دانند.^۴

مرحوم صاحب جواهر چنین می‌نویسد: در عبادت اعتکاف، زنان و مردان مساوی هستند و در این مسئله، میان علمای امامیه اختلافی نیست؛ بلکه ممکن است بر این مسئله تحصیل اجماع کرد. همان گونه که صاحب حدائق^۵ در این مسئله، ادعای اجماع کرده است؛ زیرا اصل، اشتراک زن و مرد است. بر این اساس، جنسیت در این امر دخالتی ندارد. البته، شرکت زنان شوهردار در اعتکاف، باید با رضایت و اذن شوهر باشد.

ج) اذن شوهر در خروج از منزل

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال و در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها، خروج زن از منزل برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و معاشرت وی، بدون آنکه مقارن با مفسده‌ای باشد، باید عملی روا و جایز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به‌ویژه تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است که در ادامه، به اختصار به تشریح آن می‌پردازیم.

در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده‌اند. به‌طور خلاصه، به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

۱. التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۹.

۳. اعتکاف را می‌توان در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره انجام داد. در مسجد جامع هر شهر نیز می‌توان اعتکاف کرد (البته با قصد رجاء).

۴. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

۵. الحدائق التأطرة، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

۶. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۴.

- ۱- علی بن جعفر عن اخیه قال: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلَهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا، قَالَ لَا؛ إِذَا بَرَأْتُمْ، مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) پرسیدم: آیا زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت (ع) فرمود: خیر.»^۱
- ۲- عن جعفر عن ابیه قال: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَزْجَعَ؛ إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) فرمود: هر زنی که بدون اذن شوهر از خانه خارج شود، حق نفقه ندارد تا برگردد.»^۲
- ۳- إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) فرمود: «زَنَى نَزْدَ رَسُولِ أَكْرَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسِيدٌ وَعَرَضَ كَرْدٌ؛ إِي رَسُولَ خُدا! حَقَّ شَوْهَرُ چِیست؟ پیامبر اعظم (ع) فرمودند: بیش از آن است که تصوّر شود. گفت: برخی از آن را بیان فرما. حضرت (ع) فرمود: زن، نمی تواند بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد و نمی نتواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود...»^۳
- ۴- در روایتی معتبر از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «زَنَى نَزْدَ پیامبر (ع) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت رسول (ع) فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت، او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد.»^۴

دیدگاه فقیهان شیعه

در فقه پویای امامیه، نظریه مشهور فقهای عظام بر این است که زن، برای خروج از منزل شوهر، باید رضایت شوهر را جلب کند و شوهر، حق دارد که از بیرون رفتن زن جلوگیری کند. شیخ طوسی، شهید ثانی، مرحوم محمدباقر سبزواری^۵ و مرحوم صاحب جواهر^۶ چنین عقیده‌ای داشته‌اند. همچنین، امام خمینی (ره) در «تحریر الوسیله» فرموده است: «هر یک از زن و شوهر حقی بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گر چه حق شوهر عظیم‌تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی ننماید و از خانه‌اش بدون اجازه او خارج نشود؛ اگر چه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵.

۲. همان، ص ۵۲۴، باب ۲۴، ح ۴.

۳. همان، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۱۱۲.

۵. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ص ۳۳۱.

۶. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۳۰۸.

۷. سبزواری، محمدباقر، کفایة الاحکام، ص ۱۸۶.

۸. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰۶.

عزای آنان بدون اذن شرکت نکند». بعضی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته‌اند: «در اصل، از نظر فقهی، خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد».^۲

به هر حال، مبانی این باور می‌تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد و از سوی دیگر، می‌توان اساس نظریه ذکر شده را بر این ادعا قرار داد که حق کام‌جویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی‌سازد. از این رو، زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد.^۴ برخی فقها برای اثبات این نظریه، به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کرده‌اند^۵ که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

نکته شایان توجه درباره روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه‌اش سر باز زده و با بی‌اعتنائی به حق مسلم شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده، هیچ‌گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه، به گونه‌ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد. در غیر این صورت، چنین حکمی با دیگر احکام اسلامی ناسازگار می‌شود. برای مثال، کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری، مانند حضور در مسجد، برای انجام عبادت و اعتکاف و یادگیری احکام اسلامی و صلح‌رحم از خانه خارج می‌شوند، چه توجیهی دارد و این چنین نظری، با انبوه آموزه‌های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام، ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده، هیچ‌گاه در مقام ممنوعیت بی‌قید و شرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر مطرح نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه حق شوهر، در کام‌جویی از همسر است و باید در کنار دیگر حقوق و وظایف دیده شود.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است. این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت‌های زن، بسیار تعیین‌کننده است، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است. بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت‌ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش

۱. امام خمینی رحمته‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. حائری (شاهباغ)، سید علی، شرح قانون مدنی ایران، ص ۹۶۴؛ سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی خانواده، نکاح و انحلال آن، ص ۳۱۶.

۳. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۷.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳.

۵. علی مشکینی، الزوافقی اسلام، ص ۲۲۶.

در آورد. متفکر شهید استاد مطهری، با درک همین واقعیت گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه، توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد و نه بیشتر»^۱.

بنابراین، شوهر به عنوان رئیس خانواده، می تواند با تشخیص مصلحت و صلاح دید، رفت و آمد همسرش، حتی رفتن او به مسجد، را محدود کند؛ به عنوان مثال، در موقعی که خوف تعرض یا اختلاط های ناشایست و معاشرت های بی بندوبار در میان است یا زمانی که شوهر، بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می بیند. البته، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به عنوان مثال، هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش (شرکت در انتخابات، اقامه دعوی در دادگاه و...) یا انجام فرائض دینی (انجام حج، ادای خمس و...) یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی تواند مانع شود. با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد برای عبادت و اعتکاف و... اجازه خواست و شوهر مفسده ای در این حضور وی نمی بیند، شایسته است که وی را منع نکند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می خواهند، آنان را از بهره و نصیب شان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید»^۲.

نتیجه سخن

با مطالعه در تاریخ صدر اسلام، درمی یابیم که زنان با حضور در مسجد و دیگر عرصه های اجتماعی، نقش به سزایی در رشد و ترقی خود و جامعه اسلامی داشته اند و تاریخ پر بار اسلام، سرشار از صحنه هایی است که توسط زنان، خلق شده است.

حضور زن در مسجد برای اهداف گوناگون، مانند: برای امام جماعت، تبلیغ، خادم و نظافتچی، حضور برای نمازها و استماع برنامه های سخنرانی و سایر مسائل فرهنگی، برای انجام اعتکاف و... قابل تصور است. با مطالعه در منابع روایی اسلام، درمی یابیم که ادله جواز امامت زنان، به دلیل اشتها آن و هم صحت بسیاری از آنها، قابل طرد کلی نیست و لازم است به گونه ای میان هر دو دسته نظریات اجماع نمود. از این رو، غالب کسانی که قائل به منع امامت زنان هستند، در مسئله، فتوای صریح نداده اند، بلکه احتیاط و به اشکال در مسئله اکتفا کرده اند. بنابراین، زن می تواند در مسجد و یا هر مکان دیگر، امام جماعت زنان باشد و مانعی

۱. شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

در این مورد موجود نیست. چنان که فتوای مشهور فقهاء نیز مؤید آن است.

با مطالعه در سیره اهل بیت (علیهم السلام) به روشنی درمی یابیم که زنان مسلمان می توانند با رعایت شئون اسلامی در مساجد یا حتی در دیگر اجتماعات، با تأسی از الگوهای رفتار دینی در «تبلیغات و ارشاد هم نوعان» نقش داشته باشند؛ به ویژه در این برهه از زمان که بحران های فرهنگی تحمیل شده از سوی دشمنان در صدد تهی کردن انسان ها، به خصوص بانوان از معنویت و ارزش های اسلامی است. بانوان تحصیل کرده و آموزش دیده می توانند در میان افراد جامعه به خصوص زنان (با توجه به ویژگی های مخاطب شناسی و پیام رسانی و نیازسنجی)، پیام دین را تبلیغ کنند و مبانی اعتقادی دختران جوان و دانشجویان را مستحکم نمایند.

در تاریخ اسلام آمده است که زن مسلمان و سیاه پوستی به نام «مَحْجَنَه» (امّ محجن)، در صدر اسلام، خادم و نظافتچی مسجد پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بوده است؛ بنابراین، زنان نیز می توانند در امر نظافت و بهداشت مسجد سهیم باشند و متصدی امور نظافت خانه خدا (مسجد) گردند.

از جمله احکام فقهی حضور زنان در مسجد، احکام حضور زنان حائض، نفساء و مستحاضه و جنب در مسجد است. بر اساس مذاهب خمسّه، ماندن زن حائض در مسجد، بدون ضرورت حرام است. عبور زن حائض از مسجد، در نزد حنفی ها و مالکی ها حرام است؛ اما در نزد شافعی ها و حنبلی ها عبورش جایز است، در صورتی که مطمئن باشد سبب آلودگی مسجد نمی شود. حنفی ها و مالکی ها در موارد ضروری، توقف زن حائض را در مسجد جایز دانسته اند؛ مثل: آنجایی که مکان امنی برای خود نیابد، بیرون از مسجد جنگ باشد، ترس از کشته شدن یا زخمی شدن داشته باشد.

در باره حضور زنان مستحاضه در مسجد، طبق فتاوی علما و فقها، باید گفت: اقوی آن است که توقف زن مستحاضه در همه مساجد و همچنین داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی جایز است؛ اما اگر بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامه نماز خودداری کند.

شخص جنب - زن یا مرد - نباید به مسجد وارد شود. در غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی، اگر مسجد دو در داشته باشد، شخص جنب می تواند از یک در داخل و از در دیگری خارج شود. در این دو مسجد شریف، اگر انسان بخوابد و جنب شود، باید بی درنگ، بدل از غسل جنابت، تیمم کند و از مسجد خارج شود.

شرط حضور زنان شوهردار برای اعتکاف در مساجد، رضایت و اذن شوهر است. شوهر، به عنوان رئیس خانواده، می تواند با تشخیص مصلحت و صلاح دید، رفت و آمد همسرش، حتی رفتن او به مسجد را محدود کند؛ به عنوان مثال، در مواقعی که خوف تعرض یا اختلاط های ناشایست و معاشرت های بی بندوبار وجود دارد یا زمانی که شوهر، بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می بیند. البته، در مواردی

که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. بنابراین، زنان با اذن شوهر و رعایت شئونات اسلامی، میتوانند در مراسم عبادی و فرهنگی و حتی برای اعتکاف در مسجد حاضر شوند و شوهر نمی تواند، در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، مانع حضور وی گردد و او را از بهره و نصیبش از مسجد محروم کند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحديد معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۴. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی (۲۰ جلدی).
۵. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامیّه وابسته به جامعه مدرّسین، چاپ سوّم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۶. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمه (علیهم السلام)، لبنان، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۱۱. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۲. شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل.
۱۳. قشیری نیشابوری، ابوالحسن مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۱۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوّم، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۱۵. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناطره، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرّسین، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۱۶. حلّی (علّامه)، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مرکز ابحاث اسلامی، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۷. محمدی اشتهاردی، محمد، ازدواج و شیوه همسر داری از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات کتاب یوسف، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۱۸. شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، قم، دارالهدی للطباعة والنشر،

بیٲا.

۱۹. ———، روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴هـ.ق.
۲۰. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷هـ.ش.
۲۱. حسینی سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، دفتر آیت... سیستانی، قم، ۱۴۱۷هـ.ق.
۲۲. طوسی (شیخ الطایفه)، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضوی، ۱۳۸۷هـ.ق.
۲۳. ———، الامالی، قم، بیروت، دارالثقافة، ۱۴۱۴هـ.ق.
۲۴. ———، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵هـ.ش.
۲۵. محقق نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ.ق.
۲۶. مقدس اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ.ق.
۲۷. حکیم، سید محسن، مستمسک عروة الوثقی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۴۱۱هـ.ق.
۲۸. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چاپ بیست وهشتم، ۱۴۱۰هـ.ق.
۲۹. فلاح زاده، محمد حسین، احکام مسجد، قم، چاپ اسوه.
۳۰. قمی، شیخ عباس، بیت الاحزان فی ذکراحوالات سیده نساء العالمین فاطمة الزهراء، قم، انتشارات سید الشهدا، ۱۴۰۴هـ.ق.
۳۱. —، سفینه البحار، قم، دارالاسوه، چاپ سوم، ۱۳۸۰هـ.ش.
۳۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۶هـ.ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵هـ.ش.
۳۴. الطبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، چاپ مؤسسه انتشارات فراهانی.
۳۵. ابن أبی الفتح الإربلی، کشف الغمة، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية.
۳۶. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۳۷. موسوی الخمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۳۸. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، داراحیاء النبویه.
۳۹. فاضل هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹هـ.ق.

٤٠. بيهقي، احمد، سنن بيهقي، بيروت، دارالمعرفة.
٤١. حلي، علامه حسن بن يوسف، منتهى المطلب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامية، چاپ اول، ١٤١٥هـ.ق.
٤٢. ابن قدامه، المغني، بيروت، دارالكتاب العربي.
٤٣. خوانساري، سيد احمد، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٠هـ.ق.
٤٤. محقق حلي، ابوالقاسم نجم الدين جعفر بن حسن، شرايع الاسلام في مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه.
٤٥. همداني، رضا، مصباح الفقيه، مكتبة الصدر، چاپ سنگي.
٤٦. العظيم آبادي، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابى داود، دارالكتب العلميه، ١٤١٥هـ.ق.
٤٧. زركشي، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد بأحكام المساجد، مصر، قاهره، ١٣٨٤هـ.ق.
٤٨. ابن جرير طبري، محمد بن جرير، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، ١٤١٣هـ.ق.
٤٩. مطهرى، مرتضى، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سى وهفتم، ١٣٧٢هـ.ش.
٥٠. زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، المكتبة الحياه.

گستره وظایف زن در خانواده

عزت الشادات میرخانی

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین گستره وظایف زن در قانون خانواده است. نویسنده، وظایف الزامی و غیرالزامی زن را در خانه و خانواده تشریح کرده است. وی ابتدا به تبیین جایگاه قانون خانواده و سپس با استفاده و استناد به آیات و روایات در این زمینه، به وظایف زن در خانواده پرداخته است.

واژگان کلیدی:

زن، خانواده، الگوهای رفتاری، جهاد زن، وظایف خانواده، قانون مدنی و حسن معاشرت، آرایش زن، پیشرفت خانواده.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.^۱ هبوط آدم ابوالبشر و همسرش حوا به عالم خاک و ورود این دو یار هم‌اندیش و مهربان از عالم افلاک، حقیقت مستوری بود که قرآن کریم با بیانی شیوا و دلنشین از آن پرده برداشت و رمز آرامش و صعود هماهنگ را برای نوع بشر، در پناه زوجیت آشکار ساخت. گرچه این فرود برای آن زوج نخستین، ناگوار و بسیار دردناک بود، اما در سایه همسری و همتایی خویش توانستند سیمای عروجی زیبا را ترسیم و برای زمینیان همدلی و تفاهم را تشریح کنند. آن‌گاه که هر دو با عزمی راسخ و قلبی نادم، ولی مطمئن به عنایت خالق، توبه کردند و زمزمه ندامت سردادند و زندگی دشوار زمینی را بر مبنای رجوع به حق و استمداد از او آغاز کردند، این پیام عملی را از فراسوی زمان و مکان به گوش فرزندان خویش رساندند که در سایه زوجیت و در پناه هم‌اندیشی و همسری می‌توان همه فراز و نشیب‌ها و پستی و بلندی‌ها زندگی زمینی را در نور دید و دیگر بار به روشنایی و نور رسید.

کانون خانواده

سنت زیبای ازدواج، امری فطری و طبیعی است که از روز نخستین در زندگی بشر بوده است و بر این اساس، در همه شرایع و جوامع مدنی صالح، پیروان بدان ترغیب می‌شوند. بر هیچ انسان خردمندی پوشیده نیست که سلامت و امنیت جوامع در گرو سلامت و امنیت خانواده است و حتی حفظ و گسترش قدرت ملی و استقلال سیاسی و اقتصادی، ریشه در استحکام بنای خانواده دارد؛ زیرا توانمندی و صلاحیت جامعه، حاصل توانایی افراد آن است و این توانایی جز در سایه صلابت و استحکام خانه و خانواده شکل نمی‌گیرد. امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ أَلْصِقْ بِذَوِي الْأَحْسَابِ وَ أَهْلَ الْبُيُوتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ...؛ ای مالک! در امور حکومت، انسان‌هایی را به کار بگمار که از شرافت خانوادگی و حسب و نسب لازم برخوردار باشند و در خانه‌های شایسته رشد و پرورش یافته باشند؛ زیرا ریشه‌های کرامت و بزرگواری و فضیلت از آنجا آغاز می‌شود».^۲ در کلامی دیگر، می‌فرماید: «إِذَا كَرَّمَ أَصْلَ الرَّجُلِ كَرَّمَ غَيْبُهُ وَ مُحَضَّرُهُ؛ اگر انسان از کرامت و اصالت خانواده برخوردار باشد، دیگر به مراقب و نگهبان نیازی ندارد و در حضور و غیاب،

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر.

رفتارش پسندیده و یکسان است.^۱ این همان دغدغه انسان امروزی است که موجب نگرانی جوامع بشری شده است؛ تا آنجا که پیوسته اندیشمندان جوامع را به اعترافی تلخ درباره حکایت جدایی بشر از این اصل واداشته است. «ژوسران» دانشمند فرانسوی می گوید: «تاریخ به ما می آموزد که تواناترین ملت ها، مللی بوده اند که خانواده در آنها قوی ترین سازمان را داشته است».^۲ اگر ریشه های مفسد و بزهکاری را ارزیابی کنیم، درمی یابیم که عمده ترین مشکلات از ناحیه انسان هایی متوجه جامعه می شود که در پناه خانواده رشد نیافته اند و کمبودهای عاطفی و اخلاقی آنان را تباه کرده است. در تحقیقی که بعد از جنگ جهانی دوم صورت گرفت، این مسئله روشن شد که کودکان بی سرپرست جنگی، همان ها که تربیت شان به مراکز دولتی و پرورشگاهی واگذار شد، به لحاظ عاطفی و احساسی، در مقایسه با کودکانی که در خانواده پرورش یافته اند، کمبودها و خلأهایی دارند که این کمبودها حتی بعد از یک سالگی نیز بروز و ظهور می کند.^۳

از یک سو، ثبات، اقتدار و پیوستگی و همبستگی در خانه و خانواده، اثری بسیار بزرگ بر استحکام، پویایی، اقتدار و بالندگی جامعه دارد و در صورت فقدان یا وجود خلل در آن، هیچ نهاد و سازمان مجهزی نمی تواند جای آن را بگیرد. از این رو، دولت ها باید مقدمات ازدواج مردمان را فراهم کنند تا جامعه ای آرام، امن و بالنده داشته باشند. از سوی دیگر، هر چه از عمر زندگی اجتماعی انسان می گذرد، اهمیت و نقش خانواده روشن تر می گردد و رعایت اصول و ضوابط شرعی و پذیرش حقوق و وظایف متقابل از سوی زوجین ضرورت بیشتری می یابد. بنابراین در این نوع از قانون گذاری، محوریت حق سالاری بر پایه مصلحت و تکامل خانواده است و هر گونه فردیت، چه در قالب مدرسالاری و چه در قالب زن سالاری، نفی می گردد و در واقع، ازدواج همان الفت و مؤانستی است که طبیعت انسان طالب آن است.

در این نوشتار مختصر بر آنیم که بنا بر روایات و سیره ائمه علیهم السلام و نیز حکمت هر یک از اوامر و نواهی، بحثی کوتاه درباره وظایف زن در خانواده داشته و موارد نشوز وی را برشمریم. گستردگی و وسعت روایات در این عرصه ما را بر آن داشت تا در نوع وظایف زنان تقسیماتی صورت پذیرد.

الف) الگوهای رفتاری

روایاتی درباره زیبایی های رفتاری زن

در این دسته از متون، به الگوهای رفتاری زنان اشاره شده و خود بر دو بخش است: نخست، معرفی

۱. غررالحکم، ص ۳۲۷.

۲. حقوق خانواده، ص ۱۵.

۳. حقوق خانواده، ص ۱۵.

بهترین زنانی که شیوه‌های رفتاری آنان تأیید و تحسین شده است؛ دوم، معرفی زنان بدکرداری که به دلیل نوع عملکرد و تَخَلُّف‌شان از وظایف، نکوهش شده‌اند. به هر حال، این دسته از روایات مهم‌ترین وظیفه زوجین را حسن سلوک و زیبایی در رفتار و معاشرت نیکو می‌دانند. از آنجا که در تقسیم وظایف و تدبیر امور منزل، مسئولیت آramش و سکونت خانواده به عهده زن گذاشته شده است و کلیدهای عاطفی و روابط قلبی و روانی در دست اوست، از اینرو قانون‌گذار حکیم هستی، براساس طبیعت خاص زنان که مظهر مودّت و رحمت حق و مظهر زیبایی خلقت است، انتظاری بزرگ از زن دارد و مسئولیت عظیمی بر دوش او نهاده است. از همین رو و برای پرهیز از تشنّج‌آفرینی، خداوند زشت‌خویی و ترش‌رویی مادر و همسر را بسیار مذمت می‌کند. در حقیقت، چون او اساس شکل‌گیری هویت خانواده است و حتّی شخصیت اجتماعی همسر و فرزندان متأثر از فاعلیت اوست؛ بنابراین، سعادت و شقاوت خانواده به او وابسته می‌شود. در روایات، سعادت‌مندترین مرد کسی دانسته شده که همسری شایسته دارد. برخی از این روایات:

۱- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ، أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهَا، يَا مَعْزُومُ» فرمودند: مرد مسلمان، پس از اسلام آوردن، هیچ استفاده‌ای بهتر از همسر صالحی که وقتی به او می‌نگرد، او را خوش حال کند و وقتی امر می‌کند، اطاعت کند و هنگامی که از او دور می‌شود، خودش و اموالش را حفظ کند، نبرده است.^۱

۲- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّيْنِي وَإِذَا خَرَجْتُ سَيَّعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ لِي مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتُ تَهْمُ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَّلَ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَ إِنْ كُنْتُ تَهْمُ بِأَمْرِ أَخْرَجَكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا؛ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَهَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ هَذَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ؛ مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرضه داشت: همسری دارم که هرگاه به خانه می‌روم، به استقبال می‌آید و هرگاه از منزل بیرون می‌روم، مرا بدرقه می‌کند. وقتی مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چه چیز تو را اندوهناک کرده است؟ اگر برای معشیت دنیا ناراحتی که دیگری عهده‌دار روزی توست و اگر برای آخرت ناراحتی، خدا بر هم تو بیفزاید. پیامبر ﷺ فرمود: (ای مرد)! خداوند در زمین کارگرانی دارد و این بانویکی از آن‌هاست و به اندازه نیمی از ثواب شهادت پاداش می‌برد.^۲

۳- موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، شوهرداری نیکوی اوست.^۳

۴- امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَ أَيْمَةُ امْرَأَةٍ خَدَمَتْ زَوْجَهَا

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

۲. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۱، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۲۴۹۵۴.

سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَتْ؛ زن صالحه از هزار مرد غیر صالح برتر است؛ هر زنی که هفت روز خدمت شوهرش کند، هفت در جهنم بر روی او بسته می‌شود و هشت در بهشت برایش باز می‌شود و از هر دری بخواهد وارد بهشت می‌شود.^۱

۵- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر بانویی که در منزل شوهر، چیزی را جهت مصلحت زندگی زناشویی، جابه‌جا کند، خداوند بر او نظر رحمت کند و هر کس خدا بر او نظر کند، عذابش نمی‌کند».^۲

۶- امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جواب اصبع بن نباته درباره جهاد و وجوب آن بر مردان و نفی وجوب از زنان، فرمودند: «كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرِهِ؛ خداوند جهاد را هم بر مردان و هم بر زنان واجب کرده است؛ اما جهاد مرد، بخشش مال و جانش در راه خدا است تا اینکه کشته شود. جهاد زن این است که بر سختی‌هایی که از همسرش به او میرسد و بر غیرت او صبر کند».^۳ لازم به ذکر است که این گونه از روایات برای ترغیب مرد به اذیت و آزار نیست، بلکه از این جهت است که اگر در سختی‌های روزگار مرد دچار بحران خاصی شد، زن به سبب مصالح زندگی با او مدارا کند.

۷- عبدالله بن سنان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل میکند که آن حضرت فرمودند: «بدترین زنان شما کسی است که خالی از صفات ارزشمند و زشت خو، لجوج، نافرمان باشد، زنی که در میان قومش دلیل و در نزد خویش خود را عزیز و بزرگ می‌پندارد، درقبال شوی خویش ایفای وظیفه نکند و نسبت به او دریغ ورزد، ولی به غیر شوهر خویش نهایت خضوع و تواضع بی‌جا از خود نشان دهد».^۴

۸- در سخنی دیگر، شیخ صدوق در نقلی نسبتاً طولانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اثر نامطلوب سوءرفتار را در زن و مرد دو سویه ارزیابی می‌کند. بخشی از آن روایت این گونه است: «کسی که همسری دارد، ولی او را در زندگی همراه نیست و به آنچه خدا بر او روزی کرده است مدارا و صبر ندارد و شوهر را تحت فشار قرار دهد و بر کاری وادارد که در توان او نیست، خداوند هیچ حسنه و کار نیکی را از او نمی‌پذیرد و این زن مورد غضب پروردگار خویش است، مادامی که این گونه رفتار می‌کند».^۵

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

۲. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۱، ص ۲۷۵۵۶.

۳. همان، ص ۱۹۹۳۶.

۴. همان، ص ۲۴۹۵۹؛ عقاب الاعمال، ص ۴۶ و ۴۸.

۵. همان، ص ۲۵۳۱۵.

حق مداری در تقسیم وظایف خانواده

روایات مذکور، گوشه‌ای از روایات متعدّد و فراوانی است که در نحوه تعامل رفتاری زن و مرد وارد گردیده است. در اغلب روایات، به وظایف هر دو طرف اشاره شده است و در کنار وظایف زن، مسئولیت مردان نیز بر شمرده می‌شود. البته، حکمت نیز همین امر را اقتضا می‌کند؛ زیرا نمی‌توان به گونه‌ای قانون‌گذاری کرد که از یک دسته حمایت بی‌اساس بشود، و از دسته دیگر کار طاقت‌فرسا خواسته شود. همه قوانین باید در راستای تحکیم بنیان خانواده باشد که محور پیشرفت جامعه است. تحکیم خانواده مبتنی بر این است که زن و مرد هر دو به وظایف خود عمل کنند. ارسطو می‌گوید: «هیچ موجودی به غایت خود نمی‌رسد، مگر آنکه همواره وظیفه‌ای را اجرا کند که برای او مقرر است و این انجام وظیفه برای هر موجودی فضیلت است».^۱ دکارت در موضوع صلاح جامعه می‌گوید: «صلاح کلّ بر صلاح جزء مقدّم است و اگر کسی این حس را داشته باشد، مکارم والا از او ظاهر خواهد شد».^۲

قوانین اسلام در پی استحکام پایگاه خانواده است؛ یعنی تقویت کانونی که بنیادگذار همه سجایای ارزشی و تجلّی‌گاه شکوه و یک‌پارچگی جامعه است. خانواده همان جایگاهی است که بشر از صفات شیطانی دست می‌کشد و صفات رحمانی‌ای چون مودّت، رحمت، فضل، عفو، اغماض و لطف را تمرین می‌کند. انسان در خانواده از فردیت و خودنگری بیرون می‌آید و به کمال زوجیت و زیبایی صفا و همدلی می‌رسد.

قانون مدنی و حسن معاشرت

ماده ۱۱۰۳: «زن و شوهر، مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».^۳ در ماده بعدی که می‌توان آن را متمّم این ماده دانست، این‌گونه آمده است: «زوجین در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد به یکدیگر معاضدت نمایند».^۴ این ماده تعیین نوع و کیفیت این همکاری را با رجوع اشخاص به عرف معقول حل می‌نماید و به مقتضیات زمانی و مکانی در این جهت توجّه می‌کند.

ب) زیبایی عقیف

این دسته از روایات شامل متون متعدّدی می‌شود که از سویی، تَبَرّج و آرایش در برابر نامحرم را نفی و از سوی دیگر، بر نظافت، پاکیزگی، پیرایش و آرایش بانو در منزل تأکید می‌کند. چنین رویکردی، فواید

۱. آداب هم‌زیستی و معاشرت، ص ۱۳.

۲. همان.

۳. حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. همان، ص ۲۲۰.

بسیاری دارد و آثار شگرفی در بهبود وضع خانواده می‌گذارد؛ از جمله:

فایده اول: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْحَمَالَ وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى اثْرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ؛ خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد آثار نعمت خود را بر بنده‌اش ببیند».^۱

آری؛ پروردگار بدیع و زیباآفرین، ظهور جمال و زیبایی را دوست دارد و چون زنان مظهر صفت جمال هستند، زینت برای ایشان زیننده‌تر است. بدون تردید، زیبایی زن در خانه تأثیر زیادی در تشدید جذابیت خانه برای مرد دارد. البته، مردان نیز در قبال زیبایی و رعایت بهداشت، مسئول‌اند و این فکر که مرد به زینت ظاهر نیازی ندارد، فکر باطلی است که از دیدگاه اسلام کاملاً مطرود است و مخالفت با سیره نبوی ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است. رسول خدا ﷺ فرمود: «يُسَسِّ الْعَبْدُ الْقَادُورَةَ؛ آدم کثیف و ژولیده، بنده بد و مذمومی است».^۲ در بیان دیگر، امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ لِيَتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهْيَةَ هُنَّ؛ چه بسا بی‌توجهی مرد به رعایت آراستگی ظاهری خود، موجب شود که زن از وادی عفت و پاکدامنی فاصله بگیرد».^۳

فایده دوم: رعایت آراستگی و پیراستگی زن و انجام این وظیفه از سوی او، درست در راستای میل طبیعی زن به آرایش و پیرایش و خودآرایی و دلبری اوست و شریعت در صدد تعدیل و شکل بخشیدن صحیح به این تمایل طبیعی زن برآمده است. از این رو، اسلام نه تنها برخی از زینت‌ها را مختص زن قرار داده است (مثل طلا و ابریشم)؛ بلکه تدارک آلات تنظیف و تزئین زن را وظیفه مرد قرار داده است.

فایده سوم: چنین رویکردی، سبب ایجاد اعتماد بیشتر بین زن و مرد می‌شود؛ زیرا وقتی بیشترین حد آرایش و پیرایش زوجین برای یکدیگر باشد، علاوه بر ایجاد و ازدیاد عاطفه قلبی، موجب اطمینان زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود. هر دو معتقد خواهند شد که تمامی ارادت و علاقه خویش را فقط در راه رضایت یکدیگر به کار می‌گیرند. در چنین فضایی، هرگونه سوءظن و عدم اطمینان در روابط خانواده محو می‌گردد و پایه‌های نظام خانواده بر اساس حسن روابط استوار می‌گردد.

فایده چهارم: رعایت موارد فوق، موجب امنیت اجتماعی و سلامت روان جامعه است. وقتی توجه زن به وظایف اصلی خویش در محور خانواده نباشد، زن که مبدأ آرامش و امنیت خانواده است، جایگاه خویش را به عنصری نامطلوب می‌دهد که نه تنها خود از آزادی و امنیت برخوردار نیست، بلکه جامعه را به سوی ناامنی می‌کشانند. چنین زن منحرفی، عامل تبرج جاهلیت مدرن می‌شود. در واقع، او از اوج عزت بندگی حق و کرامت انسانی به حذیذ دنیا سقوط کرده است و به نام آزادی، به اسارتی ننگین تن می‌دهد.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۹.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۸۹.

پیش‌بینی مورخ معروف غربی «ویل دورانت» از سال ۲۰۰۰ و نگرانی او در مورد مسئله زنان و نابسامانی خانواده در عصر مذکور، قابل توجه است: «اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم بزرگ‌ترین حادثه ربع اول قرن بیستم چه بوده است، متوجه خواهیم شد که این حادثه، جنگ یا انقلاب روسیه نبوده است؛ بلکه دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ، چنین تغییر تکان‌دهنده‌ای، آن‌هم در این مدت کوتاه، کمتر دیده است و خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بوده، شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشویی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را گرفته است، گرفتار گشته‌اند».^۱

روایاتی درباره وظایف سازنده زن در خانواده

۱- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره حقوق شوهر بر همسر، در پاسخ زنی که از وظایف زن سؤال می‌کرد، فرمود: زن وظیفه دارد با خوشبوترین عطرهایش خود را معطر کند و بهترین لباس‌هایش را برای شوهر بپوشد و با نیکوترین زینت‌هایش خود را بیاراید.^۲

۲- جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که آن حضرت در ارزیابی صفات زنان شایسته می‌فرماید: «بهترین زنان شما بانویی است که ... مهربان و عفیف است، در بین بستگان عزیز و در برابر شوهر پذیرش و انعطاف دارد (در برابر او گردن کشی نمی‌کند)، آن‌گاه که در کنار شوهر خویش است، خود را می‌آراید، اما نسبت به دیگران، خود را محفوظ می‌دارد (بی‌بند و باری نمی‌کند)».^۳

۳- محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: «لَا يَتَّبِعُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطِلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنَّ تَعْلَقَ فِي عُنُقِهَا قَلَادَةً وَلَا يَتَّبِعُ أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَوْ أَنَّ تَسَحَّهَا مَسْحًا بِالْحَنَاءِ وَإِنْ كَانَ مُسِنَّةً؛ برای زن (در رسیدگی به وضع ظاهر خود) سزاوار نیست که به خود و سر و وضعش نرسد، هر چند به اینکه گردنبندی را به خود بیاویزد، و سزاوار نیست که دستش را بی‌رنگ رها کند هر چند به اینکه مختصر حنایی بگذارد؛ گرچه سالخورده باشد».^۴

۴- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر زنی خود را برای غیر شوهرش آرایش و خوشبو کند تا وقتی که خود را از آن شستشو ندهد، خداوند هیچ نمازی را از او نمی‌پذیرد، همانند شخص جنب که بدون غسل نمازش

۱. حقوق زن در اسلام، ص ۳۷.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲، ح ۲.

۳. همان.

۴. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۸.

مورد قبول نیست»^۱.

۵- رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحَلَّاتٌ لِلْمَحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛ اصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ گوید: از امیر مؤمنان (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: در آخر الزمان که بدترین زمان هاست، زنانی ظاهر می شوند که این ها (عفت و حجاب) را کنار می زنند و به عریانی روی می آورند و (در منظر دیگران) با زینت و خودآرایی ظاهر می شوند. اینان از جرگه دین خارج و به سوی فتنه ها پیش می روند. تمایل آنان به سوی شهوات است و برای لذت بردن عجله دارند و می کوشند حلال ها را حرام کنند. اینان همواره در جهنم خواهند ماند»^۲.

در همه این روایات به تحکیم بنای خانواده از درون و از طریق آراستگی ظاهری و باطنی توصیه شده است. در واقع، ایجاد روابط سالم و صمیمانه و تعامل رفتاری و گفتاری ارزشمند، به عنوان وظیفه دو طرف شمرده می شود و سهم زن در این میان این است که نظر شوهرش را جلب کند و باعث مصونیت خانواده شود.

آرایش زن از دیدگاه امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله در این باره می فرماید: ترک وظایف و عدم رعایت حقوق همسری از جانب زن عبارت است از:

- ۱- آماده نساختن خود برای کامیابی و عدم تمکین از سوی زن؛
 - ۲- از بین نبردن آنچه مایه تنفر انزجار و مانع ایجاد رابطه زناشویی و تمتع لازم است؛
 - ۳- ترک نظافت و آرایش در صورتی که همسر خواستار آن است؛
 - ۴- بیرون رفتن از خانه و غیر از آن.
- ایشان می فرماید: اگر زن از انجام خدمات خانه و نیازمندی هایی که در تمتعات زناشویی لحاظ نمی شود، مانند جارو زدن، خیاطی، آشپزی و حتی آب دادن یا پهن کردن رختخواب، خودداری کند، نشوز محسوب نمی شود.^۳ بنابراین، عمده ترین وظایف زن ایجاد رابطه شایسته با شوهر از جهت رفتار و گفتار و تحبیب قلوب و تسکین روان خانواده است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۱.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، کتاب النشوز والشقاق.

قانون مدنی در ماده ۱۱۰۸ اینچنین می گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود».^۱

ج) عشق و وفاداری بانو

این دسته از روایات، شامل روایاتی است که در آنها بر وفاداری زن در برابر شوهر تأکید می شود. بی توجهی زن در قبال پیمان زناشویی، یکی از مفسد و جرایم زن محسوب می گردد و هرگونه روابط نامشروع با غیر همسر شدیداً مذمت می شود. البته این وظیفه، طرفینی است و اختصاص به زن ندارد؛ یعنی تعامل دو سویه است؛ از این رو رسول خدا ﷺ می فرماید: «نسبت به زنان مردم عفیف باشید، تا زنان شما عفیف بمانند».^۲

۱- رسول خدا ﷺ: بدترین زنان و شرورترین آنان، کسی است که ارزشی در او یافت نمی شود، وجودش تهی از فضایل شده است، به آلودگی دامن می زند، لجوج و عصیانگر و طغیانگر است، قوم خویش را با اعمالش ذلیل و خوار می کند، از درون خود را بزرگ می بیند [و از بیرون رفتارش موجب حقارت و پستی است]، از شوهر پرهیز می کند و از غیر شوهر پروا و پاکدامنی ندارد و خود را به دیگری عرضه می دارد.^۳

۲- محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می کند: خداوند با سه دسته سخن نمی گوید و ایشان را پاک نمی نماید و بر ایشان عذاب دردناکی مهیاست و یکی از آنها، زنی است که فراش و رختخواب شوهر خویش را در اختیار مرد دیگری قرار می دهد.^۴

۳- امیر المؤمنین (ع) پرسید: «آیا از بدترین نوع زنان خبر بدهم؟ گفتند: آری؛ فرمود: آن زنی که با مرد دیگری در رخت خواب همسر می آمیزد [و شرمگینانه تر اینکه] فرزند دیگری را به شوهر تحمیل و ملزم می دارد. اوست آن بنده ای که خدا هرگز با نظر لطف به او نمی نگرد و روز قیامت او را مورد خطاب خود قرار نمی دهد و او را نمی آرزد».^۵

شاید بسیاری از ما با صرف دیدن برخی از روایات پی به اهمیت تأکیدی نبیریم که شارع مقدس بر انجام وظایف زوجین دارد؛ اما وقتی انسان به تفکر و اندیشه می نشیند و به زوایای حقوق و اخلاق در خانواده فکر می کند، در آن صورت، به دقایق و ظرایف خاصی پی می برد و حکمت ها و اسرار نوینی بر وی ظاهر

۱. نکاح و انحلال آن، ص ۲۵۶.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب.

۳. همان، کتاب النکاح، ج (۲۴۹۶۰).

۴. همان، ج (۲۵۷۰۹).

۵. همان، ج (۲۵۷۱۰).

می‌شود. برای مثال، شاید ما کراراً این آیه شریفه از قرآن کریم را خوانده‌ایم: «... وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا الظَّاهِرُ»؛ و نیز مریم دختر عمران را [مَثَل آورده است] همان کسی که دامن خود را پاک نگاه داشت؛ پس، از روح خود در او دمیدیم، [او] کلمات پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت پیشگان بود.^۱ اما به نقش پاکدامنی این بانوی بزرگ در ظهور شخصیتی، چون حضرت عیسی (علیه السلام) توجه نکرده باشیم. این آیه شریفه، بیانگر چند واقعیت در نظام هستی است:

اول: هر آنچه مصلحان جهان از ارزش‌ها دارند، حاصل پاکدامنی مادرشان است؛

دوم: پاکدامنی زن، نقش جهانی و اثر بین‌المللی دارد؛

سوم: پاکدامنی زن، عامل جاودانگی شخصیت او در تاریخ بشریت است؛

چهارم: مقدار ارزشمندی زن، به مقدار تعبد او در مقابل حکم خدا و پاکدامنی اوست؛

پنجم: مادر دلسوز و اندیشمند به صلاح فرزندان، هرگز دست به آلودگی و مفسده نمی‌زند.

اینجاست که حکمت تأکید شریعت بر رعایت کامل وفاداری از سوی زوجین به یکدیگر روشن می‌شود و اینکه چرا الزام آنها به تعهداتشان موجب تحکیم میثاق خانواده می‌گردد. از این رو، قانون‌گذار حفظ حریم پاکدامنی را فقط به عنوان وظیفه حقوقی متقابل برای زوجین بر نمی‌شمارد، بلکه بی‌توجهی به آن را نه تنها بی‌اعتنایی به «حقوق الله» می‌شمارد، بلکه برای آن عقوبت دنیوی و اجرای حدّ قرار می‌دهد و در حقوق جزا برای جرم عدم وفاداری زوجین، غرامت خاصّ و سنگین وضع می‌کند. شارع مقدّس هر گونه آزادی جنسی و ارتباط نامشروع را برای زن و مرد شدیداً نکوهش می‌کند و برای ارتکاب آن توسط زن و مردی که همسر دارند، مجازاتی تا اعدام در نظر می‌گیرد.

در این دسته از روایات، چند نکته مورد توجه است: اول، تأکید بر تمکین «خاصّ از سوی بانو» و عرضه داشتن خود بر شوهر؛ دوم، عدم امتناع از برقراری روابط سالم زناشویی؛ سوم، منع از هر گونه برقراری ارتباط و التذاذ در محیط‌های اجتماعی و نگاه‌های هوس‌انگیز مسموم.

در فرهنگ اسلامی، سه عنصر کرامت زن، مصلحت خانواده و سلامت جامعه از مهم‌ترین اهداف فرهنگی هستند؛ از این رو این سه عنصر، حکمت بسیاری از احکام را روشن می‌کنند. می‌توان گفت، وظایف زوجین درست در راستای این اهداف شکل می‌گیرد. در نگرش اسلام، محیط‌های اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که مبدأ رشد و بالندگی علمی، اقتصادی، فرهنگی و فنی باشد. از این رو، تعاملات رفتاری و گفتاری و

نحوه ایجاد ارتباط باید به گونه‌ای باشد که تأمین کننده این اهداف و نیز قداست و حرمت حریم خانواده گردد. بنابراین، اگرچه در ظاهر محدودیت‌هایی از جهت کنترل در نوع نگاه، نوع سخن و نوع ارتباط است، اما در این قوانین، حریت، آزادی، استقلال، منزلت و شرافت نهفته است؛ از این رو، مراد از تمکین و حصول رضایت همسر، صرف قرار دادن زن تحت اعمال غریزه جنسی مرد نیست، بلکه این تمکین اولاً خشوع در مقابل حکم کردگار حکیم؛ و ثانیاً عشق ورزی بی‌شائبه و پایبندی به قداست خانواده است؛ و ثالثاً محکم ساختن میثاق ازدواج و کمک به انجام رسالت زن در برابر هستی است.

۱- مرحوم طبرسی در مکارم الاخلاق از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «شایسته نیست که زن بخوابد، مگر اینکه تمایل خود را به تمکین از شوهرش ابراز دارد؛ به این گونه که بانو با همسر خویش زیر یک پوشش باشد و خود را از لباس عفاف که در مقابل دیگران دارد، خلع کند و بخشی از بدن خود را در تماس با بدن زوج قرار دهد. پس به این صورت اگر عمل کرد، عرضه بر شوهر محقق شده است»^۱.

مراد این است با تمسک به ظرافت‌های خاص رفتاری، شوهر را به سوی خود جلب کند.

۲- امام باقر (ع) فرمود: «خیرات حسان که خداوند در قرآن کریم از آن خبر داده است، از زنان اهل دنیا هستند و ایشان از حورالعین هم زیباترند و هیچ اشکالی ندارد که مرد به بدن بدون لباس همسر نظر نماید»^۲.
امام (ع) در روایت دیگر می‌فرماید: «آیا لذت مرد، غیر از این است؟»^۳

۳- محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «بانو نباید شوهر را [از تمکین خاص] منع نماید، اگرچه بر مرکب سوار باشد»^۴.

۴- جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «بدترین زنان کسی است که در خلوت، شوهرش را از بهره‌مندی منع می‌کند»^۵.

۵- امام باقر (ع) فرمود: «خَيْرُ النِّسَاءِ مَنِ الَّتِي إِذَا دَخَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا فَخَلَعَتْ الدَّرْعَ خَلَعَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ وَ إِذَا لَبَسَتْ الدَّرْعَ لَبَسَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ؛ بهترین زنان کسی است که هرگاه با همسر خود خلوت کرد و جامه از تن درآورد، جامه حیا را نیز درآورد و هرگاه جامه‌اش را پوشید، جامه حیا را نیز بر تن کند»^۶.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۶، ح (۲۵۳۵۵).

۲. همان، ص ۱۱۷، ح (۲۵۳۱۶).

۳. همان.

۴. همان، باب نکاح، ح (۲۵۳۰۰).

۵. همان، ح (۲۴۹۵۷).

۶. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹.

د) بحثی درباره تمکین و اطاعت کردن

مفهوم تمکین

تمکین در لغت یعنی، پذیرفتن، قبول کردن، دست دادن، پابرجا کردن، نیرو دادن، قدرت دادن، احترام، اطاعت کردن و توانایی.

مقصود از تمکین، تمکین در مضاجعت است، زیرا داشتن رابطه آمیزشی با زن از حقوق شوهر است و زن نمی تواند در این زمینه مانع از بهره جویی های شوهر گردد و یا عذری بیاورد، مگر در زمانی که برای او منع شرعی و یا منع پزشکی مطرح باشد. در شماری از روایات، هم مرد و بر عدم تأمین نیازهای جنسی همسر و هم زن بر عدم تأمین نیازهای جنسی شوهر، به شدت نکوهش شده اند.

آنچه از معنای تمکین به دست می آید این است که تمکین به ظاهر به معنای اطاعت شوهر است، اما در واقع به معنای بالایی و بزرگی و برتری است. وقتی ما به نوع وظیفه در تمکین و حدودی که کردگار حکیم برای آن معین کرده است توجه می کنیم، می بینیم که این همان تمکین حکم خداست که در سایه آن عزت، بزرگی و کرامت انسانی قرار دارد. این همان ارزشمندی زن در نزد پروردگار و در نزد شوهر و در نزد مردم است که از متن بسیاری از روایات هم همین معنا به دست می آید. در بسیاری از متون روایی، درباره صفات ناپسند زن این عبارت به چشم می خورد: «الدَّيْلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا، الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْضِهَا؛ در برابر دیگران زبونی و خضوع بی جا بکار بردن و در نزد شوهر گردن کشی کردن و انعطاف نداشتن». این گونه کلمات، بیانگر این است که انقیاد صحیح زن در مقابل رسالت خویش در خانواده، عزت و بزرگی او را در همه جا به دنبال دارد. البته، تمکین و اطاعت در مقابل شوهر فقط در راستای حکم خدا بر زن لازم است، نه الزام و پذیرش هر حکمی، ولو غیر منطقی و غیر معقول یا حکمی مخالف حکم الهی.

اقسام تمکین

از آیات و روایات و متون اسلامی استفاده می شود که تمکین در دو بخش عام و خاص وجود دارد و تمکین خاص همان اذن استمتاع جنسی است. از آنجا که اسلام دین اکمل است، در مقام پاسخ گویی به تمامی نیازها، تمایلات و جهت دادن به آن بهترین روش ها را ارائه داده است. اینجا هم، درباره ارتباط زوجین و همکاری و تعاون دو جنس بهترین دستورات بهداشتی، اخلاقی و روانی را عرضه داشته است. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله در این باره می گوید: «قانون خلقت، زن و مرد را طالب و علاقه مند

به یکدیگر قرار داده است، اما نه از نوع علاقه‌ای که به اشیا دارند؛ علاقه‌ای که انسان به اشیا دارد از خودخواهی او ناشی می‌شود،.... می‌خواهد آنها را فدای خود و آسایش خود کند؛ اما علاقه زوجیت به این شکل است که هریک از آنها سعادت و آسایش دیگری را می‌خواهد، از گذشت و فداکاری درباره دیگری لذت می‌برد. عجیب است که بعضی از افراد نمی‌توانند میان شهوت و رأفت فرق بگذارند، خیال کرده‌اند که آن چیزی که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، منحصرأطمع و شهوت است، حس استخدام و بهره‌وری است...؛ این افراد گمان کرده‌اند که مرد به زن همیشه با آن چشم نگاه می‌کرده و می‌کند که احياناً یک جوان عزب به یک زن هرجایی نگاه می‌کند، یعنی فقط شهوت است که آن دورا به یکدیگر پیوند می‌دهد؟! در صورتی که پیوندی بالاتر از شهوت است که پایه وحدت زوجین را تشکیل می‌دهد و آن همان چیزی است که قرآن کریم از آن به نام‌های «مودت و رحمت»^۱ یاد کرده... چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و مرد را فقط از نظر حس استخدام و استثمار و برپایه اصل تنازع بقا تفسیر کنیم و چقدر مهملات در این زمینه بافته شده است»^۲.

ه) تمکین عام

غیر از تمکین خاص، شارع مقدس موارد دیگری را نیز بر شمرده است که در آنها زن باید از شوهرش اطاعت کند. به این موارد تمکین عام می‌گویند؛ برای مثال، شوهر می‌تواند به دلیل مصالح خانواده، معاشرت‌های همسر را در رفت و آمد و خروج از منزل کنترل کند یا اینکه سکونت زن در منزلی که شوهر برای زندگی مشترک تدارک دیده است، از وظایف زن محسوب می‌شود؛ مگر اینکه زن اختیار تعیین را به عنوان شرط ضمن عقد برای خود قرار دهد. البته، مرد هم باید در انتخاب مسکن برای زوجه رعایت اعتدال، عرف و شأن زن را بنماید و حق ندارد خودسرانه زن را در تنگنا و عسرت روانی یا مالی قرار دهد. به عبارت دیگر، ریاست مرد هم باید بر اساس اعتدال و رعایت مصلحت خانواده باشد؛ یعنی مرد حق حاکمیت بر اساس معروف و عدالت دارد، اما حق تحکم ندارد.

موارد عدم تمکین و تخلف از وظایف (نشوز زن)

- ۱ - سوء معاشرت، مانند بی‌اعتنایی به همسر یا تندخویی با او و رعایت نکردن شئون همسر در رفتار؛
- ۲ - عدم معاضدت در استحکام مبانی خانواده و بی‌توجهی به زندگی مشترک و امور فرزندان؛

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۲.

۳- خروج از منزل بدون اذن زوج؛

۴- امتناع از رفتن به خانه‌ای که زوج برای زندگی مشترک انتخاب کرده است.

روایاتی در باب تمکین

۱- سعدان بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می‌کند: در حدیث بیعت، پیامبر اکرم (ص) به زنان فرمود: «ای بانوان، گوش فرادهید، من در صورتی با شما بیعت می‌کنم که [در عرصه عقیده] شرک نورزید و دست شما به سرقت و تعرض به مال دیگران دراز نشود و زنا نکنید و فرزندان خود را نکشید و دچار بهتان و تهمت‌زدن به یکدیگر نشوید و در امر شوهرداری در برابر آنچه عرف است با ایشان مخالفت نورزید».^۱

در این روایت، اطاعت از زوج به قید عرف آمده است؛ یعنی مرد حق ندارد برخلاف معاشرت به معروف و در جهت مخالف حکم خدا و رسول از همسر خویش اطاعت از چیزهایی را بخواهد که نه با عرف و سیره شایستگان همسویی دارد و نه با حکم خدا و یا اینکه موجب ضرر و ضرار یا عسر و حرج او می‌شود.

۲- امام باقر (ع) می‌فرماید: زنی به محضر رسول خدا (ص) آمد و از حق زوج به زوجه سؤال نمود، ایشان فرمودند: «اینکه زن اطاعت او را کند و با او به مخالفت و عصیانگری [و مشاجره در خانه] نپردازد؛ [چون رسالت زن ایجاد امنیت است، نه اغتشاش]. زن از مال شوهر و خانه شوهر چیزی نبخشد، مگر با مشورت و اجازه او، روزه مستحبی نگیرد، مگر با رضایت او و نسبت به شوهر دریغ نورزد.... و از خانه او بدون اجازه‌اش خارج نشود....».^۲

۳- رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زن با بهترین عطریاتی که دارد، خود را خوشبو سازد و بهترین لباس‌هایش را بر تن نماید و خود را در هر صبح و شام بر شوهر عرضه بدارد».^۳

۴- امام صادق (ع) فرمود: «اگر زن، نمازهای پنجگانه یومیّه و روزه ماه رمضان را بجای آورد و حج بیت‌الله کند و وظایف خویش را در برابر همسر انجام دهد و معرفت به حق امامت داشته باشد، پس بهشت بر او واجب می‌گردد، از هر دری که بخواهد».^۴

۵- امام صادق (ع) فرمود: «هر زنی که با زبان خویش در صدد رنجش شوهر باشد (و زخم زبان بزند)، خداوند کارهای نیکش را نمی‌پذیرد. مادام که زن، ظالم و اذیت‌کار باشد، دارای چنین سرنوشتی است. بداند

۱. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ج (۲۵۴۵۱).

۲. همان، ج (۲۵۳۰۰).

۳. همان، ج (۲۵۳۰۲).

۴. همان، ج (۲۵۳۰۳).

هر بانویی که همراهی و رفق و مدارا با شوهر را نداشته باشد و او را بر کارهایی وادارد که در توان و قدرت او نیست و یا بر اموری که تحمل آن بر شوهرش ممکن نیست، خداوند کارهای نیک او را قبول نمی کند و در حالی پروردگار را ملاقات می کند که از او خشمناک است»^۱.

آنچه از مجموعه این روایات به دست می آید، دقیقاً در راستای کلام خداست که می فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲. زنان با صلاحیت و مسلح به سلاح ایمان، در راستای بندگی خدا به صلاح خانواده می اندیشند و آن گاه که شوهر در خانه و در کنار آنان است، با آنان به محبت رفتار می کنند. اینان منشأ سکونت و آرامش اند، زیرا چشمه سار زلال عشق و عواطف انسانی از سینه های پر عطوفت آنان روان و سرازیر می گردد. آنها در غیاب شوهر از حیثیت خانواده پاسداری می کنند و برای تثبیت سجایای اخلاقی می کوشند.

زن؛ محور پیشرفت اجتماع

اگر درون پیکری سامان دهی نداشته باشد، بیرون آن قطعاً متزلزل است. امروز، به اثبات رسیده است که احساسات و عواطف، بذری است که طبیعت در سرشت بنی آدم افشاندۀ است و این بذریه باغبانی و آبیاری نیاز دارد و رسالت این باغبانی بر دوش زن است. نقش عواطف به قدری است که می تواند نیروی عقل را با همه قدرت و نورانیتش تیره و تار کند. عقل و علم با تمام ارزش و گستردگی ای که دارد، مانند عدالت سرد و بی روح است و این عواطف است که انسان ها را سرشار از جنبش ها، هیجان ها، گرمی ها، انعطاف ها و دوستی ها می سازد و حتی عقل را بارور می کند و به علم، لباس عمل می پوشاند. اگر به دیده دقت بنگریم، حقیقت ایمان هم حب و عشق به خوبی ها و خوبان است، چنانچه می فرماید «وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ...»؛ مگر ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟^۳ اینجاست که نقش تعیین کننده و بالنده مادر و همسر در القای چنین روحیه ای در افراد خانواده روشن می گردد و فلسفه تمکین او در برابر حکم خدا در انجام وظایف همسری آن است که می خواهد دیگران را متمکن و مستغنی سازد.

زن، رسالت انسان سازی دارد و کارش در رتبه کار معلمان و مصلحان و رهبران جامعه بشری است. خانه، دانشگاه و پرورشگاه و مدرسه ای است که کلاس آن دامن پر عشق و عطوفت مادر است. حال آیا ممکن است دانشگاه بشریت را خالی از مربی آن سازیم و بگوئیم خانه به حضور مادرانه نیازی ندارد؟ از اینرو

۱. همان، کتاب نکاح، ج (۲۵۴۵۴).

۲. نساء، آیه ی ۳۴.

۳. اصول کافی، ج ۳، باب کفر و ایمان، بخش حب و بغض، ص ۱۹۰، روایت ۵.

در روایات متعدّد بر اذن و ایجاد هماهنگی لازم در خروج مادر از منزل تأکید شده است؛ زیرا لازمه رسالت پدر و ایفای مسؤولیتش که اداره زندگی و مدیریت است، در خانه ماندن نیست و روحيّات او هم اقتضای این را ندارد. حال که مربّی گری و تدبیر و تنظیم امور منزل با زن است و خلأ نبودن او و تأثیرات روانی آن کاملاً مشهود است، در غیاب شوهر، رسالتی دو چندان دارد. با این توصیف، چگونه می توان به صرف توسعه نگرش های التقاطی و فمینیستی این گونه القا کرد که زن برای رفت و آمدش به تبادل نظر با شوهر و اذن در خروج نیازی ندارد و آیا می توان حقایق طبیعی زندگی را نادیده گرفت و بر پایه اعتبارات غیر مستند، خانواده را به کام سقوط و انهدام سپرد؟

البته، هرگز این سخن بدان معنا نیست که ما حضور اجتماعی زن را نادیده بگیریم و او را از بهره مندی های لازم و شایسته اش منع کنیم، بلکه با حفظ سمت مادری و همسری، زن باید در رفع مشکلات علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه نقش خود را به شایستگی ایفا کند؛ همان گونه که در الگوهای ممتاز دینی ما این چنین بوده است. برای مثال، به ابعاد زندگی دختر رسول خدا ﷺ بنگرید که در خانه، بهترین همسر و ارزشمندترین مادر است و در عرصه علوم و خوض در آیات وحی، خطبه غزایش در مسجد مدینه نمودی از نقشی بی بدیل در عرصه فعالیت اجتماعی بیرون از خانه است.

از آنجا که زن معلّم و مربّی انسان هاست و همچنین توانمندی زیادی در عرصه های علم و اندیشه و اخلاق دارد و تأثیر به سزایی در ارتقا خانواده دارد، پیوسته به تعلیم و تربیت نیاز دارد. چنان که عمومیت آیات مربوط به تعلیم و تربیت و تعابیری چون «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ». «مبین همین معناست. همچنین، موارد زیاد دیگری وجود دارد که نشان می دهد اسلام برای ارتقای فکری و فرهنگی زن نقش زیادی قائل است. برای مثال، اسلام یکی از اقسام مهریه را تعلیم قرآن قرار می دهد؛ یا این روایت: «إِيَّاكُمْ وَتَزْوِيجُ الْحَقَمَاءِ، مُصَاحِبَتُهُمَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهُا ضِيَاءٌ...؛ از ازدواج با زنی که کوتاه فکر و احمق است، بهره یزید که مصاحبت با چنین زنی بلایی بزرگ است و فرزند او هم انسان ناکار و کودن است». ^۱ بر این اساس، اکثر فقها معتقدند که زن باید (حداقل) از واجبات دینی خویش و مسائل مبتلا به شرع آگاهی لازم را داشته باشد و حتّی در فراگیری واجبات، اذن همسر ملاک نیست.

نتیجه

در پایان و برای نتیجه گیری به خلاصه ای از وظایف الزامی و غیر الزامی زن اشاره می کنیم:

۱. مصباح الشریعة / ۱۳ / الباب الخامس فی العلم.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۸۳.

الف: وظایف الزامی زن

- ۱- حسن معاشرت و رفتار شایسته و موجب اطمینان شوهر؛
- ۲- تمکین خاص زن و پاسخ‌گویی به حق استمتاع و کامیابی او؛
- ۳- عفت‌ورزی و حفظ پاکدامنی در حضور و غیاب شوهر؛
- ۴- ترک نکردن خانه و خانواده و خروج از منزل، مگر به اذن شوهر؛
- ۵- رعایت نظافت و بهداشت و پیرایش و آرایش ظاهری؛
- ۶- پذیرش محل سکونت شوهر برای زندگی مشترک، مگر اینکه به عنوان شرط ضمن عقد حق انتخاب مسکن را برای خود قرار دهد؛
- ۷- عدم بخشش از مال شوهر، مگر با رضایت او.

ب: وظایف غیرالزامی زن

- ۱- برای حفظ مصالح خانواده، حتی الامکان سازش نماید و خانواده را به سوی صلاح سوق دهد؛
- ۲- از آنچه موجب اذیت و آزار شوهر است، پرهیز کند؛
- ۳- در گرفتاری‌ها و پستی و بلندی‌های زندگی یاور خوبی باشد؛
- ۴- صبر و تقوا در زندگی پیشه سازد که در این عمل خیر و برکات زیادی است؛
- ۵- خوب است بانو در کنار شوهر حیا را کنار بگذارد؛
- ۶- خوب است بانو عبادات مستحبی را با اجازه شوهر بجا آورد و در تراحم عبادت و عرضه به شوهر، دومی را انتخاب نماید؛
- ۷- بر سوءاخلاق و آزار شوهر تا حد ممکن صبر و مدارا نماید؛
- ۸- برای همراهی با شوهر، کارهای داخلی خانه را در حد توان به عهده بگیرد؛
- ۹- در بالابردن سطح ارزش‌ها و عملی کردن آنها در خانه بکوشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد التمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ه.ق و ۱۳۳۷ ه.ش.
۲. صفایی، سیدحسین، وامامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ه.ش.
۳. شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۵. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، نشررضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۶. کاتوزیان، امیرناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ ه.ش.
۷. فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ ه.ق.
۸. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران، نشرعلوم اسلامی، ۱۳۷۲ ه.ش.
۹. مطهری، مرتضی، حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان.
۱۱. شهید ثانی، زین الدینبن علی، شرح مصباح الشریعه، مترجم و شارح، گیلانی، عبدالرزاقبن محمد هاشم، محقق و مصحح: خوانساری، آقا جمال، محمدبن حسین، تهران، انتشارات پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۲. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۹۰ ه.ق.



مسجد
نوجوانان
وجوانان

شماره ۲

نقش مسجد در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان

علی اکبر عبادی نیک

چکیده

مسجد، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، جایگاه خاصی در این حوزه دارد. دوره نوجوانی و جوانی، به لحاظ اینکه دوره خاص زندگی و دوره شکل‌گیری هویت و شخصیت فردی و اجتماعی و دوره تثبیت آن است، قابل توجه مضاعف است. در این نوشتار به نحوه اثرگذاری مسجد، در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان پرداخته شده است. مسجد با تقویت روابط اجتماعی سالم و با فراهم کردن رشد علمی و فرهنگی و ارائه آگاهی‌های لازم به جوانان و با بیدار کردن فطرت الهی، زمینه شکل‌گیری هویت اجتماعی سالم برای افراد، به خصوص جوانان را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد، نوجوان، جوان، هویت، هویت اجتماعی.

سلامتی یک جامعه در گرو سلامتی روحی و شخصیتی افراد آن جامعه است. هویت اجتماعی هر فرد، هم بیانگر چیستی و کیستی آن فرد از لحاظ اجتماعی است و هم معرف حقیقت آن جامعه است. نهادهای اجتماعی، اثر فراوانی در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد دارند. مسجد، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، جایگاه خاصی در این حوزه دارد. برای روشن شدن نقش مسجد در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان، ناگزیر هستیم بعد از اشاره مختصری به جایگاه اجتماعی مسجد و خصوصیات دوران نوجوانی و جوانی، به بررسی اجمالی مفهوم «هویت» و «هویت اجتماعی» و عوامل مؤثر در هویت‌بخشی آن و نقش مسجد در این هویت‌بخشی بپردازیم.

جایگاه مسجد در جامعه اسلامی

در جامعه اسلامی، مسجد از مقدس‌ترین اماکن است که احترام خاصی در نگاه مسلمانان دارد. این جایگاه و احترام، حاصل نوع نگاه منابع اسلامی اعم از آیات و روایات و سیره معصومان (علیهم‌السلام) در خصوص این نهاد اجتماعی است. انتساب مسجد به خدای متعال، گویای این مطلب است. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱.

امام صادق (علیه‌السلام) از قول خدای متعال در تورات، مساجد را به عنوان خانه‌های خدا معرفی می‌فرماید: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي، أَلَا إِنَّ عَلَى الْمُزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ؛ در تورات نوشته شده است که همانا خانه‌های من در زمین، مسجدها هستند؛ پس، خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خود طهارت یافته، سپس مرا در خانه من زیارت کند. آگاه باشید که بر شخص زیارت شده لازم است که زائر خود را گرامی دارد»^۲.

احترام مسجد در فرهنگ اسلامی به اندازه‌ای است که حتی برای تعمیر و عمران و آباد کردن مسجد هم خدای متعال، شرایطی را برای آبادگر مسجد ذکر کرده است و راه را بر کفار و مشرکان و ناپاکان، حتی در تعمیر و آباد کردن مسجد، بسته است.^۳

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز باز پسین ایمان آورده و نماز

۱. جن، آیه ۱۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۰۰۷.

۳. همان.

برپا داشته و زکات داده‌اند و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس، امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.^۱ مسجد در فرهنگ اسلامی، تنها محلّ عبادت و انجام مناسک دینی نبود، بلکه محلّ انجام امور مختلف اجتماعی، مثل قضاوت، آموزش، سیاست و حلّ مشکلات مردم بود. در زمان رسول خدا ﷺ مواقعی که نیاز به تجمع و اطلاع‌رسانی بود، کسی بین مردم ندا می‌داد: «الصلاة جامعة» و با این ندا، مردم در مسجد تجمع می‌کردند.^۲ در مسجد کوفه، محلّی خاصّ برای قضاوت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود داشت که امروز هم به عنوان «دكة القضاء» در آن مسجد شریف شناخته می‌شود.^۳

امام خمینی (ره) در این باره چنین می‌فرماید: «این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم ﷺ مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بود. این طور نبوده است که در مسجد پیامبر ﷺ، [فقط] همان مسائل عبادی نماز و روزه [مطرح] باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتر بوده است. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح مسلمانان در آنجا فعالیت کنند».^۴

بنابراین، مسجد در جامعه اسلامی، یک نهاد عبادی و اجتماعی فعال است که در مسائل مختلف اجتماعی جامعه، مانند تربیت اجتماعی انسان‌ها و هویت‌بخشی به مسلمانان، به خصوص جوانان، به طور فعال می‌تواند ایفای نقش کند. در این نوشتار، به چگونگی تأثیر مسجد در این حوزه خواهیم پرداخت.

اهمیت دوران نوجوانی و جوانی

بر هیچ اهل علمی پوشیده نیست که در شکل‌گیری شخصیت هر فرد، مقطع جوانی از جایگاه خاصّ و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید بتوان گفت که ثبات شخصیت هر انسانی در این سنین، آغاز و به هر نحوی که شکل گیرد بیشتر به همان صورت قوام یافته و تثبیت می‌گردد. به همین دلیل در روایات بر اهمیت و برتری این مقطع سنّی تأکیدات زیادی شده و نیز روان‌شناسان، این دوره را حیات مجدد انسان نامیده‌اند. دوران نوجوانی و جوانی را می‌توان بهار عمر آدمی نامید. این دوران، از نظر تربیت و شکل‌گیری شخصیت، دارای اهمیت زیادی است. قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) اهمیت ویژه‌ای برای این دوران قائل است. لازم به ذکر است که در روایات، تفکیک خاصی بین دوران نوجوانی و جوانی صورت نگرفته است و به طور کلی از این دو مرحله با عنوان الشباب و مانند آن یاد شده است.

۱. توبه، آیه ۱۸.

۲. ابن سعد در طبقات الکبری می‌گوید: «پیش از تشریع اذان، مردم را باندای «الصلاة جامعة» به مسجد و نماز جماعت فرامی‌خواندند.

۳. فیض کاشانی، الوافی، ج ۷، ص ۵۰۷.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۷.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا».^۱
در تفسیر این آیه شریف و توضیح عبارت «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:
«لَا تَنْسَ صَحْتِكَ وَقُوَّتَكَ وَفَرَاغَكَ وَشَبَابَكَ وَنَشَاطُكَ إِنْ تَطْلُبُ بِهَا الْآخِرَةَ؛ فَرَامُوشِ نَكْنَ كَهْ أَزْ
نَعْمَتِ هَآئِ سَلَامَتِي، تَوَانَمْنَدِي وَفَرَاغِ بَالِ وَجَوَانِي وَنَشَاطِ بَرَايِ بَهْ دَسْتِ أَوْرْدَنِ آخِرَتِ اسْتِفَادَه كُنِي».^۲
آمادگی جوان برای پذیرش و یاری حق، بیش از دیگران است؛ بیشتر یاران و انصار انبیاء، اولیاء و
مصلحان، جوانان بوده‌اند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «فَضْلُ الشَّابِّ الْعَابِدِ الَّذِي يَعْبُدُ فِي صَبَاهٍ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي يَعْبُدُ بَعْدَ مَا
كَبُرَتْ سِنُهُ كَفَضْلِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ؛ فَضِيلَتِ وَبِرْتَرِي جَوَانِ عَابِدِ كَهْ أَزْ أَغَاثِ جَوَانِي، خَدَا رَا عِبَادَتِ
كَنْدِ، بَرِ پیری كه وقت در دوران پیری مشغول عبادت گردد، مانند فضیلت پیغمبران بر سایر مردم است».^۳
در جای دیگر با اشاره به ارزش جوانی، می‌فرماید: «إِغْتَنِمِ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ؛ جَوَانِي تَانِ رَا قَبْلَ أَزْ فَرَا
رَسِيدَنِ پیری غنیمت و قدر بدانید».^۴

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) خطاب به والدین و مربیان در برخورد با جوانان و نوجوانان می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ
بِالشَّبَابِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقَى أَفْتِدَةً؛ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرًا وَنَذِيرًا، فَحَالِفَنِي الشَّبَابُ وَخَالِفَنِي الشَّيْخُ، ثُمَّ قَرَأَ: فَطَالَ
عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ شَمَارَا دَر بَارَهْ نَوْجَوَانَانِ بَهْ نِیْکِی سَفَارَشِ مِی کَنَم؛ زِیرَا دَلِ هَآئِ أَنَانِ نَازِکْ تَرِ
اَسْتِ، خَدَاوَنْدِ مَرَا بَهْ پِیَا مِبرِی بَرانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان
سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان بستند. آنگاه این آیه^۵ را خواندند: پس، عمر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان
سخت گردید».^۶

مردی به نام ابوجعفر احوال از دوستان امام صادق (علیه السلام) مدتی به تبلیغ مذهب تشیع و نشر تعلیم
اهل بیت (علیهم السلام) اشتغال داشت. روزی به محضر امام (علیه السلام) شرفیاب شد. امام از او پرسید: مردم بصره در قبول
روش اهل بیت و سرعت پذیرش آیین تشیع چگونه‌اند؟ عرض کرد: تعداد اندکی از مردم، تعلیم اهل بیت را
پذیرفتند. امام فرمود: تبلیغات خود را متوجه نسل جوان و نوجوان کن و به آنان بپرداز؛ زیرا کودک و نوجوان،
برای پذیرش حق و هدایت آمادگی دارند و حرف حق را زودتر می‌پذیرند.^۷

۱. قصص، آیه ۷۷.

۲. شیخ صدوق، امالی، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳. نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۵۰.

۴. همان، حدیث ۳۷۲.

۵. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) ضمن این روایت به این قسمت از قرآن کریم نیز اشاره فرمودند: حدید، بخشی از آیه ۱۶.

۶. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶.

۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

یکی از نکاتی که در ویژگی دوران نوجوانی و جوانی باید به آن توجه کرد این است که در نوجوان و جوان دو خواسته متضاد در یک زمینه وجود دارد: تقلید و ضد تقلید. او مقلد است، آن چنان که حتی می‌توان گفت تقلیدی کورکورانه دارد و از آن برای ساختن شخصیت خود، کسب محبوبیت اجتماعی، رشد کردن و معروف شدن استفاده می‌کند. می‌دانیم که جنبه تشخیص طلبی در او قوی است؛ می‌خواهد به رشد و تکامل برسد؛ ولی امکان و توان آن را ندارد و تقلید برای او، مانند یک میان‌بر برای وصول به آن است. فرد نوجوان می‌کوشد تا در رفتار از شیوه‌ها و راه و روش دیگران استفاده کنند. در اثر تقلید، مسائل بسیاری آموخته و کسب می‌شود؛ ولی در عین حال، بسیاری از لغزش‌ها و جنایات نیز پدید می‌آیند و برخی ضوابط اخلاق و آداب و رسوم، زیر پا گذارده می‌شوند.

نوجوان که به تدریج به مرحله جوانی می‌رسد، حالت تقلید او به ضد تقلید تبدیل می‌شود؛ آن چنان که کار بزرگسالان در نظرش نفرت‌انگیز می‌شوند. برای احراز شخصیت، حتی سعی دارد از تقلیدهای لازم سرپیچی کند و در راه و روش‌ها و ارزش‌ها تجدید نظر کند و در عین حال، نسبت به شخصیت‌هایی که مورد توجه خاص او باشند، به الگوبرداری تمایل دارد.

آنچه از نظر تربیت مهم است، تعدیل جنبه تقلید و ضد تقلید در نوجوان و جوان است. باید کوشش کرد تا نوجوان، تقلید جاهلانه نداشته باشد و مسائل را بی‌قید و شرط نپذیرد و نیز مسئله پیروی را مطرح کرد تا به مخالفت و ضدیت با آن نپردازد.^۱ به طور خلاصه، باید سعی کرد تا نیروی خدادادی الگوپذیری را که در شخصیت هر انسانی، به خصوص هر نوجوان و جوانی وجود دارد، کنترل و جهت‌دهی نمود. توجه به این مسئله در بحث شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوان و جوان بسیار حائز اهمیت است.

هویت اجتماعی

برای روشن شدن موضوع بحث این مقاله، باید توضیح مختصری درباره مفهوم «هویت» و «هویت اجتماعی» بیان کنیم.

«هویت» در لغت، به معنای چیستی و حقیقت شیء است و به مفهوم آنچه که نشانه و شخصیت چیزی یا کسی را معرفی کند، اشاره دارد.^۲

در فرهنگ عمید، هویت چنین تعریف شده است: هویت، یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد.^۳ معنای اصطلاحی این کلمه، بسیار نزدیک به همان معنای لغوی آن است. در علوم

۱. قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، ص ۶۷.

۲. بستانی، فؤادافرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ص ۹۶۷.

۳. فرهنگ عمید، ص ۱۲۶۵.

روان‌شناسی و علوم اجتماعی، «هویت» به مشخصه‌ها و ممیزات شخصی یا اجتماعی یک شخص اطلاق می‌شود.

روان‌شناسان اجتماعی در تعریف هویت گفته‌اند: هویت، مجموعه ویژگی‌هایی است که تفاوت فرد از دیگران یا شباهت او به دیگران را موجب می‌گردد که برای ساختن آن، عناصر زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر شخص برای به وجود آمدن تصویر ذهنی از خود، بر تفسیری که از واکنش‌های دیگران درباره خود دارد، تکیه می‌کند.^۱

پاسخ به سؤال از کجا آمده‌ام و چه کاری باید بکنم و سرانجام من چیست، همان هویت یا خود است. در آموزه‌های دینی هر چند این واژه با خصوصیات مذکور طرح نشده است، ولی از عبارات و اشارت‌های دیگر می‌توان حقیقت (هویت) و (خود) را استخراج کرد.

امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «زَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَفَى أَيْنَ وَإِلَى أَيْنَ؛ آن کس که بداند از کجا آمده و در کجاست و به کجا رهسپار خواهد شد، مشمول رحمت الهی خواهد بود».^۲

در ابیاتی از دیوان شعر منسوب به آن حضرت می‌خوانیم:

«ای انسان، آیا گمان نمی‌کنی که تو موجودی حقیر و کم مقدار هستی؟ حال آنکه راز جهانی بزرگ، در کتاب روح تو مندرج است. درد تو از خود توست؛ ولی به آن آگاهی نداری و درمان تو نیز در خود توست؛ ولی آن را نمی‌بینی».^۳

هویت را می‌توان بر اساس ملاک‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد؛ اما در یک تقسیم‌بندی که مرتبط با این نوشته است، هویت به «هویت فردی» و «هویت اجتماعی» تقسیم می‌شود.

هویت فردی: منظور از هویت فردی، شناخت توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های رشد و تحول و نیازهای اساسی روان است. با این تعریف، هویت فردی با خودشناسی رابطه مستقیم دارد.

هویت اجتماعی: اگر فرد را از جنبه نقش‌ها و وظایف اجتماعی‌اش مورد مطالعه قرار داده و به طور متقابل، انتظارات جامعه از وی را بررسی کنیم، در حقیقت به درک مقوله هویت اجتماعی نزدیک شده‌ایم.^۴ بحث ما معطوف به هویت اجتماعی است تا بدانیم نهاد مسجد، در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان چه نقشی دارد. به همین دلیل، به توضیح بیشتری درباره هویت اجتماعی می‌پردازیم. در واقع، هویت اجتماعی

۱. مجله حدیث زندگی، ش ۱۱، ص ۷۰.

۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۱۱۶.

۳. سبحانی‌نیا، محمد، جوان و بحران هویت، نرم افزار شباب، سازمان تبلیغات اسلامی.

۴. همان.

رشته‌ای از معانی است که فرد در محیط یا موقعیت اجتماعی برای تعریف خود به کار می‌برد.^۱ هویت اجتماعی هر فرد، پاسخی است که وی به چپستی و کیستی خود، به عنوان فردی از یک جامعه مطرح می‌کند. البته این پاسخ فقط در گفتار نیست، بلکه مظاهر عملی و رفتاری، بهترین گواه برای نشان دادن هویت اجتماعی هر شخص است. نوع رفتار اجتماعی، نوع پوشش، نوع تفریحات، نوع گفتار، نوع رفتار سیاسی اجتماعی و... مربوط به هر فرد از مظاهر مهم بیان کننده هویت اجتماعی وی است. انسان بودن، مسلمان بودن، شیعه بودن، ایرانی بودن و... هویت‌های اجتماعی هستند که هر یک باعث بروز نمودها و مظاهر خاص خود در رفتار فرد متعلق به آن اجتماع می‌شود.

عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی

عوامل متعددی باعث شکل‌گیری یک هویت اجتماعی می‌شوند: به طور مثال، موقعیت جغرافیایی مثل ایرانی بودن فرد، یک هویت اجتماعی خاص و آثار عملی خاصی را به دنبال دارد. اعتقادات و باورهای مذهبی، مثل مسلمان بودن یا شیعه بودن، مواضع سیاسی و سبک زندگی از مؤلفه‌های مهمی است که منشأ هویت اجتماعی برای افراد است.

نکته قابل توجه این است که هویت اجتماعی صحیح، در سلامت روانی و شخصیتی فرد بسیار اثر گذار است. افرادی که از هویت اجتماعی مناسبی برخوردار هستند، به طور معمول، رفتاری معقول و متعادل و حضوری اثر گذار در جامعه خود دارند؛ اما افرادی که هویت اجتماعی خوبی ندارند، دچار انحرافات اخلاقی و رفتاری می‌گردند.

در کلمات گهربار امیرالمؤمنین (علیه السلام) این حقیقت به زیبایی بیان شده است. امام علی (علیه السلام) نشانختن قدر و منزلت و ارزش شخصیتی را مایه هلاکت افراد می‌داند: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ مردی که قدر و منزلت خود را نشانخت، تباه گشت».^۲ همچنین، آن حضرت (علیه السلام) کرامت نفس را - که نتیجه هویت اجتماعی و هویت فردی صحیح و اسلامی است - مایه دوری افراد از آلوده شدن به پلیدی‌ها می‌داند: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ] شَهْوَاتُهُ؛ هر که خود را بزرگوار دید، شهوت‌هایش در دیده وی خوار گردید».^۳

وقتی نوجوان یا جوان از هویت اجتماعی صحیحی برخوردار نباشد، برای پُر کردن این خلأ شخصیتی، به راه‌های انحرافی و مدل‌های غلط هویتی رو می‌آورد. گرایش به گروه‌های رپ یا متال یا شیطان پرستی

۱. اشرفی، ابوالفضل، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۰.

۲. شریف‌الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹.

۳. همان، حکمت ۴۴۹.

و...، نمونه‌هایی از این مسئله هستند. همه نهادهای اجتماعی، اعم از خانواده، مدرسه، روحانیت و... در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد جامعه، به خصوص نوجوانان و جوانان تأثیر گذار هستند. یکی از نهادهای اجتماعی، نهاد مسجد است که در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد. ما در بخش‌های آینده به چگونگی این تأثیرگذاری خواهیم پرداخت.

بحران هویت

دوران نوجوانی، دوران شکل‌گیری هویت اجتماعی و دوران تثبیت هویت اجتماعی شخص است. به همین دلیل، حساسیت بحث شکل‌گیری هویت اجتماعی در این دوران بسیار زیاد است. امکان بروز مشکل در هویت اجتماعی نوجوان و جوان که از آن با عنوان «بحران هویت» یاد می‌شود، در این سنین بیشتر است. در بحران هویت، نوجوان به شدت دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است؛ به طوری که وی نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد. به هنگام بحران هویت، نوجوان در بعضی از این موارد دچار تردید و شک است: اهداف بلندمدت، انتخاب شغل، الگوهای رفاقت، رفتار و تمایل جنسی، تشخیص مذهبی، نظام ارزش‌های اخلاقی، تعهد گروهی.

بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خودبیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و قادر به انجام کارهای مهم نیستند و در انتخاب کردن سردرگم می‌مانند و یا اینکه هر روز و هر لحظه، به انتخاب جدیدی دست می‌زنند و بر انتخاب دیگران، بدون تحقیق ماهر تأیید می‌زنند.

بحران هویت، پیامدهای منفی متعددی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

اشتغال بی‌هدف: شخصی که جایگاهی برای خود در جامعه نمی‌شناسد و به تعبیری، قدر و منزلت شخصی و اجتماعی خود را نیافته است، خود را به طور بی‌هدف به کارهای مختلف، از جمله کارهای بی‌ارزش یا ضد ارزش مشغول می‌کند. وقت‌گذرانی‌های طولانی در کارهای بی‌ارزش یا تفریحات ناسالم از این قبیل است.

داشتن شخصیت منفعل: از دیگر مضرات بحران هویت، منفعل شدن شخصیت فرد است. فردی که دچار بحران هویت است به طور معمول، شخصیت غیرمستقلی دارد و برای تصمیم‌گیری‌های زندگی، به خصوص امور مهم، منفعل از دیگران بوده و تابع جوامع است. این فرد، در انتخاب سبک زندگی، پوشش ظاهری، سبک خانوادگی و... مرتب دچار تقلیدهای کور کورانه است. نهادهای دخیل در شکل‌گیری هویت اجتماعی، مثل

مسجد اگر در این دوران به خوبی نقش خود را ایفا کنند، می‌توانند مانع بروز این بحران و به تبع آن، مانع به وجود آمدن انحرافات اجتماعی در بین نوجوانان و جوانان شوند و از این طریق، کمک شایانی به سلامت اجتماع داشته باشند.

مسجد و هویت اجتماعی

مسجد، به عنوان یک نهاد عبادی و اجتماعی فعال در متن جامعه اسلامی، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری افراد جامعه، به خصوص نوجوانان و جوانان دارد که در این قسمت به تحلیل این نقش مسجد می‌پردازیم. برای این منظور، روایت شریفی را که به بیان اثرهای ارتباط مستمر با مسجد پرداخته است، محور بحث قرار می‌دهیم.

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْماً مُسْتَطَفّاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً؛ كَسَى كَهْ بِه مَسْجِدِ رَفْتِ وَأَمَدِ مِی كُند، یكی از منافع هشت‌گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و بالارزش در راه خدا یا علم و دانش نو یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید] یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود] یا رحمت مورد انتظاری شامل حال او می‌شود یا موعظی که او را از فساد و گناه بازدارد [را می‌شنود] یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود، گناهی را ترک می‌کند»^۱.

در این روایت شریف، امیرالمؤمنین (علیه السلام) هشت ثمره مهم برای رفت‌وآمد مستمر در مسجد و به تعبیری «اهل مسجد بودن» ذکر می‌فرماید که با دقت در این امور، نحوه اثرگذاری مسجد در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد، به خصوص نوجوانان و جوانان که در مرحله شکل‌گیری و تثبیت هویت اجتماعی هستند، به خوبی روشن می‌شود و ما در قالب پنج عنوان کلی به این موارد اشاره می‌کنیم:

۱) مسجد و روابط اجتماعی: انسان، موجودی اجتماعی است و به گفته حکما به طور فطری اجتماعی است. به همین دلیل، انسان، ناگزیر از داشتن روابط اجتماعی با افراد مختلف به عنوانین مختلفی، چون خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و... است. از مهم‌ترین روابط اجتماعی انسان، روابط دوستی است. داشتن دوستان مناسب باعث سلامت روحی و هویت اجتماعی مناسب انسان می‌شود؛ به خصوص در دوره نوجوانی و جوانی، افراد به شدت تحت تأثیر محیط و دوستان خود هستند.

از نگاه امام علی (علیه السلام)، انسان ناتوان کسی است که در برقراری این ارتباط دوستی با دیگران ناتوان باشد. «أَعَجَزُ

النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْاُخْوَانِ، وَأَعَجَزَ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ؛ عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز باشد و از او عاجزتر کسی است دوستانی را که به دست آورده، از دست بدهد.^۱ نوع دوستان انسان و محیط‌های دوستی و رفاقتی افراد، در شکل‌گیری هویت اجتماعی آنها بسیار مؤثر است و معرف و علامت خوبی برای ساخت هویت شخصی و اجتماعی افراد است. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «فَإِنَّ الْمَرْءَ يَوْزَنُ بِخَلِيلِهِ؛ همانا، مرد به دوستش سنجیده می‌شود».^۲

تو اوّل بگو با چه کس زیستی
که تا من بگویم که تو کیستی
همان قیمت آشنایان تو
بود قیمت و ارزش و جان تو

نکته مهم در مبحث دوستی، محور و ملاک مورد توجه در دوستی بین افراد است. دوستی، گاهی با محوریت مسائل مالی، سیاسی و گاهی هم با محوریت مسائل الهی و روابط دینی است. محکم‌ترین و سالم‌ترین دوستی‌ها، دوستی‌ای است که بر اساس مسائل دینی و با محوریت محبت ایمانی شکل گرفته باشد. «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ در روز قیامت دوستان، دشمن یکدیگرند، مگر متقین».^۳ امام علی (علیه السلام)، اولین اثر ارتباط با مسجد را یافتن دوستان و برادران دینی مطرح می‌فرماید. دوستی‌ای که بر محور دین و بندگی خدای متعال شکل گیرد، پایدار خواهد بود و به دور از هر گونه دغل و انحراف است. این دوستی ایمانی، در شکل دادن به هویت اجتماعی نوجوان و جوان، قابلیت زیادی دارد و هویت اجتماعی با محوریت ملاک‌های دینی و الهی را در فرد ایجاد می‌کند.

۲) مسجد و آموزش علوم نافع: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این روایت شریف، دوّمین و سوّمین ثمره ارتباط با مسجد را یادگیری علوم نافع و اعتقادات صحیح می‌داند. یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در هویت اجتماعی انسان، اعتقادات دینی و آشنایی با فرهنگ صحیح زندگی و به طور کلی علم و آگاهی است. علم به تاریخ، پر افتخار اسلام، علم به آموزه‌های بسیار مرقی اجتماعی دین، علم به ارزش و جایگاه هویت ملی، علم به ضوابط درست زندگی اجتماعی و...، بخشی از این علوم نافع را تشکیل می‌دهند. مسجد، از ابتدای شکل‌گیری، به عنوان یک کانون آموزش و یک دانشگاه مطرح بوده است.

روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد مسجد شد و با دو گروه مواجه شد. در یک قسمت، گروهی سرگرم

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۴، ح ۲۲.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۹، ح ۲۰۴۸.

۳. زخرف، آیه ۶۷.

علم آموزی و در قسمت دیگر، عده‌ای مشغول رازونیا با خدا بودند. پیامبر ﷺ فرمودند: «این دو نشست و گردهمایی، مشمول خیر و سعادت‌اند، زیرا گروه دوم خدا را می‌خوانند و گروه اول نیز سرگرم فراگیری بینش و دانش هستند و می‌خواهند دانش و آگاهی دینی خود را از رهگذر تعلیم، به دیگران منتقل سازند؛ اما گروه اول بر گروه دوم مزیت دارند. سپس، حضرت در جمع گروهی که سرگرم دانش‌اندوزی و تعلیم بودند، نشست. تشکیل جلسات تفسیر قرآن، آموزش احکام و مسائل شرعی، آموزش اعتقادات اسلامی، بیان تاریخ اسلام و ایران، دشمن‌شناسی و... آموزش‌هایی است که در مسجد، با محوریت امام جماعت مسجد انجام می‌شود و این آموزش‌ها تأثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری هویت اجتماعی سالم افراد دارد. تأکید بر این مسئله به جاست که مسجد و مباحث آموزشی که مسجد در اختیار افراد قرار می‌دهد، در ترسیم سبک زندگی اسلامی - که خود از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت اجتماعی صحیح است - بسیار نقش مهمی دارد و از این طریق می‌تواند تأثیر مهمی در تحقق تمدن اسلامی داشته باشد.

۳) مسجد، عامل بیداری فطرت الهی: در این حدیث شریف، چهارمین اثر ارتباط با مسجد، قرار گرفتن در معرض رحمت الهی مطرح شده است. اگر چه این رحمت، مصادیق فراوانی دارد، اما به نظر می‌رسد، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رحمت الهی، بیداری فطرت الهی انسان‌ها در اثر عبادت و معنویت باشد. استاد مطهری، یکی از عوامل بسیار اثرگذار در هویت اجتماعی و انسانی را، فطرت الهی موجود در وجود انسان‌ها می‌داند؛ همان فطرتی که خدای متعال از آن در قرآن این گونه یاد کرده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا، مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست. این، همان دین پایدار است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.^۲

مسجد، کانون عبادت و توجه دادن انسان به مقام عبودیت و بندگی است. افرادی که توجه بیشتری به این فطرت الهی خود دارند و از مقام انسانیت خود، آگاه هستند، در صحنه اجتماع نیز رفتاری متناسب با هویت الهی خود دارند و خود را به هر کار و رفتاری آلوده نمی‌کنند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ لَمْ يَضَعْ بَيْنَ النَّاسِ» هر کس مرتبه و ارزش خود را بشناسد، آن را میان مردم تباه نمی‌کند.^۳

۴) مسجد و مواظ اخلاقی: پنجمین و ششمین اثر ارتباط با مسجد، در کلام امام علی (علیه السلام) شنیدن، مواظ اخلاقی است که سبب هدایت به مسیر درست زندگی و دوری از راه‌های انحرافی می‌گردد. مسائل اخلاقی

۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۸ ص ۱۹۳.

۲. روم، آیه ۳۰.

۳. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۳۳.

هر فرد و جامعه، اثر به‌سزایی در هویت اجتماعی آن فرد یا جامعه دارد. به طور مثال، فردی که دچار بیماری اخلاقی، مانند تکبر و خودپسندی باشد، مشخصات اجتماعی او به گونه‌ای است که دچار انزوا و از دست دادن اطرافیان خواهد شد و در برقراری ارتباط با اطرافیان خود، دچار مشکل می‌گردد؛ اما فردی که از تواضع و دگردوستی برخوردار است، هویت اجتماعی وی به گونه دیگری است. فرد یا جامعه‌ای که دچار روحیه منفی خودباختگی است، هویت اجتماعی آن فرد یا اعضای آن جامعه به گونه‌ای است که در برابر فرهنگ‌های مهاجم، توان مقابله نخواهد داشت و ستم‌پذیر خواهد بود. بیماری جامعه و قوم فرعون از نگاه قرآن همین بوده است و قرآن می‌فرماید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ؛ پس، او قوم خود را سبک‌مغر شمرد و آنها هم وی را اطاعت نمودند، به راستی که آنها گروهی فاسق و نافرمان بودند».^۱

مسجد با احیای جلسات و عطا و اخلاق، می‌تواند به شکل‌گیری صحیح هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان کمک شایانی نماید؛ به خصوص با توجه به این نکته که دل پاک نوجوان و جوان، آمادگی بیشتری برای دریافت مواظظ اخلاقی دارد و ملکات اخلاقی در او راسخ‌تر خواهد بود.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنُّقْشِ فِي الْحَجَرِ؛ علم در کودکی، مانند حکاکی بر روی سنگ است».^۲ همچنین، پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «حَفِظَ الرَّجُلُ بَعْدَ مَا يَكْبُرُ كَالْكِتَابِ عَلَى الْمَاءِ؛ یادگیری در بزرگسالی، مثل نگارش بر روی آب است».^۳

موعظه، راه هدایت را به انسان می‌نمایاند و راه گمراهی را به انسان می‌شناساند. یکی از عوامل انحطاط شخصیتی و بی‌هویتی جوانان، فقدان آگاهی و عدم تشخیص راه درست و صراط مستقیم از راه‌های گمراهی است. مسجد، بهترین مکانی است که می‌تواند راه هدایت و ضلالت را به جوانان نشان دهد تا دچار بحران هویت یا هویت ناپسند اجتماعی نشوند.

۵) مسجد و کنترل اجتماعی: امام علی (علیه السلام) در بخش پایانی کلام خود در فواید ارتباط با مسجد به یک حقیقت روان‌شناختی اشاره می‌کنند. افرادی که با مسجد ارتباط مستمر داشته باشند از نظر اجتماعی جایگاهی پیدا خواهند کرد که بسیاری از رفتارهای غلط یا خلاف شرع یا خلاف عرف جامعه اسلامی را دست‌کم به خاطر حیا ترک خواهند کرد و این در سلامت ظاهر جامعه اسلامی که خود از جلوه‌های هویت اجتماعی است، اثر‌گذار است. به عبارت دیگر، ارتباط با مسجد باعث به وجود آمدن نوعی کنترل همگانی بین مسلمانان خواهد شد. به تجربه ثابت شده است که جوان در محیطی که غریب باشد و کسی او را نشناسد،

۱. زخرف، آیه ۵۴.

۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. نهج الفصاحة، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، ص ۴۴۵.

راحت تر به رفتارهای هنجارشکنانه می پردازد. یکی از آفات پذیرش دانشجو - به خصوص دختران - در شهر دیگر غیر از شهر خود، همین فراهم شدن زمینه لغزش و رفتارهای خلاف هنجار است. بنابراین، ارتباط با مسجد به خصوص در سنین جوانی، نوعی شخصیت و هویت مذهبی اجتماعی برای نوجوان و جوان به وجود می آورد که همین هویت، می تواند مانع ارتکاب رفتارهای غلط باشد. در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که فرمودند: «عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لَمْ يَبْقَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيَ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ؛ از نصایح پیامبران چیزی باقی نمانده، مگر اینکه مردم می گویند هر گاه حیا نداری، هر چه می خواهی بکن». حضور در جمع مؤمنان و شناخته شدن به وسیله ایمان در بین مردم، می تواند روحیه شرم و حیا را در انسان ایجاد و تقویت نماید و به نوعی هویت اجتماعی ایمانی برای شخص ایجاد کند که خود در عدم توجه به انحرافات و لغزش ها بسیار قابل توجه است.

بایسته های مسجد فعال

بر اساس بحث های گذشته، مسجد می تواند نقش بسیار مهمی در شکل گیری هویت اجتماعی افراد داشته باشد؛ اما نکته قابل توجه این است که مسجدی در ایفای این نقش موفق خواهد بود که حضور پویا و فعالی در اجتماع داشته باشد. مسجدی که تمام فعالیت آن منحصر به اقامه نماز جماعت باشد، اگرچه اثرهایی را در زمینه مسائل عبادی و اجتماعی مسلمانان خواهد داشت، اما آن نقش آفرینی کامل را نخواهد داشت. به همین دلیل، در پایان این مقاله، ما به ذکر چند نکته به عنوان ضرورت های مسجد فعال می پردازیم. در واقع ضروریات مسجد فعال، یعنی آنچه که برای پویایی و فعال بودن مسجد در تمام عرصه ها به خصوص درباره موضوع مورد بحث - یعنی شکل گیری هویت اجتماعی نوجوان و جوان - لازم است.

۱. فعال بودن امام جماعت: امام جماعت، رکن اصلی مسجد در زمینه مسائل فرهنگی است. تمام فعالیت های تربیتی، فرهنگی و مذهبی مسجد، با محوریت امام جماعت باید صورت گیرد. اگر امام جماعت به برنامه مسجد و اقامه نماز جماعت به عنوان یک برنامه تبلیغی همه جانبه و اثرگذار نگاه کند و تمام سعی و تلاش خود را برای ایجاد یک فضای تربیتی به کار بندد، مسجد از یک معبد صرف به یک کانون عبادی و تربیتی و اجتماعی تبدیل می شود که نقش بی بدیلی در سطح جامعه خواهد داشت.

۲. هماهنگی بین ارکان اجرایی مسجد: اجرای فعالیت های مختلف مسجد توسط افراد یا گروه های مختلفی انجام می شود که ما از آنها به عنوان ارکان اجرایی مسجد یاد می کنیم؛ مثل امام جماعت، هیئت

امناء، بسیج مسجد و.... یکی از مشکلاتی که متأسفانه در برخی مساجد مشاهده می‌شود، اختلاف بین این ارکان در تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های مسجد است که آفات زیادی به همراه دارد که عبارت‌اند از: هدر رفتن انرژی و پتانسیل مسجد و اعضای فعال در آن، بر روی زمین ماندن کارهای اساسی و وظایف اصیل مسجد، ایجاد دل‌زدگی و دفع نمودن دیگران از مسجد و.... اگر ارکان مسجد با هماهنگی کامل با یکدیگر به انجام وظیفه بپردازند، اثرگذاری مسجد، مضاعف خواهد شد و مسجد، پویایی بالایی خواهد داشت. لازم به ذکر است که امام جماعت در ایجاد این هماهنگی بین ارکان مسجد، نقش کلیدی دارد.

۳. اندیشیدن تدابیر لازم و ایجاد فضای مناسب برای حضور حداکثری نوجوانان و جوانان در مسجد: اگر حضور جوانان در مسجد منحصر به اقامه جماعت باشد، هر چند در شخصیت آنان اثرگذار است، اما هر چه این حضور بیشتر و البته هدفمند و باضابطه باشد، این اثرگذاری بیشتر و انس آنان با مسجد عمیق‌تر خواهد بود. ایجاد کتابخانه و فضای مطالعه در مسجد، فراهم کردن فضای آموزشی و فرهنگی، مثل کلاس‌های علمی، فرهنگی و مذهبی، برگزاری جلسات و مراسم مختلف در مناسبت‌های ملی و مذهبی و... از نمونه‌های این فضاسازی برای حضور حداکثری و هدفمند جوانان در مسجد است.

۴. استفاده از افراد تحصیل کرده، جوان و خوش فکر در فعالیت‌های مختلف مسجد: حضور این گونه افراد در فعالیت‌های مسجد از قبیل عضویت در هیئت امنا، برگزاری کلاس‌ها و جلسات آموزشی فرهنگی، به عنوان امام جماعت و سخنران و حتی مؤذن و مکبر، باعث جذب بیشتر جوانان به مسجد و کارآمدتر شدن مسجد در ایفای نقش‌های خود است. از این طریق، اثرگذاری مسجد در هویت‌بخشی به جوانان از لحاظ اجتماعی بسیار بیشتر خواهد بود. جوانی که در مسجد، هیچ جذبه‌ای نمی‌بیند و هیچ ارتباطی با مسجد و عناصر مسجد، نه از لحاظ سنی و نه از لحاظ علمی و فرهنگی نمی‌بیند، طبیعی است که از فضای مسجد، اثرپذیری نخواهد داشت و حضور وی در مسجد، از نظر کمی و کیفی یک حضور حداقلی خواهد بود و هویت اجتماعی وی در محیط‌های دیگری شکل خواهد گرفت. به عبارت دیگر، سنخیت بین دو شیء، مهم‌ترین عامل پیوند و اثرپذیری است. جوان، اگر احساس سنخیت با محیط مسجد داشته باشد، پیوند عمیق و پذیرش بالایی از محیط مسجد خواهد داشت؛ اما اگر این سنخیت را نیابد، ارتباط او با مسجد، سطحی و غیر مؤثر خواهد بود.

در این بخش از نوشتار، مناسب است کلام زیبایی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌الرحمة، در توصیف مسجد ایده‌آل را، حسن ختام این بخش قرار دهیم که فرمودند:

«نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است... دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مؤمنان و جوانان و نوجوانان ماست. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، مانند پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است. امامان جماعت، باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد، باید مدرّس تفسیر و حدیث و منبرِ معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه محبّت متولیان و مدیران و [هیئت] امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محلّ، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محلّ، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب هم‌تانی که کمک به دیگران را وجهه همّت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غم‌گساری می‌جویند و حتّی با نوزادانی که متولّد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محلّ، مأمن و مایه خیر و برکت باشد»^۱.

نتیجه‌گیری

مسجد به عنوان یک پایگاه عبادی و اجتماعی، اگر با توجّه به معیارهایی چون فعال بودن امام جماعت، استفاده از افراد فرهیخته و جوان در ارکان مسجد و... به ایفای نقش در جامعه بپردازد، با کارکردهای خاصّ خود می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان - که در دوران شکل‌گیری و تثبیت هویت هستند - داشته باشد و در مواقعی این نقش‌آفرینی بی‌بدیل است. کارکردهایی، مانند ایجاد محیط دوستی و ارتباطات اجتماعی، ارائه آموزش‌های دینی، فرهنگی، تاریخی و... به جوانان، باعث آگاهی آنها به هویت اجتماعی صحیح خواهد بود. همچنین، وعظ و خطابه و ایجاد محیط و روحیه اخلاقی در افراد و...، در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد دخیل هستند.

۱. نرم‌افزار حدیث ولایت، مکتوبات، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ص ۲۸.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳. _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۴. _____، الأمالی، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (م ۲۳۰)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق / ۱۹۹۰ م.
۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، انتشارات کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۷. الموسوی الخمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۹. قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، تهران، انتشارات امیدی، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۱۰. بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ۱ جلدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات اساطیر، بهمن ۱۳۴۴ هـ.ش.
۱۲. اشرفی، ابوالفضل، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۱ و ۱۲.
۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۸، تهران، انتشارات صدرا.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۱۵. نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۱۶. سبحانی نیا، محمد، جوان و بحران هویت، نرم افزار شباب، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. نرم افزار حدیث ولایت، مکتوبات، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۱۸. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۹. دوماهنامه حدیث زندگی، صاحب امتیاز: محمد محمدی نیک (ری شهری)، سال سوم، شماره، پیاپی ۱۱، خرداد و تیر ۱۳۸۲ هـ.ش.

نقش مساجد در تربیت دینی جوانان

رامین نوظهوری و سمیه رسولی

چکیده

مسجد، به عنوان پایگاه اجتماعی اسلام، همواره کانون جذب تربیت دینی جوانان بوده است و مردم و مربیان دینی و مذهبی به آن توجه کرده‌اند. تحولات روزافزون دنیای مدرن و تهاجم فرهنگی در عصر جهانی شدن از یک سو، تربیت دینی جوانان، به مثابه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های عالمان تربیتی و فرهیختگان دینی مسلمان از سویی دیگر، اهمیت مسجد، را در تربیت دینی بیش از پیش روشن کرده است. نویسندگان این نوشتار، سعی نموده‌اند تا با ارائه تعریفی از تربیت دینی و بررسی نقش مسجد در اسلام، به این پرسش پاسخ گویند که مسجد، چگونه می‌تواند در ایجاد ارزش‌ها و تربیت دینی جوانان امروزی، نقش داشته باشد. نوشته حاضر، ابتدا به تبیین مفاهیمی چون مسجد، تربیت، دین و تربیت دینی پرداخته، سپس نقش و اهمیت مسجد را در اسلام و تربیت دینی جوانان امروزی، مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، در پایان، به برخی از راهکارهای تئوری و عملی نیز اشاره می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد، تربیت، دین، تربیت دینی.

اشاره

تربیت دینی جوانان، همیشه یکی از موضوع‌های مورد توجه در همه جوامع بوده است؛ هر چند ممکن است در مورد ارزش‌های مورد نظر و گستره آنها و همچنین، چگونگی ارائه و انتقال آنها به نسل‌های بعدی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته باشد. در چند دهه اخیر و با توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و جهانی شدن، اهمیت گسترش فرهنگ دینی بومی در مدارس و مساجد، مورد توجه متخصصان حوزه‌های علوم تربیتی و نخبگان دینی قرار گرفته است.

شاید در مورد اهمیت تربیت دینی و پرداختن به آن در مدارس، مطالعات زیادی صورت گرفته باشد؛ اما باید گفت که پرداختن به نقش مساجد در احیای فرهنگ دینی نیز، اهمیت و ضرورت لازم را دارد. مسجد، یکی از مهم‌ترین مراکز گردهمایی مسلمانان است و در همه جوامع اسلامی به وفور یافت می‌شود. تعداد بسیار زیاد مساجد و شأن دینی آنها پتانسیل فرهنگی قابل ملاحظه‌ای در اختیار جوامع مسلمان قرار داده است که چشم‌پوشی از آن، لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد می‌کند. در این نوشتار، می‌کوشیم پیوند میان مسجد و تربیت دینی را بیابیم و پتانسیل‌های مسجد را در عرصه تربیت دینی بیان کنیم.

مفهوم‌شناسی مسجد و تربیت

مسجد، واژه‌ای عربی و اسم مکان از ریشه ثلاثی مجرّد «سجد» است. معنای لغوی آن، سجده‌گاه و عبادتگاه است و در اصطلاح به مکان معینی اطلاق می‌شود که برای اقامه نماز وقف شده باشد. در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد، به معنی جایگاه سجده است و در مورد سجده، در روایات آمده است: «السُّجُودُ مُنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ؛ سجده، اوج بندگی انسان در برابر خداست». ^۱ در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال، مسجد است. بنابراین، قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری تکیه کرده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است؛ قرآن می‌فرماید: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ و مساجد ویژه خداست؛ پس، هیچ کس را با خدا مخوانید». ^۲ مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است.

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ، وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ، بگو پروردگرم [مرا] به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی، روی خود را مستقیم [به سوی قبله]

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۲. جن، آیه ۱۸.

کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، وی را بخوانید؛ همان گونه که شما را پدید آورد، [به سوی او] برمی گردید».^۱

مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است. قرآن می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ پاک و منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را یک شب، از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده ایم- سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایاند؛ چرا که او شنوا و بیناست».^۲

شناخت مفهوم «تربیت دینی» به شناخت معنای دو کلمه «تربیت» و «دین» وابسته است. از این رو، لازم است به معانی این دو واژه نیز اشاره کنیم. ریشه لغوی تربیت، واژه «ربو» است که به معنای زیاد شدن و افزایش است. بنابراین، معنای لغوی واژه تربیت، رشد، نمو، برتر نهادن، زیاد کردن، پروردن، بزرگ داشتن و ارزنده ساختن و به عبارتی مهیا کردن زمینه افزایش و پرورش است. «تربیت، در اصطلاح، عبارت است از فراهم آوردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رسانیدن یا شکوفا کردن استعداد های انسان در مسیر رشد و تکامل اختیاری او به سوی اهداف مطلوب.

در زبان انگلیسی، واژه Education را معادل تربیت قرار داده اند. امروز، Education چهار معنای عمده دارد که برخی از این معانی در زبان فارسی کاربرد نداشته اند؛ اما پس از شکوفایی دانش و فن ترجمه، استفاده شدند و بار معنایی جدیدی گرفتند. به گفته شکوهی، چهار معنای عمده تربیت عبارت اند از:

۱. تربیت به معنای مؤسسه و نهاد آموزشی؛

۲. تربیت به معنای محتوا و برنامه آموزشی؛

۳. تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسان به چشم می خورد؛

۴. تربیت به معنای محصول و نتیجه تربیت.

تربیت، به معنای سوّم، فرآیندی پیچیده و دارای جنبه های گوناگون است. می توان گفت که تربیت به این معنا، یعنی تأثیری که نسل های بزرگسال بر نسل هایی می گذارند که هنوز برای زندگی اجتماعی آماده نشده اند.

مفهوم دین و تربیت دینی

در آیه ۲۷ سوره روم، چنین آمده است: دین، جز قانون زندگی و راهی که انسان باید برای رسیدن به

۱. اعراف، آیه ۲۹.

۲. اسرا، آیه ۱.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه «تربیت».

سعادت ببیماید، نیست و هدف نهایی انسان، همان رسیدن به سعادت است. واژه دین، از مفاهیمی است که همواره در میدان آراء و نظرهای گوناگون صاحب نظران قرار داشته است و توافقی مشترک درباره آن وجود ندارد. حتی عده‌ای از محققان آن را تعریف ناپذیر می‌دانند؛ زیرا قدمت دین به درازای عمر انسان است و در شکل‌های گوناگون، از ابتدایی‌ترین صورت تا صورت متعالی و جامع، در جوامع گوناگون تبلور یافته است. علامه طباطبائی، دین را روش یا سنت اجتماعی تعریف می‌کند. وی دین را، راه زندگی می‌داند که آدمی در دنیا به ناچار آن را می‌پیماید. آیت‌الله جوادی آملی، دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قوانینی می‌داند که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها ضروری است. برای انسان، دین موهبتی است که او را به فلسفه حیات مسلح می‌کند و نیازها و خواسته‌های بنیادی روانی، به‌ویژه نیاز به عشق و جاودانگی، را تحقق می‌بخشد. باورهای دینی، همواره طی تاریخ بشر، با او همراه بوده‌اند و در هیچ دوره‌ای، بشر بدون اعتقادهای دینی نبوده است.^۱

با توجه به تعاریف تربیت و دین، تربیت دینی عبارتست از فرآیندی دوسویه میان مربی و متربی که طی آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه باورها، قوانین و آموزه‌های دینی می‌کوشد تا شرایطی فراهم کند که متربی، آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای خود گام بردارد و به سوی هدف‌های مطلوب دینی رهنمون شود و بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی تربیت گردد. به دیگر سخن، می‌توان گفت که «تربیت دینی» فرآیندی است که از طریق اعطای بیش و التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت او و به دور از جبر و فشار، برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.

به اعتقاد برخی اندیشمندان، تربیت دینی، در فرد تغییر نگرش ایجاد می‌کند و نگرش او را به خودش، هستی، هدف نهایی و ماورای طبیعت تغییر می‌دهد و رفتارهای او را نیز جهت می‌دهد. ایشان، باور دارند که دانستن دین و آموزه‌های دینی با تربیت دینی برابر نیست؛ بلکه فقط زمانی آموزه‌های دینی، تربیت دینی نام می‌گیرند که سبب شکل‌گیری نگرش شوند و در فرد، چشم‌انداز یا بینش شناختی ایجاد کنند. به عبارت دیگر، تربیت دینی، تربیت بر اساس آموزه‌های دینی است که به دینداری ختم می‌شود و شکوفایی دینی را در بر دارد. هدف از تربیت دینی، ایجاد، تقویت و پرورش روح تقوا و هدایت‌پذیری است.^۲

نقش و اهمیت مسجد در اسلام

مسجد، زمینه عبادت پر حضور و خالصانه را فراهم می‌کند. در مسجد، مؤمنان با پرداختن به نماز، ذکر و

۱. شریفی و همکاران، رابطه نگرش دینی با افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز.

۲. پورعلی فرد، محمدمهدی، نکته‌هایی درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان.

دعا زنگار غفلت از دل و جان می شویند و با خداوند متعال انس می گیرند. ابعاد تربیتی مسجد با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت، پرورش دهنده روح و روان آدمی است و در واقع، پاسخ به آن، پاسخ به نیازی طبیعی و مهم است. کسی که نیازهای جسمی و روانی خود را منطقی پاسخ گوید، شخصیتی متعادل می یابد. عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان است و شخصیت او را پرورش می دهد. گرچه عبادت در هر مکانی، این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می کند؛ ولی این نیاز، در مسجد و عبادتگاه، بهتر و کامل تر تأمین می شود. انسان، بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می ورزد. پژوهش های تاریخی نشان می دهد که معبد، با انسان همراه و همزاد بوده است. از این رو، ائمه در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده اند؛^۱ پناهگاهی که انسان در آن، از دغدغه و اضطراب فاصله می گیرد و به آرامش و سکون دست می یابد.

امام صادق (علیه السلام) به مسلمانان سفارش می کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. به این دلیل، جنبه های عبادی مسجد را می توان در شمار نقش تربیتی آن نیز به حساب آورد.

مسجد، با ایجاد پیوند میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی و اجتماعی آنها فراهم می کند. در مکتب تربیتی اسلام، «انزواطلبی» و «جمع گریزی»، بیماری روحی تلقی می شود؛ در حالی که اجتماعی بودن و جمع گرایی - در حد معقول - نشانه سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری اوست. مسجد، با فراخواندن پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع گرایی، انعطاف پذیری و نظم پذیری را در آنان تقویت می کند. افزون بر آنچه گذشت، مسجد، به طور معمول، جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می شود.

مسجد، کانون رایزنی و مشورت است. خداوند متعال، پیامبر خویش را فرمان داده است تا در کارهای مهم با مردم مشورت کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ».^۲ مسجد، پایگاهی است که رسیدن به این مهم را عملی می سازد. بر این اساس، نویسندگانی که مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده اند، سخنی گزاف نگفته اند. رسم مسلمانان در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) این بود که هر گاه حادثه ای مهم رخ می داد، ندای ندا می داد: «الصلوة جامعة»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم آن زمان، معنایی خاص داشت. مسلمانان از این ندا می فهمیدند که یک امر الهی مطرح است. ابن سعد در «الطبقات الکبری» به نقل از سعید بن مسیب گفته است: «پیش از تشریع اذان، مردم را با ندای «الصلوة جامعة»، به مسجد و نماز جماعت

۱. العاملی، الحر، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳، باب ۳۱ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، روایت ۳.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

فرامی خواندند. پس از آن که اذان تشریع شد، با جمله مزبور، مردم را در غیر اوقات نماز، برای کارهای مهم به مسجد فرامی خواندند»^۱.

شواهد گویایی نشان می‌دهد که مسلمانان حتی در خصوص مسائل نظامی نیز در مسجد به مشورت می‌پرداختند. مسجد، خانه‌آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها است.

امام خمینی رحمته‌الله در گفتاری به این نقش مسجد تأکید کرده‌اند و فرموده‌اند: «این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بود. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت کنند»^۲.

مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو، جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی است. مسجد، در جایگاه اصیل خود، الگوی ارزش‌گذاری است؛ ارزش‌های فراموش شده، در مسجد مطرح می‌شود. در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گاهی کسانی یافت می‌شدند که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بودند، بلکه از راه‌های گوناگون، نفاق و دودستگی را در جامعه ترویج می‌دادند و به طور عملی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رویارویی می‌کردند؛ اما با این حال انتظار داشتند در مسجد جایگاهی والا داشته باشند.

مرحوم طبرسی در تفسیر خود می‌نویسد: عده‌ای از «مؤلفه قلوبهم»^۳ نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و درخواست کردند که ایشان در بالای مجلس بنشینند و فقیران و خرقه‌پوشانی مانند سلمان، ابوذر، صهیب، عمار و خباب را از خود دور کنند تا خودشان کنار پیامبرشان باشند؛ زیرا حضور این افراد و همنشینی آنها با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مانع از شرکشان در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همنشینی با ایشان می‌شد. با مطرح شدن این درخواست، آیه ۲۸ سوره کهف نازل شد:

«وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ ۖ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عِینَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِیْنَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَلَا تَطْغِ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا؛ خویش را شکیبا ساز با آنان که پروردگار خود را صبحگاهان و شبانگاهان می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و یک لحظه از آنان چشم‌پوش

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. امام خمینی رحمته‌الله، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۷.

۳. عبارت شریف «مؤلفه قلوبهم»، باتوجه به سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از آیه ۶۰ سوره توبه اخذ شده است. ابن آیه، مواردی را برمی‌شمارد که بخشی از درآمدهای دولت اسلامی، یعنی صدقات واجب (زکات) برای آنها مصرف می‌شود. یکی از آن موارد تألیف قلوب غیرمسلمین و متمایل کردن آنان به اسلام است.

که به زینت‌های دنیا مایل شوی و هرگز از آنان که دل‌هایشان را از یاد خود غافل کردیم و تابع هوای نفس شدند و به تبه‌کاری پرداختند، متابعت مکن»^۱.

از دیگر جنبه‌هایی که به نقش مسجد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود، نقشی است که این نهاد مقدّس در گسترش عدالت در ابعاد گوناگون آن و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ایفا می‌کند. از زمانی که پیامبر ﷺ مسجد را بنا نهادند، همواره آنان که مورد تعدّی و ستم قرار می‌گرفتند، به مسجد پناه می‌بردند و داد مظلومان از ظالمان، در مسجد ستانده می‌شد. قضاوت‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در «دکّة القضاء» مسجد کوفه در امتداد همین نقش مسجد بوده است. در بُعد عدالت اجتماعی نیز مسجد، همواره کانون مبارزه با ستم و بی‌عدالتی بوده است. در دوران انقلاب اسلامی، مردم ایران جلوه‌هایی از نقش مسجد را در بعد ستم‌ستیزی آشکارا مشاهده کردند؛ تا آنجا که می‌توان انقلاب اسلامی ایران را «فرزند مسجد» برشمرد.

از دیگر نقش‌های اجتماعی و سیاسی مسجد، کارکرد آن را در پرورش نیروهای متعهدی است که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد، بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت‌وآمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب افراد تا حدّ زیادی هویدا می‌شود. این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر نیروهای متعهد و مورد نیاز خود را بشناسد. مسجد، بستر مناسبی برای تحقّق امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این مکان، مرکز حضور و تجمّع نیروهای برگزیده است: «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ، مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا خَجِيئُهَا»^۲. در سایه تجمّع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می‌یابند، می‌توان بهترین گردهمایی مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی پی‌ریزی کرد.

مسلمانان، اُمّتی واحد هستند که نظام اسلامی، آنها را بر اساس سوگندی مشترک گردهم آورده است. از این رو، می‌توان گفت مسجد، مرکز اسلام و خانه مسلمانان است و رسول ﷺ صاحب دعوت اسلامی و روشن‌کننده مشعل این وحدت است. او اولین کسی است که مسجد را با چهارچوبی سیاسی، اجتماعی و فکری بنا کرد و آن را مقرّ خویش قرار داد تا مردم به زیارتش مشرّف شوند و درباره دین و دنیای خویش از وی سؤال کنند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد، مسجد را به مثابه پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی اسلام بنا کرد و به تعلیم و تربیت مسلمانان پرداخت. پس از ورود به مدینه نیز، اولین اقدام پیامبر ﷺ ساختن مسجد مدینه بود که قرن‌هاست پایگاه مقدّس اجتماعی و تربیتی مسلمانان است.

۱. رک: تفسیر مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۴۶۵.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۳.

نقش مسجد و اهمیت آن در تربیت دینی

در دنیایی که هدف و فلسفه زندگی گم شده است و پذیرش حیات پوچ و بیهوده، زمینه ساز پیامدهای نامطلوبی شده است (که به صورت های گوناگون در زمینه های فردی و اجتماعی بروز می کند)، فقط دین و تربیت دینی است که عامل هدایت انسان در مسیر زندگی محسوب می شود. افراد بسیاری از شکاف بین نسل ها، دین گریزی جوانان، بحران هویت دینی و... سخن می گویند؛ اما بیان این سخنان و حساسیت ها و ایجاد ناامیدی کافی نیست و باید بیشتر از گذشته و جدی تر به تربیت دینی درست اقدام نمود. باید فضاهای مساعد برای پرورش حس دینی اقشار مختلف جامعه، به ویژه جوانان، را مورد تحلیل قرار داد تا زمینه مطلوب تربیت دینی فراهم شود. یکی از این فضاها، مسجد است. تربیت دینی، فقط با کمک مدرسه صورت نمی گیرد؛ در هر جامعه، نهادها و مؤسسه های مختلف دینی نیز متولی چنین امر خطیری هستند که از آن جمله می توان به مؤسسه ها و کانون های مذهبی و مسجد نیز اشاره کرد. نقش مسجد، میان محافل دینی برجسته است؛ زیرا در چنین مکانی، صحنه های حقیقی دین آشکار می شود و وابستگی و گرایش انسان ها به مرزهای عقیدتی تذکر داده می شود.^۱

مسجد، پایگاه تبلیغ دین و جایگاه دینداران است و همان طور که پیش از این نیز گفته شد، یکی از نقش های کلیدی مسجد، تبلیغ احکام دین و پرورش انسان های مسلمان و معتقد به شریعت اسلام است. شاید بی جهت نباشد اگر بگوییم بار عظیمی از تربیت دینی جوانان جامعه را مسجدها بر عهده دارند. تکیه بر مسجد، به دلیل نقش تاریخی این پایگاه در زمینه تعلیم و تربیت، از یک سو اهمیت دارد و از سوی دیگر، جنبه دینی و مذهبی آن نیز، که مطابق با فطرت انسان هاست، بسیار مهم است. پایین بودن هزینه ها، بازدهی زیاد، مقبولیت عمومی و فضای معنوی، باعث می شود که مسجدها مناسب ترین مکان برای تربیت دینی باشند. حضور فعال نخبگان فرهنگی و عالمان دینی در مسجد و مدیریت منطقی و کارآمدی آنها، می تواند نقش مساجد را در تربیت دینی جامعه برجسته و شکوفا کند؛ از این نظر، برخی از ویژگی های تربیت دینی که نخبگان دینی و متولیان تربیتی در مساجد باید از آنها آگاه باشند، عبارت اند از:

۱. **تأکید بر انگیزه های دینی:** نخستین گام در راه تربیت دینی، تلاش در جهت ایجاد انگیزه های درونی در فرد برای گرایش پیدا کردن به دین و دینداری است. برای پیشگیری از آسیب ها و اختلالات دینداری در جوانان، الگوی تربیت دینی باید در بطن خود با روان شناسی و روان درمانی، البته با رویکرد عرفانی، عجین شود.

۱. جعفری نژاد، نقش مسجد، در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش ۸۶.

۲. تأکید بر ابعاد اخلاقی تربیت دینی: تربیت دینی اصیل و اصولی، بدون ملاحظه جنبه‌های اخلاقی آن معیوب، عبث و حتی در بسیاری از موارد موجب گمراهی و سردرگمی جوانان جامعه می‌شود.
۳. نقش عشق و محبت در تربیت دینی: آنچه امروز در رویکرد حاکم بر تربیت دینی مشاهده می‌شود، تلاش برای انطباق دین، علم و عقلانیت بشری در برنامه‌های مربوط به حوزه دین است که همین نیز این نگرانی را همراه دارد که بسیاری از ابعاد و ارکان اساسی دین، از جمله بُعد زیباشناسی و عاطفی (عشق و محبت دینی)، به نفع تبیین‌ها و توجیه‌های عقلانی-منطقی، قربانی گردند.
۴. تکیه بر تجربه‌های فردی در قلمرو تربیت دینی: امروز بالای بزرگی دامن‌گیر تربیت دینی شده است و آن، توجه بیشتر به آموزش‌های نظری دینداری است؛ اما تجربه فردی و احساس قلبی، مهم‌تر از آموزش نظری است و باید تقویت شود.
۵. نقش معرفتی عبادت: برداشت معرفتی از عبادت، حکایت از آن دارد که در تربیت دینی نباید به عبادت، فقط از دریچه تکلیف و دستور نگریست. وظیفه نخبگان دینی در مؤسسه‌های دینی و مساجد این است که متریان را از نقش معرفتی عبادت آگاه کنند.
۶. تساهل و تسامح در تربیت دینی: با روش تساهل و تسامح، تأثیر جدی‌تر و عمیق‌تری می‌توان بر دیگران گذاشت. بنابراین، مواجهه مداراجویانه و صلح‌طلبانه با مخاطبان، یکی از عمده‌ترین روش‌های تربیت دینی عرفانی است.
- تحقق ویژگی‌های گفته‌شده، نیازمند بسترسازی و برنامه‌ریزی آموزشی در مساجد است. این برنامه‌ها بر تری‌های تربیتی منحصر به فرد دارند. مزایای تربیتی برنامه‌ها و نشست‌های آموزشی مسجد، برای دانش‌آموزان به این شرح است:
 ۱. شرکت در آنها آزاد است و برای شرکت کردن اجباری در کار نیست. همه کودکان، نوجوانان و جوانان، بدون ملاحظه شغلی و تحصیلی و مالی والدین، بر اساس علاقه و رغبت در فعالیت‌های فوق‌برنامه شرکت می‌کنند و این خود، اصلی تربیتی است.
 ۲. چون در این نشست‌ها، افراد مختلفی با سنین متفاوت شرکت می‌کنند، اعتماد به نفس و احساس حمایت اجتماعی در جوانان بیشتر می‌شود.
 ۳. نمودهای متفاوتی از گردهمایی و چپش افراد در مساجد، برای آموزش فعال می‌توان ایجاد کرد؛ از جمله حلقه‌های درس، جلسه‌های مناظره و جلسه‌های پرسش و پاسخ.
 ۴. مسجد می‌تواند به اجرا و برگزاری برنامه‌های مکمل آموزشی بپردازد؛ از قبیل برگزاری جشن تکلیف،

اقامه نمازهای جماعت، برگزاری اردو و بازدید، برگزاری مسابقه‌های فرهنگی-هنری، مانند خطاطی، طراحی، نقاشی، هنرهای دستی و....

در ادامه، چند راهکار عملی را برای بهبود عملکرد مسجد و جذب بیشتر کودکان، نوجوانان و جوانان بیان می‌کنیم:

۱. زیباسازی و تقویت مساجد از نظر امکانات ظاهری، مانند رسیدگی به ساختمان مسجد، نظافت و بهبود امکانات گرمایشی و سرمایشی؛
۲. دقت در انتخاب امام جماعت و خادم مناسب برای مسجد؛
۳. تلاش امام جماعت برای رعایت حال نمازگزاران، مانند تنظیم وقت مناسب برای به جا آوردن نمازها با در نظر گرفتن موقعیت افرادی که برای نماز می‌آیند؛
۴. تشکیل و تقویت کتابخانه مناسب مسجد و برگزاری مسابقه‌های کتاب‌خوانی، قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب؛
۵. بیان آثار معنوی رفتارهای دینی، مانند بیان این مطلب که رفتارهای دینی، موجب دوری انسان از فساد و فحشاست و موجب سلامتی جسمی و روانی انسان‌هاست؛
۶. تشویق و تحسین کودکان و نوجوانان با اعطای جوایز متنوع؛
۷. تشکیل کمیته‌های مختلف، مانند کمیته نماز، تواشیح، سرود، دکلمه، نمایش نامه و کمیته پژوهش؛
۸. فراخوان مقاله با موضوع‌های متنوع، مانند خاطره‌های نماز، باورهای مذهبی و موفقیت‌ها، نماز و پرورش اخلاق نیکو، گفت‌وگو با خالق یکتا و بهداشت در دین؛
۹. تشکیل ستاد رفع مشکلات جوانان و معتمدان محل از اهل مسجد، برای سامان‌دهی معیشت جوانان، کاریابی، آسان‌سازی ازدواج و غیره؛
۱۰. ایجاد ارتباط عاطفی بین مدرسه و مسجد: اگر مربیان مدارس در کنار دانش‌آموزان در نماز جماعت مساجد حضور یابند و از سوی دیگر، متصدیان امور مساجد رابطه خود را با مدرسه تقویت کنند، فضای مناسبی برای حضور جوانان در مساجد ایجاد خواهد شد.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت دوره جوانی در رشد ارزش‌ها و برهان‌پردازی‌های ارزش‌بنیاد مراکز مذهبی، به خصوص مساجد، نقش ارزنده‌ای در زمینه تعلیم و تربیت دینی جوانان در دنیای اسلام دارند. در این میان،

۱. جعفری نژاد، نقش مسجد در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش ۸۶.

نقش مساجد را نمی‌توان در تربیت دینی جوانان ایرانی نادیده گرفت؛ اما درک نقش مسجد در تربیت دینی، مستلزم شناخت متولیان از اصول و ویژگی‌های تربیت دینی است و فقط با تکیه بر کارکردهای عبادی مسجد، نمی‌توان به تربیت دینی جوانان نایل شد. در امر تربیت دینی جوانان مساجد باید متولی برپایی اجتماع‌های سیاسی، توسعه فرهنگ دینی، ایجاد برنامه‌های آموزشی و کانون گفت‌وگوهای ارزشی و انقلابی باشند. مسجد می‌تواند مکان مشاوره و رسیدگی به گرفتاری‌های روحی، اجتماعی و فکری نوجوانان و جوانان و پایگاه اخلاق باشد. ضمن اینکه از ظریف‌ترین نکات اخلاقی و تربیتی، یعنی تربیت عملی و الگویی، نباید غافل شد. مزیت‌های تربیتی مساجد و راهکارهای تربیتی در این نوشتار ارائه شد؛ اما ذکر این نکته خالی از لطف نیست که درک صبورانه روحیه جوانان به لحاظ عاطفی، ما را با آنها پیوند می‌دهد و امری است که در تربیت دینی آنان، به مربیان کمک شایانی خواهد کرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲. شیخ حرّعاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، قم، جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، دفترانتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ترجمه مترجمان، تحقیق، رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ.ش.
۴. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، شریعت درآینه معرفت، قم، مؤسسه فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۶. حمیدی، منصورعلی، شناخت دانش پژوهانه بالندگی در خردسالی و نوجوانی و بزرگسالی، تهران، سوگند، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۷. پورعلی فرد، محمد مهدی، نکته‌هایی درباره روش تربیت دینی نسل جوان و نوجوان، انتشارات شاکر، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۸. شریفی، طّیبه و همکاران، رابطه نگرش دینی با افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز، مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۹. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۰. کار، رویکردهای تربیت دینی، نظریه‌ها و فلسفه تربیت، نیویورک، ۱۹۹۸.
۱۱. موسوی خمینی رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَیْهِ، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَیْهِ، ۱۳۵۷ هـ.ش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۱۳. جعفری نژاد، نقش مسجد، در تربیت دینی نسل جوان، ماهنامه مسجد، ش ۸۶، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۱۴. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دارالصادر.

عوامل و موانع جذب مردم، به ویژه نوجوان و جوانان به مساجد

فاطمه تویسرکانی راوری

چکیده

نوشتار حاضر با ارائه گزارشی درباره پژوهش‌های میدانی انجام شده در مورد موضوع تحقیق، در داخل و خارج کشور، موانع جذب نوجوان و جوانان به مسجد را به موانع فردی، خانوادگی، اجتماعی و امور مربوط به مساجد، دسته‌بندی و در مورد هر یک توضیحاتی را مطرح کرده است. نگارنده در پایان، در مورد چگونگی هدایت نوجوانان و جوانان به سوی مسجد، برنامه‌ریزی در مساجد، تکریم نوجوانان و جوانان، مسئولیت‌سپاری و تشویق آنها مباحثی مطرح نموده و پیشنهادهایی را بیان کرده است.

واژگان کلیدی:

مسجد، نوجوانان و جوانان، موانع و راهکارهای جذب، امام جماعت، هیئت امناء، خادمان مسجد، تکریم، مسئولیت‌سپاری، تشویق.

مقدمه

از صدر اسلام تا امروز مساجد، جایگاه بسیار مهم برای نشر اندیشه‌های ناب اسلامی و تقویت و توسعه آیین پاک محمدی بوده‌اند. از ابتدای شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ هـ.ش تا زمان پیروزی انقلاب، مساجد تأثیری فراوان در جذب جوانان برای پیوستن به انقلاب داشته و در حقیقت، انقلاب اسلامی از مساجد آغاز و به جامعه کشیده شده است. در دوران جنگ تحمیلی نیز مساجد، پایگاه مهم بسیج مردم و اعزام آنان به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل برای دفاع از انقلاب، اسلام و ایران بودند؛ اما امروز مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که حضور در مساجد در قیاس با دوران انقلاب و سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، کاهش یافته است. در حالی که تعداد مساجد و حتی امکانات موجود در آنها افزایشی چشم‌گیر داشته است. حال این سؤال پیش می‌آید که چرا مساجد خلوت شده است؟ چرا مردم، به خصوص نوجوانان و جوانان از سخنرانی‌ها و کتابخانه‌های مساجد و مراسم دعای آن استقبال پرشوری ندارند؟

البته نباید ترفندهای دشمن و برنامه‌ریزی آنها برای اختلاف بین مساجد و مردم و به‌ویژه نسل جوانان را از نظر دور داشت؛ چرا که آنها به روشنی دریافته‌اند که مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های انقلاب و عاملی مهم در تقویت اندیشه‌های دینی و اسلامی است. از همین مساجد، جوانان سلحشور مؤمن و مسلمان به پا می‌خیزند و بر ضدّ زیاده‌طلبی‌ها و زورگویی‌های ظالمان و مستکبران قیام می‌کنند و حفظ انقلاب اسلامی به زنده بودن و شور و نشاط مساجد بستگی دارد؛ اما این نکته مهم نباید فراموش شود که ما نیز نتوانسته‌ایم برنامه‌های اساسی مبتنی بر روش‌های علمی و هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای نسل نوجوان طراح و یا شرایط تحقق آنها را فراهم کنیم. در این مقاله سعی شده است ضمن مروری بر تحقیقات انجام شده در این خصوص، عوامل و موانع جذب مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان به مساجد را مطرح و پیشنهادهایی برای جذب آنان ارائه گردد.

مروری کوتاه بر تحقیقات انجام شده

سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۴ در مطالعه‌ای نظری، به بررسی علل کاهش حضور مردم در مساجد پرداخته است. مبنای نظری این مطالعه، دیدگاه کارکردگرایی است. در این تحقیق - که فاقد هرگونه بررسی تجربی است - از تغییر نیازهای مردم و نداشتن تناسب کارکردهای مسجد با نیازهای فعلی مردم به عنوان علل خلوت بودن مساجد در حال حاضر یاد شده است. همچنین، این سازمان در تحقیقی که در سال ۱۳۷۶ در تهران انجام داده است، به بررسی مسئله حضور جوانان در مسجد، وضع مساجد موجود از دیدگاه

جوانان و نگرش جوانان درباره مسجد پرداخته است. این تحقیق که از نوع تحقیقات توصیفی بوده و به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش نامه بر روی یک نمونه ۶۵۰ نفری، شامل جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله صورت گرفته است. طبق یافته‌های این تحقیق، با افزایش سن و میزان تحصیلات از میزان حضور در مساجد کاسته شده است. در مجموع، میزان رفتن والدین به مسجد بر میزان حضور جوانان تأثیری مثبت دارد و مردان، بیش از زنان در مساجد حضور می‌یابند (۶۶/۶ درصد، برابر ۶۱ درصد). در مجموع، بیش از چهل درصد پاسخ‌گویان به مسجد، نگرشی منفی دارند و به موازات افزایش سطح تحصیلات این نگرش منفی نیز افزایش می‌یابد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی در یک نظرسنجی با عنوان «مسجد پایگاه تحقیق و نوسازی معنوی» (۱۳۷۶) به سنجش نگرش جوانان تهرانی درباره مسجد، حضور در مسجد و نارسایی‌های مسجد پرداخته است. این تحقیق که از نوع توصیفی بوده، به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش نامه بر روی ۶۵۰ نفر جوان تهرانی که به عنوان افراد نمونه انتخاب شده بودند، صورت گرفته است، نتایج این تحقیق حاکی از این است که حدود بیست درصد آنها به ندرت به مسجد می‌روند و سی درصد هیچ‌گاه به مسجد نمی‌روند. همچنین، این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات میزان حضور افراد در مسجد کاهش یافته است. دختران هم کمتر از پسران به مسجد می‌روند. ایوان یازبک و آدبر ثلومیس در سال ۱۹۸۳ میلادی، مطالعه‌ای درباره مساجد در آمریکا انجام داده‌اند. در این تحقیق که گزارش آن در قالب کتابی با عنوان «گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متحده آمریکا» (۱۳۷۱) منتشر شده است، محققان مذکور، فعالیت‌های پنج مسجد از سه ناحیه آمریکا شامل نیویورک، میدوست و سواحل شرقی را مطالعه کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سن و میزان مشارکت در فعالیت‌های مسجد رابطه‌ای معنادار دیده می‌شود. بدین ترتیب که جوانان، بیشتر از افراد مسن به مسجد می‌روند و همچنین، افراد متأهل بیشتر از مجردین در مسجد حضور می‌یابند.^۱

آقای عباس کردستانی در تحقیقی که با عنوان «عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان»، در سال ۱۳۸۲، بر روی یک نمونه نهصد نفری از جوانان شانزده تا ۲۵ سال در ده سال شهر این استان انجام داده، به نتایج جالب توجهی رسیده است.

نتایج توصیفی حاصل از این پژوهش و نهصد پرسش نامه معتبر تکمیل شده، نشان می‌دهد که میانگین سنی جمعیت نمونه ۱۹/۵ سال و میانگین میزان تحصیلات ۱۱/۶ سال است. از کل جمعیت نمونه (نهصد نفر) ۱۷/۲ درصد فاقد ارتباط با مسجد هستند. ۶۹ درصد دارای ارتباط پایین (۳۶۵ بار تا ۷۳۰ بار در سال) و

۱. کردستانی، عباس، عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، ص ۱۳۷-۱۳۸.

فقط ۳/۸ درصد در حدّ بالا (۷۳۱ بار تا ۱۰۹۵ بار در سال) ارتباط داشته‌اند. میانگین میزان حضور سالانه افراد در مسجد ۲۱۷/۶ بار است که با متوسط میزان مورد انتظار، یعنی ۷۳۰ بار در سال، فاصله‌ی فراوانی دارد و بیانگر پایین بودن میزان ارتباط جوانان جمعیت نمونه با مسجد است.

این پژوهشگر در جمع‌بندی خلاصه یافته‌های تحقیق چنین نتیجه می‌گیرد که طبق نتیجه به دست آمده، هرچه افراد نگرش موافق‌تری درباره استفاده‌ی از مسجد داشته باشند، میزان ارتباط‌شان با مسجد بیشتر خواهد بود و گرایش دینی عرفی نیز از طریق همین متغیر و به صورت غیرمستقیم بر میزان ارتباط با مسجد تأثیری مثبت دارد؛ اما در عوض، هرچه دین‌داری فرد جدیدتر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد پایین‌تر خواهد بود. البته عکس این نتیجه صادق نیست؛ یعنی دین‌داری سنتی، فاقد تأثیر معنادار بر میزان ارتباط با مسجد است. میزان ارتباط با نهادهایی که ما از آنها به نام نهادهای رقیب مسجد یاد می‌کنیم، تأثیری مثبت بر میزان ارتباط فرد با مسجد دارد و در واقع، نوعی رابطه خطی میان این دو برقرار است؛ یعنی نهادهایی همچون حسینیه، نمازخانه، مهدیه و امثال آن به علت آنکه کارکردهایی مشابه مسجد دارند، در جامعه‌پذیری دینی افراد، به‌ویژه جوانان تأثیری انکارناپذیر و ماندگار دارند و همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هرچه افراد با این نهادهای بیشتر ارتباط داشته باشند، میزان حضورشان در مسجد نیز بالاتر خواهد بود. فقدان نهادهای مشابه مسجد، فقط موجب حاضر نشدن افراد در مراسم مذهبی می‌شود؛ اما چنین نیست که اگر فردی به نهادهای مشابه مسجد نمی‌رود، به‌طور حتم به مسجد خواهد رفت. سطح تحصیلات از طریق متغیر نوع دین‌داری - دین‌داری مدرن - بر متغیر وابسته تأثیرگذار است. به این ترتیب که هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد، دین‌داری وی مدرن‌تر خواهد بود و هرچه دین‌داری فرد مدرن‌تر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد محدودتر خواهد بود.

این پژوهشگر همچنین در مقایسه نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین می‌گوید: نتیجه به دست آمده در خصوص تأثیر منفی سطح تحصیلات بر میزان ارتباط با مسجد با نتیجه به دست آمده در تحقیق سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۶) هم‌خوانی دارد. طبق تحقیق مذکور، با افزایش سطح تحصیلات، میزان حضور افراد در مسجد رو به کاهش می‌گذارد؛ چون سطح نیازهای آنان بالا می‌رود و مسجد نیازهای آنان را برآورده نمی‌سازد.

نتایج این پژوهش مبین آن است که جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد باید تغییر پیدا کند تا جوانان رغبت و انگیزه بیشتری برای حضور در این پایگاه‌های معنوی پیدا کنند.

این پژوهشگر معتقد است که تأثیر منفی دین‌داری مدرن بر میزان ارتباط با مسجد، صرف‌نظر از ماهیت

فردگرایانه این نوع از دین‌داری از یک سو و محدود بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد از سوی دیگر مؤید این واقعیت است که جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد، در حال حاضر چندان جوان‌پسند و مدرن نیست و قرائت سنتی و برداشت‌های انحصارگرایانه از دین، سلطه‌ای بارز بر مساجد دارند. معنادار نبودن تأثیر دین‌داری سنتی بر حضور جوانان در مسجد، علت روشن و قاطع برای این برداشت است. البته راه برون‌رفت از این بن‌بست چنان که بسیاری تاکنون پیشنهاد کرده‌اند، تبدیل مساجد به مکان‌هایی برای تحقق فعالیت‌های عرفی جوان‌پسند از قبیل ورزش، رایانه، فیلم و... نیست، بلکه جوانان اگر خواهان بهره‌مندی از چنین خدماتی باشند، به سهولت می‌توانند نیاز خود را در بیرون از مسجد تأمین نمایند. به نظر می‌آید که جاذبه‌های مساجد برای جوانان نه از سنخ جاذبه‌های عرفی، بلکه از نوع جاذبه‌های معنوی هستند که قادرند خلأهای معنوی موجود در زندگی دنیای مدرن را به سادگی پر کنند.

البته، اگر جوان این گونه جاذبه‌ها را در مسجد پیدا کند، دیگر به سوی مکان‌های نامطمئن نمی‌رود و از همین طریق به مسجد علاقه‌مند می‌شود.^۱

در پژوهش دیگری که در زمینه برخی عوامل جذب جوانان به مسجد و با نظرخواهی از جوانان صورت گرفته، نتایج شایان توجهی به دست آمده است. در این تحقیق عوامل مورد نظر عبارت بودند از: امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد، کتابخانه مسجد، طولانی نشدن نماز جماعت، هیئت امناء و کانون فرهنگی مستقر در مسجد.

نتایج به دست آمده از بین ۴۳۸ نفر از جوانان مذهبی استان کرمان، پس از تجزیه و تحلیل آماری، نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق جوانان، وضع ظاهری مسجد (نظافت، ساختمان و امکانات مورد نیاز) را مهم‌ترین عامل جذب خود به مسجد می‌دانند. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی و هیئت امناء به ترتیب در درجه بعدی از اهمیت قرار دارند. درجه‌بندی عوامل مزبور از این قرار است:

۱. وضع ظاهری مسجد ۸۱/۱ درصد؛
۲. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ۷۲/۲ درصد؛
۳. امام جماعت مسجد، ۶۹/۸ درصد؛
۴. کتابخانه مسجد، ۵۵/۶ درصد؛
۵. فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد، ۵۴ درصد؛

۱. کردستانی، عباس، عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، ص ۱۳۳-۱۷۰.

۶. هیئت امنای مسجد، ۳۶/۶ درصد.

موانع و راهکارهای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد

با بیان پیشینه برخی تحقیقات انجام شده می‌توان مهم‌ترین موانع جذب نوجوانان و جوانان به مساجد را به شرح زیر دسته‌بندی کرد و در هر زمینه به راهکارهای مناسب توجه کرد:

الف) موانع فردی؛

ب) موانع خانوادگی؛

ج) موانع اجتماعی، شامل جامعه و محیط‌های آموزشی؛

د) موانع مربوط به مساجد.

الف) فردی

افزایش ناموزون جمعیت در دو دهه اخیر مشکلات فراوانی برای جامعه به وجود آورده است. امروز کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیا، شرایط خاصی دارد. از یک سو، جمعیت جوانان این کشور می‌توانند به عنوان نسلی بالنده، نقشی مهم در رشد و توسعه کشور ایفا کنند و از سوی دیگر ناتوانی در تأمین شرایط مناسب می‌تواند خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری بر پیکره کشور وارد کند.

هرچند تاکنون در عرصه‌های گوناگون موفقیت‌های چشمگیر و ارزشمندی داشته‌ایم، اما باید این واقعیت را بپذیریم که غفلت از نسل جوان هم آسیب‌های فراوانی در ابعاد گوناگون پدید آورده است. اینکه بخش چشم‌گیری از تحصیل‌کردگان جوان ما در مقاطع گوناگون تحصیلی بیکار هستند یا نمی‌توانند ازدواج کنند و زندگی مناسبی داشته باشند و... تا حدی موجب سرخوردگی طبقاتی از نسل جوان شده است؛ همین امر سبب شده است که او در مواردی احساس پوچی کند و خود را فردی شکست خورده به حساب آورد و دچار یأس و ناامیدی شود.

جوانان، هرچه را که به صورت بالقوه دارا هستند، تمایل درونی دارند به صورت بالفعل، همان بشوند و استعدادهای درونی خود را شکوفا نمایند که پیامد آن، احساس رشد، بلوغ و سلامت روان خواهد بود. هرچند که ممکن است در این مرحله توفیق چندانی در خودشکوفایی نداشته باشند، اما نیاز این را در خود احساس می‌کنند که از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود بهره‌برداری کامل نمایند و به کمال برسند و هر کاری را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

نوجوان یا جوان که سر تسلیم در برابر هیچ کس فرود نمی‌آورد و بر ضد همه قدرت‌ها عصیان می‌کند، در

درون متوجّه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است. عظمت، قدرت و بقا و دوام خود را در مذهب می‌بیند، فلسفه زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و آن را برای زندگی خویش می‌یابد. نوجوان می‌خواهد مذهب و مفاهیم مذهبی را خودش با نیروی عقل خود بررسی کند و حقایق را دریابد. بنابراین، بسیاری از شک‌های مذهبی نیز در همین مرحله برای او توصیه می‌شود که با یافتن پاسخ‌های مناسب راه تکامل خود را نیز می‌پیماید.

جوانانی که در زندگی، هدف‌های مشخصی ندارند یا هدف‌های بسیار کوچکی را دنبال می‌کنند، اغلب در تزلزل و ناامنی به سر می‌برند؛ زندگی آنها فاقد ارزش است و به طور دائم در حال افسردگی، یأس و ناامیدی هستند و احساس تنهایی و پوچی و بیچارگی به آنها دست می‌دهد.^۱

این مشکلات و کمبودها از یک سو، سبب اثرپذیری نسل جوان از تبلیغات سوء دشمنان می‌شود و بین آنها، انقلاب و روحانیت فاصله می‌اندازد. به طور طبیعی، این گروه، از مساجد به عنوان پایگاه انقلاب و روحانیت فاصله گرفته‌اند.

از سوی دیگر، هم با توجّه به نبود شناخت کافی از اسلام و احکام دین و وجود زمینه مناسب در گروهی از افراد جامعه و انقلاب اسلامی، موجب برداشت غلط آنان از دین شده و به انحراف کشیده شده‌اند. وقتی نوجوان یا جوان در محیط‌های گوناگون اجتماع در مقابل شبهات و القائات فکری مکاتب و فلسفه‌ها و افراد گوناگون قرار بگیرد و جواب منطقی و مستدل نیز نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر خود را بیگانه با مذهب معرفی می‌کند و با این روش بر احساس حقارت خود به سبب این ناتوانی‌ها در مقابل دیگران سرپوش می‌گذارد و اندک‌اندک به نفی نمودن مذهب کشیده می‌شود.^۲

ب) موانع خانوادگی

به اعتقاد بسیاری از بزرگان تعلیم و تربیت، «خانواده» نخستین مدرسه‌ای است که انسان در آن درس می‌آموزد و به عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش و از اساسی‌ترین عوامل در تشکیل شخصیت کودک است.^۳

دکتر غلامعلی افروز چنین عقیده دارد: «غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و نخستین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است؛ زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین

۱. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۹۰.

۳. نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، ص ۵۲.

می‌باید و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند در برابر پدیده‌های گوناگون از خانه سرچشمه می‌گیرد»^۱.

اگر والدین در قالب الگوهای کودک و نوجوان، نگرش مطلوب و مثبتی به مساجد داشته باشند و آموزش دینی فرزندان خود را در قالب وظیفه‌ای اساسی تلقی کنند، به طور قطع، این گونه برخورد تأثیر بسیاری در رفتار کودک و نوجوان خواهد داشت. پدر و مادری که به مسجد می‌روند و فرزندان خویش را از همان دوران کودکی در مجالس و محافل مذهبی همراهی می‌کنند، سبب تقویت احساس پرورش مذهبی در آینده‌سازان جامعه می‌شوند. این کار به صورت عادت مطلوب و پسندیده در می‌آید. در صورت تحقق سایر شرایط، می‌توان امیدوار بود که فرزندان چنین خانواده‌هایی در آینده افرادی شایسته، با روحیه مذهبی قوی و علاقه‌مند به دین بار بیایند.

استاد شهید مرتضی مطهری، در باره نقش مساجد و مجالس مذهبی در تشویق عبادی کودکان می‌گوید: «بچه را باید در محیط نماز خواندن برد. اگر در جمع نباشد، نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون در اصل حضور در جمع، مشوق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند؛ کودک که بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم‌رفتن ما به مساجد و مجالس دینی و اینکه کودکان کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند؛ ولی این برای شما (والدین) وظیفه است... باید ما با بچه‌های خودمان برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا بچه‌ها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت ساله شده‌اند به دبستان و بعد به دبیرستان بعد به دانشگاه رفته‌اند، ولی به هیچ وجه پایشان به مساجد نرسیده است، به مسجد بروند... خوب، اینها به اجبار از مسجدها فراری می‌شوند»^۲. بنابراین، باید این نکته مدنظر باشد که «وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کرد، به تدریج با آن خو می‌گیرد و حالتی در نفس به وجود می‌آید که در اصطلاح عادت نامیده می‌شود»^۳.

علاوه بر مطالب پیش، نوع برخوردی که خانواده با دین و ایمان به خدا دارند، در نگرش فرزندان مؤثر است. بسیاری از دانشمندان نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند، ایمان یکی از ارزش‌های مهم نفسانی است که پرورش آن باید جزو برنامه مربیان قرار گیرد.

۱. افروز، غلامعلی، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ص ۱۲.

۲. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، ص ۹۹-۱۰۰.

۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۸۸.

لاک می‌گوید: «کودک از دوران طفولیت باید تصوّرات دقیق و صحیحی از خداوند که نسبت به ما مهربان است و کلیه نیازهای ما را فراهم می‌سازد و در عین نیکی و لطف می‌باشد، داشته باشد. هرگز نباید از خدا و موجودات ناشناخته بترسد. کودک به علّت اینکه خدا نسبت به او مهربان است، خدا را دوست خواهد داشت و به زودی یاد خواهد گرفت که دست نیاز به سوی او دراز کند؛ بنابراین، پرورش ایمان و استفاده از آن را باید یکی از شیوه‌های مهمّ تربیتی محسوب نمود که اولیا و مربّیان می‌توانند از آن بهره بگیرند».^۱

همچنین، بر خروردهای نامناسب و تعصّب‌آمیز والدین که بر اساس انس و الفت و دوستی و محبّت و همچنین، استدلال منطقی نباشد و نتواند بر اطلاع و آگاهی نوجوانان و جوانان تشنه حقیقت بیفزاید، آنها را در ورطه گمراهی می‌افکند و به بیراهه‌ای می‌کشاند که نهایت آن ضلالت و گمراهی است.

ج. موانع اجتماعی

۱. جامعه

آنچه موانع مشترک جذب جوانان به مساجد، در مدرسه و اجتماع است که در خور توجّه و جای تأمل و تعمّق و بازنگری است، وجود دوگانگی و تناقض در گفتار و عمل است که در جامعه شاهد اعمال و رفتاری است که مغایر تعلیم اخلاقی و دینی است. از جمله عواملی که بر روی نوجوانان و جوانان تأثیری منفی دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ۱) دوستان ناباب و معاشران ناصالح؛

۱- ۲) آلوده بودن جوّ عمومی حاکم بر جامعه و محیط ناامن فکری و فرهنگی برای جوانان؛

۱- ۳) کم‌رنگ شدن تدریجی معنویت در جامعه.

۲. مدارس و محیط‌های آموزشی

کودکان و نوجوانان بخش چشم‌گیری از عمر خود را در مدارس و محیط‌های آموزشی سپری می‌کنند. مدرسه، دوّمین محیط تربیتی است که تأثیر بسیاری در آموزش، رشد و شخصیت کودک دارد. اگر عوامل تربیتی در مدرسه، به شایستگی وظایف خود را انجام دهند، می‌توان به سعادت و پیشرفت جامعه در آینده امیدوار بود. از جمله کارکردهای مدرسه، تربیت مذهبی دانش‌آموزان است. برگزاری کلاس‌های دینی و فرهنگ اسلامی در طول دوران تحصیل، برگزاری نماز جماعت و آموزش‌های دینی در مدارس اگر به

۱. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۷.

نحوی صحیح انجام شود، از جمله تلاش‌های ارزشمندی خواهد بود که می‌توان به اثرگذاری تربیتی آن امیدوار بود. برخلاف تأثیرات مثبتی که این اقدامات بر تقویت روحیه دینی برخی کودکان و نوجوانان داشته است، باز هم با دشواری‌های فراوانی مواجه هستیم. به تعبیر دیگر، مدارس نتوانسته‌اند به شایستگی از عهده این رسالت عظیم برآیند. گاهی اوقات در مدارس و دبیرستان‌ها که تعلیمات دینی و بینش مذهبی و قرآن را آموزش می‌دهند، به سبب تفهیم ناصحیح مطالب یا بی‌صلاحیتی معلم و یا ناتوانی در پاسخ دادن به سؤالات دانش‌آموزان، بدبینی به مذهب در آنها تقویت می‌شود و نوجوان احساس می‌کند که درس دینی را خوانده و خوب فهمیده، اما چیزی نداشته است که او را جلب و جذب نماید و به درد زندگی او بخورد، و در اصل، دین و مذهب آرام‌بخش درون نیست و روح و فکر را به تعالی نمی‌رساند و پیاده کردن آن عملی نیست و اگر هم عملی باشد داروی مخدر است و انسان‌ها را تخدیر می‌کند و از حرکت و رفتن و جریان داشتن باز می‌دارد و به سکون و رکود و پوسیدن و بلکه به عقب برمی‌گرداند. به این دلیل است که او از چنین مذهبی رویگردان است و بر ضد آن طغیان می‌کند و رسالت ریشه‌کن کردن مذهب را نیز به دوش می‌گیرد و از مسجد در قالب پایگاه دین دوری می‌کند.^۱

اگر مدارس ما در تفهیم دین و تربیت دینی، توفیق لازم را به دست آورده بودند، این تأثیر را در سطح اجتماع هم شاهد بودیم و حضور دانش‌آموزان و جوانان در مساجد در سطح گسترده می‌توانست گویای آن باشد؛ ولی متأسفانه واقع امر غیر از این است. ارتباط مساجد و مدارس بسیار کم‌رنگ است. اگر پیوند عمیق بین این دو نهاد آموزشی و تربیتی برقرار بود، امروز شاهد اوضاع بهتری بود.

د) عوامل مربوط به مساجد

۱. امام جماعت

امام جماعت در هر مسجد عامل مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه شرایط داشته لازم باشد، تأثیری بسزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت عبارت‌اند از:^۲

- ثابت بودن؛
- ابتکار و خلاقیت؛
- توانایی جسمی؛

۱. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۹۱.

۲. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، ص ۲۳۱-۲۳۳.

- توانایی علمی و دارا بودن دانش لازم؛
- دوستی با جوانان و نوجوانان؛
- نظم؛
- احترام و تواضع؛
- درک موقعیت سنی جوانان؛
- بیان ساده و شیوا؛
- آراستگی ظاهری؛
- (توان) تهیه امکانات مالی.

هر چند همه این ویژگی‌ها، مهم و در جذب جوانان به مسجد مؤثرند، ولی چند مورد از آن به لحاظ اهمیت بیشتر توضیح داده می‌شود:

توانایی علمی

طرز طرح مسائل مذهبی به نوجوانان و جوانان بسیار اهمیت دارد. امام جماعت ضمن احاطه علمی، باید بداند چه مسائلی را در این دوره باید برای نوجوانان و جوانان بیان کند تا از دین زده نشوند و در عین حال، باید آن مسائل را با زندگی تطبیق داد. این موضوعات باید چنان دقیق عرضه شود که آنها احساس کنند امور مذهبی در خور پیاده شدن در زندگی روزمره است و حتی می‌توانند گاهی نیازهای روانی خود را نیز با کمک این امور برطرف نمایند. فقط موعظه کردن کافی نیست، بلکه باید مسائل دینی را با تجربه، علم و عمل توأم کرد.

دوستی با جوانان و نوجوانان

جوان به دوستی نیاز دارد که او را با همه افکار و تمایلات درونی و شور و عشق و حرکت درک کند و پاسخ‌گوی مجهولات و حلال مشکلات و محرم اسرار و مشاور و راهنمایش باشد. جوان به یک چنین فرد دلسوز و مهربانی نیاز دارد. وجود یک چنین یار مهربان و خیرخواه در تکمیل شخصیت و زندگی آینده او تأثیر شایانی خواهد ساخت و در مسائل مذهبی، امام جماعت می‌تواند بهترین دوست و تکیه‌گاه برای آنان باشد. از جمله معضلات جوانان متدین آن است که دغدغه‌های فراوان معنوی دارند و اگر راهنمایی نشوند، دچار افراط و تفریط و گاهی به انحراف کشیده می‌شوند. اگر مبلغان زمانی را برای این امر اختصاص داده و اعلان کنند که افراد می‌توانند به طور مثال، یک ساعت مانده به غروب آفتاب، هر روز برای مشاوره معنوی،

عبادی به صورت فردی یا گروهی بنا بر میل خود به آنها مراجعه کنند، این موضوع می تواند ضمن برقراری انس بیشتر با روحانی، زمینه اصلاح حرکتهای خداجویانه مردم باشد.

برای دستیابی به نتایج مثبت، مبلغ باید ابتدا گوش شنوا داشته و سنگ صبور باشد و بعد از شنیدن کامل سخنان و شناخت دقیق مشکل، به راهنمایی مردم با توجه به دستورات دینی بپردازد. در مواردی که مبلغ در راهنمایی خود با مشکل مواجه شد، باید به مراجعه کننده بگوید من درباره سؤال شما باید مطالعه کنم و سپس پاسخ شما را بگویم.^۱

درک موقعیت سنی جوانان

در این زمینه امام جماعت باید با توجه به تمایزات فردی افراد، برنامه های متناسب با سن آنان داشته باشد و جلساتی در هر هفته یک بار ترتیب دهد تا با دعوت از افراد آگاه و صاحب نظر، به سؤالات دینی، مذهبی و اجتماعی نوجوانان در مسجد، پاسخ مناسب داده شود.

از احادیث چنین استفاده می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه فقط با کودکان، بلکه با عموم مردم به مقدار عقل و درکشان صحبت می کرد و به هنگام معاشرت و سخن گفتن، خودش را در حد مستمع تنزل می داد و بدین صورت، دلشان را به دست می آورد. همین نکته را می توان از عوامل نفوذ در دیگران محسوب نمود^۲ که امام جماعت باید به آن توجه داشته باشد. در کنار همه اینها، نقش الگویی امام جماعت را نیز نباید از نظر دور داشت. در مباحث اخلاقی و روان شناسی، بر تأثیر الگوها تأکید شده است. همان طور که الگوهای ناآگاه، ناتوان، منحرف، شخص را از وادی هدایت به قعر ضلالت می کشانند، الگوهای خودساخته و پاک و آگاه تأثیر مطلوبی بر روی نوجوانان و جوانان داشته و آنها را به سوی سعادت رهنمون می شوند. برای مثال، وقتی صفت عدالت و دوری از گناه و پاکی و تعهد، باید از شرایط امام جماعت باشد، روشن است که جامعه و جمع اقتداکننده را نیز در این مسیر، حرکت می دهد و ملاک های تقدّم در کارها و مسئولیت ها، آنها می شود.^۳

۲. هیئت امنای

هیئت امنای مسجد به صورت ارکان اصلی برنامه ریزی در مساجد، نقشی بسیار مؤثر در ایجاد زمینه مناسب برای جذب مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان دارند. اگر هیئت امنای سیاست های درست و اصولی

۱. نبوی، محمدحسن، فعالیت های فرهنگی مساجد، فصلنامه مبلغان، ص ۶ و ۷.

۲. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۰.

۳. قرائتی، محسن، راز نماز برای جوانان، ص ۱۰۲.

اتخاذ کنند و در مسیر صحیح پیش بروند، می‌توانند با هماهنگی سایر عوامل، مسجد را به پایگاه مستحکم اعتقادی و فرهنگی تبدیل کنند.

هیئت امنا و مسئولان و دست‌اندرکاران باید بدانند این مکان که پایگاه امید و توجه بندگان خداست؛ عنوان، سمت و ریاست نمی‌پذیرد. هر آنچه هست، خدمت‌گزاری است و بر این خدمت‌گزاری باید افتخار نمود. همه مردم را باید با دید محبت نگرست و با آغوش باز از ایشان استقبال کرد و مشکلات آنان را با نهایت دقت و قدرت و احساس محبت انجام داد. اگر این دیدگاه بر مساجد حاکم باشد، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد.

هیئت امنا باید با در نظر گرفتن همه جهات کار و دوراندیشی و برنامه‌ریزی، مساجد را به کانون‌های عبادت و بندگی و مراکز آموزش احکام الهی و معارف اسلامی و حرکت و جنبش در مسیر سعادت جامعه مبدل سازند.

خداوند در آیه ۳۴ سوره انفال می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ؛ کسانی حق سرپرستی مسجدالحرام را دارند که مؤحد و پرهیزگار باشند». این آیه شریف به موضوع بحث اشاره دارد؛ اگرچه این حکم درباره مسجدالحرام گفته شده است، ولی شامل همه کانون‌های دینی و مساجد و مراکز مذهبی می‌شود. «متولیان» و «متصدیان» آنان باید از پاک‌ترین و پرهیزکارترین و فعال‌ترین مردم باشند که این کانون‌ها را پاک و زنده و مرکز تعلیم و تربیت و بیداری و آگاهی قرار دهند. به عبارت دیگر، نباید افرادی ناآگاه، ناتوان و متعصب و آلوده متولی آن باشند که این مرکز را به مکان‌هایی تبدیل کنند که اندیشه‌ها را ساکت و راکد نگه دارد و موجب بیگانگی از حق و دوری نوجوانان و جوانان از اسلام گردد.

۳. خادمان مسجد

این نکته مهم را باید پذیرفت که همه عوامل و دست‌اندرکاران مساجد در جذب یا دفع جوانان مؤثرند. هر چند شاید در ظاهر به این موضوع توجهی نشود و به طور مثال، نقش خادمان مساجد نادیده گرفته شود. تجربه نشان داده است که خادمان مساجد به طور معمول، افراد میان‌سال و سالخورده‌ای هستند که برخی هم در خصوص مسئولیت خود، تعصبی خاص دارند. آنان برخلاف اینکه در اجرای پاره‌ای وظایف خود، به شایستگی عمل می‌کنند، در مواردی نیز به سبب ناآگاهی از مسائل تربیتی و تغییرات و شرایط روز جامعه، فضایی را پدید آورده‌اند که موجب دلزدگی نوجوانان و جوانان شده و آنان را از رفتن به مساجد باز می‌دارند. جالب است که حتی برخی از خادمان در مواردی، برخلاف نظر هیئت امنا و حتی امام جماعت مسجد

عمل می‌کنند. یک کار پژوهشی گسترده می‌تواند صحت یا سقم این موضوع را روشن کند. به عنوان نمونه، هیئت امنای یکی از مساجد تصمیم می‌گیرند پس از احداث ساختمان اصلی یکی از مساجد، ساختمان موقت قبلی را به محل ورزشی تبدیل کنند. روشن است که با استقرار چند میز تنیس و پاره‌ای امکانات دیگر، زمینه جذب شمار چشم‌گیری از نوجوانان و جوانان پدید می‌آید و به طور معمول، این افراد دو ساعت مانده به اذان در مسجد و پس از ورزش در مراسم نماز جماعت هم شرکت می‌کردند و در سایر فعالیت‌ها هم مشارکت بیشتری داشتند.

یکی از اعضای هیئت امنای می‌گوید: «یک روز اطلاع دادند که دیگر کسی اجازه بازی در مسجد ندارد و وقتی موضوع را بررسی کردیم؛ دیدیم خادم مسجد تمام وسایل ورزشی را جمع کرده و در گوشه‌ای روی هم گذاشته است و فقط جمله‌ای که در پاسخ هیئت امنای گفته این بوده است که من حوصله سر و کله زدن با بچه‌ها را ندارم!» بنابراین، باید در انتخاب و گزینش خادمان مساجد با دقت بیشتری عمل کرد.

«خادمان باید در سنینی باشند که از شور و نشاط لازم برخوردار باشند و روحیه برخورد با تمام طبقات اجتماع را بروز دهند؛ چرا که خستگی روحی و پیری خادم بر اعصاب و روان او تأثیر می‌گذارد. از این رو، شایستگی لازم برای اداره مساجد را ندارد و باعث گریز نوجوانان و جوانان از مسجد می‌شود».^۱

۴. یکی از موانع جذب افراد و به‌ویژه جوانان به مساجد، نامناسب بودن فضای فیزیکی و ظاهری مساجد و رعایت نکردن بهداشت و نظافت این مکان‌های مقدس است. انسان به طور طبیعی، به سوی پاکیزگی و زیبایی تمایل فراوان دارند. فضای زیبا و مناسب می‌تواند در جذب افراد مؤثر واقع شود. در اسلام بر ساخت مساجدی که بیانگر عظمت و شکوه اسلام باشند، تأکید شده است و بر ارتفاع و برافراشتگی مسجد اجازه داده یا توصیه شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ».^۲

همچنین، مسئله دیگری که به طور عملی در کلیه مساجد مراعات نشده است و وجه امتیازی در مقایسه با کلیسا و معابد ادیان دیگر است، روشنایی و دل‌بازی مسجد به طرف آسمان و طبیعت است. نور آفتاب و روشن بودن مکان، مؤید پاکیزگی است. به علاوه، طبق تشبیه مکرر قرآن که نور و ظلمت را معرف و هم‌طراز با هدایت و ضلالت می‌آورد و روشنایی تناسب و تأثیر ذهنی در جهت بینایی و هدایت‌خواهی دارد. به علاوه، قرآن خود را کتابی روشن آشکار و بی‌ابهام و کثری معرفی می‌نماید.

بهداشت و نظافت مساجد از جمله مواردی است که باید همواره مدنظر قرار گیرد. در قرآن، علاوه بر

۱. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، ص ۲۴۱.

۲. نور، آیه ۳۶.

شرایط اساسی و اصولی، به بعضی شرایط به اصطلاح فنی یا فرعی نیز اشاره شده است و مهم‌تر از همه، طهارت و پاکیزگی است. آیه ۱۲۵ سوره بقره در تأکید این مطلب می‌فرماید: «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».

مساجد ما متأسفانه مظهر خلاف آن است؛ بوی مستراح، هر عابری را که از کنار آن می‌گذرد، مشمئز می‌کند؛ بوی پا و جوراب و لباس کهنه که به استقبال واردشوندگان می‌آید، طردشان می‌نماید؛ بو و دود سیگار که بدتر از قهوه‌خانه‌ها فضای مسجد را پر می‌کند، مشکلاتی که برای وضو گرفتن و تطهیر وجود دارد و فرش‌هایی که به واسطه پشمی بودن و سنگینی، مواد چربی و کثافات را در خود نگاه می‌دارد و شست‌وشو و تعویض آن مشکل است. بنابراین، هر قدر ساختمان مسجد، برای نظافت و روشنائی (که عاملی برای دفع کثافات است) و تهویه دائم مساعد باشد، عمل صحیحی انجام شده است.

در اسلام بر مراعات بهداشت و پاکیزگی تأکید فراوان شده است. به‌طور طبیعی، نظافت و بهداشت مسجد از اهمیتی ویژه برخوردار است. احادیث و روایات نیز بیانگر این اهمیت است. در احادیث آمده است: «مَنْ كَتَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخُمِيسِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ الثَّرَابَ قَدَرِ مَا يُدْرِفِي الْعَيْنَ، عُفِّرَ لَهُ» هر کس در شب جمعه، مسجد را به اندازه خاکی که ممکن است در چشم برود، جارو کند، خدا گناهش را می‌آمرزد.^۱

چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ اکنون، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ با توجه به روحیات حساس این گروه، چه نکات مهمی باید مدنظر قرار گیرد؟ نوجوانان، از هر ملت و نژاد، به‌طور فطری خواهان معرفت الهی و سجایای اخلاقی هستند. این خواهش عمیق و طبیعی سبب شده است که دانشمندان روان، دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعت بنامند و در مباحث روان‌شناسی جوان، به‌طور مستقل درباره آن گفت‌وگو کنند. تمایل فطری جوانان به مذهب آن قدر شدید است که همه روان‌شناسان می‌گویند: بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی، ارتباط انکارناپذیری دیده می‌شود؛ حتی کودکانی که در خانواده‌های دور از مذهب و ایمان پرورش یافته‌اند، در دوران بلوغ علاقه بیشتری از خود به مسائل مذهبی نشان می‌دهند.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۵، ح ۶۱.

۲. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۳۷.

استانلی هال معتقد است که نوجوانان در حدود پانزده سالگی حداکثر احساسات دینی را دارا هستند؛ زیرا با گرایش به طرف دین و اعتقادات مذهبی، می‌خواهند تلاطم نابسامانی‌های خود را کاهش دهند.^۱ همان‌طور که ملاحظه می‌شود مذهب، عامل آرامش دل و رضای روح است و فرد را از تشویش‌ها، اضطراب‌ها و ترس‌ها نجات می‌دهد. فردی که در درون، متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است، عظمت یا قدرت و دوام خود را در مذهب می‌بیند و فلسفه زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن، معنایی برای زندگی خویش می‌یابد.^۲

دکتر محمد رضا شرفی چنین عقیده دارد: «در دوران بلوغ، نوجوان، توجهش به مسائل ماوراءالطبیعی بیشتر می‌شود و علاقه‌مند است که درباره آن سوی پرده طبیعت آگاهی یابد و افکارش از پوسته هستی بگذرد و آن را بشکافد و از دنیای معنویات، جهان آخرت، ایده‌آل‌های اخلاقی و زهدگرایی، با خبر شود. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واقع شود. آن حضرت روزی در سخنان خود فرمودند که جوانان قلبی فضیلت‌پذیر و دلی رقیق‌تر و حسّاس‌تر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذاب الهی بترسانم. جوانان و نوجوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند؛ ولی پیران از قول دعوتم سرباز زدند و به مخالفت با من برخاستند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره مردم کهن سال که مدت زندگی آنها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت‌دلی شده‌اند، سخن گفته است».^۳

حال که نوجوان به واسطه تمایلات فطری خود چنین آمادگی را داراست، برنامه‌ریزان جامعه باید برای هدایت این نسل چاره‌اندیشی کنند و مساجد به عنوان پایگاه‌های معنوی، نقش خود را ایفا کنند: یک روحانی خوش فکر و آگاه می‌تواند الگوی مطلوبی برای نوجوانان باشد و آنها را در مسیر دین هدایت نماید. او باید شرایط نوجوان را درک کند و به دور از هرگونه افراط و تفریط عمل کند؛ چرا که احساس مذهبی و نیایش و پرستش، مانند سایر تمایلات طبیعی باید تعدیل شود و با اندازه‌گیری صحیح اعمال گردد. همان‌طور که تندرستی در ارضای خواسته‌های جنسی یا حبّ مال و مقام، ناپسند است، زیاده‌روی در ارضای خواسته‌های مذهبی نیز در مکتب اسلام نامطلوب شناخته شده و اولیای گرامی اسلام، در این باره میانه‌روی را به تأکید، توصیه کرده‌اند.^۴

۱. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۴.

۲. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۳۴.

۳. شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان، ص ۳۲۹.

۴. فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۹۱-۳۹۲.

بنابراین، برای ارضای تمایل ایمانی نوجوانان و استفاده از احساس مذهبی آنان، دو نکته باید همواره مورد کمال توجه باشد. یکی آنکه احساس مذهبی آنان به راه درست هدایت شود و دیگر آنکه با وسایل علمی و عملی موجبات پرورش آن فراهم آید.^۱

در مجموع، به این نتیجه می‌رسیم که اگر می‌خواهیم جوانان و بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم و این فرمایش رسول مکرّم اسلام ﷺ را به یاد داشته باشیم که فرموده‌اند: «به شماها درباره نوجوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند».^۲

مولای متّقیان، امیرمؤمنان (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُتِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ؛ دل جوان نوحاسته، مانند زمین خالی از گیاه و درخت است. هر بذری که در آن افشاندن شود، می‌پذیرد و در خود می‌پرورد. [سپس فرمود: فرزند عزیز،] من در آغاز جوانیت به ادب و تربیت تو مبادرت نمودم، پیش از آنکه عمرت به درازا بکشد و دلت سخت گردد».^۳

برنامه‌ریزی

بدون تردید، می‌توانیم مسجد را در قالب یک سازمان به حساب آوریم که نیازمند برنامه‌ریزی است. «برنامه‌ریزی، اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیریتی است. دیگر وظایف مدیریتی، یعنی سازمان‌دهی، رهبری و کنترل، هدف‌هایی را پی می‌گیرند که در فرآیند برنامه‌ریزی پی‌گیری شده است».^۴ بنابراین، همه افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها باید برای فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند و بی‌تردید، اگر بخواهیم مساجد ما در ادای وظایف خود موفق عمل کند، باید نیاز به برنامه‌ریزی را در آنها تقویت کنیم؛ چرا که در دنیای پیچیده و در حال تحوّل امروز، بدون برنامه‌ریزی، دستیابی به نتایج مطلوب به‌طور تقریبی غیرممکن است. نکته اساسی که در برنامه‌ریزی مساجد باید مدنظر قرار گیرد، این است که مسجد باید برای هر گروه سنی و سلیقه و جمعیتی، برنامه‌ریزی مناسب داشته باشد.

۱. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۳۶۸.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳. نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۳۹۳، نامه ۳۱.

۴. قوامی، مصصام‌الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۳۴۳.

«برای هر یک از کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و... باید برنامه‌ای خاص داشت. برای آنها که اهل دعا هستند، برنامه دعا، برای آنها که اهل کتاب هستند، کتابخانه و برای جوانان آنچه مناسب سلیقه جوانان است، برنامه ریزی شود».^۱

امام جماعت و هیئت امنای مساجد باید با در نظر گرفتن همه امکانات، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌هایی که در مسجد وجود دارد، برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را طراحی و با بهره‌گیری از مشورت افراد صاحب‌نظر یا دست‌اندرکاران سایر مساجدی که موفقیت‌های چشمگیری در کار خود داشته‌اند، برنامه‌های خود را در صورت ضرورت، تعدیل و اصلاح و سپس به مرحله اجرا درآورند.

موسی مرتضی‌پور در گزارشی از فعالیت‌های بخش فرهنگی مسجدالرضا تهران که در شماره سوم مجله تربیت، سال دوازدهم منتشر شده و موفقیت بسیار نیکویی در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه معنوی داشته است، به یک نکته جالب و مهم اشاره می‌کند که در حقیقت از رموز اصلی موفقیت این مسجد است. وی از قول مسئول واحد فرهنگی این مسجد می‌نویسد: «تمامی فعالیت‌های این مسجد بر اساس برنامه‌ریزی است و همه برنامه‌ها پس از بررسی توسط هیئت امنای مسجد تصویب و برای اجرا به مسئولان بخش‌های مختلف واگذار می‌شود و اعضای هیئت امناء بر روند اجرای این برنامه‌ها نظارت دارند. این مطلب، بیانگر این نکته مهم است که اگر برنامه‌های مساجد به صورت تشکیلاتی طراحی و اجرا شود، مفید واقع می‌شود و می‌توان از همه ظرفیت‌های موجود برای تحقق اهداف موردنظر استفاده کرد».

تکریم نوجوانان و جوانان

در آیین اسلام بر تکریم نوجوانان تأکید بسیار شده است. خانواده، مدرسه، اجتماع همه و همه باید فضایی برای تکریم و احترام آنها باشد؛ به‌ویژه مسجد که از تقدس و موقعیتی خاص برخوردار است. ارضای نیاز به احترام و عزت نفس به احساساتی نظیر اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، موفقیت، کفایت، شایستگی، کسب اعتبار و حیثیت و مفید و مثمر بودن در جامعه منتهی خواهد شد که البته همه اینها مبتنی بر رفتار مسئولانه نوجوان است که استحقاق احترام را داشته باشد و نه بر اساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی‌مورد. اگر متولیان مساجد به این نکته توجه نمایند، گامی بزرگ در مسیر جذب کودکان، نوجوانان و جوانان برداشته‌اند. فضای توأم با احترام و تکریم، انسان را به سوی خود می‌کشد. حتی گاهی در مسجد خطاهایی از نوجوان سر می‌زند که باید با تذکرات صمیمانه و در خفا او را متوجه اشتباهش کرد تا به مقاومت و عناد کشیده نشود. به

۱. مکارم شیرازی، ناصر، کاوشی در راه‌های عملی ایجاد جاذبه برای مساجد، قم، فصلنامه مبلغان، ص ۵۱.

خصوص، درباره جوانان که حساسیت دارند و موعظه باید کوتاه و بلیغ و سنجیده و با اوضاع و شرایط فکر او مناسب باشد و همچنین، در عین نرمی و مدارا و گام به گام باشد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الرَّفْقُ يُبَسِّرُ الصَّعَابَ وَيُسَهِّلُ شَدِيدَ الْأَسْبَابِ؛ رفق، دشواری ها را آسان می کند و سبب های سخت را سهل می کند»^۱.

مسئولیت سپاری

از دیگر عواملی که زمینه جذب افراد و جوانان را به مساجد فراهم می آورد، دادن مسئولیت مورد نظر به آنان است، اگر افراد احساس مشارکت کنند، برای رسیدن به اهداف مورد نظر همکاری صمیمانه ای خواهند داشت. برقراری بستر لازم برای مشارکت نوجوانان و جوانان در ابعاد گوناگون همراه با نظارت لازم می تواند نه فقط آنان را به سوی مسجد بکشانند، بلکه زمینه ارتقای شخصیت و رشد آنان را فراهم آورد و موجب بالا بردن میزان موفقیت مساجد شود. اگر نوجوانان و جوانان در تصمیم گیری ها دخیل باشند و از توان آنها، به ویژه به صورت گروهی بهره گرفته شود، همین امر می تواند زمینه تقویت روحیه اجتماعی، مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس آنها را افزایش دهد و در آینده در جامعه نیز مؤثر واقع شوند.

تشویق

یکی از عوامل و ابزارهای جذب نوجوانان و جوانان در زمینه های گوناگون از جمله حضور در مساجد، تشویق است. همه انسان ها حتی بزرگ سالان، تا آخر عمر به تشویق نیاز دارند. تشویق، موجب رغبت، دلگرمی، نشاط و تحرک می شود و انسان را به جدیت وادار می کند. انسانی که مورد تشویق قرار گیرد و احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس می کند و برای جدیت بیشتری و تحمل دشواری ها آماده گردد. برعکس، اگر انسان مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت دلسرد و بی رغبت می شود و احساس حقارت و ضعف می کند؛ به گونه ای که توان خویش را از دست می دهد و نمی تواند حتی از استعداد های موجود خویش نیز استفاده کند.^۲

تشویق نوجوانان و جوانان نمی تواند منحصر به افراد یا نهاد خاصی باشد؛ یعنی اگر فقط خانواده چنین کاری را انجام دهد، تأثیر مطلوب و کامل را نخواهد داشت؛ بلکه باید همه عواملی که به نوعی با نوجوانان و جوانان مرتبط هستند، به این نکته اساسی توجه داشته باشند. تشویق را نمی توان منحصر به دادن جایزه

۱. غررالحکم، ج ۱، ص ۸۹.

۲. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۳۵.

دانست، بلکه برخوردها و فضای ایجاد شده توسط دیگران نیز مشوق خوبی برای نوجوانان و جوانان است. البته لازم است در تشویق افراد به گونه‌ای عمل کرد که تأثیر مطلوب و ماندگاری داشته باشد. استاد ابراهیم امینی در جلد دوم کتاب «اسلام و تعلیم و تربیت» درباره تشویق و برخی نکات مهم مربوط به آن چنین می‌گوید:

۱. اخلاق و رفتار نیک فرد مورد ستایش قرار گیرند نه خود او.
۲. تشویق به صورت جزئی و واقعی باشد نه به صورت کلی و بیش از حد.
۳. گاه‌گاهی در برابر کارهای ممتاز باشد نه به صورت دائم و برای هر کاری.
۴. در تشویق نباید دیگری را مورد انتقاد و مقایسه قرار داد.
۵. زیاده‌روی در تشویق موجب غرور و خودبزرگ‌بینی می‌شود.
۶. تشویق با ارزش کار فرد و متناسب باشد.
۷. پاداش در برابر فعالیت‌های او انجام شود، نه در برابر موهبت‌های ذاتی او.
۸. در تشویق نباید اغراق کرد.

اگر در مسجد مسئولیت‌هایی به نوجوانان و جوانان سپرده می‌شود، در کنار آن باید ارزش زحمات و کارهای مفیدشان را نیز درک کرده از آنان و تشکر و قدردانی کرد. در این سنین افراد نیاز دارند که اطرافیان بیشتر رفتارهای مناسب‌شان را ببینند و مورد توجه و قدردانی قرار گیرند. در غیر این صورت، ممکن است دچار یأس و ناامیدی شوند و از ادامه فعالیت و تلاش سربازند.

پیشنهادهای

با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد، راه کارهایی به شرح زیر برای جذب مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان به سوی مساجد پیشنهاد می‌شود:

- (۱) مرکز نظارت و رسیدگی به امور مساجد کشور شرایطی برای انتخاب هیئت امنای مساجد تعیین کند تا به مرور، امکان اصلاح ساختار هیئت امنای مساجد فراهم آید.
- (۲) حداقل هر سه ماه یک‌بار در جلسه‌ای از مردم، به‌ویژه نسل جوان در خصوص برنامه‌های مسجد، نظر خواهی و پیشنهادهای آنان به منظور بهبود کیفیت کار و عملکرد مسجد، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد.
- (۳) با توجه به نقش مؤثر آموزش در بالا بردن سطح آگاهی‌ها و تغییر نگرش افراد و در هر شهرستان به فراخور شرایط فرهنگی و جغرافیایی برنامه‌های آموزشی ویژه هیئت امنای و خدامان و دست‌اندرکاران مساجد به اجرا درآید.

(۴) ائمه جماعت مساجد باید نظارت بیشتری بر عملکرد دست‌اندرکاران مساجد داشته باشند و فضایی فراهم کنند که مسائل و مشکلات موجود نقد و بررسی شود و در مجموع با ایجاد شرایطی مطلوب، زمینه هماهنگی همه عوامل را فراهم آورند.

(۵) در تحقیقات انجام شده از جمله عوامل مهمی که نقشی تعیین‌کننده در جذب نسل جوان دارد، امام جماعت مسجد و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری وی در برخورد با نمازگزاران است. بنابراین، دقت در انتخاب امام جماعت با ویژگی‌های خاص (خوش رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی و مانند آن) از نکات مهمی است که مرجع اعزام‌کننده باید مورد نظر قرار دهد.

(۶) ارتباط بین مدارس و مساجد، تأثیر بسیار در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه‌های معنوی دارد. مدارس می‌توانند دانش‌آموزانی را که آمادگی علمی و مذهبی دارند، به مساجد معرفی و مساجد نیز به صورتی جذاب مانند ارسال دعوت‌نامه برای آنان، زمینه حضور آنان را در مساجد فراهم آورند.

همچنین استفاده از وجود فرهنگیان و معلمان متعهد و توانمند و دلسوز در مجموعه هیئت امنا یا به عنوان مربی می‌تواند زمینه‌ساز حضور بیشتر دانش‌آموزان در مساجد باشد.

(۷) اجرای برنامه‌ها و برگزاری کلاس‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی در رشته‌های گوناگون و دعوت از مربیان علاقه‌مند و با تجربه و برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی با مراعات موازین شرعی در جذب نوجوانان و جوانان مؤثر است.

(۸) رفع مشکلات مربوط به بهداشت و نظافت مسجد و مراعات طهارت و نظافت این مکان مقدس به صورت مداوم از جمله پاکیزگی فرش‌ها، در و دیوار و محوطه باید رعایت گردد تا از بروز تنفر و دوری مردم پیشگیری شود. همچنین، رسیدگی به امکانات سرمایشی و گرمایشی فضای مطبوعی برای حضور آنان فراهم می‌آورد.

(۹) تأسیس کتابخانه با توجه به نیازهای مخاطبان و علاقه‌مندان؛ وجود فضای مناسب و انتخاب کتاب‌های جذاب و متناسب با خواست نوجوانان و جوانان از جمله راه‌های جذب کودکان و نوجوانان است.

(۱۰) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور مسئولان محلی و براساس یک برنامه‌ریزی منظم، امکان ارتباط بیشتر مردم با مساجد را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌سخن

مسجد، به عنوان اصلی‌ترین پایگاه اسلامی نقش مهمی در تربیت، آموزش و ایجاد نزدیکی بین اعضای خود که مسلمانان هستند، دارد؛ پایگاهی که همواره در روایات از آن به بزرگی یاد شده است. یکی از

رسالت‌های پیامبر اکرم ﷺ پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. بعد از آن، مسلمانان در صفوف وحدت بخش نماز جماعات که در مساجد برگزار می‌شد، روح تربیت و نشاط را در جامعه به روشنی مشاهده کردند. به طوری که اینک بعد از گذشت قرن‌های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده، بلکه همواره در برهه‌های مختلف زمانی، نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. در کشور ما به خصوص در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، مسجد، مکانی برای بسیج نیروهای مردمی، آموزش، سازمان‌دهی و پشتیبانی نیروهای بسیجی و مردمی بوده و در این میان حضور جوانان در کنار سایر قشرهای مردم دیده می‌شود. حضور آنان در نمازهای جماعت و تشکیل حلقه‌های کمک‌های مردمی، بسیج نیروهای اعزامی به جنگ، ایجاد کلاس‌های آموزشی و... نقش مؤثرتری در رونق مساجد داشت، اما با گذشت زمان و سپری شدن آن روزهای سخت، نه تنها کارکرد مسجد در کشور تفاوت پیدا کرده، بلکه با کم‌رنگ شدن حضور جوانان در مساجد به علت‌های مختلف، رونق روزهای گذشته را ندارد. در این نوشتار به مهم‌ترین موانع آنها اشاره شد.

نکته شایان توجه اینکه، نباید ترندهای دشمن و برنامه‌ریزی آنها برای اختلاف بین مساجد و مردم و به ویژه نسل جوان را از نظر دور داشت؛ زیرا آنها به روشنی دریافته‌اند که مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های انقلاب و عاملی مهم در تقویت اندیشه‌های دینی و اسلامی است. از مساجد، جوانان سلحشور مؤمن و مسلمان به پامی خیزند و بر ضدّ زیاده‌طلبی‌ها و زورگویی‌های ظالمان و مستکبران قیام می‌کنند و حفظ انقلاب اسلامی به زنده بودن و شور و نشاط مساجد بستگی دارد. اما این نکته هم نباید فراموش شود که بعد از چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز نتوانسته‌ایم برنامه‌های اساسی مبتنی بر روش‌های علمی و هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای نسل نوجوان طراحي و یا شرایط تحقق آنها را فراهم کنیم.

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحدین محمد تمیمی، غررالکلم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۶۶ ه.ش.
۲. افروز، غلامعلی، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، تهران، چاپ سوم، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱ ه.ش.
۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۳ ه.ش.
۴. خدایاری فرد، محمد، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۳ ه.ش.
۵. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۲ ه.ش.
۶. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰ ه.ش.
۷. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه.ش.
۸. قرائتی، محسن، راز نماز برای جوانان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ه.ش.
۹. قوامی، صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۰. کردستانی، عباس، عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصل نامه پژوهشگران فرهنگ، سال دوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۱. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ه.ش.
۱۲. مرتضی پور، موسی، مجله تربیت، شماره ۳، سال دوازدهم.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، کاوشی در راه های عملی ایجاد جاذبه برای مساجد، قم، فصل نامه مبلغان، شماره ۱۳، ذی قعدة ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۴. نبوی، محمدحسن، فعالیت های فرهنگی مساجد، قم، فصل نامه مبلغان، شماره ۵۸، شهریور ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۵. نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم،

۱۳۷۲ هـ. ش.

۱۶. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰ هـ. ش، ص ۳۲۹
۱۷. مجله تربیت، وابسته به وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، سال دوازدهم، خرداد ۱۳۷۵ هـ. ش، شماره ۱۰۹،
۱۸. مرتضی پور، موسی، فرهنگ اصطلاحات علوم انسانی (تربیتی، روانشناسی، جامعه شناسی)، ص ۶۱

مسجد و مشارکت جوانان در آن

محسن محمّدی

چکیده

نوشتار حاضر در صدد تبیین موانع و راهکارهای حضور جوانان در مسجد و شیوه‌های جذب آنان به مساجد است. نگارنده، در دو فصل جداگانه، مباحث مورد نظرش را ارائه داده است. وی در فصل اول، به تبیین موانع و برخی راهکارهای حضور جوانان در مسجد پرداخته است و موضوعاتی، مانند بحران هویت دینی، تهاجم فرهنگی، روحیات و خواسته‌های جوان و فضای مسجد، ناهنجاری‌ها، دین‌گریزی را بحث نموده است. نگارنده در فصل دوم، به شیوه‌های جذب جوانان به مساجد اشاره کرده و نقش عواملی، مانند امام جماعت، خانواده و دوستان، امکانات و فعالیت‌های مسجد، کلاس‌های آموزشی، بهادادن به جوانان، تبلیغات، شکل ظاهری مسجد، بیان مباحث مورد نیاز جوانان، پیش‌نیازها، تشویق، تقویت پایگاه‌های بسیج را در اثربخشی این شیوه‌ها بحث نموده است.

واژگان کلیدی:

مسجد، موانع حضور جوانان در مسجد، طرق و شیوه‌های جذب جوانان به مسجد، راهکارهای جذب جوانان به مسجد.

مقدمه

انسان در طول دوره زندگانی خود مراحل گوناگونی را با شرایط ویژه و خاص می‌گذراند که هر کدام به نحوی در مراحل بعدی مؤثر است. در این بین، جوانی از مهم‌ترین دوران زندگی است که در سلامت یا خسارت دوران میانی و نهایی زندگی بشر تأثیر گسترده و عمیقی دارد؛ چرا که در این دوران، پایه‌ها و اصول شخصیت انسان شکل می‌گیرد.

با این بیان، اهمیت و حساسیت دین‌داری در دوره جوانی مشخص می‌شود. به خصوص که در این دوران حساس، طوفان غرائز سرکش، زمینه انحراف جوان و غفلت او از یاد خدا را فراهم می‌کند. تهاجم فرهنگی نیز که به‌طور جدی جوانان را مدنظر دارد، با تهییج غرائز، شرایطی را مهیا می‌کند که تصمیم‌گیری جهت حرکت در مسیر خیر و صلاح برای جوانان مشکل می‌شود. به عبارت دیگر، برخی موانع در دین‌داری جوانان وجود دارد که تقید آنها را به دین، به‌طور جدی دچار آسیب می‌کند. علاوه بر این، نقش جوان در آینده‌سازی یک ملت و حرکت کشور به سمت پیشرفت و توسعه بر اهمیت مشارکت جوانان در مسجد می‌افزاید.

افزون بر موانع و علل عمومی حضور، با توجه به ویژگی‌های خاص شخصیتی جوان و حساسیت و تأثیر رفتار جوانان در آینده انقلاب و کشور در این نوشتار، در فصل اول، موانع حضور جوانان در مسجد و علل آن و در فصل دوم، طرق و شیوه‌های جذب جوانان به مسجد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول: موانع حضور جوانان در مسجد

مهم‌ترین موانع حضور جوانان در مسجد به شرح زیر است:

۱- بحران هویت دینی

بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و بخشی از سال‌های اولیّه جوانی را نیز در بر می‌گیرد. هویتی که نوجوان در صدد است تا به‌طور روشن با آن مواجه شود این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند، چیست؟ آیا او برخلاف نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را از نظر مردم، کم‌ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟^۱

از عدم توانایی فرد در تحصیل هویت انسانی، با تعبیر مختلفی یاد شده است. برخی از صاحب‌نظران از آن با تعبیر «گم کردن خویش» یا «از خودبیگانگی» یاد می‌کنند؛ روان‌شناسان از این حالت، اغلب تحت عناوینی، چون «آشفته‌گی هویت»، «اختلال هویت» و «بحران هویت» یاد می‌کنند و در توصیف آن

می‌گویند: «بحران هویت، عبارت است از عدم توانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد».^۱ این امر سبب مشغولیت بی‌هدف، هیجانات جانشین‌ناپذیر و ایجاد شخصیت منفعل در جوان می‌شود.^۲

به اعتراف همه صاحب‌نظران، جدی‌ترین بحران در طول زندگی انسان در خلال شکل‌گیری هویت او رخ می‌دهد؛ چون شخصی که فاقد یک هویت متشکل قابل قبولی باشد، در طول زندگی با مشکلات بسیار زیادی رو به رو خواهد شد. چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست بی‌اطلاع است، در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با دیگران و برخورد با پیش‌آمدها نیز پاسخ به اصلی‌ترین پرسش‌های زندگی عاجز است. در نهایت، مجموعه این امور، او را در اغلب موضع‌گیری‌ها دچار سردرگمی می‌کند. طبیعی است که وقتی فرد خود را شناخت و هدف از آفرینش جهان و انسان برای وی معلوم نگشت و با وظایفی که در جامعه بر عهده دارد، آشنا نشد، نمی‌تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند. بروز چنین وضعی و تزلزل فکری اعتقادی مهم‌ترین خطری است که سعادت انسان را در طول حیات مورد تهدید قرار می‌دهد.

با توجه به گستردگی مفهوم هویت، هر فرد هویت‌های گوناگونی دارد که هویت دینی، یکی از آنها است. هر انسانی به هویت دینی نیاز دارد؛ چون گرایش به پرستش از نیازهای فطری او است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و میلی، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می‌شود.^۳

هویت دینی، رابطه بین آدمی و دین را تبیین می‌کند و شکل‌گیری آن، هویت، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب را در پی دارد. برخی صاحب‌نظران، تعهد را به عنوان سنگ بنای هویت دینی، تلقی نموده‌اند.^۴

با توجه به آنچه هویت دینی به نسل جوان می‌دهد،^۵ اختلال و آشفتگی هویت دینی، سبب ضعف دین‌داری در بین جوانان می‌گردد؛ زیرا تعهد و مسئولیت‌پذیری فرد را در قبال گزاره‌های دینی کاهش می‌دهد و بدین ترتیب، ضمانت اجرایی احکام دینی کاهش می‌یابد.

۱. گروه نویسندگان، مترجمان، دکتر احمد به پژه و دکتر رمضان دولتی، روان‌شناسان بزرگ، ص ۶۴.

۲. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۰-۲۴.

۳. ابن‌طفیل اندلسی حکیم فیلسوف و نامدار مسلمان در اثر ارزنده و کلاسیک فلسفی‌اش به نام «زنده بیدار»، این گرایش فطری را به زیبایی هر چه تمام‌تر به تصویر می‌کشد.

۴. مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، ص ۶۹، کارشناسان یونسکو، ص ۱۲۲.

۵. آنچه به نسل جوان هویت می‌دهد عبارت‌اند از: پاسخ به پرسش‌های بنیادین، جهت‌بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، زمینه‌سازی هویت‌تمدنی، مقبولیت اجتماعی، شأن و منزلت جوانی و معنا بخشیدن به جهان؛ ر.ک: شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۹۶-۱۰۲.

اختلال در هویت دینی سبب می‌شود تا فرد نه بتواند ارزش‌های دینی گذشته خود را ارزیابی نماید و نه صاحب ارزش‌هایی شود که به کمک آنها بتواند آزادانه برای آینده، طرح‌ریزی کند.^۱

از دیدگاه جوان، پس از درهم‌ریختگی نظام ارزشی دینی، امر مثبت و خوبی در دین وجود ندارد تا انگیزه‌ای برای انجام آن داشته باشد. بنابراین، دچار بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی می‌گردد. همچنین، تخریب نظام ارزشی دینی، سبب می‌شود بسیاری از افراد که دچار بحران هویت دینی می‌شوند، به دنبال هویت منفی بگردند و هویتی برخلاف آن چه اولیای دین در نظر گرفته‌اند را برگزینند.

بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری نوجوانان را می‌توان از این منظر تبیین نمود. مسئولیت‌گریزی، دزدگی و بی‌تفاوتی هر کدام از آثار فقدان هویت هستند^۲ که در عرصه دینی در قالب بی‌توجهی به اوامر و نواهی الهی، بی‌علاقگی نسبت به شعائر، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند.

با بیان این مطالب، مشخص شد که بحران هویت دینی، سبب تضعیف باورهای دینی، اختلال نظام ارزشی مذهبی و عدم تقید به احکام دینی می‌شود. مسجد از مهم‌ترین نمادها، شعائر و گزاره‌های دینی است که بحران هویت دینی جوان در مورد آن سبب پایین آمدن اعتقاد و ضعف گرایش به حضور در جمع نمازگزاران می‌گردد.

۲- تهاجم فرهنگی

صاحبان زر و زور و تزویر، برای رسیدن به اهداف خرد و کلان خود از همه اهرم‌ها بهره می‌گیرند. داده‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد که مهاجمان قدرت طلب، بارها به کشورهای دیگر حمله نظامی کرده و جهان را به جزایر متعدد تقسیم کرده‌اند. واژه‌های تجاوز، مستعمرات و جنایات جنگی، تقسیم‌بندی کره زمین و تجاوز همه‌جانبه مهاجمان را به نمایش می‌گذارند. با توجه به اینکه امروزه استراتژی حمله نظامی شکست خورده است، مهاجمان زورمدار از سیاست راهبردی دیگری به نام تهاجم فرهنگی بهره می‌جویند؛ زیرا این عنصر، مناسب‌ترین راهکار برای تحقق سلطه افزون خواهان در جهان است.

دشمنان انقلاب و اسلام برای دستیابی به اهداف خود، تهاجمی گسترده را به فرهنگ و هویت ما برنامهریزی و پشتیبانی می‌کنند. متأسفانه اولین قربانیان تهاجم فرهنگی، جوانان هستند؛ زیرا آنان سرمایه‌های عظیم جامعه‌اند و مانع تحقق اهداف سلطه‌جویان هستند. بر این اساس، جوانان در تهاجم

۱. هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ص ۱۳۴.

۲. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۰.

فرهنگی بیشتر از دیگر گروه‌ها مورد تهاجم قرار می‌گیرند. دشمن در این مسیر می‌کوشد جوانان را از فرهنگ غنی و کهن خود، بیگانه سازد و ارزش‌های دینی را نزد آنان بی‌ارزش جلوه دهد.

در تهاجم فرهنگی، پایگاه‌های دینی همچون مسجدها مورد حمله قرار می‌گیرند. دشمن به این شیوه می‌کوشد فرهنگ ضدآرزشی غرب را در میان جوانان گسترش دهد و آنان را نسبت به مفاهیم و احکام دینی بی‌عقیده کند. تربیت دست‌آموزها، فساد اخلاقی، قرار دادن جایگزینی برای امور عبادی که با روحیات و غرایز جوانی نیز تناسب دارد که برخی از این جایگزین‌ها عبارت‌اند از: نوار و سی‌دی‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای، ترویج الگوهای غربی، تضعیف باورهای دینی، تخریب و ترور شخصیت‌های خودی، دور کردن مردم از هویت ملی-اسلامی و ترویج فرقه‌های ساختگی.

مسجد، پایگاهی است که در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است. مسجد با بیان خطر تهاجم فرهنگی و تقویت گرایش‌های مذهبی، از تعالیم و مفاهیم دینی دفاع می‌کند و حتی با بیان فرهنگ و آموزه‌های اسلام در برابر تهاجم فرهنگی غرب می‌ایستد. بنابراین، در صورتی که در این جدال نابرابر فرهنگی، مسجد، جوانان را جذب کند، قدم بلندی در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی برداشته شده است.

۳- ناهمگونی روحیات و خواسته‌های جوان با فضای مسجد

جوانان، روحیات و خواسته‌هایی دارند که از روحیات و ویژگی‌های جوانی آنها نشأت می‌گیرد و فضای مسجد با برخی از آنها همگون و هماهنگ نیست. جوانان روحیه‌ای پر شور و نشاط دارند؛ آنان از نظر جسمی، قوی، پر تحرک، اهل جنب و جوش و تلاطم هستند؛ ولی مسجد، فضای آرام و سکون است که عبادت و نیایش بدون تحرک جسمی شدید و زیاد، به آرامی در گوشه‌ای از مسجد انجام می‌شود. به همین دلیل، جوانان در برخی مراسم‌های دینی که شور و هیجان بیشتری دارد، حضور چشم‌گیرتری دارند. به طور مثال، مراسم سینه‌زنی، زنجیرزنی و دسته‌های عزاداری که از این ویژگی برخوردارند، جوانان در آن حضور بیشتری دارند.

جوان، خواستار تعلق به گروه بی‌غمی، ابراز خود، جلب توجه و... است که در مسجد، زمینه مساعدی برای آنها فراهم نمی‌شود. علاوه بر شور، نشاط و هیجان، هجوم، تهوّر، افراط‌گری، احراز تفوّق، مقاومت، حاکمیت، تضاد و تعارض با سالمندان از ویژگی‌های جوان است که با فضای مسجد چندان تناسبی ندارد. البته این به معنای تعارض و اختلاف ذاتی مسجد، با تمام روحیات و خواسته‌های جوان نیست؛ بلکه

می‌توان فضای پر شور و نشاطی را در مسجد ایجاد کرد که با روحیات جوان سازگار باشد و بسیاری از روحیات جوان با فضای مسجد تطابق کامل پیدا کند.

۴- ناهنجاری و ناسازگاری با اطراف

جوانان، روحیات و دنیای عجیبی دارند که حاصل اجتماع قدرت جسمی و احساسی است که به سمت عقلانی شدن پیش می‌رود. به همین دلیل، جوان‌ها به‌طور معمول، با محیط اطراف و بزرگ‌ترها مشکلات رفتاری، عقیده‌ای و سلیقه‌ای دارند. این اختلافات گاهی سطحی و زودگذر است که در شخصیت و رفتار جوانان تأثیر زیادی ندارد؛ ولی گاهی این اختلافات به ناهنجاری و ناسازگاری جوانان منجر می‌شود^۱ و به این ترتیب، امنیت روحی و روانی لازم برای دین‌داری آنان از بین می‌رود و در این میان، مسجد نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین گزاره‌های دینی در نظام رفتاری جوان، جایگاه چندانی کسب نخواهد کرد.

۵- دین‌گریزی

دین‌گریزی، یعنی هر نوع فاصله‌گیری یا واپس‌گرائی از دین و تمام نمودهای مهم دینی در گرایش، بینش و کنش.

دین‌گریزی گروهی از جوانان، به‌ویژه طیفی که زاده و پرورش یافته دوران انقلاب هستند، از مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی کشور است. این گریز فقط به علت ته‌اجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست، بلکه علت‌های گوناگونی دارد و تا زمانی که تمامی آنها به صورت واقع‌بینانه و عمیق بررسی نگردد، نسل آینده انقلاب با خطر جدی اضمحلال عقیدتی و ارزشی رو به رو است. آذر این بین، نمادها، مفاهیم، اعمال و مناسک، مظاهر و اماکن دینی در معرض فراموشی و بی‌تفاوتی جوان قرار می‌گیرند. مسجد به عنوان یکی از مهم‌ترین گزاره‌های دینی، در بحران دین‌گریزی جوانان به‌طور جدی در خطر است. پس، می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که دین‌گریزی جوانان عامل فراگیر و عمیقی بر سر راه مشارکت آنان در مسجد است.

۱. عوامل ظهور ناهنجاری‌ها در نوجوانان و جوانان عبارت‌اند از: درک نکردن روحیه جوان، الگوهای نامناسب، تضاد در روش تربیتی، فاصله طبقاتی، کم‌توجهی خانواده‌ها، ناکارآمدی کانون‌های دینی، استفاده ابزاری از دین، کم‌توجهی به مشکلات، تساهل و تسامح؛ ر.ک: موحدنیا، فریدون، عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به فرهنگ بیگانه، ص ۴۸-۵۶.

۲. برخی از علل دین‌گریزی جوانان عبارت‌اند از: بیان نامعقول برخی از مفاهیم دینی، عملی نشدن عدالت اجتماعی در سطح جامعه با وجود شعارهای فراوان، توجه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان، مثل ازدواج، کار و مسکن، استفاده ابزاری از دین به دست برخی سیاست‌بازان برای منافع شخصی و گروهی، نبود برنامه‌ریزی درست فرهنگی برای نسل جوان، ته‌اجم برنامه‌ریزی شده فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی برای انحراف نسل جوان.

برای برطرف شدن این مشکل باید گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، طرحی اصولی و همه‌جانبه را برنامه‌ریزی نموده تا مهم‌ترین قشر اثرگذار جامعه در آینده انقلاب، دین‌دار بمانند؛ در این صورت یکی از مهم‌ترین و عمومی‌ترین مانع حضور جوانان در مسجد، برطرف خواهد شد.

فصل دوم: طرق و شیوه‌های جذب جوانان به مسجد

جذب جوانان به مسجد از طرق، شیوه و راه‌های ذیل میسر است:

۱- امام جماعت

امام جماعت، مهم‌ترین عضو مدیریتی مسجد است که می‌تواند با برنامه‌ریزی و عملکرد صحیح و دقیق، زمینه مناسبی را برای تحقق سایر عوامل حضور مردم در مسجد فراهم کند. امام جماعت در هر مسجد، عاملی مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه دارای شرایط لازم باشد، تأثیر به‌سزایی در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به دین و مسجد خواهد داشت. امام جماعت برای جلب جوانان این نکات را باید رعایت کند:

۱-۱- برخورد گرم و صمیمانه با جوانان

امام جماعت باید با جوانان برخوردی محبت‌آمیز و دوستانه داشته باشد. برخوردهای عاطفی در ایجاد ارتباط با جوانان و آگاهی از نظریات آنها بسیار مؤثر است؛ این گونه ارتباط، زمینه مساعدی را برای جلب و تأثیر بر جوانان به وجود می‌آورد.

امام جماعت باید هم با جوانان داخل مسجد به گرمی برخورد کند تا حضور آنها در مسجد تداوم یابد و هم با جوانان بیرون از مسجد تا زمینه حضور آنان در مسجد فراهم شود. برخورد مناسب امام جماعت با جوانان، دو مؤلفه دارد که عبارت‌اند از:

الف) احترام

امام جماعت باید به رفتار، ارزش‌ها، گفتار و نظریات جوانان احترام بگذارد. این کار در جلب جوانان بسیار مؤثر است. وقتی جوان احساس کند طرف مقابل در صدد این نیست که نظریات خودش را به او تحمیل کند و به نظریات او احترام می‌گذارد، احساس شخصیت می‌کند و از اینکه با چنین فردی آشنا شده، خوشحال می‌گردد. البته احترام امام جماعت به جوانان به معنای پذیرفتن تام و تمام نظریات آنها بدون دلیل نیست، بلکه به معنای شنیدن و تحمل کردن آنها و تعیین راهی حساب شده و مدبرانه جهت هدایت آنهاست.

بهتر است به جوانان در حدّ امکان، فرصت داده شود تا خود را بروز دهند و نظریّات و افکارشان را مطرح نمایند، آنگاه به اصلاح آنها پرداخته شود.

ب) ایجاد ارتباط عاطفی

روابط و احترام‌های امام جماعت و جوانان نباید در چارچوبی خشک و رسمی باقی بماند؛ بلکه باید به برقراری روابط عاطفی منجر شود؛ یعنی جوان، امام جماعت را به عنوان یکی از دوستان خود بپذیرد. امام جماعت برای اینکه سطح روابط خود با جوانان را به این حدّ برساند، باید به نکات متعدّدی توجّه داشته باشد و در امور گوناگونی، همراه جوانان باشد؛ در مشکلات به آنها کمک کند؛ موفّقیت‌هایشان را به آنها تبریک بگوید؛ از غم‌ها و ناراحتی‌های آنها ابراز تأسّف و اندوه کند، هدایای کوچکی مثل عطر، تسبیح و انگشتر به عنوان یادگاری به آنها تقدیم کند؛ در صورت امکان، کمی در مسائل خصوصی آنها وارد شود، به‌طور مثال، روز تولّدشان، به آنها تبریک بگوید و سایر اقداماتی از این قبیل که با توجّه به شرایط امام جماعت و فرهنگ و روحیات اهالی محلّ در برقراری و تداوم ارتباطی دوستانه و محبّت‌آمیز مؤثر است. بهتر است ارتباط امام جماعت و جوانان به روابط حضوری محدود نگردد و ارتباط کتبی بین جوانان و امام جماعت نیز بسیار مفید است. در این صورت، جوانان از اینکه امام جماعت به آنها احترام گذاشته و به‌طور خصوصی، مطلبی را برای آنها بیان کرده، احساس شخصیت کرده و به امام جماعت نزدیک شده و مطالبی را که حضوری نمی‌توانند بیان کنند، به صورت کتبی با امام جماعت در میان می‌گذارند.

۲-۱- حضور در جمع جوانان

همه جوانان در مسجد حاضر نمی‌شوند و امام جماعت نیز نمی‌تواند در برخوردهای گذاری در بیرون از مسجد با همه جوان‌های محلّ، ارتباط برقرار کند؛ به همین دلیل برای برقراری ارتباط کامل با جوانان، باید در مکان‌هایی که جوانان در آن اجتماع دارند، حاضر گردد. مدارس و دبیرستان‌ها، کتابخانه‌ها، میادین ورزشی، کافی‌نت و پارک‌ها، مکان‌هایی هستند که به‌طور معمول، جوان‌ها در آن حضور دارند. برخورد با جوانان و برقراری ارتباط با آنها در هر کدام از این مکان‌ها، ظرافت و حسّاسیت مخصوص به خود دارد و شیوه مناسب با آن را می‌طلبد. این اقدام امام جماعت، سبب جلب توجّه جوانان شده و زمینه مناسبی را برای حضور جوانان در مسجد فراهم می‌کند.

۳-۱- برقراری جلسات ویژه جوانان

جوانان، نیازهای مخصوص به خود دارند؛ روحيّات و علايق آنها با بزرگسالان متفاوت است. امام جماعت بايد بعد از مخاطب شناسی دقيق و آگاهی از نیازها و سلايق جوانان، جلساتی را ویژه آنها تشكيل دهد و مفاهيمی از دين اسلام را برايشان بيان کند که با سلايق، روحيّات و نیازهای آنان متناسب باشد.

این موارد، موضوعات مناسبی برای گفتگو با جوانان است: «ازدواج در اسلام»، «عشق مجازی یا حقیقی»، «زیبایی»، «نیایش»، «روابط دختر و پسر»، «آثار نماز در زندگی زوج های جوان»، «اخلاق جنسی»، «آثار نماز»، «انحراف جنسی»، «چشم چرانی»، «مسائل روان شناسانه جوانان، مثل اعتماد به نفس و امید».

البته بهتر است برای ارائه هر موضوع به نکات روان شناسی جوانی، روحيّات جوانان و اصول جذابیّت و اثر گذاری توجّه شود؛ به طور مثال در هر موضوع عنوان زیبا و جذّابی انتخاب شود تا توجّه جوانان را بیشتر جلب کند.

جلسه نباید حالت سخنرانی و خطاب مستقیم داشته باشد؛ بلکه باید به صورت گفتمان برگزار گردد تا جوانان بتوانند نظر و سؤال های خود را بیان کنند. مطالب در قالب مناظره، داستان، خاطره و پرسش و پاسخ بهتر قابل ارائه است. بهتر است قالب های گوناگونی انتخاب شود تا جلسات متنوّع و جذّاب گردد.

۴-۱- شناخت نیاز و روحيّات جوانان

امام جماعت باید قبل از اینکه در مورد جلب جوانان به مسجد اقدام نماید، به طور کامل از نیازها، روحيّات، ارزش ها، خواسته ها، سلايق، علايق، توانمندی ها، آسیب هایی که جوان را تهدید می کند و راه های مقابله با آن مطلع شود. در این صورت، می تواند فعّالیّت ها و برخوردهای خود را با جوانان به شکلی تنظیم کند که علاوه بر رفع نیازهای جوانان، آنها را به مسجد جلب کند. در غیر این صورت، امید زیادی برای موفّقیت امام جماعت در جلب جوانان به مسجد وجود ندارد.

شناخت موانع برقراری ارتباط عمیق و پایدار بین جوانان و امام جماعت، یکی از مهم ترین اقداماتی است که امام جماعت باید انجام دهد؛ چون آگاهی از این موانع، در اتخاذ راهکاری صحیح و حساب شده برای رفع موانع لازم است. امام جماعت باید از این روحيّات و موانع به طور کامل، اطلاع داشته باشد و با توجّه به تفاوت های فردی و فرهنگی، شیوه و برخورد مناسبی را برگزیند.

برخی از این موانع عبارت اند از:

■ اختلاف بین جوانان و بزرگ‌ترها

به‌طور معمول، نظام ارزشی و رفتاری و طرز تفکر بزرگ‌ترها با جوان‌ها بسیار متفاوت است. بنابراین، روحیات و خواسته‌های جوانان با توقعات پدر و مادر و بزرگسالان تطابق ندارد و طرفین نمی‌توانند توقعات یکدیگر را برطرف کنند. این مسئله سبب ایجاد گسست ارتباطی بین جوانان و بزرگ‌ترها شده، مانع از برقراری ارتباط همه‌جانبه و پایدار بین آنها می‌گردد. به همین دلیل جوانان در بین خودشان، روابط دوستانه گسترده‌ای تشکیل می‌دهند و این روابط دوستانه، قوی‌تر و مؤثرتر است.

امام جماعت، علاوه بر موقعیت اجتماعی و صنفی خود که او را جزء بزرگسالان قرار می‌دهد، اگر از نظر سنی نیز جوان نباشد، با مانع جدی در برقراری ارتباط عمیق و همه‌جانبه با جوانان رو به رو خواهد بود. برای رفع این مانع (اختلاف بین جوانان و بزرگ‌ترها)، برخورد شاد و پر شور و نشاط، با جوانان که از چارچوب خشک و رسمی خارج است، توصیه می‌شود؛ زیرا در جوانی سن مهم نیست، بلکه روحیه مهم است.

■ آزادی‌خواهی جوان و محدودیت‌آفرینی دین

جوانی دوره استقلال فکری و عملی است و جوان در محدوده مقرراتی خودش عمل می‌کند.^۱ به‌طور معمول، جوانان از اعمال قدرت و نظارت خارجی چندان خوشحال نیستند و مایلند آزاد و راحت باشند. در مقابل، جوانان دین را عاملی برای محدودیت و سلب آزادی خود می‌بینند که روحانی و امام جماعت، مبلغ، مجری و طرفدار آن است؛ بنابراین، جوانان با امام جماعت به راحتی ارتباط برقرار نمی‌کنند.

برطرف کردن این بینش که نوعی احساس درونی است، ضرورت دارد و به برخی زمینه‌های شناختی و زمان طولانی نیاز دارد. برای رفع این مانع (محدودگری دین و آزادی‌خواهی جوان) توجه به این نکته لازم است که محدودیت، احساس درونی است و حاکی از بی‌میلی و بی‌انگیزگی است. بسیاری از دین‌داران بدون اینکه احساس محدودیت کنند، به دستورات دینی عمل می‌کنند. باید مفاهیم و تعالیم دینی را به شکلی برای جوانان بیان کرد که با ارائه الگوهای مناسب و با افزایش شناخت، آگاهی و معرفت، از روی میل و رغبت، به تعالیم دین عمل کنند.

■ دورنگری روحانیان و نزدیک‌بینی جوانان

روحیات جوان و ساختار دین با یکدیگر تعارضی ندارند، بلکه گاه نحوه ارائه مفاهیم دینی و نوع مفاهیمی که از دین عرضه می‌شود، سبب روی گردانی و حساسیت جوان می‌گردد. جوانان مایلند اثر دین را به‌طور ملموس در صحنه زندگی ببینند و می‌خواهند از آینده‌ای نزدیک به زمان

۱. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، ص ۴۵.

حال مطلع شوند؛ ولی در مقابل برخی روحانیان، مفاهیمی از دین را برای جوانان بیان می کنند که با توجه به روحيّات و خواسته های جوان برای آنها ملموس نیست. آنها چشم انداز دوری از دین و دین داری را برای جوانان بیان می کنند، ولی باید توجه داشت، جوانان با پذیرش مطالب تعبدی، میانه خوبی ندارند و گزاره هایی از دین را می پذیرند که توجیه عقلانی قابل قبول داشته باشد.

برای رفع مانع سوّم، امام جماعت باید موضوعاتی را برای صحبت و سخنرانی برای جوانان انتخاب کند که جوانان در زندگی بیشتر با آن رو به رو هستند.

۵-۱- شرکت دادن جوانان در مدیریت مسجد

امام جماعت، یکی از مهم ترین عناصر مدیریتی مسجد است که از نفوذ و تأثیر قابل توجهی برخوردار است و می تواند فعالیت های مسجد را در جهت خاصی هدایت نماید.

امام جماعت باید با دوراندیشی و بدون ایجاد حساسیت، در مدیریت و جهت دهی به فعالیت های مسجد، به موقعیت و اهمیت جوانان توجه داشته باشد؛ به طوری که جوانان، امام جماعت را نماینده مورد اعتماد تام^۱ اختیار خود بدانند.

در پایان، ذکر این نکته بسیار لازم و ضروری است که تلاش و فعالیت امام جماعت برای جلب جوانان به این معنا نیست که امام جماعت از سایر قشرهای نماز گزار غافل شود و فقط با جوانان ارتباط برقرار کند؛ به طوری که بزرگ سالان و پیران فکر کنند، امام جماعت برای آنها احترام قائل نیست، بلکه در هر صورت باید تعادل را حفظ نمود.

۲. خانواده

نقش خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، مسئله ای غیر قابل تردید است. تأثیر خانواده در فرزندان از نظر فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بسیار مهم و با ارزش است؛ زیرا آنان، مبانی زندگی را در آنجا فرا می گیرند و خوب و بد را از آنجا می آموزند. از این رو، بیشتر «بایدها» و «نبایدها» «خوبی ها» و «زشتی ها» و روحيّات کودک در خانواده پایه گذاری می شود.

کلاس اوّل تربیت و آموزش انسان در خانواده است و کودک دروس اوّلیه زندگی را از پدر و مادر و اطرافیان فرا می گیرد. اگر زبان والدین عربی باشد، کودک به زبان عربی آشنا می شود و اگر فارسی باشد، به زبان فارسی و اگر ترک باشد به زبان ترکی.... اگر خانواده اهل ساز، دهل، ترانه و تصنیف باشند، کودک

از همان خردسالی به‌طور نهادی آنها را می‌آموزد. اگر والدین (خانواده)، اهل مسجد و نماز و دعا و عبادت باشند، بر اساس قانون تبعیت کوچک‌تر از بزرگ‌تر، مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها پرداخته، خم و راست می‌شود و می‌بوسد.

به‌طور خلاصه، چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات اهل خانه (پدر و مادر) و اعمال آنها را می‌نگرند و گوش‌های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز مواظب حرکات و سکنت آنهاست؛ بر این اساس، ناگفته پیداست که اگر کانون خانواده گرم و دوستانه باشد و پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده افراد وظیفه‌شناس و اهل عبادت و مسجد باشند، به‌طور معمول، کودکانی سالم با شخصیتی مثبت و فعال در آن پا به عرصه جامعه خواهند گذاشت و گر نه افرادی بی‌بندوبار و لابلایی، بی‌نماز و بزهکار و بی‌دین و... وارد عرصه جامعه شده و چون مفسدند، فساد بار می‌آورند.

خانواده بستر شکفتن است و نقش الگویی آن در تربیت فرزندان بسیار حائز اهمیت است. الگو شدن در اخلاق و عمل و نقش اساسی آن در تربیت، دایره‌ای وسیع دارد و از کانون خانواده و تأثیر سرنوشت‌ساز رفتار پدر و مادر، بر فرزندان، تا معلمان و مربیان آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت و رؤسای ادارات و نهادها و عالمان دین (مانند امام جماعت مسجد) و در نهایت مسئولان عالی‌رتبه نظام را شامل می‌شود.

نکته شایان توجه اینکه باید دست‌اندر کاران در امر تربیت، در عمل الگو باشند و تنها دعوت‌گر زبانی نباشند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ الْإِسْتِغْنَاءِ؛ به وسیله کردار شایسته و اعمال نیک خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوت‌گر زبانی نباشید».^۱ آموزه‌های دینی، بزرگ‌ترین مسؤولیت خانواده (والدین) را تربیت صحیح فرزندان می‌داند. بر این اساس، در نظام تربیتی اسلام، تربیت خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتش نگه دارید».^۲

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود نیز در آن کار پایداری کن».^۳

بنابراین، خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط جوان با

۱. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹.

۲. تحریم، آیه ۶.

۳. طه، آیه ۱۳۲.

مساجد دارد. بسیاری از کارهای ناپسند تا به صورت عادت در نیاید در اجتماع انجام نمی گیرد. امام علی (علیه السلام) یکی از روش های تربیتی را عادت می داند که از آن به عنوان طبیعت دوم یاد می کند و می فرماید: «عَوْدُ نَفْسِكَ فِعْلُ الْمَكَارِمِ وَ تَحْمُلُ اَعْيَاءِ الْمَغَارِمِ تَشْرِفُ نَفْسُكَ وَ تَعْمُرُ آخِرَتَكَ وَ يَكْثُرُ حَامِدُوكَ؛ نفس خود را به امور نیک عادت دهید تا شرافت یابید؛ آخرت خود را آباد کنید و ستایش کنندگان را افزایش دهید»^۱.
بر این اساس، اسلام سفارش می کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقلید به فرائض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد.^۲

۳. دوستان

دوستان نه تنها با هم انس می گیرند و با مصاحبت و همنشینی، موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می سازند، بلکه هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی، در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می نماید و هر یک، خواه ناخواه بر عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می گذارند.
قرآن کریم از زبان اهل جهنم نقل می کند که: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا؛ ای کاش، فلانی را دوست صمیمی خود قرار نمی دادم».^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ دین و روش هر کس طبق مذهب و آیین دوست و همنشین خود خواهد بود».^۴

در روایتی از حضرت سلیمان (علیه السلام) آمده است که فرمود: «در باره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا دوستانش را ببینید؛ زیرا هر کسی به وسیله امثال و اقارانش شناخته می شود و به صفات همنشینان و دوستانش منسوب می گردد».^۵ تأثیر دوست همنشین در انسان به اندازه ای است که حتی می توان از نوع دوستان یک نفر، به آسانی به خصوصیات اخلاقی وی پی برد.

تو اوّل بگو با کیان زیستی

پس آنکه بگویم که تو کیستی

ارتباط و همنشینی افراد با یکدیگر زمانی میسر است که اخلاق و رفتار و ویژگی های آنان یکسان و همسو باشد. بنابراین، اگر دو نفر از لحاظ اخلاق و رفتار متضاد باشند، هرگز مصاحب و همنشین نخواهند شد. سعدی

۱. غرالحکم، ج ۱، ص ۱۸۵؛ همین منبع، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸.

۳. فرقان، آیه ۲۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲.

می‌گوید: هر که با بدان بنشینند اگر طبیعت آنان در او اثر نکند، به طریقت ایشان متهّم می‌گردد و اگر برای نماز خواندن به خرابات رود، به خمر خوردن منسوب شود.

رقم بر خود بنادانی کشیدی

که نادان را به صحبت برگزیدی

طلب کردم زندانی یکی پند

مرا فرمود: با نادان مپیوند

به تجربه ثابت شده، کسانی که با دوستان فاسدی همنشین بوده‌اند، عاقبت به انواع گناهان آلوده شده‌اند؛ زیرا آنها برای اینکه کمتر احساس گناه کنند و شریک جرم پیدا نمایند، سعی می‌کنند افراد دیگر را به سرنوشت غم‌انگیز خود گرفتار کنند. وقتی پای صحبت بسیاری از جوانان فاسد می‌نشینیم، درمی‌یابیم که عامل اصلی آلودگی خود را همنشینی با دوستان ناباب ذکر می‌کنند.

جوانی، به‌ویژه آغاز آن، زمان دوستی و دوست‌یابی است و جوان به شدّت از دوستان خود تأثیر می‌پذیرد. در خارج از خانه و خانواده، دوستان بر ارزش‌ها و بینش‌های جوان تأثیر زیادی دارند. از آنجایی که روابط دوستانه جوانان، قوی‌تر و مؤثرتر از دیگر رده‌های سنی است، اهمیت گروه دوستان بیشتر می‌شود.

این ویژگی ایجاب می‌کند که والدین فرزندان خود را در انتخاب دوستان صالح یاری کنند و مهم‌تر اینکه خود برای او دوستی صمیمی باشند؛ آنها باید ضمن انجام دادن وظیفه پدری و مادری و انجام وظایف شرعی، دوستانی خوب و صمیمی برای جوانشان باشند و به‌گونه‌ای غیرمستقیم بر دوستان و دوست‌یابی فرزند خود نظارت کنند و ملاک‌های دوست خوب و اهمیت دوست و دوستی را برای جوانان بازگو کنند تا فرزندشان به وسیله دوستان مؤمن و مسجدی به آموزه‌های دینی از جمله مسجد علاقه‌مند شوند.

نکته درخور توجه این است که بسیاری از نمازگزاران که در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند، می‌توانند مبلغ عملی مسجد و نماز جماعت باشند و با بیان لذاذذ معنوی، همسالان خود را به این امر ترغیب و تشویق کنند؛ زیرا جوانان در موقع ورود به مسجد اعمال خویش را ارزیابی می‌کنند و با دیدن همتایان خود در مسجد در تصمیم خود مصمم‌تر می‌شوند.

۴. امکانات و فعالیت‌های مسجد

گسترده‌گی فعالیت‌ها و امکانات مسجد از نقاط قوّت آنهاست. روحیات و نیازهای جوانان با فضای سنتی مساجد که فقط مکانی برای برپایی نماز جماعت و مراسم‌های دینی است، تفاوت دارد. با توجه به ابزارها و

شیوه‌های نوین فرهنگی، امروز مساجد بدون امکانات و فعالیت‌های گوناگون و حساب شده، با سایر مراکز و ابزار به ظاهر فرهنگی قادر به رقابت نخواهند بود.

۱-۴- امکانات

با توجه به روحیات و فضای فرهنگی جامعه، مسجد برای جلب جوانان باید دو نوع امکانات داشته باشد: امکانات فرهنگی و امکانات ورزشی، مثل توپ و دروازه فوتبال، میز تنیس، راکد بدمیتون، فوتبال دستی، توپ و تور والیبال. اگر از طرف مسجد، مکانی برای ورزش جوانان در نظر گرفته شود یا با برنامه‌ریزی و هماهنگی هیئت امناء، جوانان مسجد امکان استفاده از امکانات ورزشی در سطح شهر را با تخفیف ویژه داشته باشند، بسیار خوب است.

کانون فرهنگی، روزنامه‌ها و مجلات، کامپیوتر، کتابخانه، نوارخانه، بانک سی‌دی و ویدئو کلوپ از امکانات فرهنگی مسجد است که با مدیریت صحیح می‌تواند برای مسجد درآمدزا نیز باشد و به توسعه امکانات فرهنگی کمک کند.

۲-۴- فعالیت‌ها

جوانان روحیات گوناگونی دارند. برخی به ورزش، برخی به هنر و برخی به نویسندگی و... علاقمند هستند. مسجد برای جلب جوانان، باید فعالیت‌های متعددی انجام دهد، تا بتواند هر گروه از جوانان را با یک شیوه خاص جلب کند. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از:

برگزاری مسابقات

برگزاری مسابقات یکی از فعالیت‌های پر دامنه و کم‌هزینه مسجد است که در صورت مدیریت صحیح درآمدزا نیز خواهد بود. به طور مثال، در ماه مبارک رمضان بعد از نماز جماعت و سخنرانی، در شب، مسابقات ورزشی برگزار شود. این نوع مسابقات با روحیه بیشتر جوانان سازگار است.

برگزاری مسابقات خطاطی، نقاشی، نویسندگی، خاطره‌نویسی، عکاسی و طراحی در موضوعی متناسب با مناسبت‌های مذهبی در رده‌های سنی گوناگون مؤثر است.

برخی از این مسابقات را می‌توان در سطح کل شهر و یا حتی کشور برگزار نمود. حضور امام جماعت در هنگام برگزاری مسابقات یا اعلام نتایج در ایجاد و گسترش ارتباط او با جوانان مؤثر است.

همچنین، مسابقات حضوری به صورت پرسش و پاسخ در مسجد هنگام مراسم‌هایی که در مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود، همراه با اهدای جوایز، قابل توجه است.

سفرهای زیارتی و سیاحتی

جوانان روحیه پرشور و بانشاطی دارند که در راه هدایت آنها باید از این روحیه استفاده نمود. مسافرت، ابزار مناسبی در این راستاست. مسافرت، علاوه بر اینکه سبب شادابی و طراوت روح و روان می‌شود، ابزار فرهنگی و تبلیغاتی مناسبی است که اگر مسئولان اردو به آن توجه کنند، بسیار مفید خواهد بود. البته در اردو و مسافرت‌های دسته‌جمعی جوانان از طرف مسجد که با حضور امام جماعت، برخی از اعضای هیئت امناء و جوانان متعهد مسجدی و سایر جوانان برگزار می‌شود، باید به نکات ذیل توجه و دقت شود:

■ مکان و محل اردو

مسئولان اردو باید مکانی را انتخاب کنند که فقط تفریحی یا فقط زیارتی نباشد، بلکه باید به هر دو جنبه توجه شود؛ به‌طور مثال مشهد مقدس و مناطق جنگی جنوب، هم جنبه زیارتی دارد و هم جنبه سیاحتی.

■ زمان اردو

زمان برگزاری اردو و مدت آن نیز در جهت‌دهی به محتوا و بار معرفتی آن مؤثر است. به‌طور مثال، برگزاری اردو در روز عرفه در مناطق جنگی جنوب، جهت برگزاری دعای عرفه مفید است؛ به‌طوری که اردو دو روز قبل از روز عرفه آغاز و یک روز بعد تمام شود؛ یعنی اردو فقط مذهبی نباشد؛ بلکه تفریحی نیز باشد. همچنین، اردو برای زیارت مسجد مقدس جمکران و برگزاری دعای توسل در شب‌های چهارشنبه مؤثر است. در صورت موافقت جوانان، مسافرت برای دیدار با علما و عرفا نیز توصیه می‌شود.

■ نکات جانبی

گاهی ممکن است زمان و مکان اردو، همه اهداف مسئولان فرهنگی مسجد را برآورده نکند و یا اینکه به دلیل موقعیت خاص مسجد، نسبت به اماکن زیارتی و تفریحی، مشکلات اقتصادی، روحیات و انتظارات خاص جوانان، برگزاری اردو در زمان یا مکان مطلوب و ایده‌آل، ممکن نباشد. در این صورت توجه به مسائل حاشیه‌ای و ضمنی اردو، گامی بلند در راستای دستیابی به اهداف درازمدت و ارزشمند تربیت دینی است. این مسائل، بدون اینکه سبب حساسیت جوانان حاضر در اردو شود، به‌طور غیرمستقیم، بسیاری از مفاهیم دینی را به جوانان منتقل می‌کند و فضای کلی اردو را دینی می‌نماید. به‌طور مثال، مسجد، در تابستان بعد از اتمام امتحانات، اردوی چند روزه در مناطق سرسبز شمال یا یکی از مناطق خوش آب‌وهوای نزدیک به شهر برگزار کند. این اردو از نظر زمان و مکان مذهبی نیست، ولی می‌توان فضای آن را دینی نمود. در این راستا توجه به نکات زیر لازم است:

۱- نام اردو بسیار مهم است و در جهت‌دهی کلی آن اثر می‌گذارد. به‌طور مثال، نام اردو «به رنگ سبز انتظار» یا «منتظران»، یا «سربازان جوان» و سایر مفاهیمی باشد که با فرهنگ مهدویت در ارتباط است.

- ۲- برگزاری مراسم دعا و پخش اذان، نماز جماعت، سخنرانی دینی و مسابقات کتبی و شفاهی با موضوعات احکام فقهی و مسائل عقیدتی بسیار مهم و مؤثر است.
- ۳- حضور امام جماعت در اردو و صحبت‌های موردی و شخصی با جوانان در آگاهی از نظرات و بحران‌های جوانان مؤثر است. حضور سایر بزرگان مذهبی محل نیز مفید است.
- ۴- زمانی که جوانان در اتوبوس هستند، آوای مذهبی مثل نوار تواشیح، مدّاحی، مولودی خوانی، قرآن با صوت زیبا و مناجات‌نامه، البتّه با رعایت اعتدال پخش شود.
- ۵- از ابتدای اردو، به‌طور داوطلب هر کس قرائت تعدادی صلوات و چند جزء از قرآن را به نیت هدیه به محضر آقا امام زمان علیه السلام بر عهده بگیرد.
- ۶- برای انجام کارهای اردو، گروه‌های گوناگونی تشکیل شود و هر کدام یک نام دینی داشته باشد. به‌طور مثال، گروه صداقت، جوانمردی، سلام، احسان، ایمان، توحید. همچنین، هر اتوبوس نامی با محتوای دینی داشته باشد. مثل نماز، امر به معروف و نهی از منکر، عفت و حرمت.
- در یک کلام، اردو به سمتی پیش رود که علاوه بر بار معنوی و روحانی، سبب دل‌زدگی جوانان نشود و آنها خاطره خوبی از اردو داشته باشند.

مجلّه محلی

جوانان، توانایی‌ها و استعدادهای فراوانی دارند که استفاده بهینه و شکوفاسازی آن استعدادها در ایجاد اعتماد به نفس در جوانان و مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است. یکی از این امور که در پر نمودن اوقات فراغت و رشد علمی و اجتماعی جوانان بسیار مؤثر است، راه‌اندازی مجله محلی در مسجد است. این کار هر چند در ابتدا با مشکلات و نوسانات جدی رو به رو است، ولی اولین دستاورد آن، تداوم کار را تقویت می‌کند. این مجله با نویسندگی و همکاری همه اعضای مسجد، اعم از نمازگزاران، هیئت امناء، امام جماعت و جوانان محل، در موضوعات اجتماعی و محلی تدوین و چاپ شده و در خانه‌های محل توزیع می‌گردد. هر یک از افراد، به‌ویژه جوانان با توجه به توانمندی و علاقه‌اش، قسمتی از کار را بر عهده می‌گیرد؛ البتّه بهتر است برخی مطالب توسط امام جماعت و هیئت امناء نوشته شود.

احکام فقهی، مسائل عقیدتی، تفسیر قرآن و روایات به صورت گذرا و جالب، شخصیت‌شناسی شخصیت‌های بزرگ دینی و ملی، مطالب مورد نیاز و علاقه جوانان با عنوان‌های جالب و متنوع مثل «پسران نخوانند، دخترها بدانند»، مصاحبه با اعضای محل در رده‌های سنی و اجتماعی مختلف، می‌تواند

برخی از موضوعات مجله محلی مسجد باشد.

مهم‌ترین مشکل این طرح، مسائل اقتصادی و تأمین هزینه آن است؛ ولی این مسأله قابل حل است؛ زیرا از یک سو، می‌توان کمک‌های نقدی قابل توجهی را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، امور مساجد و سازمان تبلیغات دریافت نمود و حتی می‌توان برای چاپ و نشر مجله، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز دریافت کرد و از سوی دیگر، چون هیچ یک از مؤلفان، مبلغی را دریافت نمی‌کنند و با انگیزه اینکه در مجله خودشان مطلب می‌نویسند و اهل محل آن را می‌خوانند، پژوهش و نویسندگی می‌کنند، هزینه‌ها به حداقل کاهش می‌یابد. به علاوه، جهت طراحی و تایپ مجله نیز به طور معمول، پایگاه‌های بسیج به کامپیوتر مجهز هستند و با توجه به گستردگی مهارت‌های کامپیوتری، به خصوص تایپ، مشکل چندانی وجود ندارد. گذشته از اینکه کامپیوترهای شخصی نیز فراوان است.

به طور خلاصه، همه اقدامات مجله باید بر اساس روحیه مشارکت و تعاون، به طور رایگان انجام شود؛ به این ترتیب باید از امکانات، حداکثر استفاده را نمود و هر کس را به اندازه توانایی‌اش در این امر شرکت داد. در صورتی که موارد فوق محقق نگردد، تهیه مجله محلی مسجد با مشکلات جدی رو به رو می‌گردد.

۵- کلاس‌های آموزشی

یکی از مهم‌ترین ابعاد مسجد، مسائل آموزشی آن است. هر چند غالب جوانان از درس و کلاس گریزان هستند، ولی برگزاری برخی کلاس‌های آموزشی مورد علاقه جوانان در جلب آنان مؤثر است. کلاس‌های آموزشی، ورزشی و هنری، علاوه بر اینکه به امکانات زیادی احتیاج ندارد، مورد علاقه و اشتیاق جوانان است. این کلاس‌ها را می‌توان در رشته‌های خیاطی، گل‌دوزی، گل‌سازی، هنرهای دستی، خطاطی و نقاشی و طراحی، عکاسی، فیلم‌برداری و ورزش‌های رزمی برای خانم‌ها و آقایان برگزار نمود. برای افزایش سطح کمی و کیفی کلاس‌ها، هیئت امنای باید با بخش آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش هماهنگی لازم را به عمل آورد.

برگزاری برخی کلاس‌های کمک‌درسی، آموزش زبان و کامپیوتر در مسجد و یا خارج مسجد، ولی با برنامه‌ریزی و هماهنگی مسجد نیز ممکن است.

۶- بهادادن به جوانان

ستایش خواهی و جلب توجه، دو نوع از خواسته‌های جوانان در عرصه ذهن و عاطفه است. بنابراین، بها

دادن به جوانان عامل مهمی در راستای تأمین خواسته و جلب توجه آنان به مسجد است. البته این به معنای اختیارات زیاد و غیرمنطقی جوانان و یا پذیرش هر نوع نظر و سلیقه آنها نیست. به هر حال، احترام و بها دادن به شخصیت جوان و مسئولیت دادن به او از شیوه‌های مهم تربیتی شمرده می‌شود. جوان، با همه مشکلات و واقعیات دوره جوانی، برای ایفای نقش و انجام مسئولیت‌های مختلف توانایی بسیار دارد. عدم اعتماد به جوان و بی‌توجهی به توانایی‌های وی، مانع شکوفایی استعدادهاست و در نتیجه، به عدم رشد مطلوب جوان می‌انجامد. به‌طور کلی، علاوه بر مطالب فوق، دیگر مصادیق احترام و بهاء دادن به جوانان عبارت‌اند از:

■ عضویت در هیئت امنای مسجد

هیئت امناء، هیئت مدیره مسجد است که همه فعالیت‌های مسجد را سمت و سو می‌دهد. بنابراین، عضویت یکی از جوانان متعهد و مؤمن مسجدی در هیئت امنا به نوعی بها دادن به جوانان است. این اقدام باید سبب ایجاد رقابت سازنده میان جوانان، برای به دست آوردن این پست باشد.

■ مشورت و نظرخواهی از جوانان

شایسته است بزرگ‌ترها، اعضای هیئت امنا و امام جماعت، برای فعالیت‌های گوناگون مسجد، نظر جوانان را جویا شوند و در صورت امکان، پیشنهادهایشان را اجرا کنند. این اقدام، سبب خودباوری و احساس شخصیت در جوانان می‌شود. آنان، از اینکه می‌بینند با آنان مشورت می‌شود و نظرهایشان در تصمیم‌گیری‌های مسجد اثر دارد، خوشحال هستند و مسجد را از خود می‌دانند. در نتیجه، پیوسته در مسجد حاضر خواهند شد.

■ واگذاری فعالیت‌های مسجد به جوانان

نظر به اینکه جوانان مشتاق هستند در فعالیت‌های گروهی و جمعی شرکت نمایند و در این ارتباط به آنان بها داده شود، لازم است از آنان در انجام کارهای مسجد، نظیر پی‌گیری فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی دعوت به عمل آمده و آنان را در این ارتباط ترغیب و تشویق کنند. به عنوان مثال، پی‌گیری انجام برنامه اعتکاف در یک مسجد توسط جوانان صورت گیرد. موضوع ثبت‌نام را به آنان واگذار کرده و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نظرات آنان نیز خواسته شود یا آنان را برای پی‌گیری نیازهای فرهنگی مسجد به ادارات تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه روانه سازند یا برای مثال، در یک مراسم، برنامه

پذیرایی بر عهده جوانان باشد. در هر صورت، باید به آنها بها داده شود و همچون بزرگان از مشارکت‌های آنان در فعالیت‌های مسجد استفاده گردد. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط جوانان تناسب دارد و سبب جلب و جذب جوانان به مسجد می‌شود.

۷- تبلیغات دینی

امروز تبلیغات در انتقال، ترویج و حتی ایجاد یک فرهنگ در جامعه، نقش مهمی دارد. با توجه به جنبه‌های روانی و احساسی تبلیغات و اثرپذیری و روحیات جوان، به نظر می‌رسد با تبلیغات هوشمندانه دینی، بتوان جوانان را در مسیر دین‌داری و مسجد ثابت قدم نگاه داشت. در این باره بیان چند نکته لازم است:

الف) در فضاهای آموزشی، همچون دبیرستان‌ها و مدرسه‌ها، زمینه مناسبی برای تبلیغات دینی وجود دارد. نصب پوسترهای رنگی و جذاب در قالب اطلاع‌رسانی، شیوه تبلیغاتی مناسب به شمار می‌آید. پخش جزوه و بروشور درباره مسجد در میان دانش‌آموزان نیز مفید به نظر می‌رسد.

ب) نصب پلاکاردهای زیبا، درباره فضیلت و آثار مسجد و نماز جماعت در مکان‌های حضور جوانان، همچون میدان‌های ورزشی، قابل توجه است.

ج) پخش نوار مناجات از مسجد پیش از اذان و نماز و آماده‌سازی فضا، برای برگزاری نماز نیز از راه‌های تبلیغات دینی هستند.

۸. دعوت از شخصیت‌های موجه و محبوب جوانان

انسان در مراحل گوناگون زندگی خویش به الگو نیاز دارد؛ زیرا با افزایش سن و تجربه‌های ذهنی، تقلید به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد و در حیطه اراده قرار می‌گیرد. در این حال، فرد می‌کوشد خود را با شخص یا اشخاصی که افرادی قابل قبول هستند، همسانی کند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد.^۱

یکی از خواسته‌های اجتماعی جوانان، الگوپذیری است. آنان در جامعه، خواستار کسانی است که در رفتار و گفتار برای آنان الگو باشند.^۲

هیئت امانا باید شخصیت‌های محبوب جوانان را در سطح شهر شناسایی کرده و آنان را به مسجد دعوت

۱. اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی، ص ۶۷-۶۸.

۲. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، ص ۴۹.

کند تا در جمع نمازگزاران حاضر شوند یا اینکه اگر شخصیت برجسته و توانایی است، مراسم سخنرانی برای او تشکیل دهند. این کار با مشورت و همکاری خود جوانان امکان پذیر است. برای مثال، معلمان و مدیران به مسجد فراخوانده شوند. این کار باید از نظر تبلیغاتی و فرهنگی به خوبی پوشش داده شود. برای مثال، با نصب پلاکارت در مقابل در مسجد به مدیر دبیرستان خیر مقدم گفته شود.

به طور کلی، دعوت از هنرمندان، ورزشکاران و دیگر شخصیت های محبوب جوانان، برای حضور در میان نمازگزاران، حرکت مثبتی است که چگونگی آن را موقعیت جغرافیایی مسجد و سطح فرهنگی محل تعیین می کند.

۹. توجه به شکل ظاهری مسجد

از آنجا که طبع جوانان، پاک و آرام است، به مکان های پاکیزه، آرام، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش پیدا می کنند و از مکان هایی که از پاکیزگی لازم برخوردار نیست، دوری می کنند. از این رو، برای جذب آنان به مساجد باید این مکان ها را آراسته و پاکیزه نمود. فرش های مسجد باید تمیز و پاکیزه باشند. روشنایی مسجد در حد مطلوب باشد. نمازگزاران با لباس های پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند. مسجد از آرامش لازم برخوردار باشد. به مسائل دنیوی کمتر پرداخته شود و بیشتر مسائل اخروی مورد اهتمام قرار گیرد. مؤمنان به یکدیگر احترام گذاشته و همدیگر را به صبر، شکیبایی و خصلت های نیکو سفارش کنند.

مسجد، همواره معطر و خوشبو و از رنگ آمیزی شادی برخوردار باشد. رنگ ها علاوه بر آثار و ابعاد عرفانی، از نظر روحی و روانی نیز بر افراد اثر داشته، سبب نشاط یا خمودگی می گردند.

یکی از اندیشمندان در مورد تأثیر رنگ ها می گوید: رنگ ها در هنر، جنبه ای کیمیایی دارد و آمیختن آنها، خود یک هنر، مشابه کیمیگری است.... هر رنگ دارای تمثیل خاص خود است.... همچنین، هر یک دارای رابطه ای با یکی از احوال درونی انسان و روح اوست....^۱

تأثیر روانی رنگ به حدی است که می توان به زبان ریاضی و قوانین علم فیزیک و با اندازه گیری میزان تشعشعات آنها تأثیر هر رنگی را سنجید. علاوه بر این تأثیر، قدرت نمادین رنگ ها قابل توجه است.

رنگ در، دیوار، فرش، سجاده و پارچه ها و پرچم هایی که بر دیوار نصب می شود، باید به رنگ های روشن، شفاف و شاد باشد تا سبب طراوت و شادابی محیط گردد. متأسفانه امروز در بیشتر مساجد به این عامل توجه

۱. معماری مسجد، ج ۲، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد، افق آینده، ص ۴۴۷ به نقل از تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۳۹۷ به نقل از ایران، پل فیروزه، حسین نصر.

نمی‌شود. همچنین، یکی از عواملی که سبب شور و نشاط بیشتر محیط می‌شود، نحوه برخورد مسجديان و نمازگزاران است. در این برخوردها باید علاوه بر رعایت احترامات اجتماعی، طراوت و سَرزندگی خاصی موجود باشد و در قالب برخوردهای خشک، مقدّس‌نمایی و تعصّب گرا و پیرپسندانه خلاصه نگردد. به خاطر داشته باشیم که جوان با مشاهده این برخوردها در مورد حضور یا عدم حضورش در مسجد تصمیم می‌گیرد.

۱۰. بیان مباحث مورد نیاز جوانان در مسجد

جنبه آموزشی و معرفتی مسجد، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن است. شبهات فکری و دینی فراوانی در ذهن جوانان نقش بسته است و آنان را به دنبال مکان‌هایی می‌کشاند که به شبهات‌شان پاسخ دهد. با راه‌اندازی گفتمان‌های دینی در مساجد و دعوت از استادان مجرب برای این منظور، جوانان حضور فعال‌تری در مساجد پیدا خواهند کرد و زمینه پاسخ به سوالات آنان فراهم خواهد شد و این امر موجب افزایش توان تحلیل آنان در مباحث اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی شده و احساس شخصیت را در آنها جدّی‌تر می‌کند؛ بدین ترتیب، حضور آنان در مساجد پررنگ خواهد شد. پس، نیاز است که در مساجد بیش از پیش جلسات گفتمان و مشاوره دینی تشکیل شود و هیئت امانا و امام جماعت با جلسه‌های ویژه‌ای برای جوانان، مطالبی را بر اساس نیازها و پیشنهادهای آنان مطرح کنند؛ به عنوان مثال، برخی از مسائل مرتبط با اقشار جوان عبارت‌اند از: مسائل بلوغ، روابط دختر و پسر، ازدواج، تحصیل، بررسی آثار تحصیل و تربیتی نماز، نقش نماز در زندگی زوج‌های جوان و عشق مجازی یا حقیقی و....

۱۱. توجّه به پیش‌نیازها

حضور در مسجد، یک رفتار دینی است که مستلزم برخی پیش‌نیازهاست و بدون تحقّق آنها، نمی‌توان انتظار داشت که جوانان در مسجد حاضر شوند. بر این اساس، گاهی اوقات مشاهده می‌شود با وجود اینکه مسجد محل از نقاط قوّت زیادی برخوردار است، ولی برخی جوانان به مسجد جلب نشده‌اند! جوانی که اوقات خود را با تماشای فیلم‌های مبتذل و سیر در اینترنت و کافی‌نت‌ها می‌گذرانند، اعتقاد راسخ و حقیقی به مبدأ و معاد ندارد، اهل نماز نیست، از هر راهی کسب و کار می‌نماید، دل بسته دنیا و مظاهر آن است، دین‌داری را نشانه عقب‌ماندگی فکری و فرهنگی می‌داند، با موانع شناختی و رفتاری مواجه است که حضور او در مسجد تنها پس از رفع این امور میسر می‌شود.

۱۲. ترغیب و تشویق

تشویق، یکی از مهم‌ترین ابزار تربیتی است که برای برانگیختن و شکوفاسازی استعدادهای انسان برای رسیدن به کمال، قابل بهره‌گیری است. نقش تربیتی و مثبت تشویق این است که نیروهای خفته آدمی را برمی‌انگیزاند و میل به تلاش و شادابی را فراهم می‌سازد. تشویق باید بجا، متناسب و متوازن با میزان و نوع عمل باشد و روحیات، گرایش‌ها و شخصیت فرد در نظر گرفته شود تا بیشترین تأثیر را در وی داشته باشد.^۱ تشویق، با دو خواسته جوان، هم‌خوانی کامل دارد: جوان ستایش‌خواه است و می‌خواهد جلب توجه کند. جوان شایسته تحسین و تمجید است و به ستایش‌ها دل می‌بندد و حاضر است خود را فدای کسی کند که صلاحیت و شایستگی او را تأیید کرده یا به بیان توانایی‌هایی او پرداخته است. او برای جلب توجه دیگران حتی به عوامل زیان‌بخشی همچون سیگار روی می‌آورد تا بتواند خود را نشان دهد.^۲

تشویق جوانی که در مسجد حاضر شده، به گونه‌ای که با شخصیت و روحیات او موافق باشد، پاسخی به خواسته‌های درونی او در زمینه ذهن و عاطفه‌اش است که دوام حضور او و آغاز حضور دیگر جوانان را نوید می‌دهد. با توجه به روحیات جوان، این تشویق نباید طوری باشد که نتیجه عکس داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تشویق مستقیم، این توهم را در تشویق‌کننده ایجاد می‌کند که جوانان در مقابل ارزش‌های مادی واکنش می‌دهند و جذب می‌شوند، در حالی که شاید این گونه نباشد؛ بنابراین، تشویق‌ها باید غیرمستقیم و تا حد امکان در مقابل انجام کاری باشد.

با توجه به روحیات جوانان، راه‌های زیر برای تشویق آنها در مسجد توصیه می‌شود:

■ معرفی جوان نمونه

مناسب است جوان نمونه در طول هفته یا ماه یا فصل یا سال برگزیده و معرفی گردد. این معرفی به شکل اعلام در تابلو اعلانات یا در ضمن برنامه‌های مسجد، در مناسبت‌های مذهبی امکان‌پذیر است. شایسته است قبل از اعلام، امام جماعت در مورد اهمیت جوان و جوانی در اسلام صحبت کند و از جوانی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یا علما و عرفا، حکایتی را نقل نماید. سپس هدیه‌ای به رسم یادبود به جوان نمونه تقدیم شود.

■ جایزه ویژه

برخی جوانان در مدت خاصی پا به مسجد گذاشته و در آن ثابت‌قدم می‌شوند. بهتر است این فرصت را غنیمت شمرده و برای تداوم حضور او جایزه ویژه‌ای را تهیه نمود. به‌طور مثال، جوانی در ماه رمضان، در

۱. اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی، صص ۱۵ و ۱۱۸.

۲. رک: قائمی، علی، جوانان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، صص ۴۳ و ۴۴.

مراسم نماز جماعت، سخنرانی دینی، دعا، نیایش و مراسم شب‌های قدر به‌طور منظم و فعال حضور داشته است! بهتر است چنین فردی در عید فطر در میان نمازگزاران نماز عید، مورد تشویق قرار گیرد و به عنوان جوان نمونه، معرفی شود.

۱۳. نظم و برنامه‌ریزی مسجد

مسجد باید منظم باشد. معلوم باشد چه ساعتی در مسجد باز و چه ساعتی بسته می‌شود تا مردم سرگردان و بالاتکلیف نباشند. متأسفانه بیشتر مساجد کشور فقط در مدت محدود نماز باز بوده و نقشی در اجتماع و حلّ معضلات فرهنگی و اجتماعی ندارند.

در همه برنامه‌های مسجد، باید نظم برقرار باشد. نکته شایان توجه این است که مسجد برای هر سلیقه و جمعیتی باید برنامه مناسب داشته باشد. برای کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و... باید برنامه خاصی داشت. برنامه دعا برای آنها که اهل دعا هستند، کتابخانه و سالن مطالعه برای آنها که اهل کتاب و مطالعه هستند و برای جوانان آنچه مناسب سلیقه جوانان است، برنامه‌ریزی شود.

۱۴- تقویت پایگاه‌های بسیج

بسیاری از جوانان از مراکزی که ماهیت دینی دارند و به قصد تغییر و تأثیر بر جوانان فعالیت می‌کنند، استقبال نمی‌کنند. جوانان از محیط‌های خشک و رسمی، با قوانین متعدد، چندان راضی نیستند و مکانی را می‌طلبند که در آن آزاد باشند. با توجه به فضا و محتوای با نشاط بسیج، به نظر می‌رسد، محیط جوان‌پسندانه بسیج، در جلب جوانان به مسجد مؤثر باشد. در بسیاری از موارد، جوانان ابتدا جذب بسیج و سپس در مسجد حاضر می‌شوند؛ از این رو، شایسته است که پایگاه‌های بسیج از جهت امکانات و موقعیت تقویت گردد تا زمینه‌های بیشتری را برای جلب و هدایت جوانان به وجود آورند.

۱۵- ایجاد تشکیلات مخصوص جوانان

مسجد برای جلب جوانان، می‌بایست اقدامات گوناگونی را در جنبه‌های مختلف انجام دهد. برای هر چه بهتر انجام شدن این اقدامات باید دفتری به نام دفتر جوانان در مسجد تشکیل شود تا اقدامات گوناگون در مورد جوانان را به‌طور منسجم، هدایت و سرپرستی نماید. مسئول این دفتر بهتر است همان جوان متعهد و مسجدی باشد که عضویت هیئت امنا را دارد.

تشکیل چنین دفتری، این احساس را در جوانان تقویت می‌کند که مسئولان مسجد، به جوانان احترام

می‌گذارند و برای آنها جایگاهی در مسجد تعریف شده است.

این دفتر، برنامه‌ریزی و اجرای کلیه امور فرهنگی، آموزشی و عبادی جوانان را برعهده دارد و پاسخگوی جوانان مراجعه‌کننده خواهد بود. در تابلو اعلانات این دفتر اطلاعیه‌ها و نکاتی مربوط به ویژگی‌ها، نیازها، چالش‌ها، آسیب‌ها، مصلحت‌ها و امور مشاوره‌ای جوان قابل نصب است. تنظیم و نشر بروشور در مورد جوانان از دیگر اقدامات این دفتر است.

نتیجه‌سخن

جوانان به عنوان آینده‌سازان جامعه اسلامی از بزرگ‌ترین سرمایه‌ها به شمار می‌روند و تلاش در جهت توسعه آگاهی‌های دینی آنان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اگر میزان معرفت جوانان به آموزه‌های دینی و معارف دین از رشد و نمو مطلوبی بهره‌مند باشد، شخصیت دینی آنان به گونه‌ای شایسته شکل خواهند گرفت و هنگام ورود به جامعه اسلامی، تأثیر به‌سزایی در آن جامعه پدید خواهند آورد؛ اما اگر از تربیت دینی لازم برخوردار نباشند، زمینه اصلاح جامعه فراهم نخواهند شد. مسجد، به عنوان یکی از مکان‌های مقدّس که کانون انسان‌سازی است، می‌تواند شخصیت جوان را مطابق آموزه‌های دینی بارور سازد و روح خداجویی و عدالت‌خواهی را در اعماق وجود آنان ریشه‌دار سازد. از این رو، لازم است راهکارهای جذب جوانان و هدایت آنان به مساجد، شناسایی و مورد اتمام قرار گیرد تا به تدریج زمینه‌های حضور فعال‌تر جوانان در مساجد فراهم شود.

نکته شایان توجّه این است که بر اساس آمارهای موجود پس از انقلاب، میزان رشد جمعیت جوان و نوجوان کشور «در شهرها ۱۰۹ درصد و در روستاها ۶۳ درصد» بوده است. بنابراین، اکنون جمعیت کثیر جوانان، بخش بزرگی از مخاطبان دستگاه‌های فرهنگی، مذهبی و تربیتی کشور را در برمی‌گیرد. شعار جوان‌گرایی در سال‌های اخیر در قالب مسائل مختلف بسیاری گفته شده و به دلیل عمل نشدن به آن، دلزدگی جوانان را در پی داشته است. از این رو، در این مورد باید تلاش بر این باشد که همان مباحث با همان رویکرد شکل نگیرد و جذب جوانان به مساجد با تمامی ابزارهای مادی و معنوی دنبال شود تا مبادا دشمن از این فرصت سوء استفاده کرده و جوانان را در چنگال خود گیرد.

هم‌اکنون با گسترش وسایل ارتباط جمعی و تنوّع اهرم‌های مورد استفاده غرب، این تهدید وجود دارد که جوانان ساده‌دل به راحتی جذب امیال دنیوی شوند. امروز بیرون آوردن جوانان از محیط بسته خانه و جذب آنها به بطن جریانات اجتماعی و دینی برای حضور در مساجد، از مهم‌ترین کارها به شمار می‌رود تا

شاهد جوانان خواب‌آلود و چشم‌دوخته به صفحه مانیتور رایانه نباشیم؛ حتی می‌توان این تهدید را به فرصت تبدیل کرد و از این وسایل علیه مقاصد غرب استفاده کرد. این مهم در صورتی عملیاتی می‌شود که مساجد و وعّاظ و ائمه جماعات و جمعه خود را به علوم روز مجهّز کرده و تلاش کنند که از همین وسائل برای جذب جوانان استفاده کنند.

به هر تقدیر، باید گفت روح حقیقی مسجد که همه زیبایی‌ها را در خود دارد، هنوز به‌طور کامل، در معرض دید جوانان قرار نگرفته است. روش‌های جذّاب در ایجاد گرایش، به کار گرفته نشده و مسجد با سابقه نزدیک به ۱۵ قرن و با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هنوز از رونق شایسته و بایسته‌ای که در خور این مکان مقدّس باشد، برخوردار نیست.

جوان، همواره عاشق خلاقیت و نوآوری بوده و مسائل جدید او را به سرعت جذب می‌کند. اقدامات ابتکاری، به خصوص اقداماتی که در صدد رفع موانع حضور جوانان در مسجد است، می‌تواند شاه‌کلید جذب آنان به مساجد بوده و برای این مأمّن دینی، پویایی را به ارمغان آورد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۲. آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ هـ. ش.
۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۴. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت.
۵. —، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۶. گروه نویسندگان، ترجمه: دکتر احمد به پژوه و دکتر رمضان دولتی، روان شناسان بزرگ، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم.
۷. مکاتب و نظریه ها در روان شناسی شخصیت، انتشارات رشد آموزش و پرورش برای آینده، کارشناسان یونسکو، ص ۱۲۲، مرکز تحقیقات آموزشی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۸. هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ترجمه: محمدجعفر مصفا، انتشارات بهجت، چاپ پنجم، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۹. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته ها و مصالح، تهران، دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۰. موحدنیا، فریدون، عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به فرهنگ بیگانه، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۱. معماری مساجد، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد، تهران، افق آینده، دانشگاه هنر، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۲. اسحاقی، سیدحسین، سلوک علوی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ. ش.



مدیریت
مسجد

شماره ۳

مدیریت مسجد؛ مبانی، مبادی و ضرورت‌ها

سید عبدالله حسینی

چکیده

مسجد، قلب تپنده جامعه اسلامی است که در آن، هم دین و هم اجتماع مسلمانان تبلور می‌یابد. بر این اساس، شایسته است که هنگام بحث درباره مدیریت مسجد، از مدیریت ویژه سخن گفت. مبحث مدیریت مسجد، با توجه به گستردگی مساجد و کاربردی بودن آنها و نیاز مبرم به شیوه‌هایی که باعث افزایش کارایی مساجد شود، ضروری است. نگارنده برای تبیین موضوع پژوهش، در پنج فصل سخن گفته است: در فصل اول، ضرورت مدیریت مسجد و مبانی مدیریت مسجد را بررسی کرده است. در این فصل، هدف اصلی تبیین پیش فرض‌ها و اهمیت مدیریت مسجد بود تا با آگاهی و شناخت کافی از جوانب موضوع و اهمیت آن، به بررسی موضوع مدیریت مسجد پرداخته شود. در فصل دوم، وی به تشریح مبانی دیدگاه‌های مختلف در مدیریت مسجد پرداخت. مبنای بحث این بود که داده‌ها، تجربیات و دانش مدیریت، در مدیریت امور مسجد بیشتر در سطح نظری تطبیق کند؛ البته آنچه بیش از همه در مدیریت مسجد اهمیت دارد، کاربردی کردن این داده‌ها، تجربیات و دانش است که در حقیقت، فن مدیریت است، نه دانش مدیریت. در فصل سوم، نگارنده مبادی مدیریت مسجد را مورد بحث قرار داد و در این راستا به تبیین پیشینه و جایگاه دانش مدیریت، مفهوم مدیریت و اصول و قواعد مدیریت پرداخته است. در فصل چهارم، ارکان مدیریت مسجد بحث شد. ارکان مدیریت، در هر موضوعی می‌تواند با تفاوت‌هایی همراه باشد. در مدیریت مسجد، باید این ارکان مدیریت لحاظ گردد و از بُعد نظری تبیین و در عمل و اجرا تطبیق داده شود. در فصل آخر، نگارنده ظرافت‌های مدیریت مسجد و مباحثی مانند تفاوت مدیریت در مسجد با مدیریت در سایر بخش‌ها، ساختار مدیریت مساجد، سطوح مدیریت مسجد، الگوهای سازمان مدیریت مساجد، الگوهای مدیریت اجرایی مساجد و شیوه مطلوب و شرایط توفیق مدیریت مسجد را بحث نموده است.

واژگان کلیدی:

ضرورت مدیریت مسجد، مبانی مدیریت مسجد، مبادی مدیریت مسجد، ارکان مدیریت مسجد، وظایف مدیر مسجد، اهداف غایی مسجد، اهداف عملیاتی مدیریت مسجد، ساختار مدیریت مساجد، الگوهای سازمان مدیریت مساجد، شیوه مطلوب مدیریت مسجد.

مقدمه

رشد و تکامل جوامع بشری، از یک سو باعث سرعت حرکت جامعه و از سوی دیگر، باعث گستردگی و پیچیدگی مسائل آن شده است. این دو واقعیت به نوبه خود، مسئله ضرورت تقسیم وظایف و همچنین ضرورت مدیریت مسائل جامعه را به وجود آورده است. می توان گفت که بین سطح توسعه یک جامعه و گستردگی و پیچیدگی مسائل آن رابطه مستقیمی وجود دارد؛ چنان که بین توسعه و پیچیدگی و ضرورت تقسیم وظایف و مدیریت رابطه مستقیمی وجود دارد. در گذشته ساختار جوامع، ساده و ابتدایی بود و به همین دلیل، در بسیاری از امور اجتماعی، نیازی به مدیریت نبود. بسیاری از امور به طور عادی توسط افراد انجام می شد. به عنوان مثال، در گذشته چیزی به عنوان شهرداری وجود نداشت و خدمات شهری متولی خاصی نداشت؛ اما در جوامع امروزی شهرداری و خدمات شهری یک امر اجتناب ناپذیر است. اگر چند روزی این امر مختل شود، شهرها غیر قابل سکونت می گردند. در بسیاری از امور اجتماعی بین جوامع قدیم و جوامع جدید چنین تفاوت هایی وجود دارد. در جامعه امروزی مدیریت و تولید امور در تمام جوانب زندگی جمعی فراگیر شده است. در دنیای امروزی، مدیریت در تمام جوانب زندگی اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است و دانش مدیریت از دانش های جدیدی است که به سرعت رشد کرده و در طی حدود یک قرن با توجه به کاربردی بودن آن و تفاوت شیوه ها و الگوهای مدیریتی، با توجه به موضوعات مختلف زندگی اجتماعی، دارای شاخه های بسیاری شده و روز به روز با مطرح شدن موضوعات جدید گسترده تر می شود. شاید بتوان گفت که هر موضوعی می تواند دارای ضوابط و فنون و شیوه های خاصی برای مدیریت باشد. موضوع مسجد هم از موضوعاتی است که شایسته است درباره آن، از مدیریت ویژه سخن گفت و با توجه به گستردگی مساجد و کاربردی بودن آنها و نیاز مبرم به شیوه هایی که باعث کارایی بیشتر مساجد می شود، ضروری است که درباره مدیریت مسجد، پژوهش های راهبردی صورت بگیرد و نتایج آن به همراه تجربه های افراد موفق به عنوان اصول و قواعد مدیریت مسجد تدوین و در اختیار امامان جماعت مساجد قرار گیرد، با توجه به این مهم، نوشتار حاضر تلاشی در همین راستا می باشد.

فصل اول: ضرورت و مبانی مدیریت مسجد

۱-۱) ضرورت مدیریت مسجد

هدف از بحث مدیریت در هر حوزه ای، تعمیم آگاهی ها و تجربه های مدیریتی است. در مدیریت مساجد که به عنوان گسترده ترین اماکن مذهبی مطرح هستند هدف، گسترش آگاهی هایی درباره بهره وری بهتر و

بیشتر از مسجد است. دلایل فراوانی در خصوص ضرورت مدیریت مسجد در عصر حاضر وجود دارد که به برخی از این امور به صورت گذرا اشاره می‌کنیم:

۱-۲) دنیای امروز و ضرورت مدیریت مسجد

دنیای امروز از بسیاری جهات متفاوت از دنیای گذشته است. در گذشته مرزهای جغرافیایی باز و مرزهای فکری و فرهنگی بسته بود، ولی امروز برعکس است؛ از مرزهای جغرافیایی با موانع و حفاظهای بسیاری محافظت می‌شود، ولی مرزهای فکری و فرهنگی، بسیاری از حفاظهای خود را از دست داده است. در دنیای امروز، تعامل فرهنگی امری طبیعی و غیرقابل اجتناب است و در این تعامل، غلبه با فرهنگ‌ها و افکاری است که از ابزارهای توانمندی بهره می‌گیرند. دفاع فرهنگی همانند دفاع زمینی به توانایی و مدیریت نیازمند است و تا مدافعان نیرومند نباشند و به ابزارهای دفاعی کارآمد عصر مجهز نباشند، دفاع کارساز نیست و تا مدیریت دفاعی وجود نداشته باشد باز هم دفاع کارآمد نیست. به عبارت دیگر، سیاست دفاعی گرفتن نیز کارآمد نیست و باید سیاست تهاجمی گرفت؛ چون در سیاست تهاجمی، هدف پیروزی است و در سیاست دفاع، هدف جلوگیری از شکست است. در گذشته، جهان به اجزای مجزا از هم تقسیم شده بود که روابط بین اجزا محدود و کنترل شده بود. پدیده جهانی شدن در عصر کنونی، چهره متفاوتی از دنیای جدید ارائه کرده است. در این پدیده روابط بین جوامع و تأثیرگذاری جوامع بر یکدیگر و تأثیرپذیری آنها از همدیگر بسیار گسترده و سریع شده است.

در چنین شرایطی، برای دفاع و جلوگیری از شکست، باید تأثیرپذیری را به حداقل رساند و برای پیروزی، باید تأثیرگذاری را به حداکثر رساند. چنین چیزی فقط در سایه مدیریت فرهنگی جامعه میسر است. در عصر حاضر جوامع اسلامی با شدیدترین تهاجمات فرهنگی مواجه است؛ به گونه‌ای که تا حدودی نوک حملات جهانی به سوی فرهنگ اسلامی نشانه رفته است. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با این موج جهانی، مدیریت فرهنگی و دینی جامعه است؛ به صورتی که بتواند تأثیرپذیری جوامع اسلامی را از فرهنگ بیگانه کاهش دهد. برای رسیدن به این موقعیت باید مساجد به صورت سنگر فکری، فرهنگی و تربیتی و نیز به صورت یک پایگاه مهم اجتماعی در آید، از این رو، مدیریت مسجد فراتر از نیاز، بلکه یک ضرورت است.

۱-۳) جامعه امروز و ضرورت مدیریت مسجد

در گذشته جوامع، خانواده‌محور و قوم‌محور بودند؛ اما امروز فردمحور هستند و در این فردمحوری دنباله‌رو استثمارگران هستند. شالوده فردیت، اراده و اختیار فرد است. در گذشته، بخش مهمی از تصمیم‌های افراد

در زندگی شخصی به ملاحظه آداب، رسوم، سنن و میل خانواده یا جامعه بود. امروز به مدد آزادی‌های فردی به وجود آمده و از بین رفتن و یا ضعف کنترل خانواده، فامیل و نیز آداب و باورهای فرهنگی، خواست و میل خود افراد، نقش اصلی را در تصمیم‌های فردی ایفا می‌کند. هر چند چنین وضعیتی در ظاهر به اراده و اختیار افراد منتسب می‌شود، ولی واقعیت این است که در دنیای کنونی، کسانی که در رأس هرم زر و زور و تزویر قرار دارند، بیش از خود افراد از آزادی آنان بهره می‌برند و به‌طور مستقیم در تصمیم‌گیری افراد نقش آفرینی می‌کنند و از تصمیم‌ها و انتخاب‌های افراد استفاده‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌برند. بنابراین، افراد و جوامع نسبت به گذشته، بسیار قابل انعطاف شده‌اند.

در دنیای کنونی اگر کسی به فکر تعیین سرنوشت خود نباشد، دیگران سرنوشت او را تعیین خواهند کرد. بنابراین، اولیای امور جامعه باید با دید عمیق و دقیق، جامعه را به سوی اهداف ملی و دینی سوق بدهند. هر چند مدیریت جامعه به‌طور عمده در دست حاکمان و جریان‌های مسلط بر جامعه است، اما بخشی از جامعه که به مسجد و دین دلبستگی دارد، از اولیای دین، مساجد و مراکز دینی هدایت می‌شود و این هدایت و جهت‌گیری، نقش مهمی در زندگی و انتخاب‌های افراد دارد، بنابراین، مدیریت دینی جامعه از طریق مدیریت مسجد، ضرورتی است که نباید مورد غفلت واقع گردد.

۱-۴) انسان امروز و ضرورت مدیریت مسجد

هر چند بخشی از شخصیت فرد، متأثر از عوامل ارثی است، ولی بخش عمده‌ای از شخصیت او در تربیتی که دوران کودکی و نوجوانی و جوانی می‌بیند و با تجربه‌هایی که در طول زندگی کسب می‌کند، شکل می‌گیرد. همان‌طور که مواد معدنی و شیمیایی، جسم انسان را تشکیل می‌دهد، مواد تربیتی، فرهنگی، فکری و سیاسی که بر یک فرد تأثیر گذار بوده، به‌علاوه تجربیات شخصی، شخصیت او را شکل می‌دهد.

در دنیای کنونی که همه قدرتمندان، در ستیز با اسلام هستند، موج‌هایی که از این قطب‌ها بر می‌خیزد، همه در جهت بی‌خانمان کردن فکری و فرهنگی مسلمانان و دین‌داران هستند. در مقابل این امواج آنچه می‌تواند تکیه‌گاه باشد، زیرساخت‌های استواری است که بتواند در مقابل موج‌ها استقامت کند. آنچه می‌تواند جوان امروز را در مقابل مدها نگه دارد و شخصیت ثابت و استواری برای او باشد، باورهای فکری و عقیدتی است که بتواند ملاکی برای تشخیص او و تشخیص بایدها از نبایدها باشد. چنین زیرساخت شخصیتی فقط با تربیت و بیداری مداوم می‌تواند شکل بگیرد. خانواده‌ها و مساجد، مناسب‌ترین و بهترین محور برای این مهم است. بنابراین، مدیریت مسجد به‌منظور شکل‌دهی شخصیت آرمانی جوانان و نوجوانان و نیز جهت‌دهی به خانواده‌ها و افکار عمومی و محیط اجتماعی، ضرورت غیرقابل انکار است.

۵-۱) مسجد و مدیریت اختیار

انسان گذشته، نسبت به انسان امروز، گزینه‌ها و میدان‌های کمتری برای انتخاب و اختیار داشت. در گذشته انسان در اموری فردی و جمعی از اختیارات محدودی برخوردار بود؛ در حالی که انسان امروز در امور فردی، از اختیارات وسیعی برخوردار است و در امور اجتماعی، هرچند اختیارات بیشتری از انسان‌های گذشته دارد، اما با محدودیت‌های بسیاری هم مواجه است. اختیار انسان‌ها در امور فردی و شخصی، همان‌گونه که برای او اختیاری بوده و به سود او ست، به زیان او نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، در دنیای امروز با اینکه آزادی و اختیار انسان افزایش یافته است، این آزادی و اختیار، بسان شمشیر دولبه‌ای است که می‌تواند به سود و یا زیان فرد به کار گرفته شود. تردیدی نیست که جوانان امروز، نسبت به گذشته از نظر اخلاقی و دینی و اجتماعی لغزش‌های بیشتری دارند. با نگاهی به آمار بالای فساد، جرم و جنایت و مشکلات اجتماعی، نظیر طلاق و بچه‌های خیابانی و فرار از خانه و... می‌توان به خوبی این واقعیت‌های تلخ را دریافت. راه حل منطقی این مشکل، شتافتن به کمک جوانان و یاری کردن آنان در درست‌اندیشیدن و به جا انتخاب کردن است تا از آزادی و حق انتخابی که دارند، چنان بهره بگیرند که به حربه‌ای بر ضدشان تبدیل نگردد و این، کاری است که با مدیریت دینی جامعه میسر است و مدیریت دینی جامعه هم باید از مسجد شروع شود. بنابراین، مدیریت مسجد می‌تواند در حل مضللات فردی و جمعی به ما کمک کند. از این رو، برای حل مضللات و مشکلات روحی و روانی و معنوی فرد، خانواده و جامعه، مدیریت مسجد، کارآمدی بسیار بالایی دارد.

۶-۱) نیازهای امروز و ضرورت مدیریت مسجد

انسان‌های گذشته نسبت به انسان‌های امروز قانع‌تر و ساده‌زیست‌تر بودند؛ ولی متأسفانه در عصر حاضر، یک روند تصاعدی در گسترش کمی و کیفی احتیاجات انسان به وجود آمده و هر روز بیشتر از دیروز ذهن و فکر انسان را به خود مشغول می‌کند. این افزایش نیازها پیش از اینکه امر واقعی و حقیقی باشد، یک امر تصنعی است. در حقیقت، کسانی که امکانات تولید فراوان در اختیار دارند، برای فروش تولید خود، به نیاز آفرینی، مشغول شده‌اند. این مسابقه در نیاز آفرینی، تمام جوانب زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است و به خصوص بر ذهن و روان افراد جوامع تأثیر بسیار منفی گذاشته است. ذهن افراد مشغول و روان افراد و جامعه خسته و گرفتار است. مساجد، می‌توانند یک فضای امن، روحانی و خالی از دغدغه‌های زندگی ایجاد کنند. در منابع دینی بر این ویژگی مسجد تأکید شده و به نظر می‌آید که یکی از اهداف مساجد و ذکر خدا این است که انسان را لحظاتی از دغدغه‌های معمولی زندگی رها کند و او را به تأمل در سرنوشت و آینده او وادار

سازد. هرچند این موهبت به طور طبیعی در مساجد موجود است و اهل مسجد و کسانی که با مسجد مأنوس هستند، از این موهبت کم و بیش بهره‌منداند، مدیریت مسجد می‌تواند این نقش مسجد را فعال‌تر و کارآمدتر کند. اگر مدیریت مسجد منجر به ایجاد یک فضای سالم و امن برای نمازگزاران شود، هم در رونق مسجد و هم در حل معضلات جامعه بسیار کارگشا خواهد بود. به هر حال، وقتی سخن از مدیریت مسجد است، معنای این سخن، بهینه کردن بهره‌وری از مسجد است و یکی از بهره‌وری‌ها از مسجد، همین فرصت‌هایی است که برای گریز و رهایی از هیاهوی روزگار برای افراد حاضر در مسجد ایجاد می‌شود و اگر این فرصت‌ها به خوبی مدیریت شود، استفاده بهینه از مساجد به عمل خواهد آمد.

۷-۱) دین در دنیای جدید و ضرورت مدیریت مسجد

در گذشته، دین تا حدودی بدون رقیب بود و بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ تأثیر داشت. به عبارت دیگر، در گذشته، دین زمینه اصلی تربیتی و فرهنگی جامعه را شکل می‌داد. از این رو، افراد به طور طبیعی در محیط مذهبی و ایمانی رشد می‌کردند و با دین و ایمان مأنوس بودند؛ اما امروز دین در رقابت تنگاتنگ با مدعیان و رقبای جدیدی قرار دارد. به همین دلیل، بخش‌های وسیعی از جامعه، به خصوص جوانان در مقابل آموزه‌های دینی با پرسش‌ها و شبهه‌هایی مواجه هستند؛ چون تمدن جدید در زمینه و بستر بی‌دینی شکل گرفته و در گستره جهان، چه شرقی و چه غربی غلبه با فرهنگ الحادی و بی‌دینی است. دنیای شرق یا دنیای چپ و کمونیست، از ابتدا بر مبارزه با مذهب استوار بود. هرچند این جریان و فرهنگ از آن شدت مبارزه با دین دست کشیده است، رسوبات فکری و بقایا و جریان‌های به وجود آمده بر ویرانه‌های این فرهنگ، همچنان در ضدیت با مذهب است؛ مانند تمدن غربی که بر پایه‌های الحاد و بی‌دینی و جدایی دین از اجتماع و سیاست بنا شده است. فرهنگ غربی چه اروپایی و چه آمریکایی و چه نمادهای این فرهنگ در کشورهای اسلامی که با عنوان تجدد مطرح شده، همه در تقابل و ضدیت با دین و ایمان قرار دارند. به همین دلیل، به هر اندازه که فرهنگ‌های مسلط جهانی در کشوری نفوذ کند، ضریب ایمان و دین‌داری دچار افت می‌گردد. تردیدی نیست که مدیریت دین با مدیریت مراکز اصلی دینی که مساجد است، محقق خواهد شد.

فصل دوم: مبانی مدیریت مسجد

۱-۲) مبانی مدیریت

نوع جهان‌بینی و نگرش فکری انسان در رفتار فردی و جمعی، نقش بسیار تعیین‌کننده و جهت‌دهنده‌ای دارد. هرگونه تغییر در جهان‌بینی انسان، مسیر بسیاری از کارهای او را تغییر می‌دهد. نحوه مدیریت مسجد،

به عنوان یک عمل جمعی، نسبتی مستقیم با مبانی و پیش فرض های انسان در باره نقش و جایگاه دین و مسجد در جامعه دارد؛ یعنی اینکه هر نقش و جایگاهی که یک فرد و یا یک جریان فکری بر اساس مبانی فکری خود برای مسجد در اجتماع در نظر می گیرد، نحوه تعامل آنها را با مسجد و مدیریت مسجد شکل می دهد. بنابراین، پیش از اینکه سخن از مدیریت مسجد به میان آید، باید مبانی و پیش فرض هایی که بر اساس آن باید مدیریت مسجد انجام شود، مشخص شود.

۲-۲) مبانی دیدگاه های مختلف در مدیریت مسجد

سه دیدگاه درباره مدیریت مسجد وجود دارد که هر کدام از این سه دیدگاه به طور کامل، مبانی متفاوتی دارد که در ادامه هر کدام تشریح خواهد شد.

۱. دیدگاه سکولاری

دیدگاه سکولاری که در کشورهای دارای نظام لائیک و سکولار حاکم است، دیدگاه دنیاگرایانه درباره مسجد است. دیدگاه لائیک و سکولار بر اساس جدایی دین از سیاست و اجتماع استوار است و بر این اساس، مسجد فقط مکانی برای عبادت است و نباید در امور سیاسی و اجتماعی دخالت داشته باشد. در این نظام ها، دولت وظیفه دارد که از فعال شدن مساجد در امور سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند. از این رو، این دیدگاه را می توان مدیریت دنیایی مساجد نامید که جامعه بر اساس منافع و مصالح خود، مسیر و سیاست و برنامه های مساجد و معابد را تعیین می کند و از فعال شدن مساجد و معابد در اموری که به مذاق دنیاگرایان خوش نیاید، جلوگیری می شود. به طور کامل روشن است که این دیدگاه از مبانی غیردینی و تا حدودی ضد دینی برخاسته است و سوغاتی است که از اروپا و غرب برای جهان اسلام آمده است. در این دیدگاه، دین و مسجد حق ندارند در امور اجتماعی دخالت کنند. بنابراین، سکولاریسم، سیاست تحمیلی بر ادیان و مذاهب و معابد است. این دیدگاه در اصل برای تأمین منافع و مصالح افراد غیرمعتقد به دین و یا ضد دین به وجود آمده است. در بسیاری از کشورهای اسلامی این دیدگاه پذیرفته شده است؛ اما چون اسلام در ذات خود یک دین اجتماعی است، این دیدگاه به طور کامل در جوامع اسلامی عملی نیست، مگر در جوامعی که الحاد فراگیر شود؛ مثل کشورهای کمونیستی سابق.

۲. دیدگاه دولتی

دیدگاه دوم که در برخی از کشورهایی که چهره اسلامی دارند، معمول است، دیدگاه منفعت محور دولتی است. در این دیدگاه، دولت هزینه اداره مساجد را تأمین می کند و مساجد، تحت کنترل وزارت اوقاف و

امور خیریه و یا عنوان‌های مشابه است. در برخی از این کشورها، مثل اردن و عربستان کنترل شدیدی بر مساجد انجام می‌شود. هرچند در این کشورها از بعد نظری تفکیک دین از سیاست پذیرفته نیست، در عمل و واقعیت، دخالت مساجد در امور سیاسی ممنوع است؛ البته ممکن است در بعضی از امور اجتماعی و حتی سیاسی که منافاتی با منافع حاکمان نداشته باشد، به مساجد اجازه فعالیت هم بدهند. بنابراین، این دیدگاه بر نظریه و مبنای فکری مشخصی استوار نیست و فقط منافع و مصالح حاکمان است که مبنای عمل در مدیریت مسجد است. از این‌رو، مناسب است که این دیدگاه را دیدگاه دولتی در مدیریت مسجد بنامیم. در این دیدگاه مثل دیدگاه سکولاری، دین اصل نیست، با این تفاوت که در دیدگاه سکولاری، اصل عدم دخالت دین در امور اجتماعی و محدود کردن آن در امور شخصی است، اما در دیدگاه دولتی هدف، منافع دولت و حاکمان است و دین تا جایی که منافع حاکمان را تأمین کند و یا حداقل زیانی به منافع دولت و حکومت نرساند، مورد پذیرش و اعمال است.

۳. دیدگاه مکتبی

دیدگاه سوّم دیدگاه قرآن، سنت نبوی ﷺ و سیره معصومان (علیهم‌السلام) است و مبتنی بر نظریه سیاست و دولت دینی است که جامعه، دولت و سیاست باید در چهارچوب دین حرکت کند. اساس این دیدگاه بر عدم تفکیک دین از سیاست است و به همین دلیل، مناسب است که این دیدگاه را دیدگاه مکتبی بنامیم. رسول اکرم ﷺ بعد از هجرت به مدینه، نخستین بنایی را که تأسیس کرد، مسجد بود و تا آخر عمر، همه امور مسلمانان را از مسجد اداره می‌کرد. در این دیدگاه، مساجد به عنوان مراکز مدیریت دینی و سیاسی جامعه، ناظر بر عملکرد همه افراد جامعه و همچنین ناظر بر عملکرد حاکمان است. تمام انبیا و پیشوایان دینی کوشش‌شان بر این بوده که جامعه و سیاست باید تابع ارزش‌های دینی و اخلاقی باشد.

مدیریت مسجد بر اساس دیدگاه‌های مختلف، شکل‌ها و جهت‌های به‌طور کامل متفاوتی به خود می‌گیرد. از اوّل قرن بیستم دیدگاه سکولاری و دیدگاه دولتی در بسیاری از کشورها مساجد را به سود خویش مدیریت می‌کردند و تا توانسته‌اند مساجد را از حیات اجتماعی مردم دور نگه داشته‌اند؛ اما با بیداری اسلامی که با انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسید، مساجد دوباره به حیات اجتماعی بازگشته‌اند. آنچه در حال حاضر ضرورت دارد، تداوم و تعمیق نقش و حضور مسجد در حیات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی است. مقصود و هدف اصلی از مدیریت مسجد این است که مسجد به جایگاه واقعی و اصلی خود در جوامع اسلامی برسد و یا حداقل به آن سو حرکت کند. در حقیقت، هدف نهایی از مدیریت مسجد، مدیریت دینی

جامعه است. شاید بسیاری چنین گمان کنند که مسجد فقط جایی برای نماز خواندن است. این تصویری است که با دیدگاه سکولاری از دین همخوانی دارد و کمترین نقش را برای مساجد در نظر می‌گیرد. دیدگاه مکتبی، دیدگاهی است که اهداف و مقاصد اصلی دین و قرآن را مدنظر دارد. بر اساس دیدگاه مکتبی، مسجد در عین اینکه مکانی برای انجام اعمال دینی است، مکانی برای مدیریت جامعه نیز است. در این دیدگاه تحقق اهداف دین در جامعه، اصل و محور مدیریت مسجد است. این دیدگاه روح قرآن و سیره پیشوایان اسلام است. سیره رسول خدا ﷺ و ائمه هدی (علیهم‌السلام) تبلور این دیدگاه است. امام حسین (علیه‌السلام) در نامه‌اش به مردم کوفه که به دست مسلم بن عقیل فرستاده شد، درباره وظیفه حکومت می‌گوید:

«فَلْعَمْرِي، مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ، الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ؛ بِهِ جَانِمُ سَوْغَنْدٍ كَيْ شَايَسْتَهُ أَمَامَتٍ نَيْسَتْ، مَكْرَ أَنْكَبَ بِرِاسِاسِ كِتَابِ خِدا فِرْمَانِ بَرَانْدٍ وَ بِه عِدَالَتِ پَابَنْدٍ وَ بِه دینِ حَقِّ مُلْتَزِمِ بَاشْدِ وَ خُودْشَ رَا وَ قَفَّ خِداوَنْدِ كَرْدِه بَاشْد.»^۱

در این سخن امام حسین (علیه‌السلام) چهار نکته اساسی درباره حکومت دینی مطرح شده است: نخست اینکه، فقط کسی شایسته خلافت رسول الله ﷺ یا حکومت دینی است که بر اساس کتاب خدا حکومت کند؛ دوم اینکه، به عدالت رفتار کند؛ سوم اینکه، به دین ملتزم باشد؛ چهارم اینکه، خود را در مسیر الی الله وقف کند. بنابراین، مشروعیت حکومت در گرو عمل به دین حق است.

از نظر قرآن، مسجد تنها یک مکان تعظیم و تکریم خداوند نیست که در آن همانند دیر و کلیسا فقط خدای متعال عبادت شود و در زندگی و دنیوی فردی تأثیری نداشته باشد؛ بلکه خدای متعال، مسجد را خانه‌ای برای مردم نامیده است؛ هر چند در عرف مردم، مسجد، خانه خدا خوانده می‌شود، همان طور که کعبه را بیت الله الحرام می‌گویند؛ چون خدای متعال، در آیات متعددی، کعبه را خانه خود، «بیت»^۲ خوانده است. در عین حال، برخی آیات کعبه را اولین خانه‌ای معرفی می‌کند که برای مردم بنا شده است.

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نَخَسْتِينَ خَانِه‌ای کِه بَرای مَرْدَمِ (و) نِیایش خِداوَنْدِ) قَرار دَاده شَدْ، هِمَانِ خَانِه‌ایی اسْت کِه دَر سِرْزَمینِ مَکَه اسْت کِه پَر بَر کَت و مایه هِدایتِ جِهَانیان اسْت.»^۳

در آیه دیگری آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفِ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْإِحَادِ يَظْلَمُ نَذْرُهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانِی کِه کافر شْدَنْدِ،

۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العبد، ج ۲، ص ۳۹.

۲. بقره، آیه ۱۲۵؛ حج، آیه ۲۶.

۳. آل عمران، آیه ۹۶.

و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند و (همچنین) از مسجدالحرام که آن را برای همه مردم قرار دادیم که چه کسانی در آن زندگی می کردند و چه کسانی از نقاط دور وارد می شوند، در آن با هم برابر هستند و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و به ستم دست زند، ما از عذاب دردناک به او می چشانیم»^۱. در این آیه تعبیر «وُضِعَ» آمده است که نشان می دهد فلسفه ایجاد مسجد برای سودرساندن به مردم است و در این آیه تعبیر «جعلناه للناس»، حکایت از این دارد که هدف اصلی از بنای این خانه، برای مردم بوده است. مقصود از برای مردم بودن، برای هدایت بودن مردم است، بنابراین، هدایت مردم، هدف اصلی ساخت و بنای مسجد است. مقصود از هدایت، هدایت به سوی خدای متعال و خدایی کردن انسان ها است؛ این امر فقط در سایه عبادت و بندگی خدا میسر است. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «كَانَتْ الْبُيُوتُ قَبْلَهُ وَلَكِنَّهُ أَوَّلُ بَيْتٍ وَضِعَ لِعِبَادَةِ اللَّهِ؛ قَبْلَ از کعبه نیز خانه وجود داشت، ولی کعبه، اولین خانه ای است که برای عبادت خداوند وضع شده است». بنابراین، قرآن و ادیان الهی، همه انسان ها را به عبادت خدا دعوت می کند. این هدف، یک هدف فردی نیست، بلکه یک هدف جمعی است که خطاب به همه انسان ها است و عبادت خداوند، در صورتی محقق می شود که انسان در تمام جوانب زندگی تسلیم اوامر خداوند باشد. از نظر قرآن حقیقت دین، تسلیم ذات انسان در مقابل خداوند است؛ یعنی اینکه انسان در همه رفتارهای شخصی و اجتماعی اش، خود را تابع خواست و دستور الهی بداند.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ* فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم و برای ظلم و ستمشان و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد)؛ زیرا خداوند، سریع الحساب است. اگر با تو به گفتگو و جدال برخیزند، بگو: من و پیروانم ذات (همه امور) خود را تسلیم خدا کرده ایم و به آنها که اهل کتاب هستند (یهود و نصاری) و بیسوادان (مشرکان) بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ اگر (در برابر فرمان و منطق حق)، تسلیم شوند، هدایت یافته اند و اگر سرکشی کردند، (نگران مباش؛ زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت و وظیفه) است و خدا به (اعمال و عقاید) بندگان، بینا است»^۲.

۱. حج، آیه ۲۵.

۲. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. آل عمران آیات ۱۹-۲۰.

۲-۳) جایگاه مسجد در جامعه اسلامی

مسجد به عنوان سمبل حضور دین در تمام عروق جامعه و نماد دینی مسلمانان و نشانه حضور خداوند در زمین است.^۱ از نظر اجتماعی مسجد قلب جامعه اسلامی است که در آن هم دین و هم اجتماع مسلمانان تبلور می‌یابد. از نظر سیاسی، «مسجد بهترین مکان برای مشارکت مسلمانان در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی و فرهنگی است».^۲ در عصر رسالت، مسجد نه تنها یک مکان عبادی، بلکه سازمانی برای اجتماع و یکپارچگی مسلمانان بود.

یکی از اندیشمندان خارجی در این باره می‌گوید: مسجد تنها یک عبادت‌گاه نبود؛ بلکه مرکزی برای حیات سیاسی، اجتماعی بود. پیامبر اکرم ﷺ، سفیران را در مسجد به حضور می‌پذیرفت و شئون دولت را از مسجد اداره می‌کرد و برای مردم در امور سیاسی و دینی از فراز منبر پیام می‌فرستاد.^۳

یکی از محققان در این باره می‌نویسد: از همان آغاز تشکیل حکومت اسلامی در مدینه منوره، مسجد، مرکز تبلیغ و آموزش بود و توانست تا حمله مغولان به سرزمین‌های اسلامی، این نقش دوگانه خود را به خوبی حفظ کند. مسجد محلّ عبادت، وعظ، سخنرانی و بحث و تدریس بوده است، تا آنکه از تشکیل حلقه‌های درسی در مسجد جامع قاهره تا یکصد و ده مجلس درس پس از نماز عشاء، حکایت شده است.^۴

۲-۴) علل و عوامل افت جایگاه مسجد در جوامع امروزی

در جوامع اسلامی قدیم، مسجد نقش بسیار گسترده‌ای در حیات جمعی افراد یک جامعه ایفا می‌کرد و مکانی برای عبادت، اجتماع، مشورت، تحصیل، تعلیم، تربیت، ارتباط و اطلاعی‌رسانی بود. بنابراین، مسجد در زندگی دنیایی بیش از زندگی اخروی نقش داشت. در جوامع اسلامی مسجد، محور همه کارها بود. بازارها در کنار مساجد بود و مدرسه‌های جزئی از مساجد و شهر و محله در اطراف مسجد قرار داشتند و در حقیقت مسجد، محور شکل‌گیری شهر و محله بود و در تعلیم و تربیت و اجتماع، مهم‌ترین مکان به حساب می‌آمد. هیچ مکانی به اندازه مسجد، در حیات اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار نبود. جایگاه و نقش فعلی مسجد در جوامع اسلام با نقش و جایگاه آرمانی و تاریخی مسجد فاصله بسیاری دارد. در جایگاه آرمانی، مسجد، محور همه کارهای امت است. در حالی که در حال حاضر مسجد فقط برای عبادت و نماز است. مسجد رمز جامعیت

۱. فروغ مسجد، ج ۲، ص ۶۷، برگرفته از سخنان دکتر حدّاد عادل.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. ماهنامه مسجد، شماره ۱۵، ص ۴۸.

۴. کریمی، سعید، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، ص ۴۰.

اسلام است، در حالی که این حقیقت در مساجد امروزی کمتر تحقق می‌یابد. بخش عمده این فاصله زائیده شرایط حاکم بر جهان اسلام در قرن نوزده و بیست میلادی است و به‌طور مستقیم به سلطه استعمارگران بر جوامع اسلامی مربوط می‌شود. حضور و حاکمیت استعمارگران، تعادل نهادهای حاکم بر جوامع اسلامی را به‌هم زد و جایگاه مشخصی برای بسیاری از نهادهای قدیم، در نظام جدید حاکم بر جوامع اسلامی تعریف نشد. چنان که مسجد قبل از قرن بیستم، محلّ اصلی آموزش و پرورش بود؛ در حالی که در نظام جدید هیچ جایگاه آموزشی برای مسجد تعریف نشده است.

البته برخی از این اموری که از مسجد گرفته شده، اقتضای جوامع مدرن است و نمی‌توان در جامعه مدرن این امور را به مسجد برگرداند؛ چون در جامعه مدرن، کارها تقسیم شده و هر کاری به سازمان و مدیریت خاصی نیاز دارد که انجام آن مستلزم اماکن و امکانات خاصّ خودش است که نمی‌توان در مسجد این مکان و امکانات را فراهم کرد. در عین حال، بسیاری از امور اجتماعی را می‌توان در مسجد انجام داد و از طرفی با توجه به نیازهای جامعه مدرن، می‌توان کارکردهای جدیدی را برای مساجد تعریف کرد. با توجه به اینکه در جامعه مدرن، یکی از معضلات مهم کمبود جا و مکان برای بسیاری از فعالیت‌ها است و با توجه به گستردگی مساجد و حضور آنها در متن اجتماع می‌توان بسیاری از اقدامات عمومی را که با شأن مسجد تنافی ندارد در مسجد انجام داد، مساجد زمینه‌های مناسب برای بسیاری از اقدامات مفیدی است که هم به مصلحت کل جامعه و هم به منفعت و مصلحت تک‌تک افراد است. مساجد از ظرفیتهای بیش از حدی برخوردار هستند و هم از نظر فضا و امکانات و هم از نظر نیرو و همچنین از نظر مشتری، استعدادهای نهفته بسیاری دارد. به عنوان مثال، در جمهوری اسلامی ایران حدود ۵۸۰۰۰ مسجد وجود دارد.^۱ در مصر تعداد مبلغان، اعم از شیخ و امام جماعت، به ۴۰ هزار نفر می‌رسد. اگر از این همه ظرفیت به خوبی بهره‌گیری شود، ثمرات و برکات بسیاری در بر خواهد داشت. مقصود از مدیریت مسجد این است که هم نقش مسجد را در جامعه احیا کند و هم از ظرفیتهای مسجد برای حلّ مشکلات جامعه بهره بگیرد.

فصل سوّم: مبادی مدیریت مسجد

۱.۳. پیشینه و جایگاه دانش مدیریت

برای درک صحیح از مفهوم مدیریت مسجد ضروری است که اصطلاحات و مفاهیم کلیدی این موضوع به درستی توضیح داده شود. مدیریت، مسجد، و مدیریت مسجد، سه واژه است که در این نوشتار نقش

۱. ماهنامه مسجد، شماره ۵۳، ص ۵۰.

۲. همان، شماره ۱۹، ص ۹۱.

محوری دارد. بنابراین، باید مفهوم این واژه‌ها و مراد از آنها را توضیح بدهیم تا تصویری روشن‌تر از مدیریت مسجد داشته باشیم. «مدیریت»، اصطلاحی است که امروز کاربرد وسیعی دارد و علاوه بر این، دانش و فنی است که شاخه‌های متعددی دارد؛ اما این دانش، عمر چندانی ندارد. دانش مدیریت، مثل بسیاری از دانش‌های امروزی، به‌طور تقریبی در پایان قرن نوزده و آغاز قرن بیستم به عنوان یک دانش جدید شکل گرفت. دانش مدیریت در آغاز، بیشتر در حوزه اقتصاد مطرح شد و شکل گرفت. در این راستا، «آدام اسمیت» از محسنات تقسیم کار سخن می‌گفت؛ اما گام اصلی را در پایه‌گذاری دانش مدیریت، «فردریک تیلور»، با نگاشتن کتابی به نام «اصول مدیریت علمی» برداشت و در عمل به عنوان پدر دانش مدیریت شناخته می‌شود.^۱ البته این، بدان معنا نیست که قبل از قرن نوزده مدیریتی نبوده است و یا اینکه بشر به فکر مدیریت نبوده است، بلکه مقصود این است که مدیریت به عنوان یک دانش مدوّن شناخته شده نبود و آنچه به عنوان دانش مدیریت خوانده می‌شود، قبل از قرن بیستم نبوده است؛ اما مدیریت عملی در هر زمینه‌ای در گذشته هم بوده است.

در منابع دینی اسلامی هم مطالب بسیاری درباره تدبیر و مدیریت امور جامعه وجود دارد. نامه حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) به مالک اشتر، نمونه روشنی از توصیه‌هایی برای تدبیر امور و مدیریت جامعه است که علاوه بر توصیه‌هایی اخلاقی، حاوی اصول مهمی از مدیریت علمی است. به عنوان مثال، یکی از اصول مدیریت علمی، تقسیم کار است. حضرت امیر (علیه السلام) در نامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید: «وَاجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُ بِهِ، فَإِنَّهُ آخِرُ أَنْ لَا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ...؛ برای هریک از زیردستان و کارکنان خود کاری تعیین کن تا او را نسبت به همان کار مؤاخذه و بازپرسی کنی؛ زیرا این روش سزاوارتر است تا اینکه کارهایت را به یکدیگر واگذارند».^۲

به هر حال، دانش مدیریت، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر زائیده پیشرفت جوامع بشری است. برخی از پژوهشگران این مطلب را این‌طور تحلیل کرده‌اند که قبل از قرن نوزدهم سازمان‌های بزرگی که نیازمند تشکیلاتی برای اداره آنها باشد، وجود نداشت؛ اما با افزایش جمعیت در قرن نوزدهم و رشد آگاهی‌های اجتماعی و به وجود آمدن رقابت‌ها، زمینه شکل‌گیری دانش و فن مدیریت فراهم شد.^۳ افزون بر این در گذشته، کارها فردی و تدبیرها هم فردی بود؛ در حالی که در دنیای جدید، مدیریت یک امر سازمانی است و در اصل، بدون سازمان، مدیریت معنا ندارد. تعریف‌هایی که برای مدیریت مطرح شده است به خوبی نشان می‌دهد که مدیریت علمی در یک سازمان می‌تواند تحقق یابد.

۱. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

۳-۲) تعریف مدیریت

تعاریف متعددی برای مدیریت بیان شده است. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از: «هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف»؛^۱ «فنّ بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها».^۲

یکی از نویسندگان در این باره می‌نویسد: «به‌طور تقریبی، به تعداد مؤلفان و نویسندگان کُتب مدیریت، تعریف مدیریت وجود دارد؛ ولی یک وجه مشترک بین همه این تعاریف دیده می‌شود و آن «هنر یا علم اداره یک مجموعه، برای نیل به اهداف سازمانی است».^۳

در تعریف مدیریت هم از واژه علم و دانش و هم از واژه هنر یا فنّ استفاده شده است. این تعدّد تعبیر هم بیانگر ماهیت مدیریت است و هم بیانگر زاویه دید کسانی که مدیریت را تعریف کرده‌اند. از آنجا که مدیریت را به عنوان علم و دانشی در نظر گرفته‌اند که قواعد و اصولی خاصی دارد، در تعریف آن از واژه دانش استفاده شده است و از طرفی، چون مدیریت در حقیقت بیانگر یک دسته مهارت‌ها و اقداماتی است که مدیر انجام می‌دهد، به آن هنر و فنّ هم گفته شده است.

به نظر می‌رسد که بهتر باشد این دو جنبه مدیریت را از هم جدا کنیم. به‌طور مسلّم، تعریف دانش مدیریت به عنوان یک رشته نظری، از تعریف عمل مدیریت به عنوان یک هنر و فنّ متفاوت است. با توجّه به اینکه دانش مدیریت، معطوف با سازمان است می‌توان گفت که: دانش مدیریت، مجموعه اصول و قواعدی است که رهبری یک سازمان و مجموعه را برای تحقّق اهدافی که برای آن سازمان یا مجموعه مشخص شده است تسهیل می‌کند. مدیریت به عنوان یک هنر یا فنّ، در واقع همان هنر یا فنّ رهبری یک سازمان یا مرکز اجتماعی، برای تحقّق اهداف آن سازمان یا مرکز است.

برخی از مدیریت به هنر تبدیل خیال به واقعیت تعبیر کرده‌اند.^۴ این سخن درستی است؛ اما تعبیر بهتر این است که بگوییم: «مدیریت، محقّق کردن اهداف و آرمان‌های یک سازمان و یا یک مرکز اجتماعی است». به دلیل اینکه در توصیف مدیریت گفته شد که مدیریت، اداره یک مجموعه یا رهبری یک سازمان و مرکز اجتماعی است، مدیریت یک کار شخصی نیست که در تعریف آن از تبدیل خیال به واقعیت سخن گفت؛ بلکه یک عمل سازمانی برای تحقّق اهداف سازمان است. از این رو، در توصیف مدیریت به جای تبدیل خیال به

۱. همان.

۲. ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، ص ۳۷.

۳. ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، ص ۳۲.

۴. رازمدیران موفق، ص ۴۰.

واقعیت، مناسب‌تر است که از محقق کردن اهداف یک مرکز و سازمان سخن گفته شود.

۳-۳) اصول وقواعد مدیریت

بررسی و نقد تعریف‌هایی که برای مدیریت شده ضرورتی ندارد؛ آنچه مهم است، شناخت ماهیت مدیریت است و این مهم با توجه به بررسی اصول و قواعد مدیریت امکان‌پذیر است که محتوای دانش مدیریت را تشکیل می‌دهد. این اصول و قواعد را می‌توان عناصر و ارکان مدیریت هم نامید؛ زیرا اساس دانش مدیریت را تشکیل می‌دهد. «تیلور» برای مدیریت علمی اصول چهارگانه‌ای را بیان کرد که عبارت‌اند از:

۱. کشف روش علمی درباره هر چیزی؛

۲. انتخاب کارکنان به روش علمی و آموزش آنها؛

۳. ایجاد کنترل و برقراری نظام تشویق و تنبیه؛

۴. همکاری و تشریک مساعی با کارکنان.

البته آنچه تیلور به عنوان اصول مدیریت علمی بیان می‌کند، فقط در مدیریت یک کارگاه و کارخانه قابل تطبیق است. زمینه کاری تیلور هم مدیریت کارخانه‌های تولیدی بوده است. بنابراین، تعریف، اهداف و عناصر مدیریت در نظر تیلور معطوف به مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است که هدف از مدیریت در آنها، کسب سود بیشتر و نهایت بهره‌وری از انسان و ماشین است. به نظر تیلور که طراح نظریه «مدیریت علمی» است، فایده اساسی به کار بردن مدیریت علمی، بالا بردن سطح تولید است که با جلوگیری از اتلاف وقت کارکنان و صرفه‌جویی در کار ماشین و وسایل تولید، از طریق حذف عملیات زائد و هماهنگی امور مختلف تولیدی حاصل می‌شود.^۱

بعد از مدتی در مقابل نظریه «کلاسیک» تیلور، مکتب «نئوکلاسیک» یا «مکتب روابط انسانی» به وجود آمد که با استفاده از علوم انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی سعی در کشف علت کمی بازدهی و برطرف کردن آنها از طریق انگیزش افراد و افزایش کارایی سازمان دارد.^۲ هرچند این مکتب برخلاف نظریه کلاسیک با این ادعا که کارگر، ماشین نیست به میدان آمد، اما هدف همان کسب سود بیشتر بود؛ به گفته خودشان با ملاحظه روابط انسانی و از طریق ایجاد انگیزه و انگیزش کارگر این هدف محقق می‌شد. به تدریج مدیریت دارای شاخه‌های گوناگونی شد و در تمام عرصه‌های زندگی جای پا برای خود باز کرد. تعریف و اصولی که در مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک برای مدیریت شده، ناظر به

۱. مدیریت اسلامی، ص ۵۸.

۲. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

مدیریت کارخانه‌های صنعتی است و نسبت به همه شاخه‌هایی که مدیریت درباره آن مطرح است گویایی و رسایی ندارد. از این رو، اندیشمندان دیگری عناصر اصلی مدیریت را متفاوت از نظریه تیلور مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال، «لوتر گیولیک»، یکی دیگر از اندیشمندان مدیریت، عناصر و ارکان مدیریت را این گونه بر شمرده است:

۱. برنامه‌ریزی؛
۲. سازمان‌دهی؛
۳. به کار گماردن؛
۴. هدایت؛
۵. هماهنگ کردن؛
۶. گزارش کردن؛
۷. بودجه بندی.^۱

«هنری فایول»، یکی از دیگر محققان، وظایف پنج‌گانه‌ای برای مدیریت قائل است که عبارت‌اند از:

۱. برنامه‌ریزی؛
۲. سازمان‌دهی؛
۳. هدایت؛
۴. هماهنگی؛
۵. کنترل.^۲

نویسنده دیگری به نام «برچ» در کتاب «اصول مدیریت»، عناصر مدیریت را در چهار اصل زیر خلاصه می‌کند:

۱. برنامه‌ریزی؛
۲. ایجاد انگیزه؛
۳. هماهنگی؛
۴. کنترل.^۳

هدف از مطرح کردن این تعاریفات، تأکید روی این نکته است که در تعاریفات و شرح عناصر تشکیل دهنده

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

۳. همان.

مدیریت، زمینه‌های مورد توجه و زاویه دید پژوهش‌گران به خوبی دیده می‌شود. به خصوص در شرح عناصر مدیریت، این مطلب به خوبی روشن است. تعریفاتی که بررسی شد اغلب معطوف به مدیریت در امور صنعتی و اقتصادی است و در نتیجه، نمی‌تواند مدیریت در امور نظامی، فرهنگی، تربیتی، و زمینه‌های خدماتی، مانند توزیع و مصرف، را به خوبی توضیح دهد؛ همچنان که اصول و قواعدی که برای مدیریت مطرح شده، معطوف به مدیریت در حوزه اقتصادی است و بنابراین، می‌توان گفت که با توجه به تفاوت ماهوی مدیریت در زمینه‌های مختلف، طبیعی است که عناصر و اهداف مدیریت و حتی تعریف آن، تفاوت‌هایی داشته باشد. در تعریف‌های فوق و نیز در بیان اصول مدیریت که ارائه شد، به دو اصل شناخت وظایف و اختیارات و همچنین هدفمند کردن کارها کمتر توجه شده است. دلیل این عدم توجه این است که در کارخانه و بنگاه‌های صنعتی، هم وظایف و اختیارات و هم هدف به طور کامل مشخص است؛ وظیفه و اختیارات مدیر یک کارخانه طبق قراردادهای به طور کامل مشخص می‌شود و هدف در یک کارخانه تولید بیشتر و سود بیشتر است؛ در حالی که مدیریت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از نظر وظایف و اختیارات مدیران و هم از نظر مشخص بودن اهداف و اولویت‌بندی اهداف، با پیچیدگی و ابهام بسیاری مواجه است. مشخص بودن وظایف و اختیارات مدیر و آگاهی مدیر از وظایف و اختیارات و همچنین مشخص بودن اولویت‌های کاری در موفقیت یک مدیر، بسیار حیاتی و مهم است و در اصل، برنامه‌ریزی بدون مشخص بودن هدف معنایی ندارد. تغییر در اهداف و اولویت‌های بیش از هر جای دیگری خود را در برنامه‌ها نشان می‌دهد؛ همچنان که تغییر اهداف مهم‌ترین عامل تغییر در برنامه‌های مدیران است. به عنوان مثال، مدیری که هدفش جلب سود بیشتر است با مدیری که هدفش خدمت‌رسانی بهتر و یا جلب بیشتر آرای عمومی است، از نظر برنامه‌ها به طور کامل متفاوت خواهند بود. یکی از چیزهایی که در بررسی عناصر و ارکان مدیریت مورد غفلت واقع شده است، شناخت موقعیت اجتماعی موضوع مدیریت است که موضوع مطرح برای مدیریت در جامعه از چه جایگاهی برخوردار است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

با توجه به اینکه مدیریت مسجد، زیرمجموعه مدیریت فرهنگی و تربیتی است و با توجه به اهداف مدیریت فرهنگی و تربیتی، می‌توان گفت که اصول و قواعد مدیریت در عرصه‌های فرهنگی، تربیتی و نیز اجتماعی و سیاسی از پیچیدگی و گستردگی‌های بسیاری برخوردار است و نمی‌تواند در چهار یا پنج مورد خلاصه شود، بلکه در محورهای متعددی باید اصول و قواعد مشخصی برای آن مطرح شود. مدیریت در امور فرهنگی و تربیتی، حداقل در هفت محور باید قاعده و ضابطه‌مند باشد که این هفت محور عبارت‌اند از:

۱. مشخص کردن وظایف و اختیارات مدیر؛

۲. تعریف موقعیت و جایگاه اجتماعی موضوع مدیریت؛

۳. تعیین هدف؛

۴. برنامه‌ریزی؛

۵. ایجاد انگیزه؛

۶. سازمان‌دهی و اجرا؛

۷. کنترل و نظارت.

به عنوان مثال، در اداره یک مؤسسه آموزشی، بیش از هر چیزی باید وظایف و اختیارات مدیر مشخص باشد؛ زیرا فلسفه شکل‌گیری دانش و فن مدیریت، بهره‌وری بهتر از امکانات و فرصت‌های موجود است و در صورت مشخص نبودن وظایف و اختیارات، ناهماهنگی، تداخل در کارها، تکرار، عدم مسئولیت‌پذیری، پیش می‌آید. همچنین، در مدیریت امور فرهنگی، سیاسی و تربیتی، شناخت موقعیت و ظرفیت موضوع مدنظر، به‌طور کامل ضروری است. به‌علاوه، تعیین هدف و اولویت‌گذاری آن بسیاری حیاتی است. در فصل آینده این عناصر را در موضوع مسجد به صورت تطبیقی بررسی خواهیم کرد.

۳-۴) مفهوم مسجد

الف) مسجد در لغت

مسجد از نظر لغت به معنای مطلق، مکان سجده است.^۱ در قرآن نیز مسجد به معنای مطلق، مکان عبادت خوانده شده است. چنان که معبد‌های ادیان پیش از اسلام، مانند هیکل سلیمان که معبد اصلی در دین یهود بود، مسجد گفته شده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَمْرُهُ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم، برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم که بی‌گمان او شنوا و بینا است.^۲

در هنگام بعثت رسول الله ﷺ مسجد به معنای اسلامی در بیت المقدس وجود نداشت. همان‌طور که به کلیسای مسیحیان مسجد گفته شده است. در قرآن کریم در داستان اصحاب کهف، از قول کسانی که بعد از مرگ دوباره اصحاب کهف، تصمیم گرفتند که محلّ اصحاب کهف را معبدی بسازند می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» آنها که بر کار آنان چیره گشتند گفتند: مسجدی بر (مدفن)

۱. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۰۳.

۲. اسراء، آیه ۱.

آنها خواهیم ساخت».^۱

کسانی که می گفتند محلّ خواب (یا مرگ واقعی) اصحاب کهف را عبادت گاه می سازیم، مقصودشان ساختن کلیسا بود؛ چون اصحاب کهف مسیحی بودند. در روایات هم مسجد به معنای مطلق، مکان عبادت خداوند معرفی شده است.

ابوذر می گوید: از رسول الله ﷺ پرسیدم، کدام مسجد اولین بار ساخته شد؟ حضرت فرمود: کعبه؛ پرسیدم و بعد؟ فرمود: مسجد اقصی. ^۲ در عهد نزول آیات قرآن به خصوص در شب معراج که قبل از هجرت به مدینه بوده است، مسجد به معنای اسلامی نبود، بلکه مسجد به معنای مکان عبادت بود. در کتاب «وسائل الشیعه» روایاتی در جواز مسجد قرار دادن کنیسه و کلیسا به عنوان مسجد نقل شده است. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که می توان در کنیسه و کلیسا نماز گزارد:

«سألت أبا عبد الله (ع) عن البيع والكنائس يصلی فیها؟ قال: نعم؛ وسألت هل يصلح بعضها مسجداً؟ فقال: نعم؛ از امام صادق (ع) پرسیدم در کلیساها و کنیسه ها می شود نماز گزارد؟ فرمودند: بله؛ و پرسیدم می شود بخشی از آنان را مسجد قرار داد؟ فرمود: بله».^۳

این روایت حاکی از این است که از نظر اسلام، کنیسه و کلیسا برای عبادت خداوند بنا شده است و اگر انحرافی در اعمال عبادی اهل کتاب صورت گرفته است، باعث نمی شود که این مکان ها صلاحیت خود را برای عبادت خداوند از دست بدهند. شاید به دلیل اینکه در این آیات بر کلیسا و کنیسه، مسجد اطلاق شده، زجاج، یکی از لغت دانان عرب، معتقد است که هر جایی که در آن عبادت شود، مسجد است؛ چون رسول الله ﷺ فرمودند که زمین برای من مسجد و پاک کننده قرار داده شده است: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَظَهْرًا؛ زمین برای من مسجد (سجده گاه) و پاکیزه قرار داده شده است».^۴ فخر رازی هم در زیر این آیه می گوید: [نظر] اکثر بر این است که مسجد، جاهایی است که برای نماز و یاد خدا بنا شده و شامل کنیسه ها و کلیساها و مساجد مسلمانان می گردد. ^۵ زرکشی به استناد حدیث نبوی مذکور گفته است که در دین اسلام، کلّ زمین مسجد است.^۶

۱. کهف، آیه ۲۱.

۲. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ۵، ص ۲۱۱.

۴. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۰۳.

۵. امام فخر رازی، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۱۰، ص ۶۷۴.

۶. احکام تحية المسجد، ص ۱۶.

ب) مسجد در اصطلاح فقهی

از نظر فقهی، مسجد به جایی گفته می‌شود که برای نماز گزاردن عموم مسلمانان وقف شده باشد. صاحب جواهر رحمته الله که در بین فقه‌های شیعه بیش از همه درباره مسجد بحث کرده است در تحقق عنوان شرعی و اصطلاحی مسجد، «وقف بر کافه مسلمانان» را شرط می‌داند؛ به صورتی که اگر وقف بر خاص باشد، مسجد نخواهد بود. ایشان در تعریف مسجد می‌گوید: «و المراد بالمسجد شرعاً المكان الموقوف علی کافه المسلمین للصلوة، فلو خص بعضاً منهم به لم یکن مسجداً؛ مراد از «مسجد شرعی» مکانی است که برای نماز عموم مسلمانان وقف شده باشد»^۱.

صاحب جواهر رحمته الله، در اینکه در تحقق عنوان مسجد بر جایی، صیغه وقف لازم است یا نه، دو قول را یاد می‌کند: اول اینکه، صیغه وقف لازم است و قول دوم اینکه، صیغه وقف لازم نیست؛ زیرا در صدر اسلام، در بنای مسجد صیغه وقف جاری نمی‌کردند؛ البته اعلان به مردم برای نماز و نماز خواندن در آن، شرط تحقق مسجد است، نظر خودش این است که صیغه شرط است؛ به دلیل اینکه در باب وقف، همه فقها صیغه را لازم دانسته‌اند؛ ولی در این قول هم اظهار تردید می‌کند و می‌گوید در روایات شواهدی است که قول اول را تأیید می‌کند.^۲

امام خمینی رحمته الله هم در ساختن مسجد صیغه وقف را لازم ندانسته است و تنها ساختن به عنوان مسجد و اجازه نماز گزاردن عموم در آن و نماز گزاردن تعدادی از مردم در آن را در مسجد شدنش کافی می‌داند و می‌فرماید: «الظاهر کفاية المعاطاة فی مثل المساجد... فلو بنی بناءً بعنوان المسجدية وأذن فی الصلاة فيه للعموم و صلی فیہ بعض الناس، کفی فی وقفه و صیورته مسجداً».^۳

علمای اهل سنت هم، مسجد را تا حدودی مشابه فقه‌های شیعه تعریف کرده‌اند. در کتاب «احکام تحية المسجد»، مسجد یک مکان دائمی برای نماز گزاردن تعریف شده و در این مورد چنین آمده است: «المكان الذي اعد للصلوة على الدوام» [مسجد، مکانی است که برای نماز گزاردن به‌طوری دائمی آماده شده باشد].^۴ بنابراین، از نظر فقهی جایی که بدون وقف، محل نماز است و یا وقف برای نماز خواندن تعدادی خاصی است، مسجد نیست. همچنان که خانقاه و حسینیه هم حکم مسجد ندارد.

موضوع بحث ما مسجد فقهی است؛ یعنی مسجدی که برای نماز همه مسلمانان بنا شده باشد. هر چند

۱. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۳، مسئله ۳.

۴. احکام تحية المسجد، ص ۱۶.

عرفا بر مصلّاهایی که در خانه‌ها ساخته می‌شود نیز مسجد گفته‌اند و روایاتی هم در فضیلت و ثواب ساختن محلی در خانه‌ها برای نماز وارد شده است، ولی این مکان‌ها حکم مسجد را ندارند.^۱

۳-۵) مدیریت مسجد

دو تعریف از مدیریت مسجد می‌توان ارائه داد: نخست، تعریف مدیریت مسجد به عنوان شاخه‌ای از دانش مدیریت و دوم، مدیریت مسجد به عنوان یک فنّ و هنر. با توجّه به اینکه دانش مدیریت شاخه‌های متعدّدی دارد، می‌توان مدیریت مسجد را شاخه‌ای از علم مدیریت در نظر گرفت و آن را این گونه تعریف کرد: دانش مدیریت مسجد عبارت است از مجموعه اصول و قواعدی که مدیریت مسجد را برای تحقق اهدافی که برای آن در دین مشخص شده است، تسهیل می‌کند.

البته ما چنین دانش مدّونی به این نام هنوز نداریم، ولی این دلیل نمی‌شود که نداشته باشیم، دانش مدیریت امروز ده‌ها شاخه پیدا کرده است و روز به روز هم بر شاخه‌های آن افزوده می‌شود. اساس این دانش بر تفکّرات، نظریّه و تجربه‌هایی استوار است که در هر حوزه توسط متخصصان مطرح می‌شد و با جمع‌آوری این نظریّه و تجربیات و دسته‌بندی و منسجم کردن آن، یک دانش شکل می‌گیرد. دانش، چیزی فراتر از نظریّه و یا داده‌های تجربه شده نیست. مساجد، به عنوان یکی از گسترده‌ترین و مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار در زندگی فکری، فرهنگی، تربیتی و معنوی جوامع مسلمان، به طور قطع شایستگی دارد که دارای دانش مدیریت ویژه خود باشد. اداره کردن مسجد، چیزی نیست که نیاز به برهان و استدلال داشته باشد. البته چنین دانشی زمانی شکل می‌گیرد که مدیریت مسجد به عنوان یک رشته تحصیلی در حوزه‌ها و یا دانشگاه‌ها تأسیس شود؛ اما مدیریت مسجد به عنوان یک هنر و فنّ، نیازی به رشته و دانش ندارد و یک توانایی است که می‌تواند در اثر استعداد و تلاش یک شخص و یا تجربه‌آموزی از دیگران فراهم شود. مدیریت مسجد را به عنوان یک فنّ و هنر، می‌توان این گونه تعریف کرد: هنر و فنّ رهبری مسجد به منظور محقّق کردن اهداف تشریع مسجد.

البته از آنجا که دانش مدیریت یک دانش کاربردی است، شاید تفکیک کامل آن از هنر و فنّ مدیریت، نه ضروری باشد و نه لازم؛ ولی به هر حال، باید برای مشخص بودن مسیر بحث این دورا از هم متمایز کرد. هدف ما بررسی و کشف و تبیین اصول و قواعد مدیریت مسجد است، بنابراین، بحث بیشتر روی دانش مدیریت مسجد است تا بررسی مدیریت مسجد به عنوان یک فنّ و هنر. البته این نوشته حتّی در حدّ یک

گام در مسیر شکل‌گیری دانش مدیریت مسجد هم شاید به حساب نیاید؛ ولی تلاشی در این راستا است.

۳-۶) حوزه‌های مدیریت مسجد

همان‌طور که اشاره شد، مقصود از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه از طریق مسجد است. بنابراین، مدیریت و ویژه‌ای خواهد بود و با توجه به ابعاد جامعه، مدیریت مسجد هم دارای حوزه‌ها و بخش‌های متعددی می‌شود. مسجد، همچنان که محور دین است، محور جامعه هم است. در فرهنگ اسلام مسجد، در مرکز شهر و محله و بازار احداث می‌شد که نشان‌دهنده نقش محوری مسجد است و از نظر کاربردی هم در تاریخ اسلامی به خصوص صدر اسلام، تمام امور اجتماعی و سیاسی در مسجد حل و فصل و مدیریت می‌شد و مسجد، به عنوان تنها مرکز عمومی و اجتماعی مسلمانان مطرح بود. هر چند با توجه به گستردگی و پیچیدگی جوامع امروزی چنین چیزی در عصر حاضر امکان ندارد، ولی نباید ظرفیت و استعداد مسجد در حیات اجتماعی به کلی فراموش شود. تا جایی که امکان دارد باید نقش محوری و حضور فعالانه مسجد را در تمام جوانب زندگی دوباره احیا کرد.

مدیریت مسجد شامل حوزه‌هایی است که دین در آنجا می‌تواند نقش ایفا کند. با توجه به این مبنا می‌توان شاخه‌های فرعی بسیاری برای مدیریت مسجد در نظر گرفت؛ مثل مدیریت عبادی مسجد، مدیریت سیاسی مسجد، مدیریت فرهنگی مسجد، مدیریت اجتماعی مسجد و مدیریت اقتصادی مسجد و....

فصل چهارم: ارکان مدیریت مسجد

۴-۱) شناخت وظایف و اختیارات

اولین رکن و اصل و قاعده در مدیریت، شناخت وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات مدیر است. مدیر باید بداند که چه چیزی از او خواسته شده و چه امکاناتی برای تحقق این خواسته در اختیار او قرار داده شده است. طبیعی است که مدیر، بدون شناخت وظایف نمی‌تواند اهداف مورد نظر را محقق کند؛ همچنان که مدیر، بدون داشتن اختیارات کافی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را محقق کند. بدون آشنایی با وظیفه، مدیریت به هرج و مرج کشیده خواهد شد و بدون داشتن اختیارات، مدیریت با بحران مواجه خواهد شد. حال این سؤال پیش می‌آید که مدیر مسجد، چه وظایفی و اختیاراتی دارد؟

۴-۱-۱) وظایف مدیر مسجد

شاید برخی گمان کنند که وظیفه امام مسجد فقط خواندن نماز جماعت است. اگر ما وظیفه امام جماعت را فقط در خواندن نماز منحصر کنیم، سخن گفتن از مدیریت مسجد بیهوده است. چنین تفکری با دیدگاه

سکولاری از دین و مسجد هماهنگ است نه با دیدگاه مکتبی. در دیدگاه مکتبی به خصوص در تفکر شیعه، وظیفه امام مسجد تداوم وظایف انبیا است. مسجد که خانه خدا و برای مردم است، متولی آن انبیا هستند و بعد از انبیا در اختیار امام مسجد است. بنابراین، همان طور که در بررسی جایگاه مسجد از محوریت مسجد در مدیریت دینی جامعه سخن رفت، امام مسجد هم محور مدیریت مسجد است و همان طور که در تعریف مدیریت گفته شد، هدف مدیر، سازمان دهی همه امکانات برای تحقق هدف است. بنابراین، امام مسجد هم باید همه امکانات موجود را برای تحقق اهداف دین و مسجد در جامعه رهبری کند. به بیان دیگر، دین به فرد و جامعه جهت می دهد و مسیر هدایت و سعادت حقیقی را نشان می دهد. مسجد، محور این جهت دهی و هدایت است و سگان این محور به دست امام مسجد است. از این رو، نقش امام مسجد چون سگاندار کشتی در دریا است که از طریق اتاق کنترل یا همان مسجد، کشتی جامعه را به سوی مقصد هدایت می کند. بر این اساس، هر کاری که رسول الله ﷺ در مسجد و برای مدیریت مسجد انجام می داد، امام مسجد می تواند و شایسته است که انجام بدهد و در اصل سنت و سیره رسول الله ﷺ باید الگوی امام مساجد باشد. در بررسی آیات و روایات و سیره پیشوایان دینی (علیهم السلام) چند محور را به عنوان مهم ترین وظایف امام مسجد می توان ارائه نمود که عبارت اند از:

۱. اقامه نماز

اولین وظیفه امام مسجد اقامه نماز، به عنوان اصلی ترین رکن عبادی دین اسلام است. اقامه نماز، از وظایف اصلی انبیا و به خصوص خاتم انبیا ﷺ بوده است. خدای متعال در قرآن کریم، ابلاغ آیات قرآن و اقامه نماز را دو وظیفه خاتم پیامبران ﷺ بیان کرده، می فرماید: «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (آسمانی) را که به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی و گناه باز می دارد و یاد خدا بزرگ تر است و خداوند آن چه را انجام دهید، می داند»^۱.

در سوره انعام به پیامبر اکرم ﷺ دستور می دهد که بگوید مأمور به ابلاغ آیات قرآن و برپا کردن نماز هستیم؛ آنجا که می فرماید: «...قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأَمْرًا لِّسَلِيمٍ لِّرَبِّ الْعَالَمِينَ» بگو تنها هدایت خداوند، هدایت است و دستور داده شده ایم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم»^۲.
در ادامه، قرآن کریم می فرماید: «وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (و نیز به ما فرمان

۱. عنکبوت، آیه ۴۵.

۲. انعام، آیه ۷۱.

داده شده) نماز را برپا دارید و از او بهره‌یزید و تنها اوست که به سوبش محشور خواهید شد.^۱

قرآن کریم در توصیف مؤمنان و یاران پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله اولین چیزی که مطرح می‌کند این است که آنان بعد از اینکه بر زمین مسلط شدند، نماز به‌پا می‌دارند. در همین راستا قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.^۲

یکی از وصایای لقمان حکیم به فرزندش اقامه نماز بوده است: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ» پسر، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن.^۳

مجموعه این آیات و آیات مشابه دیگر، حاکی از این است که اقامه نماز اصلی‌ترین و محوری‌ترین برنامه مسجد است. باید توجه داشت که اقامه نماز با خواندن نماز فرق دارد. مقصود از اینکه اصلی‌ترین وظیفه امام جماعت اقامه نماز در مسجد است، چیزی فراتر از خواندن نماز در مسجد و برگزاری نماز جماعت است. در قرآن تأکید بسیاری بر روی اقامه نماز است. از آیات قرآن چنین بر می‌آید که اقامه نماز مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه انبیا بوده است. شاید برخی گمان کنند که مقصود از اقامه نماز، خواندن نماز و یا برپایی نماز جماعت است؛ این گمانی بیگانه با واقعیت است.

حضرت ابراهیم علیه السلام زمانی که اسماعیل علیه السلام را به مکه ساکن کرد، یکی از اهدافش از این کار را برپایی نماز عنوان کرده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ» پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.^۴

مقصود ابراهیم علیه السلام از اقامه نماز، این نبود که اسماعیل در مکه نماز بگذارد؛ اگر مقصود نماز گزاردن بود، در کنعان هم می‌توانست این کار را انجام دهد و نیازی نبود که به سرزمین بی‌آب و علف مکه برود. همچنین، اگر مقصود فقط خواندن نماز بود، با عبارت «لیصلی» بهتر بیان می‌شد. هدف حضرت ابراهیم علیه السلام و هدف خداوند از دستور به ابراهیم علیه السلام این بود که حضور اسماعیل در مکه منجر به گسترش و تداوم عبادت و یاد خداوند در جهان و در بین بشریت شود و مکه محل ذکر و یاد خداوند باشد. پس، مقصود از اقامه نماز، تنها خواندن نماز نیست؛ بلکه مقصود اقامه، به معنای گسترش و استمرار و پایداری نماز به عنوان عبادت خداوند

۱. همان، آیه ۷۲.

۲. حج، آیه ۴۱.

۳. لقمان، آیه ۱۷.

۴. ابراهیم، آیه ۳۷.

در جامعه است. بر این اساس، هدف اصلی برای امام مسجد این است که نماز را به عنوان ارتباط با خداوند در جامعه زنده نگه داشته و گسترش دهد و از این طریق ارتباط انسان را با خداوند برقرار کند. نماز، مهم‌ترین راه اصلی‌ترین شیوه ارتباط بین بنده و پروردگار است. انبیا، اولیا و امامان مساجد وظیفه دارند که این ارتباط را زنده، استوار و پایدار نگه دارند و گسترش دهند و این در صورتی محقق می‌شود که نماز به عنوان یک وظیفه از طرف بیشتر افراد جامعه اقامه شود. هر چه امام جماعت در گسترش نماز در بین افراد جامعه موفق‌تر باشد، مدیریت او موفق‌تر است. بنابراین، مدیریت مسجد، فراتر از نماز گزاردن در مسجد است و وظیفه‌اش ترویج نماز در جامعه است. ترویج نماز در جامعه به معنای، احیای ذکر خدا و استحکام ارتباط با خداوند در جامعه و پیوند مستحکم‌تر افراد با خداوند است. این، همان وظیفه‌ای است که انبیا برای آن مبعوث شده‌اند و وظیفه‌ای است که علمای دین بر دوش دارند؛ همچنان که در روایات آمده است که: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛ علما، وارثان پیامبرانند».^۱ بنابراین، مسجد به عنوان پایگاه و سنگر دین، اصلی‌ترین جایگاه انجام این وظیفه است.

۲. جلب مشارکت

دومین وظیفه امام، جلب مشارکت و حضور مردم در مسجد است. اقامه نماز در راستای ارتباط مسجد با خداوند است و جلب مشارکت در راستای ارتباط مسجد با مردم است. مسجد حلقه اتصال انسان با خداوند است و جایی است که جامعه با خداوند ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین، اقامه نماز بدون جلب مشارکت مردم در مسجد میسر نیست. شواهدی از سنت نبوی ﷺ و سیره معصومان (علیهم‌السلام) وجود دارد که بر اهمیت این موضوع دلالت دارد. یکی از سنت‌های و سفارش‌های رسول اکرم ﷺ مراعات حال نماز گزاران بود که نماز نباید باعث مشقت مردم شود و در نتیجه باعث دوری مردم از مسجد و نماز جماعت گردد.

در روایتی به نقل از رسول اکرم ﷺ آمده است: عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ أَنَّ رَجُلًا قَالَ: وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَأَتَأَخَّرُ عَنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ مِنْ أَجْلِ فُلَانٍ، يَمَاطِيْلُ بِنَا؟ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَوْعِظَةٍ أَشَدَّ غَضَبًا مِنْهُ يَوْمَئِذٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْكُمْ مُتَفَرِّقِينَ؛ فَأَيُّكُمْ مَا صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ، فَإِنْ فِيهِمُ الضَّعِيفُ وَالْكَبِيرُ وَذَا الْحَاجَةِ؛ از ابی مسعود نقل شده که مردی گفت: من به دلیل اینکه فلانی نماز را طول می‌دهد، نماز صبح را به تأخیر می‌اندازم. (ابی مسعود می‌گوید) رسول الله ﷺ را در هنگام هیچ موعظه‌ای از آن روز خشمگین‌تر ندیدم. سپس حضرت فرمود: بعضی از شما نفرت‌افکن هستید. هر یک از شما که با مردم نماز گزاردید، نماز را با سرعت بخوانید که در بین نماز گزاران، ناتوان و پیر و کسانی که کار دارند، هستند».^۲

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲.

۲. صحیح بخاری، کتاب الأذان، باب تخفیف الإمام فی القيام وإنما الركوع والسجود؛ فتح الباری، ج ۲، ص ۱۹۷.

امام علی (علیه السلام) نیز در عهد نامه‌اش به مالک اشتر نخعی به او چنین سفارش فرمودند: «وَإِذَا قُتِّ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ، فَلَا تَكُونَنَّ مُنْفَرًّا وَلَا مُضْطَعًّا فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلَّةُ وَلَهُ الْحَاجَةُ وَقَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أَصَلِّي بِهِمْ؟ فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَوْعَفِهِمْ، وَكُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ نماز را چنان انجام ده که نه باعث خستگی و نفرت شود و نه چیزی از آن ضایع شود؛ زیرا که در بین نمازگزاران، افراد مریض و کسانی که گرفتاری و کاری دارند وجود دارند. من هنگامی که به یمن می‌رفتم از رسول خدا ﷺ پرسیدم که چگونه با مردم نماز بخوانم؟ فرمود: با مردم هم‌چون نماز ناتوان‌ترین آنان نماز بگذار و نسبت به مؤمنان مهربان باش.»^۱

روایاتی وجود دارد که رسول الله ﷺ و حضرت امیر (علیه السلام) کسانی را که در نماز جماعت شرکت نمی‌کردند، تهدید می‌کردند. صاحب جواهر در بررسی این روایات می‌گوید که این روایات بر کراهت عدم حضور در مسجد دلالت دارد نه بر حرمت آن؛ به دلیل اینکه هیچ کس فتوا به وجوب حضور در نماز جماعت نداده است.^۲ همچنان که صاحب جواهر تصریح می‌کند، با وجود این روایات کسی فتوا به وجوب حضور در نماز جماعت نداده است. از عدم فتوا به وجوب فهمیده می‌شود که رسول الله ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) این تهدید را عملی نکرده‌اند؛ چون اگر یک مورد این تهدید عملی می‌شد، برای فتوا به وجوب نماز در مسجد مبنا محسوب می‌شد. بنابراین، می‌توان گفت که روایاتی که بر تهدید دلالت می‌کنند، اگر از نظر سند معتبر باشند، فقط نوعی تهدید را بیان می‌کنند و نشان از اهمیت حضور در نماز جماعت است که از هر وسیله‌ای باید برای حضور افراد جامعه در مسجد استفاده کرد.

۳. گسترش حوزه فعالیت مسجد

سومین وظیفه امام جماعت، وسعت دادن به گستره فعالیت مسجد است. امام مسجد باید فعالیت مسجد را در تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی گسترش دهد. چنان که گفته شد هدف اصلی از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه است. مدیریت جامعه در صورتی محقق خواهد شد که مسجد در تمامی حوزه‌هایی که دین حاوی پیام است، فعال شود. وظیفه مدیر مسجد این است که فعالیت مسجد را به تمام بخش‌های زندگی فردی و اجتماعی که دین در آن پیام و یا دستوراتی دارد، گسترش دهد. حکومت اسلامی که رسول الله ﷺ بنیان گذاشت بر سه پایه استوار بود: پایه نخست، مسجد بود. رسول الله ﷺ بعد از ورود به مدینه، مسجدی ساخت که به عنوان پایگاه اصلی مسلمانان بود. پایه دوم، انعقاد عقد اخوت و برادری بین مردم، یعنی انصار

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

مدینه و مهاجران بود. پایه سَوم، پیمان‌های چندجانبه‌ای بود که بین رسول الله ﷺ و مسلمانان با مشرکان و یهود بسته شد. در این سه پایه، مسجد اولین و مهم‌ترین آنها بود؛ اما مسجد در عصر حاضر از این جهت بسیار غریب است؛ زیرا مساجد به جز در اوقات نماز، در بقیه مدت شبانه روز بسته است. در حالی که بر طبق سنت نبوی ﷺ مسجد باید همیشه باز باشد. یکی از سنت‌های رسول الله ﷺ، نشستن در مسجد بود. روایت شده است که رسول الله ﷺ در مسجد می‌نشستند و گاهی به اصحاب خود مسائلی را تعلیم می‌دادند. گاهی منتظر می‌ماندند تا کسی از او چیزی بپرسد. همچنین، برای برقراری آشتی بین مردم، اجرای حدود و برآوردن حوائج مردم در مسجد می‌نشستند.^۱ یک جامعه دینی در عصر حاضر باید از این الگو پیروی کند. برای گسترش حوزه فعالیت مسجد، باید در دو جهت مشخص برنامه‌ریزی کرد:

الف) رهبری امام مسجد در فعالیت‌های اجتماعی

یکی از کارهایی که باید احیا شود این است که امام مسجد، حداقل ساعاتی از روز را در مسجد بنشیند و همانند رسول الله ﷺ در بین مردم حضور داشته باشد و به اموری که مردم به او رجوع می‌کنند، رسیدگی کند. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به قثم بن عباس، فرماندار مکه چنین دستور می‌دهد: «أَمَّا بَعْدُ، فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحُجَّ، وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَاجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأَقِ الْمُسْتَفْتَى، وَعَلِّمِ الْجَاهِلَ، وَذَاكِرِ الْعَالِمَ؛ أَمَّا بَعْدُ، حُجَّ رَا بَرِّكَزَارِ كُنْ وَرَمَرْدَمَ رَا نَسَبَتْ بَهْ أَيَّامِ اللَّهِ يَادْ أَوْرَى كُنْ وَبَعْدَ از نماز ظهر و عصر با مردم بنشین و به پرسش‌های آنان پاسخ بده؛ جاهلان را آگاه کن و با عالمان به گفتگو بنشین».^۲

هرچند در این سخن امام فقط سه نکته یعنی پاسخ به پرسش‌ها و آگاه کردن جاهلان و گفتگو با عالمان مطرح شده است؛ اما به نظر می‌رسد که مقصود آن حضرت، حصر وظیفه امام در این سه نیست، بلکه مقصود ایشان حضور امام در بین جامعه و حل و فصل همه مشکلات مردم است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: «مَنْ تَوَلَّى أُمُورَ النَّاسِ فَعَدَلَ وَفَتَحَ بَابَهُ وَرَفَعَ شَرَّهُ وَنَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ؛ هر کسی که کاری از امور جامعه را بر عهده بگیرد و در آن کار به عدالت رفتار کند و موانع بین خود و مردم را بردارد و در خانه‌اش را بر روی مردم بگشاید و در کار مردم بنگرد، بر خداوند شایسته است که در روز قیامت هراس او را بر طرف کند و او را به بهشت وارد کند».^۳

امام و مدیر مسجد یکی از مهم‌ترین کارهای مردم را بر عهده گرفته است و باید در انجام این وظیفه از

۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۲۱، ۱۲۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۳.

مردم فاصله نداشته باشد. امام و مدیر مسجد کارهای بسیاری را می‌تواند انجام بدهد؛ از جمله: حلّ و فصل مشکلات خانوادگی و منازعات به وجود آمده بین مردم، برقراری آشتی بین طرف‌ها و مشورت در تربیت دینی فرزندان و مشکلات روحی افراد، برگزاری مباحثات علمی و فرهنگی و... این امور می‌تواند با تدابیری به صورت جزئی از کاربردها و وظایف تعریف شده مساجد درآید؛ به صورتی که مردم به جای اینکه مسائل جزئی‌شان را در پاسگاه‌ها و دادگاه و با جنجال و دعوا حلّ و فصل کنند، با حضور در مساجد و در فضای آرام، سریع‌تر انجام دهند. اگر امام مسجدی بتواند فعالیت‌های خود را تا این سطح گسترش بدهد، هم در بین مردم از وجهه و جایگاه خوبی برخوردار خواهد شد و هم در مدیریت دینی جامعه توفیق بزرگی به دست خواهد آورد. چنین کسانی در واقع به سطح رهبری جامعه نایل خواهند شد.

انبیا و اوصیا، تنها امام در عبادت نبودند؛ امام در زندگی هم بودند؛ مقتدای در همه امور بودند. در قرآن کریم، زندگی انبیا و از جمله حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) اسوه حسنه برای مردم معرفی شده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ هُمْ إِنَّا بَرَاءُ مِنْكُمْ وَهُمْ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَخَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبْنَيْهِ لَا أَغْتَفِرْ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» برای شما در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، الگوی نیکی وجود داشت؛ در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و آنکه غیر از خدا می‌پرستید، بیزاریم! ما نسبت به شما کافریم و بین ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید.^۱

همچنین قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَهُوَ يُؤْتِي الْغَنَىٰ الْحَمِيدُ» (آری، برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سرپیچی کند (به خویشتن ضرر زده است؛ زیرا) خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است».^۲

در قرآن کریم درباره حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) هم آمده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» به‌طور مسلم برای شما در زندگی رسول خدا الگوی نیکویی بود، برای کسانی که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».^۳

۱. ممتحنه، آیه ۴.

۲. همان، آیه ۶.

۳. احزاب، آیه ۲۱.

همان طور که امام جماعت و جمعه وقتی در نماز هستند و مردم در نماز به ایشان اقتدا می کنند، از نظر اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و تربیتی هم باید چنین جایگاهی داشته باشند. اگر امام مسجد به این مقام برسد، مدیریتش بسیار تأثیر گذار خواهد بود. یکی از محققین درباره نقش رهبران فکری در شکل گیری تحولات اجتماعی می گوید: رهبران در یک تقسیم بندی، به رهبران فکری و غیر فکری تقسیم می شوند. رهبران فکری جامعه ممکن است خود را رهبر به حساب نیاورند، اما در شکل گیری تحولات اجتماعی نقش مهمی دارند.^۱ جایگاه اصلی امام مسجد، جایگاه رهبری فکری افراد است.

ب) تأثیرگذاری مسجد در زندگی فردی و اجتماعی

جهت دوم گسترش حوزه فعالیت مسجد، حضور مسجد در زندگی افراد جامعه است؛ یعنی اینکه بین مسجد و افراد رابطه متقابل وجود داشته باشد؛ به صورتی که فرد خود با مسجد مأنوس باشد و مسجد هم در زندگی فرد تأثیر داشته باشد. در روایات اسلامی، برای نشستن در مسجد هم آثار و برکاتی بیان شده است. عثمان ابن مظعون که از اصحاب بسیار عابد و زاهد رسول الله ﷺ بود، می گوید: «قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ أَشْيَاءَ، فَقَالَ: وَمَا هِيَ يَا عُثْمَانُ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَتَرَهَّبَ؛ قَالَ: لَا تَفْعَلْ يَا عُثْمَانُ، فَإِنَّ تَرَهَّبَ أُمَّتِي الْقُعُودُ فِي الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ؛ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ خَدَمُ اللَّهِ يَخْشَوْنَ اللَّهَ وَخَدَمُ اللَّهِ يَخْشَوْنَ اللَّهَ»^۲ خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - عرض کردم: ای پیامبر خدا! قصد دارم تا چیزهایی را از شما بپرسم؛ حضرت فرمود: ای عثمان! آنها چه هستند؟ عرض کردم: می خواهم به رهبانیت، رو بیاورم (و ترک دنیا کنم)؛ حضرت فرمود: ای عثمان! چنین مکن؛ زیرا رهبانیت امت من، نشستن در مسجدها و انتظار کشیدن برای نمازی در پی نماز دیگر است»^۳.

همچنین، در روایات دیگری، از نشستن در مسجد برای انتظار نماز بسیار تمجید شده است. در «وسائل الشیعه» بابی تحت عنوان «استحباب الجلوس فی المسجد و انتظار الصلاة» آورده شده است و در روایت متعددی در استحباب نشستن در مسجد تمجید شده است؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «ثَلَاثَةٌ تَفْرِمُنْ خَالِصَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَهُوَ زُورُ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زُورَهُ وَيُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، وَرَجُلٌ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى وَعَقَّبَ انْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ الْآخِرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ، وَالْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ فَهُمَا وَقْدُ اللَّهِ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَقْدَهُ؛ در روز قیامت سه کس از افراد خالص، در نزد خداوند هستند: اول، کسی که برادر دینی خود را فقط از روی رضای خدا دیدار

۱. کریمی، سعید، رسانه ها و راه های تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، ص ۸۸.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۱.

کند، چنان است که گویی خدا را دیدار کرده و بر خدا است که زائرش را اکرام کند و هر چه می‌خواهد به او عطا کند؛ دوّم، مردی که به مسجد در آید و نماز بگزارد و منتظر نماز دیگر باشد که او مهمان خداوند است و بر خداوند است که مهمانش را اکرام کند و سوّم، کسی که برای حجّ و عمره عازم شده، بر خدا است که مهمانش را اکرام کند.^۱

در روایت دیگری آمده است: عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الجلوس في المسجد لا ينتظار الصلاة عبادةً ما لم يحدث، قيل: يا رسول الله وما يحدث؟ قال: الإغتياب؛ امام صادق عليه السلام از پدرانش روایت کرد که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است، تا زمانی که ناروایی پدید نیابد. سؤال شد: ای پیامبر خدا! چه ناروایی؟ فرمودند: غیبت کردن.^۲

البته، نشستن در مسجد کم‌ترین نقش حضور مسجد در زندگی افراد است. در مسجد می‌توان کارهای بسیاری انجام داد که در زندگی مردم نقش داشته باشد؛ مسجد می‌تواند محلّ مشورت مردم در امور فردی و اجتماعی باشد و می‌تواند محلّی برای ایجاد ارتباطات سالم باشد. مسجد می‌تواند محلّی برای گفتگوهای علمی و دینی باشد یا محلّ ارتباط مردم با مسئولان باشد و....

۴. تعلیم و تربیت دینی

وظیفه چهارم امام جماعت، بهره‌گیری از مسجد برای تعلیم و تربیت دینی است؛ یعنی همان کاری که رسول الله صلى الله عليه وآله انجام داد. تعلیم و تربیت دینی افراد جامعه از اصلی‌ترین وظایف انبیا بوده است. خداوند متعال برای بعثت انبیا سه وظیفه بیان کرده است که عبارت‌اند از: تلاوت آیات خداوند (ابلاغ پیام خدا)، تزکیه (تربیت) و تعلیم کتاب و حکمت.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ همان‌طور که رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما کتاب و حکمت و آن چه را نمی‌دانستید، یاد دهد».^۳

اگر مسجد در این زمینه فعال شود، علاوه بر اینکه نقش تربیتی خانواده را تقویت می‌کند، از آسیب‌های احتمالی هم جلوگیری می‌کند. به هر حال، تنها تربیت دینی خانوادگی به هیچ‌وجه کافی نیست؛ چون بخش مهمی از اعمال دینی، امور اجتماعی است که در خانه، زمینه عملی کردن آنها وجود ندارد و مسجد هم

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۹، ح ۱۷.

۳. بقره، آیه ۱۵۱.

آموزشگاه و هم محل تجربه خوبی برای تربیت دینی اجتماعی است. در سال‌های گذشته تدریس علوم دینی در مساجد انجام می‌شد و این بسیار پر برکت بود. در گذشته در نجف و قم و همه حوزه‌های دینی درس‌ها در مساجد برگزار می‌شد. بسیاری از درس‌های استاد شهید مطهری رحمته‌الله و دیگر رهبران فکری انقلاب اسلامی در مساجد برگزار می‌شد. یکی از فواید این شیوه این بود که علاوه بر طالب، بسیاری از علاقه‌مندان به درس‌های دینی، می‌توانستند بدون هیچ مانعی از این درس‌ها استفاده کنند. این روند در حال تضعیف است و میز و صندلی و اتاق‌های تنگ جای، مساجد را گرفته‌اند. مدرس به خصوص در علوم اسلامی خیلی راه‌گشا است و موجب رونق مساجد می‌شود و زمینه را برای شرکت همه علاقه‌مندان و فهم مسائل دینی فراهم می‌کند و از این طریق روح دین در جامعه دمیده می‌شود. علاوه بر این، امام جماعت مسجد می‌تواند درس‌ها و سخنرانی‌های منظم هفتگی برای عموم یا جوانان و یا زنان برگزار کند. البته چنین جلساتی در مسجد برگزار می‌گردد؛ ولی مدیر مسجد می‌تواند با نیازسنجی، کارایی و کارآمدی آن را بالا ببرد. وی باید بر اساس نیازها و اولویت‌ها سعی کند که به کمک سخنرانی‌ها، هم فهم و درک عمومی تقویت شود و هم با خرافات، بدعت‌ها، تحریف‌ها و ناهنجارهای مبارزه شود. مساجد می‌توانند از طریق برگزاری نشست‌ها و گفتگو با شبهات، خرافات، بدعت‌ها و تحریف‌ها مبارزه کنند.

۵. جلب پشتیبانی از مواضع امام و امت

یکی از اصلی‌ترین وظایف امام مسجد، جلب پشتیبانی از مواضع امام و امت اسلامی است. در دوره رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کل تاریخ اسلام، مساجد، اصلی‌ترین مکان برای تجهیز مسلمانان به دفاع از اسلام و کیان اسلامی و مرزها در مقابل خطرات بوده است. در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسجد، اصلی‌ترین مکانی بود که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن مردم را برای جهاد و مشورت در کارها، گرد می‌آورد و این سنت تا مدت‌ها ادامه داشت و مسجد محل اداره و حل و فصل امور امت بود تا اینکه قصرها و دارالاماره‌ها جای مسجد را گرفتند؛ در عین حال، مساجد در مواقع حساس نقش مهمی در پشتیبانی از مواضع حکومت ایفا می‌کرد. در حاضر با توجه به پیچیدگی‌هایی که در جوامع ایجاد شده، مسجد می‌تواند این نقش را به خوبی انجام بدهد و سنگر مهمی برای حمایت از امام و امت اسلامی باشد.

۴-۲) ضرورت آموزش امامان مساجد

با توجه به مسائلی که به عنوان وظایف مدیر مسجد مطرح شد، ضرورت آموزش امامان مساجد، چیزی نیست که نیاز به استدلال داشته باشد. لازم است امامان مساجد دوره‌های تخصصی مدیریت مساجد را

آموزش ببینند. افزون بر آموزش، برای امانان مساجد باید اهداف کاربردی مشخصی را در نظر بگیرند تا معیاری برای سنجش عملکرد مدیران مساجد باشد. همچنان که لازم است یک فضای رقابتی و مسابقه‌ای الخیرات بین امانان مساجد بر گزار شود، تا ضمن ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر مدیران مساجد، زمینه‌های شکوفایی مساجد نیز فراهم شود.

۴-۱-۳) قدرت و اختیارات مدیریت مسجد

قدرت و اختیارات کافی، ضرورت مدیریت است. بدون قدرت و اختیار کافی، مدیریت مفهومی ندارد. بنابراین، مدیر باید در حوزه مدیریت خود، قدرت داشته باشد؛ به صورتی که هیچ چیزی غیر از مسئولیت نتواند مانع اقدامات او شود. قدرت، ابزار عمل و مسئولیت، ابزار کنترل است و باید بین این دو توازن ایجاد شود؛ یعنی قدرت در قبال مسئولیت و مسئولیت به اندازه قدرت باشد. افزون بر قدرت، آگاهی مدیر از حدود اختیارش هم ضروری است. مدیر باید سطح قدرت خود را بشناسد و بر اساس آن عمل کند. بخشی از قدرت و اختیارات مدیر، تفویضی است که باید از مقام عالی تر به او تفویض شود. بخشی دیگر از قدرت و اختیارات مدیر، اکتسابی است که مدیر با تلاش خود و احراز شایستگی، می تواند کسب کند. برای توضیح این مطلب لازم است که با منابع قدرت مدیران آشنا شویم.

برخی برای قدرت چهار منبع معرفی کرده اند که به شرح زیر است:

■ قدرت قانونی یا توانایی ناشی از قانون که توسط مقام مافوق به کسی تفویض می شود و به شخص اختیارات و مسئولیت هایی می بخشد که او را در نقش رهبر قادر می سازد تا بر مرئوسان خود تأثیر گذاشته و به رفتارشان جهت دهد. این نوع قدرت را می توان قدرت اعطایی از بالا به پایین نامید.

■ قدرت مرجعیت: نوع دیگری از قدرت است که ناشی از قبول رهبری به وسیله دیگران به عنوان مرجع تصمیم گیری است. در این نوع از قدرت، مافوق وجود ندارد. مبنای قدرت، پذیرش مرجعیت و تصمیم گیری شخصی توسط دیگران است. این نوع قدرت را قدرتی که از پایین به بالا اعطا شده است می توان نامید.

■ قدرت تخصصی: قدرت ناشی از تخصص و کاردانی مدیر است که او را بر دیگران نافذ می سازد. این نوع قدرت را می توان قدرت ناشی از ذات مدیر نامید.

■ قدرت پاداش و تنبیه: مدیر باید توانایی دادن پاداش مادی یا معنوی را داشته باشد تا از این

طریق رفتار آنان را کنترل کند و از استعداد آنها برای تحقق اهداف سازمانی خود بهره گیرد. هر چه مدیر به قدرت های فوق بیشتر مجهز باشد، می تواند بر کارکنان نفوذ بیشتری داشته باشد و در انجام وظیفه، رهبری و هدایت خود موفق تر باشد.^۱

در مدیریت مسجد، تمام این منابع قابل حصول است. البته در آغاز تنها قدرت قانونی در دست مدیر است؛ ولی توانایی و شایستگی مدیر مسجد می تواند تمامی این منابع قدرت را برای او به ارمغان آورد. مدیر مسجد با دانش مدیریت می تواند قدرت تخصصی را به دست آورد؛ چون دانش، تنها فضل و زیبایی نیست؛ بلکه توانایی و شایستگی محسوب می شود. مقصود از دانش، دانستن مسائل مرتبط به مسجد و مدیریت مسجد است، نه هر دانش دیگری. مسجد از نظر دینی، احکام و آدابی دارد و مدیر مسجد یا امام جماعت نیز از نظر دینی شرایط و احکامی دارد. به طور کلی، برای مدیر مسجد یا امام جماعت مسجد، داشتن آگاهی در دو زمینه ضروری است که به ترتیب اولویت عبارت اند از:

■ آگاهی از احکام و آداب شرعی؛

■ آگاهی عمومی و اطلاعات اجتماعی.

روشن است که مسجد به عنوان پایگاه و امام جماعت به عنوان متولی امور مسجد و دین، باید در نشر آگاهی های دینی و تحقق آن بیشترین نقش را داشته باشند. دین اسلام، از نظر فقهی احکام و آداب بسیاری دارد که نه تنها امام جماعت مسجد باید آنها را بداند، بلکه همه مؤمنان باید به آنها آگاهی داشته باشند. در نتیجه، امام مسجد هم باید آگاهی جامع تر و هم پابندی بیشتری به این احکام داشته باشد و بتواند مرجع دیگران باشد. امام مسجد، با تسلط کافی بر احکام و آداب اسلامی، قدرت تخصصی بیشتری را کسب می کند و موقعیت و جایگاه بهتری در نزد مؤمنان خواهد یافت.

۴-۲) شناخت محیط و موقعیت اجتماعی

دومین رکن از ارکان مهم در مدیریت یک سازمان یا مرکز، آگاهی کافی و همه جانبه مدیر نسبت به آن سازمان، مرکز و جایگاه اجتماعی و موقعیت جغرافیایی آن است. کسی که مدیریت یک سازمان یا یک مرکز اجتماعی را به عهده می گیرد، باید نسبت به آن شناخت کافی داشته باشد. وی باید بداند که بنگاه، سازمان و مرکز مورد نظر چه کار مفیدی می تواند انجام بدهد و موقعیت او در جامعه و بردکاری اش تا چه حدی است. این مسئله در مدیریت های فرهنگی و دینی اهمیت بیشتری دارد.

فراهم شدن این عنصر و رکن در موضوع مدیریت مسجد، مستلزم آگاهی کامل از نقش مسجد در جامعه

۱. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۳۴.

است. مقصود از موقعیت اجتماعی، جایگاه و کارکرد مسجد در اجتماع است تا معلوم شود که مسجد در جامعه از چه جایگاه، موقعیت و اهمیت بر خوردار است. مقصود از محیط، موقعیت مکانی و جغرافیایی مسجد است. شناخت موقعیت جغرافیایی یا مکانی و استعدادها و حساسیت‌های مسجد در موقعیت مدیریت مسجد اهمیت بسیاری دارد. بنابراین، در موضوع شناخت محیط، باید به هر دو جنبه توجه شود؛ هم به موقعیت و جایگاه اجتماعی و هم به موقعیت و جایگاهی جغرافیایی.

برای مدیریت مسجد، شناخت جایگاه و موقعیت مسجد هم از نظر آرمانی و هم از نظر واقعی ضروری است؛ چون هدف از مدیریت مسجد، ارتقای موقعیت فعلی مسجد به موقعیت آرمانی است. بنابراین، باید نخست جایگاه فعلی مسجد در جامعه و جایگاه آرمانی آن مشخص شود و بعد با برنامه‌های مدیریتی، جایگاه فعلی به جایگاه آرمانی ارتقا داده شود. همچنین، اشراف کامل به موقعیت جغرافیایی مسجد لازم است؛ چون بعضی از مساجد از نظر محیطی جایگاه جهانی دارند و بعضی مساجد از موقعیت ملی و برخی از موقعیت محلی برخوردار هستند.

۴-۲-۱) اهمیت موقعیت جغرافیایی مسجد در مدیریت مسجد

مسجد با توجه به موقعیت زمانی، مکانی، جغرافیایی، تاریخی و عقیدتی دارای درجات متفاوت از اهمیت است. این مطلب در فقه به روشنی بیان شده است که ثواب نماز جماعت در مسجد جامع با مسجد محله و قبیله تفاوت دارد. در روایتی از رسول الله ﷺ نقل شده است که ثواب نماز در مسجد من، ده هزار برابر ثواب نماز در دیگر مساجد است و ثواب نماز در مسجد الحرام صد هزار برابر دیگر مساجد است.^۱

علاوه بر این، برخی مساجد از فضیلت‌های بسیاری برخوردارند؛ به طوری که سفر کردن برای انجام عبادت در آنها مورد تشویق قرار گرفته است. بر اساس روایات وارد شده، سفر کردن جز به سوی چهار مسجد، جایز نیست که عبارت‌اند از: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد الاقصی و مسجد کوفه.^۲ همچنین، روایاتی درباره ثواب نماز در مسجد قبا^۳ و مسجد غدیر^۴ و برخی مساجد دیگر وارد شده است.

در مدیریت مساجد، باید بین برنامه‌ریزی و نیازها و اولویت‌ها رابطه‌ای وجود داشته باشد که این رابطه جز از طریق شناخت محیط به دست نمی‌آید. تردیدی نیست که بین نیازها و اولویت‌های یک مسجد با موقعیت

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۱.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۸۷.

جهانی و مساجدی که در سطح یک کشور یا شهر یا محله و روستا مطرح هستند، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. به هر حال، در مدیریت یک مسجد، شناخت محیط برای درک نیازها و اولویتهای، اهمیت اساسی دارد و باید شرایط زمانی، مکانی، موقعیت تاریخی و جغرافیایی و... را مورد توجه قرار داد. ضروری است که در مدیریت هر مسجد، نیازها و اولویتهای نمازگزاران و همسایگان مسجد مدنظر باشد؛ از نظر تشکیلاتی هم این تفاوت مطرح است. در مسجد محله همه کارها توسط مردم محله انجام می‌شود؛ ولی در مسجد جامع یا مسجد مراکز عمومی، مثل پادگان و مجتمع آموزشی یا کارخانه‌های بزرگ این گونه نیست و سامان‌دهی این مساجد نیازمند متولی و مدیریت خاص آن است و مدیر مسجد باید این شناخت را به دست آورد.

۴-۳) هدف‌شناسی

سومین رکن مدیریت، به خصوص در حوزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، هدفمندی یک سازمان و مشخص بودن و معین بودن اهداف آن است. در تعریف هدف، اندیشمندان گفته‌اند: «هدف، عبارت است از نقطه‌ای که کوشش‌ها معطوف رسیدن به آن است». بنابراین، مدیر باید نقطه‌ای را که تلاش‌هایش معطوف رسیدن به آن است، به درستی بشناسد. به عنوان مثال، در یک بنگاه اقتصادی هدف، کسب سود بیشتر است؛ در حالی که در یک باشگاه ورزشی هدف، کسب پیروزی در میدان ورزشی است. به همین صورت، هدف‌ها در بخش‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی به طور کامل با هم تفاوت دارند. مدیر مسجد باید در راستای تحقق اهدافی که برای مسجد در شرع مقدس اسلام بیان شده، فعالیت کند. بنابراین، مدیر مسجد، وقتی موفق است که اهداف بیان شده برای مسجد را محقق کند؛ در غیر این صورت این مدیریت، ناموفق است. از این رو، ضروری است که مدیر مسجد، قبل از هر چیز، اهدافی را که در شرع برای مسجد بیان شده، بشناسد و با توجه به این اهداف به مدیریت مسجد بپردازد.

افزون بر هدف‌شناسی، هدف‌گذاری هم در مدیریت بسیار اهمیت دارد. مقصود از هدف‌گذاری، اولویت‌بندی اهداف است. به هر حال، در بسیاری از مواقع، رسیدن به همه هدف‌ها ممکن یا آسان نیست؛ در چنین مواقعی، هنر مدیر این است که هدف‌ها یا درجاتی از اهداف را که تحقق آن ممکن است، مشخص کند. در بعضی مواقع رسیدن به هدف مستلزم گذراندن مراحل است و هنر مدیر این است که با درایت خودش مشخص کند که برای رسیدن به هدف، چه مراحل را باید طی کند. اهداف را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

■ اهداف غایی یا راهبردی؛

■ اهداف عملیاتی یا کاربردی.

مقصود از اهداف غایی یا اهداف استراتژیکی و راهبردی، اهداف کلی و نهایی است که بیانگر فلسفه وجودی موضوع مربوط به مدیریت است. به عنوان مثال، تأسیس یک کارخانه یا تشریع مسجد با چه هدفی صورت گرفته است؟ در قرآن کریم درباره مسجد آمده است: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا»^۱. این آیه بر یک هدف استراتژیک تأکید دارد که هدف بنای مسجد و فلسفه تشریع آن را بیان می کند. همچنین تزکیه، تقوا و ایمان اموری است که فلسفه وجودی مسجد را بیان می کند. این اهداف را می توان اهداف نهایی هم نامید.

مقصود از اهداف کاربردی، اهدافی است که در مسیر رسیدن به اهداف راهبردی قرار دارند. به عنوان مثال، برای کسب سود بیشتر که هدف نهایی تأسیس یک کارخانه است، باید تولید بیشتری داشت. سود بیشتر، یک هدف نهایی و راهبردی است و تولید بیشتر یک هدف کاربردی و واسطه رسیدن به سود بیشتر است.

۴-۳-۱) اهداف غایی مسجد

اهداف نهایی و راهبردی مدیریت مسجد، همان اهداف تشریع مسجد است؛ چون مدیریت مسجد برای تحقق اهداف تشریع مسجد مطرح شده است. البته در مدیریت مسجد، تطبیق این اهداف با مقتضیات زمان باید مورد توجه قرار گیرد. به هر حال، هر عصر و مکانی مقتضیات و شرایط خاصی دارد که باید با توجه به آن مقتضیات و شرایط، برای مدیریت مسجد و تحقق اهداف آن تلاش کرد. اهداف نهایی مسجد و مدیریت مسجد موضوعاتی است که در دین اسلام برای رسیدن به کمال توصیه شده است. دین، شریعت، عبادت، مسجد، نماز، روزه و... همه برای این است که انسان به کمال برسد و در اصل، دین برای رسیدن به کمال است. قرآن کریم ضمن استفاده از تعبیر «صِبْغَةَ اللَّهِ» برای مقام کمال انسانی می فرماید: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»؛ رنگ خدایی [را که رنگ ایمان، توحید و اسلام است، بپذیرید] و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است و [بگویید] ما فقط پرستش کننده او هستیم»^۲.

«صِبْغَةَ اللَّهِ» یعنی رنگ خدایی و مقصود از رنگ خدایی این است که انسان چنان باشد که خداوند

۱. توبه، آیه ۱۰۸.

۲. بقره، آیه ۱۳۸.

خواسته است. رسیدن به آن مقام، نیازمند اوصافی است که باید در انسان شکل بگیرد. این اوصاف، همان اهداف نهایی مدیریت مسجد است. کمال توفیق این است که مسجد یا مدیر مسجدی بتواند، انسان‌هایی را تربیت کند که رنگ‌خداایی داشته باشند و چنان باشند که خداوند خواسته است. با بررسی آیات قرآن و روایات، اوصاف و ویژگی‌های زیر را می‌توان به عنوان هدف نهایی مساجد معرفی کرد:

سجود و خضوع برای خدا

سجده، اوج و قلّه عبادت و از نظر معنا، هدف عبادت است؛ یعنی ابراز تعظیم و فرمانبرداری نسبت به خدای متعال است. بنابراین، چون سجده در نماز، هم از نظر کمّی (دو سجده در هر رکعت) و هم از نظر کیفی و اهمّیت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن نماز است و به عنوان سمبل عبادت خداوند مطرح است. بر این اساس، در مسجد باید کارهایی انجام شود که با فلسفه و کاربرد آن منافات نداشته باشد. به همین دلیل، در آیات و روایات کارهایی که هیچ رنگی از عبادت و یاد خدا ندارد، مثل شعر خواندن و قصّه گفتن در مسجد، نهی شده است. قرآن کریم در یک دستور کلی، یاد کردن هر چیزی غیر از خدا را در مسجد منع کرده است و می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^۱ با این حال، انجام کارهایی که به نوعی یاد خداوند در آن لحاظ شده است؛ مثل قرائت و تعلیم قرآن و تعلیم علوم دینی، نه تنها منع نشده، بلکه تشویق هم شده است.

گسترش و تقویت تقوا

یکی از اهداف استراتژیک مسجد، تقویت تقوا در افراد و جامعه است. بنابراین، برنامه‌های مدیریت مسجد باید به سمت و سوی گسترش و تعمیق تقوا در جامعه باشد. خدای متعال از بین موجوداتش، انسان را کرامت‌بخشیده و او را بر همه موجودات عالم مادی برتری داده و جهان مادی را به تسخیر او در آورده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» ما فرزندان آدم را کرامت‌بخشیدیم و آنها را در خشکی و دریا، [بر مرکب‌های راهوار] سوار کردیم و از انواع نعمت‌های پاکیزه به آنان، روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.^۲

ملاک این کرامت، عقل است و این کرامت و برتری، مربوط به دنیا است و به همه بنی آدم از نیک و بد،

۱. جن، آیه ۱۸.

۲. اسراء، آیه ۷۰.

عطا شده است. علاوه بر این، خدای متعال کرامت و برتری دیگری نیز برای انسان قرار داده است که آن، کرامت و برتری در نزد خداوند با توجه به ملاک تقوا است.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را [به صورت] تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز، نیست)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.^۱

قرآن کریم، نماز را وسیله‌ای برای بازداشتن افراد از زشتی و پلیدی می‌داند و می‌فرماید: «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» کتاب (آسمانی) را که به تو وحی شده، تلاوت کن و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی و گناه بازمی‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر [و برتر] است و خداوند آنچه را انجام دهید، می‌داند.^۲

مدیر مسجد باید ایجاد، گسترش و تقویت تقوا در فرد و جامعه را از مهم‌ترین وظایف خود بداند و در این راستا برنامه‌ریزی کند. گسترش تقوا می‌تواند یکی از ملاک‌های ارزیابی توفیق در مدیریت مسجد باشد.

تطهیر و تزکیه فرد و جامعه

چنان که گفته شد، هدف دین، رسیدن انسان به کمال و کرامت است. مقصود از کمال، این است که انسان، آن چنان باشد که خدا خواسته است و به عبارت دیگر، رنگ خدایی بگیرد و در چنین حالتی، او به کرامت در نزد خداوند نایل خواهد شد؛ در واقع، اقامه نماز و تقوا برای رسیدن به همین هدف است. این هدف را می‌توان تطهیر و تزکیه نامید که یک هدف نهایی و در طول دو هدف قبلی است؛ یعنی اینکه هدف از اقامه نماز و هدف از تقوا، رسیدن به طهارت و تهذیب انسان یا همان کمال و کرامت او در نزد خداوند است. این هدف، قله‌ای است که همه تلاش‌ها باید به برای رسیدن به آن به کار گرفته شود و هدف نهایی و غایی همه ادیان الهی است.

خدای متعال در توصیف کسانی که در مسجد نبوی ﷺ حضور می‌یافتند، می‌فرماید: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهُرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّطِّهِينَ» در آن، مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه گردند و خداوند، پاکیزگان را دوست می‌دارد.^۳

۱. حجرات، آیه ۱۳.

۲. عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. توبه، آیه ۱۰۸.

این هدف، چنان اهمیت دارد که خداوند به حضرت محمد ﷺ و مسلمانان دستور داده است که مشرکان را به مسجد راه ندهید؛ زیرا آنها پلیدند.^۱

در مدیریت مسجد این مهم باید مورد توجه قرار گیرد که مسجد، محلی برای تطهیر افراد از آلودگی‌های معنوی و روحی باشد. همان طور که مسجد، محلی مقدس و مطهر است، باید بتواند تقدس و پاکی را در جامعه اشاعه دهد.

۴-۳-۲) اهداف عملیاتی مدیریت مسجد

در مطالب قبلی گفته شد که اهداف دو دسته‌اند: اهداف راهبردی و نهایی، اهداف عملیاتی یا کاربردی. مدیر مسجد برای رسیدن به اهداف نهایی می‌تواند اهداف فرعی تری که جامعه و فرد را به سوی هدف نهایی سوق می‌دهد، انتخاب کند. برنامه‌ریزی برای رسیدن به این اهداف از اختیارات مدیر مسجد است. در این قسمت از بحث به برخی از مهم‌ترین محورهایی که می‌تواند از اهداف کاربردی برای مدیریت مسجد باشد، اشاره می‌کنیم. البته مقصود، حصر اهداف کاربردی نیست، بلکه مقصود ارائه نمونه‌هایی از اهداف کاربردی است:

■ جذب و جلب مردم

یکی از اهداف کاربردی امام مسجد، جذب مردم است. مقصود از مدیریت جذب این است که مدیر مسجد، بتواند افراد یک جامعه را به مسجد جذب کند. در اسلام این مطلب با اهمیت بسیاری مطرح شده است؛ به عنوان مثال، قرآن کریم، احادیث نبوی ﷺ، سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) اقرار زبانی به شهادتین را در صدق اسلام، کافی دانسته‌اند و عقیده قلبی و عمل را شرط ندانسته‌اند. حتی اگر کسی در دل کافر باشد و خدا را قبول نداشته باشد، اگر به زبان شهادتین را اقرار کرد، از تمام مزایای موجود در جامعه اسلامی [و مسجد] برخوردار می‌گردد. کافی بودن اقرار به شهادتین برای این است که بیشتر انسان‌ها بتوانند در حوزه نفوذ دین قرار بگیرند و هر کسی بتواند به آسانی شرایط درک و فهم اسلام را داشته باشد. تا زمانی که کسی امکان دسترسی مستقیم به تبلیغات دینی نداشته باشد، هدایت او هم دشوار است. کفایت اقرار زبانی به شهادتین باعث می‌شود که هر کسی بتواند در فضای جامعه اسلامی وارد شود و امکان ابلاغ دستورات دین به او فراهم شود. البته در این حضور، بر اصل حضور در مسجد بسیار تأکید شده است. یکی از سفارش‌های رسول اکرم ﷺ، مراعات حال نماز گزاران بود؛ به طوری که نماز نباید باعث مشقت مردم شود و در نتیجه، باعث

دوری مردم از مسجد و نماز جماعت گردد. روایت شده است که حضرت رسول ﷺ فرمود: «فَأَيُّكُمْ مَا صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ وَذَا الْحَاجَةِ؛ هر کدام از شما با مردم نماز گزاردید، نماز را با سرعت بخوانید؛ زیرا در بین نماز گزاران، افراد ناتوان و پیر و کسانی که کار دارند، هستند»^۱.

■ آموزش‌های اجتماعی و دینی

یکی از مهم‌ترین نقش‌های مسجد در طول تاریخ و به خصوص در عصر نبوی ﷺ، نقش آموزشی مسجد بوده است. تا حدودی در عصر نبوی ﷺ و تا قرن چهارم، مسجد تنها مکان آموزشی مسلمانان بوده است و از قرن چهارم به بعد، آموزشگاه‌های جدیدی با نام مدرسه، در کنار مساجد شکل می‌گیرد. دکتر سعادت‌ماهر نویسنده کتاب «مساجد و اولیاء الصالحون مصر» در این باره می‌گوید: «در نیمه قرن چهارم هجری، در شرق جهان اسلام، نام جدیدی بر مساجد و مکان‌های عبادت اطلاق شد و آن لفظ مدرسه و مدارس است. این نام، بنا به قاعده در غرب جهان اسلام و در قرن پنجم منتشر شد»^۲.

وی در ادامه می‌گوید: «شیعیان، اولین کسانی بودند که در مساجد، بناهای فرهنگی را که زمان‌های گذشته، معروف به دارالعلم بود، ساختند؛ چنانچه آنان برای اولین بار نام مدرسه را بر آن اطلاق کردند. هدف اساسی از ساختن این بناها، تدریس و نشر مذهب شیعه بود. در قرن پنجم هجری، اگراد و مغول‌های سنی مذهب، این مدارس را در غرب جهان اسلام ایجاد کردند و آن را مؤسساتی عمومی قرار دادند. این مدارس برخلاف مدارس شیعه، با اشراف و نظارت دولت اداره می‌شد»^۳.

علامه دهخدا در این باره می‌گوید: «از قرن پنجم هجری، نظام جدیدی در استفاده از مسجد متداول شد و آن، داخل کردن مدارس در مساجد است؛ برای تناسب با محیط تدریس مذاهب و مسکن دادن به طالبان علم...»^۴.

هدف از احیای نقش آموزش مساجد، مقابله با نظام آموزشی دولتی نیست، بلکه مقصود از احیای نقش آموزشی مساجد، استفاده از ظرفیت‌های بالقوه مساجد برای گسترش تعلیم و تربیت، به خصوص تعلیم و تربیت دینی است. مسجد می‌تواند در زمینه آموزش، نقش کمکی داشته باشد. تأسیس مکتب القرآن‌ها در مسجد و همچنین، برگزاری کلاس‌های کمک آموزشی می‌تواند تا حدودی نقش آموزشی مساجد را احیا کند.

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. کارکرد مساجد، ص ۴۳۰.

۳. کارکرد مساجد، ص ۴۳۳.

۴. همان، ص ۴۳۰.

■ تربیت جامعه دینی

نقش تربیتی مسجد، در تربیت دینی جامعه بسیار مهم و حیاتی است. هرچه این نقشِ مساجد کمرنگ شود، تربیت دینی جامعه آسیب خواهد دید. بنابراین، نقش تربیتی مسجد را باید احیا و تقویت کرد. یکی از اصلی‌ترین اهداف مدیریت مسجد این است که مسجد را به صورت یک مکان تربیتی و فعال در آورد و از آن طریق جامعه را تربیت کند. مسجد، همچنان که اصلی‌ترین مکان عبادت و آموزش است، اصلی‌ترین مکان تربیتی نیز محسوب می‌شود. از اوایل قرن حاضر و بعد از موج تجدّدخواهی این نقش مسجد کمرنگ‌تر شد؛ ولی در نیمه دوم قرن بیستم تلاش‌هایی برای احیای نقش تربیتی مساجد انجام شد و این روند همچنان ادامه دارد؛ ولی بافت و خیزهایی همراه است.

مارسل بوازار در کتاب «اسلام در جهان امروز» در این باره می‌گوید: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت، نمی‌توان نادیده گرفت؛ به خصوص در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دوباره از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان درآمده است. اندک‌اندک، مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند. تأسیس کتاب‌خانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته‌اند، فقط برای ادای فریضه نماز نیست و به یقین یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است».^۱

در روایات نیز بر نقش تربیتی مسجد بسیار تأکید شده است. به‌طور مثال، اصیغ ابن نباته از حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تُدَلُّ عَلَى هُدًى أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تُرَدُّ عَنْ رَدٍّ أَوْ يَتَرَكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً».^۲

بر اساس این روایت، آثار و فواید اهل مسجد بودن هشت چیز است:

۱. یافتن برادر دینی که انسان را به خدا نزدیک کند؛

۲. درک دانش و فهم جدید؛ شاید مقصود از «علم مُسْتَطَرَف» در کی از حقایق دینی باشد که به‌طور

معمول در مسجد به دست می‌آید.

۱. بوازار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۳. نشانه و آیتی استوار؛ شاید مقصود از «آیت محکمه» نشانه‌هایی باشد که موجب عبرت انسان شود.

۴. سخنی که او را به هدایت رهنمون کند؛

۵. رحمتی که در انتظار اوست؛

۶. سخنی که او را از زشتی باز دارد؛

۷. ترک گناه از روی خوف از خدا؛

۸. ترک گناه از روی حیا.

در این روایت گفته شده است که حضور در مسجد یکی از این هشت بهره را خواهد داشت که این حداقل بهره‌مندی اهل مسجد است؛ زیرا بهره‌مند شدن از همه آن فواید برای افراد مسجدی به‌طور کامل میسر است. این موضوعات را می‌توان به عنوان اهداف علمياتی و کاربردی در مدیریت مسجد، مورد توجه قرار داد. مدیر مسجد با برنامه‌ریزی می‌تواند این نتایج را برای افراد بیشتری محقق کند. هر فرد که این بهره‌ها را از مسجد ببرد، به کمال انسانیت و بندگی خواهد رسید و هر مدیر مسجدی که بتواند مسجد و اهل مسجد را به این سو بکشانند، به توفیق نهایی رسیده است.

بسیاری از نسل اول دانش‌آموختگان مدارس جدید، راه الحاد و بی‌دینی و یا بی‌مبالاتی دینی را در پیش گرفتند. با مدیریت مسجد می‌توان از این عامل در جهت تقویت ایمان و هدایت جوانان بهره گرفت. این مهم را می‌توان با فعال کردن مساجد و ایجاد زمینه‌هایی برای پیوند جوانان با افراد مؤمن، عملی کرد تا هم از افتادن جوانان به دام‌های شیطان‌ها جلوگیری کرد و هم زمینه‌هایی برای هدایت جوانان و الگوگیری از جوانان مؤمن فراهم کرد. یکی از تجربه‌های مفید و ارزنده انقلاب اسلامی، بسیج است که در حیات انقلاب نقش بسیار ارزنده‌ای داشته است.

۴-۳-۳) کنترل اجتماعی

برای مدیریت دینی جامعه باید ساز و کارهایی ایجاد کرد که به‌طور غیرمستقیم در کنترل رفتار افراد نقش داشته باشد. یکی از مسائلی که می‌تواند در حوزه مدیریت مسجد مورد توجه قرار گیرد، کنترل اجتماعی است.

در تعریف کنترل اجتماعی گفته شده است: «کنترل اجتماعی، عبارت است از فرآیندی که جریان تأثیرگذاری بر رفتار آحاد جامعه را بر عهده دارد تا هم‌نوایی با هنجارهای گروه صورت بگیرد. کنترل اجتماعی به دو صورت انجام می‌پذیرد که یکی رسمی و دیگری غیررسمی است. کنترل رسمی اجتماعی

وقتی صورت می گیرد که جریان هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی طبق قوانین، مقررات، آئین نامه‌ها و نظایر آن از سوی دولت یا نیروی اجرایی اعمال کننده قدرت، انجام گیرد. نیروی انتظامی و امنیتی به‌طور دقیق، نمونه بارزی از کنترل اجتماعی رسمی است. کنترل اجتماعی غیررسمی عبارت است از کلیه امر و نهی‌هایی که به فرد می‌شود تا بتواند مطابق با هنجارهای اجتماعی و گروهی باشد. گروه‌هایی، مانند خانواده، مسجد و... می‌توانند با ابزارهایی، مثل ستایش، نکوهش و خشم اخلاقی، بر رفتار فرد تأثیر بگذارد»^۱.

مدیریت مسجد می‌تواند در کنترل جامعه از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم وارد شود. در کنترل مستقیم، از طریق احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر تلاش شود که جامعه تحت کنترل قرار گیرد و ارزش‌ها و هنجارهای دینی در جامعه حفظ و تقویت شود. در کنترل غیرمستقیم، از طریق فعال کردن نهادهای اجتماعی دیگر و جهت دادن به آنها می‌توان جامعه را تحت کنترل قرار داد.

نهاد اجتماعی، عبارت است از نظامی از روابط اجتماعی ساخته و پرداخته و پایدار، با هدفی مشخص که کنش آن از شخصیت افرادی که عهده‌دار آن هستند، می‌گذرد و به افراد دیگری منتقل می‌شود و در طول زمان، استمرار و مداومت پیدا می‌کند. مهم‌ترین نهادهای اجتماعی عبارت‌اند از: خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد، مذهب و حکومت.^۲

تقویت نظام خانواده و نسبت فامیلی، دو عامل مهمی است که می‌تواند در کنترل نامحسوس افراد مؤثر باشد. رابطه مستقیمی بین استحکام روابط خانوادگی با دوری از فساد و بین تعهد و التزام خانواده‌ها به مبانی دینی با تربیت دینی فرزندان وجود دارد. همچنین، استحکام روابط فامیلی و خویشاوندی در جلوگیری از آلوده شدن، کنترل افراد و گسترش تعهد و التزام دینی نقش مهمی دارد. مساجد می‌توانند از روش‌های مختلف در این زمینه فعال تر باشند؛ مانند: ایجاد و ترویج پیوند ناشویی، آسان کردن ازدواج، مداخله در بحران‌های خانوادگی و فعال کردن نقش فامیل. چنین اقداماتی از طرف مساجد، علاوه بر اینکه باعث استحکام بنیان مقدس خانواده و فامیل می‌گردد، زمینه‌ای خوبی برای التزام خانواده‌ها به احکام و مبانی دینی و تربیت دینی فرزندان است. به‌طور معمول، افراد مذهبی علاقه و انگیزه بیشتری برای فعال کردن روابط فامیلی دارند؛ چون بر طبق مبانی دینی، صلح‌رحم از مهم‌ترین آداب دینی است و قطع صلح‌رحم از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌رود.

۱. کارکرد مساجد، ص ۴۶۰.

۲. کارکرد مسجد، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص ۴۴۶.

۴-۳-۴) تعمیق روابط اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند از اهداف مدیریت مسجد باشد، تعمیق روابط اجتماعی بین افراد جامعه است. اجتماع، زمانی شکل می‌گیرد که بین تعدادی از افراد، پیوند و ارتباط خاصی برقرار شود؛ به صورتی که آنها علاوه بر احساس همبستگی، هویت جمعی نیز برای خود قائل باشند و علاوه بر منافع فردی، مصالح جمعی خود را نیز مدنظر داشته باشند. کسانی که در یک مسجد شرکت می‌کنند، با مدیریت امام مسجد می‌توانند به صورت هویت ایمانی و مسجدی تعریف شوند؛ یعنی گروهی که علاوه بر هویت جمعی مسلمانی، از نظر ایمان یا از نظر حضور در مسجد، متمایز باشند. مسجد می‌تواند روابط بین افراد را گسترش دهد و از مجموع این افراد، هویت جدید دینی به وجود بیاورد. ایجاد چنین پیوندی بین افراد می‌تواند از اهداف مدیریت مسجد و مدیریت دینی جامعه باشد. در این شکی نیست که هر چه روابط بین افراد یک جامعه عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، پویایی و فعالیت آن جامعه بیشتر و بهتر خواهد بود. یکی از اهداف مدیریت مسجد تربیت افراد و ارائه الگو به جامعه است. بنابراین، برای مدیریت دینی جامعه، باید از مدیریت دینی مساجد شروع کرد و از طریق مدیریت دینی مساجد، جامعه را مدیریت کرد.

در تاریخ و فرهنگ اسلامی، مسجد، مرکز و کانون ارتباط اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شد. پرفسور حمید مولانا درباره نقش ارتباطی مسجد می‌گوید: «در طول تاریخ ایران اسلامی، مساجد یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطات همگانی بوده است. در تاریخ اجتماعی و در فرهنگ ایران، مسجد بزرگ‌ترین، متنفذترین، مردمی‌ترین، و محرک‌ترین رسانه جمعی بوده است. در مردم‌شناسی ارتباطی ایران، مسجد، یک واژه و جایگاه خودی است؛ در حالی که روزنامه و مطبوعات اغلب یک پدیده غیر خودی را بین مردم به وجود آورده است».^۱

دین اسلام، دینی جهان شمول است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر مسلمان نسبت به سرنوشت مسلمانان دیگر تکالیفی دارد. نخستین تکلیف هر مسلمان نسبت به مسلمانان دیگر، توجه و اهتمام به امور مسلمانان است. حدیث شریفی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَسْمَعْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي بِالْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس [شب را] صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از مسلمانان نیست و هر کس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست».^۲ این آموزه دین اسلام [اهتمام به امور مسلمانان]، برخاسته از یک

۱. کارکرد مسجد، ص ۴۱۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

امر فطری بشری است. هر انسانی که نسبت به سرنوشت و رنج دیگران بی تفاوت باشد، در انسانیت خود باید شک کند. سعدی شیرازی شاید مضمون همین حدیث شریف را به شعر در آورده است که می گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

■ فرهنگ سازی

در جامعه امروزی به خصوص جوامع آزاد، افکار عمومی نقش مهمی در سرنوشت یک جامعه دارد و می تواند باعث تغییر حکومت ها و ایده های حاکم بشود و اندیشه های جدیدی را روی کار بیاورد. یکی از اهداف مدیریت مسجد می تواند جهت دهی و تقویت افکار عمومی به سوی مفاهیم و اهداف دینی باشد که می توان از آن به نقش مسجد در تکوین افکار عمومی یاد کرد. افکار عمومی، باور و فهم عمومی نسبت به مسائل اجتماعی است. منتسکیو، از آن به «عقل عمومی» تعبیر کرده است و روسو، آن را «شعور عمومی» می نامد.^۱ یونگ، استاد علوم سیاسی، افکار عمومی را «قضاوت عمومی» خوانده ست^۲ و در ادبیات آلمانی، «اراده عمومی» نامیده شده است. هر یک از این تعبیرات نگاهی به مسئله از زاویه های مختلف است. عقل عمومی همان مرحله فهم و باور است. قضاوت در مرحله بعد از فهم و باور است؛ در حالی که اراده عمومی در مرحله بعد از قضاوت قرار گرفته است؛ البته در جایی که زمینه برای اعمال افکار عمومی باشد.

افکار عمومی دو نقش و کارکرد عمده دارد که یکی، کنترل بر رفتار خصوصی افراد است که بیشتر در قالب هنجارهای عمومی بروز می کند و دیگری تبارز در باورهای افراد است که به صورت ابراز انزجار و یا ابراز علاقه مطرح می شود و در رأی گیری ها و انتخابات اثر خود را نشان می دهد. بنابراین، افکار عمومی علاوه بر کنترل افراد، در اداره جامعه هم نقش مهمی دارد. البته در جوامع استبدادی، افکار عمومی بیشتر در کنترل رفتار افراد بروز می کند؛ در حالی که در جوامع آزاد، افکار عمومی در اداره جامعه نقش بیشتری دارد و بر رفتار افراد کنترل کمتری دارد؛ اما در جامعه اسلامی که توجه به ارزش های دینی و انسانی مطرح است و نیز آزادی عمومی به مردم داده شده، افکار عمومی می تواند هر دو نقش خود را به طور متعادل ایفا کند؛

۱. کریمی، سعید، رسانه ها و راه های تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۹.

یعنی افکار عمومی می‌تواند هم در کنترل رفتار خصوصی افراد و هم در اداره جامعه نقش داشته باشد. برای شکل‌گیری افکار عمومی، تقویت و اصلاح افکار عمومی، مساجد می‌توانند نقش داشته باشند. شکل‌گیری افکار عمومی هرچند بیشتر توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرد، اما عملکرد افراد نیز نقش مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی دارد. مسجد، علاوه بر اینکه در ایجاد و تقویت افکار عمومی نقش دارد، می‌تواند در اصلاح افکار هم سهیم باشد. اگر ده‌ها هزار مسجد در شهرها و روستاها به صورت هم‌زمان و هماهنگ به یک موضوع بپردازند، می‌توانند افکار عمومی را درباره آن موضوع تحت تأثیر قرار بدهند. بنابراین، امامان جماعت و مؤمنان نمازگزار در مساجد، از بُعد تبلیغی و رسانه‌ای و عملکرد خود، می‌توانند باور و فهم عمومی، قضاوت و عقل عمومی را تحت تأثیر قرار داده و اراده عمومی را بر طبق اهداف دینی جهت بدهند.

■ دفاع فرهنگی

یکی از اهداف مدیریت مسجد، مبارزه با تهاجمات فرهنگی و دفاع از ارزش‌های مکتبی است. تردیدی نیست که در دنیای امروز، فرهنگ دینی مسلمانان مورد تهاجم قرار گرفته است. برای مبارزه با این تهاجم، مدیریت مساجد ضروری و بسیار مؤثر است. مدیریت دفاع فرهنگی در دو مرحله انجام می‌شود:

۱. جلب و جذب افراد جامعه به خصوص جوانان؛
۲. تعمیق ایمان و آگاهی دینی به صورتی که بتواند در مقابل تهاجمات فرهنگی ایستادگی کند.
۳. مسجد، یکی از بهترین مکان‌هایی است که می‌تواند برای تحقق این مهم مورد استفاده قرار گیرد.

۴-۴) ایجاد انگیزه

یکی از اصول و قواعد مهم در دانش مدیریت، ایجاد انگیزه است. وجود انگیزه در انجام کار بر سرعت و کمیت و نیز بر کیفیت محصول می‌افزاید. هنر یک مدیر این است که بتواند از امکانات موجود بهترین بهره را بگیرد. امکانات به دو بخش مادی و انسانی تقسیم می‌شود. مقصود از امکانات مادی، ابزارهای است که در مسیر رسیدن به هدف لازم است. وظیفه مدیر است که آنها را خوب سامان دهد. مقصود از امکانات انسانی، نیروی است که برای انجام وظیفه در اختیار مدیر است. هنر مدیریت در این است که بتواند از هر دو بخش به خوبی استفاده کند. بهترین و مناسب‌ترین راه برای بهره‌وری بهتر و بیشتر از نیروی انسانی، ایجاد انگیزه در آنها است. این کار باعث می‌شود که نیروی انسانی به‌طور خودکار با تمام توان و ظرفیت و استعداد، برای تحقق هدف تلاش کند. مسئله ایجاد انگیزه در دانش مدیریت نقش مهمی دارد، مکتب

«نئو کلاسیک» یا «مکتب روابط انسانی» بر ایجاد انگیزه تأکید بسیاری دارد. آنان تأکید دارند که با استفاده از علوم انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌توان علت کمی بازدهی را شناسایی کرد و برای برطرف کردن آنها از طریق انگیزش افراد و افزایش کارایی، بازدهی را افزایش داد.^۱

البته این زبان و بیان برای مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی است. در امور فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی هم می‌توان مشابه این مطلب را مطرح کرد که برای ایجاد تحرک در فرد یا افراد، برای حرکت سریع‌تر به سوی هدف، بهترین راه این است که از طریق ایجاد انگیزش در آنان، زمینه فعالیت خودجوش آنان را فراهم آورد. مدیر مسجد باید برای ایجاد انگیزه در افراد، در اقامه نماز و عبادت خدا بکوشد. نگاهی به سیره انبیا و نیز آیات قرآن نشان می‌دهد که به مسئله ایجاد انگیزه در افراد، بسیار توجه شده است؛ به گونه‌ای که در قرآن کریم، دو وظیفه مهم انبیا، تبشیر و انذار، یعنی مژده دادن و هشدار دادن معرفی شده است. در آیات متعددی این مسئله مطرح شده و نشان می‌دهد که از وظایف اصلی انبیا بوده است. قرآن کریم در این مورد آیات متعددی را بیان می‌کند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ؛ ما تو را به حق، برای بشارت و هشدار (مردم جهان) فرستادیم و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی».^۲

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها) را به پاداشی الهی بشارت دهی و (از عذاب او) هشدار دهی و اما بیشتر مردم نمی‌دانند».^۳

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ؛ ما تو را بحق برای بشارت و هشدار دادن فرستادیم و هر امتی، در گذشته هشدار دهنده‌ای داشته است».^۴

«كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ* بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ؛ [قرآن] کتابی [است] که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده و قرآنی فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاهند، بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی گردان شدند؛ از این رو، (حقایق را) نمی‌شنوند».^۵

بشارت و انذار یا مژده و هشدار، در همه بخش‌های زندگی انسانی، از مهم‌ترین ابزار ایجاد انگیزه است. این مطلب در فطرت انسانی ریشه دارد؛ چون انسان و عقل انسانی، موجودی منفعت‌محور و مفسده‌گریز است. عالمان اصولی و کلامی یکی از اصلی‌ترین و ریشه‌دارترین حکم اولی عقلی را وجوب دفع مفسده

۱. اصول و مبانی مدیریت، ص ۱۲۸.

۲. بقره، آیه ۱۱۹.

۳. سبأ، آیه ۲۸.

۴. فاطر، آیه ۲۴.

۵. فصلت، آیه ۳-۴.

و مطلوبیت جلب منفعت می‌دانند و بر اساس آن، احکام بسیاری را به عنوان مصداق وجوب دفع مفسده، استنباط کرده‌اند. وظیفه اصلی دین، هدایت است. دین، همانند عقل به انسان روشنایی می‌بخشد تا راه درست را بییابد. امام مسجد باید پیشوای این روشنایی باشد و چنین روشنایی می‌تواند از طریق ایجاد انگیزه در درون انسان محقق شود. ایجاد انگیزه برای ارتباط با خداوند، هنری است که مدیر مسجد باید در افراد جامعه ایجاد کند و این، کاری انبیایی است که به مسجد و دین و به مدیریت مسجد معنا می‌بخشد.

۴-۵) برنامه و برنامه‌ریزی

یکی از ارکان مهم مدیریت، داشتن برنامه و برنامه‌ریزی است. بدون برنامه، مدیریت معنا ندارد. مقصود از برنامه، تعیین اولویت‌های کاری و اهداف کاربردی است. در تعریف برنامه چنین آمده است: «برنامه‌ریزی، متضمن تعیین هدف‌ها و مقاصد سازمان و تهیه نقشه و برنامه کار است. برنامه‌ها نشان می‌دهد که هدف‌ها چگونه باید تحقق یابند».^۱

در منابع دینی هم بر اهمیت برنامه بسیار تأکید شده است. از رسول الله ﷺ روایت شده است که به ابن مسعود فرمود: «هر وقت کاری را انجام دادی، از روی دانش و اندیشه انجام بده و تو را بر حذر می‌دارم از اینکه کاری بدون تدبیر و دانش انجام دهی که خدای متعال می‌فرماید: همانند زنی که رشته‌اش را بعد از بافتن، دوباره باز می‌کند، نباشید».^۲

۴-۵-۱) فواید برنامه

داشتن برنامه در موفقیت هر طرح، ایده و هر کاری، از اهمیت زیادی برخوردار است. کاری که با برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شود با کاری که بدون برنامه صورت می‌گیرد، از جهات متعددی موفق‌تر است. برنامه‌ریزی دقیق، چند فایده اساسی دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

الف) مدیریت و بهره‌گیری بهتر از زمان

زمان، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت است. در هر مدیریتی، مدیریت زمان، نقش اساسی دارد؛ اگر نقش زمان و مکان را با هم مقایسه کنیم، زمان مثل یک قطعه یخ و برف و مکان مثل یک قطعه سنگ است. در انتخاب مکان فقط در آغاز باید توجه و دقت شود و نیازمندی‌ها در نظر گرفته شود. بعد از انتخاب مکان، ارزش و اهمیت آن در یک حالت ثابت باقی است و دچار تنزل و افت نمی‌شود؛ اما در زمان، علاوه بر اینکه مثل

۱. مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

مکان در آغاز باید به تناسب آن با شرایط و نیازمندی‌ها توجه و دقت شود، در استفاده بهینه از زمان هم باید توجه و دقت گردد؛ چون زمان به سرعت و همانند یخ و برف از بین می‌رود. به عبارت دیگر، مکان، همیشه پابرجا است و دغدغه‌ای از ناحیه آن نیست؛ اما زمان، همیشه در حال کم شدن و از بین رفتن است. یکی از اصلی‌ترین ضرورت‌های مدیریت، محدودیت زمان است. در استفاده از زمان، دو محدودیت وجود دارد:

■ انتخاب زمان مناسب اولیه؛

■ استفاده بهینه از زمان.

فایده برنامه‌ریزی در این است که نمایی کلی از کارهای که باید انجام شود، مشخص می‌شود. بنابراین، برنامه‌ریزی باعث می‌شود که زمان لازم برای انجام کار مشخص شود و همچنین، بهترین زمان لازم برای کل برنامه و هر یک از اجزای برنامه معین شود.

ب) بهره‌گیری بهتر از امکانات

توفیق در انجام هر کاری، مستلزم داشتن امکانات کافی برای آن کار است و محدودیت نیز، چیزی است که بشر هیچ وقت از آن رهایی نمی‌یابد. برنامه‌ریزی باعث می‌شود که از امکانات، استفاده بهینه شود؛ چون با برنامه‌ریزی، نیازها و امکانات مشخص می‌شود. البته در برنامه‌ریزی همیشه باید سعی شود که بین نیازها و امکانات نسبت‌سنجی شود و برنامه باید برآیندی از نیازها و امکانات باشد. بخش اصلی برنامه‌ریزی، توزیع امکانات بر حسب نیازها است.

ج) اولویت‌بندی کارها

نگاه دقیق به تمامی تلاش‌های آدمی نشان می‌دهد که انسان‌ها اغلب در کارهایشان به توفیق کامل نمی‌رسند و به توفیق نسبی رضایت می‌دهند. بر همین اساس، معیار مورد قبول در توفیق، موفقیت بالایی شصت درصد است و نمره قبولی [در دامنه ۲۰ تا ۲۰]، از ۱۲ شروع می‌شود. برنامه‌ریزی در تعیین اولویت‌ها می‌تواند به ما کمک بسیاری بکند. گاهی هزینه‌ها، امکانات و وقت زیادی، برای هدفی ناچیز صرف می‌شود؛ در حالی که امکان هدف‌گیری بهتر و کامل‌تر نیز وجود دارد و یا گاهی در تعیین هدف و اولویت‌بندی، بلندپروازی‌هایی وجود دارد که جز هدر دادن سرمایه و فرصت حاصلی ندارد. یک مدیر باید افق کاری خود را خوب تشخیص بدهد و بین امکانات و ظرفیت‌ها و همچنین، هدف یا اولویت‌ها هماهنگی ایجاد کند. مدیر باید بداند که چه هدفی را تعقیب می‌کند و چه هدفی از بین هدف‌ها اولویت بیشتری دارد.

برنامه یا برنامه‌ریزی به دو شکل کلی تقسیم می‌شود:

- برنامه و یا برنامه‌ریزی استراتژیک یا جامع؛
- برنامه و یا برنامه‌ریزی عملیاتی و کاربردی.

برنامه‌ریزی جامع، به برنامه‌هایی گفته می‌شود که خطوط کلی برنامه‌های آینده سازمان را در درازمدت مشخص می‌کند و گاهی در این برنامه، سیر کلی حرکت تا رسیدن به کلیه اهداف سازمانی مشخص می‌شود.^۱

در برنامه‌ریزی عملیاتی، خطوط کلی برنامه جامع در اجزای مناسب، خرد می‌شود و هر جزء به صورت یک هدف در برنامه‌های عملیاتی تعیین می‌گردد. سپس، برای رسیدن به هریک از اهداف، برنامه عملیاتی ترسیم می‌گردد.^۲

برنامه‌ریزی عملیاتی را می‌توان پیش‌بینی عملیات برای نیل به هدف‌های معین با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و خطوط کلی ترسیم شده در برنامه جامع تعریف کرد.^۳

۴-۵-۲) اجزای برنامه

یک برنامه حداقل از چهار عنصر تشکیل می‌گردد:

۱. هدف‌گذاری یا تعیین اولویت کاری؛

۲. پیش‌بینی و برآوردها؛

۳. زمان‌بندی؛

۴. تخصیص بودجه.

یک مدیر باید بداند که چه چیزی را می‌خواهد محقق کند. این، همان هدف‌گذاری یا تعیین اولویت کاری است و برای علمی شدن این کار باید پیش‌بینی کند که آنچه می‌خواهد محقق شود، تا چه حدی قابل دستیابی است و با چه امکاناتی محقق می‌گردد و چه موانعی بر سر راه است. بنابراین، پیش‌بینی، برآوردی از امکانات، فرصت‌ها و موانع است. با تعیین هدف و پیش‌بینی و برآورد، نوبت به زمان‌بندی می‌رسد. مدیر باید، زمان لازم برای تحقق هدف را مشخص کند و برای این کار باید فاصله زمانی مشخصی را قرار بدهد تا بتواند در طول زمان از عملکرد خود ارزیابی داشته باشد. طبیعی است که انجام هر کاری نیازمند بودجه

۱. مدیریت اسلامی، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. مدیریت اسلامی، ص ۴۶، به نقل از مدیریت عمومی، ص ۲۶.

است که باید قبل از شروع به کار مشخص و فراهم شود.

در مدیریت مسجد هم باید این چهار عنصر محقق شود و گرنه نمی توان از مدیریت مسجد سخن به میان آورد. مدیریت مسجد، وقتی صدق می کند که هدف و اولویت مشخصی مدنظر باشد؛ به عنوان مثال، جذب مردم، به عنوان یک هدف مقدماتی در مدیریت مسجد قابل پذیرش است. برای اینکه باید راهکارها و موانع را مورد توجه قرار بدهد. پیش بینی امکانات و موانع زمان بندی و تخصیص بودجه مراحل بعدی است که باید انجام شود.

۴-۶ سازمان دهی

اصلی ترین عنصر در مدیریت که می توان آن را هسته مدیریت نامید، سازمان دهی است. در تعریف سازمان دهی چنین آمده است: «سازمان دهی، مستلزم آن است که منابع - یعنی افراد، سرمایه و تجهیزات - به مؤثرترین شیوه برای حصول هدفها فراهم شود. بنابراین، سازمان دهی شامل ترکیب و یگانه سازی منابع است»^۱.

عملیات سازمان دهی، مهم ترین و اصلی ترین و در حقیقت بدنه مدیریت است. برخی از پژوهشگران عملیات سازمان دهی را شامل سه مرحله دانسته اند که عبارت اند از:^۲

۱. شناسایی و دسته بندی کارها؛

۲. تعریف و واگذاری اختیارات و مسئولیت ها؛

۳. ایجاد و برقراری روابط.

۴. به بیان جامع تر می توان سازمان دهی را در چند مرحله به شرح زیر تبیین کرد:

۵. فراهم کردن امکانات؛

۶. شناسایی و دسته بندی کارها؛

۷. تقسیم کارها و تعیین وظایف؛

۸. ایجاد هماهنگی بین عناصر تشکیل دهنده سازمان.

توفیق در مدیریت، بستگی به نوع عملیاتی دارد که مدیر انجام می دهد. دقت و سرعت در فراهم کردن امکانات، شناسایی دقیق و دسته بندی منطقی کارها، تقسیم درست کارها و تعیین وظایف بر اساس توانایی و استعدادها و در نهایت، برقراری هماهنگی کامل بین عناصر و اجزای سازمان، شرایطی است که توفیق در

۱. مدیریت اسلامی، ص ۷۸، به نقل از مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۷۸، به نقل از مدیریت تولید، ص ۱۹.

مدیریت را میسر می‌کند؛ اما با این حال، امور دیگری نیز در موفقیت یا ناکامی مدیریت دخیل است از جمله، کنترل و نظارت که مرحله بعد از سامان‌دهی و عنصر مهمی در مدیریت است.

در مدیریت مسجد هم باید سامان‌دهی بر اساس این الگو انجام شود؛ یعنی در مرحله نخست، امکانات لازم برای مدیریت مسجد فراهم باشد. این امکانات، شامل امکانات نرم افزاری و سخت‌افزاری است. امکانات سخت‌افزاری با توجه به اهداف و برنامه‌ها متفاوت است؛ از ابتدایی‌ترین این امکانات، شامل سرویس بهداشتی، روشنایی، منبر، وسایل صوتی و... گرفته تا امکانات پیشرفته‌ای که برای اهداف خاصی لازم است. مدیر مسجد باید به مقتضای برنامه‌ها و اهداف مشخص خود، امکانات لازم را فراهم کند؛ به عنوان مثال، مدیری که می‌خواهد انس با قرآن را در مسجد و جامعه زنده کند، لازم است که علاوه بر تهیه قرآن، از اساتید قرائت و فهم قرآن یا مفسر، نیز دعوت کند. بنابراین، متناسب با برنامه‌ها، مدیر باید امکانات مربوط به آن را تهیه کند. مدیری که می‌خواهد در جامعه، فرهنگ دینی را ترویج کند یا می‌خواهد آموزش مسائل دینی را تعمیق دهد یا کارهای اجتماعی دیگری انجام دهد، متناسب با هر هدف، باید امکانات آن را هم فراهم کند.

مسجد، مکانی است که انسان در آن برای آخرت کار می‌کند. بنابراین، مسجد از این نظر هم بازار است، اما بازاری که در آن تجارت امور معنوی انجام می‌گردد و هم کارگاه است، اما کارگاهی که در آن برای آخرت کار می‌شود. مدیریت مسجد باید شرایط مناسبی را برای این مقصود فراهم کند. همان‌طور که یک بازار به امکاناتی، از جمله راه‌های خروجی و ورودی، حمل و نقل، انبار و... نیازمند است، یک کارگاه نیز به امکاناتی که مستلزم کار کردن در آن است، باید مجهز باشد. بر همین اساس، مسجد هم باید به امکاناتی که اهداف و فلسفه وجودی مسجد مقتضی آن است، مجهز باشد.

مرحله دوم، شناسایی دقیق و دسته‌بندی منطقی کارها است. مدیر مسجد باید بداند که انجام چه کارهایی لازم است و آنها به چه ترتیبی باید انجام گیرد. این امر، بستگی به درک و هوشیاری مدیر دارد که چگونه کارها را دسته‌بندی کند. شناسایی دقیق کارها، بستگی به گستردگی حوزه فعالیت مسجد دارد. اگر مسجد از فعالیت در بخش‌های گسترده برخوردار باشد، لازم و ضروری است که مدیر مسجد مشاورانی در هر بخش داشته باشد تا بتواند درک درستی از کارها و اقداماتی که باید انجام بدهد، به دست آورد.

در مرحله سوم، تقسیم کار یا تعیین وظایف است. دنیای امروز دنیای مشارکت و تقسیم کارها است و در اصل، مدیریت بر پایه تقسیم کار و تعیین وظایف بنا شده است. مدیر مسجد علاوه بر تقسیم کارها و

تعیین وظایف، باید سلیقه و مهارت هر کس را مدنظر قرار دهد و برای هر کار، متولی متناسبی معین کند. این بخش، از اهمیت خاصی برخوردار است و باید با دقت انجام شود؛ چون سپردن کارها به افراد به معنای تقسیم زمان و امکانات است که هر دو غیرقابل برگشت هستند؛ نه زمان را می توان دوباره به دست آورد و نه امکانات هدر رفته را می توان به راحتی فراهم نمود. پس، باید مسئولیت ها به دقت انتخاب شوند تا از بجا مصرف شدن امکانات و استفاده بهینه از زمان، اطمینان حاصل شود.

در نهایت، مهم ترین وظیفه مدیر در مرحله سامان دهی، ایجاد هماهنگی بین همه بخش ها است. زمام امور سازمان به دست مدیر است و او تصمیم نهایی را در هر مورد باید اتخاذ کند. اصلی ترین کار مدیریت، هماهنگی است؛ زیرا در شرایط بحرانی، مدیر است که باید با تصمیم های بجا بحران را حل و فصل کند.

۴-۷) کنترل و نظارت

یکی از مهم ترین ارکان مدیریت، کنترل و نظارت است. با توجه به مسئولیت مدیر در قبال عملکرد مجموعه و وظیفه او نسبت به ایجاد هماهنگی بین اجزای آن، نظارت بر عملکرد همه اجزا و ارزیابی فعالیت های انجام شده و پی گیری مشکلات پیش آمده، از وظایف اصلی مدیر است. در تعریف کنترل چنین آمده است: «کنترل، عبارت است از توجه به نتایج کار و پی گیری آنها برای مقایسه فعالیت های انجام شده با برنامه های تعیین شده و اعمال اصلاحات مقتضی در مواردی که از انتظارات، انحرافی صورت گرفته است».^۱ با توجه به این تعریف، مدیر باید بر اهداف و برنامه ها اشراف کامل داشته باشد؛ همان طوری که باید بر فعالیت های انجام شده نظارت کامل داشته باشد و تناسب فعالیت های انجام شده را با اهداف از پیش تعیین شده بشناسد و در صورت لازم برای رفع مشکلات یا انحرافات عملکردی و تسریع در کارها اقداماتی انجام بدهد.

۴-۷-۱) ارکان کنترل

همان گونه که در تعریف کنترل اشاره شد، کنترل سه رکن اساسی دارد که عبارت اند از: نظارت، ارزیابی، پی گیری.

نظارت، به معنای این است که مدیر بر تمام فعالیت های انجام شده در مجموعه اشراف داشته باشد و بدانند

۱. مدیریت اسلامی، ص ۳۱۴، به نقل از مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۵.

که چه فعالیت‌تی انجام شده و یا باید انجام بگیرد تا بتواند در هر بخش وظیفه خود را به درستی انجام دهد. وی باید از مشکلات به وجود آمده مطلع باشد تا بتواند تصمیم‌های لازم را بگیرد.

ارزیابی، نوعی آزمایش است؛ آزمایش آنچه انجام شده تا اطمینان حاصل شود که نتایج مورد نظر به دست خواهد آمد. هر چه محصول نهایی از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، نقش ارزیابی مهم‌تر خواهد بود. البته ارزیابی، خود نوعی از نظارت پیشرفته و دقیق است. با ارزیابی مشخص می‌شود که کارها طبق برنامه انجام شده است یا نه و نتیجه مطلوب به دست خواهد آمد یا نه.

در ارزیابی، اطلاعات لازم درباره مسائل، مانند پیشرفت کار بر اساس برنامه، کمیت و کیفیت عملکرد افراد و مشکلات اجرایی به آگاهی مدیر می‌رسد تا پس از ارزیابی شرایط موجود، مورد بررسی قرار گیرد.

در نهایت، مرحله پی‌گیری، اصلاح عملکردها یا گاهی رفع مشکلاتی است که ممکن است در مسیر حرکت یک مجموعه ایجاد شود. در مدیریت مسجد از دو طریق می‌توان کنترل را انجام داد:

الف) کنترل از درون

کنترل از درون با تقویت تقوا و مسئولیت‌شناسی در افراد محقق می‌شود. این بخش، خیلی مهم است و در واقع نوعی واکسینه کردن افراد در مقابل خطرات است. سوءاستفاده و کم‌کاری از آفت‌هایی است که در تمامی موضوعات به مدیریت و روند صحیح اجرای برنامه آسیب می‌رساند. ایجاد تقوا در افراد مانع از سوءاستفاده و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در افرادی می‌شود. آنچه در مدیریت «نئو کلاسیک» به بهره‌گیری از ایجاد انگیزه در افراد مطرح شده است در واقع، ایجاد تقوا و حس مسئولیت‌پذیری است. در مدیریت مسجد هم می‌توان از داده‌های علوم انسانی، مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و همچنین، از شیوه تربیت مذهبی بهره گرفت؛ با این تفاوت که استفاده از شیوه تربیت مذهبی اثر ماندگارتری دارد.

ب) کنترل از بیرون

کنترل از بیرون با حضور مداوم و نظارت مستقیم مدیر مسجد بر همه فعالیت‌های انجام شده، محقق می‌شود. کنترل از بیرون، از وظایف اصلی مدیر است و در واقع مسئولیت‌پذیری او را نشان می‌دهد. هر چه این کنترل، دقیق و فراگیرتر باشد، انجام دقیق برنامه‌ها بهتر خواهد شد. در مدیریت مسجد، امام جماعت باید بر کارهای انجام شده، نظارت داشته باشد.

فصل پنجم: ظرافت‌های مدیریت مسجد

۵-۱) تفاوت مدیریت در مسجد با مدیریت در سایر بخش‌ها

یکی از تفاوت‌های عمده و اساسی مدیریت در مسجد با مدیریت در دیگر بخش‌ها این است که در دیگر بخش‌ها، اقتدار و اعتبار مدیر، ناشی از قدرت قانونی اوست؛ زیرا مدیر از طرف مقام مافوق منصوب شده است و اعتبار و اقتدار دارد و تعامل افراد زیردست با مدیر فقط بر همین اساس است؛ اما در امامت مسجد، اعتبار امام پیش از این که ناشی از قدرت قانونی باشد، ناشی از قدرت مرجعیت است. به خصوص، در مذهب شیعه که بر عدالت امام تأکید دارد، اعتبار امامت به اعتبار عدالت و تدبیر او و نه بر اساس حکم و یا منصب اداری اوست. همان‌طور که اگر در اداره‌ای مدیر از طرف مافوق منصوب نباشد، مشروعیت ندارد، امام مسجد هم اگر عدالت و تدبیر نداشته باشد، مشروعیت ندارد؛ چون قدرت امام جماعت، ناشی از قدرت مرجعیت اوست که بر اساس مقبولیت مردم استوار است. بنابراین، مدیریت مسجد ظرافت‌هایی دارد که باید به آن توجه شود. دو مسئله اساسی در مدیریت مسجد از اهمیت اساسی برخوردار است که در حوزه‌های دیگر از چنین اهمیتی برخوردار نیست؛ این دو مسئله عبارت است از: عدالت و الگوی رفتاری. در ادامه به هر کدام از این دو مورد اشاره می‌شود:

الف) عدالت

به‌طور معمول، قدرت قانونی در مدیریت هر چیزی غیر از مسجد، شرط اول است؛ ولی در امامت مسجد، عدالت نقش اصلی را دارد. به خصوص از دیدگاه شیعه که بدون عدالت، امامت مسجد باطل است. البته اهل سنت چنین شرطی ندارند. بنابراین، فاسق هم می‌تواند امام جماعت شود. از نظر مبانی مدیریت، هر مدیری که بتواند اهداف مورد نظر را تأمین کند، برای مدیریت شایسته است. به طبع آن، در مدیریت مسجد نیز این مسئله به‌طور کامل باید مدنظر قرار گیرد؛ اما جای سؤال این است که هدف از مدیریت مسجد و نماز به عنوان مهم‌ترین عملکرد مسجد چیست؟ اگر مسجد و نماز در مسجد فقط برای ادای تعظیم و تکریم خداوند باشد، شاید عدالت و تقوا خیلی دخیل نباشد؛ اما اگر هدف از مسجد و نماز در مسجد، چیزی فراتر از تعظیم و تکریم خداوند و یا چیزی علاوه بر تکریم و تعظیم خداوند باشد، در این صورت باید دید که با امامت یک فرد فاسق و غیر متقی، آن هدف محقق می‌شود یا نه؟ قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که مسجد باید به نیت تقوا بنا شود. همچنین، هدف از بنای مسجد را تطهیر می‌داند: «...مَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا؛ آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آنان، مردانی هستند که دوست دارند که پاکیزه باشند».^۱

ب) الگوی رفتاری

در امور تربیتی، نقش رفتار و الگو بودن بیش از نقش تعلیم مؤثر است. اگر مردم ببینند که امام جماعت قبل از اذان در مسجد حاضر می‌شود و نمازهای نافله روزانه را مرتب می‌خواند، بی‌تردید این مسئله در مردم نیز تأثیر گذاشته و کسانی را به تبعیت از او به خواندن نمازهای نافله روزانه وامی‌دارند. اگر امام جماعتی نماز صبح را مرتب در مسجد اقامه کند، طبیعی است که برخی از نمازگزاران نیز به این کار اقدام کنند و اگر امام جماعت نماز شب را قبل از صبح در مسجد اقامه کند، طبیعی است که در بین نمازگزاران هم کسانی به این امر علاقه نشان بدهند. در حقیقت، امام جماعت تنها امام در نماز نیست، امام در رفتار دینی هم هست.

۵-۲) ساختار مدیریت مساجد

با توجه به گستردگی مساجد در جوامع اسلامی، در مدیریت مساجد، علاوه بر مدیریت واحد هر مسجد، مدیریت کلان مساجد در سطح کشوری یا منطقه‌ای و جهانی هم، باید مورد توجه قرار گیرد و چنین چیزی مستلزم وجود سازمانی است که مساجد را به عنوان واحدهای تابعه خود، برای رسیدن به اهداف مورد نظر، جهت‌دهی کند. در تعریف سازمان گفته‌اند: «سازمان، مجموعه‌مرکبی از واحدهای جزئی است که هر یک به سود بقیه، عهده‌دار انجام کارهای معین هستند». برای مدیریت مساجد، سطوح مختلفی را می‌توان در نظر گرفت که هر کدام ویژگی‌های خود را دارد.

۵-۳) سطوح مدیریت مسجد

سازمان‌دهی مساجد در سه سطح قابل ارزیابی است: سطح کلی و نظری یا هدایت، سطح میانی یا نظارت، سطح اجرایی یا مدیریت.

۵-۳-۱) سطح نظری یا هدایت

در سطح رهبری (سطح مدیران ارشد)، هدایت‌های کلی و راه‌شناسی مطرح است. به عبارت دیگر، در سطح رهبری، قوانین، مقررات و باید و نبایدهای مدیریت مسجد مورد توجه است. هدایت‌های پیامبر ﷺ، امامان معصوم  و مراجع دینی در این سطح است. دستورات قرآن و پیشوایان دینی، نظریات و فتاوی مراجع دینی و باید و نبایدها یا احکام و آداب مسجد را مشخص می‌کند. این وظیفه در عصر حاضر، متوجه

مراجع دینی است و متأسفانه در این سطح کمبودها بسیار است. آنچه در این سطح تاکنون انجام شده، مباحثی درباره احکام و آداب شرعی مسجد است که لایه‌های کتاب‌های فقهی مطرح شده است و هنوز به صورت کاربردی در نیامده است. آنچه در این سطح مورد نیاز است دو چیز به شرح است:

الف) تدوین فقه‌المسجد، فقها باید در راستای مشخص کردن باید و نبایدهای شرعی، فقه‌المسجد را به صورت جدی مورد توجه قرار دهند و مجموعه احکام مسجد را در دو بخش بایدها و نبایدها تدوین کنند و به صورت مدوّن در اختیار همه قرار دهند.

ب) نظریه‌پردازی در چگونگی مدیریت مسجد، این مبحث، بخش دیگری از سازمان‌دهی مساجد در سطح کلان و نظری است که متأسفانه هنوز تلاش شایسته‌ای در این حوزه انجام نشده است و ضروری است که به این بُعد هم توجه شود. این قسمت، هر چند وظیفه مستقیم مراجع نیست، اما اگر توسط مراجع تهیه شود از مقبولیت و مشروعیت بهتری برخوردار خواهد شد. به هر حال، تردیدی نیست که مقبولیت یک نظریه به اعتبار نظریه‌پرداز هم بستگی دارد و علاوه بر این، نظریه‌پردازان باید در چهارچوب احکام و آداب شرعی مسجد، برنامه‌هایی را برای مدیریت مسجد تدوین کنند و چنین کاری فقط توسط عالمان و آگاهان به مبانی دینی قابل انجام است.

۵-۳-۲) سطح میانی یا نظارت

در سطح سازمانی یا مدیریت متوسط (مدیریت میانی)، تشکیل سازمان‌های فراگیری که بر مدیریت مساجد نظارت داشته باشد و سیاست‌های کلان را مشخص کند، ضروری است. با توجه به گستردگی مساجد جوامع اسلامی، باید یک سازمان منسجم که همه مساجد را زیر نظر داشته باشد، تشکیل شود. این سازمان در چند محور باید فعال باشد:

الف) جهت دادن به فعالیت‌های مسجد

اولین وظیفه این سازمان، جهت‌دهی هماهنگ مساجد به سوی هدف‌های مشخص است. این سازمان باید با سطح نظری و هدایت مرتبط باشد و برای تحقق آنچه به عنوان فقه‌المسجد و یا نظریه‌هایی درباره چگونگی مدیریت مسجد فراهم شده است، اهداف کاربردی‌تری را مشخص کند و در قالب برنامه، توسط این سازمان به مساجد، ابلاغ شود.

ب) پشتیبانی از مساجد و مدیران

وظیفه دوم این سازمان، پشتیبانی از مساجد و مدیران مساجد است. مدیریت مساجد، نیازمند امکانات مالی و نیز ارتباط با بخش‌های دیگر جامعه است که از طریق این سازمان باید انجام گیرد. پشتیبانی، نقش مهمی است که بسیاری از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به عهده دارند. این سازمان‌ها کانال‌هایی است که از طریق آنها منابع به طرح‌ها تخصیص داده می‌شود.

ج) گسترش فعالیت‌های مسجد

فعالیت‌های مسجد در عصر حاضر، به نماز و مراسم عزاداری و مراسم ختم محدود شده است. باید فعالیت‌های مسجد را در بخش‌های مختلف جامعه گسترش داد؛ به صورتی که مساجد در امور فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و تربیتی نقش اساسی را دارا باشند. سازمان باید زمینه فعالیت مساجد را در حوزه‌های مختلف فراهم کند و این امر از طریق برنامه‌ریزی میسر است. سازمان باید در برنامه‌ریزی خود، گسترش فعالیت‌های مسجد را در همه زمینه‌های مختلف فراهم کند. نیازسنجی، امکان‌سنجی، اولویت‌سنجی، از مهم‌ترین وظایف سازمان است که باید برای گسترش فعالیت‌های مساجد و نیز تعمیق فعالیت‌های مساجد انجام دهد.

د) نظارت بر فعالیت‌های مسجد

سازمان‌های ناظر و برنامه‌ریز باید بر عملکرد مساجد نظارت داشته باشند تا مبادا مساجد از اهداف اصلی فاصله بگیرند یا به انحراف کشانده شوند.

۳-۳-۵) سطح اجرایی یا مدیریت اجرایی یا مدیریت عملیاتی

این سطح از مدیریت مسجد به اجرای عینی همه برنامه‌های طراحی و ابلاغ شده توسط سطوح قبلی مدیران مساجد مربوط می‌شود. این سطح، بیشتر به اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های داخل مساجد و مراکز فرهنگی مشابه مسجد منتج می‌شود. در واقع، نوک پیکان اجرایی فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی که به تحقق اهداف مدیریت مساجد منتهی می‌شود، به این سطح از مدیریت مساجد مربوط می‌شود. این سطح، پائین‌ترین سطح مدیریت مساجد (از بالا به پائین) است و بیشترین زحمات و تلاش‌ها در این بخش انجام می‌گردد. به این بخش از مدیریت مساجد، سطح سرپرستی هم می‌گویند؛ چون برخی از افراد یا فعالان

فرهنگی و مذهبی و حتی خدماتی به عنوان سرگروه و در قالب سرپرست بر عملکرد اعضای گروه نظارت و سرپرستی دارند. این سرپرستان یا مدیران عملیاتی، ضمن اعمال مدیریت بر زیردستان اجراکننده خود، ارتباط لازم را با مدیران سطح بالاتر برقرار می کنند.

با توجه به مطالب قبلی، روشن است که همه وظایف و مسئولیت های عمومی و تخصصی مدیریت مساجد را این سطح از مدیران هم انجام می دهند. نکته مهم این است که سطح مدیریت عملیاتی به عینی سازی برنامه های اعتقادی، مذهبی، اجتماعی، دینی، آموزشی و... در مساجد اقدام می کند و همه مجریان نهایی برنامه ها و فعالیت های مساجد، به همراه سرپرستان آنها در این گروه دسته بندی می شوند. بنابراین، سرپرستان و نیروهای انسانی این بخش از مدیریت مسجد از نظر تخصصی متنوع تر و از نظر تعداد بیشتر از بقیه سطوح مدیریت هستند.

۴-۵) الگوهای سازمان مدیریت مساجد

الگوهای متعددی برای سازمان مدیریت مساجد وجود دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از: مساجد دولتی؛ مساجد فرقه ای؛ مساجد مردمی. در ادامه بحث به توضیح هر کدام پرداخته می شود:

الف) مساجد دولتی

مساجد دولتی، چنانچه از نامش پیدا است، توسط سازمان ها و ادارات زیر مجموعه دولت، اداره و سازمان دهی می شود. برنامه ها، هزینه ها و امور اجرایی این مساجد، مثل عزل و نصب امام جماعت، مؤذن و خادم، همه توسط سازمان دولتی خاصی انجام می گردد. این سیستم مدیریت مساجد، دارای محاسنی است که عبارت اند از: تأمین هزینه های مسجد، تأمین کادر و نیروی لازم برای مسجد شامل امام جماعت، مؤذن و خادم و امکان مدیریت هماهنگ و همگانی مساجد. از بین این فواید، امکان مدیریت هماهنگ و همگانی مساجد، مهم ترین ویژگی این سیستم است که از نظر برنامه ها، تشکیلات و افراد مسئول در مساجد، تحت کنترل و آماده برای سازمان دهی هستند.

ب) مساجد فرقه ای

این مساجد چنان که از نامشان پیدا است، مساجدی هستند که توسط گروه های منسجم فکری، مذهبی و سیاسی مدیریت می شوند و علاوه بر فعالیت های دینی، ممکن است اهداف مشخص اجتماعی نیز داشته باشند. در مساجد، فرقه شبه سازمانی وجود دارد. یک فرقه، نوعی سازمان است و بلکه فرقه از نظر کارایی

از سازمان کارآتر است؛ چون انگیزه در اعضای آن بیشتر است. مساجد فرقه‌ای به طور معمول، کارآمدتر از مساجد دولتی است؛ چون هم از سازمان برخوردار است که برنامه و جهت‌دهی دارد و هم از انگیزه بالا در عمل برخوردار است.

ج) مساجد مردمی

مساجد مردمی، مساجدی هستند که در محلات و بازارها توسط عامه مردم ساخته شده و اداره می‌گردد. این مساجد که بخش عظیمی از مساجد را تشکیل می‌دهند، از نظم و انسجام واحدی برخوردار نیستند؛ زیرا سلیقه و خواسته مردم در یک محله و منطقه، ممکن است با مناطق دیگر متفاوت باشد. با توجه به اینکه مردم در اداره مسجد نقش دارند، نمی‌شود مردم را سازمان مصطلح نامید؛ با این حال، بی‌شبهت به سازمان هم نیست، چون همه افراد در اداره مسجد با هم همکاری می‌کنند و برای رسیدن به اهداف مشخص، هر فرد کاری را انجام می‌دهد. مساجد سازمانی علی‌رغم این که سازمان رسمی ندارد، اما کارایی بسیاری بالایی دارد، چون انگیزه در این گونه مساجد بیش از انگیزه در سازمان است.

۵-۵) الگوهای مدیریت اجرایی مساجد

مدیر مسجد

مدیر مسجد باید امام مسجد باشد؛ اما همیشه این طور نیست. گاهی مسجد، یک متولی غیر از امام جماعت دارد و گاهی هیئت امنا و مردم درباره برنامه‌های مسجد تصمیم می‌گیرند. از نظر شرعی، مسجد متولی نمی‌خواهد؛ ولی امام می‌خواهد. از نظر مدیریتی نیز تفکیک بین امامت مسجد و مدیریت مسجد، منجر به تجزیه اختیارات می‌گردد که خود در مدیریت یک مجموعه می‌تواند مشکل‌ساز باشد. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تفکیک اختیارات، بیش از اینکه به نفع مدیریت باشد، زمینه‌ای برای بروز کشمکش و اختلافات است. بنابراین، به طور طبیعی امام مسجد مدیر است و در این نوشتار چنین فرض شده است که امام جماعت مسجد، مدیر مسجد است.

در مدیریت مسجد، ساختار اداره مسجد و این مطلب که مدیر مسجد چه کسی باشد و از چه اختیاراتی برخوردار باشد، در بازدهی مسجد بسیار مهم است. مدیریت، بدون اختیارات کافی محقق نمی‌شود؛ به همین دلیل، باید اختیارات مدیر به طور کامل مشخص و کافی باشد. در موضوع مسجد، این مسئله با توجه به انواع مساجد متفاوت است. در برخی از مساجد، امام جماعت اختیار تام در تمامی زمینه‌ها دارد و می‌تواند هر طور

که بخواهد مسجد را مدیریت کند؛ اما در برخی از مساجد، اختیارات امام مسجد محدود است. الگوهای مطرح در مدیریت داخلی مسجد عبارت‌اند از: مساجد متولی‌محور، مساجد هیئت‌امنا محور، مساجد مردم‌محور، مساجد امام‌محور.

۵-۶) شیوه مطلوب مدیریت مسجد

مدیریت، دانشی است که برای استفاده بهینه از امکانات موجود، به وجود آمده است و مدیر باید از منابع موجود بهترین بهره‌برداری را انجام دهد. مدیریت از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

■ بخش نظری یا اصول و قواعد مدیریت؛

■ بخش اجرایی یا تطبیق و اجرای دقیق برنامه‌ها.

بخش اول، محتوای دانش مدیریت را تشکیل می‌دهد و بخش دوم، عملکرد مدیر است. مدیریت در حقیقت تلفیقی از این دو بخش است؛ یعنی تطبیق قواعد و اصول مدیریت در موضوعی خاص. بنابراین، مدیریت مسجد، زمانی محقق خواهد شد که از اصول و قواعد مدیریت در اداره مسجد بهره گرفته شود.

۵-۷) شرایط توفیق مدیریت مسجد

مقصود از شرایط توفیق مدیریت مسجد، شرایطی است که زمینه موفقیت مدیریت را فراهم می‌کند و اگر این شرایط نباشد، مدیریت مسجد با مشکلات مواجه خواهد شد. این شرایط عبارت‌اند از:

الف) کسب مهارت و دانش مدیریت

طبیعی است که مدیریت علمی، زمانی محقق می‌شود که مدیر از اصول و قواعد دانش مدیریت آگاهی داشته باشد. «تیلور» که به عنوان پدر دانش مدیریت علمی شناخته می‌شود، اصول چهارگانه‌ای را برای تحقق مدیریت علمی بیان کرده که نخستین اصل آن «کشف روش علمی درباره موضوع مدیریت است». نخستین چیزی که برای مدیریت مسجد لازم است، آگاهی از روش علمی مدیریت مسجد است. امامان جماعت مساجد باید به روش‌های علمی مدیریت مسجد آگاهی داشته باشند. چنین دانشی با برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی برای مدیران مساجد می‌تواند تأمین شود؛ ولی کار اساسی این است که مدیریت مسجد به عنوان رشته تحصیلی در حوزه تصویب و دایر شود و دانش مدیریت مسجد به صورت یک دانش کاربردی مورد توجه جدی نظام آموزشی قرار گیرد.

ب) فراهم کردن شرایط مطلوب برای تحقق هدف

دومین عاملی که برای توفیق مدیریت لازم است، فراهم کردن شرایط تحقق اهداف یک مجموعه و سازمان است؛ زیرا مدیر، رهبری یک سازمان یا مرکز اجتماعی را برای تحقق اهدافی، به عهده دارد. بنابراین، وظیفه اصلی مدیر و هسته اصلی مدیریت، ایجاد هماهنگی بین منابع است. به همین دلیل، در تعریف مدیریت، توجه اصلی بر ایجاد هماهنگی و سازمان دهی است. مدیریت مسجد و مدیریت دینی جامعه از طریق مسجد، هدف والایی است که به امکانات گسترده مالی و انسانی نیاز دارد و بدون تأمین امکانات لازم برای مدیریت مساجد، سخن گفتن از مدیریت مساجد، بیهوده است. مدیریت مسجد و مدیریت دینی جامعه از طریق مساجد، زمانی محقق خواهد شد که امکانات لازم برای این کار فراهم شود. پس، برای مدیریت مساجد، تشکیل یک سازمان فراگیر در سطح کشور ضروری است. ده‌ها هزار مسجد و میلیون‌ها نفر نمازگزار این مساجد، استحقاق داشتن یک سازمانی نیرومند را دارد. حتی می‌توان گفت که تشکیل یک وزارتخانه، درباره سامان دهی این امور، توقع بیجایی نیست. به هر حال، نقش امکانات در پیشرفت اهداف، چیزی نیست که نیازی به استدلال داشته باشد. طبیعی است که هر چه امکانات بیشتر باشد، نتایج مطلوب‌تری به دست خواهد آمد، مدیریت مسجد هم نیازمند امکاناتی است که باید فراهم شود و این امر می‌تواند در قالب یک سازمان دولتی یا کمک‌های مردمی باشد؛ اما مهم این است که امکانات قابل اعتمادی باشد که بتوان بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد. مدیریت بدون برنامه‌ریزی مفهومی پیدا نمی‌کند و برنامه‌ریزی بدون وجود امکانات، نوشته روی کاغذ خواهد بود.

ج) انگیزه و جدیت مدیر

سومین عامل در تحقق مدیریت علمی، انگیزه و جدیت مدیر در پیشبرد اهداف مسجد است. دادن اختیارات کافی به امام جماعت یکی از راه‌هایی است که در او ایجاد انگیزه می‌کند. ایجاد یک رقابت سالم در بین امامان مساجد می‌تواند انگیزه امام جماعت را تقویت کند.

مدیریت علمی مسجد، زمانی محقق خواهد شد که این سه عامل موجود باشد: اول اینکه، به امامان مساجد درباره مدیریت علمی مساجد آموزش‌های کافی داده شود. این کار نیازمند تحقیق علمی درباره روش مدیریت مسجد، شکل‌گیری رشته تحصیلی و علم مدیریت مسجد و تهیه متون آموزشی در این باره است. دوم اینکه، سازمانی که امکانات لازم را در اختیار آنها بگذارد، تشکیل شود و بر همه مساجد اشراف داشته باشد و در نهایت، انگیزه لازم برای مدیریت علمی مساجد در ائمه جماعات مساجد، ایجاد و تقویت شود.

در جوامع امروزی، مدیریت و تولید امور در تمام جوانب زندگی اجتماعی فراگیر و امری اجتناب‌ناپذیر شده است و دانش مدیریت، از دانش‌های جدیدی است که به سرعت رشد کرده و در طی حدود یک قرن با توجه به کاربردی بودن آن و از طرفی تفاوت شیوه‌ها و الگوهای مدیریتی و با توجه به موضوعات مختلف زندگی اجتماعی، دارای شاخه‌های بسیاری شده است و روز به روز با مطرح شدن موضوعات جدید، گسترده‌تر می‌شود؛ از این رو، هر موضوعی می‌تواند دارای ضوابط و فنون و شیوه‌های خاصی برای مدیریت باشد. در این راستا، مسجد هم از موضوعاتی است که باید درباره آن از مدیریت ویژه و مخصوص سخن گفت. پرداختن به مبحث مدیریت مساجد با توجه به گستردگی مساجد و کاربردی بودن آنها و نیاز مبرم به شیوه‌هایی که باعث کارایی بیشتر مساجد می‌شود، امری لازم و ضروری بنظر میرسد.

بدون تردید، مساجد باید دارای مدیریتی قوی و توانمند باشند؛ یعنی ائمه جماعات باید خود، اولین برنامه‌ریز باشند تا بتوانند مساجد را هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور بهره‌برداری مسائل سیاسی، اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم مهیا سازند.

به‌طور کلی، نحوه مدیریت مسجد به عنوان یک عمل جمعی، نسبتی مستقیم با مبانی و پیش فرض‌های انسان درباره نقش و جایگاه دین و مسجد در جامعه دارد؛ یعنی اینکه هر نقش و جایگاهی که یک فرد و یا یک جریان فکری بر اساس مبانی فکری خود برای مسجد در اجتماع در نظر می‌گیرد، نحوه تعامل آنها را با مسجد و مدیریت مسجد شکل می‌دهد. در حال حاضر، سه دیدگاه درباره مدیریت مسجد وجود دارد که هر کدام از این سه دیدگاه، مبانی به‌طور کامل متفاوتی دارند که در ادامه به هر کدام از آنها اشاره می‌شود:

۱. دیدگاه سکولاری: این دیدگاه که در کشورهای دارای نظام لائیک و سکولار حاکم است و همان دیدگاه دنیارایانه به مسجد است. در این نظام‌ها، وظیفه دولت این است که از فعال شدن مساجد در امور سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند. بر این اساس، صاحبان این دیدگاه، از فعال شدن مساجد و معابد در امور که به مذاقشان خوش نیاید، جلوگیری می‌کنند. در این دیدگاه، دین و مسجد حق ندارند در امور اجتماعی دخالت کنند. بنابراین، سکولاریسم، سیاست تحمیلی بر ادیان، مذاهب و معابد است.

۲. دیدگاه دولتی: این دیدگاه در برخی از کشورهای که چهره اسلامی دارند، معمول است؛ دیدگاه منفعت‌محور دولتی است. در این دیدگاه، دولت هزینه اداره مساجد را تأمین می‌کند و مساجد، تحت کنترل وزارت اوقاف و امور خیریه و یا عنوان‌های مشابه قرار دارد؛ چنان که در برخی از این کشورها، مثل اردن و عربستان، کنترل شدیدی بر مساجد انجام می‌شود.

۳. دیدگاه مکتبی: این دیدگاه بر گرفته از قرآن، سنت نبوی ﷺ و سیره معصومان (علیهم السلام) است و بر نظریه سیاست و دولت دینی مبتنی است. در این دیدگاه، جامعه، دولت و سیاست باید در چهارچوب دین حرکت کند. اساس این دیدگاه بر عدم تفکیک دین از سیاست است.

با توجه به دیدگاه‌های یاد شده، مدیریت مسجد، شکل‌ها و جهت‌های به‌طور کامل متفاوتی به خود می‌گیرد. در اوّل قرن بیستم، دیدگاه سکولاری و دیدگاه دولتی در بسیاری از کشورها مساجد را به سود خویش مدیریت کرده و تا می‌توانست، مساجد را از حیات اجتماعی مردم دور نگه داشته است؛ اما با موج بیداری اسلامی که با انقلاب اسلامی ایران به اوج خود رسید، مساجد دوباره به حیات اجتماعی بازگشته‌اند. آنچه امروز ضرورت دارد، تداوم و تعمیق نقش و حضور مساجد در حیات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی است. بر این اساس، مقصود و هدف اصلی از مدیریت مسجد این است که مسجد به جایگاه واقعی و اصلی خود در جوامع اسلامی برگردد و یا حداقل به آن سو حرکت کند. در حقیقت، هدف نهایی از مدیریت مسجد، مدیریت دینی جامعه است.

از نظر اجتماعی، مسجد قلب جامعه اسلامی است که در آن هم دین و هم اجتماع مسلمانان تبلور می‌یابد. با نگاهی به تاریخ و جایگاه مساجد در جوامع اسلامی قدیم، درمی‌یابیم که مسجد نقش بسیار گسترده‌ای در حیات جمعی افراد یک جامعه ایفا می‌کرد و مکانی برای عبادت، اجتماع، مشورت، تحصیل، تعلیم، تربیت، ارتباط، اطلاعی‌رسانی و... بود؛ یعنی در جوامع اسلامی، مسجد محور همه کارها بود. در حالی که امروز مسجد فقط برای عبادت و نماز است. علت عمده این فاصله، زائیده شرایط حاکم بر جهان اسلام در قرن نوزده و بیست میلادی است که به‌طور مستقیم به سلطه استعمارگران بر جوامع اسلامی مربوط می‌شود. حضور و حاکمیت استعمارگران، تعادل نهادهای حاکم بر جوامع اسلامی را به هم زد و جایگاه مشخصی برای بسیاری از نهادهای قدیم در نظام جدید حاکم بر جوامع اسلامی تعریف نشد؛ چنان که مسجد قبل از قرن بیستم، محلّ اصلی آموزش و پرورش بود؛ در حالی که در نظام جدید، هیچ جایگاه آموزشی برای مسجد تعریف نشده است. البته برخی از این اموری که از مسجد سلب شده، اقتضای جوامع مدرن است و نمی‌توان در جامعه مدرن این امور را به مسجد برگرداند؛ چون در جامعه مدرن کارها تقسیم شده است و هر کاری به سازمان و مدیریت خاصی نیاز دارد که انجام آن مستلزم اماکن و امکانات خاصّ خودش است که نمی‌توان در مسجد این مکان و امکانات را فراهم کرد. در عین حال، بسیاری از امور اجتماعی را می‌توان در مسجد انجام داد و از طرفی با توجه به نیازهای جامعه مدرن، می‌توان کارکردهای جدیدی را برای مساجد تعریف کرد. با توجه به اینکه در جامعه مدرن، یکی از معضلات مهم، کمبود جا و مکان برای بسیاری از فعالیت‌ها است و با توجه به گستردگی مساجد و حضور آنها در متن اجتماع، می‌توان بسیاری از اقدامات عمومی را که با شأن

مسجد منافاتی ندارد، در مسجد انجام داد. مساجد زمینه‌های مناسبی برای بسیاری از اقدامات مفیدی است که هم به مصلحت کلّ جامعه و هم به منفعت و مصلحت تک‌تک افراد است. مساجد از ظرفیّت‌های بسیاری برخوردار هستند که هم از نظر فضا و امکانات و هم از نظر نیروی انسانی و از نظر مشتری، استعدادهای بالقوه بسیاری دارد.

مدیریت مسجد، زیرمجموعه مدیریت فرهنگی و تربیتی است. با توجّه به اهداف مدیریت فرهنگی و تربیتی، اصول و قواعد مدیریت در عرصه‌های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی از پیچیدگی و گستردگی‌های بسیاری برخوردار است و نمی‌تواند در چهار یا پنج مورد خلاصه شود؛ بلکه باید در محورهای متعدّدی، اصول و قواعد مشخصی مطرح شود. به نظر می‌رسد که مدیریت در امور فرهنگی و تربیتی، حداقل در هفت محور باید قاعده و ضابطه‌مند باشد؛ این هفت محور عبارت‌اند از:

۱. مشخص کردن وظایف و اختیارات مدیر؛

۲. تعریف موقعیّت و جایگاه اجتماعی موضوع مدیریت؛

۳. تعیین هدف؛

۴. برنامه‌ریزی؛

۵. ایجاد انگیزه؛

۶. سازمان‌دهی و اجرا؛

۷. کنترل و نظارت.

به‌طور کلی، زمینه‌های توفیق مدیریت مسجد عبارت‌اند از:

۱. کسب مهارت و دانش مدیریت: مدیریت علمی، زمانی محقق می‌شود که مدیر از اصول و قواعد دانش مدیریت آگاهی داشته باشد.

۲. فراهم کردن شرایط: دوّمین عاملی که برای توفیق مدیریت لازم است، فراهم کردن شرایط مربوط به تحقّق اهداف یک مجموعه و سازمان است؛ زیرا مدیر، رهبری یک سازمان یا مرکز اجتماعی را برای تحقّق اهدافی، به عهده دارد. بنابراین، وظیفه اصلی مدیر و هسته اصلی مدیریت، ایجاد هماهنگی بین منابع است. به همین دلیل، در تعریف مدیریت توجّه اصلی بر ایجاد هماهنگی و سازمان‌دهی است.

۳. انگیزه مدیر: سوّمین عامل در تحقّق مدیریت علمی، انگیزه و جدّیت مدیر در پیشبرد اهداف مسجد است. به یقین، دادن اختیارات کافی به امام جماعت که متولّی اصلی فرهنگی مسجد است، یکی از راه‌های ایجاد انگیزه در وی است. ایجاد یک رقابت سالم در بین امامان مساجد، می‌تواند انگیزه امام جماعت را تقویّت کند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه الوجدانی، چاپ دوم، ۱۴۲۰ هـ. ق.
۲. الصاهود، صالح بن سالم، احکام تحية المسجد، دار دمام عربستان، ۱۴۸۵ هـ. ق.
۳. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۴. ویلفرد، کنت ول اسمیت، اسلام در جهان، ترجمه حسن علی مهری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ هـ. ش.
۵. جاسبی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق / ۱۹۸۳ م.
۷. رامیار، دکتر محمود، تاریخ قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۸. خندان، محسن، تبلیغات اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۹. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، نجف اشرف، مطبعة الاداب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۱۰. _____، حکومت اسلامی، نجف، ۱۳۹۱ هـ. ق.
۱۱. _____، صحیفه نور، مؤسسه نشر آثار امام خمینی رَضِیَ اللهُ عَنْهُ.
۱۲. شیخ حر عاملی، محمد حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت رَضِیَ اللهُ عَنْهُ لِاحیاء التراث، [بی تا].
۱۳. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، دار الهادی للمطبوعات و دار الانصاریان، چاپ سوم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۱۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۱۵. نجفی، محمد حسن، جوهر الکلام، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ هـ. ش.
۱۶. کریمی، سعید، رسانه ها و راه های تقویت مشارکت مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۷. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، ناشر مؤلف، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع،

۱۴۰۱ هـ.ق / ۱۹۸۱ م.

۱۹. جان مکس ول، ۱۰۱ رازمدیران موقّ، مترجم: حوریا موسایی، تهران، تیشمه، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۲۰. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، [بی تا].

۲۱. جمعی از نویسندگان مرکز رسیدگی به امور مساجد شعبه قم، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۲۲. فروغ مسجد ۲، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دوّمین همایش جهانی مساجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۴ هـ.ش.

۲۳. دبیرخانه ستاد عالی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد تهران، کارکرد مسجد، نشر رسا ۱۳۸۴ هـ.ش.

۲۴. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ هـ.ش.

۲۵. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ هـ.ق / ۱۳۶۳ م.

۲۶. محمود کریمی، اسماعیل باباپور، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مشهد، انتشارات کنکاش دانش، ۱۳۸۴ هـ.ش.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه انصاری، محمدعلی، دعایی، حبیب الله، مرتضوی، سید سعید، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اوّل، ۱۴۱۵ هـ.ق / ۱۹۹۵ م.

۲۸. گلیایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، قم، دارالقرآن الکریم، [بی تا].

۲۹. اویسی، غلامرضا، سوادی، محمدعلی، مدیریت اسلامی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۳۰. نبوی، محمد حسن، واثقی، قاسم، مدیریت اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۳ هـ.ش.

۳۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوّم، ۱۴۰۸ هـ.ق / ۱۹۸۸ م.

۳۲. عسیری، علی بن حسن بن ناصر، مسئولیة إمام المسجد، عربستان سعودی، وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد، چاپ اوّل، ۱۴۱۹ هـ.ق.

۳۳. فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوّم، ۱۴۲۰ هـ.ق.

۳۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر الغفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، [بی تا].
۳۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۳۶. شریف رضی، نهج البلاغة، شرح شیخ محمد عبده، بیروت، دارالمعرفة، [بی تا].
۳۷. مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در یکصد سال اخیر، تهران، اخیر انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۳۸. سید جوادین، سید رضا، تئوری های مدیریت، تهران، نگاه دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۳۹. مشبکی، اصغر، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات ترمه، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: آخوندی، محمد تصحیح و تعلیق: غفاری، علی اکبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۵ هـ.ش.

تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد

رسول عباسی

چکیده

در تحقیق حاضر، با مطالعه و کنکاشی وسیع، عناصر الگوی مدیریت اثربخش مسجد، شناسایی و مشخص شد. البته این الگو به طور گسترده طراحی و تدوین شد؛ به نحوی که حتی با کمک این الگو می‌توان کل عملکرد اثربخش مسجد را پایش نمود. در این الگو، پنج حوزه کلی ورودی، فرآیند، خروجی، پیامد خروجی و عناصر محیطی و در مجموع یازده بُعد جزئی شناسایی شدند. ابعاد حوزه ورودی عبارت‌اند از: شایستگی‌های امام مسجد، شایستگی‌های فعالان و کار گزاران، شایستگی‌های جماعت (نماز گزاران) و منابع (منابع مالی، مادی و اطلاعات). حوزه فرآیند، بُعد اقدامات و حوزه خروجی‌ها، تنوع و کیفیت برنامه‌ها و خدمات را شامل می‌شود. جذب حداکثری، تحوّل و تعالی تنها بعد حوزه پیامد خروجی است. حوزه عناصر محیطی نیز در برگیرنده ابعادی مانند سازمان‌های محیطی و بافت محلی است. در این تحقیق به منظور تدوین الگوی تحقیق و تشریح حوزه‌های پنج گانه و تبیین ابعاد یازده گانه، از مطالعه منابع دینی - اسلامی به خصوص آیات و روایات، منابع علم مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی دین، مدیریت اسلامی، منابع فقهی مسجد، بررسی تطبیقی در حوزه مطالعات سازمان‌های داوطلبانه و سازمان‌های دینی و همچنین از مصاحبه اکتشافی، مشاهده و نظر سنجی از متخصصان استفاده شده است.

واژگان کلیدی:

نهاد دینی، اثربخشی، مدیریت اثربخش مسجد، امام مسجد، فعالان، مأموم‌ها.

مسجد همان طور که از نام آن پیداست، محلی برای سجده و عبادت در برابر پروردگار یکتاست. نگاهی به تاریخ گذشته به خصوص در صدر اسلام به ما نشان می‌دهد اگر چه رسالت اصلی مسجد، برگزاری آیین کرنش و نیایش و ارتباط عبادی انسان با خداوند متعال است، ولی هیچ‌گاه کارکرد مساجد فقط به اقامه نماز جماعت و انجام عبادات جمعی محدود نشده است. توصیه و تأکید دین بر انجام اعمال عبادی به صورت جمعی، نشان از اهمیت مزایای جنبی تشکیل اجتماع در بین مسلمانان دارد. در پرتو تشکیل این جماعات، امکان بهره‌برداری‌های مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و غیره برای عامه مردم به وجود می‌آید. تاریخ، گواهی می‌دهد که در برهه‌هایی، از مسجد به عنوان مرکز تعلیم و تعلم معارف دینی و حتی علوم بشری، پایگاه اطلاع‌رسانی، مجلس شور و مشورت سیاسی-اجتماعی، ستاد فرمان‌دهی و سامان‌دهی امور نظامی و محل رسیدگی به امور گوناگون مسلمانان استفاده می‌شده است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین بیان کرد هر زمان که مدیریت بهتری بر این نهاد دینی اعمال شده، از ظرفیت‌ها و کارکردهای بالقوه آن، بهره‌برداری بیشتری شده است. همان طور که در تعریف واژه مدیریت، آن را امکان بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌ها دانسته‌اند. اگر بخواهیم که مسجد به عنوان یک نهاد داوطلبانه، مردمی، غیرانتفاعی و مذهبی در تحقق کارکردهای مختلف اجتماعی-دینی خود، موفق‌تر و اثربخش‌تر باشد، نیاز به مدیریتی توانمند و اثربخش بیشتر احساس می‌شود.

در اکثر نظرسنجی‌های به عمل آمده در داخل کشور، ضعف مدیریت مسجد عامل اصلی عدم‌گرایش به مساجد، عنوان شده است. ضعف آگاهی کادر اجرایی مساجد نسبت به شیوه‌های صحیح مدیریت و برنامه‌ریزی و چگونگی تعامل با جماعت مسجد از گروه‌های سنی مختلف، سبب کم‌رونقی برخی مساجد و خالی شدن آنها از طیف جوانان فعال کشور شده است و بعضی مساجد به نمازخانه‌ای بدل گشته و یا تعطیل شده‌اند.

وضعیت کم‌رونق برخی مساجد کشور، ما را بر آن می‌دارد تا از زاویه علم مدیریت، مدیریت اثربخش مسجد را که نهادی دینی، داوطلبانه و مردمی است، مورد واکاوی دقیق قرار داده و به شناسایی عوامل و عناصر اساسی آن به خصوص از نگاه مخاطبان بپردازیم؛ همان امری که در بین پژوهشگران عرصه مدیریت، کمتر مورد توجه واقع شده است. اینک سؤال اساسی که مطرح می‌شود این است که مدیریت اثربخش مسجد دارای چه عوامل و عناصری است و ارتباط بین این عناصر از چه الگویی پیروی می‌کند؟

مبحث اول: کلیات مدیریت اثربخش مسجد

تعریف مدیریت اثربخش

- «مدیریت اثربخش» عبارت است از: کسب اهداف سازمانی یا بیش از آن.
 - «مدیر اثربخش» کسی است که بتواند هشتاد تا نود درصد توانایی‌های افراد را به کار بگیرد.^۱
 - البته یک مفهوم قطعی از «اثربخشی سازمانی» وجود ندارد و اکثر نویسندگان، سنجش اثربخشی سازمانی را مستلزم تعریف شاخص‌های متعدّد و ارزیابی وظایف مختلف سازمانی با استفاده از خصیصه‌های متفاوت می‌دانند. برخلاف تصوّر غالب، در بین افراد آشنا به علم مدیریت، اثربخشی فقط دستیابی به هدف نیست، بلکه رویکردهای مختلفی در اثربخشی وجود دارد.
 - رویکردهای سنجش اثربخشی سازمانی
- صاحب‌نظران چهار رویکرد به سنجش اثربخشی سازمانی را معرفی کرده‌اند که به شرح زیر است.
۱. اولین رویکرد، رویکرد دستیابی به هدف است. این رویکرد با شناسایی اهداف در سنجش عملکرد مشخص می‌شود.
 ۲. دومین چارچوب، رویکرد منابع سیستم یا سیستم باز است. این نگاه به اثربخشی بر توانایی یک سازمان در جذب منابع برای اطمینان از بقا تأکید دارد. جذب منابع ضروری و حفظ یک رابطه هارمونیک با محیط از ضروریات کاربرد مدل سیستمی است.
 ۳. چارچوب سوّم، رویکرد فرآیند داخلی است. کنترل، تمرکز، رسمی‌سازی، ثبات، استمرار، نظم و شاخص‌های قابل پیش‌بینی عملکرد از شاخص‌های این رویکرد است. بر اساس این رویکرد، کارکنان برای اطاعت از مقررات پاداش داده می‌شوند و رهبران جنبه‌های مختلف کار را اندازه‌گیری کرده و مستند می‌کنند و باور دارند که یکسان‌سازی و رسمی‌سازی به ثبات، نظم و استمرار ختم می‌شوند.
 ۴. تأکید بر منابع انسانی به چهارمین رویکرد ختم می‌شود که به رویکرد اجزا یا گروه‌های استراتژیک یا رضایت‌ذی‌نفعان مشهور است. در این رویکرد، مشخص کردن دیدگاه‌ذی‌نفعان اصلی از اثربخشی، مهم‌ترین نکته فرض می‌شود. هر گروه ممکن است تقاضای متفاوتی نسبت به شیوه عمل سازمان داشته باشد. این رویکرد از چارچوب سیاسی ناشی می‌شود و توانایی سازمان را در راضی ساختن مجموعه متنوعی از گروه‌های داخلی و خارجی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ذی‌نفع، به مثابه هر شخص، گروه یا سازمان تعریف می‌شود که می‌تواند از توجّه، منابع یا خروجی سازمان بهره‌مند شود (یا مستحقّ آن است) یا اینکه تحت تأثیر آن خروجی قرار می‌گیرد.

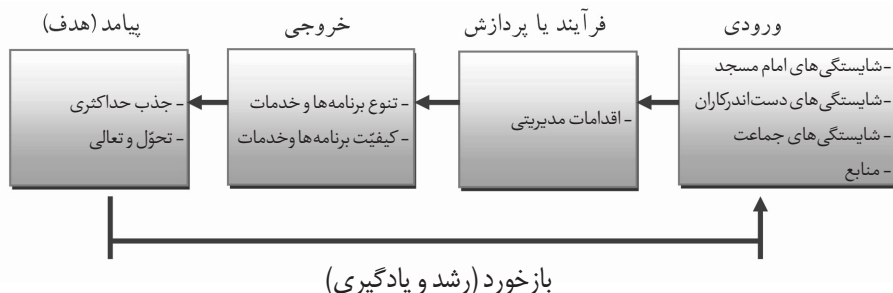
بنابراین، در این تحقیق بر آن شدیم که با پرهیز از بخشی‌نگری، نگاهی جامع، فراگیر و فرآیندگرا به پدیده اثربخشی در نهاد دینی مسجد داشته باشیم. در این نگاه، سعی شد انعطاف‌پذیری، خلاقیت و استمرار در بهبود کیفیت به عنوان ویژگی‌های این مدل در نظر گرفته شود. همان گونه که در الگوی سازمانی اشاره می‌شود، اثربخشی سازمانی هنگامی افزایش می‌یابد که کلیه فعالیت‌های داخلی سازمان که دارای ارتباط متقابل هستند، به‌طور دقیق شناخته شده و به صورتی نظام‌مند و با استفاده از اطلاعات قابل اطمینانی از ذی‌نفعان اداره شود و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با عملیات جاری و بر اساس آن صورت گیرد.

با توجه به این نکات در طراحی چارچوب نظری تحقیق سعی شده است از رویکردهای مختلف فوق‌الذکر در اثربخشی سازمانی، یعنی رویکرد هدف‌مدار، منابع سیستم، فرآیند داخلی و رضایت ذی‌نفعان استفاده شود. با نگاه به این رویکردها و تنوع آنها بر آن شدیم تا با استفاده از الگوی سیستمی، چارچوبی را طراحی و ارائه کنیم که بتواند جهت‌گیری رویکردهای مختلف اثربخشی را هم‌چون چتری در بر بگیرد. در نتیجه، الگوی سیستمی در علم مدیریت به عنوان مبنای اصلی نظری در طراحی الگوی تحقیق و شناسایی اجزا و عناصر آن انتخاب گردید. رویکرد سیستمی در مدیریت، شامل داده‌ها (انسان، سرمایه، مدیریت و فناوری)، فرآیند (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، استخدام، رهبری و کنترل)، ستاده (محصولات، خدمات، سود، رضایت و یکپارچگی هدف) و محیط است.

الگوی تعالی سازمانی

تعالی سازمانی، الگوی دیگری است که در طراحی الگوی نظری تحقیق به آن توجه شده است. تعالی سازمانی، به عملکرد برجسته مدیریت یک سازمان که به دست‌یابی به نتایج درخشان منتهی شده، اطلاق می‌شود. این الگو از دو بخش تشکیل شده است:

۱. توانمندسازها که شامل رهبری، توسعه کارکنان، خط‌مشی و راهبرد، مشارکت‌ها و منابع و فرآیندهاست.
۲. نتایج که شامل نتایج کارکنان، نتایج مشتریان، نتایج جامعه و نتایج کلیدی عملکرد است.



طبق این چارچوب نظری، معتقدیم توانمندسازها، یعنی منابع ورودی اعم از منابع انسانی (امام مسجد، فعالان و مأموم‌ها) و منابع مالی، فیزیکی و اطلاعاتی، اقدامات، مجموعه مدیریتی مسجد به عنوان فرآیند بر خروجی‌ها یا نتایج تأثیر گذارند. از آنجایی که عنصر فرآیند در الگوی سیستمی شامل وظایف عمومی مدیریت و در الگوی تعالی سازمانی، فرآیند زنجیره تولید است بنابراین، در مؤلفه اقدامات این الگو، ترکیب هر دو نقطه نظر مورد توجه قرار گرفت و وظایف عمومی مدیریت از الگوی سیستمی و مدیریت عملیات یا فرآیند از الگوی تعالی سازمانی اقتباس شد.

با توجه به ارزشی بودن فضای معنوی مسجد و لزوم حاکم کردن ارزش‌ها بر روابط بین فردی و فعالیت‌ها به جای فضای بوروکراتیک و روابط سلسله‌مراتبی، مؤلفه‌ای با عنوان تبیین جهت‌گیری‌های ارزشی مسجد در مؤلفه اقدامات پیشنهاد شده است که روح یا فرهنگ ارزشی این سازمان معنوی را شکل می‌دهد. نتایج نیز طی دو گام یعنی: ۱- خروجی‌ها شامل تنوع و کیفیت برنامه‌ها و خدمات؛ ۲- پیامدها (اهداف) شامل جذب حداکثری و تحول و تعالی مطرح شده است. این زنجیره از طریق بازخورد (رشد و یادگیری) به یک حلقه پویا تبدیل می‌شود و در نتیجه، می‌تواند کمیت و کیفیت عناصر ورودی را ارتقا دهد. عناصر محیطی هم از عناصر تأثیر گذار بر اجزای داخلی سیستم هستند. روابط حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی، همکار و واحدهای محلی با مسجد و بافت مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فناوری (تکنولوژیکی) محله به عنوان اجزای محیط نزدیک و تأثیر گذار بر مسجد در نظر گرفته شده‌اند.

البته در مورد خروجی‌ها اگر چه می‌توان تنوع برنامه‌ها و خدمات را جزئی از کیفیت قلمداد کرد، ولی به منظور برجسته‌سازی و نشان دادن اهمیت ویژه آن، به عنوان یک بُعد مستقل در نظر گرفته شده است. تنوع کارکردها و برنامه‌های مسجد از این جهت حائز اهمیت است که مسجد در سنت نبوی ﷺ، هرگز یک تشکیلات تک کارکردی و یا به عبارتی، مکانی برای عبادت صرف نبوده، بلکه مرکز سامان‌دهی امور مسلمانان و محل انجام کارکردها و برنامه‌های مختلف بوده است.

الگوی مدیریت اثربخش مسجد

الگوی مدیریت اثربخش مسجد، متناسب با توضیحات ذکر شده و با پیش فرض تأسیس مسجد بر اساس تقوا و اخلاص، مبتنی بر آیه «لَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّخِذُوا اللَّهَ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۱ طراحی و در مباحث آینده ارائه شده است. از این آیه شریف به

روشنی می‌توان دریافت که آنچه «مسجد قبا» را در خور مدح و ستایش کرده، تقوا و اخلاص مؤسسان آن بوده است. امام باقر (علیه السلام) یکی از عوامل مبارک بودن «مسجد غنی» در کوفه را مؤمن بودن بانی آن دانسته است.^۱ همچنین، بنا بر حدیث معروف نبوی (صلی الله علیه و آله): «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»،^۲ ارزش هر عملی به قصد و نیت فاعل آن است. بنا کردن یک مسجد زمانی از ارزش والایی در نزد پروردگار متعال برخوردار است که با نیت خالص و برای رضای الهی صورت گرفته باشد. صاحب تفسیر نور در این زمینه چنین می‌نویسد: «گاهی مسجد، بانیان خود را به قعر دوزخ می‌افکند».^۳

مبحث دوم: شایستگی‌های مدیران

مدیر شایسته

در تعریف شایستگی مدیران گفته‌اند: شایستگی عبارتست از خصوصیات و رفتارهایی که منجر به اثربخشی مدیران در محیط شغلی شود، مانند دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، نگرش، اعتبار حرفه‌ای و عمومی.^۴

در تعریف دیگری، شایستگی، ویژگی اساسی یک شخص بیان شده که از نظر علی با عملکرد اثربخش یا برتر فرد در یک موقعیت شغلی مرتبط است.

«اسپنسر»^۵ اعتقاد دارد که شایستگی در پنج قالب قرار می‌گیرد: انگیزه‌ها، خصیصه‌ها، خودمفهومی، دانش و مهارت.

«بویاتزیس»^۶ دامنه‌ای از عوامل را در موفقیت مدیران دخیل می‌داند. وی این عوامل را مانند کیفیت‌های فردی، انگیزه‌ها، تجربه و ویژگی‌های رفتاری تحت عنوان شایستگی چنین تعریف می‌کند: ظرفیت موجود در فرد که منجر به رفتاری برای برآورده کردن مطالبات شغلی موجود در چارچوب پارامترهای محیط سازمانی می‌شود و به نوبه خود نتایج مطلوب را ایجاد می‌کند، شایستگی نام دارد. «دیوید روباتام» در مقاله‌ای در این خصوص می‌نویسد: «شایستگی، معانی متفاوتی دارد و هنوز هم یکی از مبهم‌ترین عبارات ادبیات سازمان باقی مانده است»

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۹.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۸۳، ح ۴.

۳. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۴۶، ذیل آیه ۱۰۹ سوره توبه.

۴. غفاریان، ۱۳۷۹.

۵. Spencer & Spencer، ۱۹۹۳.

۶. Boyatzis، ۱۹۸۲.

مؤلفه‌های و مهارت‌های شایستگی

در یک جمع‌بندی، مؤلفه‌های شایستگی در شش گروه کلی جای می‌گیرند:^۱

۱. دانش و معلومات حرفه‌ای؛

۲. مهارت‌ها: مهارت توانایی پیاده‌سازی علم در عمل؛

در یک تقسیم‌بندی متداول مهارت‌های مورد نیاز مدیران به سه نوع تقسیم شده‌اند و آنها را بدین صورت تعریف کرده‌اند:

■ **مهارت ادراکی:** توانایی فهمیدن پیچیدگی‌های کل سازمان و آگاهی از اینکه آیا شخص در خور شرایط سازمان عمل می‌کند یا نه. این آگاهی موجب می‌شود که فرد به جای این که فقط بر مبنای هدف‌ها و نیازهای گروه نزدیک و بلافصل خود عمل کند، اقدامات خود را بر هدف‌های کل سازمان استوار سازد.

■ **مهارت انسانی:** توانایی و قدرت تشخیص در کار کردن با مردم و انجام دادن کار به وسیله آنها که شامل درک و فهم انگیزش و به کار بردن رهبری مؤثر است.

■ **مهارت فنی:** توانایی حاصل از تجربیات، آموزش و کارآموزی لازم برای به کارگیری دانش، روش‌ها، فنون و تجهیزات لازم برای انجام کارهای خاص.

۳. **ویژگی‌های شخصیتی:** شخصیت، عبارت است از مجموعه الگوهای منحصر به فرد و تا حدودی ثابت رفتاری، احساسی و فکری که انسان‌ها از خود بروز می‌دهند.

۴. **نگرش:** هیچ تصمیمی در یک محیط خالی از مفاهیم ارزشی گرفته نمی‌شود. موازین ارزشی تصمیم گیرنده، یکی از عملکردهای اصلی در شکل‌گیری تصمیم است. مجموعه ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل متمایزکننده مدیران از یکدیگر است. برخی از این عوامل عبارت است از: باور به پاسخگویی در برابر خداوند، محترم شمردن مردم، پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای، امید به جهان آخرت، نحوه نگرش به انسان، نگرش توحیدی.

۵. **اعتبار حرفه‌ای:** اعتبار حرفه‌ای به جایگاه مدیر در شبکه ارتباطات حرفه‌ای برمی‌گردد و عبارت است از: قابلیت برقراری ارتباط با افراد مؤثر و درخواست از آنان با احتمال زیاد پذیرش.

۶. **اعتبار عمومی:** اعتبار عمومی یک مدیر به جایگاه غیر حرفه‌ای وی در اجتماع بر می‌گردد. واقعیت این است که زندگی کاری و عمومی یک مدیر بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند و اداره این دو به صورت منفصل

از هم امکان پذیر نیست. خانواده، محیط معاشرتی و حسن شهرت از عوامل مهم اعتباربخشی عمومی است.^۱ از طرف دیگر، فضایل ارزشی-اخلاقی، جزء جدانشدنی شایستگی های یک مدیر عنوان شده است. شاخص های فضیلت، جزئی جدانشدنی از ایده های اخلاق گرایی است و ارائه دهنده چشم اندازهایی است که شیوه زندگی ما را شکل می دهند؛ ولی شایستگی شامل مهارت های آموخته شده و کارایی فنی است. بررسی دقیق تر نشان می دهد که دو مفهوم «شایستگی» و «فضیلت» بسیار به هم مرتبط هستند؛ شایستگی ها، فضیلت های خاصی را در برمی گیرند، در حالی که اعمال موفقیت آمیز فضیلت ها نیز به قابلیت هایی نیاز دارند.

وجود دورویکرد مدیریتی

اول؛ اینکه ما باید فضیلت و شایستگی را از هم دیگر متمایز کنیم؛ دوم؛ اینکه دو مفهوم فضیلت و شایستگی را با این توصیف که بسیاری از شایستگی های مدیریتی، فضیلت های ذاتی دارند، به عنوان همزیست در نظر بگیریم. «لاومن» و همکاران، قابلیت ایمانی و فنی را به عنوان عناصر اساسی مدیریت عمومی موفق با یکدیگر ترکیب می کنند. آنها معتقدند که موفقیت مدیران عمومی مبتنی بر مثلث مهارت ها شامل قابلیت فنی، رهبری و شایستگی های اخلاقی است. شایستگی های اخلاقی^۲ شامل منطق اخلاقی،^۳ مدیریت ارزش ها و تصمیم گیری محتاطانه است.^۴ «ورتانن»^۵ مجموعه شایستگی هایی را برای مدیریت عمومی ارائه می کند که یکی از آنها شایستگی اخلاقی است. «مکالی و لاوتون» در انتهای مقاله خود نتیجه می گیرند که فضایل، همان طور که در حوزه شخصیت انسانی قرار دارند، به طور برابر در حوزه اقدامات قرار دارند. فضیلت، یک بخش مکمل از شایستگی های مدیریتی است. شایستگی به مثابه تعالی مدیریت، به طور اجتناب ناپذیر، توجه به فضیلت را درون خود دارد. فضیلت نیز به همین صورت باید بعضی کیفیت های شایستگی را داشته باشد تا بتوان آن را عملی ساخت.^۶

«هرسی و بلانچارد عملکرد موفق را تابعی از توانایی و تمایل فرد می دانند».

۱. غفاریان، ۱۳۷۹.

۲. Ethical competency.

۳. Moral reasoning.

۴. Bowman et al., ۲۰۰۴.

۵. Virtanen, ۲۰۰۰.

۶. Macaulay and Lawton, ۲۰۰۶.

از طرف دیگر، «آمادگی» عبارت است از میزان توانایی و تمایل رهبر در به دست آوردن توفیق در انجام یک تکلیف خاص.

«توانایی»، یعنی دانش، تجربه و مهارتی که فرد یا گروه برای یک تکلیف یا فعالیت خاص همراه دارد. تمایل، یعنی میزان وجود اطمینان، تعهد و انگیزش در شخص برای انجام موفقیت آمیز یک تکلیف خاص.^۱ «ارابینز» نیز عملکرد را تابع توانایی و انگیزش می‌داند. «رضایان»، موفقیت مدیر را به توانایی‌ها، نگرش و انگیزش وابسته می‌داند. در نتیجه، در الگوی شایستگی‌های امام مسجد برای پوشش عناصر طرح شده، سه مؤلفه «دانش - مهارت‌ها»، «فضایل ایمانی - اخلاقی» و «انگیزش» مطرح شده‌اند.

مبحث سوم: شاخص‌های مدیر اسلامی و امام جماعت مطلوب

شایستگی‌های امام (مدیر) مسجد

مقام معظم رهبری (دام‌عزّه)، امام مسجد را «مدیر طبیعی» مسجد می‌داند و می‌فرماید: «مسجد یک رئیس طبیعی دارد؛ یک مدیر طبیعی دارد و او امام مسجد است».^۲ در این نوشتار سعی خواهد شد شایستگی‌های اساسی مورد نیاز امام مسجد به مثابه یک مدیر، شناسایی و احصا شود.

شناخت شایستگی‌های کلیدی مدیران در کانون توجه محققان بوده است. شناخت ابعاد شایستگی‌های مدیریتی، هم برای توسعه و هم برای ارزیابی مدیران یک عامل اساسی به شمار می‌آید. در این قسمت، ویژگی‌های یک مدیر و رهبر اسلامی شایسته بیان می‌شود و سپس ویژگی‌های مطلوب یک امام جماعت طبق ادبیات نظری موجود ارائه خواهد شد. پس از آن، شاخص‌های تدوین شده برای هر یک از مؤلفه‌های تحقیق در قالب جدولی نشان داده می‌شود:

- برخی معتقدند، رهبر اثربخش به ویژه در جوامع اسلامی، کسی است که با ایجاد یا تقویت ویژگی‌های شخصی یا رفتاری، در دل و جان کارکنان و زیردستان خود نفوذ کند. این ویژگی‌ها به اختصار عبارت‌اند از: تقوی، رفق و مدارا، الفت و محبت، دفع بدی با خوبی، سعه صدر.^۳
- برخی دیگر ویژگی‌های فردی رهبر در آیات و روایات را بدین صورت بیان می‌کنند: سعه

۱. هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری (دام‌عزّه)، مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۸.

۳. پیروز و همکارانش، (۱۳۸۵).

صدر (حلم، متانت در شادی‌ها، مقاومت در برابر مشکلات، تحمّل افکار مخالف، پرهیز از مستی ریاست)، هوش، توانمندی‌های علمی و فنی، تحمّل افکار مخالف، سعی و کوشش، پشتکار، شجاعت، شهرت، سخنرانی (تفهیم کلام و زیبایی کلام).^۱

■ طبق نظر «مرکز رسیدگی به امور مساجد»، ویژگی‌های مدیر اسلامی عبارت است از: ایمان و تقوا، عدالت و امانت‌داری، توانایی، اخلاق و برخورد نیکو و زیبا، سعه صدر و تسلط بر خود، خردورزی و دوراندیشی، تعادل، تواضع، جدّی و پرتلاش، صداقت و وفای به پیمان، خواهان دانش جدید و افق‌های نوین فعالیت.

در خصوص ویژگی‌های امام مسجد، این مرکز معتقد است که امام مسجد باید از نظر علمی با قرآن و تفسیر، روایات و سخنان ائمه علیهم‌السلام آشنا باشند و توان پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی و شبهات جدید کلامی را داشته باشد و از اخبار کشور و جهان اطلاع داشته باشد.

از نظر گفتاری باید از پر حرفی و کلمات بیهوده، غیبت و بدگویی پرهیز کند. از نظر برخورد نیز باید دارای چهره‌ای باز و گشاده و خوش‌برخورد باشد. شخصیت افراد را حفظ کند و از تحقیر و مسخره و پوزخند پرهیز کند.

■ امام جماعت دارای چهار وظیفه اساسی است که شامل: اقامه نماز جماعت، تعلیم و تربیت و نشر معارف، رهبری و مدیریت مسجد و برقراری ارتباط است.

پیروی از سنت و سیره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای موفقیت امام جماعت در مسئولیت خود، بسی خطیر و مهم است. برخی از اصول سیره فردی و اجتماعی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عبارت است از: نظافت، آراستگی ظاهر، معطر بودن، سلام کردن، مصافحه، گشادگی چهره، برقراری ارتباط صمیمانه و احترام و ادب.^۲

تقوا، یکی از ویژگی‌های مهم امام مسجد است. خداوند متعال، اولیاء و سرپرست مسجد الحرام را فقط افراد با تقوا و پرهیزگار می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ».^۳

قرآن در آیه شریف دیگری، شرایط تولیت مسجد را چنین بیان می‌نماید: «إِنَّمَا يَعْزُمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ».^۴

این آیه شرایطی را برای تعمیر کنندگان و آباد کنندگان مساجد معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: ایمان به

۱. نبوی، (۱۳۸۵).

۲. مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۵.

۳. انفال، آیه ۳۴.

۴. توبه، آیه ۱۸.

خدا، ایمان به قیامت و روز رستاخیز، اقامه نماز، پرداخت زکات، شجاعت و ترس از خدا. صاحب تفسیر نور معتقد است که تولیت مسجد شریطی دارد: از نظر عملی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات و از جهت روحی، شجاعت و نفوذناپذیری و از جهت اعتقادی ایمان به مبدأ و معاد.^۱

نویسنده دیگری معتقد است با توجّه به منابع اسلامی، امام جماعت باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: عدالت (دوری از گناه)، مروّت (پرهیز از کارهایی که او را خوار و بی‌مقدار و سبک می‌سازد)، دارا بودن مراتب علمی، تقوا، فضیلت‌های اخلاقی، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، اهتمام جدّی به امور مسجد، تعیین جانشین در زمان غیبت، سعه صدر، حضور منظم برای اقامه نماز، خودداری از طولانی کردن برنامه‌ها.^۲ تمایل یا قصد خودسازی و تهذیب نفس، از جمله شاخص‌های شایستگی تمامی افراد حاضر در مسجد و از همه مهم‌تر امام مسجد است. قرآن کریم در آیه ۱۰۸ سوره توبه، «مسجد قبا» را مسجد شایسته معرفی می‌نماید و دلیل آن را چنین بیان می‌کند: «رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» [در آن مسجد، رجالی هستند که دوست می‌دارند خود را از گناهان پاک سازند یا از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها طاهر نمایند و خداوند کسانی را که در صدد پاک کردن خود باشند، دوست می‌دارد].

مقام معظم رهبری (دامت‌السلام) در این رابطه می‌فرمایند:

«خود من پیش‌نمازی کرده‌ام. می‌دانم که مسجد و پیش‌نمازی یعنی چه. مسجد قائم به پیش‌نماز است. خادم تأثیر خیلی کمی دارد؛ یعنی در مقایسه با پیش‌نماز در واقع، تأثیرش ده بر یک هم نیست. البته تأثیری دارد؛ اما ملکه زنبور غسل مسجد، پیش‌نماز است. پیش‌نماز که آنجا بود و جاذبه داشت، همه هستند. پیش‌نماز، هر چه و هر کس هم باشد وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تأثیر کمی خواهد داشت؛ مثل آقایان فعلی ما، روحانیون انقلابی و جوان فاضل؛ عیب کارشان این است که به مسجد اعتنایی ندارند. ظهر می‌شود، مشغول کارند یا جلسه دارند، مسجد هم دارند؛ این نمی‌شود».^۳

پس از جمع‌بندی، شایستگی‌های امام مسجد در جدول صفحه بعد خلاصه شده است:

۱. تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۳.

۲. نوبهار، رحیم ۱۳۸۶.

۳. بیانات مقام معظم رهبری (دامت‌السلام)، ۱۹/۱۰/۱۳۷۷.

جدول ۱: شایستگی‌های امام مسجد

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شایستگی‌های امام مسجد (به عنوان مدیر مسجد)	فضایل اخلاقی و رفتاری	خلق نیکو و حسن معاشرت
		سعه صدر و مدارا
		صداقت و وفای به عهد
		عدالت فقهی و تقوا؛ اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره
		تواضع
		امانتداری و مسئولیت‌پذیری
		نظم و وقت شناسی؛ حضور منظم و نظم در انجام امور
		شجاعت و استقلال رأی؛ از کسی جز خدا نمی‌ترسند
		خودباوری و قاطعیت
		اخلاص
		عدالت در رفتار با مردم و توجه به همه افراد
		وقار و ثبات شخصیت
		ساده زیستی و احتراز از تجملات دنیا
		ولایت‌پذیری و تبعیت از ولی فقیه
		حسن شهرت علمی یا معنوی
		آراستگی و جذابیت ظاهری

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شایستگی‌های امام مسجد (به عنوان مدیر مسجد)	تمایل. انگیزش	انگیزه دگرسازی و هدایت دیگران
		انگیزه خودسازی و تهذیب نفس: یحیون ان یتطهروا؛ دوست دارند که پاکیزه شوند
		اهتمام به حلّ مشکلات و امور مردم: تلاش برای حلّ مشکلات مردم و همدردی و دلسوزی برای آنها، تلاش برای ایجاد وفاق اجتماعی در محله
		تلاش و پشتکار در مسجد
دانش. مهارت‌ها		انسانی: رهبری، مخاطب‌شناسی، اصلاح ذات‌البین، تشویق و حمایت، به کارگیری افراد، شنود مؤثر، ارتباط مؤثر با اهل مسجد، محله، نهادها و سازمان‌ها، فنّ خطابه، آراستگی، ایجاد گروه‌ها، هدایت جلسات، هوش عاطفی و هیجانی
		فنی: دانش دینی (فقه و اصول، کلام، تفسیر و ...)، دارا بودن حداقلی از دانش روز، آگاهی سیاسی، دانش مدیریت، دانش مشاوره و روان‌شناسی، شناخت خرده‌فرهنگ‌ها، قرائت نماز و قرآن به صورت صحیح و با صوت خوش
		ادراکی: دید کلان و تفکر راهبردی، تفکر تحلیلی، درک و تشریح رسالت، اهداف و ارزش‌های مسجد در اسلام، تفکر خلاق، بصیرت و بینش سیاسی

مبحث چهارم: شایستگی‌های فعالان و کارگزاران مسجد

فعالان یا کارگزاران مسجد، علاوه بر اینکه پرسنل اجرایی مسجد را تشکیل می‌دهند و به انجام امور عملیاتی می‌پردازند، مانند بازو و معاون امام مسجد عمل می‌کنند (به خصوص اعضای هیئت امناء)، بنابراین، از یک طرف ویژگی‌های فردی این افراد مانند توانمندی‌های آنها اهمیت پیدا می‌کند و از طرف دیگر، ویژگی‌های بین فردی (گروهی) و اجتماعی (حوزه ارتباطی) آنها بسیار مهم است. در نتیجه، شایستگی‌های فعالان نیز طبق توضیحاتی که اشاره شد، در سه مؤلفه ویژگی‌های فردی، بین فردی و اجتماعی (حوزه ارتباطی) طبقه‌بندی شده است. عناصر توانمندی شخصی، فضایل ایمانی-اخلاقی و انگیزش این افراد

(شامل: صداقت و وفای به عهد، نیت خدمت‌گزاری، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری، سعه صدر و مدارا، تلاش و پشتکار در مسجد، مهارت و دانش، شجاعت، تواضع، التزام عملی به دین و جوان بودن) در مؤلفه «ویژگی‌های فردی» جای گرفته‌اند. از آن جهت هم که این افراد، یک گروه یا تیمی از فعالان اداره امور مسجد را تشکیل می‌دهند، برخی ویژگی‌های تأثیرگذار بر عملکرد گروه یا تیم مانند همبستگی، برادری و انسجام، وجهه یا اعتبار محلی، احترام و اعتماد متقابل، و الفت و محبت بین قلوب آنها به عنوان جمعی از مؤمنان در ویژگی‌های بین فردی آمده است. انسجام گروه، احساس «ما» بودن است که اعضای یک گروه را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

«نیت خدمت به خانه خدا» از شاخص‌های مهم این بخش است. ارزش کارها به نیت انجام آنان است. در فضیلت خدمت‌گزاری در مسجد اشاره به این حدیث مناسب است:

«مَنْ قَمَّ مَسْجِدَ أَكْتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ وَمَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يُقَدِّى عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ؛ هر کس مسجدی را جارو و خاکروبی کند، خداوند برای او پاداش آزاد کردن یک بنده را بنویسد و اگر از مسجد به مقدار خاشاکی که در چشم می‌رود، گرد و غبار بیرون ببرد، خدای عز و جل رحمتش را دو برابر به او عطا می‌فرماید»^۱.

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۳۸.

جدول ۲: شایستگی‌های فعالان و کارگزاران

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شایستگی‌های فعالان و کارگزاران (هیئت امناء، خادم، بنسج، کانون، داوطلبان، ...)	بین فردی- گروهی	الفت و محبت
		وجهه یا اعتبار محلی
		همبستگی، برادری و انسجام
		احترام و اعتماد متقابل
	فردی	صداقت و وفای به عهد
		نیت خدمت‌گزاری: ترجیح نیازهای دیگران، نیت خدمت به خانه خدا
		امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری
		سعه صدر و مدارا
		تلاش و پشتکار در مسجد
		مهارت و دانش
		شجاعت
		تواضع
		التزام عملی به دین
		جوان بودن
	اجتماعی- ارتباطی	ارتباط مردمی: ارتباط احسن با مردم محله
		ارتباط سازمانی: ارتباط با اصناف، نهادها، دستگاه‌ها و سازمان‌ها

شایستگی‌های جماعت (مأمومین یا نمازگزاران)

شایستگی‌های جماعت در ابتدای الگو و در بخش ورودی‌های سیستم، در جایگاه منابع و سرمایه انسانی مسجد مدنظر قرار می‌گیرد. در نتیجه شایستگی‌هایی که برای جماعت در این ناحیه ذکر شده در چند مؤلفه

قابل تقسیم‌بندی است:

- سرمایه اخلاقی و ایمانی؛
- علم و آگاهی به آداب حضور؛
- رعایت آداب حضور انسانی اجتماعی.

گام اول: سرمایه اخلاقی-ایمانی به عنوان ظرفیت معنوی آنها و به عنوان اولین مؤلفه شایستگی جماعت در نظر گرفته شده است.

گام دوم: شایستگی هنجاری و ارزشی این افراد در قالب آشنایی به آداب حضور و رعایت آداب حضور در مسجد تجلی می‌کند.

گام نهایی: ظرفیت و پتانسیلی مطرح می‌شود که این مجموعه انسانی برای فعالیت و عملیات در مسجد دارد و از آنجا که این مجموعه انسانی به عنوان یک مجموعه جامعه‌شناختی عمل می‌کنند، سرمایه انسانی-اجتماعی آنها اهمیت پیدا می‌کند. البته اگرچه سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی عناصر جداگانه‌ای هستند؛ ولی جهت ساده‌سازی الگو، در جدول مربوط ترکیب شده‌اند.

سرمایه ایمانی-اخلاقی

در مؤلفه سرمایه ایمانی-اخلاقی، از آن جهت که نمازگزاران مسجد در حقیقت، جمعی از مؤمنان هستند که برای عبادت پروردگار متعال گرد هم می‌آیند و با یکدیگر کنش و تعامل دارند، وجود خلق نیکو و الفت بین قلوب آنها به مثابه جمعی از مؤمنان اهمیت دارد؛ در آیه ۱۰۸ سوره توبه نیز به مردانی اشاره می‌شود که دوست دارند طاهر و پاکیزه شوند. بنابراین، قصد خودسازی و تهذیب نفس نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته مأمومین مسجد بر شمرده می‌شود.

شاخص دیگری که در این مؤلفه، مورد توجه است، قصد کسب ثواب و غفران الهی است. در احادیث نبوی ﷺ آمده است که در مسجد به هر کس، آن چیزی داده می‌شود که به قصد آن به مسجد آمده است. در حدیثی از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده است: هر کس به دلیل چیزی به مسجد آید، بهره او از مسجد همان است.^۱

در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ آمده است:

«أَلَا وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُعَوِّدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ

يُبَشِّرُونَهُ وَيُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ؛ همانا کسی که به قصد نماز جماعت به سوی مسجد گام بردارد به ازای هر گامی، هفتاد هزار حسنه به او داده شود و به همان میزان ترفیع یابد، اگر در این حال فوت کند، خدای عز و جل هفتاد هزار ملک را می گمارد تا او را در قبرش عیادت کنند و بشارت دهند و در تنهایی همدمش باشند و برایش استغفار کنند تا زمانی که برانگیخته شود.^۱

در نتیجه، قصد کسب فضیلت و ثواب از حضور در مسجد و انجام عبادات (به ویژه نماز جماعت)، از شاخص های یک جماعت شایسته در نظر گرفته شده است.

دو مؤلفه دیگر، «علم و آگاهی به آداب حضور» و «رعایت آداب حضور» است. فقه اسلامی به منظور حفظ قداست و حرمت خاص مساجد برای مسلمانان، وظایفی را لازم دانسته است و احکام و مقرراتی را وضع کرده است.

این دستورها در متون فقهی با عنوان احکام مسجد در سه محور «مستحبات»، «مکروهات» و «محرمات» از سوی فقه های اسلامی به طور مبسوط و مستدل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که قسمتی از آنها در باب کیفیت بنا و ساختمان مسجد، بخشی دیگر در باب آداب ورود به مسجد و بعضی درباره کارهایی است که باید در مسجد از آنها اجتناب کرد.^۲

علم و آگاهی به آداب حضور در مسجد

هر مکانی که به نام مسجد توسط مسلمانی بنا شود، مراعات حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن، مانند خراب کردن یا آلوده ساختن آن، گناه کبیره است؛ زیرا مسجد به آفریدگار نسبت دارد (و ان المساجد لله)^۳ و اهانت به آن، اهانت به خداست.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ وَقَرَ الْمَسْجِدَ مِنْ خُحَامَةٍ لَيْلِيَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَاحِبًا قَدْ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ إِنَّ الْمَسْجِدَ لَيَلْتَوِي عِنْدَ النُّحَامَةِ كَالْتَوَاءِ أَحَدِكُمْ بِالْخَيْزَرَانِ إِذَا وَقَعَ بِهِ؛ هر کس حرمت مسجد را حفظ کند (و به احترام آن از انداختن اخلاط در آن خودداری کند)، در روز قیامت با سرور و شادمانی در حالی که نامه اعمالش را در دست راستش دارد، خداوند متعال را ملاقات می کند و کسی که در مسجد خلط می اندازد مسجد (از نفرت) به خود می پیچد، همان طور که اگر کسی شما را با چوب خیزران بزند، از شدت درد به خود می پیچید».^۴

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷، ح ۴۹۶۸، باب ذکر جمل من مناهی النبی صلی الله علیه و آله.

۲. رضایی بیرجندی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.

۳. جن، آیه ۱۷.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۱۵.

بر این اساس باید هر مسلمان هنگامی که آهنگ رفتن به مسجد و قصد احرام و حضور در خانه خدا را می‌کند به اندازه توانایی‌اش در شناخت آداب حضور کوشا باشد؛ زیرا هر چه معرفت بیشتر باشد عمل، با ارزش‌تر و مراعات ادب، سبب تقرب بنده به خدا می‌شود.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) است: هرگاه به در مسجد رسیدی، بدان تو آهنگ سلطان بزرگ و ملکی عظیم کرده‌ای که بر بساطش جز پاکیزگان کسی پانهد و برای مجالست با او، جز به راستگویان و راست‌کرداران اجازه داده نشود؛ آنگاه که بر بساط او قدم نهی بدان که اگر اندک غفلی از تو سر بزند در خطری عظیم و پرتگاهی سهمگین قرار گرفته‌ای؛ پس در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر خود اعتراف کن؛ زیرا که قصد عبادت و انس با او کرده‌ای... و در حضور او بسان فقیرترین بندگان باش و قلبت را از آنچه تو را از او باز می‌دارد و به خود مشغول می‌کند خالی کن.... پس داخل مسجد شو که اذن و امان به تو داده است.^۱

آداب حضور در مسجد

آداب مستحب در مسجد

حضور در مسجد دارای آداب مستحبی است از جمله: زینت و آراستگی، خوشبو کردن خود، خضوع و خشوع، با وضو بودن، قرائت اذکار، گام نهادن با پای راست، خواندن نماز تحیت، رو به قبله نشستن. تمیز نگه داشتن مسجد و خاکروبی، از دیگر آدابی است که در روایات برای مسجد ذکر شده است و ثواب و فضیلت زیادی برای آن بیان شده است.^۲ آیه ۳۱ سوره اعراف می‌فرماید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ این جمله هم می‌تواند اشاره به زینت‌های جسمانی باشد و هم زینت‌های معنوی؛ یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص. در روایات آراستگی ظاهر، عطر زدن و لباس زیبا پوشیدن از جمله مصادیق زینت شمرده شده‌اند.^۳ مسئله‌های ۹۱۲ تا ۹۱۵ رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره) به آداب حضور در مسجد اشاره دارد؛ خوشبو بودن، لباس پاکیزه و قیمتی پوشیدن، زودتر از همه به مسجد آمدن و دیرتر از همه بیرون رفتن، خواندن نماز تحیت، صحبت نکردن در مورد کارهای دنیا از جمله این آداب است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸، ح ۲۱۵۵۵.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ۱۳۷۲.

۳. تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۲.

مکروهات مسجد

حضور در مسجد دارای آداب مکروهی نیز هست: خوردن مواد غذایی که بوی نامطبوع دارند، پرتاب کردن سنگریزه در مسجد، آب دهان انداختن در مسجد. از دیگر کارهای مکروه در مسجد اعلام اشیای گمشده در مسجد است. دادوستد در مسجد، خوابیدن در مسجد، محل عبور قرار دادن مسجد، اجرای حدود و سلاح کشیدن در مسجد نیز از جمله کارهای مکروه در مسجد است.^۱

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: در آخر الزمان مردمی یافت می‌شوند که در مساجد حضور یافته و تشکیل جلسه می‌دهند؛ آنگاه از دنیا و دوستی دنیا سخن می‌گویند. شما با چنین افرادی هم‌نشینی نکنید پس خدا هم کاری به آنها ندارد.^۲

امام صادق (ع) به یونس بن یعقوب فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُؤَقِّرِ الْمَسْجِدَ؛ ملعون است، ملعون است کسی که به مسجد احترام نگذارد».^۳

با آنکه گناه در همه جا نکوهیده و زشت است، اما در مسجد قبا حتی اهمیت دوچندان می‌یابد؛ پس مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری کند تا در آن مکان مقدس به گناه آلوده نشود...^۴ غصب مکان یک نمازگزار، تعطیلی و ویران کردن مساجد، بردن عین نجس در مسجد و نجس کردن مسجد، از امور حرام در مساجد تلقی می‌شوند.^۵

سرمایه انسانی، اجتماعی

آخرین مؤلفه بیان شده در این قسمت، سرمایه انسانی- اجتماعی مأمومین مسجد است. اعتماد به یکدیگر، مشارکت‌پذیری و روحیه کارهای جمعی، بخشنده‌گی مالی، اعتبار اجتماعی (شامل پایگاه اجتماعی و وجهه محلی یا اجتماعی) و سطح تحصیلات و مهارت یا دانش، شاخص‌های این مؤلفه را تشکیل می‌دهند. «پیر بورديو» جامعه‌شناس فرانسوی چهار نوع سرمایه (فیزیکی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی) را توصیف می‌کند.

۱. احکام مسجد، ۱۳۸۶، برای مطالعه بیشتر، ک: حدیث مسجد، شاکری و محمدی، مسجد در روایات و اخبار، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۴، ح ۱۴. «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ خَلْقًا ذُكِرَ هُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا تَجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ»

۳. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۱۳.

۴. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ۱۳۸۶.

۵. احکام مسجد، ۱۳۸۶.

- سرمایه فیزیکی^۱ ناظر بر پدیده‌هایی مانند ثروت، درآمد، مستغلات، اتومبیل و نظایر آن است.
- سرمایه انسانی^۲ به چیزهایی نظیر تحصیلات، معلومات، آموزش‌ها و مهارت‌های کاری اطلاق می‌شود که اگرچه سرمایه متعارف نیستند، اما قابلیت تبدیل به آن را دارند.
- سرمایه فرهنگی^۳ ناظر بر نوع پرورش فرهنگی فرد است و به چیزهایی نظیر، نگاه آینده‌نگر، انضباط شخصی، پرکاری، اهمیت قائل شدن برای تحصیلات و برنامه‌ریزی و بالاخره ارج نهادن به کسب دستاوردهای اقتصادی اطلاق می‌شود.
- سرمایه اجتماعی^۴ اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور و یا تعلق‌شان به یک گروه اجتماعی به آنها دسترسی می‌یابند. منابع نیز می‌توانند شامل، چیزهایی ملموس مانند پول، مسکن، شغل، حمایت اجتماعی و یا امکانات غیر ملموسی مثل اطلاعات مفید، مشاوره فکری و آرامش روحی باشند.

۱. Physical capital.

۲. Human capital.

۳. Cultural capital.

۴. Social capital.

جدول ۳: شایستگی‌های جماعت (مأمومین)

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شایستگی‌های جماعت (مأمومین)	سرمایه ایمانی - اخلاقی	خلق نیکو
		الفت بین قلوب
		قصد خودسازی: «یحیون ان یتطهروا»
		قصد کسب ثواب و مغفرت
	آشنایی با آداب حضور	آشنایی با فضیلت، جایگاه و تقدس مسجد
		آشنایی با احکام مسجد و آداب حضور
		آشنایی با احکام و آداب نماز جماعت
	رعایت آداب حضور	زینت (آراستگی، بوی خوش)
		ترک محرمات و مکروهات: مانند پرهیز از خدشه دار کردن حرمت مسجد یا ایجاد سرو صدا
		رعایت مستحبات: مانند با وضو بودن، خواندن دعای ورود، رو به قبله نشستن، پرداختن به تفکر و عبادت در غیر زمان نماز
	سرمایه انسانی - اجتماعی	اعتماد به یکدیگر
		مشارکت‌پذیری و روحیه کارهای جمعی
		بخشندگی مالی
		اعتبار اجتماعی: پایگاه اجتماعی و وجهه محلی یا اجتماعی (مانند جایگاه شغلی، میزان نفوذ، ارزش و منزلت اجتماعی فرد در محله)
		سطح تحصیلات، مهارت یا دانش خاص

مبحث پنجم: منابع سازمانی

در الگوی تعالی سازمانی، منابع به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱- منابع مالی؛ ۲- ساختمان، تجهیزات و مواد اولیه؛ ۳- فناوری؛ ۴- اطلاعات و دانش.^۱

منابع فیزیکی از منابع مهم یک سازمان است. در ذهن اغلب مردم، برجسته‌ترین مشخصه دارایی یک سازمان، ساختمان‌های آن است.^۲

یکی از شاخص‌هایی که در منابع مادی ذکر شده است، وجود بیت‌عالم یا مسکن برای امام مسجد است. بعضی امامان مساجد توانایی پرداخت هزینه مسکن در نزدیکی مسجد را ندارند. در نتیجه، مساجدی که دارای مسکن برای امام و خادماند، از یک امتیاز بالقوه نسبت به دیگر مساجد برخوردار هستند.

ابزارها و تجهیزات فناوریانه از دیگر شاخص‌های مؤلفه منابع مادی است. ابزارهای چندرسانه‌ای امکان می‌دهند که بر صفحه واحدی مانند صفحه رایانه، انتقال و بازبازی تلویزیون، تلفن، مدارک و اسناد، متن‌های نمودارها، مدارک صوتی، تصویرهای ساکن و متحرک اعم از باصدا و بی‌صدا به گونه‌ای منفرد یا در کنار هم فراهم شود. چند رسانه‌ای، فرآورده یا خدمتی است که در پرتو ترجمه به زبان انفورماتیک، داده‌هایی را که به طور معمول به شکل جداگانه مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند؛ مانند متن، صدا، ویدئو، عکس، تصویر و طرح با یکدیگر پیوند می‌دهند.^۳

مدیریت منابع مالی

در بحث «مدیریت منابع مالی»، مادرپی این هستیم که چگونه منابع مالی لازم برای اجرای برنامه‌های سازمان را تأمین کنیم. احداث و تعمیر مساجد و رونق‌بخشی به برنامه‌های آن نیاز به صرف هزینه و اعتبارات مالی خاص در هر زمینه دارد. منابعی که خداوند سبحان برای برطرف نمودن نیازهایی از این دست پیش‌بینی نموده است عبارت‌اند از: زکات، خمس، انفاق و وقف.^۴ از منابع مختلفی می‌توان هزینه‌های مسجد را تأمین نمود. کمک‌های (نقدی و غیرنقدی) مردمی، کسب درآمد از اجاره مایملک مسجد، کمک‌های ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و کمک‌های غیرمستقیم دولتی مانند تخفیف در نرخ هزینه انرژی و منابع مالی دینی مانند خمس و انفاق از موارد تأمین مالی هستند.

مقام معظم رهبری (عجله) بر مردمی بودن تأمین منابع مالی در مساجد و پرهیز از تبلیغات دولتی در این زمینه، تأکید ویژه‌ای دارند. ایشان می‌فرمایند:

۱. گرامی و نورعلیزاده، ۱۳۸۷.

۲. باباشاهی وحشمتی، ۱۳۸۰.

۳. محسنی، ۱۳۸۶.

۴. انجم‌شعاع، ۱۳۸۷.

دیگر اینکه مساجد و حسینیه‌ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه که عبارت بوده است از اینکه مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند. این سنت، بسیار سنت بابر کتی است. جوری نباشد که اگر شما یک صندوقی درست کردید یک جا، مردم بگویند خب، حالا که دیگر پول هست؛ الحمدالله دولت دارد می‌دهد ما دیگر چرا پول بدهیم؟ این نباید بشود.

جدول ۴: منابع

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
سنت	مادی	ساختمان و فضاهای اصلی: شبستان، حسینیه، وضوخانه، دفتر مسجد و...
		امکانات و تجهیزات: تاسیسات گرمایش و سرمایش، سیستم روشنایی و صوتی، قفسه، کفش داری، امکانات فرهنگی مانند کتابخانه
		تجهیزات فناوری و چند رسانه‌ای: رایانه، پروژکتور، وسایل صوتی - تصویری و...
		فضاهای جنبی: مانند صحن مسجد، سالن برپایی مراسم، پایگاه بسیج، فضاهای ورزشی یا فرهنگی، پارکینگ، درمانگاه، صندوق قرض الحسنه
		وجود مسکن برای امام و خادم مسجد: بیت عالم و خادم
	مالی	کمک‌های مردمی: کمک‌های مأمومین یا سایر افراد
		درآمدها: اجاره، موقوفه و...
		کمک‌های سازمانی: کمک‌های سازمان‌های دولتی، عمومی، غیردولتی یا خصوصی
		کمک‌های دولتی غیرمستقیم: معافیت در مالیات و عوارض یا تخفیف در نرخ هزینه‌های برق و آب و غیره
		منابع مالی دینی: مانند خمس، زکات و انفال
	اطلاعات	اطلاعات پیرامونی مسجد: شامل اطلاعات دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در سطح محلی، ملی و بین‌المللی از منابع مختلف مانند سازمان‌های محیطی و از مجرای مکاتبات، خبرنامه، اینترنت و غیره، اطلاعات از مشکلات مردم و محله
		اطلاعات درون سازمانی مسجد: اطلاعات شخصی، خانوادگی، اعتقادی، نگرشی و... از جماعت یا مأمومین مسجد و اطلاعات نتایج عملکرد مسجد، اطلاعات فضای کالبدی مسجد و امکانات آن

مبحث ششم: فرآیند اقدامات

حوزه فرآیند در الگوی تدوین شده مدیریت اثربخش مسجد، در این تحقیق که با عنوان اقدامات معرفی شده است شامل سه بخش است که به شرح این سه قسمت یا مؤلفه می‌پردازیم.

الف) مؤلفه حاکم کردن ارزش‌ها به عنوان فرهنگ حاکم

این اقدام در الگوی تحقیق شامل سه مرحله «شفاف‌سازی رسالت»، «اهداف و ارزش‌های مسجد»، «ابلاغ و تبیین آنها» به منظور همگانی ساختن ارزش‌ها و همسو ساختن همه اقدامات با این ارزش‌ها خواهد بود. در ادبیات تعالی سازمانی نیز قبل از ورود به بحث تعالی سازمانی، ارزش‌هایی برای آن ذکر شده است. اگر به ویژگی‌های یک سازمان متعالی، نگاهی اجمالی داشته باشیم، سازمانی را متعالی خواهیم دانست که به ارزش‌های پایه‌ای زیر، احترام گذاشته و بتواند در منحنی عمر سازمان، این اصول را رعایت کند: نتیجه‌گرایی، مشتری‌مداری، رهبری و ثبات در مقاصد، مدیریت بر مبنای واقعیت‌ها و فرآیندها، مشارکت و توسعه منابع انسانی، یادگیری، نوآوری و بهبود مستمر، توسعه شراکت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان.^۱

ب) وظایف عمومی (فرآیندهای مدیریتی و پشتیبانی)

فرآیندهای مدیریتی و پشتیبانی الگوی تحقیق با عنوان وظایف عمومی مدیریت تعریف شده‌اند. بررسی ادبیات مدیریت در حوزه وظایف و نقش‌های عمومی مدیریت نشان می‌دهد ابعاد و اجزای مختلفی برای این وظایف و نقش‌ها در نظر گرفته شده است. در این رابطه اهم دیدگاه‌های صاحب‌نظران مدیریت، در رابطه با وظایف، نقش‌ها و فعالیت‌های مدیریت عبارت است از:

- وظایف مدیریت از دیدگاه «فایول»: برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، هماهنگی، کنترل.
- وظایف مدیریت از دیدگاه «لوترگیولیک»: برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، کارمندیابی، هماهنگی، گزارش‌دهی، بودجه‌بندی.

نقش‌های مدیریت از دید «مینتزبرگ»:

۱. نقش‌های ارتباطی: رئیس تشریفات، رهبر، رابط؛
۲. نقش‌های اطلاعاتی: پایش‌گر، توزیع‌گر، سخنگو؛
۳. نقش‌های تصمیم‌گیری: کارآفرین، حلال مشکلات، تخصیص‌گر منابع، مذاکره‌گر.

فعّالیت‌های مدیریتی از دید «لوتانز»:

۱. فعّالیت‌های ارتباطی: تبادل اطلاعات، مکاتبات؛
۲. مدیریت سنتی: برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، کنترل؛
۳. مدیریت منابع انسانی: انگیزش، مدیریت مناقشات، کارگزینی، آموزش و توسعه؛
۴. شبکه‌سازی: تعامل با خارج سازمان، فعّالیت‌های سیاسی-اجتماعی.

نقش‌های مدیریت از دید «یوکی»:

- شبکه‌سازی، حمایت، تیم‌سازی، انگیزش، تشویق، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، حل مسائل، مشورت، مراقبت از عملیات، اطلاع‌رسانی، شفاف کردن اهداف.^۱
- رهبری: رهبری فراگرد تأثیرگذاری بر فعّالیت‌های یک فرد یا یک گروه در تلاش به منظور تحقق هدفی در یک وضعیّت معین است. در تعریف دیگر، رهبری عبارت است از عمل تأثیرگذاری بر افراد، به‌طوری که از روی میل و علاقه برای هدف‌های گروهی تلاش کنند.^۲
- توسعه منابع انسانی: توسعه منابع انسانی مسجد از جهات مختلف تأثیر قابل توجهی بر موفقیّت مسجد دارد. نکات مختلفی را در این زمینه می‌توان یادآور شد: توسعه منابع انسانی شامل برنامه‌ریزی و تلاش برای جذب نیروهای کارآمد، به کارگیری افراد از گروه‌های سنتی مختلف، به‌ویژه جوانان در حوزه مدیریت مسجد، استفاده از قابلیت‌های افراد و رعایت شایسته‌سالاری، شناسایی نیازها و خلأهای آموزشی فعّالان و کارگزاران مسجد، تشکیل گروه تیم‌های مختلف کاری، تلاش ویژه برای ثابت ماندن امام راتب مسجد و پرهیز از جابه‌جایی‌های مکرر امام مسجد و در نهایت، ایجاد انگیزه در منابع انسانی مسجد، به خصوص داوطلبان فعّالیت در مسجد است.
- برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی، راهبردی فرآیندی است در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش‌های آن برای نیل به اهداف و رسالت‌های بلندمدت. پرسش‌هایی از قبیل «برنامه‌های امروز سازمان چه هستند و برنامه‌های آتی چه باید باشند؟ امروز کجا هستیم و جهت‌گیری‌های آینده چه هستند؟ امکانات و منابع سازمان در آینده چه وضعیتی دارند و باید مصروف چه اهدافی شوند؟»، در برنامه‌ریزی راهبردی مطرح و پاسخ داده می‌شوند. در

۱. غفاریان، ۱۳۷۸.

۲. هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۵.

برنامه‌ریزی عملیاتی که شباهت بسیار به برنامه‌ریزی راهبردی دارد، هدف‌های عملیاتی به جای هدف‌های کلی قرار می‌گیرند و نحوه نیل به آنها در قالب یک سری عملیات ریز و قابل اجرا پیش‌بینی می‌شود.^۱

با توجه به تأکیدات فراوان، کسی نمی‌تواند در ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی از نظر اسلام تردیدی نماید. برنامه‌ریزی دارای فواید بسیاری است. از جمله آنکه مانع ندامت است. در این باره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: آینده‌نگری قبل از شروع کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌سازد.^۲

تصمیم‌گیری مشارکتی

در تعریفی بسیار ساده، تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف. همان‌طور که از این تعریف مستفاد می‌شود، کار اصلی تصمیم‌گیرنده دریافت راه‌های ممکن و نتایج ناشی از آنها و انتخاب اصلح از میان آنهاست و اگر وی بتواند این انتخاب را به نحوی درست و مطلوب انجام دهد، تصمیم‌های او مؤثر و سازنده خواهند بود.^۳

نکته اساسی در مسجد، توجه به اهمیت مشورت و استفاده از نظرات دیگران در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای آن است. یکی از بسترهای مهم در ایجاد ایده و ساختن تصمیمات، جلسات مدیریت مسجد است.

تقسیم کار

پس از مشخص شدن و دسته‌بندی کارها و فعالیت‌ها، شایسته است تقسیم کار صورت بگیرد و برای هر کدام حدود و اختیارات و مسئولی انتخاب شود.

امام علی (علیه السلام) در نامه‌اش به مالک اشتر چنین می‌فرماید: باید برای هر نوع کاری از کارهایت، یک رئیس انتخاب کنی؛ رئیسی که کارهای مهم وی را مغلوب نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند.^۴

۱. هماهنگی

هماهنگی فرآیند یکپارچه‌سازی اهداف و فعالیت‌های و وظیفه‌ای به منظور تأمین مؤثر هدف‌های سازمانی است.^۵ سازمان منسجم و هماهنگ، همانند بنیان مرصوص عمل می‌کند. قرآن کریم، مشخصه‌های

۱. الوانی، ۱۳۸۶.

۲. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۸.

۳. الوانی، ۱۳۸۶.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵. استونر و فریمن، ۱۹۹۲.

چنین سازمانی را این گونه بیان می کند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ؛ خداوند آنانی را که در راه خدا در صفی واحد و هماهنگ چون بنیانی استوار می جنگند، دوست دارد»^۱. آنچه از آموزه های دینی بر می آید این است که نیروهای یک سازمان منسجم باید همواره از تفرقه پرهیز کنند و اگر به عللی تفرقه ایجاد شد باید در جهت رفع آن و اصلاح وضعیّت بکوشند. امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه نیز از تفرقه نهی می نماید.^۲

۲. مدیریت ارتباطات

اولین مرحله از فرآیند ارتباطات، مربوط به فرستنده پیام است. یکی از عواملی که اعتبار فرستنده پیام را افزایش می دهد مهارت های علمی و دانش و تخصص اوست. به طور طبیعی، افراد برای کسانی که در حیطه کاری خود دارای تخصص و دانش لازم هستند، احترام و اعتبار ویژه ای قائل اند. قدرت بیان از دیگر عوامل تأثیرگذار است. به طور معمول، کسانی که در ارائه و پرورش موضوع و متقاعد کردن دیگران تبحر دارند، در ایجاد ارتباط مؤثر و مفید موفق ترند. نرم خویی و خوش اخلاقی دیگر ویژگی لازم برای فرستنده پیام است.

۳. نظارت و کنترل

این مبحث را می توان در مؤلفه های حاکم کردن ارزش ها به عنوان فرهنگ حاکم بر مسجد و تلاش برای همسو کردن اقدامات با ارزش های مسجد و مؤلفه مدیریت عملیات مشاهده نمود؛ چرا که پایش مستمر لازمه نهادینه سازی ارزش هاست. در مؤلفه مدیریت عملیات یا فرآیند، تمامی برنامه های مسجد مورد ارزیابی و بررسی قرار می گیرند و نقاط بهبود لازم شناسایی شده و اقدامات لازم برای اصلاح آنها اعمال می شود. البته لازم به ذکر است که کنترل آینده نگر نیز در طراحی برنامه ها و خدمات مسجد باید در نظر گرفته شود.

۴. تخصیص منابع و مدیریت مالی

مدیر، چگونگی به کارگیری منابع کمیاب سازمان را کنترل می کند. تخصیص بودجه، نیروی انسانی و امکانات ویژه از مصادیق ایفای نقش تخصیص گر منابع هستند.^۳ از شیوه های مختلفی می توان منابع مالی برای ساخت و اداره مساجد فراهم کرد. برخی از این شیوه ها بدین شرح است: بانیان خیر، کسبه محل و بازار، مردم منطقه، مؤسسات و کانون هایی که به ساخت مساجد کمک می کنند، ارگان های دولتی و نهادهای انقلابی، کارخانجات، وام، اجاره دادن واحدهای تجاری مسجد، نصب صندوق جمع آوری اعانات

۱. صف، آیه ۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، «إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ».

۳. غفاریان، ۱۳۷۸.

در مسجد و پخش صندوق صدقات در منازل و مغازه‌ها.^۱

ج) فرآیندهای اصلی

سازمان، به منظور پشتیبانی از استراتژی و خط‌مشی، خشنودسازی مخاطبان و ایجاد ارزش افزوده برای آنها و سایر ذی‌نفعان، چگونه باید فرآیندهایش را طراحی و مدیریت کند و آنها را بهبود دهد؟^۲

در بحث فرآیندهای اصلی که شامل عملیات سازمان نیز است، شناخت فرآیندهای کلیدی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. برای تشخیص فرآیندهای کلیدی، راه‌های مختلفی وجود دارد؛ از جمله مباحثه میان کارکنان سازمان، گفتگو با ذی‌نفعان اصلی سازمان و مراجعه به مشاوران بیرون از سازمان. ارزیابی فرآیندها نقش اساسی در اداره سازمان طبق نگاه فرآیندگرا دارد. در ارزیابی فرآیندها باید به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهیم: آیا فرآیندها به گونه‌ای نظام‌مند طراحی می‌شوند؟ آیا فرآیندها به منظور افزایش رضایت ذی‌نفعان بهبود می‌یابند؟ آیا خدمات بر اساس خواسته‌های ذی‌نفعان طراحی و ایجاد می‌شوند؟ آیا روابط با مخاطبان مدیریت و تقویت می‌شوند؟^۳

۱. بهبود مستمر

شاید بهبود مستمر، بهترین مفهوم برای هدایت مدیریت باشد. این مفهوم مستلزم یک دیدگاه سیستمی شامل قسمت‌های زیر است: طرح‌ریزی فرآیند و ورودی‌های آن، تأمین ورودی‌ها، اجرا کردن فرآیندها، ارزیابی خروجی‌ها، ارزیابی عملکرد فرآیندها، اصلاح فرآیندها و ورودی‌های آنها.

الگوبرداری نیز از ابزارهایی است که می‌تواند با صرف هزینه و وقت کم به ایده‌های جدید و کارساز دست یافت.^۴

۱. باباشاهی وحشمتی، ۱۳۸۰.

۲. اکلند، ۱۳۸۴.

۳. گرامی و نورعلیزاده، ۱۳۸۷.

۴. اکلند، ۱۳۸۴.

جدول ۵: اقدامات

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
اقدامات	تبیین مسجدها (حاکم کردن ارزش‌ها به عنوان فرهنگ حاکم بر مسجد)	شفاف‌سازی رسالت، اهداف، ارزش‌ها، تقدس و احکام شرعی مسجد در اسلام
		همگانی کردن رسالت، اهداف و ارزش‌های مسجد در اسلام: ابلاغ، تبیین و تفهیم
		ارزش‌ها به دست‌اندرکاران و جماعت مسجد، ایجاد درک صحیح از اهداف و ارزش‌های مسجد و انتظارات ارزشی عملکرد
		همسو کردن اقدامات با ارزش‌ها و احکام شرعی مسجد
	وظایف عمومی مدیریت (فرآیندهای پشتیبانی و مدیریت)	رهبری معنوی: ایفای نقش الگو توسط امام مسجد و خودمدیریتی ایشان، تعیین انتظارات عملکردی بالا، القای عظمت و بزرگی، ایجاد انسجام، قدردانی، احترام و ارزش قائل شدن، ارتباط خوب با دست‌اندرکاران و مخاطب، ایجاد اعتماد به نفس، حمایت از افراد، تحوّل‌گرایی، تشویق همکاری، پرورش دیگران
		توسعه منابع انسانی (به خصوص افراد داوطلب): جذب و به‌کارگیری منابع انسانی از سنین مختلف، جوان‌گرایی حتی در عضویت هیئت امناء، شایسته‌سالاری، ایجاد انگیزه، آموزش، ثبات امام مسجد، تیم‌سازی
		هماهنگی: درون واحدی و بین واحدی به‌طور مثال بین بسیج و امناء، احترام به نقش‌ها، هماهنگی برون‌سازمانی با سازمان‌ها یا مساجد دیگر
		تصمیم‌گیری مشارکتی و مدیریت جلسات: تصمیم‌گیری شفاف و مشارکتی (با حضور نمایندگان واحدها و داوطلبان)، رسمیت جلسات (زمان، صورت جلسه و...)، تداوم، حضور مداوم، پربازده بودن جلسات
		برنامه‌ریزی: سطح درگیری مدیریت در تدوین استراتژی (استراتژی تنوع، توسعه، رسوخ)، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت و تدوین برنامه‌های عملیاتی با توجه به چشم‌انداز کلان مساجد و منویات ولی فقیه
		تخصیص و توسعه منابع و مدیریت مالی: ثبات مالی، اولویت‌محور، شفافیت و رسمیت، حجم منابع، تلاش به منظور جذب کمک‌های مردمی یا ایجاد راه‌های کسب منابع، طهارت منابع مالی
		تقسیم کار و شرح نقش‌ها: تقسیم کار، توسعه واحدها یا کمیته‌ها، تشکیل شورای برنامه‌ریزی، تنظیم شرح وظایف فعالیت در مسجد، تشکیل هیئت مذهبی و کانون فرهنگی، دادن امکان تجربه به افراد
		نظارت و کنترل: نظارت و پایش فعالیت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت
		مدیریت و توسعه ارتباطات: کسب و توزیع اطلاعات مورد نیاز، مستندسازی، ایجاد ارتباط مؤثر با اهل مسجد و اهالی محله، مدیریت تعارض، آموزش روابط بین فردی، شبکه‌سازی، جلب مساعدت افراد و سازمان‌ها، ایفای نقش سخنگو، ارتباط با رسانه‌ها

مدیریت عملیات یا فرآیند (فرآیندهای اصلی)	اقدامات	الگوبرداری از مساجد موفق: استفاده از تجربیات مساجد موفق
		طراحی محتوای برنامه‌ها و خدمات بر اساس نیاز و انتظارات مخاطب: نظرسنجی و دریافت بازخورد از مخاطبان، توجه به انعطاف‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، طراحی خدمات جدید و متنوع و بهبود محتوای برنامه‌های کنونی، استفاده از هنر در طراحی برنامه‌ها
		بهبود فرآیندها یا نحوه ارائه برنامه‌ها و خدمات: زمان‌بندی برنامه‌ها و خدمات، بهبود هنری نحوه اجرای برنامه‌ها مبتنی بر خودارزیابی و بررسی نتایج عملکردی و برداشتی، حصول اطمینان از آموزش دست‌اندرکاران و دریافت گزارش عملکرد
		مدیریت ارتباط با مخاطب، اطلاع‌رسانی و دعوت از مخاطبان: تبلیغات و آگهی به شیوه‌های مختلفی مانند نصب تابلو، بنر و بیلبورد یا به صورت شبکه‌ای از طریق اینترنت و پیامک و روابط عمومی (اعلان عمومی یا انفرادی)، رسیدگی به انتقادات و شکایات، ارتباط فعال با مخاطب، راهنمایی مخاطبان در استفاده مسئولانه از خدمات، تشویق خانواده‌ها به حضور در مسجد
		الگوبرداری از سیره، سنت و کلام معصومان علیهم‌السلام در رابطه با مدیریت مسجد

۲. تنوع برنامه‌ها و خدمات:

طبیعی است که حضور چند دقیقه‌ای در مسجد و تنها برای ادای نماز، نمی‌تواند مسجد را در ابعاد گوناگون شکوفا کند. عمل پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه الگوی خوبی برای ماست. آن حضرت پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در مسجد می‌نشست و بخشی از این وقت را صرف پاسخ‌گویی به پرسش‌های مسلمانان می‌نمود.^۱ یکی از تفاوت‌های اصلی علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت در نگرش آنها به کارکردهای مسجد است. علمای شیعی معتقدند که مسجد در سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از کارکردهای مختلفی برخوردار بوده است؛ حتی نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسجد را به عنوان پایگاه و مقر حکومتی اسلام قرار دادند؛ یعنی یک ارتباط مستقیم بین مسجد و حکومت اسلامی برقرار کرد. در آن زمان، مسجد نقشی اساسی و چشم‌گیر در پیشبرد اهداف حکومت اسلامی داشت.

برنامه‌ها و خدمات مسجد به عنوان خروجی‌های الگو مطرح شده است. در جدول بعد، تنوع برنامه‌های مسجد به عنوان یکی از دو بعد اصلی برنامه‌ها و خدمات ارائه شده است. در تقسیم‌بندی ارائه شده، می‌توان برنامه‌های مسجد را به دو بخش اولیه نیایشی و غیر نیایشی تقسیم کرد.

جدول ۶: تنوع برنامه‌ها و خدمات

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
تنوع برنامه‌ها و خدمات	نیایشی	نمازهای جماعت: سه وعده نماز جماعت، نماز عید فطر و قربان
		ادعیه سالانه: شب‌های قدر، اعتکاف و ...
		ادعیه روزانه یا هفتگی: قرآن، دعای کمیل، توسل، ندبه، و ...
	تبلیغی - آیینی	وعظ و خطابه: بیان اخلاق، عرفان، موعظه، آگاه‌سازی و ترغیب دینی مانند بیان فضیلت عبادات و دعوت به انجام واجبات و مستحبات دینی، مقابله با تحریفات و خرافات دینی
		مراسم آیینی: جشن اعیاد مذهبی، سوگواری در شهادت ائمه علیهم‌السلام
	تربیتی (پرورشی)	آموزشی: آموزش احکام و اعتقادات، آموزش قرائت قرآن، جلسات تفسیر قرآن و نهج‌البلغه، جلسات پرسش و پاسخ، آموزش‌های غیردینی مانند کلاس‌های تقویتی، آموزش رفتارهای شهروندی یک مسلمان
		فرهنگی: تهیه مجله یا خبرنامه، مسابقات کتاب‌خوانی، برگزاری نمایشگاه، کنگره شهدا، طرح‌های تشویق کودکان و نوجوانان، سالن قرائت‌خانه و کتابخانه، فروش کتاب، تشویق کم‌سالان، تشویق نخبگان و دانش‌آموزان نمونه در محله، هدیه به افرادی که نامشان همنام اسامی متبرکه است
	اجتماعی	محلی: امر به معروف و نهی از منکر، عیادت، بازدید، حضور مسجیدیان در مراسم خانواده‌ها، حل مشکلات شخصی خانوادگی، رفع اختلافات، ارتباط با مردم محله و سازمان‌ها و نهادهای محلی، نظارت بر سازمان‌های محلی
		سیاسی: نظارت بر عملکرد سیاسی مسئولان کشور، آگاه‌سازی سیاسی در راستای حمایت از نظام اسلامی، حضور در نماز جمعه یا راهپیمایی، کمک در برگزاری انتخابات، برگزاری مناسبت‌های ملی - انقلابی، دعوت از مسئولان دولتی، بسیج همگانی مؤمنان
	خدماتی	خیریه: کمک‌های بلاعوض، قرض الحسنه، کاربایی
		اطعام و پذیرایی: نذورات، افطاری و پذیرایی
		خدمات سلامت (جسمی و روانی): اعزام متقاضیان به فعالیت‌های ورزشی و تفریحی، اردوهای زیارتی - سیاحتی، آموزش یا مشاوره روان‌شناسی به خانواده‌ها

۳. کیفیت برنامه‌ها و خدمات

کیفیت به صورت ساده به معنای تحقق و برآورده ساختن خواسته‌های واقعی مشتری است. دمینگ معتقد است؛ کیفیت باید نیازهای حال و آینده مصرف کننده را مورد هدف قرار دهد.^۱ «کیفیت خدمات» بر نظرات و عقاید مشتریان کنونی و مشتریان بالقوه تاثیر می‌گذارد. تحقیقات بازاریابی نشان داده است که به طور متوسط هر فرد ناراضی از کیفیت خدمات یک مؤسسه، می‌تواند نظرات منفی خود را به سه نفر دیگر القا کند. آبر اساس یکی از مطالعات انجام گرفته میزان سخنان ناخوشایندی که از کیفیت خدمات یک سازمان شنیده می‌شود، از نظر قدرت تخریب، شش برابر قوی تر از واژگانی است که درباره کیفیت مطلوب خدمات سازمان شنیده می‌شود. بنابراین، جبران و ترمیم ذهنیت مشتریان از کیفیت پایین خدمات یک سازمان بسیار دشوار و هزینه‌آور است.^۲

ابزار اندازه‌گیری کیفیت خدمات

یک ابزار مشهور و متداول برای اندازه‌گیری رضایت مشتری از کیفیت خدمات، پرسش‌نامه‌ای به نام «سروکوآل»^۳ است. پنج بُعد این ابزار عبارت است از:

۱. محسوسات (عوامل ظاهری و امکانات): وضعیت تسهیلات فیزیکی، تجهیزات، ظاهر کارکنان و وسایل ارتباطی به لحاظ ظاهری؛

۲. قابلیت اطمینان (اطمینان دادن): قابلیت انجام خدمات تعهد شده به شکل صحیح و قابل اطمینان و در همان زمان مقرر؛

۳. پاسخ‌گویی: تمایل جهت یاری رساندن به مشتریان و عرضه خدمات به آنان به صورت فوری؛

۴. تضمین (قابل اعتماد بودن): برخورداری از دانش و ادب و نزاکت کارکنان، توانایی آنان برای ایجاد اعتماد و اطمینان در حین ارائه خدمت و برقراری ارتباط مؤثر با مشتری؛

۵. همدلی: اهمیت دادن و بذل توجه به تک‌تک مشتریان و حساس بودن به نیازهای مشتری و تلاش برای درک آنها.^۴

۱. اکلند، ۱۳۸۴.

۲. Thorovitz, ۱۹۹۰.

۳. Smith, ۱۹۸۹.

۴. SERVQUAL.

۵. Parasuraman, ۱۹۸۵.

مؤلفه‌های کیفیت خدمات در مسجد

بر اساس ادبیات مسجد و با نگاه به مباحث مربوط به کیفیت خدمات در ادبیات مسجد، در بعد کیفیت برنامه‌ها و خدمات پنج مؤلفه دیده شده است.

یکی از نویسندگان، ویژگی‌ها و وظایف امام جماعت را این گونه برمی‌شمرد:

«عهده‌داری نماز جماعت، داشتن محبوبیت در بین مردم، برتری در علم و عمل، اخلاق و خویشتن‌داری، رعایت زمان، ایجاد نظم در صف‌ها، رعایت حال مردم در نماز، رعایت حد مجاز در ادامه رکوع، توقف بعد از نماز، دعا کردن برای عموم مردم، حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، مردم‌داری، احسان، خوش‌رویی، بردباری، بخشش و چشم‌پوشی، آسان‌گیری، رفق و مدارا، نادیده انگاشتن لغزش‌ها»^۱.
رعایت این نکات، تأثیر قابل توجهی در اثربخشی عملکرد و کیفیت برنامه‌های مسجد دارد. در طراحی الگوی کیفیت برنامه‌ها و خدمات مسجد سعی شده است این نکات مدنظر قرار بگیرند:

۱. تعامل و کنش با مخاطب

تعامل و کنش با مخاطب، اولین مؤلفه مربوط به نحوه تعامل و کنش با مخاطبان مسجد است. اولین شاخص آن، پاسخ‌گویی به مخاطبان و مراجعان مسجد است.

۲. معنویت و وجاهت ارزشی

شاخص دیگر، وجهه و شهرت معنوی امام مسجد و فعالان است. وجهه معنوی امام و فعالان مسجد از آن جهت اهمیت دارد که توحید عملی و فضایل و ارزش‌های الهی، اگر در عمل و رفتار آنها متجلی باشد، بهترین وسیله تربیتی محسوب می‌شود. گویاترین زبان در مقام ارشاد، تبلیغ و هدایت، زبان عمل است و نه کلام؛ «دو صد گفته، چون نیم کردار نیست». استاد گرانقدر آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: تربیت قبل از آنکه یک تئوری علمی باشد یک روش کاملاً عملی است.^۲

۳. مسئولیت‌پذیری محلی، اجتماعی

شاخص بعدی مسئولیت محلی-اجتماعی است. جدایی سازمان از محیط اجتماعی و مشغول شدن مدیران به اهداف سازمان و بی‌تفانی آنان به مسائل اجتماعی موجب گشوده شدن بحثی جدید در مدیریت

۱. ابوالقاسمی، ۱۳۸۷.

۲. نوبهار، ۱۳۷۲.

است که آن را مدیریت مسائل اجتماعی یا مسئولیت اجتماعی برای مدیران نامیده‌اند. سازمان‌ها باید این مسئولیت را حس کنند که مشکلات جامعه، بخشی از مشکلات آنان به شمار می‌آیند و باید نسبت به حلّ و فصل آنها همت گمارند.^۱ عاملی اساسی که در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد، رعایت حقوق همسایگان و پرهیز از تضییع حقوق آنان در قبال هم‌جواری با مسجد است. مواردی که طبق نظر شرع مقدّس اسلام از نظر مسئولیت محلی، کارگزاران مساجد ملزم به رعایت آن هستند، پرهیز از ایجاد مزاحمت صوتی برای همسایگان، پرهیز از آلوده کردن محیط محلی با زباله، پرهیز از ایجاد سدّ معبر و غیره است. تنها صدایی که مساجد مجازند از بلندگو (آن هم با شدّت معقول) در محلات شهر پخش نمایند، صدای اذان در وقت اذان است که شعار اسلام است.

در رابطه با شاخص پرهیز از رفتار حزبی در مسجد نیز باید گفت با توجه به تعریف اسلام از مسجد، مسجد نمی‌تواند پایگاه سیاسی یک حزب باشد. مسجد از یک سو به خدا و از سوی دیگر به مردم تعلق دارد. از این رو، نباید در زیر سیطره یک باند سیاسی قرار بگیرد.^۲

قابلیت اطمینان برگزاری نماز عبارت است از اطمینان به برگزار شدن منظم و بموقع نماز و اطمینان از رعایت اعتدال و کوتاه برگزار شدن نماز جماعت (به‌طور مثال، نداشتن نگرانی از تأخیر امام یا ایراد سخنرانی بین دو نماز) و رعایت آداب ظاهری آن. از ابوسعید نقل شده است: رسول خدا ﷺ در مسجد اعتکاف نموده بود که شنید مردم با صدای بلند قرآن می‌خوانند؛ آنگاه پوشش از چهره کنار زد و فرمود: بدانید که در راز و نیازتان با پروردگار هرگز نباید موجب آزار یکدیگر شوید و نیز در تلاوت قرآن (یا به قولی در خواندن نماز) صدایتان را نسبت به یکدیگر بلند نکنید.^۳ همچنین از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که هرگاه مؤذن بگوید: قد قامت الصلوة، جایز نیست نمازگزاران سخن بگویند.^۴

امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا ﷺ درباره صفوف نماز جماعت می‌فرماید: «سَوُّوْا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَحَادُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحْذُو عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ؛ صفوف خود را منظم کنید و کتف‌ها را موازی هم قرار دهید؛ مبدا شیطان بر شما چیره شود».^۵

این سخن، گویای این است که شیطان‌ها با مشاهده تفرقه و آشفتگی در صفوف مسلمانان، از به‌هم

۱. الوانی، ۱۳۸۶.

۲. رضایی بیرجندی، ۱۳۸۲.

۳. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۲۹، ج ۱۳۳۲؛ «اعتكف رسول الله في المسجد فسمعهم يجهرون بالقراءة فكشف السروقال الا ان كلکم مناج ربه فلا يوذین بعضکم بعضا ولا یرفع بعضکم علی بعض فی القراءة أوقال فی الصلاة».

۴. حدیث مسجد، ص ۳۰۶.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳.

ریختگی آنان امیدوار و خوشحال می‌شوند و مقدمات سلطه و چیرگی بر آنها را فراهم می‌آورند. در ادامه روایت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَأَمْسَحُوا بِمَنَائِكُمْ لِيَلَا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَلَا تَخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ؛ صف‌هایتان را منظم کنید و دوش‌ها را به هم متصل نمایید تا میان شما فاصله‌ای نباشد؛ نامنظم نایستید و گر نه خداوند دل‌هایتان را با هم ناهماهنگ خواهد نمود».^۱

این حدیث به این نکته روانی اشاره دارد که نظم و انضباط یک جمع، افزون بر آن که شیطان‌ها را ناامید و افسرده می‌کند، دل‌های مؤمنان را با یکدیگر مهربان و صمیمی می‌کند و به آنان رنگ وحدت و همدلی می‌بخشد.^۲

تأکید قرآن کریم بر حفظ زینت در مسجد و تأکید معصومان (علیهم‌السلام) بر حفظ نظم در صفوف نماز جماعت، حاکی از اهمیت حفظ ظاهر اعمال عبادی جمعی است. رعایت آداب نماز جماعت باعث ایجاد نظم و آرامش در محیط مسجد خواهد شد.

۴. عوامل ظاهری و محسوسات

مسجد که پایگاه مسلمانان است باید آراسته، زیبا و باجاذبه باشد.^۳

«سادگی مسجد» از توصیه‌های دین اسلام است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: هرگز قومی بدکردار نشد، مگر اینکه مساجدش را تزئین کرد.^۴ یکی از شاخص‌های طرح شده در این قسمت، محور بودن شبستان و محلّ عبادت در طراحي و معماری مسجد است. در طراحي کلی ساختمان مسجد، باید بهترین نقطه از زمین مربوطه، به شبستان مسجد اختصاص یابد.

مؤلفه بعدی کیفیت مجریان (سخنران، مؤذن، مداح و...) است. در انتخاب افراد برای اجرای برنامه‌ها، یکی از ویژگی‌های اصلی که مورد توجه قرار می‌گرفت، دانستن قرآن و آشنایی با احکام و معارف دینی بود.

۵. دسترسی آسان به برنامه‌ها

قرار گرفتن مسجد در مرکز محلّه و در نتیجه نزدیکی نسبی بیشتر همه منازل به مسجد از امتیازات یک مسجد است. تداوم در برگزاری ادعیه و فعالیت‌های غیرنیایشی و فرهنگی و مقطعی نبودن آنها از شاخص‌های این مؤلفه است.

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «اگر خانه از مسجد دور باشد، به طوری که در آن صدای اذان و اقامه

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۲.

۲. نوبهار، ۱۳۷۶.

۳. تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۳.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷۴۱، «ما ساء عمل قوم قط الا زخرفوا مساجدهم».

شنیده نشود، شوم و نامبارک است»^۱.

شاخص دیگر در مؤلفه در دسترس بودن، خدمات اینترنتی یا شبکه‌ای است. با توجه به پیشرفت‌های فناوریانه اخیر، یکی از حوزه‌هایی که مساجد باید وارد شوند، ورود به فضای مجازی است. یکی از مشکلات جدی در فضای مجازی کشور کمبود شدید و مشهود اطلاعات و محتواهای دیجیتالی است که با زبان فارسی در اختیار کاربران قرار گیرد.

نشریه دیواری مسجد را نیز می‌توان به صورت مجازی منتشر نمود. تشکیل گروه‌های خبری، راه‌اندازی کتابخانه دیجیتالی مسجد، برگزاری کلاس‌های آموزشی، ایجاد سایت مشاوره و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات شرعی، ارسال محتوا و پیام به تلفن همراه و پست الکترونیکی از جمله اقداماتی است که مساجد می‌توانند در فضای مجازی انجام دهند.^۲

جدول ۷: کیفیت برنامه‌ها و خدمات

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
کیفیت برنامه‌ها و خدمات	محتوا	برخورد مؤدبانه، محترمانه و نیکو
		همدلی: توجه به تنوع مخاطبان و مشکلات، نیازها و علایق آنها و رسیدگی به مشکلات آنها
		ارزش محوری و شرع محوری: رعایت ارزش‌های دینی و احکام شرعی مسجد در برخوردها
		پاسخ‌گویی (با علاقه) و رسیدگی به انتقادات
		وجهه یا شهرت معنوی امام مسجد و دست‌اندرکاران
		مسئولیت محلی: رعایت حقوق همسایگان
		رفتار فعال سیاسی و بی‌طرفانه از نظر حزبی و قومی: رفتار فعال سیاسی مبتنی بر رهنمودهای ولی فقیه در راستای حمایت از نظام اسلامی به شرط عدم معرّفی و تبلیغ علنی به نفع یک حزب یا کاندیدای خاص
		تعقل‌گرایی و پرهیز از خرافات و عوام‌زدگی
		وجود آرامش و امنیت روانی: عدم وجود سرو صدا و قیل و قال و نبود جدل و درگیری بین افراد و حفظ آرامش عبادی فضای مسجد

۱. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۸۸، ح ۴۰.

۲. موظف رستمی، ۱۳۸۹.

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
کیفیت برنامه‌ها و خدمات	اطمینان برگزاری نماز (و برخی ادعیه)	تداوم در برگزاری نمازهای جماعت: بدون تعطیلی و به پیش‌نمازی امام مسجد در نمازهای پنج‌گانه
		بموقع بودن (بدون تاخیر)
		نظم و آداب ظاهری: مانند صحت قرائت امام، نظم در صفوف، قرائت آهسته مأمومین
		اختصار و اعتدال در سرعت
		احساس وجود جذابیت معنوی در نماز امام مسجد و قرائت دل‌نشین آن
	کیفیت عوامل ظاهری و محسوسات	بهداشت، نظافت و مرتب بودن
		آراستگی ظاهر امام مسجد و دست‌اندرکاران
		خوش‌بو و معطر بودن فضا
		سادگی، جذابیت و زیباشناختی معماری: عدم استفاده از تجمّلات در عین بهره‌گیری از معماری ایرانی - اسلامی
		وجود امکانات و تجهیزات: تاسیسات گرمایش و سرمایش، سیستم روشنایی و صوتی، قفسه، کفش‌داری
		مساحت کافی ساختمان و فضاهای اصلی و جنبی (داشتن گنجایش لازم برای آقایان و خانم‌ها)
		محور بودن شبستان و محلّ عبادت در طراحی و معماری مسجد
		رعایت احکام شرع در ساختمان و فضای مسجد مانند عدم نصب تصویر در مسجد
		فناوری به‌روز: رایانه، پروژکتور و ...
	کیفیت مجریان (سخنران، مداح، مؤذن، مکتب و ...)	دانش یا مهارت مرتبط
		شهرت علمی یا اخلاقی
		صدای خوش (مؤذن، مداح و مکتب)
		تعداد یا تنوع مجریان (به کارگیری افراد مختلف)

کیفیت برنامه‌ها و خدمات	در دسترس بودن	مکان مسجد: قرار داشتن مسجد در مرکزیت محله یا در یک فاصله نزدیک
		ساعات باز بودن درب مسجد
		تداوم در برگزاری قرائت قرآن و ادعیه
		تداوم در برگزاری فعالیت‌های غیرنیایشی: فرهنگی، آموزشی و ...
		خدمات اینترنتی یا شبکه‌ای: سایت و وبلاگ، ارسال پیام‌های دینی اخلاقی از طریق پیامک

د) جذب حداکثری و آثار آن

اصطلاح جذب حداکثری از بیانات مقام معظم رهبری «ام‌طه» اقتباس شده است. در الگوی تدوین شده، جذب حداکثری در دو عامل رشد حضور و وفاداری دیده شده است.

■ **رشد حضور:** به افزایش حضور مراجعان و داوطلبان فعالیت در مسجد از نظر زمان و فراوانی دفعات حضور، آن هم از گروه‌های سنی مختلف به ویژه نوجوانان و جوانان به تفکیک جنسیت اشاره دارد.

■ **وفاداری:** به تمایل فرد به خرید مجدد یا مراجعه مجدد به شرکت یا سازمانی برای استفاده از محصولات یا خدمات آن اشاره دارد. وفاداری به دو نوع «نگرشی» و «رفتاری» تقسیم شده است. الف) وفاداری نگرشی؛ به علاقه فرد به محصولات یا خدمات یک سازمان و میزان معرفی و توصیه آن به دیگر افراد برای خرید مربوط است.

ب) وفاداری رفتاری؛ به حجم (میزان) خرید در هر بار و تعداد دفعات خرید اشاره دارد. کاووسی، معتقد است تأمین کیفیت محصولات و خدمات ابتدا باعث ایجاد رضایت در مصرف کنندگان آنها و در نهایت موجب وفاداری مصرف کنندگان خواهد شد.^۱

جذب حداکثری در مساجد

جذب و حضور حداکثری در مساجد از توصیه‌های دین اسلام است. همان طور که در رساله‌های مراجع تقلید در اهمیت نماز جماعت نوشته شده است، هر چه تعداد افراد در نماز جماعت به خصوص تا بیش از ده نفر افزایش یابد، فضیلت آن بالاتر می‌رود.

عوامل جذب جوانان به مسجد

عوامل اصلی جذب جوانان در چهار عامل کلی تر بیان شده‌اند:

۱. **امام جماعت:** امام جماعت باید دارای خصوصیات زیر باشد: ثابت بودن، توانایی علمی، نظم، بیان ساده و شیوا، خلاقیت، دوستی با جوانان و نوجوانان، احترام و تواضع، آراستگی ظاهری، توانایی جسمی، دارا بودن دانش لازم، درک موقعیت سنی جوانان.
۲. **مسجد:** فضای مناسب و ظاهر خوب آن، نظافت، وسایل صوتی، گرمای و سرمازا، ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی، استفاده از افراد خوش صدا، تصمیم‌گیری متمرکز.
۳. **هیئت امناء:** همکاری جدی، تقسیم کار، تأمین بودجه، توجیه جوانان و نوجوانان، اهتمام به مسئله جوانان، استفاده از تخصص‌های متفاوت.
۴. **سایر عوامل:** ترجمه و توضیح اذکار و دعاها، آشنا کردن جوانان به فلسفه اعمال عبادی، اخلاق و رفتار نمازگزاران، جذب از طریق دوستان، خادم، رفع مشکلات، تشویق و اعطای جایزه (برای حضور در مسجد)، برگزاری نمایش، نمایشگاه، اردو، مسابقات و ورزش از دیگر عوامل جذب جوانان و نوجوانان است.^۱ حضور شخصیت‌های موجه و محبوب جوانان در مسجد، بر خورد مناسب، بیان مباحث مورد نیاز جوانان و تشویق نیز از دیگر راهکارهای ارائه شده در جذب جوانان به مسجد است.^۲

جدول ۸: جذب حداکثری

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
جذب حداکثری	رشد حضور	رشد تعداد حضور: حضور گروه‌های سنی مختلف از مراجعان و داوطلبان ^۳ فعالیت در مسجد شامل کودکان، نوجوانان، جوانان، میان سالان، پیران به تناسب و به تفکیک جنسیت و حضور اقشار مختلف اجتماعی شامل افرادی از سطح تحصیلات مختلف و طبقات مختلف اجتماعی و سلاقی مختلف
		رشد زمان حضور: مداومت بر حضور، مدت زمان حضور در هر بار مراجعه
	وفاداری (دست‌اندرکاران و مراجعان)	علاقه به حضور در برنامه‌های نیایشی یک مسجد
		میزان معرفی و توصیه یک مسجد به دیگران
		علاقه به حضور در برنامه‌های غیرنیایشی یک مسجد
		علاقه به انجام فعالیت داوطلبانه در مسجد
		عشق و علاقه به امام مسجد

۱. رضایی بیرجندی، ۱۳۸۲.

۲. محمّدی، ۱۳۸۳.

۳. منظور از داوطلبان افرادی است که به صورت داوطلبانه و رایگان به انجام امور مسجد می‌پردازند.

مبحث هفتم: تحوّل و تعالی مسجد

در این نوشتار، آثار تحوّل و تعالی مسجد در سه مؤلفه عاطفی - احساسی، شناختی - عقیدتی و رفتاری تعریف شده است:

مؤلفه احساسی عاطفی

احساسات یا مثبت‌اند یا منفی یا خنثی. احساسات مثبت، بیانگر حالات مساعد و خوشایند است و احساسات منفی بیانگر وضعیّت ناخوشایند، وضعیّت‌هایی که احساسات منفی را ایجاد می‌کنند، بیش از احساسات مثبت بر تفکر و انرژی فرد تأثیر می‌گذارند.^۱ امنیت و آرامش محیط درون مسجد از توصیه‌های دین اسلام است. قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ»^۲.

مؤلفه شناختی عقیدتی

مؤلفه بعدی، مؤلفه شناختی - عقیدتی است با سه شاخص^۱ - تحکیم عقاید و باورهای فردی و اجتماعی، ۲- حلّ سوالات و چالش‌های شناختی، ۳- افزایش آگاهی دینی و اجتماعی بیان شد. باورها چیزی بیش از علم و آگاهی هستند. در باور، تنها علم و آگاهی مطرح نیست، بلکه مرحله‌ای است که در جان آدمی رسوخ می‌کند و اعتقاد قلبی او را شکل می‌دهد. از انضمام دانش با گرایش، ایمان و باور حاصل می‌شود و قوام ایمان نیز به همین گرایش قلبی است.^۳

مؤلفه رفتاری

این مؤلفه دارای دو شاخص «رفتار فردی» و «رفتار اجتماعی» است. عناصری، مانند داشتن ظاهر دینی، پای‌بندی به دستورات دین، کاهش رفتارهای منفی و افزایش رفتارهای مثبت، پرهیز از سیئات و افزایش حسنات شاخص رفتار فردی است و عناصری چون معاشرت و مشارکت در فعالیت‌های دینی، کنترل اجتماعی (امربه معروف و نهی از منکر) و ایجاد اجتماع اخلاقی، تقویت بنیان خانواده، اصلاح رفتارهای فرهنگی، همبستگی و انسجام اجتماعی، ارتقای فرهنگ خیررسانی و یاری‌رسانی و ایثار، پرورش روحیه دفاع از مظلوم و عدالت‌خواهی، تقویت هویت انقلابی و استقلال فرهنگی، عناصر رفتار اجتماعی را شکل می‌دهند.

۱. قلی‌پور، ۱۳۸۶.

۲. بقره، آیه ۱۲۵.

۳. پیروز و همکاران، ۱۳۸۵.

جدول ۹: تحول و تعالی

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
تحوّل و تعالی	احساسی-عاطفی	احساسات مثبت: صبر، امید به زندگی و رضایت، نشاط، آرامش و احساس امنیت، احساس قدرت، لذّت معنوی
		برقراری روابط عاطفی پایدار: احساس تعلّق گروهی، نوع دوستی و مهرورزی، روحیه اخوّت و وحدت، ایجاد الفت بین اعضای خانواده‌ها و همسایه‌ها
		انس با مسجد: دلبستگی و وابستگی عاطفی به مسجد
		تقویّت عشق و ایمان به پروردگار متعال و معصومان (علیهم‌السلام)
	شناختی-عقیدتی	تحکیم عقاید و باورهای فردی و اجتماعی: معنای جدید برای زندگی، خوش بینی به جهان، تسلیم، توکل، ارزش‌های درونی شده، اعتماد به دیگران
		حلّ سوالات و چالش‌های شناختی
		افزایش آگاهی دینی و اجتماعی
	رفتاری	فردی: ظاهر دینی، پای بندی به دستورات دین، کاهش رفتارهای منفی و افزایش رفتارهای مثبت، پرهیز از سیئات و افزایش حسنات
		اجتماعی: معاشرت و مشارکت در فعالیت‌های دینی، کنترل اجتماعی (امربه معروف و نهی از منکر) و ایجاد اجتماع اخلاقی، تقویّت بنیان خانواده، اصلاح رفتارهای فرهنگی، همبستگی و انسجام اجتماعی، ارتقای فرهنگ خیررسانی و یاری رسانی و ایثار، پرورش روحیه دفاع از مظلوم و عدالت خواهی، تقویّت هویت انقلابی، استقلال فرهنگی

عناصر محیطی تأثیرگذار بر تعالی مسجد

الف) حوزه‌های علمی، سازمان‌های بالادستی و همکار و واحدهای محلی

عوامل محیطی متغیرهایی هستند که به طور عموم، خارج از حیطه سازمان (خارج از کنترل مدیران سازمان) شکل می‌گیرند و به صورت بالفعل یا بالقوه بر بخشی یا تمامی سازمان تأثیر گذارند. برای سازمان‌ها دو محیط تعریف شده است: محیط عمومی و محیط اختصاصی.

در کتاب احکام، مسجد ذیل آیه ۱۰۹ سوره توبه «أَفَسْ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ

مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارِيهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» چند نکته مهم مطرح شده که به شرح زیر است:

- ۱- نظارت بر مساجد، امری مطلوب و لازم است.
 - ۲- تقویت مساجد در جهت دستیابی به اهداف ارزشی امری ضروری است و منع از عملکرد و فعالیت‌های افراد فرصت طلب تحت عنوان مدیریت، لازم است. این مطلب از نوع پرسشی که در آیه به کار رفته است، استفاده می‌شود.
 - ۳- از مقایسه دو مسجد استفاده می‌شود که آنچه مساجد را از یکدیگر متمایز می‌کند، ذاتیت آنها نیست، بلکه به مدیریت، انگیزه‌ها و اهداف مدیران مساجد برمی‌گردد؛ پس مسئولان و اولیای امور در صورت احراز نیت شوم سازندگان، می‌توانند از همان مراحل اولیه، مانع ساخت چنین مسجدی شوند.
- همچنین، در کتاب احکام، مسجد در ذیل آیه ۱۱۴ سوره بقره «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نیز آمده است از عبارت «أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ» چنین آمده است:
- از این آیه این گونه استفاده می‌شود که مدیریت مساجد و فعالیت‌های درون مساجد باید به گونه‌ای باشد که هر فرد خائن به سهولت نتواند به این اجتماع ارزشمند رخنه کند و تحقق این امر هم جز در پرتوی نظارت مستمر و مدیریت منسجم امکان‌پذیر نیست و این مدیریت منسجم با مشارکت همه مؤمنان به ویژه اداره‌کنندگان مسجد؛ یعنی امام جماعت و متولیان و دیگر دست‌اندرکاران میسر خواهد شد و از همین نکته می‌توان به‌طور تلویحی، لزوم نظارت حکومت اسلامی بر فعالیت مساجد را استفاده کرد.
- موضوعی که باید در اینجا بدان پرداخت، «عزل و نصب ائمه جماعت» در جامعه اسلامی است. در اصل، عهده‌داری منصب امام جماعت به خودی خود منوط به اذن حاکم اسلامی نیست.
- مراجعه به متون فقهی تشیع و تسنن نشان می‌دهد که هیچ فقهی شرط عهده‌داری امامت مسجد را منصوب شدن از سوی حاکم نمی‌داند. بلکه شهید ثانی رحمته‌الله در رساله‌ای که پیرامون نماز جمعه نگاشته، تصریح کرده است که: «به اجماع مسلمانان، امامت نماز جماعت مشروط به اذن امام نیست»^۱.
- ولی این بدان معنا نیست که حاکم اسلامی حق مداخله در عزل و نصب ائمه جماعات مساجد را نداشته باشد. مقتضای ولایت عام حاکم اسلامی آن است که بتواند در این زمینه دخالت کند. البته اعمال ولایت در این زمینه الزامی نیست؛ چون امامت جماعت برخلاف امامت جمعه، منصب نیست. هرگاه مردم خود،

۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، رساله فی صلاة الجمعة، ص ۶۶.

امامی را برگزینند و به وی اقتدا کنند، کافی است و نیازی به نصب از سوی حاکم اسلامی نیست. مشروعیت دخالت حاکم اسلامی در زمینه نصب ائمه جماعات مساجد افزون بر آنکه مقتضای ادله ولایت عامه است توسط برخی فقها تصریح شده است.

ابوالصلاح حلبی (۳۴۷ - ۴۴۰ ق) در کتاب کافی می نویسد:

شایسته ترین فرد برای امامت نماز جماعت، امام امت یا کسی است که از طرف وی نصب شده باشد. قاضی ابن براج در کتاب مَهْدَب آورده است: «هرگاه کسی که امام او را [برای امامت جماعت] نصب کرده، حاضر باشد، کسی نمی تواند بر او پیشی بگیرد». نتیجه آنکه گرچه عهده داری امامت جماعت به خودی خود مشروع است و نیازی به نصب امام جماعت از سوی حاکم اسلامی نیست، ولی حاکم اسلامی چنانچه مصلحت بداند، می تواند در عزل و نصب امامان جماعت مداخله کند.^۱

مسجد دولتی یا دولت مسجدی؟

در رابطه با «دولتی شدن مساجد» نیز، در تحقیقی که توسط حجت الاسلام قدوسی و در سازمان تبلیغات اسلامی انجام شده است، ۹۷ درصد از خبرگان مشارکت کننده در تحقیق، با دولتی شدن کامل امور مساجد به شدت مخالف هستند. ۵۴/۵ درصد نیز با این رویکرد موافق اند که دولت فقط بسترهای لازم برای حضور بیشتر مردم را فراهم سازد.

در بُعد حوزه های علمیه، سازمان های بالادستی و همکار و واحدهای محلی به عنوان یکی از عناصر محیطی سه مؤلفه در نظر گرفته شد: روابط حمایتی، نظارتی، و توزیع اطلاعات. شاخص های روابط حمایتی عبارت اند از: مشاوره و آموزش، هدایت و جهت دهی راهبردی و عملیاتی، کمک و همکاری، میانجی گری و رفع مناقشات داخلی مسجد و ارزیابی و تشویق. روابط نظارتی شامل سه مؤلفه نظارت، مداخله مؤثر و ثبت رسمی است. مؤلفه سوم، یعنی توزیع اطلاعات، شامل شبکه سازی مجازی و تهیه پورتال مساجد و تبادل اطلاعات کاری بین سازمان ها و مساجد است.

جدول ۱۰: حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی و همکار و واحدهای محلی

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
روابط حوزه‌های علمیه، سازمان‌های بالادستی، سازمان‌های همکار و واحدهای محلی با مسجد (حوزه‌های علمیه، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد کانون‌های فرهنگی هنری، شهرداری و...)	روابط حمایتی (اختیاری و در صورت تمایل و موافقت مساجد)	مشاوره و آموزش: ارائه حمایت‌های آموزشی به مساجد، مشاوره و تسهیم تجربیات، راهنمایی جهت اداره هر چه بهتر مسجد، آموزش طلاب جهت تربیت ائمه جماعات
		هدایت و جهت‌دهی راهبردی و عملیاتی: شناسایی جهت‌گیری‌های مورد نیاز جامعه در برنامه‌های مساجد، تعریف چشم‌انداز، راهبردها و خط‌مشی‌های کلان مساجد، تعریف شرح وظایف امام مسجد و دست‌اندرکاران
		کمک و همکاری: کمک و رفع نیازهای همدیگر و همکاری در ارائه برنامه‌ها و خدمات مختلف، ارائه کمک‌های مالی و مادی و تامین ائمه جماعات برای مساجد در صورت درخواست آنها، حمایت از مساجد
		میانجی‌گری و رفع مناقشات داخلی مسجد: ایفای نقش سازمان‌های بالادستی به مثابه مرجع حل اختلاف بین امام، دست‌اندرکاران و جماعت مسجد در صورت مراجعه آنها
		ارزیابی و تشویق: ارزیابی و سنجش فعالیت‌ها و نتایج اقدامات مسجد و تعیین نقاط قوت و ضعف آنها، تشویق مساجد موفق، معرفی مساجد موفق در صداوسیما
	روابط نظارتی	نظارت: نظارت بر فعالیت‌های مساجد به دلایل مختلف از جمله پیش‌گیری از انجام فعالیت‌های خلاف شرع و قانون، یا ایجاد انحرافات دینی و اجتماعی و یا ورود افراد فاقد صلاحیت علمی-اخلاقی به حوزه اداره مسجد، پیشگیری از تبدیل مسجد به عنوان پایگاه تبلیغات سیاسی یک حزب سیاسی، نظارت بر موقوفه‌ها
		مداخله مؤثر: تذکر شفاهی یا کتبی، عزل یا نصب امام مسجد و امنا در صورت انجام اقدامات بند قبلی و یا ضعف شدید آنها در اداره مسجد که باعث نارضایتی مأمومین شده است
	توزیع اطلاعات (اختیاری)	شبکه‌سازی مجازی: ایجاد شبکه مجازی بین مساجد جهت انتقال اطلاعات و تجربیات بین آنها
		تبادل اطلاعات کاری بین سازمان‌ها و مساجد

ب) بافت محلی

بافت محلی از دیگر عناصر محیطی است که بر مسجد تأثیر گذار و از مسجد تأثیر پذیر است. محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی تشکیل می‌شود. خانواده‌ها نسبت به محله خود، همان احساس خانه مسکونی را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبه‌رو می‌بینند.

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد و مشارکت غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید.^۱ پنج مؤلفه برای بافت محلی در این تحقیق در نظر گرفته شده است؛ یعنی بافت اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و فناوری.

جدول ۱۱: بافت محلی

ابعاد	مؤلفه‌ها	توضیحات
بافت محلی	مذهبی	سطح دین‌داری و پای‌بندی به دستورات دینی یا ظواهر دینی، میزان مشارکت در مراسم، آیین‌ها و فعالیت‌های دینی
	فرهنگی	باورها، ارزش‌ها، هنجارها (عادات و آداب و رسوم قومی، قوانین)
	اجتماعی	پایگاه اجتماعی (سطح درآمد، تحصیلات و...)، سرمایه انسانی و اجتماعی بالا، میزان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی محله، فقدان یا پایین بودن سطح فقر، بیکاری، وجود انحرافات اجتماعی، اعتیاد و...
	سیاسی	گرایش‌ها، سلايق و تفکرات سیاسی مربوط به امور داخلی و بین‌المللی غالب در محله
	فناوری (تکنولوژیک)	میزان نفوذ اینترنت و وسایل ارتباطی پیشرفته مانند تلفن همراه جهت بررسی میزان نیاز به طراحی سایت مساجد و یا اطلاع‌رسانی از طریق پیامک

نتیجه‌سخن

مسجد همان‌طور که از نام آن پیداست، محلی برای سجده و عبادت در برابر پروردگار یکتاست. نگاهی به تاریخ گذشته به خصوص در صدر اسلام به ما نشان می‌دهد اگر چه رسالت اصلی مسجد، برگزاری آیین

۱. مظاهری، فروغ مسجد، ۱۳۸۵.

کرنش و نیایش و ارتباط عبادی انسان با خداوند متعال است، ولی هیچ‌گاه کارکرد مساجد فقط به اقامه نماز جماعت و انجام عبادات جمعی محدود نشده است. توصیه و تأکید دین بر انجام اعمال عبادی به صورت جمعی، نشان از اهمیت مزایای جنبی تشکیل اجتماع در بین مسلمانان دارد. در پرتو تشکیل این جماعات، امکان بهره‌برداری‌های مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و غیره برای عامه مردم به وجود می‌آید. تاریخ گواهی می‌دهد که در برهه‌هایی از مسجد، به عنوان مرکز تعلیم و تعلم معارف دینی و حتی علوم بشری، پایگاه اطلاع‌رسانی، مجلس شور و مشورت سیاسی - اجتماعی، ستاد فرماندهی و سامان‌دهی امور نظامی و محل رسیدگی به امور گوناگون مسلمانان بوده است. به عبارت دیگر، می‌توان چنین بیان کرد که هر زمان که مدیریت بهتری بر این نهاد دینی اعمال شده، از ظرفیت‌ها و کارکردهای بالقوه آن، بهره‌برداری بیشتری شده است. همان‌طور که در تعریف واژه مدیریت، آن را امکان بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌ها دانسته‌اند، هر چه بخواهیم مسجد به عنوان یک نهاد داوطلبانه، مردمی، غیرانتفاعی و مذهبی در تحقق کارکردهای مختلف اجتماعی - دینی خود، موفق‌تر و اثربخش‌تر باشد، نیاز به مدیریتی توانمند و اثربخش بیشتر احساس می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. شیخ الطوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۲. نوری، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، رساله فی صلاة الجمعة، قم، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱ هـ. ق.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات دارالتراث، ۱۴۰۳۰ هـ. ق.
۵. ابوالقاسمی، محمدجواد، امام و مأموم در جلوه‌گاه حضور، تهران، نشر یاس کبود، چاپ دوم، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۶. آذربایجانی، مسعود، روان‌شناسی دین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۷. آزادارمکی و تقیو غیاثوند، احمد، جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۸. باباشاهی، علی و محمد رضا، حشمتی، راهنمای ساخت مسجد، تهران، مؤسسه عمران مساجد، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۹. پیروز، علی آقا و همکاران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۱۰. حسن‌زاده، علیرضا، مدیریت منابع اطلاعات، تهران، نشر مدیرفلاح، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۱۱. رابینز، استیفن پی، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه: دکتر علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۱۲. رضایی بیرجندی، علی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۳. رضاییان، علی، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۱۴. ستوده، هدایت‌الله، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، نشر ندای آریانا، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۱۵. سلطان‌زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران، نشر آگاه، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۱۶. سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۱۷. شاکری، سیدرضا و حیدر محمدی، حدیث مسجد، تهران، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۳۸۱ هـ. ش.
۱۸. شجاعی زند، علیرضا، مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱، ۱۳۸۴ هـ. ش.

۱۹. صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، نشر شب تاب، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲۰. عابدی، جعفری حسن و همکاران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی، فروغ مسجد ۴، تهران، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۱. غفاریان، وفا، شایستگی‌های مدیریتی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، دفتر نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۳. قلی‌پور، آرین، مدیریت رفتار سازمانی (رفتار فردی)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۴. کریم‌نیر، رابرت و آنجلو، کینیکی، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: علی اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، تهران، پیام پویا، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۵. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا، ۱۳۸۸ ه.ش.
۲۶. محسنی، منوچهر، بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۷. محمدی، محسن، مسجد، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۸. مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروغ مسجد (مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد)، تهران، مؤسسه فرهنگی ثقلین، شماره‌های ۲، ۳، ۴ و ۵، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۹. مرکز رسیدگی به امور مساجد، مدیریت مسجد، قم، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۰. موسوی الخمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
۳۱. ———، تحریر الوسیله، قم، نشر اسماعیلیان.
۳۲. موظف رستمی، محمد علی، آیین مسجد، تهران، نشر گویه، جلد اول، دوم و سوم، ۱۳۸۱ ه.ش.
۳۳. ———، روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و نماز جماعت، کرج، نشر پرهیب، ۱۳۸۷ ه.ش.
۳۴. ———، نقش فضای مجازی و سایر برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی مساجد، مدارس و مراکز فرهنگی، کرج، انتشارات پرهیب، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۵. نبوی، محمد، مدیریت اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ه.ش.
۳۶. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۲ ه.ش.
۳۷. ———، مسجد نمونه، تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۶ ه.ش.

۳۸. —، نقش نظام اسلامی در مدیریت مساجد و میزان اختیارات واقف در اداره امور مسجد، مجله میراث جاویدان، سال ۶، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۶ ه. ش.
۳۹. هرسی پال و کنث بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی: کاربرد منابع انسانی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵ ه. ش.

منابع لاتین

۴۰. Herman Robert & David Renz ۲۰۰۴. Doing things right: Effetiveness in local NPOs; A panel study, Public Administration Review, (۶)۶۴).
۴۱. Hudson Mike ۱۹۹۵. Managing without profit: The art of managing third sector organizations, London, Penguin Group.
۴۲. Kushner Roland and Peter Poole ۱۹۹۶. Exploring structure – effectiveness relationships in nonprofit arts organizations, Nonprofit Management & Leadership (۲).
۴۳. Mosque Excellence System Assessment Questionnaire ۲۰۰۸. Portal for Mosques in Singapore.

مسجد، محلی برای برنامه‌ریزی شهری در چشم‌انداز ۱۴۰۴

محمد کرمی و رهام جباری

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی، دولت‌مردان برای اداره بهتر جامعه و به دست آوردن دیدگاهی کلان و درازمدت برای کشور، سندی با نام چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور از ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ تهیه کردند. بر اساس این سند، کشور ایران در پایان این دوران در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... رتبه نخست منطقه خواهد بود و موقعیت ویژه‌ای در سطح بین‌الملل خواهد داشت. در این میان، ابزارها و روش‌های دست‌یابی به هدف‌های چشم‌انداز، از مهم‌ترین ضروریات به شمار می‌رود. برای دست‌یابی به هدف‌های سند، یکی از راه‌ها، طرح‌های توسعه است؛ از جمله طرح‌های توسعه شهری در مقیاس خرد، طرحی به نام «طرح‌های استراتژی توسعه شهری (CDS)» است که برای رسیدن به جامعه‌ای آرمانی، نقشه‌ای برای دیگر نهادها و بخش‌ها پیشنهاد می‌دهد. در ادامه مقاله به اهمیت مسجدها در این طرح‌ها می‌پردازیم و ایجاد کیفیت محیط شهری مطلوب و راه‌های دست‌یابی به آن را، با توجه به نقش مسجدها در راستای طرح‌های CDS در جامعه ایرانی و شهری، توضیح می‌دهیم.

واژگان کلیدی:

مسجد، سند چشم‌انداز، طرح‌های توسعه شهری، توسعه محله‌ای، مشارکت مردمی، CDS.

مسجد، عبادتگاه خاص مسلمانان است که قرآن، کتاب الهی، از زاویه‌های مختلفی به آن اشاره کرده است. مسجد، همواره از سوی شارع مقدس اسلام و جمع‌های مسلمانان مورد عنایت و توجه بوده است. بنابراین، به صراحت می‌توان گفت که مسجد، به عنوان کالبد و فضای عبادتگاه خاص مسلمانان اهمیت ویژه‌ای دارد.

در طول تاریخ ایران، همواره حاکمان و مردم به مسجد توجه کرده‌اند. در دوران حاضر، نه تنها از اهمیت آن با توجه به تنوع کاربری‌های شهری کاسته نشده است، بلکه با تجدیدنظر در روند کاربری آن در حکومت فعلی، تنها مکان عمومی مسلمانان (غیردولتی و غیرخصوصی)، با خصوصیت‌های خاص خود است. در ایران، به دلیل رشد جمعیت، گسترش شهرها و مهاجرت گسترده به خصوص از ۱۳۴۵ به بعد، رشد شهرهای کشور به حالت انفجاری و لجام‌گسیخته بوده است. بعد از پیدا کردن مشکل‌های موجود و راه‌حل آنها، مسئولان شهری برای اداره و کنترل بهتر شهر، طرح‌های توسعه شهری را راه‌حل مشکل‌ها دانستند. سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور، برای رسیدن به رتبه ممتاز در منطقه و جهان، هدف‌های متنوعی را در بندهای مختلفی ارائه کرده است.

شهر و شهرسازی ایران، همواره به مسجد توجه ویژه‌ای شده است و انسان‌های زیادی، شهرهای ایران را به دلیل وجود مسجدهای معروفشان می‌شناسند. طرح‌های توسعه شهری یا همان استراتژی توسعه شهری (CDS)، جدیدترین روش برنامه‌ریزی شهری در جهان است که برنامه‌ریزی در سطح خرد را مدنظر دارد. این طرح، برنامه‌ریزی از بالا به پایین را رد می‌کند. این نوع برنامه‌ریزی شهری، به جماعت کوچک و اجتماع‌های محله‌ای توجه ویژه‌ای دارد. در این برنامه‌ریزی، به صورت خلاصه، نظریه‌ها و عقیده مردم اجتماع‌های محلی، اساس طرح‌های شهری است. «برنامه‌ریزی با مردم و برای مردم» است. در جامعه‌های شهری ایرانی، به دلیل محدودیت «مکان‌های تجمع مردم»، مسجد تنها و مهم‌ترین مکان عینی تجمع مردم است. مسجد، می‌تواند محل تجمع مردم و اظهار نظر شهروندان در زمینه مسئله‌ها و مشکلات خود و جامعه باشد. در حال حاضر، مسجد، بهترین مکان برای اتحاد مردم شهرها است.

سند چشم‌انداز ۲۰ساله جمهوری اسلامی ایران

برنامه‌ریزی، فرآیندی است که از گذشته، تاریخی پرشکوه و طولانی داشته است. در گذشته بسیار دور، انسان‌ها نخستین حرکت‌های خود را با برنامه‌ریزی نیمه‌آگاهانه آغاز کردند و اکنون که جهان درگیر

مشکلات جامعه بشری است، اهمیت نقش برنامه و برنامه‌ریزی دوجندان شده است. بعد از انقلاب اسلامی و با توجه به آسیب‌های برجای مانده از گذشته، برای سرعت بخشیدن به خدمات‌رسانی به مردم، برنامه‌ها و طرح‌های فراوانی انجام شد. در سال ۱۳۸۴، مقام معظم رهبری «آم‌ظله»، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران را ابلاغ کردند. بندهای مختلف این سند با نظریه‌های کارشناسی و تخصصی و با دقتی خاص تهیه شد که به طور خلاصه از این قرار است:

۱. تأکید مسئولان بر تقویت نظام مردم‌سالاری دینی؛
 ۲. تقویت روحیه مشارکت‌جویی مردم و تشکلهای خودجوش آنها در مقاطع مختلف تحول‌های سیاسی-اجتماعی؛
 ۳. توسعه همه‌جانبه کشور با انسان‌محوری و تأکید بر جنبش فناوری؛
 ۴. تعامل با جهانیان و ارائه الگوی کاملی از کشور توسعه‌یافته اسلامی به جهانیان.
- با توجه به بندهای سند و هدف‌های جامع آن و لزوم توجه مسئولان به آن و آرزوی جامعه ایرانی برای دستیابی به سند، این نکته بسیار مهم است که همگان باید چشم‌انداز ۲۰ ساله را با دیدی آرمان‌نگر و جامع تأیید کنند. اکنون سؤالی که در اذهان مطرح می‌شود، این است که راه‌های رسیدن به همه هدف‌های برنامه چیست؟ مکانیزم‌ها و عمل‌هایی که باعث رسیدن به هدف می‌شود، چیست؟

مسجد و شهر

در طول زمان شکل‌گیری شهرها، عملکرد عنصرها و کاربری‌های اصلی بر بافت شهری تأثیر گذار بوده است و در بسیاری از موارد، به خصوص در بافت کهن شهری، بر نظام و کالبد شهر (جهت حرکت نظام‌ها، عملکرد و نقش فضاهای جانبی، بزرگی و کوچکی فضاها و سایر ویژگی‌ها)، تأثیر گذاشته است. در بافت سنتی شهرهای ما، مسجدها و مراکز مذهبی (مانند تکیه) نقشی اساسی در شکل‌دهی فضاها و سلسله‌مراتب شهر داشته‌اند. روند شکل‌گیری و تأثیر مسجد بر بافت و ساخت شهری و به طور متقابل تأثیر معماری و شهرسازی بر ساخت مسجد، در بافت همه شهرها قابل توجه است. چنین امری حتی در زندگی مادی و معنوی ساکنان محل تأثیر مستقیم داشته است. مسجدها به طور عمده در قسمت‌های کلیدی و پراز دحام ساخته شده‌اند و با توجه به قرارگیری آنها در سلسله‌مراتب شهری مهم هستند. در مجموع، مسجدها بر معماری و شهرسازی تأثیر گذاشته‌اند و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. در سلسله‌مراتب تقسیم‌های کالبدی شهر، مسجد جامع، نقش محوری دارد و مجموعه شهر را تحت پوشش قرار می‌دهد. مسجد جامع ضمن

هویت‌بخشیدن به شهر، تعریف شهر را کامل می‌کند. پس از مسجد جامع در سطح شهر، مسجد دیگری نیز وجود دارد که عملکردش در سطح محله است و مکانی ساده‌تر و کوچک‌تر است.

ساختار شبکه‌های دسترسی در بافت‌های قدیم شهری، خودبه‌خود و بدون طرح از پیش تعیین شده، به شکل تار عنکبوت توسعه یافته است. بازارهای شهر، محور اصلی و مرکز محله‌ها نقطه‌های کلیدی شهر هستند که راه‌های ارتباطی را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ به نحوی که همه دسترسی‌های شهر، به بازار و راه‌های دسترسی محله به میدانچه منتهی می‌گردد. در این ارتباط، مسجدهای مهم شهر (از جمله مسجد جامع و مسجدهای محله‌ای دیگر) به طور عمده کنار محورهای اصلی، مراکز، محله‌ها یا مفصل‌های شهری قرار گرفته‌اند.^۱

۱. ارتباط مسجد با سایر عملکردهای شهری

امروز، اوضاع به طور کامل دگرگون شده است و مسجدها به طور معمول به صورت منفک از سایر عملکردهای شهری در کنار معبری قرار گرفته‌اند و در مقایسه با سایر فعالیت‌ها، مرکزیت و تسلطی را القاء نمی‌کنند. پس از ظهور انقلاب اسلامی، مسجدها تا حدودی نقش اصلی خویش را در رابطه با سایر فعالیت‌های اجتماعی بازیافتند. گرچه طی مدت کوتاهی، قسمتی از فضای مسجدها، به محل صدور حواله انواع کالاها تبدیل شده بود؛ اما انجام بسیاری فعالیت‌های اجتماعی در آنها (از قبیل بسیج مستضعفان، کتابخانه، کلاس‌های درس، صندوق قرض الحسنه و...)، سبب شد تا مسجدها به سمت ایفای نقش خویش گام بردارند.

به دلیل اینکه بیشتر مسجدها، به‌ویژه مسجدهای احداث شده در دهه‌های گذشته، برای انجام فعالیت‌های اجتماعی طراحی نشده‌اند، به‌ندرت می‌توانند به صورت جامع، پاسخگوی نیازهای اجتماعی باشند. مسجدها فضای کمی دارند و ارتباط بین فضاها و فعالیت‌های مختلف آنها مناسب نیست؛ در نتیجه، باید در طراحی جدید به این نکته‌ها توجه کرد. نکته دیگر اینکه، مجموعه مسجد و اطراف آن باید به صورتی طراحی شود که نقش اصلی و محوری، به مسجد واگذار شود و سایر فعالیت‌ها با رعایت سلسله‌مراتب و هماهنگی، حول آن استقرار یابند.^۲

۲. مفهوم و تعریف برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی شهری، عبارت است از کوشش اندیشمندانه و نظام‌مند برای به‌کارگیری منابع و امکانات

۱. حقیقت، غلامرضا، نقش متقابل مساجد و شهر از دیدگاه شهرسازی، مجموعه مقالات همایش معماری مساجد.

۲. نقی‌زاده، محمد، مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی، مجموعه مقالات همایش معماری مساجد.

جامعه شهری، به بهترین وجه و با صرفه‌ترین صورت ممکن تا بتواند محیطی دلپذیر فراهم کند. برنامه‌ریزی شهری، فرآیندی پوینده و گویاست؛ به دلیل آنکه روابط انسانی، ویژگی‌های پویایی آن را تضمین می‌کند. در این نوع برنامه‌ریزی، با توجه به اقتصاد و عملکرد عوامل شهر، نحوه استفاده از اراضی شهر، محله‌بندی، مسکن، ترافیک، فضای سبز و غیره، بررسی می‌شود. هدف از این نوع برنامه‌ریزی، تأمین رفاه شهروندان، از طریق محیطی بهتر، مساعدتر، سالم‌تر و دلپذیرتر است. افلاطون نیز مکان شهری را چنین بیان کرده است: «شهر، جایی است که انسان‌ها برای نیل به عاقبتی شرافتمندانه به طور مشترک در آن زندگی می‌کنند». به طور کلی، برنامه‌ریزی شهری، مجموعه‌ای است از پیش‌بینی‌ها جهت رسیدن به نتیجه مطلوب. این نتیجه‌نهایی بر اساس هدفی اولیه تعیین می‌شود و در نهایت طرح توصیف‌کننده فرایندها و روش‌های مورد نیاز، برنامه‌ریزی می‌شود.

۳. معضل‌ها و مشکلات برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه شهری در ایران

الف) مشکلات نظری در طرح‌های توسعه شهری ایران
اقتباسی است از الگوی خطی بر پایه فرآیند سه‌گانه «شناخت، تحلیل و طرح» که بر خردگرایی و میانی منطقی نظریه کارکردگرایی استوار است. این الگوی نظری، محدودیت‌هایی دارد که نمی‌تواند شناختی همه‌جانبه و دقیق از کلیات حیات شهری و تحولات آن به دست دهد.

ب) مسئله‌ها و مشکلات مربوط به حوزه فراشهری (منطقه‌ای-ملّی)
نظام برنامه‌ریزی شهری با نظام حکومتی و حوزه فرادست خود، ارتباطی مستقیم دارد و نمی‌تواند مستقل از این نظام عمل کند. برخی چیزها در نظام شهری تأثیر می‌گذارد؛ مثل: رشد جمعیت، مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر و کلان‌شهرها، بحران‌های مالی و وجود ساختارهای چندگانه اقتصادی؛ بدون آنکه این نظام بتواند به تنهایی آنها را بررسی و تحلیل کند یا به تنهایی بتواند برای آنها تعیین تکلیف کند.

ج) مسئله‌ها و مشکلات نظام تهیّه و تدوین طرح
تجربه برنامه‌ریزی در جهان، به طور خاص در کشورهای سوسیالیستی، نشان داده است که یک پیش‌بینی درازمدت برای اجزای متنوع حیات اجتماعی کشور وجود ندارد.

۴. مسئله‌ها و مشکلات نظام اجرایی و مدیریتی طرح

طرح‌های توسعه شهری، با توجه به ماهیت آنها، فعالیت‌های با اهداف و وظایفی خاص هستند. تدوین و

اجرای طرح، به دو شکل انجام می‌شود؛ از یک سو، تهیه آن به عهده کارشناسان خارج از نظام اجرایی است و از سوی دیگر، اجرای طرح به عهده تشکیلات اداری و اجرایی است که اغلب با هدف‌های برنامه‌ریزی شده در طرح، همخوانی ندارد. همچنین، ضعف نهادهای اجرایی محلی و محدودیت اختیار و مسئولیت آنها در روند تهیه، تصویب و اجرای طرح، باعث رشد برنامه‌ریزی متمرکز و دستوری شده است. چنین روندی مانع همکاری نهادها و نیروهای محلی مؤثر در توسعه شهری می‌شود.

راهبرد توسعه شهری یا CDS (Strategy development city)

از زمان شکل‌گیری برنامه‌ریزی شهری به مفهوم امروزی آن، بیش از یک قرن می‌گذرد و در این مدت اصول روش‌های آن تغییرهای زیادی داشته است. این برنامه‌ها، متناسب با افزایش تجربه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران توسعه شهری و همگام با رشد و تغییرات جامعه‌های شهری، تغییر کرده‌اند. نگاهی به سابقه طرح‌های شهری و برنامه‌ریزی‌های گذشته نشان می‌دهد که طرح‌های جامع و تفصیلی و نیز طرح‌های ساختاری و راهبردی، هر یک تا مدت زیادی، شهرها را در گستره خویش قرار داده‌اند؛ ولی به مرور زمان از نقش و اهمیت آنها کاسته شده است و جای خود را به رویکردی نوین داده‌اند. یکی از این رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی‌های شهری، برنامه‌ریزی استراتژی توسعه شهری (CDS) است؛ رویکردی که بر مشارکت جمعی تأکید زیادی می‌کند.

برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه شهری، هم‌اکنون در خط رشد قرار گرفته است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده، بیشتر شهرهای جهان را در بر بگیرد و به استراتژی فراگیر جهانی تبدیل شود. راهبرد توسعه شهری، برنامه‌ای با ماهیت راهبردی است که هم‌زمان بر تهیه و اجرای سند تأکید می‌کند و تدوین آن بر پایه چشم‌اندازسازی مشارکتی است. مقصود، نوعی سند است که بانک جهانی، مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد و سازمان وابسته به آنها (یعنی ائتلاف شهرها) پیشنهاد می‌کنند و ترویج می‌دهند. این سند، وسیله‌ای است که در آن تکنیک‌های مشارکتی به کار گرفته شده است و هدف اصلی آن تأمین توسعه پایدار شهری با ایجاد ظرفیت اجتماعی برای چشم‌اندازسازی مشارکتی و اقدام همگانی است. مبحث فقر شهری و اتخاذ سیاست‌های حمایت از قشرهای فقیر و ارتقای وضعیت آنان، در این سند جایگاه ویژه‌ای دارد. این سند، برای آن تهیه شده است تا رشد شهرها متضمن عدالت اجتماعی نیز باشد که این امر از طریق همکاری و مشارکت افراد جامعه برای ارتقای کیفیت زندگی شهری میسر می‌شود. این سند، بر اساس چشم‌اندازی مشترک، برای ارتقای کیفیت مدیریت و اداره شهری، افزایش میزان سرمایه‌گذاری به منظور

بالا بردن نرخ اشتغال و کاهش منظم و پایدار فقر شهری تدوین می‌شود.^۱

راهبرد توسعه شهری این خصوصیت‌ها را دارد:

■ بیشتر فعالیت گراست تا کاربردگرا و با صراحتی بیشتر از برنامه‌های سنتی با تصمیم‌گیری و اجرای برنامه سر و کار دارد.

■ در این رهیافت، فرآیند برنامه‌ریزی و جرح و تعدیل سیاست‌گذاری‌ها، به دور از رهیافت‌های سنتی است که یک وضعیت نهایی را برای آینده دور در نظر می‌گرفتند.

■ در این رهیافت، چه در تهیه و چه در مراحل پیشبرد و اجرای طرح، بر مشارکت تأکید شده است.

■ برنامه‌ریزی، مبتنی بر رهیافت راهبردی، نرمش‌پذیری و توان تطابق با وضعیت ویژه.^۲

در این رهیافت برنامه‌ریزی با مردم، نه فقط برنامه‌ریزی برای مردم است. این نوع برنامه‌ریزی‌ها در واکنش به جدایی برنامه‌ریزی از مردم مطرح شده‌اند.^۳

توسعه محله‌ای چیست؟

توسعه محله‌ای، اولین و بهترین کوشش در همیاری همسایگان است که طی آن، اشخاص و گروه‌ها در فضای محله‌های کوچک به شناخت و حل مشکلات می‌پردازند. توسعه محله‌ای، تلاشی برای بسیج کردن منابع و دارایی‌های اجتماعی-اقتصادی است تا بتواند کاستی‌ها و مشکلات همسایگان (فرد یا گروهی از ساکنان) را حل کند و سطح رفاه محله را ارتقا دهد.^۴ در این چهارچوب، تلاش اصلی ساکنان محله، پیدا کردن راه حل برای موضوع‌های مهم محله است که عبارت‌اند از: رفع بیکاری، جلوگیری از گسترش جرم و بزهکاری، اصلاح بافت‌های فرسوده و ناپایدار، پر کردن اوقات فراغت فرزندان و سایر مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح محله. آموزش و ارتقاء توان فنی افراد، از عوامل مهم در توسعه محلی هستند. شوراهای کانون برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی هستند. برنامه‌ریزی برای مسئولان محلی، آنها را تجهیز می‌کند و چهارچوبی فراهم می‌کند تا توسعه پایدار محلی، شهری، منطقه‌ای و سرانجام ملی تحقق یابد. چنین رویکردی به تعامل اجتماعی افراد نیاز دارد. توسعه پایدار شهری از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح محلی امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا سطح محلی، با نیازهای ملموس و روزمره زندگی افراد سر و کار

۱. citiesalliance (n/d) cds discussion paper.

۲. دانش پور، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۴، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۹.

۳. توشلی محمود، استراتژی توسعه شهری زابل.

۴. NJPPI, ۲۰۰۷: P۲.

دارد. در چنین وضعیتی، ساکنان شهر، شورا را متعلق به خود می‌دانند و بر این تصور خواهند بود که بافت و کالبد شهر، مدیران شهر و نظایر آن، طبق خواسته‌های آنها انتخاب شده است.^۱

جایگاه مسجد در توسعه محله‌ای (CDS) و نقش آن در دست‌یابی به چشم‌انداز ۲۰ ساله

اکنون، به اختصار جایگاه مسجد را در رسیدن به طرح‌های توسعه شهری بررسی می‌کنیم که با توجه به سند چشم‌انداز، در چند زمینه بررسی می‌شود. زمینه‌های تحقق هدف‌های چشم‌انداز از طریق اجرای برنامه‌های CDS با نقش محوری مسجد در ادامه بیان می‌شود:

۱. مشارکت: مسجد، به طور معمول جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است و حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی را در افراد می‌دمد. پرورش این رفتار پسندیده در اشخاص، نوعی مبارزه با روحیه بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی است؛ یعنی روحیه‌ای که هر گاه در افراد جامعه، به ویژه نسل جوان، پیدا شود آسیب‌های اساسی بر امنیت آن جامعه وارد می‌شود. مشارکت، فرآیندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در انجام طرح‌ها و برنامه‌ها با هم به صورت فعال همکاری می‌کنند. تازه‌ترین زمینه مشارکت، مشارکت شهروندان در اداره شهرهاست. این مشارکت، یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان، از حالت فردی درآیند و به «شهروند» تبدیل شوند. به طور مکرر، در بندهای مختلف چشم‌انداز به مسئولیت‌پذیری افراد و مشارکت آنان در صحنه‌های مختلف جامعه تأکید شده است که نشانگر اهمیت موضوع در سند در این خصوص است. همه برنامه‌های کشور و پروژه‌های مملکتی، بدون مردم و مشارکت آنان شکست‌خورده محسوب می‌شود.

مسجد، همواره پایگاهی برای حضور افراد و شهروندان و مکان هم‌فکری به هنگام بروز مشکلات، جمع‌آوری نظریه‌ها و کمک به حل مشکلات بوده است. نمونه عینی آن، هنگام جنگ تحمیلی و مشارکت مردم در این زمانه است. در جمع‌بندی، باید خاطر نشان کرد که مسجد، به خصوص مسجد محله، بستر مناسبی برای ایجاد مشارکت در شهروندان است.

۲. نقش مسجد در امنیت اجتماعی: در مسجد دو گونه رفتار متجلی می‌شود که در تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی انسان‌ها بسیار مؤثر است. جلوه ظاهری مسجد، شامل رفتارها و روابط پسندیده دینی است؛ در حالی که در جلوه پنهانی مساجد، رفتارهای شخصیتی، غیر جمعی و کنترلی رخ می‌دهد.^۲ مسجد با برخورداری از کارکرد امنیتی دین، نقش به‌سزایی در مهار و از میان بردن آسیب‌های

۱. حاجی‌پور، خلیل، ص ۳۸، ۱۳۸۵.

۲. حجتی، ۸۹، ۹۰.

اجتماعی، به‌ویژه در سطح محله‌ای، ایفا می‌کند و بدین ترتیب، موجب برقراری امنیت در محله‌ها و شهرها می‌شود.^۱

۳. تقویت و توسعه نهادهای منتخب برای اداره شهر و محله از طریق در اختیار گرفتن منابع، درک و ایفای نقش و اداره مناسب محله‌ها.

۴. کمک به برنامه‌ریزی انسان‌محور، با توجه به نیازهای گروه‌های سنی، مذهبی و قومی و با موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، در جهت ایجاد توسعه محله‌ای و شهری.

۵. توجه به نقش مسجدها در آموزش (آموزش شهروندی) به عبارت دیگر، توجه به نقش مسجد در آموزش اجتماعی فرهنگ شهری و شهرنشینی برای زندگی بهتر.

۶. تقویت سرمایه‌های اجتماعی و انسانی دارای توانایی و مهارت زیاد در تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت خود در شهر.

۷. جلوگیری از کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی محله‌ها در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه و ارائه فرهنگ بومی و اصیل مردمی در پایان چشم‌انداز.

۸. انتخاب، انتصاب، حمایت و گزینش افراد اصلح بومی و مردمی برای تصدی مسئولیت‌های محله‌ای و کمک به رشد محله‌ها.

۹. توجه به نقش مسجدها در کمک به برنامه‌ریزی محله‌ای و شهری؛ مسجدها با اولویت‌بندی مشکل‌های موجود در محله‌ها، برنامه‌ریزان را از اولویت‌های اصلی مطلع می‌کنند.

۱۰. نقش مسجد در دگرگون‌کردن بافت‌های قدیمی و اصیل محله‌ها و رسم‌های آنها و ارائه معماری بومی و غیربیگانه و شهرسازی اسلامی به منطقه و جهان.

۱۱. زمینه‌سازی مشارکت بین نهادهای محله‌ای (هسته‌های مردمی) و مقامات محله‌ای با آسان کردن کار با مسجدها.

۱۲. کمک مسجد برای شناسایی بافت‌های مسئله‌دار و سعی در جلوگیری و اصلاح اجتماعی و کالبدی.

۱۳. کاستن از بار مسئولیت دولت برای برنامه‌ریزی شهری.

۱۴. تعیین کمیته‌ای در داخل مسجد، برای بازبینی و نظارت بر طرح‌های اجرایی در سطح محله.

۱۵. کمک مسجدها در افزایش مشارکت مردم با دولت و مشارکت دولت با مردم؛ نمونه چنین کاری در کشور اسلامی مالزی انجام می‌شود و با کمی دقت و تغییر، می‌تواند سرنوشت فعالیت‌های اجتماعی مسجدها باشد.

۱۶. کمک به شناسایی افراد آسیب‌پذیر جامعه و بازیابی هویت و پتانسیل آنها، همراه با صیانت از شخصیت افراد.

۱۷. ارائه خدمات چندجانبه مسجدهای محله و کار با نهادهای محله‌ای برای توسعه فراگیر جامعه؛ هیأت امنای مسجد، مسئولیت طرح‌ریزی توسعه مسجد، جمع‌آوری اعانه، اجرای طرح‌های توسعه، نگهداری و مدیریت امور مساجد را برعهده دارند. این امور را می‌توان در خصوص عنصرهای دیگر محله نیز انجام داد؛ از قبیل پارک محله‌ای. این الگو در سایر موضوع‌های مربوط به محله مصداق دارد؛ مانند انجام انتخابات مختلف، پروژه‌های عمرانی و....

پیشنهادهای

با توجه به وضعیت موجود، در این زمینه پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- اجرایی کردن طرح‌های مردمی و مشارکت جویانه طرح‌های توسعه شهری با CDS در نظام شهرسازی کشور.
- قرار گرفتن مسجدها در کانون مکانی طرح‌های CDS در ایران و استفاده از این کانون برای ایجاد مشارکت و برنامه‌ریزی در زمینه شهرسازی کشور.
- استفاده از رهبران، پیشوایان، امام‌های مسجدها و متولیان خوشنام در محله دارای روحیه‌ای مطلع، پویا و بدون تعصب برای تحقق هدف‌های چشم‌انداز از طریق برنامه‌ریزی محلات و CDS.
- سعی در ایجاد بانک اطلاعاتی در مورد خصوصیت‌های محله و منطقه شهری و کمک به دولت در زمینه‌های شناخت برای سرمایه‌گذاری و تسهیل در مکان‌یابی بهینه منابع در راستای افزایش بازدهی آن و تهیه نقشه اطلاعاتی مسجدها در شهرها.
- ظرفیت‌سازی مسجدها در طول برنامه چشم‌انداز در زمینه توسعه محلی.
- جهت‌دهی برنامه‌های مسجدها برای افزایش سرمایه اجتماعی محله‌ها و توانمندسازی افراد جامعه شهری.
- تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مسجدها، شهرها و محله‌های شهری.
- توسعه مکان‌ها و فضاهای قدسی با مشارکت مردم.
- توجه دولت به محله‌ها، برنامه‌ریزی در سطح پایین و تغییر نگرش از دیدگاه آمرانه به دیدگاه سازنده مشارکتی.

- ایجاد قوانین و تفویض اختیارهای لازم به متولیان مردمی در سطح محله‌ها.
- ایجاد مسجد در مرکز محله‌ها با تنوع کاربری‌های اطراف خود و متناسب با حریم مسجد برای قرار گرفتن در بطن امور مردم.
- مکان‌یابی درست مسجدها برای دریافت بیشترین بازدهی.
- استقرار نظام مدیریت انتخابی (شوراهای اسلامی شهر و محله)، غیرمتمرکز و محلی در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر طرح‌های توسعه شهری در شهرسازی کشور.

نتیجه‌گیری

شهرهای کشور و نظام شهرنشینی کنونی مشکل‌های زیادی دارد؛ زیرا طرح‌های توسعه، جوابگوی آن نیست. شهر و نظام شهرنشینی برای دست‌یابی به کشوری آباد و توسعه‌یافته ضروری است. در این بین، طرح‌های استراتژی توسعه شهری یا CDS از کامل‌ترین طرح‌هاست؛ زیرا واقع‌گرایانه‌تر است. در راستای سند چشم‌انداز، داشتن محیط شهر و نظام شهرنشینی سالم و توسعه‌یافته از اولویتهای پایه‌ای است. برای رسیدن به این هدف، اجرای طرح‌های CDS و مکان اجرای آن بسیار مهم است.

طرح‌های CDS برای رسیدن به نتیجه مطلوب، به مکانی عمومی نیاز دارد که در این بین، «مسجد» بهترین مکان است؛ زیرا در متحد کردن مردم، ماهیتی قدسی و معنوی و نیز سابقه‌ای دراز دارد. بنابراین، با انجام و ایجاد این طرح‌ها در طول برنامه ۲۰ ساله کشور و با رسیدن به محلات سالم و آباد و توسعه‌یافته که زمینه‌ساز شهرهای کامل و پایدار است، می‌توانیم به جامعه اسلامی کامل، توسعه‌یافته و پیشرفته برسیم و یکی از زمینه‌های تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور را با کمک مسجدها محقق کنیم.

منابع و مأخذ

۱. اسماعیل زاده، حسن، مجموعه مقالات برگزیده حقوق شهروندی، همایش حقوق شهروندی قوه قضائیه و معاونت اجتماعی شهرداری تهران، حقوق شهروندی و مشارکت در اداره امور شهر، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲. باقری، اشرف السادات، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای تهران، شهر و عدالت اجتماعی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۳. پهلوانی، عباس، مجموعه مقالات شهرسازی، توسعه محله‌ای در ایران، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش.
۴. عارفی، محمد، مجموعه مقالات شهرسازی، نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.
۵. کرمی، محمد، مجموعه مقالات شهرسازی، توسعه محله‌ای در ایران و ضرورت توجه به آن، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش.
۶. مهدی زاده، جواد، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای در ایران، تهران، ضرورت بازنگری در طرح‌های توسعه شهری، ۱۳۸۲ ه.ش.
۷. حقیقت نائینی، غلامرضا، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، نقش متقابل مساجد و شهر از دیدگاه شهرسازی، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ ه.ش.
۸. نقی زاده، محمد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ ه.ش.
۹. میرفندرسکی، محمدامین، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، مسجد به مثابه اندامی از شهر، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۰. صالح، حمید، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده (بیست و دو مقاله)، شهر و مسجد، تهران، تهیه و تنظیم: دبیرخانه همایش، چاپ اول (دو جلد)، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۱. حجّتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷ ه.ش.
۱۲. شیعه، دکتر اسماعیل، مبانی برنامه‌ریزی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.

۱۳. دانشور، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۲.
۱۴. حاجی‌پور، خلیل، فصلنامه هنرهای زیبا (فصلنامه هنرهای تجسمی، شهرسازی...)، شماره ۲۶، برنامه ریزی محله، مبنای فرهنگی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، تابستان ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۵. سجادی، سید مهدی، معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره ۶، مسجد و تعلیم و تربیت. قابل دسترسی در:
<http://library.tebyan.net>

استفاده از سایت‌های:

۱۶. www.parandehsfyd
۱۷. www.civlica.com
۱۸. www.sbu.ac.ir

مسجد مجازی، بایسته چشم انداز بیست ساله ایران اسلامی

یحیی جهانگیری سهروردی

چکیده

این نوشتار، با توجّه به نفوذ و گسترش روزافزون اینترنت، در راستای سند چشم انداز بیست ساله ایران اسلامی، در صدد تبیین اهمّیت راه اندازی «مسجد مجازی» با کمک و مدیریت مرکز رسیدگی به امور مساجد است. برای اثبات این اهمّیت، ابتدا به پیشینه جایگاه معابد و کلیسای مجازی، فزونی جایگاه دین در اینترنت، تبلیغ اسلام در دنیای مجازی اینترنتی پرداخته می شود و سپس مباحثی، مانند شبیخون نرم و فرهنگی دشمن و لزوم مقابله با آن، نظریه صدور انقلاب، جهانی شدن و مهدویت مورد بررسی قرار می گیرد. بر اساس نتایج این نوشتار، تحوّل و نوآوری به عنوان یک ضرورت ایران اسلامی، در زمینه مسجد باید تحقق یابد.

واژگان کلیدی:

مسجد مجازی، مسجد آنلاین، مسجد اینترنتی، سند چشم انداز، نوآوری.

مدتی است که رهبر معظم انقلاب علیه السلام بر ضرورت نوآوری، به دلیل اجتناب ناپذیر بودن تحولات در جوامع بشری^۱ تأکید دارند. بر این اساس، ایشان «مدیریت تحولات در کشور»^۲ را امری ضروری دانسته‌اند و فرمودند: «با توقف در گذشته و نفی نوآوری نمی‌توان به جایی رسید... بنابراین، تنها راه صحیح، بازگذاشتن راه نوآوری، آزادفکری و آزاداندیشی و مدیریت این راه تحول آفرین است».^۳ رهبر معظم انقلاب علیه السلام با نام گذاری سال ۱۳۸۷ به سال «نوآوری و شکوفایی»، بر ضرورت این مسئله در این برهه از ایران معاصر صّحّه گذاشتند.

مسجد، به عنوان رکن استوار انقلاب خمینی کبیر رحمته الله، باید در دایره نوآوری، جایگاه خود را مشخص و از این قافله عقب نماند. رهبر معظم علیه السلام فرموده است: «تحول، راز ماندگاری و تعالی بشر است».^۴ همچنین ایشان فرمودند: «کناره گیری از تحول، موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد».^۵ بنابراین، مساجد نیز باید در مسیر نوآوری و تحول پیشتاز باشند.

این مقاله با استناد به چند واقعیت دینی و اجتماعی، برای بهبود وضعیت موجود مساجد و خروج از رخوت، جذب انبوه جوانان، بهره گیری از رقبای فرهنگی مسجد در راستای مسجد، اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، این نوشتار ضمن بحث در مورد قرار دادن ابزارهای نوین فناوری در طول مسجد نه در عرض آن (رفیق مسجد نه رقیب)، پاسخ‌دهی به نیاز معنوی انسان مدرن، ضرورت هم‌گرایی و مدیریت تحولات جهانی و پرهیز از قرار گرفتن در انزواء، رساندن پیام انقلاب (صدور انقلاب) به جهان و دستیابی به جایگاه مورد نظر در سند چشم‌انداز، راهکار کاربردی را پیشنهاد می‌نماید.

مقاله با بررسی فرصت‌ها و تهدیدها در عرصه جهانی، به ویژه خاور میانه (به دلیل محوریت سند چشم‌انداز بر خاور میانه)، ضرورت اقدام به راه‌اندازی «مسجد مجازی» را گوشزد می‌نماید.

یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن، بر مکان و زمان فائق می‌آید و هر کسی می‌تواند از هر جایی از کره خاکی، در هر زمان به معبد مقصودش دست یابد. این در حالی است که مکان‌های مذهبی واقعی، فاقد چنین ویژگی هستند و استفاده از آن، نیازمند برنامه زمانی و مکانی خاص است. بنابراین، مسجد مجازی می‌تواند پاسخگوی نیازهای افراد در هر زمانی و مکانی، آن هم به انتخاب مخاطب نه خطیب، باشد.

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان، قابل دسترس در: www.leader.ir/langs.

۲. همان.

۳. همان.

۴. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان، قابل دسترس در: www.leader.ir.

langs

۵. همان.

مراد از مسجد مجازی در این مقاله، عبارت است از وجود همه ساز و کارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی، اعم از اینترنت و ...

پیشینه جایگاه معابد و کلیسای مجازی

در اوایل سال ۲۰۰۱، کلیسای ملی استرالیا در راستای جذب بیشتر مردم برای حضور در مراکز و محافل مذهبی، از ابزار نوظهوری به نام اینترنت بهره برد و افرادی که روزهای یکشنبه نمی توانستند به هر علتی در مراسم دعای کلیسا شرکت کنند، ساعتی از اینترنت به طور رایگان استفاده می کردند. چیزی نگذشت که کلیساهای پروتستان آمریکا نیز، به راه اندازی سایتهایی اقدام کردند که در آن به شکل همزمان افراد می توانستند با استفاده از اینترنت در دعاها و روز یکشنبه کلیسا شرکت کنند؛ بدون آنکه نیاز به طی کردن مسافت و حضور فیزیکی در کلیسا داشته باشند.^۱

اسقف کن کلسی، به عنوان یکی از نخستین کشیشان اینترنتی، در مصاحبه ای با آسوشیتدپرس در اوایل سال ۲۰۰۳ گفت: کلیسای اینترنتی، جامعه ای جدید و به عبارتی خلق سرزمینی جدید است. ما در کلیسای اینترنتی تمام کارهای جامعه دینی را انجام می دهیم، به طور مثال، عبادت های روزانه، خواندن کتاب مقدس، حضور کشیش برای گفت و گو و تسکین و حتی ثبت اعترافات گناهکاران در این جامعه الکترونیکی تحقق یافته است. چند ماه بعد ربکا سامرز، مسئول مرکز شورای کاتولیکی کانزاس سیتی نیز از راه اندازی جامعه اینترنتی ادیان خبر داد و گفت که آنها بودجه قابل توجهی برای این جامعه مجازی که به گسترش تعلیم مسیح و حفظ مسیحیان در جهان کمک خواهد کرد، اختصاص داده اند.

اکنون در جهان مسیحیت تعدادی کلیساهای مجازی وجود دارد که به شکلی گسترده و با مراجعان بسیار، نه تنها تمامی ویژگی های یک کلیسای واقعی را دارند، بلکه فعالیت و ارائه خدمات آنها از تنوع بیشتری برخوردار است.

دسترسی شبانه روزی به کشیش هایی که ساعت ها با مراجعان چت می کنند، موسیقی های مذهبی که در تمام ساعات قابل شنیدن است، استفاده از کتابخانه ها و مقالات و تحقیقات آکادمیک و علمی و همچنین شرکت در دعاها و دسته جمعی و خواندن کتاب مقدس از جمله متداول ترین امور کلیساهای اینترنتی است. این مسئله به فرقه های دیگری از مسیحیت و همچنین ادیان دیگر، به ویژه بودیسم سرایت کرد و آنها نیز

۱. ایلانو، مرگان، کلیساهای مجازی در جهان واقعی، ص ۴۱.

به راه‌اندازی چنین مراکزی اقدام کردند. جالب آنکه از این قافله، ادیان^۱ جدید نیز عقب نمانده‌اند.^۲ نگارنده لازم می‌داند که در این قسمت از بحث، به فاصله زیاد بین فعالیت‌های جدی دیگر ادیان و کندی تلاش مسلمانان در این زمینه در قالب یک آمار مقایسه‌ای اشاره نماید:

بر این اساس، برای یافتن تعداد معبد، کلیسا و مسجد مجازی از دو موتور مشهور جستجوگر اینترنتی^۳ بهره گرفته شد و واژگانی که در اینترنت به موضوع تحقیق در دو زبان فارسی و انگلیسی^۴ مربوط می‌شود، به کمک جستجوگرها بررسی گردید و نتیجه در قالب جدول زیر گزارش و مرتب شد. قبل از توجه به جدول آمار، لازم به تذکر چند نکته است:

این فاصله زیاد بین فعالیت ما مسلمانان در دنیای مجازی و دیگر ادیان، به‌ویژه مسیحیت، تنها در گستره زبانی فارسی و انگلیسی است. حال اگر زبان‌های دیگر مورد جستجو قرار گیرد، فاصله خیلی بیشتر خواهد بود. بی‌شک، باید به شگفتی فعالیت‌های آنان غبطه و بر رخوت خود در این عرصه حسرت خورد!

حسرت دیگر آنکه حتی اگر در کمیت مساوی می‌بودیم - که نیستیم - در کیفیت نیز قابل رقابت با آنها نیستیم. منظور اینکه حتی نمونه مسجد مجازی، با کم‌رتبه‌ترین کلیسای مجازی از لحاظ تولید، کیفیت عرضه، تنوع، مخاطب محوری، جذابیت‌ها و... قابل مقایسه نیست. مساجد مجازی، حتی در روز آمدن محتوا با کلیسای مجازی، فرسنگ‌ها فاصله دارد و این وظیفه متولیان مساجد را صدچندان می‌کند.^۵

۱. رک: ادیان جدید، دین هیونز گیت، از نگارنده، مجله هفت اقلیم، شماره ۱، ص ۹.

۲. مثل دو سایت www.virtualtemple.org و www.virtualtemple.net مربوط به معبد مجازی برای فرقه دینی نوپدیدی در غرب به نام «ISKCON».

۳. نظریه اینکه نتایج دیگر موتورهای جستجو هم به طور تقریبی نزدیک به یاهو و گوگل بود، از آوردن آنها خودداری شد. البته در قالب مقاله‌ای مستقل به این بحث خاص خواهیم پرداخت.

۴. نگارنده براساس مداخل، درد و زبان عربی و فرانسه نیز جستجو نمود؛ اما آنچه می‌توانست برای بحث مکفی باشد، در بالا آورده شد. به زودی مجموع جستجوهای چهار زبان عربی، انگلیسی، فارسی و فرانسه در قالب مقاله‌ای مستقل ارائه خواهد شد.

۵. برای نمونه ده مورد از آدرس سایت مساجد مجازی را ملاحظه به شرح زیر ملاحظه کنید:

www.virtualmosque.co.uk.

www.masjedonline.ir.

www.onlinemasjed.blogfa.com.

www.masjedinterneti.persianblog.ir.

www.virtualmosque.co.uk.

www.the-mosque.net.

www.mosque.com.

www.internetmosque.net.

نکته مهم دیگر اینکه، حتی بیشتر این مساجد مجازی نیز از تولیدات کشورهای عربی و سنی مذهب هستند و جایگاه مکتب غنی اهل بیت (علیهم السلام) در عرصه این عرضه به راستی مغفول مانده است.^۱

نظر به اینکه این مساجد مجازی گاهی توسط خود اشخاص حقیقی به صورت خودجوش و... راه اندازی شده است، به نظر می رسد که برای تولی^۲ این مساجد مجازی، مثل مساجد فیزیکی، باید مرکز رسیدگی به امور مساجد اقدام لازم را به عمل آورد و در موارد لازم، اصلاحات را گوشزد و در مواردی نیز از تشویق استفاده کند؛ زیرا به زعم نگارنده، این مرکز نه تنها متولی واقعی بیرونی مسجد است، بلکه متولی خودِ واژه «مسجد» نیز هست؛ حال این واژه در عالم عیان باشد یا در جهان مجازی باشد.

هر چند این نکته بر این نمودار زیاد مرتبط نیست؛ ولی باید قابل توجه متولیان مسجد، این مکان مقدس باشد که نگارنده با جستجو در دائرة المعارف ها و... مربوط به زبان انگلیسی، به این نتیجه رسید که معادل انگلیسی «مسجد» در رسم الخط لاتین «masjid» است، نه «masjed». دامنه جستجوی هر یک از این دو واژه در موتورهای جستجوگر، شاهدهی بر ادعا است. همچنان که در جدول می بینید، حتی برخی مواقع واژه masjed میزان نتیجه جستجویش صفر بوده است. در حالی که واژه masjid بیشتر از بیست هزار مورد را نشان می دهد. متأسفانه مترجمان، حتی برخی متولیان مسجد بدون توجه به این مطلب، آدرس سایت خود را با واژه

www.virtualmosque.co.uk.

www.masjedonline.ir.

سپس، سایت های فوق را با چند مورد از سایت کلیساهای مجازی زیر مقایسه کنید:

www.online-church.tv.

www.onlinechurch.com.

www.kelisaonline.com.

www.christforiran.com.

www.onlinekelisa.com.

www.internetchurchofchrist.org.

www.virtualchurch.org.

www.virtualchurch.com.

www.virtualchurchplantingexperience.com.

www.virtualchurch.us.

www.actionchurch.org.

www.thevirtualchurch.com.

۱. مثل: www.mosque.com و www.internetmosque.net.

۲. تولی [تَوَلَّى] به معنی «حکومت کردن» و «ولایت راندن» و «به خود گرفتن کاری» است.

masjed ساخته‌اند نه masjed^۱

واژه مورد جستجو	نتیجه جستجو در گوگل	نتیجه جستجو در یاهو
مسجد اینترنتی	۸۱ مورد	۶۶ مورد
کلیسای اینترنتی	۴/۹۸۰ مورد	۱۱۰ مورد
معبد اینترنتی	۱ مورد	۱ مورد
مسجد مجازی	۲۶ مورد	۱۳ مورد
کلیسای مجازی	۷۰ مورد	۱۷ مورد
معبد مجازی	۵	۶ مورد
مسجد آنلاین	۲ مورد	۰ مورد
کلیسای آنلاین	۱۷۰ مرد	۳۰ مورد
معبد آنلاین	۰ مورد	۰ مورد
online mosque	۳۱۱ مورد	۷۱۸ مورد
online church	۱۸۴/۰۰۰ مورد	۷۷۳/۰۰۰ مورد
online temple	۱۳/۸۰۰ مورد	۵۸/۶۰۰ مورد
virtual mosque	۱/۴۶۰ مورد	۳/۶۸۰ مورد
virtual church	۲۶/۵۰۰ مورد	۲۶۳/۰۰۰ مورد
virtual temple	۱۲/۳۰۰ مورد	۶۸/۰۰۰ مورد
Internet mosque	۳۰۳ مورد	۶۶۱ مورد
Internet church	۳۵/۰۰۰ مورد	۲۷۰/۰۰۰ مورد
Internet temple	۱/۳۶۰ مورد	۱/۵۶۰ مورد
Internet Mashed	۰ مورد	۰ مورد
Internet Masjed	۲۱/۸۰۰ مورد	۶۱ مورد
Online Masjed	۱ مورد	۲ مورد
Online Masjed	۵۵۹ مورد	۸۳ مورد
Virtual Masjed	۱ مورد	۱ مورد
Virtual Masjed	۱۳۶ مورد	۴۰ مورد

۱. مثل وبسایت مؤسسه مسجد به آدرس: www.masjed.com و وبسایت سازمان عمران مساجد به آدرس: www.omeranemasjed.com و یا تنها تارنمای وبلاگ مسجد به آدرس: www.masjedblog.ir و پایگاه خبری مساجد به آدرس: www.masjednews.com و یا وبلاگ خبری مساجد به آدرس: www.masjednews.blogfa.com.

نکته مهم اینکه واژگان، در طول زمان معانی متعددی به خود می گیرند؛ به حدی که گاهی در معنای دوم، حقیقی می شوند، نه مجازی. بی شک، با توجه به سرعت ساخت مساجد مجازی، در آینده استعمال واژه «مسجد» در این گونه از مساجد نیز حتی بدون قرینه، شایع خواهد بود. به نظر نگارنده بهتر است که مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، با اعلان رسمی تولی تمام معانی واژه مقدس مسجد، اعم از عالم عیان و دنیای مجازی، به بررسی و انجام موارد زیر اقدام فرماید:

۱. نظر به اینکه مسجد، یک واژه مقدس اسلامی است، ممکن است دشمنان با اهداف شوم خود، به اسم این واژه و با دامنه های متفاوت، سایت راه اندازی نمایند^۱ و به تبلیغ عقاید خود بپردازند؛ یعنی کاربری که از اسلام و مسجد چیزی ندیده و نشنیده، به اسم مسجد بودن آن اکتفا نماید و از آن استفاده کند؛ در حالی که محتوای آن به طور کامل ضد اسلام است. بنابراین، در یک اقدام سریع، باید همه مشتقات مسجد با انواع دامین ها، ضبط شده و در انحصار مرکز قرار گیرد؛ زیرا به نص قرآن، مساجد از آن خدایند.^۲ در آن باید نام خدا یاد شود؛ نه اینکه با اسم مقدس مسجد، فضای مجازی ساخته شود و با آن دین مسیحیت و... ترویج گردد.

۲. همچنان که مساجد فیزیکی را مردم ساخته اند، ولی مرکز حمایت و هدایت می کند، به نظر می رسد افراد خودجوشی که اقدام به تأسیس مسجد مجازی نموده اند، شناسائی و مورد حمایت و تشویق قرار گیرند.

۳. همان طوری که مساجد فیزیکی بدون نظارت در ساخت و ساز و مدیریت، از مطلوبیت کافی برخوردار نخواهد بود، مساجد مجازی نیز به نظارت و سامان دهی نیاز دارند و لازم است که بر محتوای تولیدات آنها نظارت گردد و این امر، در سایه آموزش محقق می گردد.

۴. به نظر می رسد مرکز رسیدگی به امور مساجد باید با ایجاد یک تارنمای وبلاگ نویسی مسجد، مثل «مسجد بلاگ» و... در این زمینه به تولید انبوه اقدام کند و خود این امر صد البته موجب روی آوردن ائمه جماعات مساجد و... به پژوهش و فعالیت در فضای مجازی می شود. در این راستا، آموزش فناوری های نوین، مانند نحوه استفاده از اینترنت و وبلاگ نویسی و... را برای ائمه جماعات می توان به طرق مختلف (به کمک جزوه و...) در دستور کار قرار داد.

۵. مرکز پایگاه خبری مسجد نیوز به تولی و نشر اخبار مساجد به زبان های مختلف بپردازد. با توجه به حضور هزاران ائمه جماعت در مساجد کشور، آنها می توانند خبرنگاران خوبی برای این پایگاه باشند؛ و این، ظرفیتی هست که نظیر آن را هیچ پایگاه خبری در جهان ندارد، پس چرا ما باید از این پتانسیل غافل باشیم؟! به علاوه، با این پایگاه خبری مسجد، دست اندر کاران و ائمه جماعات و... از آخرین اخبار مسجد باخبر می شوند.

۱. البته به زعم نگارنده، این اتفاق به وقوع پیوسته و توسط دشمنان اسلام و مسجد، برخی سواستفاده ها انجام گرفته است.

۲. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». جن، آیه ۱۸.

جایگاه اینترنت در دنیا

در این قسمت از بحث، برای تبیین اهمیت مسجد مجازی، در مورد جایگاه اینترنت در میان انسان معاصر، آماری ارائه می‌شود تا ناگزیر بودن از این مسئله به دقت مشخص گردد. عصری که در آن زندگی می‌کنیم، دانشمندان متعددی از آن با عنوان‌های مختلفی یاد می‌کنند؛ نظیر: «دهکده جهانی»^۱، «جامعه مدنی جهانی»^۲، «مدرنیته دوم»^۳، «جامعه شبکه‌ای»^۴، «جهان رهاشده»^۵، «جامعه ارتباطی»^۶ و «مدرنیته سیال»^۷. از کل ۶/۶۷۶/۱۲۰/۲۸۸ نفر جمعیت جهان، ۱/۴۰۷/۷۳۴/۹۲۰ نفر کاربر اینترنت هستند. طبق آخرین اطلاعات مربوط به تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۸ میلادی که سایت ^۸internet world stats به عنوان معتبرترین مرکز سنجش و نشر آمار ضریب نفوذ اینترنت ارائه داده است، شواهد حاکی از نفوذ بالای اینترنت در میان بشر امروزی و جمعیت خاورمیانه است. این فرآیند رو به رشد و بسیار سریع بزودی، آینده انسان را به طور کامل دیجیتالی می‌کند. در ضمن، از جمعیت ۱۹۷/۰۹۰/۴۴۳ نفری خاورمیانه نیز ۴۱/۹۳۹/۲۰۰ نفر را کاربران اینترنت تشکیل می‌دهد.^۹

برای درک بهتر سرعت نفوذ اینترنت در جهان به خصوص خاورمیانه، بهتر است به آمار ۲ سال پیش نظری بیفکنیم. با مقایسه این آمار با آمار سال ۲۰۰۵، آینده ضریب نفوذ اینترنت در خاورمیانه مشخص خواهد شد. در سال ۲۰۰۵ مجموع جمعیت خاورمیانه به مرز ۱۸۷ میلیون و ۲۵۸ هزار نفر رسید که ۲/۹ درصد کل جمعیت جهان را شامل می‌شد. از این جمعیت، کل تعداد کاربران اینترنت در منطقه خاورمیانه به مرز ۱۶ میلیون و ۶۴ هزار نفر رسید.^{۱۰}

فزون‌ی جایگاه دین در اینترنت

رویتر در ۲۸ دسامبر سال ۲۰۰۱ با چاپ گزارش مفصلی اعلام کرد که از هر ۴ مراجعه‌کننده آمریکایی، یک نفر برای مقاصد دینی به اینترنت رجوع می‌کند. همچنین، در این گزارش ذکر شد که ۶۹ درصد از این

۱. مک لوهان.

۲. دیوید هلد.

۳. اولریش بک.

۴. مانوئل کاستلز.

۵. آنتونی گیدنز.

۶. جیانی واتیمو.

۷. زیگموند بومن.

۸. www.internetworldstats.com.۹. www.internetworldstats.com.۱۰. www.itca.ir/index.php.

افراد در صدد یافتن منابع مطالعاتی دینی و تحقیق درباره ادیان مختلف هستند. در این میان، ۲۱ درصد در جست‌وجوی متون مقدّس دینی و شرکت در اعمال و نیایش‌های آن هستند و بقیه افراد نیز برای امور متفرّقه به این سایت‌ها مراجعه می‌کنند.^۱

در یک تحقیق در ایران نیز استفاده علمی و دینی از اینترنت بیش از تفریحی و سرگرمی بوده است. بر اساس این تحقیق به ترتیب، ۵۴/۳ درصد از سایت‌های خبری، علمی و آموزشی و ۴۵/۷ درصد نیز از سایت‌های تفریحی-سرگرمی استفاده می‌کردند.^۲

آیا این فرآیند رو به رشد استفاده از اینترنت در جهان که حاصل «یک تحوّل» در عرصه اطلاع‌رسانی است، نیازمند مدیریت نیست؟

رهبر معظم انقلاب علیه السلام فرمودند: «کناره‌گیری از تحوّل موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد، بنابراین، تحوّل را باید پذیرفت و آن را در جهت صحیح مدیریت کرد».^۳ آیا این همه تشنه که در اینترنت سراغ معنویّت ناب می‌گردند، نباید با زلال معرفت اهل بیت علیهم السلام سیراب گردند؟ آیا این همه ظرفیّت و این همه مخاطب در ایجاد تکلیف بر گردن ما کافی نیست؟! آیا امروز که زبان بشر این فتّاور است، ما نباید در انجام رسالت خود از این فتّاوری بهره بجویم؟! قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس، خدا هر که را بخواهد، بیراه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و او ارجمند حکیم است».^۴

تبلیغ اسلام در دنیای مجازی اینترنتی

اقلیّت مسلمان در کشورهای غربی، در حالی که با ستادهای گسترش اسلام هراسی در دنیای حقیقی روبه‌رو شده‌اند، به دنیای مجازی رو کرده‌اند تا آموزه‌های حقیقی اسلام را با هدف رفع باورهای نادرست، در دنیای رایانه‌ای ارائه کنند.

محمّد یوسف، روانپزشک ساکن سوئد، در فضای اینترنت، مسجدی مجازی تشکیل داده تا از طریق آن

۱. نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت، ص ۳۳.

۲. بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۳، برگرفته از سایت: www.rasaneh.org/persian

۳. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه‌های علمیه قم، مشهد و اصفهان: www.leader.ir/langs

۴. ابراهیم، آیه ۴.

آموزه‌ها و آداب و رفتار اسلامی را ترویج کند. غیرمسلمانان در این مسجد با چگونگی نماز خواندن، قرائت قرآن و وضو آشنا می‌شوند. وی گفت: صدها نفر از علاقمندان از ملیت‌های مختلف برای شناختن اسلام به این فضا رجوع می‌کنند. یوسف ۳۹ ساله اظهار داشت که تاکنون سه مسیحی بازدید کننده از این ستاد مجازی به اسلام مشرف شده‌اند.

این فضای مجازی با معماری اسلامی تزئین شده است، مسجد آن از مناره بر خوردار بوده و در داخل آن نسخه‌های قرآن کریم و ترجمه آن به زبان انگلیسی قرار گرفته است.

حدود یک هزار و ۵۰۰ نفر روزانه از این مسجد مجازی دیدن می‌کنند که در آن میان، عده‌ای غیرمسلمان هستند. اقلیت مسلمان در سوئد این فضای مجازی را در پایگاه اینترنتی «زندگی دوم» (SecondLife) ایجاد کرده‌اند. این پایگاه، یک دنیای به‌طور کامل، مجازی است که توسط ساکنان آن ساخته می‌شود. از زمان افتتاح این شبکه در سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۹ میلیون نفر در آن عضو شده‌اند.^۱

شیخون نرم و فرهنگی دشمن و لزوم مقابله به مثل با آن

کافی است پلنی از فیلم‌های ساخته شده غربی و هالیوودی بر ضد اسلام را مشاهده کنید. استفاده از نمادهای اسلامی مثل اذان، مسجد، مناره به عنوان کمین گاه تروریست‌ها! و محل تربیت گروه‌های فشار، در راستای پروژه نامیمون تخریب چهره اسلام است. آیا همین امر، ما را بر آن نمی‌دارد که از این واژه‌ها و نمادهای مقدس دفاع کنیم؟!

فیلم‌های مثل «روز استقلال»،^۲ «محاصره»،^۳ «شمشیر اسلام»^۴ و... در صدا ارائه چهره‌ای خشن از اسلام‌اند. در این فیلم‌ها بیشتر اوقات همزمان با صدای اذان و نمایش مناره و گنبد مساجد اسلامی، البته با رنگ سرخ (که در روان‌شناسی رنگ‌ها به نماد خشونت است و ناخودآگاه مخاطب را در فضای ترور می‌اندازد)، عملیات ترور و... را نشان می‌دهد.

آیا وقت آن نرسیده است که ما نیز با ساخت بازی رایانه‌ای جوانان و حتی کودکان خود را روانه مسجد مجازی کنیم. اگر غرب یک بازی رایانه‌ای می‌سازد که با شلیک هر گلوله، صدای «یا مهدی» سر می‌دهد، بر نهاد متولی مسجد، وظیفه نیست که یک بازی تدارک ببیند که فرزند ایران و اسلام، ناخودآگاه در فضای مسجد قرار گیرد. مگر نه آن است که در دنیای معاصر، به اعتراف همه روان‌شناسان، تبلیغ مستقیم معنا ندارد و باید ناخودآگاه، مخاطب را برای پذیرش پیام، تحریک کرد.

۱ - www.mehmnews.ir.

۲ - Independence day.

۳ - The siege.

۴ - The sword of Islam.

حال آنکه دشمن با استفاده از فناوری رسانه سعی دارد چهره اسلام را به خصوص بعد از حادثه یازدهم سپتامبر وارونه جلوه دهد، اما از آنجا که مساجد از دیر باز، سخن گوی رسمی اسلام مبین بودند، برای احیای نقش رسانه‌ای مساجد در معرفی چهره واقعی اسلام می‌توان کوشید.^۱

رهبر فرزانه علیه السلام در بیانان خود، «کنترل تحولات جهانی به دست صهیونیسم و سرمایه‌داری جهانی را خطری جدی»^۲ می‌شمارند. بنابراین آیا نباید برای رهاسازی مدیریت تحولات جهانی از دست این غاصبان خاک، فرهنگ و هویت اسلامی، اقدام نمود؟

در دنیای امروز که همه رسانه‌ها تحت کنترل صهیونیسم و باندهای قدرت سیاسی و اقتصادی است، ضرورت حفظ کارکرد رسانه‌ای مساجد به عنوان مکان‌های مردمی و آزاد، جدیت چند برابر می‌یابد؛ زیرا تنها این رسانه است که می‌تواند صدای مستضعفان را فریاد بزند. حفظ کارکرد رسانه‌های مسجد، اکتفا به روش‌های گذشته نیست، بلکه با مسجدی کردن رسانه‌های مدرن نیز می‌توان به این اهداف نائل آمد. در آن صورت، اهمیت تقویت این رسانه عمومی، اهمیتی بیش از گذشته پیدا می‌کند؛ چرا که امروز رسانه‌های قدرتمند، به رقابت با مسجد آمده‌اند.

اگر مساجد دیروز به این وظیفه اطلاع‌رسانی و تبلیغ مشغول بودند، رقاباتی نبود که جوانان را جذب خود و از مسجد گریزان سازد؛ ولی اکنون، باید مسجد را در توانمندسازی رسانه‌ای، از آنها پرنفوذتر کنیم. این نماد بزرگ اسلام، تربیون اسلام برای دعوت به خداست و مخاطب آن نه فقط مسلمانان، بلکه همه انسان‌ها هستند.^۳ قرآن در این مورد می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»؛^۴ در تفسیر نمونه، زیر این آیه آمده است: به خصوص کلمه «لِلنَّاسِ» نشان می‌دهد که این مرکز امن و امان، پناهگاهی عمومی برای همه جهانیان و انسان‌ها و توده‌های مردم است.^۵

صاحب‌نظران علم ارتباطات، مثل پروفسور مولانا، بر وابستگی رسانه‌ها بر مساجد، تأکید دارند. به باور ایشان، رسانه‌ای که به کانون قداست، خودی و خوش سابقه در عرصه اطلاع‌رسانی، مربوط شود، به‌طور کامل مورد اقبال جامعه خواهد بود.^۶

پس، اگر با کمک مسجد فیزیکی دستان به آن طرف مرزها و جوامع دیگر نمی‌رسد، می‌توان با کمترین

۱. کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص ۲.

۲. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام: در دهمین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان: www.leader.ir/langs

۳. «يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ اعراف، آیه ۳۱.

۴. مائده، آیه ۹۷.

۵. تفسیر نمونه، ص ۴۴۸.

۶. پروفسور مولانا طین تعهد، مسجد و مطبوعات.

هزینه و با ابزار فناوری، نیاز معنوی انسان‌ها را برطرف ساخت. امروز در غرب، بشر از دست ماشینیسم بدون اخلاق به ستوه آمده است؛ زیرا مدرنیته، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، «آسایش» را برای بشر به ارمغان آورد، ولی همین ابزارها، «آرامش» را از او گرفته است؛ گرایش فزاینده به دین، معنویت و حتی ادیان جدید و جریان فکری پست‌مدرنیسم را باید در این راستا مطالعه نمود. در چنین شرایطی، پروژه مسجد مجازی، تنها راه ارضای نیازهای معنوی آن سوی مرزها به وسیله اقیانوس عرفان و اخلاق اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

مخالفتان معابد مجازی

در آئین مسیحیت، عده‌ای که گرایش سنتی داشتند با این پدیده به مخالفت پرداختند. این مسئله در موارد بسیاری مورد انتقاد اسقف‌ها و کشیشانی قرار گرفت که به اعتقاد آنان اینترنت، مردم را از کلیسا دور کرده است و باعث کاهش حضور مؤمنان در روزهای یک‌شنبه می‌شود. به همین دلیل، طی اطلاعیه‌های مکرر اعلام کردند که هیچ جایگزینی برای حضور در کلیسا وجود ندارد و مسیحیان موظف هستند روزهای یکشنبه به کلیسا بیایند. سنت‌گرایان همچنان معتقدند که اینترنت عامل جدایی مؤمنان مسیحی از کلیسا و قطع رابطه آنان با سازمان کشیشان است.^۱

کن کلیسی، از بنیان‌گذاران کلیسای مجازی در پاسخ این خبرنگار آسوشیتدپرس گفت: این مهم نیست که مسیحیان به کلیسا بروند یا از طریق اینترنت، خود را در کلیسا حس کنند، بلکه این مهم است که رابطه آنها با جهان مسیحیت و دنیای کلیسا قطع نشود. ما باید تصمیم بگیریم، یا این رابطه را برای همیشه قطع کنیم و هر روز شاهد کاهش مؤمنان باشیم یا اینکه بپذیریم این رابطه وجود داشته باشد، حتی اگر به شکل مجازی باشد.^۲

صد البته که مسجد مجازی یک سکّو برای پر کشیدن به مسجد محلّه و یک عروج از مسجد مجازی به مسجد واقعی است. شاید بی‌جهت نباشد که معراج معنوی پیامبر اکرم (علیه‌السلام) از مسجد به مسجد بود و این فرآیند یک انسان سرگشته از مدرنیته و تبلیغات صهیونیسم را به دامن اسلام آورده و در مأمّن مسجد جای می‌هد. «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»؛ آیت‌الله طالقانی، این کشش و بازگشت انسان به مسجد را فطری می‌شمارد: «جعل بیت به صورت مثابه، بر طبق کشش نفسانی انسان به محل امن و عدل است. این

۱. کلیساهای مجازی در جهان واقعی، ص ۴۱.

۲. همان.

۳. به عبارت دیگر، این معراج از مسجد الاحرام تا مسجد الاقصی بود. قرآن در این مورد می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا خَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ اسراء، آیه ۱.

۴. بقره، آیه ۱۲۵.

جویایی، مانند امام جویی است و توجّه به چنین خانه‌ای که فطرت حق‌جویی و عدل را بیدار سازد، از کشش‌ها و خواسته‌های درونی آدمی و به سود وی است.^۱ حضرت علی (علیه السلام) در یک کلام نورانی در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «دنیا بعد از سرکشی، دوباره به ما روی می‌کند».^۲

ساخت مساجد مجازی، دست کشیدن از مسجد سنتی نیست؛ بلکه در راستای تعالی ذکر خداست. مگر نه آن است که می‌توان جوان آشفته در بازار دنیای دیجیتال را با همین ابزار جذب کرد و پس از زلال کردن فطرت گمشده‌اش، دست او را گرفت و در گوشه‌ای از مسجد سنتی گذاشت تا این بار به‌طور واقعی نه مجازی، به شنیدن حقیقت و کرنش در برابر خدایش بپردازد.

آیا آن جوان غربی را که اسم مسجد به گوش وی نخورده است و یا از مسجد یک مفهومی بد-به دلیل تبلیغات سوء استکبار- در ذهن دارد و با استفاده از تحولات جهانی در پای اینترنت نشسته، نباید از حقیقت مسجد آشنا نمود؟ بنابراین، باید نخبگان بر مدیریت تحول، نظارت کنند و شایسته است در همایشی، نحوه استفاده ابزاری از مسجد مجازی برای فراخواندن به مسجد حقیقی بررسی گردد. رهبر انقلاب (علیه السلام) بارها این امر را وظیفه نخبگان حوزوی و دانشگاهی دانسته‌اند و فرمودند: «مدیریت تحولات کشور باید در دست نخبگان دانشگاهی و حوزوی باشد و در این روند، علاوه بر معیارهای جهانی پیشرفته، معیارهای نور و ملاک‌های ویژه نظام اسلامی مورد توجّه اکید قرار گیرد»^۳ و «مدیریت تحولات و هدایت فعالیت‌هایی که به ترمیم، تکمیل و پیشرفت می‌انجامد باید در دست نخبگان حوزه و دانشگاه باشد».^۴

مسجد مجازی؛ بایسته چشم‌انداز بیست‌ساله ایران اسلامی

شایسته است که در اینجا به بندهایی از سند چشم‌انداز اشاره کنیم که می‌توان با استنباط از آنها جایگاه مسجد را در افق ۱۴۰۴ بررسی نمود و ناگزیر بودن از روی آوری به مسجد مجازی را گوشزد نمود. بی‌شک، هرگونه انحراف از این میثاق ملی، ایران را در رسیدن به آن هدف میمون، باز خواهد داشت و مسجد، باید جایگاه و شأن خود را با تکیه بر این بندها مشخص نماید.

در این قسمت از بحث، عباراتی از سند چشم‌انداز که به مسجد مرتبط می‌شود را به تحلیل می‌نشینیم. در بخش‌های پیش، بیان شد که نفوذ اینترنت در خاور میانه در حال رشد بسیار سریع بوده و هم‌اکنون

۱. پرتوی از قرآن، ص ۲۹۷.

۲. قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «لَتَغْطِقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمَاسِهَا عَظْفَ الصُّرُوسِ عَلَيَّ وَلِبَها وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَتُرِيدُ أَنْ تَمُتَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَظْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ نهج‌البلاغه، نسخه فیض الإسلام، ص ۱۱۸۰، حکمت ۲۰۰.

۳. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی (علیه السلام) در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان: www.leader.ir/langs

۴. همان.

نزدیک به یک چهارم جمعیت آن از این پدیده برخوردارند که با سرعت روزافزون آن، در افق ۱۴۰۴ جمعیت بسیار زیادی از آن بهره‌مند خواهند شد. با توجه به پدیده نامیمون رسانه‌های تبلیغی غرب و نیز صهیونیسم و وهابیت در منطقه که هر دو دست به دست هم داده تا «هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای»^۱ را برهم زنند، باید تنها درمان این درد، یعنی «تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)»^۲ را با استفاده از این فناوری به گوش این مردم رساند.

تنها راه اشاعه این پیام مقدس، می‌تواند مسجد باشد. از این رو، دشمن همواره با مسجد مخالف است. مستر همفر، جاسوس بریتانیا، در خاطراتش می‌نویسد: «از بنای مساجد... به هر صورت باید جلوگیری شود».^۳ به عبارت «به هر صورت» توجه نمائید. این موضوع، همچنان سیاست راهبردی استکبار است. «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز [بیست ساله]... باید از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری»^۴ برخوردار باشد. آیا این نیروها را نباید مسجد تربیت کند؟ مگر نه آن است که مسجد، محل پرورش و آموزش بوده است؟ آیا تا امام جماعتی، خود بر این ویژگی آراسته نگردد، می‌تواند الگوساز باشد تا جوان، «از دانش پیشرفته برخوردار»^۵ و «در تولید علم و فناوری، توانا»^۶ گردد؟

کاهش استقبال جوانان از مسجد و فزونی استقبال آنان از اینترنت چیز قابل انکار نیست. به نظر نگارنده، از مصادیق «مدیریت تحوّل» در کلام رهبری، «رفیق» نمودن این «رقیب» رسانه‌ای مسجد است. باید مواظب بود که در کشور اسلامی، رسانه‌های مدرن، رقیب مسجد و در عرض مسجد نباشند، بلکه یار مسجد و در طول آن قرار بگیرند؛ زیرا رفتار آنها اگر از کارکرد رسانه‌ای مسجد بکاهد، مصداق «منع مساجد» خواهد بود.^۷ برخی مفسرین در شرح منع مساجد، چنین آورده‌اند: «این آیه هر چند هم، شأن نزول خاصی داشته باشد، در مقام بیان یک حکم کلی آمده است و در مورد تمام افراد و یا گروه‌هایی است که مردم را از رفتن به مساجد و انجام عبادات، به هر دلیل منع کنند و باعث ویرانی مساجد شوند. ما در تاریخ نمونه‌هایی از آن را دیده‌ایم که گاهی به دلیل اغراض سیاسی، مساجد را بسته‌اند و یا گروه خاصی را از ورود به آن منع کرده‌اند».^۸ یادمان

۱. فرازی از بندهای سند چشم‌انداز بیست ساله، برگرفته از سایت ایران هزار و چهارصد و چهار به آدرس: www.irane1404.com.

۲. همان.

۳. همفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مؤیدی، ص ۸۳.

۴. بند دوم سند چشم‌انداز بیست ساله، برگرفته از سایت ایران هزار و چهارصد و چهار به آدرس: www.irane1404.com.

۵. همان.

۶. همان.

۷. کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص ۵.

۸. تفسیر کوثر، ج ۱، ص ۳۳۲.

باشد که «خرابی مسجد، تنها با بیل و کلنگ نیست، بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خرابی آن است»^۱.

نکته جالب آنکه سند تربیت این نیروها را «متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی»^۲ نموده است. چه سرمایه اجتماعی فراتر از مسجد و چه منابع انسانی بهتر از نیروی‌های مؤمن مسجدی می‌توان یافت؟ علم مطلوب در سند چشم‌انداز، علم دینی و دین علمی است نه علم سکولار و لازمه دست یافتن به علم دینی، تربیت نیروی‌های علمی آینده در قالب مسجد است.

آیا تربیت نیروی ایرانی با ویژگی‌های «فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از... متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن»،^۳ بخشی از وظیفه مسجد به جوانان را گوشزد نمی‌کند؟ از کارکردهای مسجد می‌توان به نقش آن در پرورش افراد اشاره کرد که حکومت دینی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد.^۴ در سایه رفت‌وآمد به مسجد، خلق و خوی‌ها و آداب و منش‌های افراد تا حد زیادی، هویدا می‌گردد. این تربیت و شناسائی در روابط افراد با یکدیگر سازنده است؛ زیرا حاکمیت اسلامی می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد و کارآمد خود را بشناسد.^۵

مسجد برای این دو امر مهم برای حکومت اسلامی نقش آفرینی می‌کند. همچنان که در دوران انقلاب و دفاع مقدس فرماندهان و نیروهای مردمی همه از تربیت یافتگان مسجد بودند. امروز نیز برای گزینش و تربیت افراد برای مدیریت سیاسی کشور باید از مسجد مدد گرفت.

مگر نه آن است که در زمان نهضت مقدس انقلاب و نیز دوران هشت سال دفاع مقدس، همین مسجد بود که نیروی‌هایی درست با همین شاخص‌ها را تربیت کرد؟ اینک نیز با پدیده تحوّل، باید در خود تحوّل ایجاد کند و باز به پرورش چنین انسان‌هایی که ایران ۱۴۰۴ نیاز دارد، اقدام نماید. رهبر فرزانه علیه السلام نیز بر «لزوم استقبال از تحولات و پرهیز از ایستایی و رکود»^۶ را خاطر نشان کردند.

نظریه صدور انقلاب

۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان.

۳. بند پنجم سند چشم‌انداز بیست ساله، برگرفته از سایت ایران هزار و چهارصد و چهار به آدرس: www.irane1404.com.

۴. کارکرد سیاسی مساجد، ص ۴۷.

۵. ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، کارکرد مساجد، ص ۲۷۵؛ فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.

۶. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان: www.leader.ir/langs.

تفکر فراملی و دید جهانی حضرت امام خمینی ره، انقلاب اسلامی را نه در چارچوب مقابله با طاغوت ایران، بلکه به مثابه جریان مبارزه با تمام «مستکبران» و «ستمگران» عالم معنا می‌کرد و از همان ابتدا همه «مسلمانان» و بلکه «مستضعفان» جهان را مخاطب خویش می‌خواند. به همین دلیل با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تفکر صدور انقلاب مطرح شد و موج حمایت از تمام نهضت‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش به پا خاست.^۱

صدور انقلاب در قاموس اندیشه امام خمینی ره، یک کار فرهنگی است و کاری نظامی نیست. «صدور انقلاب به معنی لشکر کشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم».^۲ بی‌شک، انقلاب اسلامی نه یک پروژه تمام شده، بلکه یک پروسه ادامه‌دار است. برای صدور فرهنگ انقلاب باید از مسجد و البته در کنار آن از مسجد مجازی کمک گرفت. یادمان باشد که محور «ثبوت انقلاب» مساجد بودند؛ پس محور «صدور انقلاب» نیز باید مسجد باشد.

جهانی‌شدن و مهدویت

به هم‌پیوستگی عمیق و گسترده مسائل بشری، اکنون با عنوان «جهانی‌شدن»^۳ نام برده می‌شود. در اغلب تعاریف عرضه شده، جهانی‌شدن، فرآیندی تدریجی و پایدار توصیف می‌شود که از گذشته‌ای دور یا نزدیک آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد و هر چه بر عمر آن افزوده می‌شود، شتاب و گستره آن هم بسیار افزایش می‌یابد. بیشتر تعاریف بر سر تشدید بسیار چشم‌گیر آن در دهه‌های اخیر، اتفاق نظر دارند و حتی عقیده دارند که نسل‌های آینده این فرآیند را به صورتی گسترده‌تر و پرشتاب‌تر تجربه خواهند کرد.^۴ اگرچه برای اروپایی‌ها و امپراتوری‌های عثمانی، اتریش، مجارستان، بریتانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، اسپانیا و پرتغال، دو جنگ جهانی لازم شد، ولی امپراتوری شوروی، همین که در معرض رسانه‌های جهانی، ویدیو و شبکه‌های رایانه‌ای قرار گرفت، فقط طی چند سال مضمحل شد.^۵

این مسائل نشان می‌دهد که پیشرفت و همه‌گیر شدن رسانه‌های ارتباطی ضمن افزایش سرعت تغییرات، جوامع را به یکدیگر نزدیک و متصل ساخته است. این به هم‌پیوستگی به خصوص با آنچه که امروز تحت عنوان دگرگونی و بازسازی زمان و مکان نامیده می‌شود، مرتبط بوده و توسط آن تشدید می‌گردد. ژان

۱. صدور انقلاب، بازشناسی جریان افول، نشریه دانشجویی خیزش، ش ۲۴ و ۲۵، <http://balagh.net/persian>.

۲. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱۴.

۳ - Globalization.

۴. عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ص ۱۷ و ۱۸.

۵. گفتمان قومی و بی‌نظمی نوین جهانی، یک دیدگاه جمع‌گرایانه، ص ۱۸.

بودریا، از صاحب‌نظران انتقادنگر فرانسوی، از این دگرگونی با عنوان «امحای امر واقع به واسطه تبدیل آن به تخیل مجازی سه بُعدی و امحای زمان به واسطه هم زمانی همه دوره‌ها، همه فرهنگ‌ها با حرکتی سیار و واحد، از طریق کنار هم نهادن آنها در سناریویی واحد» یاد می‌کند.^۱

حقیقت آن است که جهانی شدن می‌تواند یک پدیده پیش‌بینی شده در متون دینی ما باشد که در دوران ظهور محقق می‌شود. بی‌شک، برای تحقق آن دولت کریمه، مقدمه‌سازی نیاز است؛ چنانکه در روایات آمده است این مقدمه‌سازی بر عهده ما ایرانیان است.^۲ برای هماهنگ‌سازی جهان برای ظهور آن دولت کریمه مسجد، نهادی نیک است.

انتظار، یک وظیفه و افضل اعمال است. انتظار، یک رویکرد انفعالی نیست، بلکه یک راهبرد رو به جلو و پویاست. بنابراین، فرج، نیازمند تمهیداتی است.^۳ مسجد مجازی، مخاطبان این دهکده جهانی را به تمهید دولت حضرت مهدی عج فرامی‌خواند.

مبانی مسجد مجازی

مسجد مجازی، مبتنی بر حل مسائل زیر در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی هست. امید آن می‌رود با بررسی عالمانه ابعاد آن، گامی بلند در ترویج آموزه‌های غنی اهل بیت علیهم‌السلام برداریم. نگارنده به دلیل خوف از اطاله مقاله، موارد زیر را فهرست‌وار ارائه می‌کند که تفصیل آن مستلزم تدوین نوشتار دیگری است. الف) امکان استعمال واژه «مسجد» در مسجد مجازی، حال به صورت حقیقت یا منقول یا مجاز؛ جایگاه این مسئله در علم لغت و بحث الفاظ علم اصول فقه است.

ب) آیا تقدیسی که در متون دینی، بر مساجد بار شده است، مراد فقط مسجد فیزیکی است یا بر لسان روایات، اطلاق دارد؟ علم‌الحديث و اصول فقه باید تحلیل این مسئله را متکفل گردد.

ج) آسیب‌شناسی کلیساهای مجازی، تحلیل ادله مخالفان و موافقان، بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای کلیساهای مجازی، می‌تواند بستر روشنی را به ما بگشاید. نگاه جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و رایانه‌ای، لازمه پژوهش این مسئله است.

د) محتوا و شاکله اسلام در عین اشتراک با دیگر ادیان، حائز ویژگی و امتیازات خاص است و این در قیاس مسجد با کلیسا و معابد ادیان دیگر، خود را به خوبی نمایان می‌کند. به نظر می‌رسد که یکی از مبادی

۱. درباره جهان مجازی امروز، جام‌جم آنلاین، ۱۳۸۲/۵/۱۲، ص ۱، برگرفته از سایت: www.jamejamonline.com

۲. «یخرج ناس من المشرق یوطنون للمهدی سلطانه»، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه‌السلام، ص ۳۷۵.

۳. مساجد و مهدویت، با رویکرد مساجد عصر ظهور، ص ۲.

مسجد مجازی، این است که باید این مسئله را تبیین نمود که آیا مسجد مجازی با محتوا و شاکله اسلام نیز هم‌خوان است؟ با مقایسه کلیسای مجازی با محتوا و شاکله مسیحیت و معابد مجازی با محتوا و شاکله دیگر ادیان این مسئله تا حدودی روشن می‌شود. جایگاه این مسئله بر عهده پژوهش علم‌الادیان البته با رویکرد تطبیقی است (نگارنده در طرح پژوهشی سال ۱۳۸۷ از طرف دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد قم، مسئله «معابد و مساجد» را به تحلیل می‌نشیند که فصلی از آن، پتانسیل هر یک از ادیان بر تحول در حوزه‌های مختلف کارکردی، معماری و... معابدشان است).

انواع مسجد مجازی

یکم: کاربر وارد مسجد مجازی می‌شود و با توجه به نوع مخاطب و متناسب با زمان و...، سخنرانی و حدیث و... در آن قرار داده می‌شود. وقت اذان به افق‌های مختلف اذان پخش می‌شود و کاربر ناخودآگاه به مسجد فراخوانده می‌شود و این یعنی، آستانه بودن مسجد مجازی به مسجد واقعی. دوم: مساجد برنامه‌ها و سخنرانی‌ها خود را در اینترنت به نمایش بگذارند. سوم: بازی‌های رایانه‌ای.

پایان نوشتار را باز برای این که تأکیدی بر محتوای مقاله باشد، با کلام رهبر انقلاب «اِنَّ طَلَّةَ» پایان می‌بریم. «آینده‌نگری، مدیریت تحول، برنامه‌ریزی علمی... ترسیم چشم‌انداز آینده... از ضرورت‌های اساسی ادامه حرکت رو به رشد و افزایش نفوذ و تأثیرگذاری حوزه‌های علمیه با توجه به رشد سریع و پرشتاب تحولات و فناوری‌های نوین است»^۱.

در پایان، شما علاقه‌مندان به مسجد را به دیدن نمونه‌ای از مسجد و کلیسای مجازی کامل دعوت می‌کنم. نمونه مسجد مجازی:

www.thebcom.org/mosquetour/index.htm

نمونه کلیسای مجازی:

www.thevirtualchurch.com

نتیجه‌سخن

از مطالب یاد شده نتیجه می‌گیریم که ضرورت اقدام به مسجد مجازی از چند جهت امری درخور توجه

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی «اِنَّ طَلَّةَ» در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه‌های علمیه قم، مشهد و اصفهان: www.leader.ir/langs

است:

اکنون در بعد بین‌المللی، که جهان نیازمند عرفان و معنویت غنی اهل بیت (علیهم‌السلام) است، استفاده از ابزار در دسترس و نیز جذاب فناوری اطلاعات، البته در قالب مسجد، بسیار مفید است. افزون بر آن، برای دستیابی به چشم‌انداز بیست ساله باید از این مقوله غافل نماند.

تحول و نوآوری به عنوان یک ضرورت ایران اسلامی، در زمینه مسجد نیز باید تحقق یابد. چنانکه مقام معظم رهبری (دام‌ظله) نیز آینده‌نگری و مدیریت تحول را لازمه جامعه روحانیت دانسته‌اند. «با توجه به مسئولیت سنگین حوزه‌های علمیه و روحانیت در خصوص دین‌داری مردم، اهمیت آینده‌نگری بسیار مضاعف است». مرکز رسیدگی به امور مساجد با برنامه‌ریزی کلان در زمینه مسجد مجازی می‌تواند نقش آفرینی کند. دنیای فردای ما مجازی‌تر از دنیای امروز ماست؛ به گفته آرمستو:^۲ «تغییرات در جهان به گونه‌ای در حال رشد انفجاری است که نسل ۲۱۰۰ و یا ۲۲۰۰، وقتی به زندگی ما در اوایل قرن بیستم نگاه می‌کنند، می‌گویند: چه مردم غیرمدرن و کهنه‌گرایی بوده‌اند».^۳

بنابراین، شایسته در همایشی که به «سال نوآوری و شکوفایی» نام‌گذاری شده است، مرکز رسیدگی به امور مساجد ضمن اعلان ولایت و حمایت خود بر مساجد در جهان مجازی، بر آن چاره‌اندیشی کند. هرچند احتمال دارد که دیدگاه سنتی‌گرایان با این مقوله آشتی نداشته باشد، ولی با همین مسجد مجازی می‌توان بیماران و... را که توان حضور در مسجد فیزیکی ندارند، در مسجد مجازی بهره‌مند ساخت. به هر حال در این برهه از زمان، با توجه به وسعت تهاجم فرهنگی دشمن، جذب نسبی افراد از طریق مسجد مجازی، به خصوص نسل جوان، بهتر از هرگز نیامدن آنان به مسجد است.

بر اساس بیان مقام معظم رهبری (دام‌ظله)، کناره‌گیری از تحول موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد، بنابراین، تحول را باید پذیرفت و آن را در جهت صحیح مدیریت کرد. آیا این همه تشنه که در اینترنت، سراغ معنویت ناب می‌گردند، نباید با زلال معرفت اهل بیت (علیهم‌السلام) سیراب گردند؟ آیا این همه ظرفیت و این همه مخاطب در ایجاد تکلیف بر ما کافی نیست؟! اگر زبان بشر امروزی، این فناوری است، آیا ما نباید در انجام رسالت خود از این فناوری بهره بگیریم؟!

۱. همان.

۲. Ammesto.

۳. نظام رسانه‌ای مطلوب، تنوع ساخت، تنوع محتوا، ص ۹.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲. اتابکی، هادی، نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت، ماهنامه تازه، ش ۴، ۱۳۸۶ ه. ش.
۳. ایلانلو، مزگان، کلیساهای مجازی در جهان واقعی، مجله دین پژوهان، دوره سوم، بهمن و اسفند، ش ۴ و ۵، ۱۳۸۲ ه. ش.
۴. تهرانیان، مجید، گفتمان قومی و بی‌نظمی نوین جهانی، یک دیدگاه جمع‌گرایانه، کتاب‌سروش، تهران، انتشارات سروش.
۵. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه. ش.
۶. جهانگیری سهروردی، یحیی، ادیان جدید، دین هیونزگیت، مجله هفت اقلیم، شماره ۱.
۷. سیده نصرت، امین (بانوی اصفهانی)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ه. ش.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، قم، انتشارات داوری، ۱۳۷۸ ه. ش.
۹. ضرابی، عبدالرضا، فصلنامه معرفت، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت، ص ۹، ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۰. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ه. ش.
۱۱. عباسی قادی، مجتبی، بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی کاربران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگرفته از: www.rasaneh.org/persian
۱۲. فیضی تبریزی، کریم، طنین تعهد (زندگی‌نامه و آثار پروفسور مولانا)، نشر شکوفه یاس، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۴. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه: احمد علی قلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح‌نو.
۱۵. جهانگیری سهروردی، یحیی، مساجد و مهدویت، با رویکرد مساجد عصر ظهور، ارسالی به دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، قم، قابل دسترس در:

www.suhrawardi.blogfa.com

۱۶. مسترهمفر، خاطرات همفر، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصروهمکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۸. نظام رسانه‌ای مطلوب، تنوع ساخت، تنوع محتوا، فصلنامه رسانه، زمستان ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۹. نهج البلاغه نسخه فیض الإسلام.

سایت‌های استفاده شده:

۲۰. www.internetworldstats.com
۲۱. www.irane۱۴۰۴.com
۲۲. www.itca.ir
۲۳. www.jamejamonline.com
۲۴. www.leader.ir
۲۵. www.mehrnews.ir
۲۶. www.rasaneh.org
۲۷. www.rasaneh.org
۲۸. www.suhrawardi.blogfa.com

ویژگی‌های مدیریت فرهنگی در مساجد

سید علی هاشمی

چکیده

مسجد، پایگاه و کانون فعالیت‌های متعددی است؛ از جمله فعالیت‌های آموزشی، سیاسی، علمی، نظامی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی. فعالیت‌های فرهنگی در هر نهادی، متفاوت با نهادهای دیگر است؛ برای مثال فعالیت فرهنگی در مسجد، متناسب با این مرکز، پیشینه دینی دارد و در مسیر تربیت و هدایت افراد گام برمی‌دارد. کانون فرهنگی مسجد، زمانی موفق است که مدیری خوب داشته باشد؛ مدیر باید بتواند فعالیت‌های مسجد را مدیریت کند. در قرآن واژه مسجد، در مجموع ۲۸ بار ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع آمده است. در این آیات، به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد، مسجد الحرام و احکام خاص آن، مسجد الاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است. از مجموع آیات قرآن درمی‌یابیم که مدیریت مسجد، ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد. نوشتار حاضر، مدیریت فرهنگی مسجد را به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد، مدیریت فرهنگی، مدیریت فرهنگی مسجد، ویژگی‌های مدیر فرهنگی.

گرچه در اصل مسجد، برای عبادت ساخته شده است و سجده گاه مسلمانان برای خضوع و فروتنی، به صورت‌های فردی یا جمعی، در برابر ذات اقدس الهی به حساب می‌آید؛ ولی اسلام، مسجد را فقط جایگاهی برای عبادت و اقامه نماز جماعت نمی‌داند؛ بلکه از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسجد، پایگاهی دینی بوده است و در برخی زمان‌ها نیز پایگاهی حکومتی محسوب می‌شد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسجد را کانونی برای تعلیم و تربیت و هدایت امور اسلام می‌دانستند. در آن دوران، مسجد مرکز حکومت، مرجع فکری و محل بحث و تبادل اندیشه نیز بوده است. مسجد، قرن‌ها آموزشگاه مهم مسلمانان و جایگاهی برای فراگیری علوم و آموزش‌های گوناگونی بوده است که جامعه اسلامی به آن نیاز داشت. پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز مسجد از نظر علمی و فرهنگی موقعیت ویژه‌ای یافت و دانشجویان و پژوهشگران، در سطح‌های مختلف، از آن استفاده می‌کردند.

حضرت امام خمینی ره فرمودند: «مساجد سنگر است، سنگرها را حفظ کنید». ^۱ به طور حتم، منظور از این سنگر، سنگر عقیدتی و فرهنگی است. مسجد باید خوراک فکری متناسب با همه طبقه‌های جامعه را تأمین کند. مسجد، مهم‌ترین جایگاه مدیریت فرهنگی، دینی و تربیتی نظام جمهوری اسلامی ایران است. مخاطب‌شناسی، روش‌شناسی تربیتی، رعایت ظرفیت‌های زمانی و حوصله مخاطبان و مدیریت فرهنگی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که باید به آنها توجه شود.

ضرورت و نقش مدیریت فرهنگی مسجد

مدیریت در مسجد ابعاد مختلفی دارد که یکی از آنها، بُعد فرهنگی، یعنی «مدیریت فرهنگی» است. بدون تردید، هر مجموعه فرهنگی که بخواهد موفق باشد، به مدیریتی قوی و توانمند و متناسب با آن مجموعه نیاز دارد؛ زیرا در عصر کنونی، بدون علم مدیریت نمی‌توان در هیچ کار اجتماعی، چه فرهنگی و چه غیر آن، موفق بود.

با مدیریتی قوی و توانمند و کارآمد می‌توان به بیشترین بهره‌وری از امکانات موجود رسید و با ایجاد تعامل و هماهنگی بین همه اجزاء و اعضای مجموعه، شاهد مدیریتی موفق بود. به طور قطع، می‌توان گفت یکی از بهترین عوامل موفقیت و یا عدم موفقیت مسجدها، به خصوص در کارکردهای فرهنگی آنها، در همین نکته نهفته است.

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسجد تأثیرگذار، داشتن مدیریت مطلوب برای اداره آن و

فعالیت‌های مرتبط با مسجد است. مدیریت فرهنگی، علمی و دینی افراد در مسجد نه تنها کمتر از مدیریت واحدی اداری یا تجاری نیست، بلکه به مراتب پیچیده‌تر است؛ زیرا مدیر فرهنگی با هدف‌ها، موضوع‌ها و نتیجه‌هایی دشوار مواجه است که شناخت، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کنترل و ارزیابی آن به تلاش و مطالعه فراوان نیاز دارد.

«مدیریت فرهنگی مسجد»، نقش بنیادین در عملی شدن برنامه‌های مسجد دارد. بنابراین، مدیریت مسجد باید با برنامه‌ریزی منطقی و بهره‌بردن از تجربه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران و مشاوران در زمینه‌های مختلف دینی، اخلاقی، اعتقادی اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناسی و... برنامه‌های فرهنگی مسجد را تدوین و اجرا کند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن، زمینه جذب و ارشاد و هدایت افراد فراهم شود.

تعریف مدیریت فرهنگی مسجد

«مدیریت» در لغت به معنای توانایی اداره کردن سازمان و در اصطلاح به معنای هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف است.^۱ فرهنگ در لغت به معنای آداب و اخلاق است.^۲

«کار فرهنگی» یا «فعالیت فرهنگی» به معنای مجموعه‌ای از برنامه‌های تربیتی است که از شاخص‌های هدفمند، ابزارمند و روشمند و مستمر برخوردار باشد و کادر مربیگری متعهدی مسئول اجرای آن است. در این تعریف، پنج مؤلفه مهم وجود دارد: تربیتی بودن، هدفمند بودن، ابزارمند بودن، روشمند بودن، استمرار و تداوم داشتن.

با توجه به تعریف «کار فرهنگی»، «مدیریت» و «فعالیت فرهنگی» می‌توان «مدیریت فرهنگی مسجد» را تعریف نمود؛ مدیریت فرهنگی مسجد، عبارت است از توانایی اداره همه فعالیت‌های مسجد، به گونه‌ای که مدیر بتواند بین منابع انسانی (نیروها و کادر فرهنگی مسجد) و منابع مادی، تعامل و هماهنگی ایجاد کند تا به هدف مورد نظر برسد که همان رشد و تعالی انسان‌ها به سوی کمال و معنویت و معرفت حق است.

بنابراین، مسجد یک مدیریتی را می‌طلبد که با در نظر گرفتن وضعیت مکانی و زمانی، اصولی و اساسی عمل کند و با به کار بردن امکانات، در نظر گرفتن نیازها و روحیه گروه‌های سنی مختلف و با شناخت دقیق و هدفمند، برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی، علمی و تربیتی را تدوین و بر اجرای آنها نظارت کند. مدیر مسجد باید در فرآیند مدیریت فرهنگی مسجد به موارد متعددی توجه نماید که در ادامه هر کدام مطرح شده و تشریح می‌گردد:

۱. اقتداری، علی محمد، سازمان مدیریت، ص ۶۱.

۲. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

۱- برنامه ریزی

از دیدگاه اسلام، برنامه ریزی فایده‌های زیادی دارد که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱-۱- موجب ثبات و دوام سیاست‌هاست،

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أَمَارَاتُ الدُّوَلِ إِنِّشَاءُ الْحَيَلِ؛ بقای دولت‌ها به برنامه ریزی و چاره‌اندیشی در امور مبتنی است».^۱

۱-۲- بهترین ابزار برای نیل به هدف است،

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَحَدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ؛ دقت و ظرافت در برنامه ریزی از مهم‌ترین و جدی‌ترین وسیله‌ها و امکانات است».^۲

۱-۳- باعث کاهش اشتباه‌ها می‌شود،

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «التَّذْيِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ؛ تدبّر و برنامه ریزی قبل از کار، تورا از پشیمان شدن ایمن می‌دارد».^۳

۱-۴- کمال کارها در سایه برنامه ریزی است،

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ بالاترین کمال در سه چیز است: شناخت عمیق دین، پایداری در برابر ناملایمات و نظم و برنامه در زندگی».^۴

۱-۵- نشانه اندیشه ورزی است.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أَعْقَلَ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ؛ داناترین مردم کسی است که آینده را بهتر ببیند».^۵

مدیر در برنامه ریزی این مرحله‌ها را طی می‌کند و به هدف‌های مطلوب دست می‌یابد: هدف گذاری، تجزیه و تحلیل و ارزیابی محیط، شناسایی و ارزیابی و انتخاب بهترین راهکار، اجرای برنامه و کنترل و ارزشیابی نتیجه‌ها.

۲. سازمان دهی

در سازمان دهی به این موارد تأکید می‌شود:

۱. آمدی، غررالحکم، ج ۵، ص ۱۱۱.

۲. آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۱۰۷.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۳۸.

۴. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۲.

۵. آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۱-۲- مشخص کردن وظیفه‌ها و مأموریت‌های محول شده؛

۲-۲- ایجاد محیطی هماهنگ؛

۳-۲- تقسیم زنجیره‌ای و سلسله‌مراتبی امور؛

۴-۲- دستیابی به اصل وحدت مدیریت.

۳. هدایت ورهبری

مدیر موفق، مدیری است که توان هدایت مجموعه خود و مهارت‌های لازم برای مدیریت را داشته باشد. این مهارت‌ها به سه قسم تقسیم می‌شوند:

۱- مهارت فنی که از دانش، تجربه و تخصص فرد در کار ناشی می‌شود.

۲- مهارت ادراکی که به توانایی و قدرت مدیر در تشخیص درست مسائل اصلی در سطح کلان مربوط می‌شود.

۳- مهارت انسانی که به معنای توانایی و قدرت در کار کردن با مردم است و انجام کار به کمک آنان و برای آنان.

مدیریت فرهنگی مسجد باید توجه داشته باشد تا از سبک‌هایی استفاده کند که دل‌ها را به خود جذب می‌کند؛ یعنی از میان سبک‌های مدیریتی چهارگانه: اقتدارگرا، دیپلماتیک، مشارکتی و بوروکراتیک، سبک مشارکتی را برگزیند. در این سبک، مدیر دیگران را در چگونگی انجام کار، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها دخالت می‌دهد و از افکار دیگران برای بازدهی بیشتر کار و بهتر شدن سطح بهره‌وری استفاده می‌کند و به دستور دادن یک‌جانبه از موضع قدرت و اقتدار متکی نیست.

۴. نظارت و کنترل

کنترل عبارت است از: فرآیند ارزیابی اقدامات انجام‌شده و مقایسه آنها با برنامه‌ها و هدف‌های تعیین شده، برای تشخیص احتمالی انحراف‌ها و اصلاح آنها.

در مدیریت مسجد، نظارت باید بسیار عالی باشد؛ زیرا در غیر این صورت، ممکن است در برنامه‌های فرهنگی و دینی مسجد انحرافی به وجود آید که جبران‌ش بسیار دشوار باشد.

۵. شناخت مانع‌ها و آسیب‌ها در تصمیم‌گیری

برای شناخت مانع‌ها و آسیب‌ها، باید به شناسایی و چاره‌جویی برای رفع مانع‌هایی بپردازیم که کارها را

سست می کند یا به تأخیر می اندازد یا عامل هایی که مزاحم فعالیت فرهنگی هستند.

۶. مشاوره

مشورت، فایده های زیادی دارد که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

۱-۶- ایجاد احساس شخصیت و مسئولیت در اعضا،

احساس شخصیت و مسئولیت پذیری در افراد، پشتوانه عظیمی است که انگیزه آنها را در انجام دادن امور مضاعف می کند و نیز پشتوانه ارزشمندی برای تحقق هدف ها و موفقیت در برنامه ها است. در این باره امام علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ؛ هیچ پشتوانه ای مثل مشورت نیست»^۱.

۲-۶- شناخت موضع های غلط و اشتباه ها،

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَهُ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛ کسی که از نظر دیگران استقبال کند، موارد خطایش را خواهد شناخت»^۲.

۳-۶- ایجاد انس و الفت بین اعضا،

قرآن کریم، در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، مشورت و نرم خوئی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را عامل الفت مردم با آن حضرت می داند و می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی، به یقین از اطراف تو پراکنده می شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد»^۳.

۷. تفویض اختیار

البته، در تفویض اختیار، باید به شایستگی، مهارت و تسلط افراد توجه شود.

۸. ایجاد شوق و انگیزه میان مسجدیان

همه فعالیت هایی که انسان انجام می دهد یا برای جذب خوشی هاست یا برای فرار از ناخوشی هاست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۴، باب ۲۱ از ابواب احکام العشره، ح ۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۴.

۳. آل عمران، آیه ۱۵۹.

مدیر موفق کسی است که این دو ملاک را همراه با انگیزه‌های جذاب و شورانگیز میان افراد تحقق بخشد.

۹. تأسیس صندوق قرض الحسنه و تعاون

نمازگزاران و افراد خیر می‌توانند با افتتاح حساب در صندوق قرض الحسنه مسجد برای رشد مسجد بکوشند. هدف از تأسیس این صندوق کمک به نیازمندان آبرومند و جوانان مسجدی برای تشکیل زندگی اولیه است. تعریف واقعی از صندوق قرض الحسنه، بر اساس سنت نبوی ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام و طبق آموزه‌های اسلام بیان شده است.

۱۰. خلاقیت و نوآوری

خلاقیت، برای بقای هر سازمانی لازم است؛ در غیر این صورت، به تدریج مجبور می‌شوند سازمان را تعطیل کنند یا تغییر سیستم بدهند. یکی از مشکلاتی که باعث شده است تا مسجدها رونق خود را از دست بدهند، نبود خلاقیت و نوآوری و اجرای برنامه‌های تکراری است. ائمه جماعت باید خود مدیریت مسجدها را در دست بگیرند و اولین برنامه‌ریز این واحد مهم فرهنگی باشند تا بتوانند مسجدها را، هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور بهرهمندی از مسائل سیاسی، اجتماعی، علمی، تربیتی و ارتقای میزان آگاهی قشرهای مختلف مردم مهیا کنند.

۱۱. توجه به جایگاه، موقعیت و وظایف خود

مدیر باید بداند در جایگاه انبیا و اولیای الهی نشسته است و برای تکامل انسان‌ها گام بر می‌دارد. همچنین، او باید وظیفه خود را در مقام امانت‌دار الهی بداند و برای عزت و کمال خود و دیگران بکوشد.

۱۲. در امور دینی و تربیتی باید از افراد و معلمان استفاده شود که این ویژگی‌ها را دارند:

۱-۱۲. مسلح به سلاح علم باشند. ابوذر می‌گوید: «امام شفیع تو نزد خداوند است؛ بنابراین، شفیع خود را انسانی نادان یا فاسق قرار نده».^۱

۲-۱۲. قدرت تبیین و تشریح مفاهیم و موضوع‌ها را متناسب با زمان و آرمان‌های جوان امروز داشته باشد. او باید به فن سخنوری آشنا باشد؛ برای مثال، به هنگام بیان هنجارها و فضایل، از میان مخاطبان یا افرادی که محبوب آنها هستند، مصداق معرفی کند و در بیان ناهنجارها به افراد یا فردی اشاره نکند که مورد

۱. وسائل الشیعه، ابواب الجماعه، باب ۱۱، ح ۲.

علاقه مخاطبان است؛ بلکه موضوع را کلی و عمومی بیان کند؛ یعنی انگشت روی اوصاف بدون موصوف بگذارد.

۳-۱۲. از قبل به آنچه می گوید، عمل کرده باشد؛ در غیر این صورت، کلام وی اثربخش نخواهد بود و به جای جذب، دفع می کند. قرآن کریم این گونه افراد را بی خرد می داند: «اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَثْلَوْنَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید؛ با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید، آیا [هیچ] نمی اندیشید؟^۱

۴-۱۲. ضمن پرهیز از اصطلاح های غامض و خسته کننده، در گفتار و کلام تنوع داشته باشد و حد اعتدال را پیش گیرد.

بنابراین، باید توجه داشت که همه نوجوانان و جوانان در محیط و خانواده مذهبی تربیت نشده اند و حتی اگر هم چنین باشد، روحیه ها و علاقه های مذهبی متفاوتی دارند. مربی باتجربه کسی است که با هر فرد، مطابق تفاوت های فردی وی برخورد کند.

۵-۱۲. آموزش نباید موجب تضعیف یا نادیده گرفتن ابعاد دیگر انسان شود؛ به عنوان مثال، غرایز انسانی نباید نادیده گرفته شود، بلکه باید مطابق موازین شرعی و الهی باشند. باید غریزه را تعدیل و فطرت بشری به مسیر صحیح خود هدایت کرد. بنابراین، هر کسی نمی تواند در این دریای عمیق و بی کران غواصی کند و آموزش دینی و تربیتی را به عهده بگیرد.

کسی مرد تمام است کز تمامی

کند با خواجگی کار غلامی

بقای یابد او بعد از فنا باز

رود زانجام ره دیگر به آغاز^۲

۶-۱۲. معلّم و مربی باید اهل دل باشد و با دل سخن بگوید؛ زیرا سخن ناشی از دل، اخلاص دارد و بی شک بر دل می نشیند.

علامه فرزانه حسن زاده آملی می گوید:

یک دل و دلدار داری در صراط

۱. بقره، آیه ۴۴.

۲. شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، ص ۲۱

راه‌های دیگر است و دیوها اندر کمین
سیر آفاق چه باشد از نداری انفس
با حضور دل چه می‌خواهی ز تغیر^۱ جبین
گر دل گرفتگی نور حضورش
باید که می‌شد خورشید خاور
اگر دل، نور حضور را به خود بگیرد، مانند خورشید فروزان خاور نورانی می‌شود.
دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد
به زیر آن درختی رو که او گل‌های تر دارد^۲
در حقیقت، این بیت هم به معلّم اشاره می‌کند که باید اهل دل باشد و هم به دانش‌آموزان می‌گوید که
درس را باید از اهل دل شنید. خلاصه اینکه، معلّمان و مربّیان دینی و تربیتی، در گفتار و کردارشان، باید
نشان دهند که در پی اجرای اراده الهی هستند.
۷-۱۲. معلّم و مربّی باید با زبان نرم با دیگران برخورد کند. خداوند در قرآن در خصوص نحوه برخورد
حضرت موسی و برادرش هارون با فرعون به آنها چنین دستور می‌دهد: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا
لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»؛ به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوئید،
شاید که پند پذیرد یا بترسد.^۳
بنابراین، می‌توان گفت که سخن نرم جاذبه دارد و دل‌ها را به خود جلب می‌کند و معلّم را در تحقّق
هدفش یاری می‌کند.
۸-۱۲. دعاگوی مردم باشد و عموم مؤمنان، به خصوص نمازگزاران بیمار را دعا کند؛ به گونه‌ای که
بیماران دعا کردن او را بشنوند و احساس شمع کنند.
۹-۱۲. رعایت اختصار، یعنی هنگام سخنرانی، کوتاه سخن بگوید؛ اما سخنانش پرمعنا و جذاب باشد؛
به گونه‌ای که شنوندگان را تشنه سخن دین کند.
۱۰-۱۲. از ابعاد گوناگون، مخاطبان را از بشناسد.
۱۱-۱۲. لذّت‌های معنوی و راه‌های سوق به معنویات را به درستی تبیین کند.
راه‌های سوق به معنویات عبارت است از: بیان حقایق و باطن عالم وجود، تبیین فطرت پاک خداجوی،

۱. خاک آلود کردن، خاک مالیدن.

۲. دیوان شمس تبریزی.

۳. طه، آیات ۴۳-۴۴.

اشاره به لذت‌های معنوی و نتیجه‌های آن، ذکر داستان‌هایی از بندگان صالح و توضیح جاذبه‌های نماز و آثار بی‌بدیل آن.

۱۲-۱۲. در مسائل سیاسی و در صحنه‌های انتخاباتی، موضع‌گیری خاص نداشته باشد.

۱۲-۱۳. در صحنه‌های اجتماعی، مشارکتی و اقتصادی، به خصوص در کمک‌رسانی به نیازمندان مسجدی، حضور فعال داشته باشد.

۱۲-۱۴. زندگی بی‌آلایش و در حد متعارف داشته باشد.

۱۲-۱۵. مردم‌داری، یعنی در محدوده شرع، خود را در غم و شادی مردم شریک بدانند.

با توجه به اهمیت مقوله مردم‌داری، برخی از مصادیق آن در معارف اسلامی به شرح زیر بیان شده است. به منظور اختصار، به جای توضیح بیشتر، در هر مورد به ذکر یک روایت بر اساس بیانات معصومان (علیهم‌السلام) بسنده شده است:

احسان

احسان، زمینه‌ساز محبت و جذب دل‌هاست. در آموزه‌های اسلام در مورد احسان، سفارش زیادی شده است که در ادامه به ذکر دو روایت بسنده می‌شود: «الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ؛ انسان بنده احسان است»^۱ و «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ؛ با احسان، قلب‌ها تسخیر می‌شود»^۲.

خوش‌رویی و خوش‌خویی

به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر

به آب و دانه بگیرد مرغ دانا را^۳

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمُؤَدَّةِ؛ گشاده‌رویی، دام دوستی است»^۴.

حلم و بردباری

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «أَوَّلُ عَوَظِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنْ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ؛ نخستین دست‌آورد

بردبار از بردباری خود، پشتیبانی مردمان از او در برابر نادان است»^۵.

۱. آمدی، غررالحکم و درر الکلم، حدیث ۲۶۳.

۲. همان.

۳. دیوان حافظ، غزل ۴.

۴. همان، حدیث ۱۰۷۵.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱۲.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الْحِلْمُ رَأْسُ الرِّيَاسَةِ؛ سرآمد ویژگی‌های ریاست، بردباری است».^۱

آسان‌گیری

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ؛ سخت‌گیری، اخلاق را تباه می‌کند».^۲

رفق و مدارا

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الرِّفْقُ يُبَسِّرُ الصَّعَابَ وَيُسَهِّلُ شَدِيدَ الْأَسْبَابِ؛ رفق، دشواری‌ها را آسان می‌کند و سبب‌های سخت را سهل می‌کند».^۳

مهرورزی

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيَّةٌ فَنَنْتَلِفُهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند».^۴
همچنین، آن حضرت فرمودند: «التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ دوستی کردن، نیمی از خردمندی است».^۵

امانت‌داری

باید توجه داشت که وقت مردم امانت است و باید در حفظ این امانت کوشا بود.

گذشت و نادیده‌گرفتن لغزش‌ها

یعنی خود را به بی‌خبری زدن. اگر این ویژگی اخلاقی بجا و بموقع به کار گرفته شود، طرف مقابل را در حوزه جاذبه محبت و بزرگواری انسان قرار می‌دهد.
امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «صَلَّاحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَالتَّعَاشُرِ مِلٌّ مِکْيَالٍ ثُلَاثُ فِطْنَةٍ وَثُلُثُهُ تَعَاْفٌ؛ صلاح زندگی با مردم همچون پیمانه‌پری است که دوسوم آن فهم و آگاهی و یک‌سوم آن چشم‌پوشی است».^۶

۱. آمدی، غررالحکم، باب حلم.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۱۱، چاپ دانشگاه تهران.

۳. همان، ج ۱، ص ۸۹.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۵۰.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲.

۶. تحف العقول، ص ۳۵۹.

۱۳. بسیج همه امکانات و منابع ها

مدیر موفق باید نیروی انسانی، شیوه‌های نو و ابزارهایی را به کار گیرد که با کمک آنها می‌تواند به مسجد و مرکز فرهنگی رونق بخشد و توجه مردم، به خصوص نسل جوان، را جلب کند.

۱۴. ایجاد واحدهای آموزشی

مانند ایجاد گروه‌ها و کمیته‌های علمی، پژوهشی، تخصصی. در این باره بسیج و پایگاه مقاومت نقش ممتازی دارند.

۱۵. ایجاد خلاقیت

مدیر و معلمی موفق است که قدرت تحویل اندیشه و طرحی جدید، جذاب داشته باشد. در غیر این صورت، نیروی جوان از برنامه‌های تکراری گریزان و در نتیجه به مراکزی جذب می‌شود که برای او، از راه‌های مختلف و شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای، جاذبه کاذب ایجاد می‌کند.

۱۶. انگیزه

انگیزه، یکی از مؤثرترین عامل‌های جذب است که از دیدگاه عالمان دینی صورت‌های مختلفی دارد؛ مانند: انگیزه پنداری، مادی و معنوی. معلم و مربی، با لحاظ کردن مناسبات و ملاحظات افراد، از صورت‌های ذکر شده بهره می‌برد. او به دنبال انگیزه‌ای است که تأثیری بسیار قوی و مداوم داشته باشد و روح انسان را به هنگام کمبود، ناکامی و ناامیدی از تزلزل و بحران حفظ کند. کوتاه سخن آنکه مدیر موفق برای دانش‌آموزان خود انگیزه‌ی معنوی ایجاد می‌کند.

۱۷. شرکت دادن جوانان و نوجوانان در مسئولیت‌ها، با هدف جذب دیگر جوانان

در مسجدها، هر نوجوان و جوانی می‌تواند با توجه به علایق و توانایی‌های خود، کاری بکند و رابطه مناسبی با افراد هم‌سن خود برقرار کند و آنها را به مسجد و مراکز دینی و تربیتی جذب کند.

۱۸. اجرای مسابقه‌ها

مسابقه‌های علمی، ورزشی، هنری و رزمی (با همکاری پایگاه مقاومت بسیج مسجد) برای جوانان و نوجوانان جذاب است و اجرای آنها در تحقق هدف‌های مسجد نقش مؤثری دارد.

۱۹. معرفی الگو، پرداختن به قصه زندگی آنها و در صورت امکان، دیدار با آنها.

۲۰. اقامه نماز جماعت اول وقت در عین رعایت اختصار

پیامبر گرامی ﷺ در این باره می فرمایند: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ بِالنَّاسِ فَلْيُخَفِّفْ فَإِنَّ مِنْهُمْ الضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ وَذَالْحَاجَةِ وَإِذَا صَلَّى لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ؛ هِرْگَاهِ فِرْدِیْ اَزْ شِما اِمامِ جِماعتِ شُد، باید نماز را کوتاه کند و به حداقل اکتفا نماید؛ زیرا در میان اقتدا کنندگان، انسان های ضعیف، سالخورده، مریض، نوجوان و افراد دارای مشکلات (مغازه دار، مسافر و...) هستند و هر زمان برای خودت به تنهایی نماز می خوانی، به هر میزان مایل هستی طول بده»^۱.

۲۱. ایجاد مکان های جذاب برای جوانان و نوجوانان

منظور این است که بسترسازی و فضا سازی مطلوب به عمل آید تا زمینه حضور جوانان و نوجوانان، چه زن و چه مرد، در مسجد ایجاد شود؛ برای مثال اگر کانون های فعالی در کنار مسجد ایجاد شود، امکان جذب نوجوانان و جوانان به مسجد وجود خواهد داشت. کانون هایی که به کارهای فرهنگی، هنری، تفریحی و ورزشی بپردازد و امکانات لازم را فراهم کند؛ مانند کتاب های مناسب با ذوق و سن افراد، کتابخانه مناسب، سایت های اینترنتی علمی و تربیتی و متصدیان خوش برخورد و....

۲۲. راه های اصلاح و شناخت مؤثرترین آنها

علامه طباطبائی، در «تفسیر کبیر المیزان»، سه راه برای اصلاح و تربیت بیان می کند:
۱. از راه توجّه دادن به منافع و آثار دنیوی؛ برای مثال، هر کسی راست بگوید در جامعه اعتبار و ارزش پیدا می کند.

۲. از راه توجّه دادن به منافع و آثار اخروی و توجّه دادن به زبان آخرت.

۳. نکته ای که بیان می کنیم مختص قرآن است و در هیچ کتاب آسمانی دیگری نیامده است و آن این است که انسان را از نظر روحی و علمی به گونه ای تربیت کند و علوم و معارف را چنان در وجود او پیوراند که دیگر موضوعی برای زشتی ها باقی نمی ماند؛ برای مثال، کسی که ریا می کند و برای غیر خدا کاری انجام می دهد، دو علت بیشتر ندارد: یا می خواهد در نظر غیر خدا عزّتی پیدا کند یا از قدرت او می ترسد. چنین

۱. محمّدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحديث، ص ۱۳، حديث ۹۳۱۵، به نقل از صحيح مسلم، ج ۲، ص ۴۳.

کسی وقتی متوجه می‌شود که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» و «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» آرام می‌شود. اگر شخصی به راستی به این دو حقیقت ایمان راسخ داشته باشد و بداند که عزت و قدرت فقط مال خداست، موضوعی برای ریا و ظاهرسازی در او باقی نمی‌ماند؛ در نتیجه، نه به کسی امید پیدا می‌کند و نه از کسی می‌ترسد.

۲۳. مخاطب‌شناسی

مخاطبان این مقاله، نمازگزاران و همه گروه‌های جامعه هستند که به نوعی در برنامه‌های مساجد شرکت می‌کنند. آنها با توجه به ملاک‌های مختلف (حالت‌ها، روحیه‌ها، ویژگی‌های فردی و اجتماعی) در دسته‌های مختلفی جای می‌گیرند:

الف) تقسیم مخاطبان با توجه به وضعیت‌های مختلف فکری و عقیدتی

متکلم در برابر مخاطب، همانند پزشک در برابر بیمار است. همان‌گونه که پزشک ابتدا باید بیماری را تشخیص دهد و سپس درمان را انجام دهد، متکلم نیز نخست باید وضع فکری مخاطب را بشناسد و بعد متناسب با آن سخن بگوید. بنابراین، باید به قدر نیاز او سخن بگوید؛ نه طولانی و خسته‌کننده باشد و نه کوتاه و نامعلوم. از لحاظ فکری، مخاطب به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: مخاطب خالی‌الذهن

مخاطب خالی‌الذهن کسی است که بر لوح ذهنش هیچ شکی نقش نبسته است. دل این افراد، آمادگی زیادی برای پذیرش حقایق و معارف الهی دارد. اگر این دسته از مخاطبان، گمراه شوند، به سبب کوتاهی، غفلت یا فشار بیرونی بوده است.

دسته دوم: مخاطبان مردود و شگاک

به طور معمول، روش کاربردی برای این دسته، روش قیاسی، فلسفی و کلامی است؛ اما باید گفت هر روشی که شخص مردود را از تردید بیرون بیاورد، مطلوب است و کاربرد دارد. متکلم باید کلامش را با روش‌های مناسب ادا کند تا مخاطب را از شک و تردید بیرون بیاورد.

دسته سوم: مخاطبان منکر

افراد منکر از دو حال خارج نیستند: یا در اثر جهل و غفلت به انکار موضوعی می‌پردازند که داروی آنها علم و معرفت است و هنگامی که به واقعیت برسند، دست از انکار و لجاجت می‌کشند یا انکارشان از روی

۱. بونس، آیه ۶۵، نساء، آیه ۱۳۹.

۲. بقره، آیه ۱۶۵.

غرض و مرض است و بر انکار واقعیت اصرار می کنند که در این صورت، باید بین معاند و غیر معاند فرق گذاشت تا هم ظلم نشود و هم دیگران سوءاستفاده نکنند. باید معاند را که در حقیقت، با واسطه یا بی واسطه، فاعل مختار تهاجم های فرهنگی است، در مقام عنصری خطرناک از مجموعه نیروهای مسجد رانده شود و به قانون سپرد شود. معلّم ها و مربّیان که با این گونه افراد سر و کار دارند، باید توجّه داشته باشند که در مأموریت خود - تحقق امر تعلیم و تربیت - کاری نکنند که مخاطبان بگریزند.

ب) تقسیم مخاطبان با توجّه به حالت های روحی

۱. برخی از مخاطبان ذوق شعر دارند؛ بنابراین، تشکیل کانون شعر برای پیشبرد هدف ها مطلوب است.
 ۲. بعضی از مخاطبان هنر آواز خوانی دارند و از صدای خود، به خصوص در حضور دیگران، لذّت می برند. متولّیان امور مسجدها باید کاری کنند که این لذّت ها به لذّت های معنوی و الهی تبدیل شود و ذوق آواز خوانی به سوی تکامل سوق پیدا کند. در این راه، باید روش هایی را به کار برد که در تحقق هدف های مسجد تأثیر بیشتری دارد. به نظر می رسد که تشکیل کانون یا مجمع قاریان قرآن و مدّاحان اهل بیت، از جمله همین روش هاست. باید توجّه داشت که در زمان اجرای برنامه قرائت قرآن یا مدّاحی، همه امکانات صوتی مسجد به کار گرفته شود؛ زیرا این کار باعث می شود که ذوق آواز خوانی جوانان و نوجوانان ارضا شود یا به تعادل برسد و جذب کنسرت ها و موسیقی های مبتذل نشوند.

۳. تعدادی از مخاطبان ذوق هنر های نمایشی دارند. برای انتقال فرهنگ دینی به این گروه، باید از زبان نمایش و تئاتر استفاده کرد؛ بنابراین، توصیه می شود کانون تئاتر و نمایش های دینی و مذهبی تشکیل شود.
 ۴. گروهی از مخاطبان هستند که ذوق فلسفی، کلامی و به خصوص کلام جدید دارند و مایلند حقایق کلامی را با زبان روز بفهمند.

۵. برخی از مخاطبان هستند که حقایق دینی را فقط با زبان قصّه درک می کنند. در وهله اول، اینها کودکان مسجدی هستند (بین ۳ تا ۱۳ سال) و در وهله دوم، بی سوادان سالمند که باید در بیان قصّه و موضوع آن دقت شود.

۶. گروهی از مخاطبان هستند که با اردوهای زیارتی و آموزشی، دین دار می شوند؛ بنابراین، توصیه می شود با کمک جوانان مسجدی، کانون اردو تشکیل شود.

ج) تقسیم مخاطبان باتوجه به وضعیت سنی، خواسته‌ها و آرمان‌ها

از نظر سنی می‌توان مخاطبان را به چند گروه تقسیم نمود که عبارت‌اند از: کودکان (۲ تا ۱۲ سال)، نوجوانان (۱۲ تا ۱۸ سال)، جوانان (۱۸ تا ۳۵ سال) و میان‌سالان و بالاتر. هر یک از این گروه‌ها ویژگی‌ها، خواسته‌ها و آرمان‌هایی دارند که بیان همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد. از آنجا که جوانان و نوجوانان مخاطبان اصلی برنامه‌ها و فعالیت‌های علمی و تربیتی مسجدها هستند، در ادامه به ویژگی‌های این دوران و نکات تربیتی مربوط به این گروه سنی می‌پردازیم:

ویژگی‌های تربیتی نوجوانان

دوران بحران

اولین مرحله نوجوانی، گذر از دوران بحران است. در این مرحله، هر چه در زندگی گذشته نوجوان رخ داده است، در وضع فعلی او اثر می‌گذارد. اتفاق‌ها و تربیت این مرحله نیز در وضع زندگی آینده‌اش تأثیری پایدار خواهد داشت. زمانی که نوجوان به سرعت، تغییر جسمانی پیدا می‌کند، اجتماع از او می‌خواهد مستقل و مسئولیت‌پذیر شود و به خوبی درس بخواند، تکلیف‌های اسلامی را انجام دهد و... با توجه به موردهای ذکر شده، اهمیت مسجد در جایگاه محیط تربیت‌کننده نمایان می‌شود.

استقلال طلبی

در این مرحله، نوجوان می‌خواهد از ویژگی‌های دوران کودکی فاصله بگیرد و به استقلال برسد. باید توجه داشت که برخی از رفتارهای نوجوان که در نظر والدین یا مربیان ناپسند می‌آید، اقتضای سن آنهاست. اختلاف سنی نوجوان با والدین و مربیان نیز ناسازگاری را افزایش می‌دهد.

نوگرایی

در این مرحله، نوجوان مایل است خود را مستقل معرفی کند و ویژگی‌های دوره کودکی را کنار بگذارد. برای این منظور، نوجوان از والدین و اطرافیانی انتقاد می‌کند که در کودکی مورد پذیرش و احترام وی بوده‌اند. در برخی موردها، نوجوان عیب‌های والدین و بزرگ‌ترها را چندبرابر جلوه می‌دهد و محبت‌ها و رسیدگی‌های آنها را مداخله در کارهای خود می‌داند که همه این موارد نشان‌دهنده خصیصه نوگرایی نوجوان است.

رشد عقلانی

در مرحله رشد عقلانی، نوجوان این قابلیت را پیدا می‌کند که درباره گذشته و آینده مسائل ممکن و مجرد بهتر بیندیشد. به این ترتیب، دیگر افکار نوجوان فقط به واقعیت‌های ملموس و آنچه می‌بیند، محدود نیست. او می‌تواند، منطقی و منظم، موضوع‌ها و مسائل انتزاعی را بررسی کند. موضوع‌هایی که نوجوانان به آن فکر می‌کنند و عقاید خود را بر اساس آن شکل می‌دهند، طیف وسیعی از مسائل اخلاقی، مذهبی، سیاسی، علمی و غیره است. بنابراین، اگر روح نوجوان با مطلب‌های انحرافی و اشتباه‌ها و شبهه‌های عقیدتی تغذیه گردد، هویت او به همان صورت شکل می‌گیرد و جبران آن بسیار دشوار است. پس، بر مربیان و معلمان امور دینی و تربیتی لازم است که به این ویژگی توجه خاص داشته باشند.

خودمیان‌بینی

در نوجوان، خودمیان‌بینی به وجود می‌آید که مرحله‌ای گذرا در رشد شناختی وی است. یکی از آثار این پدیده، رفتارهای جلف است که با هدف جلب توجه و گاهی خودنمایی در برابر جنس مخالف است. بسیاری از نوجوانان می‌خواهند با وضع ظاهری، رفتاری و کلامی جلف و سنسجیده خود را مطرح کنند و توانایی خود را با هویتی منفی نشان دهند. موضوع دیگر، احساس جلب توجه است؛ نوجوانان احساس می‌کنند ظاهر و رفتارشان مورد توجه و بررسی دیگران قرار می‌گیرد. بنابراین، باید توجه داشت که به نوع پوشش، حرف زدن و رفتار نوجوان در مرحله نخست تعلیم و تربیت انتقاد نشود. همان‌طور که از روایت‌های اسلامی به دست می‌آید، تعلیم و تربیت امری تدریجی است و به مرور زمان می‌توان ناهنجارها را از افراد دور کرد.

ویژگی‌های تربیتی جوان امروز

۱. بسیاری از جوانان امروزی از تعلیم مستقیم امور تربیتی و اخلاقی متنفرند؛ به‌ویژه اگر مستقیم به خودشان اشاره شود. در این‌گونه موردها، باید از زبان و روش قرآن استفاده کرد. قرآن کریم در نکوهش و مدح اشاره تصریحی کم دارد و به طور عمومی، دارندگان صفت زشت را نکوهش و دارندگان صفت نیک را مدح می‌کند؛ مانند «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^۱، «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»^۲ و «وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ»^۳.
۲. جوان عصر حاضر از رمز و راز، در پرده سخن گفتن و صحبت با ایما و کنایه بیشتر لذت می‌برد. به این

۱. همزه، آیه ۱.

۲. مطففین، آیه ۱.

۳. مرسلات، آیه ۲۴.

دلیل، در تماشای فیلم‌ها و خواندن کتاب‌ها بیشتر دقت می‌کند تا به زاویه‌های پنهان آن پی ببرد. قرآن، کتابی است که رمز و رازهای فراوانی دارد. وقتی قرآن به جوان امروزی معرفی شود که از رازها و رمزها لذت می‌برد، طبیعی است که زبان قرآنی را می‌پذیرد.

۳. جوان امروزی، واقع‌گراست؛ پس باید برای او از واقعیت‌ها گفت و هیچ کتابی مانند قرآن و عترت واقعی نیست.

۴. جوان قرن ۲۱، اهل شبهه است؛ بنابراین، باید به رمز و راز شبهه آگاه باشیم تا بتوانی از پس پاسخ برآییم که در این صورت، واقعیت برای او ماندگار خواهد شد.

۵. جوان امروز، عدالت‌خواه است و در پی کسب آزادی تلاش می‌کند.

۶. جوان عصر حاضر، امور تعبّدی محض را قبول نمی‌کند و به دنبال چراهایی می‌گردد. زبان قرآن پاسخ‌گوی این ویژگی جوان امروزی است؛ زیرا قرآن هیچ‌گاه انسان‌ها را به تعبّد محض دعوت نکرده است و تأکید دارد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن...»؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند، آگاه‌تر است و هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد.

۷. جوان امروز، به برکت پیشرفت فناوری، قدرت تخیل زیادی پیدا کرده است.

۸. جوان امروز، می‌خواهد از قراین و شواهد خیلی دور، واقعیت را بیابد؛ مانند کارآگاهان. زبان قرآن برای این ویژگی جوان نیز پاسخ‌گوست. قرآن کریم نشانه‌های خیلی دوری از اشیا بیان کرده است؛ برای مثال، در بیش از ۱۴۰۰ سال قبل، به پدیده لقاح درختان، وجود اتم، مرکز بودن خورشید و... اشاره کرده است. بنابراین، اگر قرآن و عترت به درستی معرفی شود و پاسخ‌های جوان امروزی از میان آنها داده شود، او دین را با همه وجود می‌پذیرد.

۲۴. روش‌شناسی

مدیر فرهنگی و تربیتی مسجد، باید روش‌های موجود را بشناسد و مؤثرترین آنها را متناسب با مقتضیات حال مخاطب به کار گیرد. در اینجا، ما به سه روش عقلانی، عرفانی و هنری اشاره می‌کنیم:

۱. روش استدلالی و عقلانی

در روش استدلالی که برای تنظیم و تبیین گزاره‌های دینی و پاسخ به شبهه‌ها استفاده می‌شود، سه نکته وجود دارد:

نکته اول: اگر پذیرفتیم که هدف از به کارگیری شیوه استدلالی و فلسفی، آموزش دین، انتظام و مرتب سازی گزاره های دینی، تبیین آنها و پاسخ گویی به شبهه است، نباید با اعمال این روش به دنبال تولید ایمان، افزایش تقوی و آدم سازی باشیم؛ بنابراین، نباید از چنین کسی توقع داشت که نماز شب بخواند. با این روش، سه هدف دنبال می شود:

نخست اینکه، فرد مردّد، منکر یا نامؤمن، مؤمن می شود، دوّم اینکه، فرد مؤمن ایمانش تقویت می شود و در نهایت ایمان شخص مؤمن کاهش نمی یابد و سست نمی شود.

نکته دوّم: این روش، مخاطبان خاص دارد و عامّه مردم را شامل نمی شود. اگر به تاریخ کلام و فلسفه نگاه کنیم، می بینیم این گونه مسائل، مباحث، اندیشه ها و روش ها مخاطبان محدود داشته است و فقط عده ای از اهل ذوق یا نخبگان را شامل شده است. بنابراین، متولیان این امر باید از تعمیم مباحث های عقلی و فلسفی به سطح عمومی پرهیز کنند.

نکته سوّم: در پاسخ عقلی و فلسفی به شبهه ها، باید به این نکته توجه داشت که شبهه ها در هر دوره ای متفاوت هستند؛ بنابراین، بخشی از تلاش متولّی این امر باید صرف شناسایی شبهه ها و سؤال ها شود و سپس با استفاده از منبع های اصیل دینی و استدلال های استوار عقلی به آنها پاسخ دهد.

۲. روش عرفانی

عارفان به گونه ای کامل و مستقل و متمایز، دین و معارف را آموزش می دهند. این آموزش، اشکال مختلفی دارد: گاهی غیررسمی، گاهی عملی، در برخی موردها نظری و گاهی هم به صورت ادیبانه و بسیار مؤثر و بانفوذ بوده است؛ به این دلیل که عرفان با دل و جان آدمی ارتباطی مهربانانه دارد و آنچه با درون و قلب انسان شکل گیرد، تأثیرش بیشتر است.

در روش عرفانی باید، به دو نکته توجه کرد: نخست اینکه، امروز مذاهب و اندیشه های غیردینی بسیار متنوعی مثل عرفان بودا، عرفان چینی، شینتو^۱ و عرفان سرخ پوستی^۲ - رواج یافته است؛ بنابراین، از یک سو نیاز به عرضه عرفان ناب اسلامی فزونی یافته است و از سوی دیگر، ورود به این مسیر، قدم گذاشتن بر لبه درّه ای عمیق است و باید احتیاط کرد. نکته دوّم اینکه، در عرفان اسلامی، در کنار حرف های بلند و نورانی،

۱. شینتو (Shinto) یعنی، طریقه خدایان که آیین باستانی ژاپن است. این آیین، الهه خورشید به نام اماتراسو (Amaterasu) را نگهبان سرزمین اجدادی می داند و خاندان سلطنتی را از نسل این خدا و تجسم وی می شمارد.

۲. عرفان سرخ پوستی، دارای یک دسته اعمال مخصوصی است. این مسلک هیچ سند و مدرک معتبری ندارد، بلکه بیشتر از طریق خاطرات و گزارش هایی است که بعضی افراد از طریق سرخ پوستان نقل می کنند، که در بعضی موارد خود آنان، وجود خارجی نداشته یا حداقل خیلی ها آن را انکار نموده اند. این عرفان از خرافات شکل گرفته است تا واقعیت.

سخنان آلوده کم نیست؛ بنابراین، باید در تشکیل سخنرانی‌ها و جلسه‌های عرفانی دقت کرد تا عرفان ناب را با پالایش درونی به دست آورد.

۳. روش هنری

روش هنری، قالب‌های مختلفی دارد و می‌توان برای آن نمونه‌های زیادی بیان کرد؛ از جمله: زبان قصه و رمان. در قرآن به این شیوه بسیار توجه شده است. بیش از ۷۰ قصه در قرآن آمده است که ۱۵۰۰ آیه می‌شود و ۲۷ قصه درباره انبیای الهی است.

در اهمیت زبان قصه و رمان در روش هنری، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

شاهد اول: قرآن کریم به ما می‌گوید که می‌توان مسائل اعتقادی را محسوس کرد و در قالب مقوله‌های هنری به مخاطبان عرضه کرد. این در واقع، همان کاری است که امروز بیگانگان انجام می‌دهند. آثار افرادی، مانند سارتر، بکت، کوندرا، اونا مونو، کوئیلو و ده‌ها نویسنده دیگر بهترین شاهد این مدعاست. کارتون‌هایی نظیر «دوقلوهای افسانه‌ای»، «پینوکیو» و «ای کیوسان» حاصل یک فرهنگ و تمدن هستند. دوقلوها، این اندیشه را به مخاطب القای کند که اتحاد دو ناهم‌جنس و تمرکز آنان، قدرت می‌آورد که خلاصه تفکر بودائی‌ها است، کارتون پینوکیو دوره‌ای از سیر و سلوک و عرفان مسیحیت را نشان می‌دهد و کارتون ای کیوسان تداعی‌کننده عرفان یوگاست.

شاهد دوم: بخش مهمی از روایت‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام به محسوس کردن مسائل اعتقادی در قالب مقوله‌های هنری اشاره کرده است (به تفسیر آیات ۱۳ تا ۱۶ سوره «فصلت» مراجعه کنید).

شاهد سوم: قصه‌گویی، نقالی، پرده‌خوانی، تعزیه‌گویی و... نمونه‌هایی از فرهنگ اسلامی ایرانی است که خاستگاهی جز دین و قرآن ندارد.

شاهد چهارم: کارهای ادبی ایران اسلامی، مانند شاهنامه، افسانه‌های مثنوی، حکایت‌های گلستان و بوستان، داستان‌های کلیله و دمنه و نمونه‌هایی دیگر بیان‌کننده اهمیت توجه به مقوله‌های هنری و ادبی است.

شاهد پنجم: اهتمام به قصه تا حدی بوده است که حتی سرآمد نوابغ و فیلسوفان، ابن‌سینا، عاقبت به این روش روی می‌آورد و قصه «سلامان و آبال» و نیز «رساله الطیر» را می‌نگارد.

شاهد ششم: بسیاری از متفکران، اندیشمندان و کارشناسان دریافته بودند که بهترین، آسان‌ترین و سودمندترین شیوه تعلیم و تربیت، تمثیل است.

خلاصه اینکه، به دلیل قالب‌ها و زبان‌های متعدد هنر، امکان ندارد عده‌ای آن را نطلبند. هنر با مزاج و ذوق هر کسی متناسب است؛ بنابراین، یکی از عالی‌ترین ابزار و روش تعلیم و تربیت، روش هنری است.

۲۵. تبلیغات

تبلیغات مطلوب به مدیریت خلاق و هنرمندانه نیاز دارد. بر کسی پوشیده نیست که تبلیغات چه نقش مهمی دارد و یکی از مهم‌ترین عناصرها در تأثیرگذاری تعلیم و تربیت است. فضا سازی معنوی در درون و بیرون مسجد، اعلام برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد از طریق بروشور، هفته‌نامه یا ماه‌نامه و اطلاع‌رسانی و آموزش استعدادهای نوجوانان و جوانان از نمونه‌های تبلیغات در مسجد است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یادشده درمی‌یابیم که در نگاه شارع اسلام، مسجد کانون تعلیم و تربیت و فعالیت‌های دینی و فرهنگی است. حال، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان چراغ این کانون را برای همیشه روشن نگه داشت تا افراد بیشتری از پرتو نورافشانی‌های آن بهره ببرند؟ این سؤال موضوع این مقاله بود. تحقق چنین آرمان مقدّسی در مسجد که خانه خداست، به عامل‌های زیادی نیاز دارد که به آنها اشاره کردیم. یکی از مهم‌ترین عناصرهای تحقق چنین آرمانی، عنصر مدیریت فرهنگی مسجد است. این مدیریت در صورتی توفیق می‌یابد که دارای ویژگی‌های مذکور در این مقاله باشد و در غیر این صورت، نه تنها قادر نیست که مسجد را در مسیر هدف‌های عالی و الهی قرار دهد، بلکه موجب انحراف مسجد و مسجدیان نیز می‌گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، فرماندهی در اسلام، انتشارات هدف.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ هـ. ش.
۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم (به شرح النووی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابوالقاسمی، محمد جواد، امام و مأموم در جلوه گاه حضور، نشر یاس کبود، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۵. احمدی، مسعود، مدیریت اسلامی، نشر ویرایش، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۶. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، بی تا.
۷. شیخ حرّ عاملی، محمد حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث [بی تا].
۸. حسن زاده آملی، حسن، دلنامه و خداینامه، گردآورنده مجتبی آوریده.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ارباب امانت (اخلاق اداری در نهج البلاغه)، انتشارات دریا، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۰. رضائیان، علی، اصول مدیریت، سازمان سمت، چاپ دهم.
۱۱. شبستری، سعد الدین شیخ محمود، گلشن راز، به کوشش و مقدمه و حواشی و تعلیقات دکتر جواد نوربخش، تهران، انتشارات یلدا قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، [بی تا].
۱۳. فلسفی، محمد تقی، سخن و سخنوری، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجّه البیضاء، قم، انتشارات اسلامی.
۱۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق / ۱۹۸۸ م.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷ هـ. ش.
۱۷. مشکینی، علی، قصار الجمل، دو جلدی، بی تا.

۱۸. ناشر، عبدالحسین، درالادب در فتنه معانی، بیان، بدیع، انتشارات هجرت.
۱۹. نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۰. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۱. نشریه علمی فرهنگی تبلیغی مسجد دانشگاه، پیش شماره ۱۳۸۰ ه.ش، صاحب امتیاز نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دامت باری) در دانشگاه ها.
۲۲. نشریه معارف، فروردین، ۱۳۸۱ ه.ش، معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دامت باری) در دانشگاه ها.
۲۳. نماز در آیین نشریات دانشجویی، ویژه یازدهمین اجلاس سراسری اقامه نماز، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دامت باری) در دانشگاه ها، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۴. شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، تألیف ۷۱۷ هجری قمری، نسخه الکترونیک pdf، نشر الکترونیک توسط امیر حسین خنجی، قابل دسترس در: www.iran-tarikh.com
۲۵. خبرگزاری مهر به آدرس: www.mehrnews.com

نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای

سعید اسدی

چکیده

نوشتار حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن، علاوه بر مطالعه اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. این نوشتار، در صدد تبیین نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای است و مسئله اصلی پژوهش، تحلیل نقش مسجد به عنوان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی و نقش‌آفرینی آن در مدیریت ارتباطات اجتماعی و تأثیر آن در توسعه شهری، به‌ویژه توسعه محله‌ای با ظرفیت و پتانسیل بالا است. نگارنده، به سامان دادن مدل‌های ذهنی و ساختار ذهنیت مدیران شهری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و تشکلهای مردمی، نظیر مسجد و کانون‌های فرهنگی مستقر در آن و گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا پرداخته و نحوه فراهم آوردن رفتار توسعه‌یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر و محلات تهران را مورد بحث قرار داده است.

واژگان کلیدی:

توسعه شهری، مدیریت خرد، مدیریت محله‌ای، تشکلهای مردمی، تفکر نظام‌گرا.

اشاره

جایگاه مسجد در ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن و حل مشکلات موجود شهری و محله‌ای، منتج از شهرنشینی و نوگرایی، در جهت بر خور داری از جوامع سالم، به‌ویژه در سطح محله‌ای است. مسئولیت نهاد مسجد در اجرای عدالت اجتماعی، به واسطه مدیریت در توزیع متناسب بیت‌المال و از میان بردن فقر و تبعیض میان افراد سطوح مختلف جامعه بسیار مهم بوده است. در عصر کنونی نیز نقش مسجد در انعکاس نقطه‌نظرات و پیشنهادات مردم شهرها و محلات به مسئولان و تأثیر گذاری بر روند تصمیم‌گیری و مدیریت خرد کشور، متناسب با نظرات و خواسته‌های مردم مورد توجه همگان قرار گرفته است. جایگاه مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت امت اسلامی و تأثیر آن در غنای مدیریت و استانداردسازی زندگی انسان در جنبه‌های فردی و اجتماعی، چنان با اهمیت است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در مقایسه با سایر شاخص‌های مدیریتی که به‌طور عمده از زاویه و چشم‌انداز خاص، مدیریت فرهنگی، آموزشی و... را مدنظر قرار می‌دهند، امروز نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سرو کار دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار گردیده است. به عبارت دیگر، امروز بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه اداره حکومت، به همان صورت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تأکید می‌فرمود، بیش از پیش افزوده شده است. از این رو، در این نوشتار مختصر، ضمن توجه به نقش مسجد در افزایش فشرده‌گی کالبدی در توسعه شهری، به جای نظام مدیریت شهر محور به مدیریت محله محور می‌پردازیم و آن را تشریح می‌نماییم.

نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت بر این اعتقادند که جوامع امروز بشری، همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه صنایع و دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی بشر به همراه شاخص‌های دیگر که برای تأمین نیازمندی‌های روزافزون اجتماع، پا به عرصه وجود نهاده‌اند، مسائل مدیریتی و تئوری‌های جدیدی را مطرح نموده است که حل و فصل آنها نیاز به دید علمی و نگرش جامع مدیریتی دارد.

با توجه به کمبود منابع مادی و انسانی و توسعه روزافزون سازمانی در جهت تولید و توزیع کالا و خدمات، به اقتضای پیشرفت‌های مربوط به فناوری و تکامل و تحوّل ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، ضرورت رفتار

عقلایی و خردگرایی سازمانی، مشهود می‌گردد.

ماکس وبر، خردگرایی را متضمن طرح‌ریزی و ایجاد یک نظام اداری از طریق تقسیم کار و هماهنگ کردن فعالیت‌ها بر اساس بررسی منظم روابط یک فرد با افراد دیگر، به منظور به دست آوردن بهره‌وری بیشتر می‌داند.^۱

با مشاهده سیر تکاملی جوامع بشری پی می‌بریم که ادامه زندگی انسان بدون وجود سازمان و تشکیلات اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در آن روزی که انسان پا به عرصه وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز کرد، به‌طور فطری نخستین واحد سازمانی را به نام (خانواده) تشکیل داد.^۲

از دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی که عمری بس طولانی داشته و شاید از نظر قدمت چندان فاصله‌ای با سازمان خانواده نداشته باشد، سازمان حکومت یا سازمان مدیریت است؛ چرا که بشر در آغاز احساس کرد که نیاز به تشکیلاتی دارد که در قالب آن وظایف و مسئولیت‌ها را مشخص نماید. امروز که زندگی و آگاهی‌های علمی بشر توسعه یافته و نیازهای گوناگون انسانی، سازمان‌های متنوعی را می‌طلبد، به اهمیت سازمان افزوده شده است تا جایی که دنیای پیشرفته کنونی، انواع و اقسام سازمان‌ها را برای اداره امور زندگی خود، به وجود آورده است. سازمان‌های تربیتی و پرورشی، سازمان‌های اخلاقی و انسانی و... که هر یک از آنها با طبایع مخصوص به خود انجام وظیفه می‌نمایند، نمونه‌هایی از این قبیل هستند. با توجه به اهمیت، تعاریف و شاخص‌های سازمان از نظر صاحب‌نظران علم مدیریت و با نگاهی به فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است باید به سازمان‌دهی و سازمان با دیدی عمیق نگریده می‌شود.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنه اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از جمله مسائلی هستند که جهت نیل به سعادت و سیادت و توسعه در نظام اسلامی از ضروریات زندگی اجتماعی به شمار می‌روند. امروز آمار و سنجش‌های آماری، نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت عرصه‌های مختلف بازی می‌کنند. چگونگی و ساختار برنامه‌ها را، آمار مشخص می‌کند. از این رو، به دلیل گره خوردن این دو مقوله و ارتباط مستقیمی که با هم دارند، آنها را در کنار هم در نظر گرفته‌اند. در مباحث جامعه‌شناسی گفته می‌شود که هرچه آمار دقیق‌تر و مشخص‌تر باشد، از عملکرد دقیق‌تر و مشخص‌تری در برنامه‌ها، به‌ویژه برنامه‌های مدیریتی برخوردار خواهیم بود. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله و خدمات رفاهی و اجتماعی آن، داشتن درک درست از سرانه مصرفی مردم هر محله و تدوین آمار بازاریان و

۱. اقتداری، علی محمد، سازمان و مدیریت، ص ۲.

۲. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۱۲۷.

ساکنان هر محلّ و یا آمار مساجد و کانون‌های فرهنگی محلّه‌ای و نسبت آن با جمعیت و سکنه هر محلّه، به‌طور دقیق همان نقشی را در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و به‌ویژه مدیریت محلّه‌ای ایفا می‌نماید که عقر به‌های ساعت در مشخص کردن زمان دارند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که مبنای برنامه‌ریزی و مدیریت در امور محلّه‌ای و منطقه‌ای باید در قالب برنامه‌ریزی بر مبنای آمار صورت گیرد. با درک هر چه بیشتر تبعات آمار محلّی، مثل دانستن آمار درستی از میزان مصرف افراد در هر محلّه، بی‌شک امر برنامه‌ریزی و مدیریت برای جهت‌دهی به مصرف و عرضه خدمات نیز روشن‌تر می‌گردد. به عنوان مثال با در دست داشتن آمار نمازگزاران هر مسجد در محلّه‌های مختلف، با توجه به نسبت جمعیت ساکن در هر محلّه، می‌توان درک درستی از شرایط مذهبی و فرهنگی آن محلّ و میزان موفقیت مساجد در مدیریت محلّه‌ای به دست آورد.

مدیریت در سطح کلان شهری

در جهان امروز، شهرها ابعاد پیچیده‌ای یافته‌اند و گویی که حاصل هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. شهرها، همچون یک نظام، با موجودیت خود به عنوان تنظیم‌کنندگان روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذار بر زمینه‌های باورها، اندیشه و رفتار آنان، عهده‌دار نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند.

در دهه‌های اخیر حسّاسیت این موضوع بسیار فراتر از گذشته به چشم می‌خورد؛ چرا که شهرها تجسّم عینی ایده‌آل‌ها، آرزوها، نگرش‌ها و مناسبات اجرایی یک جامعه شده و چه بسا مؤثرتر از نظام‌های آموزشی و اطلاعاتی کلّ کشور، به صورتی عمیق و نامحسوس، تار و پود وجودی شهروندان را می‌سازند.

در واقع، اتّکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعاد فزاینده‌ای یافته است. به گونه‌ای که ابتدیی‌ترین نیازهای آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی‌گردد. به همین دلیل است که در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره‌کننده حکومت ما محسوب می‌گردند. مدیریت کلان شهر تهران در کشور ما ابعاد بسیار پیچیده و مسائل بسیار گسترده‌ای را یافته است. این شهر مرکز و کانون فعالیت‌های گوناگون در جامعه ایران گردیده است.

تهران، به عنوان مرکز حکومت، به اقتضای سامان‌دهی سیاسی و مدیریتی جامعه به‌طور وسیعی، ساختار یافته است؛ به گونه‌ای که بخش عظیمی از دستگاه‌های اندیشه‌ساز، پردازش‌گر اطلاعات، تصمیم‌ساز و کلیه نهادهای تصمیم‌گیر در این شهر استقرار یافته‌اند.

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در گرو فضای متعادل و آرامی است که اجازه شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. امروز بیش از پیش به نظر می‌رسد که تهران از آرامش برخوردار نبوده و مرکز اصلی اداره‌کننده کشور از توازن و بالنده‌سازی کارشناسان و مدیران جامعه دور می‌شود.

کلان شهر تهران، در درون خود بسیاری از چیزها را جای داده است که در یک کلام، نظام تکاملی ناهنجاری به نظر می‌آیند. حل مسائل این شهر فقط به اتکای داده‌ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان‌پذیر نبوده و ضرورت سامان‌دهی فهم و تعقل صاحب‌نظران و نخبگان فکری جامعه و شهروندان این شهر را طلب می‌کند. کلان شهر تهران را به عنوان یک (شهر پایدار) باید نگریست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعاد متعادل و ظریف‌تری می‌یابد و نظام مدیریت شهری عهده‌دار فراهم آوردن شرایطی می‌گردد که در چارچوب آن، شهروندان از آرامش روحی برای توسعه نیایش و آسایش ذهنی برای گسترش اندیشه و سلامت جسمی برای تلاش و فعالیت اجتماعی برای نیل به توسعه شهری - محله‌ای برخوردار گردند. بدین ترتیب، نقطه آغازگر مدیریت شهری در تهران، به اجرای طرح جامع ۲۵ ساله و ارائه خدمات شهری محدود نگردیده، بلکه نیازمند فلسفه مدیریتی است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده، در تعامل گسترده با شهروندان به نتیجه برسد؛ چرا که بر این اعتقاد راسخ هستیم که بیشتر شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده‌اند؛ اما همین شهرها در محیط تمدن ساز خود، بزرگ‌ترین نوآوری و فرصت‌های تحوّل را با جمع‌آوری و تضارب افکار، منابع و دانش بشری فراهم آورده‌اند. سامان یافتن مدیریت کلان شهر تهران در گرو اقدامات گسترده، پیوسته و همه‌جانبه‌ای است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری، به دلیل معطوف داشتن توجّه بر توسعه محله‌ای؛
۲. حفاظت و احیای مراکز باستانی و مساجد مستقر در محلات مختلف شهری؛
۳. اصلاح نظام اداری شهری و تغییر نظام شهرمحور به نظام محله‌محور؛
۴. سامان دادن مدل‌های ذهنی یا ساختار ذهنیت مدیران از طریق برقراری ارتباط با نهادهای مدنی و تشکّل‌های مردمی، نظیر مساجد در راستای نهادهایسازی تحوّل و بالندگی در اداره شهر تهران؛
۵. گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و منظومه‌ای و فراهم آمدن رفتار توسعه‌یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر تهران؛
۶. ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد، فرهنگ‌سراها، خانه‌های فرهنگ، مدارس، دانشگاه‌ها و... به عنوان کانون‌های توسعه تفاهم اجتماعی و برقراری امکان تبادل نظر میان این کانون‌ها و دستگاه‌های دست‌اندرکار برای یادگیری جمعی.

دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت

کمتر عاملی به اندازه دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی و دوران ساز از جمله تشکیل سلسله‌ها و خاندان‌های حکومت‌گر دخالت داشته است. در دربارهای قدیم به ندرت می‌توان مواردی یافت که دین‌داران در نظام درباری، نقش و نفوذ نداشته باشند.

در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای وجهه دادن به حکومت به حق یا ناحق خود، برای آن الهام یا منشأ الهی قائل شده‌اند. کلیسا، از بدو تأسیس تا عصر جدید اغلب، دولتی یا در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است؛ اگر چه پیوند دین و مدیریت (حکومت)، کارنامه‌ای درخشان نداشته است. به همین دلیل است که بیشتر مدیران (حکمرانان) از نقش و نفوذ دین سوءاستفاده می‌کرده‌اند و گر نه از آنجا که دین، بیشتر هم‌عنان با اخلاق است، پیوندش با مدیریت (حکومت) می‌تواند به نفع حکومت شوندگان و جامعه بشری باشد. به طور کلی می‌توان گفت که دین و ایمان از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی-فرهنگی بشر بوده‌اند. شاید عصر ما، عصر بازنگری و بازگشت به دین باشد. دو قاعده بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینه اندیشه و علم) و مارکسیسم یا کمونیسم (در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی) شکست خورده و برای بشریت رنج دیده امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامه مجامع اسلامی، مساجد به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیّت تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی، مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است، همانا وجود مناره‌های بلند و زیبایی مساجد در پیشانی شهرها و محلات مسلمان بوده است. در حقیقت، آموزش عملی بنیان‌گذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه‌گذاری شده است. در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی، مسجد نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ورود به یثرب، در محله قبا آن را به مورد اجرا می‌گذارد. آن حضرت با ورود به یثرب، نام مدینه را بر آن برگزیده و مسجد دیگری در مرکز شهر بنا می‌نهد. بدین ترتیب، رسول اکرم صلی الله علیه و آله این درس را به همگان می‌دهند که برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن و برای برخورداری از جامعه سالم، باید از قالب مسجد گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا «صِبْغَةُ اللَّهِ» است، بر خود گرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی (مدیریتی) تشکیل داد و دین و آیین سیاست (مدیریت) را آموخت و دانست که اسلام، دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه شهری و محله‌ای است. در مسجد، شکاف طبقاتی حذف و نظام

برابری و برادری بر آن حاکم است. آنچه که در مسجد مورد نظر است، تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است. کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری، حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد به وضوح مشهود است.

مدیریت و اسلام

ابعاد گوناگون زندگی انسانی، دو موضوع را به ما ثابت می‌کند که نیاز به مدیریت از لوازم ضروری زندگی و وسیله‌ای برای سعادت اوست و این ضرورت، آنگاه آشکار می‌شود که انسان در ابعاد مختلف فکری و جسمی، اجتماعی و روانی شناخته شود.

دین مبین اسلام، ضرورت مدیریت را تا آن حدی می‌داند که می‌گوید قبل از اینکه به کاری اقدام کنید برای خود مدیریت را برگزیند تا در پناه نظم و هماهنگی سریع‌تر به هدف برسید.^۱

مطالعه تاریخ گذشتگان، ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و یا انحطاط ملت‌ها واقف می‌گرداند. چه بسیارند ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه‌های مساعد فکری و مایه‌های غنی فرهنگی هیچ کمبودی نداشتند، اما به علت نداشتن مدیریت مدبرانه و رهبری آگاهانه در راستای برنامه‌ریزی صحیح و سازمان‌دهی اصولی و استفاده از نیروهای موجود در جهت نیل به هدف، در سراشیبی سقوط و شکست قرار گرفته‌اند. در مقابل، ملت‌هایی بوده‌اند که با سازمان‌دهی و بسیج نیروها، و مدیریت منسجم از کمترین امکانات، بزرگ‌ترین افتخارات را کسب نموده‌اند. زندگی انسان از آن جهت که یک زندگی اجتماعی است، از واحدهای مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را ارگان‌های نظام اجتماعی می‌نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی، به تدریج سازمان‌های جدیدی نیز شکل گرفته است. به دیگر سخن، در هر جامعه‌ای برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معین، یک سازمان به وجود می‌آید. این سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای نظام و کارکرد مخصوص به خود است. در جامعه اسلامی هر مسجد، یک سازمان منسجم معنوی است و دارای اهداف، کارکرد و نظامی مخصوص به خود است و باید به شکل صحیح مدیریت شود تا بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی و یا تجاری نیست؛ بلکه سازمانی الهی مردمی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلمه امام جماعت و با حضور توده مردم سازمان‌دهی می‌شود.^۲

جام ام گائوس می‌گوید: «سازمان، عبارت است از تنظیم افراد برای تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد

۱. تقوی دامغانی، سیدرضا، مدیریت اسلامی، ص ۵۳.

۲. محمدی آشنائی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۱۹.

همگانی از راه تجنیس کار کرد و وظایف».^۱

در تعریف مدیریت اسلامی آمده است: «فَعَالِيَّتِي که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم (علیهم السلام) و علوم و فنون و تجارب بشری برای رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند، مدیریت اسلامی است».^۲

پیامبر اکرم ﷺ با ارائه تعریف جدید از دین و دین داری، جامعه نوینی را بر اساس شریعت اسلام پایه گذاری کردند و محور این حرکت را مساجد قرار دادند و همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت، مردم مداری و خدا باوری را در نهاد جمعی، اجرایی و مدیریتی به نام مسجد سازمان بخشیدند و مساجد را به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت در میان امت مسلمان مطرح ساختند.

مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت

در حکومت اسلامی، میان مقامات مسئول و توده های مردمی جدایی نیست و مسلمانان می توانند بر مسیر و جهت گیری های حکومت بر روند امور جامعه نظارت کنند. در این دیدگاه، مردم می توانند موضع خود در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به طور آشکار اعلام نمایند و با ارایه برنامه ها، طرح ها و پیشنهادات سازنده، حکومت را یاری دهند. بر این اساس، پیامبر اکرم ﷺ پس از بنیان گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه، به منظور دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه حکومت (مدیریت) و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرائض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی-حکومتی (مدیریتی) اسلام برگزید و از آن پس، تجسّم عینی همبستگی دین با حکومت (مدیریت) در اسلام به بهترین وجه در مسجد متجلی گردید. پیامبر اکرم ﷺ در مسجد، اصول سیاسی-حکومتی (مدیریتی) اسلام را با مردمان در میان گذارده و در حلّ و فصل مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی با ایشان مشورت می کرد. پیامبر اکرم ﷺ همچنین، مقدمات فکری-اجتماعی و مدیریت بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می نمود. آن حضرت با ایراد خطبه های پُر شور، مسلمانان را برای نبرد با دشمنای اسلام بسیج و از همان جا مدیریت می نمود. مساجد در دوران پیامبر اکرم ﷺ از نظر عملکردهای سیاسی و اجتماعی بسیار فعال بودند و در این زمینه، نقش بارزی ایفا می نمودند. در وهله اول از مساجد به عنوان مراکز اصلی حکومت یاد می گردید. باید دانست که دفتر

۱. پرهیزکار، کمال، تئوری های مدیریت، ص ۱۸.

۲. مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت، ص ۱۲.

کار خلفای مسلمانان نیز در مساجد بود و در آنجا به رتق و فتق امور کشوری پرداخته می‌شد. هرگاه افرادی برای انجام پاره‌ای مذاکرات به مدینه می‌آمدند، در مسجد با خلیفه ملاقات می‌نمودند. در «تاریخ المدینه المنوره» آمده است که گروه‌هایی از فارس به مدینه آمدند و جویای محلّ جلوس خلیفه دوم شدند. آنان وی را در منزلش نیافته، برخی گفتند: خلیفه در مسجد است. پس، به آنجا رفته و او را در مسجد در حالی که هیچ کسی با او نبود، یافتند. ایشان گفتند: همانا سلطنت واقعی، چنین سلطنتی است نه سلطنت کسری.^۱ علاوه بر این، مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی به عموم معرفی شده بود. خلفا، انجمن‌های مشورتی را در مساجد تشکیل داده و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی به مشورت و مذاکره در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... می‌پرداختند.

هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) می‌خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجران و انصار در مسجد پیامبر در مدینه به مشورت پرداخت. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: چون فرستاده امام علی (علیه السلام) از نزد معاویه بازگشت، امام در مسجد برای مردم خطبه سر داده و گفت: معاویه با سپاه شام برای نبرد و لشکر کشی به سوی عراق، خود را مهیا ساخته است. رأی شما در این باره چیست؟ به این ترتیب مساجد در آن روزگار به عنوان مجالس شورای اسلامی نقش بارزی را در مدیریت ایفا می‌نمودند.

واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی از جمله تأمین نیازهای فراوان اجتماعی از ویژگی‌های جامعه مدنی شناخته می‌شود. یکی از مفاهیم جامعه مدنی این است که تا حدّ امکان، فعالیت‌های اجتماعی به خود مردم واگذار شود و از تصدّی دولت کاسته شود تا در حدّ امکان، مردم داوطلبانه در انجام فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته و در حدّ ضرورت دخالت کنند. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه مساجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان کوشیده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده و از هر فرد جامعه موجودی مهذب بسازد.

در این صورت، علاوه بر این که جنبه مشارکت مردم در امور تقویّتی می‌گردد، ساختار مدیریتی مساجد منسجم‌تر شده و توسعه فرهنگ دینی و اعتلای نهادها و فعالیت‌های دینی در سطح جامعه، به‌ویژه در سطح محلّه‌ای فراهم می‌آید. میزان اهمیت عنصر مدیریت در هر نهادی با توجه به نقش‌ها و کارکردهای آن نهاد، روشن و آشکار می‌گردد. نگاهی گذرا به نقش‌های گوناگون و مهمی که مساجد باید در عرصه‌های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... ایفا کنند، اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می‌سازد. از یک

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۲۶.

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه، ش ۵.

سو، خداوند متعال کافران و مشرکان را از دخالت در اداره امور مدیریتی مساجد باز داشته و فرموده است: «كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ»^۱ و از سوی دیگر، مؤمنانی را که شرایط خاصی دارند، برای اداره امور مدیریتی مساجد شایسته دانسته است و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^۲.

مسجد، پایگاه مدیریت کشور پیامبر بود. بعدها، حضرت امام علی (علیه السلام) نیز از مسجد به عنوان پایگاه رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد.

نقش مدیریتی مساجد عبارت است از: اداره روابط اجتماعی از طریق هماهنگ‌سازی منابع (انسانی، مالی و مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه بشر. این وظیفه خطیر، مستلزم آن است که مساجد با محور قرار دادن بُعد عبادی مسجد، هر فعالیتی که تحقق ارزش‌های الهی و دینی را تسهیل می‌سازد، به انجام رسانند. این فعالیت‌ها و کارکردها، دارای ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند که تمامی آنها در جهت توسعه حیات بشر و تقرب به خداوند متعال صورت می‌پذیرد. نکته شایان ذکر آن است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد، تبدیل به حوزه‌ای پیچیده و ظریف می‌گردد؛ زیرا در این مؤسسه، هم اداره‌کننده، هم اداره‌شونده و هم محصول، انسان‌ها هستند. به عبارت روشن‌تر، نقش مدیریتی مساجد با قلمروهای پیچیده فعالیت‌های انسانی سروکار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف است. به این دلیل می‌توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری‌ترین کارکرد مسجد به شمار می‌آید، نقش مدیریتی مساجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های مسجد قرار می‌گیرد، آگاهی و اشراف داشته باشد. با عنایت به این ویژگی می‌توان گفت که مدیریت مساجد، دارای ماهیت منحصر به فرد و پیچیده‌ای است که اعمال کارآمد و اثربخشی آن مستلزم خبرگی و مهارت‌های متعدد است.^۳

مساجد، خود را موظف می‌دانند که در مواقع نیاز، روح جدید و تازه را در همه ارکان حاکمیت دمیده و آنها را فعال‌تر سازند. یکی از کارهای مهم مساجد، انتقال نقطه‌نظرات و خواسته‌های مردم محلات و شهرها به گوش مسئولان کشور است که این امر یکی از امور مهم در اندیشه سیاسی اسلام است تا تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور متناسب با نظارت و خواسته‌های مردم در سطح خرد باشد. مساجد، پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. مساجد برای ادای وظیفه ظریف، دقیق و پیچیده خود در حوزه مدیریت، به آگاهی‌های

۱. توبه، آیه ۱۷.

۲. همان، آیه ۱۸.

۳. ابوالقاسمی، محمدجواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی، ص ۱۱.

بسیاری نیازمندند. بنابراین، باید به طور کامل در جریان امور مملکت قرار گرفته و این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مسجد میسر نیست. در این صورت است که مساجد می توانند با توجّه به تناسبات زمانی و نیاز اجتماعی به نقش آفرینی مؤثر خود در حوزه مدیریت ادامه دهند.

مساجد باید به منظور ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه استفاده کنند. به کارگیری فنّاوری پیشرفته اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی با محتوای متناسب با مساجد محلی، از امور مهم است که مساجد می توانند با استفاده از آن ارائه خدمات خود را گسترش دهند. نقش مهم دیگر مساجد، تربیت دینی انسان های مؤمن است که بتوانند در عرصه های مختلف با استفاده از تجربیات علمی بشری جامعه را اداره کنند. بازایی نقش گم گشته مدیریتی مساجد همچون صدر اسلام در سیره نبوی ﷺ، ایجاد دولت در دولت نیست، بلکه ورود دولت به مسجد محلی است. مسجد، تنها یک مکان نیست، بلکه سازمانی بس مهم برای اجتماع مسلمانان و برقراری اتحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این رو، هنگامی که مسجد ضراب برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان احداث شد، خداوند به رسول اکرم ﷺ فرمود تا آن را ویران کند. مسجد، میراث بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. در هر شهری که توسط سپاهیان اسلام فتح می گردید مسلمانان، مسجدی بنا می نمودند. هدف از انجام این کار این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدن و تکوین و مدیریت افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکانی جدید مهاجرت می نمودند، مسجدی احداث می کردند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد.

خطبه جمعه، نقش اساسی و فعالی در توجیه افکار عمومی اسلامی دارد. این در صورتی است که خطیب جمعه، نمازگزاران را نصیحت، ارشاد و توجیه کند. بدین ترتیب، افکار عمومی اسلامی در زیر سقف مساجد و بر اساس شورا شکل گرفته و جنبش های آزادی بخش اسلامی از مساجد محلی شهرهای سوریه، الجزایر، ایران، مصر و... آغاز شد.

مساجد، تشکیلاتی مدیریتی مبتنی بر نظام اسلامی هستند. رسول خدا ﷺ امت خود را فرمان می دهد: «هرگاه سه نفر بودید، یکی را از میان خود امیر کنید». نظام اسلامی بر تمامی اوضاع خانواده، معاملات، بازارها و مظاهر زندگی اسلامی از کوچک تا بزرگ، حاکم بوده و مدیریت می نماید. اهل مسجد، یک تشکیلات شرعی مخصوص برای اداره مسجد به شمار می روند.

اداره مساجد جامع بر عهده هیئت های امناست که از میان نمازگزاران مساجد انتخاب می شوند و در میان مردم به حسن رفتار و صداقت معروف هستند. مردم محلات، در کارهایشان به این افراد مراجعه نموده و بدون مشورت با آنان هیچ اقدامی را انجام نمی دهند.

نقش مسجد در مدیریت اقتصادی

یکی از چالش‌هایی که همواره کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده، در اجرای برنامه‌های توسعه خود با آن مواجه هستند، مسئله فقر و محرومیت اقشار قابل توجهی از افراد جامعه است.

از یک سو، رهایی از مشکل توسعه‌نیافتگی، نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر موجود در جامعه، امکان چنین اقدامی را نمی‌دهد. ضمن آنکه دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی به گونه‌ای می‌تواند شکاف طبقاتی در جامعه را دامن بزند و موجبات فشار بیشتر بر روی قشر آسیب‌پذیر را فراهم آورد. اگر از منظر جامعه‌شناسی، نظری به جوامع گوناگون بیان‌داریم، چه در کشورهای به اصطلاح سرمایه‌داری و چه در کشورهای کمونیستی و یا نظام‌های مختلف، نوعی تبعیض بین افراد جامعه مشهود است و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه‌نیافتگی در جامعه می‌گردد. از این منظر، بحث (عدالت اجتماعی) و نوع رویکردی که برنامه‌های توسعه می‌توانند به این موضوع داشته باشند، همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای هر برنامه توسعه، به‌ویژه توسعه شهری بوده است. در صدر اسلام مسجد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود که این خود نشانگر ارتباط محکم میان دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان از مساجد به عنوان مراکز امنی برای نگهداری ثروت ملی استفاده می‌شد. در حال حاضر نیز با معطوف داشتن توجه به مساجد، به‌ویژه مساجد محله‌ای می‌توان با توزیع متناسب بیت‌المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی، از فقر و توسعه‌نیافتگی جلوگیری نموده و گام در مسیر توسعه پایدار، به‌ویژه توسعه شهری و محله‌ای برداشت. مساجد، بهترین پایگاه‌های آگاهی‌بخشی و عدالت‌خواهی هستند.

ماترس از آن داریم که اگر خارج از مساجد، سخنی از عدالت به میان آوریم، مفهوم عدالت منحرف و تحریف‌گردد و این در حالی است که می‌توان عدالت اجتماعی را در مسجد که به عنوان پایگاه عدالت معرفی شده، مطرح نمود. در این صورت عدالت نیز ظرف خوبی پیدا می‌کند و انحرافات به کمترین حد خود می‌رسند.

مسجد و مدیریت توسعه

از آنجایی که مساجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع‌رسانی را در سنت خود با نماد ارزشمند اذان داشته‌اند، می‌توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع‌رسانی در سطوح شهری و محله‌ای یاد نمود. مساجد به دلیل برخورداری از مبنای دقیق برای اطلاع‌رسانی، تأثیر بیشتری در امر اطلاع‌رسانی، به‌ویژه در سطح محله‌ای خواهند داشت. مسجد به عنوان یک واحد اجتماعی، از کارکردهای متعددی برخوردار بوده

و میعادگاه مؤمنان است و از این طریق به زندگی اجتماعی وصل شده و می‌تواند در ارتباطات اجتماعی نقش آفرینی کرده و منبع و مرجع مهمی برای انتشار اخبار، به‌ویژه در سطح محله‌ای باشد. با توجه به وجود ۵۷ هزار و ۶۳۵ مسجد در سراسر کشور (با متراژ ۳۶ میلیون متر مربع)، به جرأت می‌توان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی در کشور را مساجد دانست.

بنابراین، نقش مدیریتی این شبکه گسترده در توسعه شهری، به‌ویژه محله‌ای حائز اهمیت است؛ هر چند که محله‌ها، واحدهای کوچکی را در خود جای دادند، اما با پیوند به یکدیگر، مجموعه بزرگی را می‌سازند که از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است. مزایای ایفای نقش مساجد در مدیریت توسعه محله‌ای و مهم‌ترین فواید دخالت مساجد در حوزه مدیریت توسعه محلات شهری مانند کلان شهر تهران را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. کاهش بار مالی نظام اسلامی؛

هنگامی که گروهی از افراد بومی محله به عنوان افراد خدمت‌گزار در مساجد به فعالیت و انجام وظیفه در راستای اقدامات مدیریتی برای نیل به توسعه محلی به عنوان عبادت‌مبادرت می‌نماید، چرا باید وظیفه مدیریت توسعه محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام قرار بگیرد و گروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی قابل توجهی را بر نظام اسلامی تحمیل نماید؟

۲. تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه محله‌ای؛

۳. انتخاب مدیران شایسته در لوای هیئت امنای مساجد از میان مردم محلات؛

۴. به‌طور معمول، مردم یک منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقه خود دارند، بهتر می‌توانند با مشارکت مساجد به انتخاب مدیران محله‌ای در قالب هیئت امنای مساجد مبادرت نمایند.

۵. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی، نظیر مساجد و اگذار شده است، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند و این در حالی است که هر زمان مردم یا نهادهای مردمی حضور نداشته‌اند یا حضورشان کم‌رنگ بوده است، کاری انجام نگرفته و یا به‌کندی صورت پذیرفته است.

۶. برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنان محله؛

در جامعه ایران نیز همچون هر جامعه دیگر، جریان‌های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه و محل برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی، در مسجد نزدیک به محل کار و زندگی خود حضور می‌یابند. از این‌رو، وجود مدیران محله‌ای در بافت مساجد، خود به خود باعث هماهنگی میان مدیران و

ساکنان محلات در راستای بررسی و مطرح ساختن مشکلات یا مسائل پیش روی محلات می گردد؛ حال آنکه انتخاب مدیران محله ای از سوی مرکز یا نهادی رسمی، چه بسا به نوعی به بی تناسبی میان مشکلات و مسائل موجود در سر راه توسعه محله و اقدامات مدیران انتخابی بینجامد. در نتیجه در عوض توسعه محله ای، رکود و بی رونقی در محلات را به دنبال داشته باشد.

نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله ای

برخی از مشکلات بارز زندگی اجتماعی در کلان شهری چون تهران در بیشتر شهرهای بزرگ جهان در فرآیند شهرنشینی و نوگرایی حضور دارند. نوشته های جامعه شناسان معتبری مانند امیل دورکیم، کثورت زیمل و لویی ورت در اشاره به مشکلات جامعه شهری ابتدای قرن بیستم آغازگر این مباحث بوده اند.

به عنوان مثال، زیمل معتقد بود که ساکنان شهرهای بزرگ به طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که به ناچار فرد را به بی تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می دهد.

لویی ورت نیز بر این باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر در اثر تخصص های گوناگون، از وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می کاهد. در تحلیل نهایی، آنها زندگی شهری را با، تنهایی، انزوا و احساس عدم امنیت معادل می گرفتند.

در نقطه مقابل، پایه و اساس دین اسلام بر اصل اجتماعی بودن قرار گرفته است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کنج غربت برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این رو، اسلام همواره مؤمنان را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می کند؛ زیرا تنها از طریق اجتماع، مسلمانان می توانند به صورت ید واحدی در مقابل مصائب و مشکلات ایستادگی کنند: «ید الله مع الجماعة». به همین دلیل است که مساجد به عنوان جایگاه های سنتی و نهادهایی در راستای رفع مشکلات مادی و معنوی رخ می نمایند.

نتیجه سخن

در این برهه از زمان، نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سر و کار دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار گردیده و بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه اداره حکومت (همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تأکید داشت)، بیش از پیش افزوده است. از این رو، توجه به نقش مسجد در افزایش فشرده گی کالبدی در توسعه شهری از نظام مدیریت شهر محور به مدیریت محله

محور و ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد و اماکن مذهبی در مراکز محله، بسیار ضروری است.

نکته شایان توجه اینکه با مرکزیت یافتن مساجد به عنوان نهادهای مدیریتی در سطح محله‌ای، نهاد خانواده نیز قوت می‌گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران، در اثر عواملی مجزا از جمله ادامه به روز شدن و شهرنشینی و افزایش ولع ارتقای اجتماعی، در تلاش برای ورود به دانشگاه و مدارس خصوصی و گسترش در کنار عدم درخواست و توانایی دولت برای تقویت نهاد خانواده و... فرآیند تضعیف این نهاد مهم اجتماعی را فراهم آورده است. علاوه بر این، با مرکزیت مساجد، محلات نیز قوت می‌گیرند. از نظر تاریخی، یک محله، دارای کارکردهای متعدد اجتماعی است که به‌ویژه در مراکز تجمع گروهی همچون مساجد، هیئت‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... تبلور می‌یابد. این کارکردها، فعالیت‌ها، هنجارها و ارزش‌های مربوط به آن، اثری تنظیم‌کننده بر رفتارهای جمعی دارند و فرد که عضوی از محله محسوب شده، نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می‌گیرد. در چنین حالتی فرد در ارتباط‌های مدنی و ضابطه‌مند قرار گرفته، خود را به گفت‌وگو و همبستگی‌های سنتی پایبند می‌نماید و از هویت جمعی جدیدی برخوردار می‌گردد. در این مرحله است که با گسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه‌مند گسترش یافته و محله به عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح شده و رابطه ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محله، مشهود و هویدا می‌گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. اقتداری، علی محمد، سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات مولوی، ۱۳۶۸ ه. ش.
۲. ابوالقاسمی، محمدجواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی، تهران، انتشارات عرش پژوه، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه. ش.
۳. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات نوبهار، ۱۳۷۴ ه. ش.
۴. ابن شعبه حرّانی، ابومحمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ ه. ق.
۵. تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات نخیل، ۱۳۸۶ ه. ش.
۶. محمدی آشنانی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، تهران، معاونت فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۷۷ ه. ش.
۷. پرهیزکار، کمال، تئوری‌های مدیریت، تهران، انتشارات اشرافی، چاپ سوم، ۱۳۵۷ ه. ش.
۸. مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت.
۹. بلاذری، أحمد بن یحیی (م ۲۷۹)، فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل، تهران، نشر نقره، چاپ اول، ۱۳۳۷ ه. ش.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه، شماره ۵.

علل کارآمدی و موفقیت مدیریت مساجد در کشور سنگاپور (از دیدگاه خرد و کلان)

محمّد علی موقّف رستمی

چکیده

مسجد، سازمانی دینی و معنوی است که جایگاه خاص و مرتبه والایی در میان مسلمانان دارد و نباید از نقش بسیار ارزنده و تأثیرگذار آن در انسجام بخشی به گروه ها و طبقات گوناگون جامعه اسلامی از هر صنف، فرقه، مذهب و نگرش و عقیده غافل شد. این نقش، در ایجاد وفاق و همدلی بین عامّه مردم با هدف هدایت آنان به سوی کمال انسانی و گام عملی، در جهت قرب به حق، بیش از همه اهمیت دارد. در این راستا، بهره گیری از همه توان، ظرفیت و امکانات در تأسیس سازمانی منسجم، همراه با تشکیلات مدیریتی توانمند و کارآمد برای دستیابی به این اهداف متعالی مدیریت مساجد، بسیار حائز اهمیت است. در زمان حاضر، با عنایت به وسعت و گستردگی کشورهای اسلامی و پراکندگی مسلمانان در جهان، مساجد از منزلت والایی برخوردارند و شایسته است که با نگرش تشکیلاتی در این خصوص به اداره مساجد اقدام شود. در این مقاله با هدف شناخت بیشتر نحوه «تشکیلات مدیریتی مساجد در کشور سنگاپور» و الگوگیری از آن، سعی شده است تا ضمن فراهم کردن زمینه بهره مندی از مدیریت های موفق مساجد، از تجربه ها و راهکارها و شیوه های موفق مدیریتی آنان استفاده شده و با بومی سازی این روش های نوین مدیریتی، گامی عملی و کاربردی در مدیریت مساجد کشورمان برداریم. اگرچه یکی از مشکلات اصلی و مهم که امروز با آن مواجه هستیم، نداشتن ارتباط و تعامل اصولی و مستمر بین مدیران مساجد کشورهای اسلامی، از طریق هم اندیشی و هم فکری برای هم افزایی و ارتقاء سطح کمی و کیفی در حوزه مدیریت مساجد است. اگر فضای ارتباط دوسویه و تعامل منطقی لازم صورت بگیرد، در سایه این ارتباط، شاهد نتایج با ارزشی از جمله انتقال تجربیات موفق به یکدیگر، تبادل آراء و دیدگاه های کارشناسی خواهیم بود و در نهایت، برداشتن گام های عملی مهم در مسیر توسعه و تسریع در فرآیند رشد و تعالی جوامع اسلامی، از طریق مدیریت کارآمد و موفق در حوزه های کلان و خرد مساجد نتایج مهم این تعامل و ارتباط دوسویه خواهد بود.

واژگان کلیدی:

مسجد، مدیریت مسجد، سنگاپور، الگو، سازمان.

مقدمه

مسجد، نخستین نهاد اجتماعی شکل یافته در زمان صدر اسلام است. آنچه مسلم است، اتفاق نظر درباره نقش ممتاز و میزان چشم گیر مداخله مردم در بحث مدیریت مساجد است و جملگی به مدیریت مردمی در ساخت و تجهیز و اداره مساجد معتقدند. آنچه در این میان، جای بحث و بررسی دارد، چگونگی اعمال مدیریت کلان و خرد به ابتکار مردم و نیز میزان نقش و پشتیبانی دولت اسلامی در تعامل و همکاری با آنان است.

در هر جامعه‌ای، برای ایفای وظایف خاص و رسیدن به اهداف معین، سازمان‌هایی شکل می‌گیرند. این سازمان‌ها برای تحقق مسئولیت خویش، سیستم و کارکرد مخصوص به خود دارند. در جامعه اسلامی، هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی محسوب می‌شود و اهداف، کارکردها و شیوه‌های مخصوص به خود دارد و باید به شکلی صحیح، در حوزه‌های کلان و خرد مدیریت شود تا بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

با چنین برداشتی، مدیریت مسجد تبدیل به حوزه‌ای پیچیده و ظریف می‌گردد؛ زیرا در این پایگاه، هم اداره‌کننده، هم اداره‌شونده و هم محصول، افراد هستند. به عبارت روشن‌تر، مدیریت مسجد با قلمروهای پیچیده فعالیت‌های انسانی سر و کار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد گوناگون است.

سایر شاخه‌های مدیریت، به‌طور عمده از زوایه و چشم‌انداز خاصی مدیریت را مدنظر قرار می‌دهند؛ نظیر مدیریت امور آموزشی، مدیریت فرهنگی، مدیریت نظامی و سایر موارد. مدیریت مسجد با همه این قلمروها سر و کار دارد. به این علت می‌توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد، که البته محوری‌ترین کارکرد مسجد به حساب می‌آید، توجه به قلمروهای گوناگون که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های آن قرار می‌گیرد نیز، ضرورت دارد.

در این مقاله تلاش شده است که الگوی موفق و کاربردی مدیریت مساجد در کشور سنگاپور مطرح شود. به این علت، ابتدا نحوه مدیریت و تشکیلات مساجد در چند کشور مختلف اسلامی و غیراسلامی مورد بررسی اجمالی قرار گرفته و بعد از بررسی اولیه، مدیریت موفق مساجد در سنگاپور، از جنبه‌های مختلف به عنوان پایه کار (پایلوت) مورد کنکاش دقیق‌تر و عمیق‌تر قرار گرفته است.

در این راستا، ضمن بررسی و تدقیق، این نتیجه حاصل شد که مساجد کشور سنگاپور از مدیریت منسجم و تشکیلات قوی در دو بُعد کلان و خرد برخوردار است و به همین علت، مدیریت این مساجد، به‌طور دقیق

تحلیل و بررسی شده است و علل موفقیت و شیوه‌ها و کارکردهای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بیان مسئله

پس از تحقق انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فرصت بسیار مناسبی برای توسعه و تعمیق فرهنگ دینی، که از لوازم ضروری و اولیه ایجاد بستر تعامل بین دولت و مردم است، در ایران فراهم شد. با توجه به اقبال عمومی به دین و فراهم شدن این امکان فوق‌العاده برای توسعه فرهنگ دینی، اکنون با گذشت سه دهه از انقلاب، آنچنان که انتظار می‌رفت، نتوانستیم بین نهادهای مردمی و دولت در امر ترویج و بسط ارزش‌های دینی و مبانی عقیدتی، تعامل واقعی برقرار سازیم. پی‌بردن به علل این موضوع مهم، در کلیه ابعاد، روش‌ها، ساختارها و محتوای برنامه‌های اجرایی، چه در بخش دولتی در قالب حاکمیت جامعه و چه در حوزه فعالیت نهادهای مردمی، به بازنگری نیاز دارد. بنابراین، لازم است از پژوهش‌های عمیق و متقن بهره برد تا بتوان از فرصت‌های باقی مانده نهایت بهره‌برداری را نمود.

بررسی راهکارهای عملی و امکان‌سنجی تحقق و بهبود مؤلفه‌های توسعه در کلیه ابعاد، به‌ویژه در بعد دینی و عقیدتی مردم بر حسب نقش و وظایف تعریف شده، همراه با حدود و ثغور معین و بدون تداخل، اعم از دولت در قبال مردم و مردم در قبال دولت، می‌تواند گامی نوین در تحقق نگاه برنامه‌ای و اصولی به برقراری و گسترش تعامل بین دولت و مردم باشد.

شاید بتوان اذعان نمود که مهم‌ترین چالش‌هایی که در زمان حاضر پیش روی ماست و بسیاری از مسائل حاشیه‌ای که با آن مواجه هستیم، ناشی از همین چالش‌هاست، عدم تدوین و کتابت مدیریت مساجد در ابعاد کلان، میانه و خرد و تنظیم روابط بین دولت و مردم در مدیریت مساجد و نیز آماده نکردن ساز و کارهای هدفمند، برای گسترش این روابط است. در عین برخورداری از دولتی دینی و نیز جامعه‌ای دین‌مدار، هنوز نتوانسته‌ایم آن چنان که شایسته نظام ماست، ارتباط نزدیک و تنگاتنگ بین این دو فراهم نمائیم. مسجد به عنوان بستر توسعه فرهنگ دینی، می‌تواند از نمادهای اصلی برقراری تعامل و همکاری بین دولت اسلامی و مردم باشد. تبیین واقعی جایگاه و نقش مساجد می‌تواند ما را در رسیدن به این مهم یاری نماید. بدیهی‌ترین کاری که می‌تواند در این زمینه انجام پذیرد، تعریف و مشخص شدن حدود و ثغور مدیریت تشکیلات مساجد است.

بنابراین، با توجه به توفیق مسلمانان سنگاپور در مدیریت مساجد، در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال هستیم که علل کارآمدی و موفقیت مدیریت تشکیلات مساجد در کشور سنگاپور چیست؟

تعریف مفاهیم

در این مقاله از واژه‌های کلیدی و مفاهیم زیر استفاده شده است. به همین دلیل، قبل از ورود به بحث اصلی، به اختصار این واژگان را تشریح می‌نماییم:

۱. **سنگاپور:** نام کشوری در جنوب شرقی آسیاست که به شکل جزیره‌ای در جنوب کشور مالزی و شمال کشور اندونزی قرار گرفته است.

۲. **الگو:** به معنای نمونه و مدل است که اغلب با تأثیرپذیری از آن، مشابه آن را پدید می‌آورند. در این زمینه، «ویلیام هارمون» مؤلف کتاب «یک راهنمای ناتمام به سوی آینده» می‌نویسد: «الگو همان روش ابتدائی درک، تفکر، ارزش‌یابی و عمل در کنار تصویری از حقیقت است. الگو به عنوان درکی بی‌چون و چرا و تلویحی به فرهنگ نفوذ کرده و از طریق تجربه مستقیم به جای آموزش، به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود».^۱

۳. **سازمان مسجد:** مسجد، سازمانی منسجم و معنوی است. «مسجد، دارای هدف غایی تقرب انسان به خداوند و اعتلای نام الله است؛ از این رو، دارای کارکردهای مختلف است. تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی یا تجاری نیست، بلکه سازمانی الهی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلام امام جماعت و با حضور توده مردم سازمان‌دهی می‌شود».^۲

۴. **مدیریت مسجد:** «مدیریت مسجد عبارت است از اداره یک سازمان معنوی از طریق هماهنگ‌سازی منابع انسانی، مادی، فیزیکی و مالی، برای تحقق اهداف الهی و معنوی».^۳ این امر مستلزم آن است که مدیریت مسجد با محور قرار دادن بُعد عبادی مسجد، هر فعالیت‌هایی را که تحقق ارزش‌های الهی و دینی را تسهیل می‌کند، محقق سازد.

۵. **مسجد:** مسجد، به معنای سجده‌گاه و مکان سجده است. واژه مسجد در لغت، اسم مکان از فعل (سَجَدَ، يَسْجُدُ) است و به معنای «جایگاه سجده و محل عبادت است که در فارسی (مزگت) هم گفته شده است».^۴ مسجد، در اصطلاح عرفی عبارت است از مکانی که خاص عبادت برای مسلمانان بوده است؛ ولی در قرآن کریم، مسجد به معابد اهل کتاب نیز اطلاق شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَالَ الَّذِيْنَ غَلَبُوا عَلَىٰ اٰمْرِهُمْ لَنَنْتَحِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا».^۵

۱. دوهفته‌نامه الکترونیک شرقیان، ش ۱۷، ص ۲۴.

۲. محمدی‌آشنایی، علی، سازمان و مدیریت مسجد، ص ۱۹.

۳. موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، ص ۲۰.

۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۲۲۴۲.

۵. کشف، آیه ۲۱.

اهداف

- ۱- معرفی الگوی صحیح و موفق مدیریت در تشکیلات مساجد سنگاپور در ابعاد کلان و خرد؛
- ۲- بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند، شیوه‌ها و روش‌های کاربردی در مدیریت تشکیلات مساجد این کشور به منظور فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های مدیریت کارآمد برای مسئولان و متولیان مساجد کشور؛
- ۳- ایجاد فضای همکاری و تعامل و تبادل آرا و افکار بین کشورهای اسلامی در تحقق مدیریت بهتر و کارآمدتر مساجد برای غنی‌سازی، تقویت و افزایش کمی و کیفی متون و منابع موجود و نیز در دسترس قرار دادن این منابع برای اجرای طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی و پژوهشی برای محققان و پژوهشگران کشور.

پیشینه نظری

قبل از اینکه به موضوع اصلی مقاله بپردازیم، لازم است به انواع مساجد و چگونگی مدیریت آنها را در دیگر کشورها بپردازیم. به طور کلی، سه نوع مدیریت در مساجد کشورهای مختلف اعمال می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. مدیریت مساجد در کشورهایی که اکثر قریب به اتفاق جمعیت آنها مسلمان هستند و دین رسمی آنان نیز اسلام است، به همت دولت و هیئت حاکم صورت می‌گیرد؛ مانند: ایران، عربستان، مصر و
۲. مدیریت مساجد در کشورهایی که حکومت آنها لائیک است، ولی اکثر مردم آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، توسط مسلمانان مدیریت می‌شود و دولت هم در بعضی امور مساجد مداخله می‌کند؛ مانند: ترکیه و
۳. مدیریت مساجد در کشورهایی که حکومت آنها لائیک است و مسلمانان در اقلیت هستند، مدیریت مساجد به دست خود این اقلیت مسلمان انجام می‌گیرد و دولت نقشی در اداره مساجد ندارد؛ اگرچه در چارچوب سیاست‌های ابلاغی دولت در خصوص چگونگی فعالیت پیروان ادیان رفتار می‌کنند؛ مانند: آلمان، هلند، انگلیس، سنگاپور و

کلیات جغرافیایی سنگاپور

«شبه جزیره سنگاپور، جزیره‌ای کم‌ارتفاع است و مانند قطره‌ای در نیمه غربی مالزی و در جنوب شرقی

آسیا واقع شده و در جنوب مالزی (مالایای غربی) و شمال اندونزی (سوماترای اندونزی)، در کنار تنگه سنگاپور قرار گرفته است. این کشور علاوه بر شهر سنگاپور که نخستین و بزرگ‌ترین شهر این کشور است، ۵۷ جزیره کوچک‌تر نیز دارد.^۱ طول این جزیره ۴۲ کیلومتر و عرض آن ۲۳ کیلومتر و به طور تقریبی به اندازه تهران است. «کشور سنگاپور حدود ۶۹۵ تا ۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و سنگاپوری‌ها هر ساله با پیشروی به سمت دریا از طریق پر کردن مناطق کم‌عمق ساحلی که خطوط ساحلی آن بیش از ۱۹۰ کیلومتر است، به وسعت آن می‌افزایند. به همین دلیل، مساحت این کشور کمی متغیر اعلام شده است. به طور تقریبی کمتر از یک‌سوم سنگاپور را جنگل و فضای سبز طبیعی فراگرفته است و اقلیم این کشور استوایی است.»^۲ جمعیت این کشور حدود چهار میلیون و ۶۰۸ هزار نفر با میانگین سنی ۳۸ سال است. زبان رسمی آنان چینی (۷۷٪)، مالایی (۱۴٪)، تامیل (۵٪) و انگلیسی است. همه این زبان‌ها رسمی هستند. مردم سنگاپور تنوع دینی دارند. پیروان ادیان در نهایت صلح و آرامش در کنار هم زندگی می‌کنند. از این میان، ۵۴ درصد از مردم پیرو دین بودا و داثو (تائو) و ۱۵ درصد مسلمانان اهل سنت از نژاد عرب، اندونزیایی، مالزیایی، چینی، پاکستانی و هندی هستند. مسلمانان، دومین گروه جمعیتی این کشور را تشکیل می‌دهند. غالب مسلمانان، مالایی‌هایی هستند که از نژاد چینی و هندی‌اند. حدود ۱۳ درصد چینی‌ها، اورآسیایی‌ها و هندی‌های مقیم این کشور مسیحی‌اند (اعم از کاتولیک، پروتستان و دیگر مذاهب مسیحی) و ۴ درصد هندو هستند. تعداد اندکی از این جمعیت نیز پیرو آئین سیک، هندو و بقیه مردم از دین خاصی پیروی نمی‌کنند.»^۳

حکومت سنگاپور

نام رسمی کشور سنگاپور، جمهوری سنگاپور (Republic of Singapore) و نوع حکومت آن جمهوری است. این کشور در سال ۱۹۶۵م به استقلال رسید و شهر سنگاپور (Singapore) که یک شهر بندری است، پایتخت آن است. «در سنگاپور رئیس حکومت، رئیس جمهور است که با رأی مردم برای دوره‌ای شش ساله انتخاب می‌شود. نخست‌وزیر، رئیس دولت است که به طور معمول، رئیس حزب اکثریت است. مجلس این کشور ۸۴ کرسی دارد که نمایندگان آن با رأی مردم برای دوره‌ای پنج ساله انتخاب می‌شوند. احزاب عمده سیاسی عبارت‌اند از: حزب اقدام خلق، حزب دموکرات سنگاپور، حزب کارگران»^۴.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی پارسی بلاگ.

۲. همان.

۳. پایگاه مطالعاتی تخصصی ایپنا.

۴. پایگاه مطالعاتی تخصصی ایپنا.

تنوع قومی یکی از مشخصه‌های بارز سنگاپور است. «چینی‌ها، مالایی‌ها و هندی‌ها اصلی‌ترین این اقوام هستند. دولت سنگاپور هم سعی دارد این کشور را کشوری چند فرهنگی معرفی کند. به نظر می‌رسد میان این اقوام اتحاد برقرار است»^۱.

وضعیت مسلمانان در سنگاپور

مردم سنگاپور از زمان حضرت محمد ﷺ از طریق تجار عرب مسلمان، با اسلام آشنا شدند و خبر دعوت به اسلام به سرعت به مردم سنگاپور رسید؛ به طوری که شهرهای ساحلی آن در قرن اول هجری سکونت‌گاه اقلیت مسلمان این کشور بود؛ اما با گذشت زمان آنان در جزایر گوناگون ساکن شدند. مؤسسه‌های دعوت به اسلام و آموزش‌های اسلامی در سنگاپور، از قرن هفتم هجری تأسیس شد. مسلمانان سنگاپور سعی در حفظ هویت اسلامی خود داشته و دارند و به آموزه‌های دین اسلام تمسک می‌جستند و نظریات و عقایدی را که مخالف اسلام و مسلمانان بود، قبول نمی‌کردند.

مجلس علمای اسلامی سنگاپور (Majlis Ugama Islam Singapura) که در سال ۱۹۶۸م تأسیس شد، بر امور مسلمانان و اماکن مذهبی نظارت دارد. این مجلس در «مساجد» و مراکز اسلامی به تبلیغات دینی گسترده‌ای می‌پردازد. مهم‌ترین هدف این مجلس، معرفی جامعه مسلمان به عموم و قوام بخشیدن به امور مسلمانان در سنگاپور است. «آنان در حفظ هویت اسلامی خود تلاش بسیاری دارند و به اشاعه صحیح اسلام اقدام می‌کنند و به همین سبب از فعال‌ترین گروه‌های مسلمان در شرق آسیا به شمار می‌روند»^۲. حکومت سنگاپور نیز نه تنها از رشد اسلام و اسلام‌گرایی جلوگیری نمی‌کند، بلکه به توسعه اسلام و بهبود شرایط مسلمانان این کشور نیز کمک می‌کند.

وضعیت مساجد در سنگاپور

سنگاپور با وجود وسعت محدود خود و نیز جمعیت ۱۵ درصدی مسلمان، دارای ۶۹ مسجد فعال است. با توجه به جمعیت ۷۰۰ هزار نفری مسلمانان در سنگاپور، به طور تقریبی برای هر ده هزار نفر، یک مسجد وجود دارد (البته باید توجه داشت که سنگاپور فاقد شهرها یا روستاهای مهم به غیر از پایتخت است). به همین علت وسعت و مقیاس مکانی مساجد در کفایت یا عدم کفایت جمعیت فعلی سنگاپور بسیار تأثیرگذار است. قدیمی‌ترین مسجد سنگاپور «مولو کا» یا «ملقا» نام دارد که در سال ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰م احداث شده

۱. پایگاه علمی و فرهنگی عابدی.

۲. سایت دانشگاه ادیان و مذاهب.

است. با گذشت ۱۹۰ سال از ساخت نخستین مسجد، شمار فعلی مساجد به ۶۹ مسجد رسیده است و رشد کمی و کیفی ساخت مساجد در این کشور بعد از استقلال سنگاپور، یعنی از سال ۱۹۶۵ افزایش فراوانی داشته است. بزرگ‌ترین مسجد سنگاپور مسجد «السلطان» و مسجد «مهاجران» است. مسجد «فاطمه زهرا (ع)» در سال ۱۸۴۳ م ساخته شده است.

نقش حکومت سنگاپور در ساخت مساجد بسیار حساس است. دولت نه تنها به سازمان‌های دولتی اجازه می‌دهد که کمک‌های داوطلبانه کارکنان را جمع‌آوری نمایند، بلکه مجموعه‌ای از زمین‌ها را با قیمت اختیاری و توافقی برای ساخت مساجد جدید در اختیار مسلمانان قرار می‌دهد.

مدیریت تشکیلات مساجد سنگاپور

در سنگاپور با توجه به محدودیت جغرافیای سرزمینی و بُعد مکانی، مساجد به شیوه‌ای خاص اداره می‌شود. در ادامه به چگونگی اداره و مدیریت آنها اشاره خواهد شد.

مساجد سنگاپور به همت مجلس علمای اسلامی سنگاپور (Majlis Ugama Islam Singapura) که سه سال پس از استقلال این کشور به عنوان یک مرجع قانونی تأسیس شده، اداره می‌شود. در چشم‌انداز مأموریت ترسیم شده برای این مجلس موارد زیر ذکر شده است:

رسالت مجلس: مهم‌ترین رسالت مجلس علما، گسترش و تعمیق درک مسلمانان سنگاپور در عمل به اسلام و افزایش سلامت روحی و توفیق معنوی مردم است.

اولویت استراتژیک: تنظیم برنامه‌های اسلامی، متناسب با نحوه زندگی مذهبی و پیشرفت معنوی مسلمانان سنگاپور تعیین گردیده است.

مجلس علمای اسلامی سنگاپور به عنوان شورای مذهبی این کشور شناخته می‌شود. هنگامی که دولت، نظارت این مجلس بر اجرای قوانین اسلام را پذیرفت، به توصیه رئیس جمهور سنگاپور کلیه امور مربوط به مسلمانان به این مجلس واگذار شد.

وظیفه مجلس علمای اسلامی سنگاپور این است که منافع جامعه مسلمانان سنگاپور را مورد توجه قرار دهد. مجلس علمای اسلامی سنگاپور مسئولیت ترویج امور مذهبی، اجتماعی، آموزشی، فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی مطابق با اصول و سنت‌های اسلامی را که در قرآن کریم و سنت آمده است، به عهده دارد.

گروه‌های مدیریت یا اعضای شورای مجلس علمای سنگاپور به شرح زیر است:

گروه شورای مجلس علما: شامل همه افراد تصمیم‌ساز و پاسخ‌گو است که مسئول تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی هستند. اعضای این شورا متشکل از رئیس مجلس علمای اسلامی، مفتی سنگاپور، وزیر مسئول در امور مسلمانان و اشخاص دیگر است که نماینده سازمان‌های مسلمانان سنگاپور هستند. کلیه اعضا به تشخیص رئیس جمهور سنگاپور منصوب می‌شوند. نمودار تشکیلاتی شورا به شرح زیر است.

■ شورا؛

■ مدیر؛

■ ده واحد (یونیت) که هر کدام به شرح زیر هستند:

■ ۱. خوشه مسجد: توسعه مسجد، رهبران مسجد، برنامه‌های مسجد؛

■ ۲. خوشه توسعه اجتماعی: زکات و وقف، پرداخت خرجی، توانمندسازی؛

■ ۳. خوشه توسعه و نوآوری: آموزش و پرورش و نوآوری، نوآوری و تعهد، تعامل با جوانان؛

■ ۴. خوشه ظرفیت‌سازی: Asatizah، آکادمی؛

■ ۵. خوشه توسعه اسلامی: مدرسه، دفتر مفتی؛

■ ۶. خوشه مدیریت دارایی: خدمات حج، گواهی (تأیید) حلال؛

■ ۷. خوشه توسعه سیاست‌گذاری: مطالعات سیاست‌گذاری؛

■ ۸. خوشه تعامل اجتماعی (تعامل محله): ارتباطات صنفی، مرکز هماهنگی (انتظامات)، شبکه

مردم؛

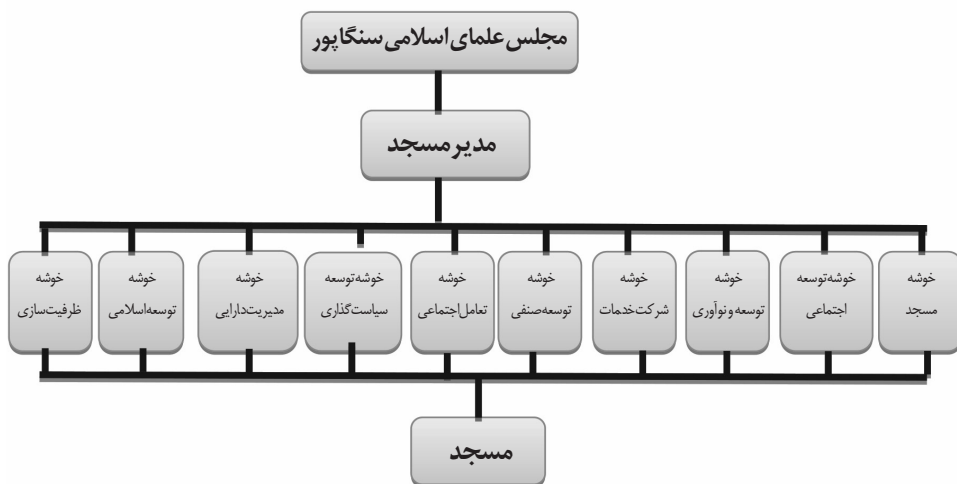
■ ۹. خوشه توسعه صنفی: منابع انسانی، تعالی سازمانی؛

■ ۱۰. خوشه شرکت خدمات: امور مالی، سیستم‌های اطلاعاتی؛

این مجلس، مرکز اصلی رهنمون مسلمانان سنگاپور و ناظر بر تمام امور مربوط به مسلمانان است و سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد مساجد این کشور را بر عهده دارد و در کنار ایفای این نقش مهم، هدایت‌کننده و مجری برنامه‌ها و فعالیت‌های کلان حوزه مسجد است و در حوزه مدیریت خرد مساجد نیز بیشتر از طریق نظارت مستمر و نظام‌مند بر خوشه‌های مساجد اعمال مدیریت می‌کند.

این مجلس، خوشه‌ها (واحد‌های) گوناگونی دارد که در همه جنبه‌های دینی و زندگی اجتماعی فرهنگی سیاسی و غیره مربوط به مسلمانان فعالیت می‌نماید. نکته شایان توجه و بسیار مهم این که همه این خوشه‌ها تقویت‌کننده مساجد هستند و نقطه عملیات و خاکریز عملیاتی آنها در مساجد قرار دارد و بر امور مسلمانان و اماکن مذهبی نظارت دارد. بستر کلیه فعالیت‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی

مسلمانان در مساجد قرار دارد و در این مکان مقدّس، کلیه جنبه‌هایی که برای حیات و زندگی هر مسلمان لازم است، شکل می‌گیرد. حلقه‌نهایی سیکل مدیریت تشکیلات مساجد، حلقه اجراست که مساجد بستر اجرای کلیه فعالیت‌های این چرخه هستند. در واقع، دوره‌های فعالیت مساجد در سنگاپور را به شکل زیر می‌توان تبیین کرد. این نمودار گواه بر تبیین بهتر چگونگی تشکیلات فعالیت‌های دینی با محوریت مساجد است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که سیستم مدیریت مساجد در سنگاپور از وحدت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شروع می‌شود و به کثرت در حوزه خوشه‌ها و واحدهای مسئول اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها می‌رسد و در نهایت باز در حوزه بستر و مرکز اجرای برنامه‌ها که همان مساجد است به وحدت ختم می‌گردد. شکل زیر نمودار تشکیلاتی مدیریت مساجد سنگاپور را نشان می‌دهد:



هیئت مدیره مساجد که به تشخیص MUIS (مجلس علمای اسلامی سنگاپور) تعیین می‌گردند، مساجد را اداره می‌کنند. این هیئت مدیره هر دو سال یک‌بار انتخاب می‌شوند که در اجرای برنامه‌های روزانه مسجد، جذب سرمایه، استخدام کارمندان تمام وقت و پرداخت هزینه برای اداره مساجد خودگردان هستند. مساجد در تأمین مالی هزینه‌های عملیاتی و اجرایی خود دچار مشکل نمی‌شوند. بدیهی است از هدایا و کمک‌های وسیع مردمی هم بهره می‌بینند و MUIS از نظر مالی، حداقل پشتیبانی را به آنها ارائه می‌کند و عمده پشتیبانی از مساجد توسط MUIS به شکل آموزش است. مساجد در سنگاپور دو گونه‌اند: مساجد قدیمی، مساجد جدید.

مساجد جدید، یک‌چهارم کل مساجد سنگاپور را تشکیل می‌دهند. در هر منطقه مسکونی جدید، حداقل یک مسجد جدید برای عبادت مسلمانان احداث شده است. مساجد جدید نه تنها فعالیت‌های خود را متمایز می‌کنند، بلکه معماری این مساجد نیز آنها را به یک نشانه در میان دیگر ساختمان‌ها و آپارتمان‌های مناطق مسکونی تبدیل می‌کند.

امروز در سنگاپور غیر از آنکه مردم برای دعا و عبادت خداوند در مساجد گردهم می‌آیند، فعالیت‌های متنوعی، مانند آموزش و پرورش و سایر فعالیت‌های اسلامی در مسجد صورت می‌گیرد. مساجد جدید در سنگاپور برخلاف مساجد گذشته، به طیف وسیعی از فعالیت‌ها با هدف برآورده کردن نیاز مسلمانان در همه مقاطع سنی و زمینه‌های گوناگون و منافع مسلمانان می‌پردازند. مساجد در سنگاپور به عنوان مراکز جامعه اسلامی تلقی می‌شود. این مساجد در طول روز به مسلمانان در همه سنین خدمات می‌دهند. کلاس‌های مذهبی بزرگسالان به طور معمول بعد از نماز فجر برگزار می‌شود. پس از آن، کودکان و کلاس مدارس آموزشی برای کودکان برگزار می‌شود. کلاس‌های بزرگسالان دوباره در شب برگزار می‌شود. در تعطیلات آخر هفته، کلاس‌های آموزشی برای کودکان و بزرگسالان نیز برگزار می‌شود. بر این اساس، برای کلیه مساجد جدید، مدارس، سالن‌های تابعه، کلاس‌های درس، تالار کنفرانس، واحدهای اداری و بخشی نیز برای بانوان برای افزایش نقش آنان در جامعه طراحی می‌شود. همچنین، فضایی برای عبادت و دعا برای بانوان که نقشی مهم در مدیریت مساجد دارند، در طول فعالیت‌های سالانه در نظر گرفته شده است.

عوامل مؤثر در مدیریت موفق مساجد در سنگاپور^۱

۱- بهره‌مندی هوشمندانه از فضای توسعه محیطی

کشور سنگاپور در طول سالیان اخیر از توسعه همه‌جانبه و فراگیری برخوردار شده و این فرآیند توسعه در کلیه ابعاد و در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ظهور و بروز رسیده است. همچنین، مسلمانان این کشور، ضمن استفاده از این فضای فراهم شده و تعریف دوباره و تحلیل دقیق آن، با بهره‌مند شدن علمی و نظام‌مند از تجربیات و الگوهای موفق توسعه، هوشمندانه آن را از دیگر محیط‌های جامعه به محیط مساجد انتقال داده‌اند.

مؤید ادعای فوق، نوع ادبیات بسیار علمی و غنی آنان و توانایی در به کارگیری دانش مدیریت در مطالب

و محتوای عرضه شده است. کلمات و واژه‌های علمی، مستدل و برخوردار از غنای فکری و اندیشه متعالی، مبین داشتن، پیشینه نظری و گذراندن دوره‌های آموزش تخصصی در حوزه مسجد، قبل از تدوین راهبردها و سیاست‌گذاری در تنظیم تشکیلات و ترسیم نمودار تشکیلاتی و تعیین شرح وظایف برای مدیران مساجد و منابع انسانی فعال، از جمله این امور است.

۲- نظام سازمانی متعالی در حوزه مدیریت مساجد

سیستم (نظام) تعالی سازمانی، برنامه‌هایی است که با هدف بهبود کیفیت و ارتقای سطح بهره‌وری به دست سازمان‌ها نوشته می‌شود. مهم‌ترین حلقه در این نظام، ارزشیابی مستمر و هدفمند فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی است. سیستم تعالی سازمانی، الگویی است که از بنیاد کیفیت اروپا گرفته شده است و ابعاد مختلفی از جمله بحث رهبری، برنامه‌ریزی و تعیین راهبردها و خط‌مشی، مدیریت منابع انسانی، مشارکت‌ها (ارتباط هدفمند با عوامل تأثیرگذار برون سازمانی، برای دریافت کمک و منفعت از آنها) و منابع، فرآیند در حوزه توانمندسازها و نتایج کارکنان، مشتری، جامعه و نتایج کلیدی عملکرد دارد.

مسلمانان سنگاپور، نخستین کسانی بودند که در میان دیگر مسلمانان و کشورهای اسلامی، نظام سرآمدی و تعالی سازمانی را به صورت هدفمند در حوزه مسجد بنیان‌گذاری و بهره‌برداری نمودند.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های انجام شده به همت مدیران مساجد سنگاپور در این زمینه، بومی‌سازی و بازتعریف این نظام و متناسب‌سازی و کاربردی کردن مواردی است که نیاز به تغییر و اصلاح با هدف بهبود کیفی و کمی در اداره سرآمدی مساجد داشته‌اند. برای کلمات و واژه‌های آن معادل‌سازی کرده و عناوین مناسب را با حوزه کارکردی مساجد انتخاب نموده‌اند و شماری از عواملی را که نیاز به تغییر نداشته و قابلیت استفاده را داشته‌اند، به همان صورت به کار گرفته‌اند.

در این شیوه، پرسش‌نامه‌ای با یکصد سؤال برای ارزشیابی مساجد طرح شده و با مراجعه به مساجد بر اساس شاخص‌های تعیین شده هر مسجد را امتیازدهی و سطح‌بندی می‌کنند و مساجدی را که در سطح تعیین شده برای برگزیده شدن و دریافت جوایز قرار بگیرند، ضمن انتخاب به عنوان مساجد نمونه و اهدای جوایز، به مراکز تعیین‌کننده کیفیت سنگاپور معرفی می‌شوند.

یکی از مزایای استقرار این نظام در مساجد سنگاپور، شناخت دقیق نقاط ضعف و کاستی‌ها و نیز آسیب‌شناسی مدیریت مساجد و فعالیت‌های اجرایی آنهاست. مهم‌ترین محورهایی که در پرسش‌نامه تعالی سازمانی در حوزه مسجد مورد توجه جدی قرار گرفته است موارد مشروح زیر است:

■ رهبری (رهبری مسجد، مسجد و فرهنگ فعالیت در آن، تصویر مسجد)، سؤال‌های شماره

۱ تا ۱۴؛

■ برنامه‌ریزی (راهبرد توسعه و پیشرفت)، سؤال‌های شماره ۱۵ تا ۲۴؛

■ اطلاعات (مدیریت اطلاعات، مقایسه و تعیین معیار)، سؤال‌های شماره ۲۵ تا ۳۴؛

■ اجتماع مسجد (برنامه‌ریزی کارکنان، مشارکت اجتماع مسجد، آموزش کارکنان مسجد،

تربیت و توسعه، سلامت اجتماع مسجد، عملکرد و شناخت اجتماع مسجد)، سؤال‌های شماره

۳۵ تا ۵۵؛

■ فرآیندها (فرآیند توسعه‌های جدید و فعالیت‌های بهتر مساجد، مدیریت فرآیند و بهبود،

عرضه‌کننده‌های خدمات و فرآیندهای مشارکت)، سؤال‌های شماره ۵۶ تا ۷۴؛

■ جماعت (الزامات جماعت، ارتباط دوستانه جماعت، میزان رضایت جماعت)، سؤال‌های شماره

۷۵ تا ۸۶؛

■ نتایج (نتایج جماعت، نتایج مالی، نتایج بازار و مطلوبیت نهادی، نتایج اجتماع مسجد، نتایج

عملیاتی)، سؤال‌های شماره ۸۷ تا ۱۰۰.

یکی از مهم‌ترین مراحل عملیات و اجرای توسعه سرآمدی (تعالی) سازمانی در مساجد سنگاپور، ارزیابی مستمر مساجد این کشور است. شیوه اجرای این ارزیابی به صورت حضوری و از طریق تکمیل فرم‌های سطح‌بندی شده همراه با موضوعات مشخص و تعریف شده است.

۳- مدیریت مستقل مساجد سنگاپور

همان‌گونه که در مطالب قبلی بیان شد، کشور سنگاپور حکومت لائیک دارد و مبانی اعتقاد دینی در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی آن دخیل نیست و در امور مذهبی و دینی مردم نیز مداخله‌ای ندارد و همین امر موجب شده است تا پیروان ادیان در آن، آزادی کامل داشته باشند و در سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد و نیز تعیین راهبردها نوعی استقلال داشته باشند. این امر در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای جامعه مسلمان سنگاپور زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه آنان را فراهم ساخته است.

شیوه مدیریت و تشکیلات مساجدشان به‌طور کامل غیردولتی است و آنان در تأمین منابع مالی و نیز پرورش نیروهای انسانی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی انتظار دریافت کمک‌های مالی از دولت ندارند. به همین لحاظ نیز هدایت و پشتیبانی در حوزه مدیریت مساجد، فقط از یک مرکز صورت

می‌گیرد و از تعدّد و تشتّت در مدیریت به شدّت پرهیز شده است. با توجّه به اینکه مدیریت در مساجد سنگاپور نیاز به دستگاه‌ها و نهادهای بالادستی و حکومتی ندارد، جامعه مسلمانان این کشور همگی خویش را در امر مدیریت مساجد و تأمین منابع مالی و پشتیبانی گسترده از آن، در همه سطوح و لایه‌ها سهیم می‌دانند و مشارکتی فعالانه در اداره مساجد دارند.

از طرف دیگر، در اقلیت بودن جمعیت مسلمانان در این کشور موجب شده است تا نوعی احساس همبستگی و انسجام در بین آنان پدید آید.

۴- وحدت رویه علما و مردم در اداره مساجد

یکی از ویژگی‌های جامعه مسلمان در سنگاپور، حاکمیت یکپارچه مجلس علمای اسلامی سنگاپور (Muis) بر کلیه امور مربوط به مسلمانان است. امری که حتّی دولت لائیک این کشور نیز آن را پذیرفته است. حاکمیت علما بر مساجد نیز به صورت تعیین هیئت امنای مساجد است.

بر این اساس، کلیه فعالیت‌های مساجد با محوریت مجلس علمای اسلامی و با نظارت و هدایت کامل آنان اعمّ از: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعریف و تبیین فعالیت‌ها و نیز نقشه راهبردی اداره مساجد ترسیم می‌گردد. پذیرش همه این علما توسط مردم نیز قابل توجّه است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر و ارتباط دوطرفه و بهینه بین مردم و علما، مردمی بودن علما و عدم وابستگی آنان به حکومت است.

در واقع، می‌توان گفت که مردم، نهادهای مدیریتی در مساجد را به‌طور کامل می‌پذیرند و این نهادها را متعلّق به خود می‌دانند.

۵. مسلمانان تأمین‌کننده منابع مالی اداره مساجد

در سنگاپور برای ساخت و اداره مساجد به‌طور عمده از کمک‌های مالی مسلمانان این کشور استفاده می‌شود. دریافت کمک‌های مالی به صورت منسجم و پیوسته و به‌طور غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در این کشور کمک‌های داوطلبانه مردمی در ساخت مساجد، از طریق کسر ماهانه حداقل پنجاه سنت از سال ۱۹۷۵م شروع شده و از سال ۱۹۷۷م به یک دلار افزایش یافته و هم‌اکنون این میزان به دو تا پنج دلار رسیده است. این کمک‌ها بیشتر به صورت خودکار از حساب حقوق ماهیانه کارکنان و به صورت داوطلبانه در کمک به ساخت و اداره مساجد از طریق کسور سازمانی دریافت و به حساب صندوق ویژه که به این منظور در نظر گرفته شده است، واریز می‌گردد؛ زیرا این پول به‌طور مستمر برای مساجد واریز می‌گردد و

در نتیجه، اصولی تر و با برنامه‌ریزی منطقی‌تر برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی و فرهنگی و غیره هدایت و هزینه می‌گردد.

۶- ساختار منظم و شبکه‌ای مساجد سنگاپور

ساختار تعریف شده برای اداره مساجد در سنگاپور به صورت شبکه‌ای طراحی شده است. این مساجد به صورت منطقه‌ای تقسیم شده و در قالب خوشه‌ای تعریف شده‌اند. مهم‌ترین اهداف تبیین شده برای خوشه‌بندی مساجد این گونه بیان شده است:

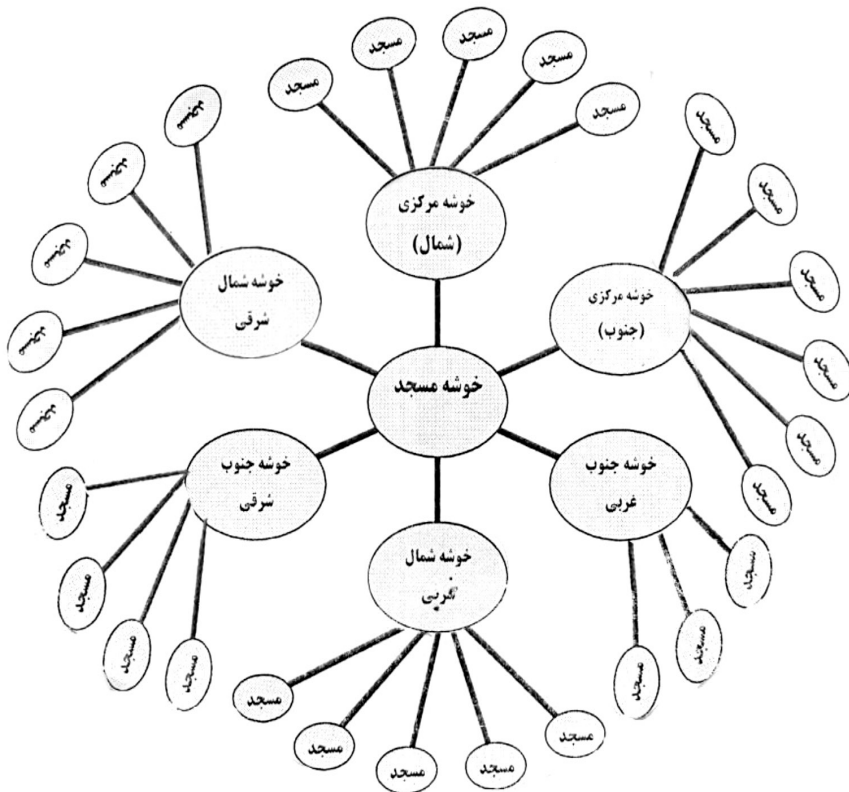
- الف) تسهیل در تسهیم و تبادل منابع و انتقال تجربیات و شیوه‌های برتر؛
 - ب) تعیین و اجرایی کردن طرح و برنامه‌های مشترک؛
 - ج) همکاری استراتژیک میان مساجد و سایر سازمان‌ها و نهادهای ملی؛
- در هر شبکه، مساجدی موفق، احداث شده که این تجربیات و علل موفقیت آنها از طریق شبکه به دیگر خوشه‌های زیر مجموعه انتقال داده می‌شود.

خوشه‌بندی یا شاخه‌بندی مساجد (Clustering Mosque) سنگاپور:

هر یک از مساجد این کشور در یکی از خوشه‌های شش‌گانه زیر قرار می‌گیرد:

۱. خوشه مرکزی (شمال) با تعداد ۱۵ مسجد؛
۲. خوشه مرکزی (جنوب) با تعداد ۱۴ مسجد؛
۳. خوشه جنوب غربی با ۱۳ مسجد؛
۴. خوشه شمال غربی با ۷ مسجد؛
۵. خوشه شمال شرقی با ۷ مسجد؛
۶. خوشه جنوب شرقی با ۱۳ مسجد؛

شکل صفحه بعد نمودار خلاصه شده‌ای از توزیع و شاخه‌بندی مساجد را در کشور سنگاپور نشان می‌دهد:



۷- استقرار واحدهای متعامل و مکمل مساجد

در سنگاپور، نهادهای فعال در حوزه دین، تقویت کننده یکدیگرند و بر اساس نوع تقسیم کار و تعریف منطقی شرح مسئولیت‌ها و تفکیک وظایف، به شدت از موازی کاری و تداخل در دیگر خوشه‌ها پرهیز شده است. همین عامل موجب شده تا خوشه‌ها بر اساس چارچوب و راهبردهای تعیین شده حرکت نمایند و کاری انجام ندهند که موجب اتلاف نیرو و منابع انسانی و هزینه گردد.

۸- آموزش و اعزام مستمر مدیران و کارگزاران مساجد

همان گونه که در مطالب قبلی اشاره شد، در نظام مدیریت مساجد سنگاپور سیستم (نظام) سرآمدی و یا تعالی سازمانی اجرا شده است. این امر مستلزم آن است که با هدف به‌روزرسانی اطلاعات و آگاهی مدیران و ارتقاء سطح کمی و کیفی معلومات و دانش مدیریت برای منابع انسانی فعال در مساجد، به‌ویژه برای مدیران

مساجد، آنان به مراکز آموزشیِ متخصص در حوزه تعالی سازمانی، اعزام شوند. امامان جماعت و اعضا برای کسب معلومات و تعلیمات به مراکز تعالی راهنمایی می‌شوند تا از این طریق به عصر طلایی اسلام، یعنی جایگاه ویژه مسجد در صدر اسلام بازگشت داشته باشند. اعضای هیئت مدیره مسجد، در سازمان‌دهی این دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در رهبری و مدیریت آن حضور دارند. این دوره‌ها را که MUIS (مجلس علمای اسلامی سنگاپور) برگزار می‌کند، بخشی از هدف توسعه مساجد است که در مراکز تعالی انجام می‌شود.

۹- تجمیع کارکردهای متنوع در مساجد

یکی از حسنات و مزایای مدیریت مساجد در سنگاپور احیاء و به‌روزرسانی کلیه کارکردها و نقش‌ها و خرده نقش‌ها در مساجد است و کلیه فعالیت‌های مربوط به مسلمانان در مساجد، قابل احصاء و اجراء است. به همین دلیل، اکثر قریب به اتفاق کارکردهای دینی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی قابل اجرا برای جامعه مسلمانان و امور خدمات رفاهی در مسجد انجام می‌گیرد. برخی از این امور عبارت‌اند از: مشاوره ازدواج، وعده‌های غذایی رایگان، نمایشگاه، گفتگو در مورد سوء استفاده مواد مخدر و عقد نکاح یا ازدواج رسمی و غیره.

۱۰- جلوگیری از ورود مساجد به احزاب سیاسی

تناسب نداشتن نوع حکومت (لائیک) و نوع نگرش مذهبی مسلمانان سنگاپور موجب شده است تا آنان به علت این ناهماهنگی و ناهمخوانی در عمل در مسائل سیاسی حکومت وارد نشوند و به هواداری یا عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی نپردازند. آنان عمده فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را در مساجد تعریف و سازمان‌دهی کنند. به همین علت کارکرد سیاسی مسجد بیشتر در این کشور نمود دارد و به عنوان بستر فعالیت سیاسی در کنار دیگر فعالیت‌ها و کارکردهای مسجد معنا و مفهوم پیدا می‌کند. این امر در نهایت، ضمن انسجام بخشی به مسلمانان و جلوگیری از سیاست‌زدگی و سیاسی‌بازی و برخورد‌های سیاسی و حزبی در مساجد، از تولید تشّت و تفرقه بین آنان جلوگیری می‌کند.

۱۱- رقابت سالم پیروان ادیان در تدوین برنامه‌ها و فعالیت‌ها

این نکته، یک اصل مهم است که همواره در فضای رقابت سالم، زمینه‌های رشد و توسعه همه‌جانبه فراهم می‌شود. کشور سنگاپور دارای تنوع دینی است و برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که دین رسمی آنها فقط یک دین است، در این کشور برخلاف جمعیت کم، سه دین را حکومت به عنوان ادیان رسمی اعلام

کرده است. حاکمیت این ادیان گوناگون، موجب شده است تا ناخواسته نوعی فضای رقابتی برای پیروان آنها فراهم شود. گویی اینکه فضایی سالم در این میان حاکم است. صحت این قول، حاکمیت صلح و آرامش در میان اقوام و نژادهای گوناگون و احترام متقابل آنها به یکدیگر است.

۱۲- سند چشم انداز و نقشه راه کارکردهای مساجد

یکی از علل مهم موفقیت مدیریت مساجد در سنگاپور، تعریف و تبیین چشم انداز برای مساجد است. در این چشم انداز، اهداف بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت به درستی تعریف شده و روال اجرایی همه فعالیت هایی که در مساجد انجام می گیرد، مطابق با این اهداف ترسیم شده است. این امر، تأثیری بسیار مثبت و عمیق در مدیریت موفق مساجد دارد؛ زیرا مدیران مساجد در چارچوب های تعیین شده، در نقشه راه، مسیر برنامه ریزی و اجرای فعالیت های مساجد را ترسیم می کنند و چون مبنای حرکت بر اساس نگاه علمی و منطقی و در قالب چشم انداز است در نتیجه، انحرافی از این برنامه ها، سیاست ها و راهبردها دیده نمی شود.

۱۳- فراگیری کارکردهای مساجد با نظرگاه اقتضای زمان و مکان

این نکته را باید مدنظر قرار دهیم که مسجد نهاد تک کارکردی صرف نیست و نقش های بسیار متعدّد و متنوع است. این مهم در سنگاپور مورد عنایت جدی قرار گرفته است. همان گونه که در مطالب قبلی اشاره شد، در سنگاپور مساجد جدید با رویکرد عملیاتی نمودن ایده چند کارکردی و تکثر و تنوع فعالیت ها و برنامه های گوناگون با توجه به شرایط و اقتضائات زمانی و موقعیت جغرافیایی و مکانی شکل گرفته و بنا شده اند.

البته به این نکته اساسی درباره کارکردها و نقش اجرایی مساجد باید عنایت داشت که برخلاف فراهم سازی زمینه های تنوع پذیری کارکردها، همچنان کارکرد عبادی و مناسکی از اولویت اصلی و اول بر خوردار است. اقامه نماز جماعت در مساجد از جایگاهی ویژه و مهم در میان کارکردهای عبادی برخوردار است و هیچ گاه این امر تحت تأثیر و حاشیه دیگر برنامه ها و فعالیت ها قرار نمی گیرد؛ به خصوص در برپایی نمازهای روزانه به جماعت، حساسیت فراوان دارند و همواره اجرای آن را مورد تأکید قرار می دهند و اعلام می نمایند که در همه برنامه ها، امور عبادی باید محور به شمار آید.

۱۴- جوان محوری در برنامه ریزی و اجرای برنامه ها

یکی از ویژگی ها و اصول مهم تعیین شده تشکیلات و مدیریت مساجد در این کشور، تدارک و برنامه ریزی

فعالیت‌ها با محوریت جوان و قائل شدن جایگاه ویژه برای ایشان است. این امر در ارتباط با مناسک عبادی و نیز در کلیه فعالیت‌های دیگر، از قبیل آموزش، اوقات فراغت، ورزش، مشاوره و غیره به‌طور کامل مشهود است.

نکته مهم این است که مدیران، همه سعی و اهتمام خویش را صرف تدارک و برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی می‌کنند که به آسانی برای یک جوان، قابل استفاده و بهره‌مندی و دست‌یابی باشد و طوری رفتار نمی‌کنند که جوانان با مشکل مواجه شوند.

۱۵- برنامه‌ریزی برای توسعه و تعالی خانواده

با توجه به اینکه خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی، تأثیری فراوان در سلامت جوامع، به‌ویژه جامعه اسلامی دارد و زمینه‌سازی این مهم به همت خانواده‌های سالم شکل می‌گیرد؛ به همین علت توجهی ویژه به این امر معطوف شده است. در این راستا، محوری ویژه در برنامه‌ریزی فعالیت‌های مساجد با عنوان توسعه خانواده در نظر گرفته شده است. از جمله فعالیت‌هایی که مختص خانواده‌ها انجام می‌شود، آموزش دادن به آنان است. هدف از آموزش خانواده‌ها، ارتقاء سطح معلومات و آگاهی آنان است.

۱۶- توانمندسازی فعالیت‌ها و عملکردی فعالان مساجد

از دیگر دلایل موفقیت مدیریت مساجد در این کشور، نگاه ویژه به امر توانمندسازی به خصوص در حوزه منابع انسانی است. در کنار برنامه‌ریزی فعالیت‌های گوناگون در این راستا (از جمله آموزش مستمر)، تقویض اختیار به زیرمجموعه‌ها نیز صورت می‌گیرد؛ به نحوی که موجب تقویت و افزایش اعتماد به نفس منابع انسانی فعال در مساجد می‌شود. به علاوه، واگذاری اختیار، نوعی احساس استقلال در تصمیم‌گیری و اجرا را به آنان می‌بخشد که با این کار، زمینه افزایش انگیزه در نوآوری و به کارگیری روش‌های خلاقانه در افراد پدید می‌آورد و فرد مجبور می‌شود فعالیت‌های خود را با سطح نیاز مخاطبان هماهنگ سازد. البته گفتنی است که بحث توانمندسازی در سنگاپور در تحقق توسعه کلان، در دیگر بخش‌ها و سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی نیز صورت می‌گیرد و فضای دانش‌محور در این کشور حاکم است و مسلمانان نیز به عنوان بخشی از جمعیت تشکیل‌دهنده این کشور متأثر از این موضوع هستند.

۱۷- روزآمدسازی فعالیت‌ها و برنامه‌های مساجد

از مزیت‌های ویژه مسلمانان سنگاپور، بهره‌گیری و استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه ارتباطات

و اطلاعات (IT) است. این امر سبب شده است که فضای ارتباط و تعامل بین مسلمانان و مراکز دینی، به خصوص مساجد با سرعت و دقت و به صورت آسان انجام گیرد و اطلاعات آن در شبکه‌ای وسیع به مسلمانان منتقل شود.

پرداخت و دریافت روزآمد امور مربوط به زکات، ثبت نام حج، غذای حلال، کمک‌های مالی به مساجد و محاسبه زکات و پرداخت فطره با استفاده از کارت‌های اعتباری و به روش‌های زیر انجام می‌گیرد:

Enest - Flexi pay - اینترنت بانکی User ID

۱۸- بانک جامع اطلاعاتی از وضع مسلمانان سنگاپور

همان گونه که ذکر شد، از مزیت‌های مدیریت موفق مساجد در سنگاپور، بهره‌گیری از سیستم سرآمدی سازمانی است. برای این منظور ضروری است که مدیران مساجد برای برنامه‌ریزی دقیق، اطلاعات کامل و جامعی از وضعیت مسلمانان داشته باشند تا بتوانند سیستم تعالی و برنامه‌ریزی هدفمند را برای توانمندسازی آنان فراهم کنند. مسئولیت اجرای این کار بر عهده «اداره برنامه‌ریزی مساجد» است. این اداره زیر نظر مجلس علمای اسلامی سنگاپور فعالیت می‌نماید.

تهیه این اطلاعات از مخاطبان و اطلاع از علاقمندی آنان برای عضویت در کمیته‌ها، انجمن‌ها، احزاب، مجامع و مؤسسات، به همّت افرادی انجام می‌گیرد که تحت پوشش (muish) فعالیت می‌نمایند. بعد از تکمیل فرم، هر فرد متقاضی، خویش را موظف می‌داند که به مقررات و ضوابطی که مجلس علما تعیین می‌کند، پایبند بماند و تمام تصمیمات این مجلس را بپذیرد و در هر نوع آموزشی که مجلس علما برای او در نظر می‌گیرد، شرکت نماید.

نکته جالب در این فرم، قرار دادن جای ویژه برای امضا و تأیید تکمیل این فرم توسط معرف و رابط مسجد و در نهایت دفتر برنامه‌ریزی مسجد است. در این زمینه اطلاعات مسلمانانی که حداقل ۲۱ سال دارند، به طور کامل در قالب یک فرم دریافت می‌گردد. مشخصات زیر در این فرم درج شده است:

مشخصات فردی، نژاد و ملیت، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت شغل، نشانی محل کار، آدرس محل کار و زندگی، کدپستی، تحصیلات، شماره تماس، نام معرف، و غیره.

۱۹. خدمات رفاهی و آموزشی کارکنان مساجد

فعالیت‌هایی در قالب فرصت شغلی و ارائه بورسیه به کارکنان داده می‌شود. در ترسیم اهدافی که برای

این منظور در نظر گرفته شده، چنین آمده است: ما در پی توسعه جامعه مسلمانان با اعتبار غنی اسلامی که لازمه پیشرفت در جهان معاصر است، هستیم... مجلس علمای اسلامی خود را متعهد به افزایش رفاه کارکنانش از طریق روش‌های عالی منابع انسانی می‌داند.

۲۰. اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها و برنامه‌های دینی مساجد به مسلمانان

یکی از ویژگی‌های بسیار نیکو و شاید منحصر به فرد، حوزه اطلاع‌رسانی مساجد سنگاپور است. اطلاع‌رسانی دقیق و کامل همراه با بیان جزئیات فعالیت‌هایی که برای مناسبت‌های عمومی و خاص در طول سال در نظر گرفته شده و نیز برنامه‌های روزانه و دائمی در مساجد انجام می‌شود، بیانگر برجستگی و موفقیت مدیریت مساجد در این راستا است. برای اطلاع بیشتر به چند نمونه اشاره می‌شود:

■ اعلام دقیق و زمان‌بندی شده خطبه‌های نماز جمعه در مساجدی که برگزار می‌گردد؛ نام و نام خانوادگی خطیب، نوع زبانی که خطبه قرائت می‌شود (انگلیسی، مالایی، تامیلی و عربی) و برای تعدادی از مساجد نیز خطبه به دو زبان خوانده می‌شود. حتی در مساجدی که قبل از خطبه، بیش از یک زبان صحبت می‌شود (مثل انگلیسی و مالایی)، نام این مساجد از قبل اعلام و اطلاع‌رسانی می‌شود.

■ اعلام دقیق اوقات شرعی در کلیه مناطق سنگاپور برای هر ماه مشخص می‌گردد (با توجه به اینکه حکومت این کشور در این خصوص هیچ اقدامی نمی‌نماید). در ماه مبارک رمضان، زمان امساک و افطار نیز اعلام می‌گردد.

■ اعلام دقیق مجالس تلاوت و حفظ و تجوید قرآن کریم و نام جزءهایی که در تاریخ و روزهای مشخص قرائت خواهد شد. این اطلاع‌رسانی در قالب فرم‌ها و جداول مخصوص انجام می‌گیرد.

■ اطلاع‌رسانی دقیق تمام ابعاد و اشکال و چگونگی پرداخت زکات از طریق تهیه و توزیع فرم‌های مخصوص و معرفی مراکزی که در زمینه چگونگی و میزان پرداخت زکات مشاوره می‌دهند. همچنین، فرهنگ‌سازی و ترویج سنت نیکوی زکات با بهره‌گیری از آیات و روایات همراه با بیان آثار و برکات آن و نیز تأکید بر این جمله که پرداخت زکات، راهی برای تقویت جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

■ اطلاع‌رسانی دقیق از غذاهای حلال و مراکز عرضه کننده آن به خوبی انجام می‌شود. با توجه به اینکه غالب مردم کشور سنگاپور غیرمسلمان هستند، همین امر سبب شده است تا مسلمانان

در تهیه غذاهای حلال حساسیت داشته باشند. اطلاع‌رسانی دقیق در این خصوص، به آنها کمک شایان توجهی نموده است.

■ اعلام مساجد اقامه‌کننده نماز عید فطر همراه با ذکر زمان دقیق نماز، آدرس مساجد و نوع زبان قرائت خطبه در کل سنگاپور، با هدف اطلاع دقیق مسلمانان از برنامه‌های این عید بزرگ صورت می‌گیرد.

■ تهیه تقویم اسلامی سالانه برای مسلمانان از دیگر موارد است. با توجه به اینکه تقویم رسمی کشور سنگاپور میلادی است، برای اطلاع‌رسانی دقیق روزهای مناسبت‌های دینی برای انجام عبادات و مناسک عبادی، تقویم سالانه اسلامی تهیه شده و منتشر می‌شود.

۲۱- سنخیت و تناسب فعالیت‌ها و برنامه‌ها با گروه هدف

تدارک و اجرای برنامه‌های مساجد، بر اساس وضعیت عمومی مخاطبان صورت می‌گیرد. تناسب سنی، مقاطع سنی (کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال)، جنسیت و نوع نیاز مخاطبان (دینی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی) و نیز زبان مخاطب (انگلیسی، مالایی، عربی) و در قالب‌های مختلف (کلاس آموزشی، نمایشگاه، باشگاه جوانان) و... در این برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته می‌شوند.

از جمله مهم‌ترین مسائلی که ویژه مخاطبان مسجد در نظر گرفته می‌شود و از آنها درخواست می‌شود، مراعات حداقلی و شرایط عمومی (آداب، رفتارها و...) برای حضور در مسجد است. البته، آنان را تحت شرایط سخت‌گیرانه قرار نمی‌دهند تا موجب گریز آنان از مسجد گردد.

۲۲- تربیت و کادرسازی از میان جوانان

از برنامه‌های مهم اجرایی تشکیلات مساجد در سنگاپور، توجه ویژه به تربیت نیروهای متخصص و توانمند از میان جوانان مسلمان است. در این زمینه، «مدارس اسلامی سنگاپور» راه‌اندازی شده‌اند. این مدارس، همگام با دنیای مدرن در حوزه‌های علمی و آموزشی حرکت می‌کنند و نمادی از تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌روند. امروز بسیاری از جوانان فارغ‌التحصیل این مدارس، به افراد مهم و برجسته در سطح کشور تبدیل شده‌اند؛ چنان‌که عده‌ای از آنها در سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی، در مسئولیت‌هایی مهم به کار مشغول شده‌اند. علت موفقیت آنان را باید در ارتقای سطح دانش و آگاهی این افراد دانست که در کنار آموزش‌های علمی، آموزش‌های اسلامی را نیز فرا گرفته‌اند. با توجه به این موفقیت‌هاست که مشابه

این مدارس در کشورهای دیگر، از جمله مالزی و فیلیپین نیز راه‌اندازی شده است.

پیشنهادهای

بهره‌گیری اصولی از نظام (سیستم) تعالی سازمانی (سرآمدی)، از طریق بومی‌سازی با هدف روزآمدسازی و کارآیی بخشی به مساجد کشور؛ این امر در توانمندسازی و ارتقاء سطح کمی و کیفی فعالیت‌های سازمان مساجد در حوزه‌های مختلف سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و منابع انسانی تأثیری فراوان و شگرف خواهد داشت.

اتخاذ ساز و کار مناسب به منظور تبیین صحیح و ضرورت طرح بحث واگذاری مدیریت کلان و خرد مساجد کشور به مردم و استقلال بخشی به آن، حول محور و «استوانه ولایت» از طریق عالمان دینی. با توجه به تعداد بی‌شمار مساجد در سطح کشور ما (بیش از ۷۰ هزار مسجد)، ضروری است نگاهی نظام‌مند و شبکه‌ای در مدیریت آن اعمال و اجرا گردد؛ زیرا بهترین شیوه برای اداره این تعداد مساجد - با توجه به گسترش و پراکندگی آنها در سطح کشور - است. این روش می‌تواند ثمربخش و پرفایده باشد. احیاء و روزآمدسازی کارکردها و فعالیت‌های دینی با محوریت مساجد، به گونه‌ای که هر فعالیت جدید که در حوزه دینی صورت می‌گیرد، بستر اجرای آن برای مساجد تعریف شود. متأسفانه در زمان حاضر به جای افزایش کمی کارکردها در مساجد، به جداسازی فعالیت‌های دینی و فرهنگی از مساجد پرداخته شده و با راه‌اندازی فرهنگسراها، مجتمع‌های فرهنگی، کانون‌های قرآن، مهدهای کودک، حسینیه‌ها، هیئت‌ها و خیمه‌های خارج از مسجد و...، کارکردهای مساجد به شدت کاهش پیدا کرده و با ادامه این روند، در آینده نزدیک شاهد محدود و معدود شدن مساجد تنها در کارکرد عبادی و مناسکی آنها خواهیم بود.

با توجه به اینکه یکی از بسترهای مهم در فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی فرهنگ مسجد، عامل اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی لایه‌ها و سطوح مختلف اجتماع است، لازم است در خصوص این جایگاه مهم توجه و عنایت ویژه شود و برنامه‌ریزی اصولی برای بهره‌مندی حداکثری از فضای رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی، به خصوص در فضای مجازی و سایبری صورت پذیرد.

هماهنگ‌سازی و متناسب‌سازی برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی در مساجد با سطح توقعات و انتظارات سطوح و لایه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه طبقه جوان و قائل شدن جایگاه ویژه برای مخاطبان و توجه به ذوق و سلیقه آنها، موجب ایجاد و تقویت حس همدلی و هماهنگی با مدیران مساجد و روی آوردن آنها به مساجد خواهد شد؛ زیرا مسجد، به عنوان پایگاهی است که می‌تواند در کمال صداقت، نیازها و توقعات آنها

را برآورده سازد.

از جمله اشکالات جدی که در وضعیت فعلی مدیریت مساجد ما، چه در بُعد کلان و چه در بُعد خرد دیده می‌شود، بی‌توجهی به بحث بسیار مهم خانواده‌هاست. ضروری است که در مدیریت مساجد و در تمامی ابعاد آن (کلان و خرد) برای خانواده‌ها به خصوص والدین و بالاخص مادران، جایگاهی ویژه در نظر گرفته شود؛ زیرا هرگاه بتوانیم نهاد خانواده را با مساجد انس دهیم و آشنا و جذب نماییم، در نتیجه، زمینه ایجاد جامعه‌ای سالم و دین‌محور فراهم خواهد شد. این نکته مهمی است که ضرورت دارد در برنامه‌ریزی برای مساجد توسط مدیران و متولیان امر مسجد، مورد توجه ویژه و عنایت جدی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

۱. اگرچه دین اسلام برای همه کشورها، دین ثابتی است و اختلافی در احکام و اعمال عبادی و مناسک اجرایی در مساجد، به خصوص در اصول و مبنا وجود ندارد، ولی کارکردهای سازمانی مساجد در کشورهای گوناگون، متنوع است. بنابراین، لازم است از این تنوع و تکثر کارکردها، متناسب با شرایط خاص فرهنگی کشورها بهره‌گیری و استفاده شود.

۲. نظام (سیستم) تعالی (سرآمدی) سازمانی که با هدف توانمندسازی جامعه اسلامی سنگاپور و نیز مدیریت موفق مساجد به کار گرفته شده است، با توجه به بومی‌سازی آن به همت سنگاپوری‌ها، قابلیت اجرایی در مساجد را دارد و می‌تواند به عنوان الگویی برای کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشور ما به اجرا گذاشته شود.

۳. روزآمد نمودن و متناسب‌سازی برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی در مساجد، می‌تواند زمینه کارآمدی و ایفای نقش بیش از پیش در فعالیت‌های مختلف در محیط‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه داشته باشد.

۴. استفاده از فناوری (تکنولوژی) نوین اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه فضای مجازی و سایبری، می‌تواند نقش زیادی در چابک‌سازی و سرعت، دقت و دست‌یافتنی شدن ارتباط و تعامل بین مساجد و مردم ایفا نماید.

۵. از جمله رموز موفقیت در مساجد سنگاپور، واگذاری و واسپاری امور به مردم و مشارکت فعالانه آنان در اداره مساجد است. عدم دخالت دولت مرکزی در امور مربوط به مساجد، زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه و بهره‌مندی حداکثری از مشارکت مردم شده است.

۶. ارتباط بسیار تنگاتنگ و صمیمانه بین مدیران مساجد و مردم، از عوامل موفقیت مساجد است و همین امر سبب شده است که مردم نوعی احساس یگانگی و مسئولیت در اداره مساجد داشته باشند.

۷. توجه ویژه به امر آموزش و محور قرار دادن آن با هدف ارتقاء سطح دانش و آگاهی منابع انسانی مساجد، از دیگر عوامل موفقیت اداره مساجد است.

۸. اطلاع رسانی همه جانبه و فراگیر به روش ها و شیوه های مختلف، توانسته است زمینه مشارکت بیش از پیش مسلمانان را در اداره مساجد فراهم سازد.

۹. متنوع سازی فعالیت ها و برنامه های اجرایی در مساجد و توجه به سلايق و ذوق مخاطبان و نیز مدنظر قرار دادن شرایط عمومی و اختصاصی مخاطبان، به ویژه قائل شدن جایگاه ویژه برای جوانان، از عوامل موفقیت تشکیلات مساجد در سنگاپور است.

۱۰. برنامه ریزی هدفمند و اتخاذ ساز و کار مناسب برای هماهنگی و هم خوانی سطح انتظارات مردم از مساجد و پاسخ گویی منطقی و جدی به این توقعات، موجب برآورده شدن بیشتر انتظارات و خواسته های مردم در زمینه های مختلف از سوی مدیران مساجد شده است.

۱۱. تهیه و تدوین اصولی و واقع گرایانه راهبردها و سیاست گذاری ها، ترسیم چشم انداز و افق فعالیت ها همراه با تعیین چارچوب و حدود و ثغور برای حرکت، و متمرکز بودن مرکز هدایت و رهنمون سازی این برنامه های ابلاغی، ضمن حذف تعدد مراکز تصمیم گیری و تشتت در اجرا، موجب حرکت منطقی، عقلانی و صحیح در این راستا شده که این مهم از مزایای برجسته موفقیت مدیریت مساجد در سنگاپور است.

۱۲. هم راستایی و تقویت مساجد به همت کلیه سازمان ها، تشکّل ها و مؤسسات اسلامی موجب شده است که کلیه فعالیت ها و برنامه ها در جهت تقویت مساجد صورت گیرد و موجب شود تا از اجرای برنامه هایی که موجب تضعیف مساجد و یا جدا شدن و یا حذف یک یا چند کارکرد از مسجد گردد، جلوگیری شود. همین امر موجب رشد و افزایش کمی تعداد کارکردها و نقش های فعال مساجد شده و در نهایت، زمینه ساز محور قرار گرفتن مساجد در میان جامعه اسلامی سنگاپور شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. دوهفته نامه الکترونیک شرقیان، تهران، سال اول شماره ۱۷، ۱۳۸۴ ه.ش.
۲. محمدی آشنایی، علی، سازمان و مدیریت مسجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳. موظف رستمی، محمد علی، آیین مسجد، انتشارات گویه، ۱۳۸۴ ه.ش.
۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹ ه.ش.
۵. سایت ها
۶. پایگاه اطلاع رسانی: www.mra.parsiblog.com
۷. سایت مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان: www.tebyan.net
۸. پایگاه اطلاع رسانی: www.mra.parsiblog.com
۹. پایگاه مطالعاتی تخصصی اینپا: diplomatist.blogfa.com
۱۰. پایگاه علمی و فرهنگی عابدی: www.abedinet.ir
۱۱. سایت دانشگاه ادیان و مذاهب: www.urd.ac.ir/about.php
۱۲. سایت رسمی مجلس علمای اسلامی سنگاپور: www.muis.gov.sg